



سینامی فقاهت

حیات طیبہ مرجع عظیم الشان حضرت آیت الله العظمی محمد فاضل لنکرانی
 سید حسن فاطمی موحد

سینامی فقاهت

حیات طیبہ مرجع عظیم الشان
 حضرت آیت الله العظمی محمد فاضل لنکرانی

سید حسن فاطمی موحد

حضرت امام خمینی خطاب به آیت الله فاضل در سال ۱۳۵۶:
 امید است ان شاء الله تعالی موفق به خدمت به حوزه های اسلامی باشید و افاضل
 از برکات شما بهره مند شوند
 من شمارا از کوچکی بزرگ کرده ام و به اندازه مصطفی به شما علاقه دارم.

مقام معظم رهبری به مناسبت ارتحال آیت الله العظمی فاضل:
 حوزه علمیه یکی از استوانه های علمی و تحقیقی و یکی از استادان برجسته خود
 و ملت ایران یکی از مراجع تقلید انقلابی و بیدار و پر تحرک خود را از دست داد
 ایشان در سالهای طولانی دوران اختناق در شمار برجستگانی از حوزه علمیه قم
 بودند که در میدانهای گوناگون مبارزات حضور داشته و رنج تبعید را به جان
 خریدند و پس از پیروزی انقلاب از جمله روحانیون نام داری بودند که نقشهای
 مهمی در همه موارد حساس ایفا نمودند.



انشارات مرکز فقهی از اسلام

قم - خیابان معلم - کوچه ۱۲ - پلاک ۲۴
 تلفن: ۰۲۵۱ - ۷۷۲۵۲۵۰

سینای قہاہت

حیات طیّہ مرجع عظیم الشان

حضرت آیت اللہ العظمیٰ محمد فاضل لکھنوی قدس سرہ الشریف

سید حسن فاطمی موحد

سینای تقابلیت

سید حسن فاطمی موحد

تهیه: نشر دانش حوزه

ناشر: قم، مرکز فقهی ائمه اطهار(ع)

نوبت چاپ: اول ۱۳۸۷ش

شمارگان: ۳۰۰۰

صفحه‌آرا: محمد دانشی

طراح جلد: حسن مختاری

حضرت امام خمینی خطاب به آیت‌الله العظمی فاضل:

امید است ان شاء الله تعالی موفق به خدمت به حوزه های اسلامی باشید و افاضل از برکات شایسته مند شوند. ۱

من شمارا از کوچکی بزرگ کرده‌ام و به اندازه مصطفی به شما علاقه دارم. ۲

در پیام مقام معظم رهبری به مناسبت ارتحال آیت‌الله العظمی فاضل:

حوزه علمیه یکی از استوانه های علمی و تحقیقی و یکی از استادان برجسته خود، و ملت ایران یکی از مراجع تقلید انقلابی و بیدار و پرتحرک خود را از دست داد.

ایشان در سالهای طولانی دوران احنفاق در شمار برجستگانی از حوزه علمیه قم بودند که در میدانهای گوناگون مبارزات حضور داشته و نخب تبعید را به جان خریدند و پس از پیروزی انقلاب از جمله روحانیون نام داری بودند که نقشهای مهمی در بیدار و حساس ایفا نمودند.

۱. قسمتی از پانزدهم خمینی به پیام تسلیت آیت‌الله فاضل به مناسبت درگذشت آیت‌الله مصطفی خمینی در سال ۱۳۵۶ ش. (ر.ک: سنجیده امام، ج. ۲، ص. ۲۵۹)

۲. بنقل از آیت‌الله فاضل (ر.ک: روزنامه های اطلاعات، ۱۳۷۴/۲/۶ و جام جم، ۱۳۸۴/۱/۱۵ و جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۲/۱۵، ویژه نامه های از شجره طوبی، ص. ۸)

۴ سینای فقاہت

فهرست مطالب

پیش‌گفتار/ ۹

مقدمه/ ۱۵

بخش اول: کارنامه زندگی

پدر/ ۲۱

حاج بشیر قفقازی/ ۲۱، آیت‌الله فاضل لنکرانی (فاضل قفقازی)/ ۲۲، هجرت به قم/ ۲۲، همراهی با آیت‌الله بروجردی/ ۲۳، نمونه‌ای از مشورت آیت‌الله بروجردی/ ۲۴، وصیت آیت‌الله بروجردی/ ۲۵، فعالیت‌های علمی/ ۲۶، حامی طلاب/ ۲۷، در صحنه سیاست و ارتباط با امام خمینی/ ۲۷، بیانی از آیت‌الله فاضل/ ۲۹، ارتحال/ ۳۰، یافت شدن بدن سالم/ ۳۰

طلوع تا غروب/ ۳۳

تولد و تحصیلات ابتدایی/ ۳۳، آغاز تحصیل در حوزه/ ۳۳، ازدواج/ ۳۴، تدریس/ ۳۵، ارادت به اهل بیت(ع)/ ۳۶، حوزه علمیه/ ۳۶، امامت جماعت/ ۳۶، در صحنه سیاست/ ۳۷، مرجعیت/ ۳۸، آثار علمی و فرهنگی/ ۳۸، ارتحال/ ۳۸، سال‌شمار زندگی/ ۳۹

دانش‌اندوزی/ ۵۳

ورود به حوزه علمیه/ ۵۳، استادان/ ۵۹

بر مسند تدریس/ ۶۳

ویژگی‌های درس/ ۶۵

مرید اهل بیت(ع)/ ۶۹

اهانت به ساحت پیامبر(ص) در اروپا/ ۷۰، اهانت به پیامبر(ص) در آذربایجان/ ۷۴، کتاب شهید جاوید/ ۷۵، تخریب قبور ائمه(ع) در بقیع/ ۷۶، تخریب بارگاه عسکریین(ع)/ ۷۸، امام علی(ع)/ ۷۸، حضرت فاطمه(س)/ ۷۹، امام حسین(ع)/ ۸۲، امام مهدی(ع)/ ۸۲، حضرت معصومه(س)/ ۸۳

یاور راستین امام خمینی/ ۸۵

مقام علمی امام خمینی/ ۸۷، در رکاب امام/ ۸۸، مرجعیت امام/ ۹۰، زمینه قیام امام/ ۹۱، توصیف امام و قیام او/ ۹۲، ضرورت شناخت امام/ ۹۴، تبیین دیدگاه امام در حکومت اسلامی/ ۹۵، در فراق امام/ ۹۵، عنایت امام به آیت‌الله فاضل/ ۹۸، مورد اعتماد امام/ ۱۰۰، نامه امام به آیت‌الله فاضل/ ۱۰۱، پیش‌بینی امام/ ۱۰۲

چراغ حوزه/ ۱۰۳

جامعه مدرسین/ ۱۰۳، شورای مدیریت حوزه/ ۱۰۴، مجمع طلاب و فضلاء قمی و مجمع فضلاء و مدرسین قمی/ ۱۰۷، استقلال حوزه/ ۱۰۹، عنایت به استعدادهای درخشان/ ۱۱۰، مدارس علمیه/ ۱۱۰، رهنمودها/ ۱۱۰، نظام آموزشی حوزه/ ۱۲۸

۶ سینای فقاہت

سجایای اخلاقی/۱۳۳

اخلاص/۱۳۳، تہجد/۱۳۵، سادہ زیستی/۱۳۵، تواضع/۱۴۰، اخلاق خانوادگی/۱۴۱، توجہ بہ مردم/۱۴۲، صبر/۱۴۳، احترام بہ دیگران/۱۴۳

در صحنہ سیاست/۱۴۵

یک نکتہ/۱۴۷، در آئینہ اسناد و مدارک/۱۴۸، تبعید/۱۵۵، تحصن در دانشگاه تہران/۱۵۷، پس از پیروزی انقلاب/۱۵۸، حمایت از مقام معظم رہبری/۱۵۹

مصاحبہ‌ها/۱۶۳

زندگی علمی و سیاسی/۱۶۳، انقلاب و شخصیتها/۱۷۶، زندگی نامہ و آیت اللہ بروجردی/۱۸۷، زندگی نامہ، امام خمینی، اجتہاد، حوزہ و انقلاب/۲۰۳، امام خمینی/۲۳۳، آیت اللہ بروجردی/۲۳۸، مبانی امام خمینی در علم اصول/۲۵۸، حجت الاسلام سید احمد خمینی/۲۶۵، حضرت معصومہ(س)/۲۷۲

بخش دوم: بر مسند مرجعیت

مرجعیت/۲۷۹

آبروی مرجعیت/۲۸۱، رمزهای موفقیت/۲۸۲، ہدف از پذیرش مرجعیت/۲۸۸، احتیاط در مصرف وجوہ شرعی/۲۸۹، فعالیت اقتصادی/۲۹۰، موضع گیریها در زمان مرجعیت/۲۹۱، گزیدہ استفتائات/۳۱۲

مرکز فقیہی ائمہ اطہار(ع)/۳۲۳

شعبہ قم/۳۲۴، شعبہ مشهد/۳۳۸، شعبہ کابل/۳۳۹، شعبہ دمشق/۳۴۰، شعبہ مسکو/۳۴۱

گروہهای علمی/۳۴۳

بخش فرهنگی/۳۴۵

مسابقات/۳۴۶، آثار منتشرہ از سوی بخش فرهنگی/۳۵۰

رہنمودہا/۳۵۳

قرآن/۳۵۳، اہل بیت(ع)/۳۵۴، حضرت فاطمہ(س)/۳۵۵، حضرت مہدی(ع)/۳۵۶، حضرت معصومہ(س)/۳۵۸، ولایت فقیہ/۳۵۹، انقلاب اسلامی/۳۵۹، وحدت/۳۶۴، انتخابات ریاست جمهوری/۳۶۸، انتخابات مجلس خبرگان/۳۶۹، انتخابات مجلس شورای اسلامی/۳۷۰، مجلس شورای اسلامی/۳۷۱، شہد/۳۷۳، مردم/۳۷۴، جوانان/۳۷۸، توجہ بہ نیازمندان/۳۸۱، اہتمام بہ دین/۳۸۲، صدا و سیما/۳۸۳، مجالس عزاداری/۳۸۵، پرهیز و مبارزہ با خرافات/۳۸۷، نیروهای نظامی و انتظامی/۳۸۹، قاضیان/۳۹۰، مسئولان نظام/۳۹۱، تشیع و شیعیان/۳۹۲، شناساندن علما/۳۹۳، شناساندن امام خمینی/۳۹۴، مساجد/۳۹۴، امریکا/۳۹۵، اسرائیل/۳۹۶، پایداری/۳۹۷، وہابیت/۳۹۸، تعہد/۳۹۸، ارتباط با روحانیت/۳۹۹، مبارزہ با ناامنی و منکرات/۴۰۰، درس معارف در دانشگاه/۴۰۰، زندانیان/۴۰۱، مداحی/۴۰۱، امر بہ معروف و نہی از منکر/۴۰۲، حجاب/۴۰۳، توجہ بہ شرایط روز/۴۰۳، ضرورت پاسخ بہ شبہہ‌ها/۴۰۴، توجہ بہ پس از مرگ/۴۰۵، ماہ رمضان/۴۰۵، چگونگی انتقاد/۴۰۵، مقابلہ با نفوذ بیگانگان/۴۰۵، استفادہ نکردن جناحها از حضور تودہ‌ها/۴۰۶، گرامی داشت دو عید/۴۰۶، جذب جہان گردان/۴۰۶، ربا/۴۰۷، استکبار مروج مواد مخدر/۴۰۷، خطر ماہوارہ/۴۰۸، تقویت روحیہ شہادت طلبی/۴۰۸، موقوفات/۴۰۹، روشن فکری/۴۱۰، تساوی زن و مرد/۴۱۰، ترویج فرهنگ کتاب خوانی/۴۱۱، مطبوعات/۴۱۲، آزادی/۴۱۲

شخصیتها و حوادث/۴۱۵

آیت اللہ العظمی بروجردی/۴۱۵، آیت اللہ العظمی سید محمد رضا گلپایگانی/۴۱۸، مقام معظم رہبری/۴۱۹،

فهرست مطالب ۷

علامه امینی/۴۱۹، آیت‌الله سید مصطفی خمینی/۴۲۰، آیت‌الله مرتضی مطهری/۴۲۱، آیت‌الله سید اسدالله مدنی/۴۲۲، آیت‌الله بهشتی/۴۲۲، حجت‌الاسلام محمدتقی فلسفی/۴۲۳، حجت‌الاسلام سید احمد خمینی/۴۲۴، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی/۴۲۵، آیت‌الله سید محمدباقر حکیم/۴۲۶، آیت‌الله سید روح‌الله خاتمی/۴۲۶، حجت‌الاسلام علی‌اکبر ابوترابی/۴۲۶، شهید/۴۲۶، انقلاب اسلامی/۴۲۷، جنگ ایران و عراق/۴۲۸، جامعه مدرسین/۴۲۹، سپاه و بسیج/۴۲۹، ارتش/۴۳۰، حزب‌الله لبنان/۴۳۰، وحدت حوزه و دانشگاه/۴۳۱، ۱۹ دی/۴۳۲، آزادسازی خرمشهر/۴۳۲

پیام آفتاب/۴۳۳

مرجعیت امام خمینی/۴۳۴، تأیید اجتهاد مقام معظم رهبری/۴۳۴، انفجار در بارگاه امام رضا(ع)/۴۳۵، انتخاب حجت‌الاسلام خاتمی به ریاست جمهوری/۴۳۹، توهین صهیونیستها به ساحت پیامبر(ص)/۴۳۹، شهادت فرزند حجت‌الاسلام سید حسن نصرالله/۴۴۰، جوانان کویت/۴۴۰، کشتار طالبان در افغانستان/۴۴۲، قتل سلمان رشدی/۴۴۳، انتخابات سومین دوره مجلس خبرگان/۴۴۴، جنایات صربها و ناتو/۴۴۵، ارتحال آیت‌الله سید اسماعیل هاشمی/۴۴۶، ولادت حضرت فاطمه(س) و امام خمینی/۴۴۶، انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی/۴۴۷، نشست عفاف/۴۴۸، روز قدس/۴۵۰، دومین اجلاس حوزه و تبلیغ، یادمان علامه امینی/۴۵۲، سالگرد تأسیس حوزه علمیه امام خمینی در گرگان/۴۵۳، انتخابات هشتمین دوره ریاست جمهوری/۴۵۴، همایش مراکز و انجمنهای خیریه استان قم/۴۵۵، سیل در استانهای گلستان و خراسان/۴۵۶، ایام فاطمیه/۴۵۷، جشنواره برترینهای فرهنگ مهدویت در مطبوعات/۴۵۸، زلزله در قزوین و همدان/۴۶۱، ایام فاطمیه/۴۶۲، ایام فاطمیه/۴۶۳، همایش هم‌اندیشی فرهیختگان جوان/۴۶۵، سالگرد شهادت آیت‌الله اشرفی اصفهانی/۴۶۷، کنگره فاطمه‌شناسی در تبریز/۴۶۹، نیمه شعبان/۴۷۰، حمله نظامی آمریکا به عراق/۴۷۲، حمله نظامی آمریکا به عراق/۴۷۳، کشتار مسلمانان در پاکستان/۴۷۴، ایام فاطمیه/۴۷۵، همایش جوان، هیئت، چالشها/۴۷۶، شهادت آیت‌الله محمدباقر حکیم/۴۷۷، دومین جشنواره قرآن/۴۷۸، نیمه شعبان/۴۷۹، اعتکاف/۴۸۱، دومین همایش فاطمه‌شناسی/۴۸۳، همایش خدمت‌گزاران مساجد/۴۸۴، ماه مبارک رمضان/۴۸۵، زلزله در استان کرمان/۴۸۷، یادواره شهدای دانشجو/۴۸۷، افتتاح ساختمان جدید جامعه الزهرا(س)/۴۸۹، انتخابات هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی/۴۹۰، گردهمایی ضابطان قضایی امر به معروف و نهی از منکر/۴۹۱، شهادت شیخ احمد یاسین/۴۹۳، حمله نظامی آمریکا به عراق/۴۹۴، اهانت نظامیان آمریکایی به قرآن/۴۹۵، هتک حرمت عتبات عالیات/۴۹۶، زلزله/۴۹۶، ایام فاطمیه/۴۹۷، نیمه شعبان/۴۹۹، حمله نظامی آمریکا به عراق/۵۰۰، عاشورا/۵۰۱، توطئه تخریب مسجد الاقصی/۵۰۲، همایش حماسه‌سازان پانزدهم خرداد در ورامین/۵۰۳، انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری/۵۰۶، ایام فاطمیه/۵۰۷، بازگشایی مدارس/۵۰۸، نیمه شعبان/۵۰۸، نخستین اجلاس مهدویت در عصر حاضر/۵۱۰، همایش نقدی بر باورهای وهابیت/۵۱۱، کتاب جعلی الفرقان الحق/۵۱۴، عید سعید غدیر/۵۱۵، کنگره غدیر در گرجستان/۵۱۶، اهانت مطبوعات غربی به ساحت پیامبر(ص)/۵۱۹، ارتحال آیت‌الله میرزا علی فلسفی/۵۱۹، همایش شیعه‌شناسی، راهکارها و چالشها/۵۲۰، تخریب بارگاه عسکریین(ع)/۵۲۳، یادواره شهدای استان بوشهر/۵۲۴، حضور زنان در ورزشگاهها/۵۲۶، حمله اسرائیل به لبنان/۵۲۷، اعتکاف/۵۲۸، تصوف/۵۲۹، نیمه شعبان/۵۳۰، سخنان و اتهامات بی‌اساس پاپ/۵۳۳، ارتحال آیت‌الله العظمی میرزا جواد تبریزی/۵۳۴، انتخابات چهارمین دوره مجلس خبرگان رهبری/۵۳۵، یادواره شهدای بردحون/۵۳۶، سالگرد تخریب بارگاه عسکریین/۵۳۷، جشنواره هنر آسمانی/۵۳۸، همایش وحدت در فکر و تقریب در عمل (در کشور ترکیه)/۵۳۹،

۸ سینای فقاہت

تشکل علمای شیعه در اروپا/۵۴۱، کنگرہ شہدای کنگان/۵۴۲، ہمایش امیرالمؤمنین و ارزشها/۵۴۳، تخریب بارگاہ عسکرین(ع)/۵۴۴

بخش سوم: آینہ آثار

آثار او/۵۴۹

علوم قرآن/۵۵۰، کلام و اہل بیت (ع)/۵۵۰، فقہ استدلالی/۵۵۴، فقہ استدلالی (تقریرات)/۵۶۰، فقہ فتوایی (عربی)/۵۶۱، فقہ فتوایی (فارسی)/۵۶۱، فقہ فتوایی (ترکی)/۵۶۲، فقہ فتوایی (اردو)/۵۶۳، فقہ فتوایی (انگلیسی)/۵۶۳، فقہ فتوایی (روسی)/۵۶۳، فقہ فتوایی (با مراجع دیگر)/۵۶۳، اصول (تالیف)/۵۶۵، اصول (تقریرات)/۵۶۵، اندیشہ سیاسی/۵۶۶

در بارہ او/۵۶۹

کتاہا/۵۶۹، مقالہها/۵۷۱

در بارہ پدر/۵۷۷

لغزشها در شرح حالها/۵۷۹

بخش چهارم: غروب آفتاب

ارتحال/۵۸۷

وصیت نامہ/۵۹۳

وصیت نامہ اول/۵۹۳، وصیت نامہ دوم/۵۹۵، فعالیت فرهنگی در لندن/۵۹۶

سوگ نامہها/۵۹۹

مقام معظم رہبری/۶۰۹، آیت اللہ العظمی سید علی سیستانی/۶۱۰، آیت اللہ العظمی لطف اللہ صافی گلپایگانی/۶۱۰، آیت اللہ العظمی ناصر مکارم شیرازی/۶۱۱، آیت اللہ العظمی حسین نوری ہمدانی/۶۱۲، آیت اللہ العظمی سید عبدالکریم موسوی اردبیلی/۶۱۳، آیت اللہ العظمی سید کاظم حائری/۶۱۴، آیت اللہ العظمی محمد اسحاق فیاض/۶۱۴، آیت اللہ العظمی حسین مظاہری/۶۱۵، جامعہ مدرسین حوزہ علمیہ قم/۶۱۷، آیت اللہ اکبر ہاشمی رفسنجانی/۶۱۷، آیت اللہ سید محمود ہاشمی شاهرودی/۶۱۹، آیت اللہ سید مرتضی حسینی نجومی/۶۱۹، دکتر محمود احمدی نژاد/۶۲۰، دکتر غلامعلی حداد عادل/۶۲۱، حجت الاسلام والمسلمین سید حسن خمینی/۶۲۱، حجت الاسلام والمسلمین سید محمد خاتمی/۶۲۱، علامہ سید ساجد علی نقوی/۶۲۳، حجت الاسلام والمسلمین سید محمدباقر موسوی مہری/۶۲۴، جامعہ روحانیت مبارز تهران/۶۲۵، مجمع روحانیون مبارز/۶۲۵، حوزہ علمیہ قطیف/۶۲۶، مجمع اہل البیت(ع) دانمارک/۶۲۶، شورای عالی علمای جعفری در جمعیت جعفری ترکیہ/۶۲۷، مؤسسہ الإمام الخوئی الخیریہ/۶۲۸، مجمع علمای ترک در اروپا/۶۲۸، حوزہ امام زین العابدین(ع)/۶۲۹

در سوگ آفتاب/۶۳۱

عزا عزاست امروز/۶۳۱، در رثای فضل و دانش/۶۳۲، کشتی دریای فضل/۶۳۳، شعلہ شعلہ درد/۶۳۳، مرجع بیدار/۶۳۳، خزان گلشن دین/۶۳۴، دموع القوافی/۶۳۵

منابع/۶۳۷

پیوست: تصاویر/۶۴۱

پیش‌گفتار

از یادگار برومند مرجع عالی‌قدر حضرت آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی

بسم الله الرحمن الرحيم

در آستانه گذشت یک سال از غروب چهره پرفروغ و همیشه تابناک آسمان علم و فقاقت، امین رسالت نبوی، حافظ مکتب علوی، مروج خستگی‌ناپذیر مذهب جعفری، مجاهد و مرجع تقلید عام شیعیان و استوانه جهاد و سیاست حضرت آیت‌الله العظمی آقای فاضل لنکرانی - رضوان الله علیه - هستیم. شخصیتی که در همه میدانهای بزرگ، حضوری ویژه و بسیار حساس داشت. مهارت بسیار گسترده او در فقاقت، موشکافی در استخراج حقایق فقهی و دینی، تبیین دقیق احادیث ائمه طاهرين - عليهم السلام -، احاطه کم‌نظیر و عمیق و بسیار جامع بر همه مکاتب و مدارس اصولی، تسلط بر آخرین اندیشه‌های اصولی قم و نجف، انس فراوان با کتاب خداوند و تفسیر و تأویل و خصوصاً آیات فقهی آن، مجموعاً از او فقهی کم‌نظیر، صاحب‌نظری ژرف‌اندیش و مجتهدی توانا و عالمی جامع ساخته بود.

جدیت و هوش سرشار و نبوغ آشکار او، بیان کم‌نظیر و مثال‌زدنی او در تدریس، قلم و تحریر افکار و اندیشه‌ها و آراء او، از او استادی توانا و مدرسی ماهر و مؤلفی موفق ساخت. علاقه‌مندی و دل‌سوزی او به اعتلا و عظمت روحانیت و خصوصاً حوزه‌های علمی، برنامه‌ریزی جهت تکامل و استفاده بهینه از طلاب و توجه به رشد علمی و عمیق آنان، نافع بودن فضلا و استفاده هرچه بیشتر جامعه و مردم از آنان، رشد سیاسی و بالندگی و زنده بودن حوزه در مقابل توطئه‌ها و جریانهای استعماری، از او زعیم و مرجعی آگاه

ساخت. او همیشه دغدغه استقلال و تحول و پویایی حوزه را داشت. می‌توان دوران ریاست او بر شورای عالی حوزه، به مدت ده سال قبل از شروع مرجعیت، را نقطه عطفی در تاریخ حوزه علمیه به حساب آورد، که با دقت و درایت و پشتکار، حوزه را همراه جمعی از بزرگان به پیش برد و با وجود حمایت خاصی که از انقلاب و نظام اسلامی داشت و خود شیفته و پیرو مخلص حضرت امام خمینی - قدس سره - بود، اما مانع از ورود جریانهای حزبی و جناحی به پیکره آن شد. در آخرین ملاقات با مسئولان محترم شورای عالی، با صراحت تمام بر لزوم تدوین برنامه‌های جدید و عدم تکیه بر برنامه‌های سابق اصرار ورزید و مانند همیشه تأکید مجدد بر استقلال حوزه‌ها داشت و به شدت با بهره جستن از امکانات دولتی مخالف بود. مانند استاد خود حضرت امام(ره) معتقد بود که به هر نحو ممکن، حوزه‌ها باید از طریق سهم مبارک امام - علیه السلام - اداره شوند و از این طریق همواره ارتباط بین روحانیت و همه اقشار مردم را حفظ کنند.

در دوران پانزده ساله مرجعیت خویش، تأثیر فراوان و بسزایی در این مجموعه علمی داشتند و با فکر روشن و زنده خود، طرح مرکز فقهی ائمه اطهار(ع) - اولین مرکز تخصصی فقه و اجتهاد - را در سال ۱۳۷۶ش برای تقویت بنیه فقهی فضلا و جذب طلاب با استعداد و بها دادن به ظرفیتهای وسیع آنان، پایه‌ریزی کردند و از این طریق خط فقاہت و اجتهاد را بر پایه همان روشهای اصلی و سنتی و با هدف توانمندی در رویارویی با مسائل جدید، استمرار بخشیدند.

هیچ‌گاه از امور اخلاقی و تهذیبی طلاب، غافل نبود و همگان را به آن توصیه می‌کرد. خود با سپری کردن مراحل بسیار و منازل متعدد در این وادی، از ویژگیهای مهم اخلاقی برخوردار بود. به وضوح مصداق روشن و کامل «مخالفاً لہواہ» بود. درس و بحثش، تألیف و تحقیقش، همه و همه برای خدا و در مسیر جلب رضایت حق تعالی بود؛ حتی منصب عظیم و معنوی مرجعیت برای او به خودی خود ارزشی نداشت. می‌فرمود: ارزش این مسئولیت در صورتی است که بتوان برای دفاع از دین و نشر حقایق آن بهره جست. و گاه اظهار می‌داشتند: اگر مرجعیت نتواند تأثیرگذار در حفظ دین و عقاید مردم باشد، چه فایده‌ای دارد؟ همگان به خوبی دیدند که او از این منصب الهی چگونه برای تقویت دین بهره

جست و در مقابل انحرافها و کج‌رویها ایستاد. در نظر او کمی یا فزونی مقلدان هیچ تفاوتی نداشت. اینجانب و دیگران حتی برای یک بار ندیدیم که به خیل عظیم مقلدان در داخل ایران و خارج، سرور و ابتهاج و حتی توجهی داشته باشد. او به سراغ مرجعیت نرفت و برای کسب آن هیچ قدمی برداشت و همگان ملاحظه کردند که این مسئولیت با اصرار بزرگان و علما و هجوم گسترده مردم، بر دوش ایشان نهاده شد و البته از این تکلیف سر باز نزد و با همه امراض بسیار سخت و صعب‌العلاج، از عهده آن به خوبی برآمد و به حوزه و دین در عصر خود، روحی تازه دمید.

حساسیتهای مهم ایشان به وضع کنونی دنیای اسلام، پیگیری حوادث مهم در عصر حاضر و در عالم اسلام، تیزبینی دقیق در سیاستهای استعماری و نقشه‌های درازمدت دشمنان دین، موضع‌گیریهای عالمانه و هوشمندانه در مورد حوادث جاری، از او فقهی آگاه به زمان و زمان‌شناسی خبیر ساخت. حمایت بی‌دریغ و اصولی و متکی بر اعتقادات عمیق علمی و فقهی او از امام خمینی و افکار و اهداف او و از انقلاب اسلامی و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران زبان‌زد عام و خاص است. مجاهدی بود که در بحرانهای حساس باحضور سرنوشت‌ساز خویش، به جریان انقلاب جان تازه‌ای می‌بخشید و همیشه دغدغه حفظ و بقاء این امانت بزرگ الهی را داشت و با بی‌خردیها و کج‌فکریها و حرکت‌هایی که احتمال می‌داد، به این مولود عزیز لطمه‌ای وارد سازد، به شدت برخورد می‌کرد. پیامهای تاریخی و موضع‌گیریهای بسیار هوشمندانه و به موقع و عالمانه او، هیچ‌گاه از خاطره‌ها محو نمی‌شود و برای آیندگان الگویی بسیار مناسب خواهد بود.

زندگی بسیار ساده او، برخوردهای صمیمی و دوستانه او با همه اقشار، نصایح و تذکرات پدران و دل‌سوزانه او به مسئولان و طبقات مختلف مردم، خلوص و تقوای حقیقی و واقعی او، توجه به مشکلات مردم و مستضعفان که گاه خواب را در طول شبانه‌روز از وی می‌ربود و با چشمی اشکبار به مناجات برمی‌خاست و از خداوند برای حل آنها استمداد می‌جست، از او عالمی خدوم و خدمتگزاری دل‌سوز به مردم و جامعه ساخته بود.

* * *

ای پدر عزیز، و ای استاد بزرگ، و ای مرجع شیعیان، چگونه غروب تو را باور کنیم؟ در

این یک سال در هر لحظه و در هر مکانی خود را در محضر تو می‌دیدم و مانند گذشته، همچو عبدی خادم در پی اجرای منویات و وصایای تو بودم. هرگاه به کنار قبر تو آمدم، گویا مانند زمان حیات، چهره نورانی و ملکوتی تو را در جلو دیدگانم مشاهده می‌کردم و می‌شنیدم که از حوزه سؤال می‌کنی؛ از مردم و گرفتاریهای مردم نگرانی؛ برای غربت اهل بیت - علیهم السلام - و مکتب ائمه معصومین اشک می‌ریزی؛ از دشمنیها با ولایت و اهل بیت عصمت و طهارت و از نقشه‌های مخالفان مکتب می‌پرسی. می‌شنیدم که دستور می‌دهی: آرام نباشید؛ به فکر احیاء اهل بیت و زدودن مظلومیت آنان باشید. می‌شنیدم که با قاطعیت و صلابت در مورد حفظ انقلاب و نظام اسلامی و حفظ خط محکم اجتهاد و فقاہت توصیه می‌کنی. من هیچ‌گاه غروب تو را باور نخواهم کرد.

ای مربی بزرگ، و ای مشفق ناصح، و ای ملجأ و پناه ما، اکنون تربیتها و دستورات عملیایی که برای من و امثال من برای حوزه و حوزویان، برای مجاهدان و عاشقان انقلاب و نظام ترسیم فرمودی، چراغی است در پیش روی ما. تو همیشه استاد و مربی ما خواهی بود. تو همیشه فریادگر و مدافع مردم و انقلاب خواهی بود. چگونه خاموشی تو را باور کنیم؟

ای مرجع همیشه باقی، و ای مجتهد آشنا به زمان، و ای مفسر کتاب خدا، فتاوی تو برای مقلدان و کتب علمی و فقهی تو برای صاحب‌نظران و فریادهای رسای تو برای احیاء کتاب خدا و زدودن غبار از آن، همیشه باطراوت و شاداب و زنده خواهند ماند. چگونه رفتن تو را باور کنیم؟

پدر عزیزم، نبودی و ندیدی - گرچه بهتر از ما دیدی - که مردم در غروب تو چه وفایی از خود به اسلام و مرجعیت نشان دادند و چگونه در روز عزای فاطمه زهرا - سلام الله علیها - از این مدافع بزرگ تجلیل نمودند! پیر و جوان، کوچک و بزرگ، مرد و زن، روحانی و دانشگاهی و همه طبقات چگونه می‌گریستند! شاهد بودم که برخی از بزرگان و مراجع بر صورت خود می‌زدند و می‌فرمودند: آیا حوزه علمیه چنین شخصیتی را خواهد توانست که تربیت کند؟ به خدا قسم، در آن روز از زهرای مرضیه خجالت کشیدم و از محضر نورانی او معذرت خواستم و عرض کردم: اگر آن روز و آن شب، شیعیان تو در تشییع تو نبودند، امروز از یک فقیهی که افتخار خادمی مکتب شما و اولاد طاهرین شما را دارد،

پیش‌گفتار ۱۳

چنین تجلیل به عمل آوردند و در حقیقت خواستند گذشته را جبران کنند، که البته هیچ‌گاه تا قیامت جبران نخواهد شد و خواستند وفاداری شما و پدر بزرگوارت که از بدو ورود به قم در حدود هفتاد سال پیش در بیت خود خیمه عزای فاطمیه را برپا داشتند و این را از افتخارات خود می‌دانستند، مجلس و محفلی که بزرگانی از مراجع همچون محقق بروجردی و امام خمینی و دیگران در آن شرکت داشتند و تا آخر برعهد خود با آن حضرت باقی ماندید و چه مزد خوبی از آن حضرت دریافت نمودید.

پدرم، در آخرین روزهای عمر شاهد بودیم که در بستر بیماری با آن بانوی بزرگ نجوا می‌کردی و هر از چند گاهی خطاب می‌کردی که: «السلام علیک یا فاطمة الزهراء» ندانستیم که آن سلام، سلام ورود تو بر آن عالم و حضور تو در آن خیل نورانی پیامبر و آل پیامبر(ص) است. گوارا باد بر تو این ورود و این حضور. والسلام علیک یوم ولدت و یوم مت و یوم تبعث حیاً.

* * *

اکنون که با همت جمعی از افاضل اهل قلم در حوزه مقدسه علمیه رشحاتی از حیات سراسر برکت و آمیخته با نور والد معزز را با صعودی در حد توان در این سینای عظمت و مرجعیت به رشته نوشتار کشیده و تحریر می‌شود، بر خود لازم می‌دانم از حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین آقای رضا مختاری - دامت إفاضاته - و همکاران ایشان بالخصوص نویسنده معظم این کتاب، محقق توانمند جناب مستطاب آقای سید حسن فاطمی - دامت إفاضاته - سپاس و تقدیر فراوان نمایم. امید است همه ما مشمول ادعیه زاکیه حضرت بقیة الله الاعظم - روجی وأرواح العالمین لتراب مقدمه الفداء - باشیم. ان شاء الله تعالی.

محمدجواد فاضل لنکرانی

۱۳۸۷/۱/۲۶

مقدمه

جان پرور است قصهٔ ارباب معرفت

حوزه‌های علمیه همواره خاستگاه شخصیت‌هایی سترگ و برجسته بوده است که مانند آنها را در هیچ جای دنیا نمی‌توان سراغ گرفت. مرجع عالی‌قدر حضرت آیت‌الله العظمی حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی - طیب الله ثراه و جعل الجنة منقلبه ومثواه - یکی از این شخصیت‌های برجسته در تقوا، علم و سیاست بود که سرگذشت درخشان او باید به عنوان سندی ماندگار، در کنار دیگر افتخارات حوزه‌های علمیه، در تاریخ ثبت گردد.

از توفیقات نگارنده، دو سال حضور در درس خارج ایشان و مشاهدهٔ نشانه‌های علم و تقوا در معظم‌له است. آن زمان مصادف با اوایل مرجعیت ایشان بود و هیچ‌گاه از او مستقیم یا غیرمستقیم، خودگویی و خودستایی نشنیدم؛ با اینکه یادکرد از آن سوابق درخشان، در ظاهر می‌توانست سبب ترفیع جایگاه وی شود. نابغه‌ای که عمری را در مطالعه، تحقیق و تدوین کتابهای فقهی گذرانده است، مسلماً نوآوریها و نکات تازهٔ فراوان دارد؛ اما این فقیه وارسته هیچ‌گاه آنها را در درس با آب و تاب بیان نمی‌داشت و به شاگردان نمی‌فهماند که: لم یسبقني إليه أحد. این، از دو امر حکایت دارد: خودسازی و ظرفیت بالا.

شناساندن این شخصیت والا، از زوایای گوناگون، الگویی شایسته برای طلاب، فضلا، علمای گرامی و قشرهای مختلف جامعه می‌تواند باشد. پس از رحلت ایشان، جستجو در سرگذشت و حالات معظم‌له و تدوین یافته‌ها، توفیق دیگری برای نگارنده بود.

چند نکته:

یکم - هنگام تألیف، همواره به پرسشها و ابهامهایی برمی‌خوریم که بهترین بلکه تنها راه پاسخ‌گویی، رجوع به سرور گرامی، عالم فرهیخته جناب حجت‌الاسلام والمسلمین محمدجواد فاضل لنکرانی - دامت تأییداته وإفاضاته - بود. جناب ایشان همکاری شایسته

در سامان یافتن این کتاب، از جمله در زدودن ابهامها داشتند و کتاب را پیش از چاپ، از نظر گذراندند. لازم می‌دانم سپاس خود را از حضرت ایشان ابراز دارم.

دوم - برای سامان دادن به این شرح حال، هرآنچه در مورد آیت‌الله العظمی فاضل تاکنون در کتابها و مطبوعات به چاپ رسیده است، اعم از زندگی‌نامه، سخنرانیها، مصاحبه‌ها، پیامها و... و نیز اسناد مربوط به انقلاب اسلامی، در حدّ وسعمان مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت و تلاش فراوان کردیم چیزی از نگاه ما مخفی نماند. در عین حال چه‌بسا افرادی خاطرات ارزشمند از معظّم‌له در سینه داشته باشند و ما نتوانسته باشیم به آنها دست یابیم. بدین رو از همه کسانی که از آن فقیه اهل بیت(ع) مواردی قابل نشر، از قبیل خاطره، دست‌نوشته، عکس و ... دارند، خواهشمند است آنها را به دفتر معظّم‌له ارسال دارند تا در چاپهای بعدی مورد استفاده قرار گیرند.

سوم - گزارش دیدارها و سخنان عمومی آیت‌الله فاضل، از طریق نشریه‌های متعدّد منتشر می‌شد؛ اما به دلیل اینکه روزنامه جمهوری اسلامی بیش از دیگر مطبوعات، آنها را انعکاس می‌داد، مطالب را بیشتر از این روزنامه نقل کردیم.

اکثر قریب به اتفاق مطالب منقول در این کتاب، با ذکر مأخذ است. در مواردی که منبعی ذکر نکردیم، صحت آنها برای ما محرز بوده است. برخی از آنها بی‌واسطه از افرادی چون حجت‌الاسلام والمسلمین محمدجواد فاضل نقل شده یا برگرفته از سایت اختصاصی آیت‌الله فاضل است.

چهارم - سخنان معظّم‌له و دیگران را ویراسته‌ایم و در پیامهای کتبی نیز تصرفات، بیشتر در حد ویرایش صوری و علائم سجاوندی بوده است. دست‌نویس بخشی از پیامها یا تصویر آنها در اختیار نبود و از طریق مطبوعات به آنها دست یافتیم. با توجه تصرف جزئی اصحاب مطبوعات، در عبارت پیامها به ندرت از جهت ویرایشی دست بردیم.

پنجم - در میان آنچه تاکنون در مورد آیت‌الله فاضل به چاپ رسیده، به لغزشهایی برخوردیم. کوشیدیم این شرح حال، خالی از هرگونه اشتباه باشد. در قسمتی جداگانه، لغزشهایی را که دیده‌ایم، تذکر می‌دهیم.

ششم - این کتاب در مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه به سامان رسید و از امکانات و

نیروهای آن نیز بهره فراوان بردیم که اعلام سپاس از همه آنها لازم است. محقق گرامی علی اکبر زمانی نژاد در سامان یافتن این کتاب همکاری درخور توجه از جمله تهیه برخی منابع و هماهنگی با بیت آیت الله فاضل داشت. همچنین حضرات آقایان: ابوالقاسم آرزومندی، اصغر و نادر برقی، سید مهدی شیخ الاسلامی، مهدی قربانی، علی کبیری ارانی، قربان مخدومی، مهدی محدثی و نیز خانم صفری در امور مختلفی چون: ویرایش، تایپ، نمونه خوانی، غلطگیری و ... همکاری داشتند. همچنین حضرات حجج اسلام: ماشاءالله استاد میرزا، جواهری، سید جواد حسینی خواه و حمزه حیدری یاور ما بودند.

سید حسن فاطمی موحد

بخش اول:

کارنامه زندگی

پدر

حضرت آیت‌الله فاضل موحدی لنکرانی معروف به فاضل قفقازی - پدر بزرگوار آیت‌الله العظمی محمد فاضل لنکرانی - نیز در زمره علمای برجسته بود. در ابتدا نگاهی گذرا به زندگی او می‌افکنیم.

حاج بشیر قفقازی

حاج بشیر - پدر آیت‌الله فاضل قفقازی و پدر بزرگ آیت‌الله محمد فاضل - از اهالی ارکوان بود. ارکوان روستایی از توابع لنکران قفقاز در جمهوری آذربایجان قرار دارد. حاج بشیر زمینهای فراوان در منطقه داشت و در زمره انسانهای مؤمن، خیر و نیکوکار به شمار می‌رفت و بسیار مورد احترام مردم منطقه بود. کمکهای او به مستمندان، اعتبار ویژه‌ای به او داده بود. یکی از خدمات ارزنده ایشان ساخت مسجدی در آن منطقه است.

همسر او نیز از زنان مؤمن به شمار می‌رفت و همپای همسرش در کمک به مردم نقش بسزایی داشت.^۱

۱. رک: ستارگان حرم، ج ۱۲، ص ۲۶۷.

آیت‌الله فاضل لنکرانی (فاضل قفقازی)^۱

پدر بزرگوار آیت‌الله محمد فاضل لنکرانی در سال ۱۳۰۹^۲ یا ۱۳۱۴^۳ ق در ارکوان به دنیا آمد. وی ادبیات را در زادگاه خویش نزد ثقت‌الاسلام حاج محمد گلی آموخت. سال ۱۳۳۱ ق برای ادامه تحصیل، راهی حوزه علمیّه اردبیل شد و مدت چهار سال به تحصیل پرداخت. ادبیات را نزد شیخ عبدالظاهر اردبیلی و شیخ قدرت‌الله، و شرح‌لمه را نزد آقا سید محمود اردبیلی آموخت. سپس به زنجان رفت و سه سال در آنجا اقامت گزید. در زنجان سطوح فقه و اصول را از آخوند ملامحمدتقی، مدرس مدرسه خانم و حاج میرزا علی نقی فرا گرفت. سال ۱۳۳۶ ق به قفقاز مراجعت کرد؛ اما به سبب انقلاب روسیه، زمینه اقامت در آنجا فراهم نشد و به مشهد رفت. سه سال در آنجا ساکن شد و از محضر آقا زاده میرزا احمد کفایی (۱۳۹۱ ق) و آقامیرزا محمد آیت‌الله‌زاده خراسانی و آقاشیخ حسن برسی و حاج آقاحسین طباطبایی قمی (۱۳۶۶ ق) و شیخ مرتضی آشتیانی (م ۱۳۶۵ ق) بهره برد. او حکمت الهی را از شیخ اسدالله یزدی و شیخ حسن کاشانی آموخت.^۴

هجرت به قم

سال ۱۳۴۱^۵ یا ۱۳۴۲ ق^۶ - یک سال پس از تأسیس حوزه علمیّه قم - راهی این شهر شد و همراه بزرگانی چون امام خمینی و آیت‌الله گلپایگانی در درس آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری (م ۱۳۵۵ ق) شرکت کرد. حضور در این درس تا پایان حیات حاج شیخ

۱. پدر آیت‌الله فاضل لنکرانی در زمان آیت‌الله العظمی بروجردی مشهور به «فاضل قفقازی» بود. نام کوچک پدر

آیت‌الله فاضل لنکرانی «فاضل» بود و نام او را «عبدالله» نیز ذکر کرده‌اند؛ چنان‌که شیخ آقابزرگ تهرانی در نریعه

(ج ۲۴، ص ۴۴) او را عبدالله بن بشیر معرفی کرده است.

۲. آئینه دانشوران، ص ۲۳۲.

۳. آثار الحجه، ج ۲، ص ۵۹.

۴. کهن‌ترین شرح حال‌های آیت‌الله فاضل قفقازی در آئینه دانشوران (ص ۲۳۲) و آثار الحجه (ص ۵۹) آمده است.

۵. آئینه دانشوران، ص ۲۳۲.

۶. آثار الحجه، ج ۲، ص ۵۹، گنجینه دانشمندان، ج ۲، ص ۲۱۴.

ادامه یافت. با مرحوم حاج میرزا جوادآقا ملکی تبریزی (م ۱۳۴۳ق) ارتباط زیاد داشت و از سجایای اخلاقی و مراتب معنوی او بهره‌ فراوان می‌برد.

فاضل قفقازی در اوان ورود به قم با خانم وجیهه میرقی - دختر آیت‌الله سید عباس فیض میرقی رضوی - ازدواج کرد و ثمره این ازدواج چهار پسر و پنج دختر بود. پسران ایشان به ترتیب عبارتند از آقایان: علی، محمد، حسن و جعفر. دامادها عبارتند از آقایان: آیت‌الله محمود اردکانی، جناب آقای صالح اشراقی، آیت‌الله سید کاظم نورمفیدی گرگانی و حجت‌الاسلام والمسلمین مصطفی ملکی.

از میان فرزندان ایشان تنها آیت‌الله فاضل لنکرانی در سلک روحانیت وارد شد.

همراهی با آیت‌الله بروجردی

همگام با امام خمینی برای تثبیت مرجعیت آیت‌الله بروجردی (م ۱۳۸۰ق) تلاش می‌کرد. علاوه بر شرکت در درس وی، در بیت معظّم‌له جایگاه ویژه داشت و به عنوان مشاور خاص آن مرجع عالی‌قدر مشغول خدمت شد و ریاست جلسات استفتا را به عهده گرفت.^۱ به جهت اعتماد زیاد آیت‌الله بروجردی به ایشان، اگر او در مورد مسائل حوزه و غیر آن اظهار نظر می‌کرد، آیت‌الله بروجردی ترتیب اثر می‌داد. یکی از عوامل حمایت او از آیت‌الله بروجردی، خوابی بود که پیش از آمدن آیت‌الله بروجردی به قم دیده بود. آیت‌الله محمد فاضل لنکرانی چنین توضیح می‌دهد:

مرحوم والد فرمود: قبل از آمدن آیت‌الله بروجردی به قم خواب دیدم در مسجد جمکران هستم. در حیاط آن مسجد روی بام آب‌انبار، منبری گذاشته‌اند و شیخ طوسی بالای منبر رفته و تمام بام و حیاط مسجد مملوّ از طلبه است. تعبیرم از خواب این بود که شخصیتی به قم خواهد آمد و طلاب گرد او جمع خواهند شد و حوزه رونق خواهد گرفت. طولی نکشید که آیت‌الله بروجردی به قم آمد.

اینکه چرا شیخ طوسی و مسجد جمکران در خواب آمده، تعبیر آن بعداً روشن شد. آیت‌الله

۱. ر.ک: هفتاد سال خاطره از آیت‌الله سید حسین بدلا، ص ۱۵۵.

بروجردی به شیخ طوسی و آثار او بسیار اهمیت می‌داد و مسجد جمکران شاید کاشف از این باشد که اصل آمدن ایشان به قم و رسیدن به مقام مرجعیت مطلق، با عنایت امام زمان(عج) بود.^۱

آیت‌الله بروجردی پس از تکمیل بنای مسجد اعظم، امامت نماز ظهر و عصر آن را به او سپرد. این امر حکایت از آن دارد که آیت‌الله قفقازی در آن زمان شخصیتی برجسته و مورد علاقه آیت‌الله بروجردی بود. همچنین وی نماز مغرب و عشا را در تکیه حاج سید حسن اقامه می‌کرد و اقامه هردو جماعت تا پایان حیات ایشان ادامه داشت.

جالب آنکه آیت‌الله بروجردی چند روز پیش از ماه مبارک رمضان، حاج احمد خادم را به بیت آیت‌الله فاضل می‌فرستاد و برای اینکه خود، در ظهرهای آن ماه در مسجد اعظم اقامه جماعت کند، از ایشان اجازه می‌گرفت. این در حالی بود که آیت‌الله بروجردی خود، آن مسجد را بنا کرده بود و آیت‌الله فاضل را خود او برای امامت جماعت تعیین کرده بود.

نمونه‌ای از مشورت آیت‌الله بروجردی

نقل نمونه‌ای از مشورتهای آیت‌الله بروجردی با فاضل قفقازی مناسب است. آیت‌الله محمد فاضل به یاد می‌آورد: مرحوم پدرم برای من گفتند:

در اطراف یزد فردی بهایی به دست مسلمانی کشته شد و دادگاه حکم به اعدام قاتل داد. بهاییان فعالیت زیاد می‌کردند تا این حکم در یزد و آن‌هم در روز نیمه شعبان اجرا شود! طبعاً اجرای حکم بویژه در این روز برای مسلمانان ننگ بسیار بزرگی بود. روز چهاردهم شعبان خبر به آقای بروجردی می‌رسد.

پدرم فرمود: وارد خانه آقا شدم؛ دیدم آیت‌الله بروجردی در حیاط قدم می‌زند و به شدت ناراحت است. علت را پرسیدم. فرمود: مگر نمی‌دانی آبروی اسلام در خطر است؟ امروز به ما خبر داده‌اند که روز نیمه شعبان مسلمانی را به جرم قتل فردی بهایی می‌خواهند در یزد اعدام کنند. فرصت برای هیچ اقدامی نیست. به ایشان گفتم: راه دارد. همین الان حاج

۱. حوزه، ش ۴۳ - ۴۴، ص ۱۴۰ - ۱۴۱.

احمد را به تهران پیش شاه بفرستید و از شاه بخواهید که جلو این اعدام را در روز نیمه شعبان بگیرد. اگر در این روز واقع نشود، بعد می‌توان سر فرصت اصل قضیه را پی‌گیری کرد.

مرحوم آیت‌الله بروجردی آرامش پیدا کرد و فرمود: پیشنهاد خوبی است. فوری حاج احمد را به تهران فرستاد. حاج احمد خواسته را به شاه رساند. شاه هم دستور داد که اعدام در روز نیمه شعبان اجرا نشود. بعد هم مرحوم آیت‌الله بروجردی وارد میدان شد و با فعالیت و تلاش بسیار قاتل را تبرئه کرد.^۱

وصیت آیت‌الله بروجردی

آیت‌الله العظمی بروجردی وصیت کرد که اموال باقی‌مانده، پس از ادای بدهیها، زیر نظر حجت‌الاسلام سید محمد حسن فرزند ایشان و آیت‌الله فاضل قفقازی مصرف شود. در تاریخ ۱۳۴۰/۱/۹ سندی به شماره ۵۳۲۶۲ در دفتر اسناد رسمی شماره هشت قم، به امضای حاج احمد خادمی - خادم آیت‌الله بروجردی - رسیده است که وصیت‌نامه شفاهی آیت‌الله بروجردی را به ثبت رسانده است. بخشی از آن، چنین است:

«وجهی را که در نزد جناب آقای موصی (آیت‌الله بروجردی) است، آنچه را که محل آن تعیین شده است، از قبیل سهم سادات و غیره، باید به مصارف تعیین شده برسد و آنچه را که محل آن تعیین نشده است و باقی است، سهم امام - علیه السلام - می‌باشد که باید پس از ادای دیون جناب آقای موصی که در نجف اشرف به آقای خلخالی دارند و سایر دیون دیگر آنچه را که باقیست تحت نظر حجت‌الاسلام آقای سید محمدحسن فرزند آقای موصی احد از اوصیاء و حجت‌الاسلام آقای فاضل لنکرانی به مصرف طلاب علوم دینی قم و نجف اشرف بالمناصفه برسد و نیز در سال اول فوت جناب آقای موصی به هر یک از فرزندان ذکور و اناث ایشان مبلغ یکصد هزار ریال از همین وجوه داده شود و...»^۲

۱. حوزه، ش ۴۳ - ۴۴، ص ۱۴۱ - ۱۴۲.

۲. عبارت فوق، از تصویر وصیت‌نامه ثبت‌شده در محضر است.

فعالیت‌های علمی

فاضل قفقازی تقریرات بحث خارج صلات آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری را با عنوان *نتائج الأفكار* به رشته تحریر در آورد. همچنین بر بسیاری از مطالب اصولی حاج شیخ در کتاب *درر الفوائد* حاشیه زد؛ اما به دلیل کامل نبودن آنها به صورت مخطوط باقی مانده‌اند.

پس از گذشت مدتی از اقامت در قم، به عنوان یکی از چهره‌های سرشناس و از اساتید حوزه علمی قم به فعالیت‌های علمی و اجتماعی پرداخت. متون فقه و اصول را در جوار حرم حضرت معصومه (س) و مسجد عبداللهی - واقع در جنب دفتر آیت‌الله محمد فاضل لنکرانی که اکنون به عنوان حسینیه وقف است - تدریس می‌کرد. همچنین چند سال به تدریس خارج فقه مشغول شد و طلاب فراوان از محضر او بهره بردند.

آیت‌الله العظمی سید احمد خوانساری به معظّم‌له علاقه فراوان داشت و مکرّر بحث از فروع فقهی را با ایشان در میان می‌گذاشت. پس از ارتحال آیت‌الله بروجردی جمعی از مردم آذربایجان بویژه لنکران در تقلید به ایشان رجوع کردند و معظّم‌له رساله عملیه خویش را با عنوان *نهایة الأحکام* به زبان عربی نگاشت و همان زمان چاپ و منتشر شد. از هنگام ورود به قم، جلسه روضه‌ای صبحهای جمعه در منزل ایشان تشکیل می‌شد و بزرگانی چون آیات عظام: بروجردی، امام خمینی، گلپایگانی، سید احمد خوانساری، سید محمدباقر سلطانی، سید حسین قاضی طباطبایی و ... شرکت می‌کردند. در این جلسه بعد از مراسم روضه مسئله‌ای فقهی مطرح می‌شد و تا ساعتها در مورد آن به بحث می‌پرداختند. ایشان با اشتیاق فراوان این بحثها را دنبال می‌کرد و تبحر زیاد داشت.

پس از رحلت او، فرزند برومندش آیت‌الله محمد فاضل این جلسه را در منزل و دفتر خود ادامه داد و اکنون نیز ادامه دارد.

۱. حجت‌الاسلام علی دوانی مبحث ضمان از کتاب *مکاسب* شیخ انصاری را نزد معظّم‌له تلمذ کرده است. (مفاخر / اسلام، ج ۱۲، ص ۱۹۶) حضرات آیات: میرزا علی مشکینی (م ۱۳۸۶ش) و شیخ احمد مجتهدی تهرانی (م ۱۳۸۶ش) نیز از شاگردان درس *رسائل* ایشان بودند.

حامی طلاب

آیت‌الله فاضل قفقازی واسطه خوبی برای رفع نیازهای طلاب توسط آیت‌الله بروجردی بود. آیت‌الله محمد فاضل می‌گوید: «ممکن نبود طلبه‌ای مشکلی داشته باشد و به وسیله مرحوم پدرم حل نشود.»^۱

هنگامی که رئیس شهربانی وقت قم به برخی از طلاب اهانت کرد، این بزرگوار عکس‌العمل بسیار مناسبی نشان داد که هر که آگاه شد، تحسین کرد و آفرین گفت.^۲ قضیه از این قرار است که یک روز ایشان می‌بیند چند پلیس دو طلبه را که بر ضد شاه و رژیم سخنانی گفته بودند، دست‌بند زده‌اند و آنها را به طرف کلانتری می‌برند. آیت‌الله قفقازی شروع به داد و فریاد می‌کند و خدمت آیت‌الله بروجردی می‌رسد. از روی ناراحتی عمامه‌اش را برمی‌دارد و به زمین می‌زند. آیت‌الله بروجردی از علت ناراحتی می‌پرسد. ایشان می‌گوید: آیا درست است با وجود شما، طلابی را که سرباز امام زمان (ع) هستند با دست‌بند به طرف کلانتری ببرند؟!

آیت‌الله بروجردی با تأثر می‌پرسد: با چشم خود دیدی؟ جواب می‌دهد: بله. آیت‌الله بروجردی رئیس شهربانی را احضار می‌کند و با غیظ تمام می‌گوید: پیر و خرفت شده‌ای؟ به طلبه دست‌بند می‌زنی؟ برگرد. رئیس شهربانی که خیلی ترسیده بود، فرار می‌کند. پس از آن، سر و صدای زیاد در حوزه به راه می‌افتد و دروس تعطیل می‌شود و اعتصابات به راه می‌افتد تا بالأخره آن دو آزاد می‌شوند.^۳

در صحنه سیاست و ارتباط با امام خمینی

ایشان با امام خمینی ارتباط زیاد و رفاقت داشت. آیت‌الله محمد فاضل لنکرانی در مورد این ارتباط می‌گوید: «نه تنها حضرت امام از دوستان نزدیک پدرم بود، بلکه بین آن دو

۱. حوزه، ش ۴۳ - ۴۴، ص ۱۴۱.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۲/۱۵، ویژه‌نامه شاخه‌ای از شجره طوبی، ص ۵ به نقل از آیت‌الله رضا استادی.

۳. ستارگان حرم، ج ۱۲، ص ۲۷۴ - ۲۷۵، به نقل از حجت‌السلام سعید اشراقی.

رفت و آمد زیاد بود و من ایشان را در منزلمان زیاد می‌دیدم.^۱ گویا این روابط تأثیر زیاد بر دیدگاه‌های سیاسی فاضل قفقازی داشته است. پس از تصویب انجمن‌های ایالتی و ولایتی، با اینکه آیت‌الله بروجردی از دنیا رفته بود و امثال او پشتیبان خود را از دست داده بودند، در تاریخ ۱۳۴۲/۸/۲۰ طی تلگرافی تند به اسدالله علم - نخست‌وزیر وقت - اعتراض خود را اعلام کرد و خواستار لغو آن شد:

تهران

بسمه تعالی

جناب آقای نخست‌وزیر

در مورد تصویب‌نامه اخیر دولت به لحاظ اشتغال بر سه موضوع خلاف شرع و قانون و مصالح عمومی کشور، هیجان و اعتراض مسلمین سراسر ایران که اکثریت قریب به اتفاق مردم کشور را تشکیل می‌دهند، به نهایت درجه رسیده. با آنکه مدتی است مراجع عظام، مقامات مسئوله را متذکر و خواستار لغو و یا اصلاح آن شده‌اند، مع الأسف دولت بدون توجه به عواقب وخیمه بی‌اعتنایی به مقررات دین و استخفاف به مقام روحانیت و نقض قانون اساسی و نادیده گرفتن هیجان عمومی، به جای اعتراف به اشتباه خویش با وعده‌های خالی از ارزش و توجیهات خلاف واقع، در صدد اقناع ملت می‌باشد.

وظیفه دولت به حکم قانون، پیروی از مراجع معظّم است؛ چنانچه در زمان آیت‌الله العظمی آقای بروجردی، شرکت زنان در انجمن‌های شهرداری در مجلس مطرح شده بود، معظّم‌له شدیداً اعتراض نمودند و بعداً یکی از نمایندگان مجلس حضور ایشان مشرف و اظهار کرد که تصویب این موضوع براه اعتراض حضرت آیت‌الله منتفی گردید و خود حقیر در این جریان حضور داشته و شدت تعرض ایشان را از نزدیک ملاحظه نموده.

به هرحال رعایت مصالح عالیّه کشور الزام می‌کند که به تذکرات مراجع و خواسته‌های مسلمین، توجه کامل نموده و با لغو یا اصلاح تصویب‌نامه مزبوره به

۱. گلشن ابرار، ج ۶، ص ۵۶۶.

هیجان عمومی خاتمه داده شود.

موحدی لنکرانی

۲۴ جمادی الثانی ۱۳۸۲

در پی تبعید امام خمینی به نجف اشرف، آیت‌الله فاضل قفقازی و فرزند برومندشان، مشترکاً تلگراف زیر را برای معظّم‌له ارسال کردند:

نجف

حضرت آیت‌الله العظمی آقای خمینی، دامت برکاته

ورود حضرت‌عالی و آقازاده محترم به اعتاب مقدسه موجب مسرت؛ از خداوند توفیق مسئلت.

فاضل لنکرانی

محمد فاضل

بیانی از آیت‌الله فاضل

آیت‌الله فاضل لنکرانی با بیانی شیوا در عظمت پدر گرامی، کتاب *مدخل التفسیر* را به ایشان اهدا کرده است. ترجمه آن، چنین است:

اهدا به مربی بزرگ، والد معظّم، یگانه مردی که توان ادای حقوق او را ندارم و نمی‌توانم عنایاتش را سپاس گویم. او در تربیت علمی و مذهبی‌ام و در تدارک وسایل مورد نیاز، کمال تلاش را داشت. او جامع فضایل معنوی و مربی تربیت در قول و عمل بود؛ کسی که به شرافت هجرت نائل آمد و مصداق این سخن خداوند بود: «ومن ینخرج من بینه مهاجراً إلی الله و رسوله ثم یدرکه الموت فقد وقع أجره علی الله»^۱ از خداوند متعال می‌خواهم که پاداش عملش را بدهد و او را در زمره دوست‌داران اولیای طاهرینش و برگزیدگان مکرمش - صلوات الله علیهم أجمعین - قرار دهد و به من قدرت ادای بعضی از حقوق او را عطا فرماید. آمین.

فرزندت

۱. اسناد انقلاب اسلامی، ج ۲، ص ۴۵.

۲. سوره نساء، آیه ۱۰۰.

آیت‌الله محمد فاضل لنکرانی می‌فرمود: آیت‌الله العظمی سید محمدرضا گلپایگانی بارها به من فرمودند: من از دو جهت به شما ارادت دارم: یکی از جهت پدر شما و دیگر از جهت خود شما.^۱

ارتحال

سرانجام در ۱۴ صفر ۱۳۹۲ ق برابر با ۱۳۵۱/۱/۱۰ پس از پنجاه سال اقامت در قم وفات یافت و در قبرستان شیخان این شهر (کنار دیوار جنوبی) آرامید. بر سنگ مزار وی چنین نوشته شده است:

مدفن شریف

عالم عامل کامل مؤمن مجاهد و فقیه زاهد
المهاجر إلى الله ورسوله والساعي في إحياء
أمرالدين و ترويج الشريعة ونشر معارف العترة
وتقوية بنیان الحوزة وقضاء حوائج الأخوة وتربية
الفضلاء من الطلبة صاحب التأليف القيمة والتصانيف
الجيدة آية الله الحاج الشيخ فاضل اللنكراني -
قدس سره - وحشر مع من يحبه ويتولاه من
النبي(ص) والأئمة المعصومين(ع) كه پس از پنجاه
سال اقامت در قم به سن ۷۸ سالگی صبح پنج-
شنبه ۱۴ صفر یک‌هزار و سیصد و نود و دو به عالم
بقا ارتحال یافت.

سال ۱۴۱۰ ق خانم وجیهه مبرقی در هشتاد سالگی دار فانی را وداع گفت و در جوار همسر خویش آیت‌الله فاضل قفقازی دفن گردید.

یافت شدن بدن سالم

حجت‌الاسلام مسیح مهاجری می‌نویسد:

۱. از یادداشت‌های حجت‌الاسلام محمدجواد فاضل.

«سال ۱۳۸۴ در قم خدمت آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی رسیدم. به مناسبت طرح بعضی مسائل معنوی، فرمودند: شش سال بعد از رحلت مرحوم والد^۱ در حالی که از خیابان عبور می‌کردم، یکی از خطبای قم، از عرض خیابان عبور کرد و به طرفم آمد و با جوش و خروش به من گفت: دیروز جنازه‌ای را در قبرستان شیخان، مجاور قبر مرحوم والد شما دفن می‌کردیم که ناگهان دیوار قبر مرحوم والد شما شکافته شد و من بدن ایشان را دیدم که مثل روز اول دفن، سالم بود. پس از آن آیت‌الله فاضل از مراتب معنویت و تهجد و تقوای مرحوم والدشان گفتند.»^۲

در کتاب *اجساد جاویدان* در مورد یافت شدن جنازه آیت‌الله فاضل قفقازی آمده است: «هشت سال پس از وفات ایشان در تاریخ ۱۳۵۹/۱/۸ جوانی به نام ابوالفضل کربلایی پوریزدی در افغانستان در نبرد با روسها به شهادت رسید. جنازه‌اش را به قم انتقال دادند و پایین پای آیت‌الله قفقازی را برای دفن، حفر کردند. در این هنگام روزه‌ای به قبر باز شد و پاهای تر و تازه ایشان نمودار گشت.

این مطلب را نخست آیت‌الله شبیری برای نگارنده نقل فرمود؛ سپس از طریق خانواده شادروان پوریزدی تعدادی از شاهدان عینی را یافتم و آنان به صحت این مطلب گواهی دادند. آشنایان با مرحوم فاضل، رمز این سعادت را در خدمت به خلق می‌دانستند و می‌فرمودند: هر روزی که مرحوم فاضل می‌توانست گرهی را از کار طلبه‌ای بگشاید، بسیار شادمان می‌شد.»^۳

آیت‌الله فاضل لنکرانی از والد معظم چنین نقل می‌کند: «هرروز که به طلبه‌ای خدمت می‌کنم، در همان شب خواب می‌بینم که به مکه یا کربلا مشرف شده‌ام.»^۴

۱. چنان‌که تاریخ سنگ قبر در پایین با نشان می‌دهد، این قضیه مربوط به هشت سال بعد از رحلت آیت‌الله فاضل قفقازی است و از سوی آیت‌الله فاضل یا حجت‌الاسلام مهاجری اشتباهی رخ داده است.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۶/۵/۳، ویژه‌نامه *اسوه فقاہت و مرجعیت*، ص ۴.

۳. ر.ک: *اجساد جاویدان*، ص ۳۵۶ - ۳۵۷.

۴. از یادداشتهای حجت‌الاسلام محمدجواد فاضل.

طلوع تا غروب

در اینجا نگاهی اجمالی به زندگانی حضرت آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی می‌افکنیم و آنگاه با تفصیل بیشتر به کارنامه زندگی معظّم‌له می‌نگریم.

تولد و تحصیلات ابتدایی

آیت‌الله فاضل لنکرانی در سال ۱۳۱۰ش برابر با ۱۳۵۰ق در شهر مقدس قم و در خانواده‌ای روحانی دیده به جهان گشود. وی در همین شهر مشغول تحصیل در دبستان شد. عشق به تحصیل علوم حوزوی از همان دوران در او موج می‌زد. در زمان حاکمیت طاغوت، هرگاه موضوع درس انشا در مورد ادامه تحصیلات بود، تمایل شدید خود را به فراگیری علوم دینی اظهار می‌کرد و با آب و تاب تمام شرح می‌داد. از هم‌درسان این دوره وی آیت‌الله حاج آقا مصطفی خمینی بود. در امتحانات نهایی پایان ابتدایی، رتبه اول را در شهر قم کسب کرد و به این مناسبت، کتابهایی با توشیح رئیس آموزش و پرورش وقت، از طرف اداره فرهنگ به او جایزه دادند.

آغاز تحصیل در حوزه

در سیزده سالگی، پس از اتمام مقطع ابتدایی، وارد حوزه علمیه قم شد و تمام تحصیلات حوزوی را در این شهر گذراند. آیات: حاج آقا مصطفی خمینی و آقاشهاب اشراقی از هم‌بحثهای ایشان در حوزه بودند. از میان علوم مختلف، ذوق و علاقه اصلی ایشان به فقه و اصول بود.

تلاش فراوان، هوش سرشار و عشق به فراگیری دانش سبب شد تا با موفقیت مراحل تحصیلی را با شتابی بیش از هم‌ردیفانش پشت سر گذارد و در عنفوان جوانی به مقامات

عالی علمی دست یابد. سال ۱۳۶۹ق در نوزده سالگی صلاحیت شرکت در درس خارج آیت‌الله بروجردی را پیدا کرد و شاید جوان‌ترین شاگرد آن جلسات بود. چاپ تقریرات درس آیت‌الله بروجردی به زبان عربی با عنوان *نهایة التقریر* قابلیت ایشان، در شرکت در آن درس را نشان داد.

امام خمینی نیز تدریس فقه و اصول را در زمان حیات آیت‌الله بروجردی آغاز کرد. آیت‌الله فاضل با شور و اشتیاق در این درسها نیز شرکت جست و تقریرات هر دو درس را نوشت. اکنون این تقریرات با عنوانهای *کتاب الطهاره* و *معتمد الأصول* به چاپ رسیده‌اند. در سالهای جوانی حدود یازده سال در درس مرحوم آیت‌الله بروجردی و حدود ده سال از محضر امام خمینی بهره برد.

استادان دیگر ایشان عبارتند از آیات: والد معظم، علامه طباطبایی، منتظری، اسدالله نوراللهی نجف‌آبادی، سلطانی، عبدالمحمدجواد جبل عاملی سدهی، مرتضی حائری و... . سی ساله بود که آیت‌الله بروجردی وفات یافت. نظر به اینکه خود به درجه اجتهاد نائل آمده بود، از آن به بعد نیازی به تقلید در خود ندید بلکه بر او تقلید روا نبود و باید به استنباطات خود عمل می‌کرد.

ازدواج

در حدود ۲۷ سالگی با خانواده‌ای از سادات محترم و اصیل وصلت کرد که ثمره آن شش پسر و یک دختر است. حجت‌الاسلام والمسلمین محمدجواد فاضل لنکرانی فرزند سوم و وصی ایشان است. وی از فضلا و اساتید حوزه علمیه قم است که سالیان دراز به تدریس خارج اشتغال دارد.

آیت‌الله فاضل در تاریخ ۱۳۷۶/۱۱/۱ به او اجازه اجتهاد داد و در وصیت‌نامه خویش نیز به اجتهاد او تصریح کرد.

تاکنون کتابهای زیر از وی به چاپ رسیده است:

دفاعاً عن القرآن الکریم، ترجمه علی فخرالاسلام، سوریه، حوزه فقه الأئمة الأطهار(ع)، چاپ اول، ۱۴۲۷ق
تحریف قرآن یکی از امور ناشایست است که به تشیع نسبت داده‌اند. مؤلف علاوه بر

طلوع تا غروب ۳۵

آنکه نادرستی چنین نسبتی را نشان داده، کوشیده است تبیین کند که تحریفی در قرآن راه نیافته است.

رسائل في الفقه والأصول، قم، مركز فقه الأئمة الأطهار(ع)، چاپ دوم، ۱۴۲۸ق

رساله‌های زیر در کتاب گرد آمده است:

التقيه، اعتبار الكتابة في الفقه الإسلامي، حقيقة الوضع، شرطية الابتلاء في منجزية العلم الإجمالي، نظرية العدالة في الحكومة الإسلامية وولاية الفقيه، تأثير الزمان والمكان في الفقه، منهج الملائمة التراقي في مستند الشيعة، الحق والحكم، أكذوبة التحريف، الدراسة الفقهية حول الطواف في الطابق الأول من المسجد الحرام، اعتبار الأجهزة الحديثة في رؤية الهلال.

قاعدة لاجرح، تقرير سيد جواد حسینی خواه، قم، مركز فقهی ائمة اطهار(ع)، چاپ اول، ۱۳۸۵ش
این کتاب تقریر درس حجت‌الاسلام محمدجواد فاضل در ماه مبارک رمضان ۱۴۲۶ق است.

الطواف بالكعبة المشرفة من الطابق الأول، قم، مركز فقه الأئمة الأطهار(ع)

صحت طواف از طبقه اول (بالای طبقه هم کف) مورد اختلاف فقها است. این موضوع، مورد بحث این کتاب است.

اعتبار ابزار جدید در رؤیت هلال، قم، مركز فقهی ائمة اطهار(ع)، چاپ دوم، ۱۳۸۶ش

اگر هلال با چشم قابل رؤیت نبود بلکه تنها با ابزارهایی مانند تلسکوپ و دوربین مشاهده شد، آیا اول ماه ثابت می‌شود یا خیر؟ نویسنده در این کتاب نشان داده است که اول ماه ثابت می‌شود و به مناقشات حجت‌الاسلام رضا مختاری پاسخ گفته است.

تدریس

در سالهای دوم یا سوم تحصیل یعنی در پانزده، شانزده سالگی، به موازات تحصیل، به تدریس نیز رو آورد. جالب آنکه غالباً در این جلسات، همه شاگردان، بزرگ‌تر از استاد بودند. وقتی به تدریس *کفایة الأصول* می‌پرداخت، با اینکه جمعیت محصلان حوزه، اندک بود، ششصد، هفتصد نفر پای درسش می‌نشستند.

سال ۱۳۴۷ تدریس خارج فقه و اصول را آغاز کرد و تا زمانی که مزاج ایشان مساعد بود، ادامه یافت. در سال پایانی حیات، بیماریهای سخت، به او اجازه تدریس نداد.

ارادت به اهل بیت(ع)

ارادت خاص و خالص به اهل بیت عصمت و طهارت(ع) ویژگی بارز معظم‌له بود. در برابر کسانی که کوچک‌ترین حرکت ناشایست در مورد اهل بیت(ع) انجام می‌دادند، در هر موقعیتی که بودند، به شدت برخورد می‌کرد. توجه به عنوان بیانیه‌های ایشان، نشان می‌دهد که عمده آنها در مورد اهل بیت(ع) است. هر هفته در روزهای جمعه و ایام ولادت و شهادت، مراسم ویژه در بیت یا دفتر معظم‌له برقرار بود و آن اختصاص به سالهای مرجعیت نداشت؛ بلکه در امتداد همان مجالسی بود که والد معظم در بیت خود برپا می‌کرد.

حوزه علمیه

از کسانی بود که نقش اساسی و تأثیرگذار، از جهات گوناگون، در حوزه داشت. پیش از انقلاب علاوه بر تدریس، در روشنگری سیاسی طلاب و محصلان حوزه، نقشی مهم ایفا کرد. از نخستین اعضای جامعه مدرسین بود و با شرکت فعال خود، در رشد و بالندگی این جامعه و در موفقیت‌های آن، تأثیر چشم‌گیر داشت و پس از انقلاب به مدت یازده سال سمت دبیری آن را بر عهده او گذاردند.

همچنین پس از انقلاب، شورای مدیریت حوزه شکل گرفت و معظم‌له به عنوان نخستین رئیس شورا، به مدت ده سال آنجا را اداره کرد و نظر به نوپا بودن این شورا، مسیر دشواری را طی کرد، تا اینکه به مرور این مرکز، به عنوان نهادی رسمی در سراسر ایران مورد پذیرش قرار گرفت.

بعد از کناره‌گیری از شورای مدیریت، در دوران مرجعیت، امور مربوط به اداره حوزه، همواره از اهتمام‌های اصلی معظم‌له بود؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت: در میان مراجع هم‌دوره خود، بیشترین نیرو را در ساماندهی حوزه صرف کرد.

امامت جماعت

در شرح حال آیت‌الله فاضل قفقازی گذشت که پس از بنای مسجد اعظم، آیت‌الله بروجردی امامت جماعت نماز ظهر و عصر را به عهده ایشان گذاشت. بعد از ارتحال وی

آیت‌الله فاضل لنکرانی ظهرها به جای او در مسجد اعظم به اقامه جماعت می‌پرداخت. تا اینکه بعد از مدتی یکی نزدیکان آیت‌الله بر جردی از ایشان خواستند که ظهرها نماز را خود او اقامه کند و آیت‌الله فاضل بدون هیچ مخالفت و مقاومت، امامت آنجا را به او سپرد. پس از درگذشت والد گرامی، سالیان متمادی در خیابان چهارمردان قم، تکیه حاج سید حسن - پایگاه وعظ و مداحان - به جای پدر به امامت جماعت پرداخت. معظّم‌له در آنجا بیش از سی سال مراسم احیا در شبهای قدر در ماه مبارک رمضان را شخصاً اجرا می‌کرد و نوارهای زیادی از آنها موجود است. تا اینکه پس از رحلت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی^۱ با درخواست عدّه فراوان از روحانیون و مردم متدین، به جای وی در حرم مطهر حضرت معصومه(س) اقامه جماعت می‌کرد. اما به دلیل ازدیاد کسالتها، بعد از گذشت حدود پنج سال، نتوانست امامت آنجا را ادامه دهد.

در صحنه سیاست

به دلیل برخورداری از هوش سیاسی و ارتباط با بیت امام خمینی از دوران کودکی و نیز پرورش در دامان پدری دانشمند که امور سیاسی را به خوبی درمی‌یافت، از سنین جوانی در صحنه‌های مختلف سیاست حضور فعال داشت. اسناد و مدارک برجای مانده از رژیم سابق، مبارزه چشم‌گیر معظّم‌له در مبارزه با طاغوت و حمایت از نهضت امام خمینی را به روشنی نشان می‌دهند. او و خانواده محترم در این راه متحمل مرارت‌هایی سخت شدند؛ اما دست از حمایت از نهضت برنداشت. حتی بعضی اقدامات، مانند تأیید مرجعیت امام خمینی، ممکن بود به قیمت جان ایشان یا زندان و دست‌کم محرومیت‌های سخت، تمام شود؛ در عین حال تا پایان رژیم منحوس، دست از مبارزه برنداشت. پس از برچیده شدن رژیم ستم‌شاهی، با حضور در مجلس خبرگان قانون اساسی و مجلس خبرگان رهبری به یاری انقلاب شتافت. در صحنه‌های دیگر نیز همواره از یاران استوار رهبری و نظام جمهوری اسلامی بود و این سیره تا پایان حیات ادامه یافت.

۱. آیت‌الله فاضل بر پیکر آیت‌الله مرعشی نجفی نماز خواند.

مرجعیت

پس از رحلت آیت‌الله العظمی محمدعلی اراکی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در تاریخ ۷۳/۹/۱۱ هفت تن از فقهای جامع الشرایط را برای سمت مرجعیت ترجیح دادند و طی بیانیه‌ای آنها را به مردم معرفی کردند. نظر به اینکه ذکر اسامی به ترتیب آراء بیشتر در جلسه جامعه مدرسین بود، نام ایشان در رأس اسامی قرار داشت. برخی فضلا نیز به اعلامیت ایشان تصریح کردند.

آثار علمی و فرهنگی

در طول زندگی بابرکت خویش کتابهای علمی ارزنده‌ای از خود به یادگار گذاشت. موضوع بیشتر کتابها فقه و اصول است که در قسمت مربوط به تألیفات، آنها را نام برده به معرفی اجمالی آنها می‌پردازیم.

از جمله یادگارهای معظم‌له تأسیس مرکز فقهی ائمه اطهار(ع) در ایران و چند کشور دیگر است که به تربیت افراد فاضل در حوزه علوم دینی و دیگر فعالیتهای فرهنگی مشغولند. امید است این مراکز به عنوان باقیات صالحات معظم‌له همچنان به فعالیت خود ادامه دهند.

ارتحال

معظم‌له پس از عمری تهذیب نفس، تلاش در راه کسب و ترویج علوم الهی و خدمت به اسلام و انقلاب، در تاریخ ۱۳۸۶/۳/۲۶ برابر با ۲۹ جمادی الاول ۱۴۲۸ به ملکوت اعلی پیوست و با رحلت او ثلمه‌ای به اسلام وارد آمد که جایگزینی ندارد.

در سوم جمادی الآخره - سالروز شهادت حضرت فاطمه(س) - مردم بادیانت قم و بعضی شهرهای دیگر، با حضور کم‌نظیر و میلیونی، در تشییع پیکر مطهر شرکت جستند و پس از نماز آیت‌الله العظمی حسین وحید خراسانی، در جوار حضرت معصومه(س) آرمید.

یکی از شاعران در وصف آیت‌الله فاضل، ابیاتی را در زمان حیات معظم‌له سروده است:
خدای مهربان آن کردگار پاک و بی‌همتا

به ما بسیار نعمتها به گیتی کرده است اعطا

نخستین نعمتش بهر بشر پیغمبران هستند
پس از ایشان امامانند و ما را رهبران هستند
پس از ایشان فقیهان بزرگ مکتب قرآن
که بر دین خدا هستند در گیتی نگهبانان
از آن مردان یکی هم آیت‌الله لنگرانی است
که مردی راد و پاک و پارسا و آسمانی است
گرامی نایب صاحب زمان، همانم پیغمبر
برای خلق عالم رهنما، بر مؤمنان سرور
به مردم مرجع دینی بود آن آیت یزدان
پناه و ملجأ شیعه، عزیز ملت ایران
به گیتی کار او تدریس و تألیفات و تحقیق است
زسوی حق مر او را بی‌گمان تأیید و توفیق است
همیشه فکر او خدمت به دین و مذهب و قرآن
هماره هم او ترویج دین حضرت سبحان
از او آثار تحقیقی و ارزشمند پا برجاست
همین آثار بر فضل و کمالش شاهد گویاست^۱

سال‌شمار زندگی

در این قسمت تلاش کردیم خلاصه‌ای از اتفاقات در زندگی معظم‌له را بیاوریم. آیت‌الله فاضل در زمان مرجعیت، دیدارهای فراوان با گروهها و شخصیت‌های مختلف داشت و گزارش بعضی از آنها همراه گوشه‌هایی از سخنان معظم‌له در مطبوعات منعکس می‌شد. این دیدارها و سخنان و نشر آنها در جامعه، فعالیت فرهنگی قابل توجه به شمار می‌رفت.

۱. ادامه ابیات در پایان معرفی آثار معظم‌له می‌آید.

کوشیده‌ایم به اجمال به تاریخ حوادث در زندگی ایشان و نیز تاریخ دیدارها اشاره کنیم.^۱ در نگاه ابتدایی ممکن است ذکر برخی موارد از اهمیت چندانی برخوردار نباشند؛ اما مجموع آنها جایگاه معظم‌له را در جامعه و میزان تأثیرگذاری ایشان را نشان می‌دهد.^۲

- ۱۳۱۰ < ولادت.
- ۱۳۲۳ < ورود به حوزه علمیه قم.
- ۱۳۲۹ < شرکت در درس آیت‌الله العظمی بروجردی.
- اسفند ۱۳۳۳ < پایان تألیف اولین جلد از *نهایتاً* / *التقریر*.
- حدود ۱۳۳۷ < ازدواج.
- اسفند ۱۳۴۲ < نامه اعتراض‌آمیز همراه چند تن از فضلا به حسن علی منصور - نخست‌وزیر - در مورد بازداشت امام خمینی.^۳
- ۱۳۴۳/۱۱/۲۹ < نامه همراه چند تن از فضلا به امیر عباس هویدا - نخست‌وزیر - و ابراز نگرانی از اوضاع نابسامان سیاسی کشور و درخواست بازگشت امام خمینی به ایران.^۴
- ۱۳۴۵ < زندگی مخفیانه به دلیل تعقیب ساواک.
- ۱۳۴۷ < آغاز تدریس خارج فقه و اصول.
- ۱۳۴۸ < آغاز تدریس تفسیر.
- ۱۳۴۹/۳/۱۹ < بیانیه دوازده تن از فضلا از جمله آیت‌الله فاضل در مورد مرجعیت امام خمینی و به دنبال آن، حدود سه سال تبعید به بندر لنگه و یزد.
- ۱۳۵۱/۱/۱۰ < ارتحال پدر گرامی.
- ۱۳۵۷ یا ۱۳۵۸ < انتصاب به ریاست دادگاه انقلاب اسلامی در قم از سوی امام خمینی.

۱. در زمان مرجعیت معظم‌له، شخصیتها و نهادهای گوناگون، با ایشان دیدار کردند و از رهنمودهای معظم‌له بهره بردند. متأسفانه تنها به گزارش بخشی از این دیدارها دست یافتیم.

۲. در مورد روز دیدارها، اگر روز دقیق را به دست نیاوردیم، تاریخ روزنامه‌ای را که گزارش آن را ذکر کرده، نوشته‌ایم.

۳. *اسناد انقلاب اسلامی*، ج ۳، ص ۱۰۹ - ۱۱۰.

۴. *اسناد انقلاب اسلامی*، ج ۳، ص ۱۲۸ - ۱۳۰.

- ۱۳۵۹ < تشکیل دادگاه عالی به دستور حضرت امام برای نظارت بر احکام دادگاههای انقلاب سراسر کشور و عضویت در آن.^۱
- فروردین ۱۳۵۹ < یافت شدن بدن سالم پدر گرامی.
- ۱۳۶۸/۶/۳ < آغاز دبیری جامعه مدرسین.
- ۱۳۷۳/۹/۱۱ < صدور بیانیه جامعه مدرسین در مورد صلاحیت مرجعیت هفت تن از فقها از جمله آیت الله فاضل و آغاز مرجعیت.
- ۱۳۷۵/۳/۲۴ < دیدار فرماندهان نیروی انتظامی سراسر کشور.^۲
- ۱۳۷۵/۷/۸ < عیادت آیت الله خامنه ای و آیت الله هاشمی رفسنجانی - رئیس جمهور وقت - در بیمارستان قلب شهید رجایی در تهران.^۳
- ۱۳۷۵/۷/۹ < عیادت حجت الاسلام اکبر ناطق نوری - رئیس وقت مجلس شورای اسلامی - در بیمارستان قلب شهید رجایی در تهران.
- ۱۳۷۶ < تأسیس مرکز فقهی ائمه اطهار(ع) در قم.
- ۱۳۷۶/۲/۱۸ < دیدار فرماندهان نیروی انتظامی سراسر کشور.^۴
- ۱۳۷۶/۶/۲۹ < دیدار جمعی از فرماندهان و شرکت کنندگان در مانور ذوالفقار و جمعی از روحانیون عقیدتی، سیاسی.^۵
- ۱۳۷۶/۷/۲۷ < دیدار سید حسن نصرالله دبیر کل حزب الله لبنان.^۶
- ۱۳۷۷ < تأسیس مرکز فقهی ائمه اطهار(ع) در مشهد.
- ۱۳۷۷/۷/۲۳ < دیدار وزیر آموزش و پرورش و معاونان.^۷

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۶/۴/۶، ویژه نامه میراث دار مکتب فقهی امام خمینی، ص ۴.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۵/۳/۲۶.

۳. کیهان و اطلاعات و ابرار، ۱۳۷۵/۷/۹.

۴. ابرار و اطلاعات و جمهوری اسلامی، ۱۳۷۶/۲/۲۰.

۵. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۶/۶/۲۹.

۶. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۶/۷/۲۸.

۷. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۷/۷/۲۵.

- ۱۳۷۷/۱۲/۱۵ < دیدار اعضای ستاد برگزاری نکوداشت سیدمحمد حسین طباطبایی.^۱
- ۱۳۷۸ < تأسیس بخش فرهنگی دفتر آیت‌الله فاضل.
- ۱۳۷۸/۲/۲۵ < دیدار مسئولان مخابرات قم.^۲
- ۱۳۷۸/۳/۱ < دیدار رئیس و جمعی از مسئولان کتابخانه آیت‌الله نجفی.^۳
- ۱۳۷۸/۳/۴ < دیدار حجت‌الاسلام سید محمد خاتمی رئیس جمهور وقت.^۴
- ۱۳۷۸/۳/۱۰ < دیدار جمعی از فرماندهان لشکر ۱۷ علی بن ابی‌طالب.^۵
- ۱۳۷۸/۴/۸ < دیدار جمعی از مسئولان مدارس استثنایی کشور.^۶
- ۱۳۷۸/۴/۲۷ < دیدار جمعی از فضلا و دانشجویان.^۷
- ۱۳۷۸/۶/۱۴ < دیدار شورای مرکزی ائمه جماعات و ائمه جماعات قم.^۸
- ۱۳۷۸/۶/۱۵ < دیدار مسئولان کنگره امام و اندیشه حکومت اسلامی.^۹
- ۱۳۷۸/۸/۲۷ < دیدار مدیران سازمان تبلیغات سراسر کشور.^{۱۰}
- ۱۳۷۸/۹/۲۸ < دیدار اعضای شورای مرکزی مطبوعات قم.^{۱۱}
- ۱۳۷۸/۹/۳۰ < دیدار مدیرکل اداره کار و امور اجتماعی استان قم.^{۱۲}
- ۱۳۷۹ < تأسیس گروه‌های علمی.

-
۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۷/۱۲/۱۶.
۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۸/۲/۲۶.
۳. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۸/۳/۱.
۴. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۸/۳/۵.
۵. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۸/۳/۱۱.
۶. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۸/۴/۸.
۷. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۸/۴/۲۸.
۸. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۸/۶/۱۶.
۹. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۸/۶/۱۵.
۱۰. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۸/۸/۲۹.
۱۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۸/۹/۲۹.
۱۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۸/۱۰/۱.

- ۱۳۷۹/۲/۲۷ < دیدار نمایندگان خیرین مدرسه‌ساز در سراسر کشور.^۱
- ۱۳۷۹/۳/۷ < دیدار جمعی از فضلا و علمای لبنانی مقیم قم.^۲
- ۱۳۷۹/۳/۱۲ < دیدار هیئت امنای خیرین مدرسه‌ساز.^۳
- ۱۳۷۹/۴/۹ < دیدار حجت‌الاسلام کربوبی رئیس وقت مجلس شورای اسلامی.^۴
- ۱۳۷۹/۵/۲۴ < دیدار جمعی از مسئولان ستاد آزادگان قم.^۵
- ۱۳۷۹/۷/۲۱ < دیدار کارکنان ناحیه انتظامی قم.^۶
- ۱۳۷۹/۸/۱۰ < دیدار فرمانده و مسئولان واحدهای مختلف لشکر ۱۷ قم.^۷
- ۱۳۷۹/۸/۱۲ < دیدار مسئولان کمیته امداد امام خمینی کشور.^۸
- ۱۳۷۹/۸/۱۹ < دیدار معاون آموزش و تحقیقات و سخنگوی قوه قضائیه.^۹
- ۱۳۷۹/۸/۲۶ < دیدار فرماندهان عالی‌رتبه نیروی هوایی ارتش.^{۱۰}
- ۱۳۷۹/۱۰/۲۹ < دیدار معاون ارتباطات و پژوهش سازمان صدا و سیما.^{۱۱}
- ۱۳۷۹/۱۱/۱۳ < دیدار جمعی از مهندسين صنايع دفاع هوايي.^{۱۲}
- ۱۳۷۹/۱۲/۱۳ < دیدار روحانیون شرکت‌کننده در هفتمین گردهمایی سراسری روحانیون مستقر در مناطق محروم کشور.^{۱۳}

-
۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۹/۲/۲۹.
 ۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۹/۳/۹.
 ۳. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۹/۳/۱۲.
 ۴. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۹/۴/۱۱.
 ۵. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۹/۵/۲۵.
 ۶. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۹/۷/۲۳.
 ۷. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۹/۸/۱۱.
 ۸. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۹/۸/۱۴.
 ۹. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۹/۸/۲۱.
 ۱۰. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۹/۸/۲۸.
 ۱۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۹/۱۰/۲۹.
 ۱۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۹/۱۱/۱۵.
 ۱۳. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۹/۱۲/۱۳.

- ۱۳۸۰/۲/۸ ◀ دیدار جمعی از اعضای هیئت رزمندگان اسلام قم.^۱
- ۱۳۸۰/۲/۲۷ ◀ دیدار جمعی از مسئولان شرکت مخابرات استان قم.^۲
- ۱۳۸۰/۳/۲۳ ◀ دیدار اعضای انجمنهای اسلامی وزارت پست و تلگراف و تلفن.^۳
- ۱۳۸۰/۶/۱۷ ◀ دیدار مسئولان ستاد بزرگداشت شهید محراب آیت‌الله سید اسدالله مدنی.^۴
- ۱۳۸۰/۱۱/۱۱ ◀ دیدار رئیس و معاونان جهاد دانشگاهی کشور.^۵
- ۱۳۸۰/۱۲/۲۰ ◀ دیدار معاون تعاون و امور مجلس بنیاد شهید کشور و جمعی از مسئولان
استانی بنیاد شهید.^۶
- ۱۳۸۰/۱۲/۲۳ ◀ دیدار مسئولان ستاد اجرایی طرح معرفت نیروی زمینی سپاه.^۷
- ۱۳۸۱ ◀ تأسیس دفتر معظم‌له در مسکو.
- ۱۳۸۱/۱/۲۳ ◀ کمک پنجاه میلیون ریالی به فلسطینیان.^۸
- ۱۳۸۱/۲/۱۲ ◀ دیدار ستاد کنگره بزرگداشت علمای گلپایگان.^۹
- ۱۳۸۱/۲/۲۶ ◀ دیدار رئیس و اعضا هیئت مدیره شرکت مخابرات قم.^{۱۰}
- ۱۳۸۱/۲/۲۸ ◀ دیدار مدیران کل بنیاد شهید انقلاب اسلامی از سراسر کشور.^{۱۱}

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۲/۸.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۲/۲۹.

۳. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۳/۲۶.

۴. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۶/۱۸.

۵. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۱۱/۱۳.

۶. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۱۲/۲۰.

۷. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۱۲/۲۵.

۸. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۱/۱/۲۴.

۹. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۱/۲/۱۲.

۱۰. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۱/۲/۲۶.

۱۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۱/۲/۲۸.

- ۱۳۸۱/۴/۱ < دیدار مدیر، معاون، اساتید و طلاب مدرسه علمیّه رسالت.^۱
- ۱۳۸۱/۵/۱۶ < دیدار جمعی از مسئولان و مدیران سازمان صدا و سیما.^۲
- ۱۳۸۱/۶/۱۳ < دیدار رئیس و معاونان سازمان بهزیستی کشور.^۳
- ۱۳۸۱/۶/۱۶ < دیدار مسئولان، مدیران کل و اعضای انجمنهای اسلامی وزارت امور اقتصادی و دارایی.^۴
- ۱۳۸۱/۷/۲۷ < دیدار فرمانده و نیز رئیس اداره عقیدتی - سیاسی نیروی زمینی ارتش، فرماندهان رزمایش اقتدار ۸۱ و جمعی از روحانیون این نیرو.^۵
- ۱۳۸۱/۷/۲۷ < دیدار جمعی از دانش‌پژوهان مرکز تخصصی مهدویت.^۶
- ۱۳۸۱/۹/۶ < دیدار فرماندهان و مسئولان مقاومت بسیج قم.^۷
- ۱۳۸۱/۹/۲۸ < دیدار اساتید بسیجی حوزه و دانشگاه.^۸
- ۱۳۸۱/۱۰/۲۹ < دیدار کارآموزان قضایی اداره کل آموزش روحانیون قوه قضائیه.^۹
- ۱۳۸۱/۱۱/۱۶ < دیدار معاون ارتباطات و امور بین الملل سازمان صدا و سیما و تعدادی از مدیران صدا و سیمای قم و شبکه رادیو معارف.^{۱۰}
- ۱۳۸۱/۱۲/۵ < دیدار صد تن از طلاب شاهد سراسر کشور.^{۱۱}
- ۱۳۸۱/۱۲/۱۳ < دیدار رؤسای هیئتهای مذهبی و تکایای قم همراه جمعی از مبلغان.^{۱۲}

۱. افق حوزه، ۱۳۸۱/۴/۱.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۱/۵/۱۶.

۳. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۱/۶/۱۴.

۴. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۱/۶/۱۶.

۵. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۱/۷/۲۷.

۶. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۱/۷/۲۷.

۷. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۱/۹/۷.

۸. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۱/۹/۲۸.

۹. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۱/۱۰/۲۹.

۱۰. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۱/۱۱/۱۷.

۱۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۱/۱۲/۶.

۱۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۱/۱۲/۱۳.

- ۱۳۸۱/۱۲/۱۷ < دیدار کارکنان کمیته امداد قم.^۱
- ۱۳۸۲/۲/۱۹ < دیدار دانش‌آموزان شاهد مستعد راه‌یابی به حوزه‌های علمیه.^۲
- ۱۳۸۲/۲/۲۱ < دیدار جمعی از مسئولان فرماندهان بسیج ناحیه غرب تهران و هیئت رزمندگان.^۳
- ۱۳۸۲/۳/۱۲ < دیدار امام جمعه و جمعی از مسئولان ورامین، پیشوا و قرچک.^۴
- ۱۳۸۲/۵/۲ < دیدار رئیس سازمان ایرانگردی و جهانگردی.^۵
- ۱۳۸۲/۵/۲ < دیدار اعضای ستاد مبارزه با ربا و رباخواری.^۶
- ۱۳۸۲/۶/۱۲ < دیدار مسئولان و کارکنان تپ رزمی - تبلیغی ۸۳ امام جعفر صادق(ع).^۷
- ۱۳۸۲/۶/۱۲ < دیدار مسئولان و اعضای کنگره اخلاق و فضیلت (یادبود بیست و دومین سالگرد شهادت آیت‌الله سید اسدالله مدنی).^۸
- ۱۳۸۲/۷/۱۲ < دیدار مسئولان نیروی انتظامی استان قم همراه نماینده ولی فقیه در نیروی انتظامی.^۹
- ۱۳۸۲/۷/۱۷ < دیدار حجت‌الاسلام سید عبدالعزیز حکیم، رئیس مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق.^{۱۰}
- ۱۳۸۲/۹/۲۰ < دیدار سرپرست کمیته امداد امام خمینی.^{۱۱}

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۱/۱۲/۱۸.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۲/۲۰.

۳. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۲/۲۲.

۴. افق حوزه، ۱۳۸۲/۳/۱۲.

۵. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۵/۲.

۶. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۵/۴.

۷. افق حوزه، ۱۳۸۲/۶/۱۷؛ جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۶/۱۳.

۸. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۶/۱۳.

۹. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۷/۱۲.

۱۰. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۷/۱۹.

۱۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۹/۲۲.

- ۱۳۸۲/۱۰/۹ < دیدار اعضای ستاد جشنواره سراسری مطبوعات دینی.^۱
- ۱۳۸۲/۱۰/۱۶ < دیدار معاونان فرهنگی بنیاد شهید انقلاب اسلامی سراسر کشور.^۲
- ۱۳۸۲/۱۰/۲۰ < دیدار جمعی از قضات استان قم.^۳
- ۱۳۸۳ < تأسیس مرکز فقهی ائمه اطهار(ع) در دمشق.
- ۱۳۸۳/۲/۲۱ < دیدار اعضای ستاد کنگره فاطمه‌شناسی استان همدان.^۴
- ۱۳۸۳/۲/۳۱ < دیدار وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات.^۵
- ۱۳۸۳/۵/۱۲ < دیدار رئیس و جمعی از کارکنان مرکز اسناد انقلاب اسلامی.^۶
- ۱۳۸۳/۶/۲۵ < دیدار مدیر کل کمیته امداد امام خمینی استان قم.^۷
- ۱۳۸۳/۶/۳۰ < دیدار جمعی از مسئولان صدا و سیما.^۸
- ۱۳۸۳/۷/۱۲ < دیدار ابراهیم جعفری، معاون رئیس جمهور عراق.^۹
- ۱۳۸۳/۷/۲۲ < دیدار روحانیون اعزامی به مناطق محروم سیستان و بلوچستان و بندرلنگه و نیز مبلغان واحد سفیران هدایت در حوزه علمیه قم.^{۱۰}
- ۱۳۸۳/۸/۳۰ < دیدار فرماندهان نیروی مقاومت بسیج.^{۱۱}
- ۱۳۸۳/۸/۳۰ < دیدار وزیر علوم، تحقیقات و فناوری.^{۱۲}

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۱۰/۱۰.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۱۰/۱۶.

۳. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۱۰/۲۰.

۴. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۳/۲/۲۱.

۵. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۳/۳/۲.

۶. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۳/۵/۱۲.

۷. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۳/۶/۲۶.

۸. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۳/۶/۳۰.

۹. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۳/۷/۱۲.

۱۰. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۳/۷/۲۲.

۱۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۳/۸/۳۰.

۱۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۳/۹/۱.

- ۱۳۸۳/۱۰/۳ < دیدار فرماندهان و مسئولان لشکر ده سیدالشهدا(ع).^۱
- ۱۳۸۳/۱۰/۱۴ < دیدار رئیس کمیسیون برنامه و بودجه در مجلس هفتم.^۲
- ۱۳۸۳ < تأسیس مدرسه علمیّه و مرکز فقهی ائمه اطهار(ع) در کابل.
- ۱۳۸۴/۳/۲۴ < دیدار حجت‌الاسلام سید عبدالعزیز حکیم، رئیس مجلس اعلیٰ انقلاب اسلامی عراق.^۳
- ۱۳۸۴/۴/۸ < دیدار مسئولان ستاد برگزاری نماز جمعه تهران.^۴
- ۱۳۸۴/۴/۲۳ < دیدار برگزارکنندگان کنگره میراث علمی و معنوی حضرت زهرا(س).^۵
- ۱۳۸۴/۵/۱۳ < دیدار اعضای ستاد یادواره شهدای کارگر و کارمند قم.^۶
- ۱۳۸۴/۶/۱۶ < دیدار گروهی از پاسداران و افسران ارشد دانشگاه امام حسین(ع).^۷
- ۱۳۸۴/۷/۹ < دیدار جمعی از علما و مسئولان حوزه‌های علمیّه سراسر کشور.^۸
- ۱۳۸۴/۹/۱۶ < دیدار تعدادی از علمای اهل سنت پاکستان.^۹
- ۱۳۸۴/۹/۱۹ < دیدار جمعی از طلاب مدرسه علمیّه شهید صدوقی قم و طلاب فیروزکوه.^{۱۰}
- ۱۳۸۴/۱۰/۱۰ < دیدار جمعی از قضات استان قم.^{۱۱}
- ۱۳۸۴/۱۰/۲۶ < دیدار جمعی از طلاب شهرستانهای ابهر، نجف آباد، اندیمشک و خرمشهر.^۱

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۳/۱۰/۳.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۳/۱۰/۱۴.

۳. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۴/۳/۲۸.

۴. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۴/۴/۱۲.

۵. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۴/۴/۲۳.

۶. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۴/۵/۱۳.

۷. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۴/۶/۱۷.

۸. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۴/۷/۹.

۹. افق حوزه، ۱۳۸۴/۹/۲۱.

۱۰. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۴/۹/۱۹.

۱۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۴/۱۰/۱۰.

- ۱۳۸۴/۱۱/۸ ◀ دیدار طلاب و فضایی قمی در حوزه علمی قم و مجمع الذاکرین و رؤسای برخی از هیئات مداحی تهران.^۲
- ۱۳۸۴/۱۱/۱۳ ◀ دیدار مهندس ضرغامی، رئیس سازمان صدا و سیما.^۳
- ۱۳۸۴/۱۲/۲۰ ◀ دیدار اعضای جهاد دانشگاهی.^۴
- ۱۳۸۴/۱۲/۲۱ ◀ دیدار اعضای جامعه مدرسین حوزه علمی قم.^۵
- ۱۳۸۴/۱۲/۲۳ ◀ دیدار رئیس و معاون پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی قم و مسئول و مدیران موسسه فرهنگی انتظار نور.^۶
- ۱۳۸۵/۱/۳۰ ◀ دیدار اساتید و مسئولان مدرسه علمی معصومیه قم.^۷
- ۱۳۸۵/۱/۳۱ ◀ دیدار مسئولان عقیدتی، سیاسی ارتش.^۸
- ۱۳۸۵/۲/۷ ◀ دیدار رئیس شورای شهر تهران.^۹
- ۱۳۸۵/۲/۲۸ ◀ دیدار اساتید سطوح عالی و دروس خارج.^{۱۰}
- ۱۳۸۵/۲/۳۱ ◀ دیدار فرماندهان لشکر ۱۷ علی بن ابی طالب (ع).^{۱۱}
- ۱۳۸۵/۴/۳ ◀ عیادت آیات: صافی گلپایگانی و مکارم شیرازی در بیت معظم له.
- ۱۳۸۵/۵/۲ ◀ دیدار طلاب شرکت کننده در ششمین اردوی تربیت معلم قرآن کریم از حوزه‌های علمی سراسر کشور.^{۱۲}

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۴/۱۰/۲۶.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۴/۱۱/۹.

۳. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۴/۱۱/۱۵.

۴. افق حوزه، ۱۳۸۴/۱۲/۲۴؛ جمهوری اسلامی، ۱۳۸۴/۱۲/۲۰.

۵. افق حوزه، ۱۳۸۴/۱۲/۲۴؛ جمهوری اسلامی، ۱۳۸۴/۱۲/۲۱.

۶. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۴/۱۲/۲۳.

۷. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۱/۳۰.

۸. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۲/۲.

۹. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۲/۹.

۱۰. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۲/۳۰؛ افق حوزه ۱۳۸۵/۳/۱.

۱۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۲/۳۱.

۱۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۵/۲.

- ۱۳۸۵/۶/۵ ◀ دیدار فرمانده و جمعی از مسئولان لشکر ۱۷ علی بن ابی طالب(ع).^۱
- ۱۳۸۵/۶/۲۶ ◀ دیدار اعضای شورای مرکزی و دبیران استانهای حزب مؤتلفه اسلامی.^۲
- ۱۳۸۵/۷/۱ ◀ دیدار برخی از مسئولان و مدیران سازمان صدا و سیما.^۳
- ۱۳۸۵/۸/۱۵ ◀ دیدار رئیس سازمان اوقاف کشور.^۴
- ۱۳۸۵/۸/۲۵ ◀ دیدار رئیس و جمعی از مسئولان سازمان حج و زیارت و بعثه مقام معظم رهبری.^۵
- ۸۵/۸/۲۹ ◀ دیدار دکتر غلامعلی حدّاد عادل - رئیس مجلس شورای اسلامی - و هیئت رئیسه مجلس.^۶
- ۱۳۸۵/۹/۷ ◀ دیدار حجت‌الاسلام شیخ یزیدک - نماینده دبیرکل حزب‌الله لبنان - همراه جمعی از حزب‌الله.^۷
- ۱۳۸۵/۹/۱۱ ◀ دیدار دکتر احمد حسون - مفتی اعظم سوریه - و سفیر سوریه.^۸
- ۱۳۸۵/۱۰/۱۳ ◀ دیدار دبیرکل کتابخانه‌های عمومی کشور.^۹
- ۱۳۸۵/۱۰/۲۸ ◀ دیدار رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی همراه جمعی از مدیران و معاونان این سازمان.^{۱۰}
- ۱۳۸۵/۱۰/۲۹ ◀ دیدار دکتر علی لاریجانی دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی.^{۱۱}

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۶/۶.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۶/۲۶.

۳. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۷/۱.

۴. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۸/۱۶.

۵. افق حوزه، ۱۳۸۵/۸/۲۹؛ جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۸/۲۷.

۶. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۸/۳۰.

۷. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۹/۷؛ افق حوزه، ۱۳۸۵/۹/۱۳.

۸. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۹/۱۱؛ افق حوزه، ۱۳۸۵/۹/۱۳.

۹. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۱۰/۱۴.

۱۰. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۱۰/۳۰.

۱۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۱۰/۳۰.

طلوع تا غروب ۵۱

- ۱۳۸۵/۱۱/۱۷ ◀ دیدار گروهی از فرماندهان و مدیران ارشد نیروی زمینی سپاه.^۱
- ۱۳۸۵/۱۱/۲۵ ◀ دیدار آیت‌الله علی اکبر هاشمی رفسنجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام.^۲
- ۱۳۸۵/۱۲/۱۸ ◀ دیدار دکتر محمود احمدی‌نژاد، رئیس جمهور.^۳
- ۱۳۸۶/۱/۲۹ ◀ دیدار دبیر و اعضای شورای عالی حوزه علمیه قم.^۴
- ۱۳۸۶/۲/۱۸ ◀ عیادت مقام معظم رهبری در بیمارستانی در تهران.
- ۱۳۸۶/۲/۲۲ ◀ عیادت دکتر محمود احمدی‌نژاد در بیمارستانی در تهران.
- ۱۳۸۶/۳/۱۰ ◀ سفر به لندن برای معالجه.
- ۱۳۸۶/۳/۲۵ ◀ بازگشت به قم.
- ۱۳۸۶/۳/۲۶ ◀ ثلم في الإسلام ثلثة لایسدها شیء.

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۱۱/۱۸.

۲. افق حوزه، ۱۳۸۵/۱۱/۲۵.

۳. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۱۲/۲۰؛ افق حوزه، ۱۳۸۵/۱۲/۲۳.

۴. افق حوزه، ۱۳۸۶/۱/۲۹.

دانش‌اندوزی

در هفت سالگی وارد دبستان محمدیه در شهر قم شد و استعداد درخشان خود را در همان دوره نشان داد؛ به گونه‌ای که گاهی به جای معلم غایب، در کلاسهای پایین‌تر تدریس می‌کرد. عشق به تحصیل در علوم حوزوی از همان دوران در او موج می‌زد و این عشق و علاقه را در درس انشا اظهار می‌کرد. از هم‌درسان این دوره وی آیت‌الله حاج‌آقا مصطفی خمینی بود.

این دوره را با موفقیت به پایان رساند و در امتحانات نهایی رتبه اول را در شهر قم کسب کرد. به این مناسبت، کتابهایی با توشیح رئیس آموزش و پرورش وقت، به او جایزه دادند. پس از اتمام مقطع ابتدایی، که در آن زمان شش سال بود، تصمیم به تحصیلات حوزوی گرفت؛ اما مدیر مدرسه و مسئولان اداره فرهنگ قم با این تصمیم او به شدت مخالفت می‌کردند و می‌گفتند: شما همین دروس را ادامه دهید.

ورود به حوزه علمیه

آیت‌الله فاضل عشق و علاقه خود به حوزه و زمینه پدید آمدن این علاقه را در مصاحبه‌ای بیان کرده است:

«از همان اوایل که زندگی پدرم را مطالعه می‌کردم و روحانیت و معنویت را که در زندگی یک روحانی درک می‌کردم، مرا علاقه‌مند به همان راه پدر و رشته روحانیت کرد. در کلاس پنجم یا ششم دبستان گاهی به ما موضوعی را به عنوان انشا می‌دادند. یک بار این موضوع داده شد که: شما بعد از فراغت از دوران دبستان به چه کاری اشتغال پیدا خواهید کرد؟ نوشتم: پس از فراغت از دوران دبستان به رشته روحانیت وارد خواهم شد.»

این در شرایطی بود که مسئله روحانیت به قدری در جامعه از نظر مقام ضعیف شده بود و به قدری دست جنایت کار رضاخان پهلوی در خرد کردن و منحنی کردن این قشر با عظمت نقش داشت که اگر کسی ورود در این رشته را اختیار می‌کرد، شاید به نظر، انسانی غیرعاقل و منحرف شناخته می‌شد. ولی من با مطالعه زندگی پدر و علاقه‌ای که به معنویت این زندگی پیدا کرده بودم، مخصوصاً با وجود اینکه از نظر مادی و جهات رفاهی وضع ایشان بسیار نامطلوب بود، ولی به تمام معنا روحانیت حاکم بر زندگی بود و جاذبه آن روحانیت مرا جذب کرد. با اینکه در دوران دبستان ترقی و رشد من بسیار چشم‌گیر بود، علاقه من بیشتر به ورود در رشته روحانیت بود و پس از فراغت از دبستان بدون معطلی وارد این رشته شدم.^۱

در سیزده سالگی وارد حوزه علمیه قم شد و تمام تحصیلات حوزوی خود را در این شهر گذراند. درس را بر همه کارها مقدم می‌داشت و بنای او بر آن بود تا ضرورت یا حادثه بسیار مهم پیش نیاید، درس را تعطیل نکند. او گوشه‌ای از خاطره زمان تحصیل را که نشان از عشق سرشار دارد، چنین بیان می‌کند:

«در آن زمان روزهای سرد زمستانی صبح زود هنوز آفتاب بالا نیامده، مجبور بودیم بحث‌هایمان را در همین ایوانهای بقعه‌های صحن در آن شرایط سخت و آزاردهنده دنبال کنیم و غیر از این هم چاره‌ای نداشتیم.»^۲

تشویق آیت‌الله بروجردی در سالهای اولیه تحصیل، نشان از موفقیت ایشان در تحصیل داشت و این امر در روحیه او تأثیر زیاد برجا گذارد. خود می‌گوید: مرحوم حضرت

۱. پیام انقلاب، ش ۹۰، ص ۲۲ - ۲۳.

۲. نور علم، ش ۳۰، ص ۱۰.

شایان ذکر است که زمستانهای آن زمان بسیار سردتر از این زمان بود. با اینکه زمان کودکی ما حدود بیست سال بعد از دوران تحصیل ایشان است، به یاد دارم که از ابتدای زمستان تا پایان آن، برف و یخبندان در قم ادامه داشت و همه جا به شدت گل‌آلود می‌شد. گاهی برفهای بامها را که به کوچه می‌ریختند، در وسط کوچه تا بام خانه‌ها روی هم انباشته می‌شد.

آیت‌الله بروجردی در اوایل ورود به قم، روزی به وسیله یکی از آشنایان به یکی از آبدیه‌های اطراف قم دعوت شدند. در این سفر من هم به همراه مرحوم والد که از نزدیکان ایشان بودند، حضور داشتم. در آن روزها *مطوّل* می‌خواندم. آیت‌الله بروجردی شعری از آن کتاب خواند و در باره نکات ادبی آن پرسیدند و من بلافاصله جواب دادم. ایشان مبلغ پنجاه تومان که در آن زمان قابل توجه به حساب می‌آمد، به من جایزه دادند و این پیشامد و تشویق آن مرجع بزرگ در روحیه و علاقه‌ام به درس و دقت بیشتر، تأثیر شگفت‌انگیزی به جا گذاشت. به نظرم در آن زمان شهریه افراد متأهل که در درس خارج شرکت می‌کردند، حداکثر ۴۵ تومان بود.^۱

از جمله هم‌بچه‌های او آیات: حاج آقا مصطفی خمینی و آقاشهاب اشراقی بودند. از میان علوم مختلف، ذوق اصلی ایشان فقه و اصول بود. تلاش فراوان، هوش سرشار و عشق به فراگیری دانش سبب شد تا در عنفوان جوانی به موقعیتی مطلوب در علوم اسلامی نائل آید. طلاب معمولاً دروس پیش از خارج را در مدت هشت یا نه سال می‌گذراندند؛ اما ایشان در مدت شش سال به بهترین وجه خواند و حتی کتاب *گسترده مطوّل* را که امروز تدریس آن متروک شده، به صورت کامل فراگرفت. سال ۱۳۶۹ق/۱۳۲۹ش در نوزده سالگی صلاحیت شرکت در درس خارج آیت‌الله بروجردی را پیدا کرد. معظّم‌له خاطره نخستین سال شرکت در درس خارج را چنین بیان می‌کند:

«اواخر نوزده سالگی در درس خارج مرحوم آیت‌الله العظمی آقای بروجردی شرکت کردم و حضور من در درس ایشان با صغر سنی که داشتم، خیلی جلب توجه می‌کرد و حتی از طرف بعضی شاید متهم به این شده بودم که نمی‌توانم درس را درک بکنم و بفهمم؛ لیکن جواب این اتهام از یک راه داده شد و آن اینکه من هر درسی را که خدمت ایشان می‌خواندم، بلافاصله همان روز آن را به زبان عربی می‌نوشتم و همین نوشتجات شاهد گویایی بود بر اینکه درس را کاملاً می‌فهمیدم.»^۲

۱. نور علم، ش ۳۰، ص ۱۰ - ۱۱.

۲. پیام انقلاب، ش ۹۰، ص ۲۳.

خاطره‌ای از آیت‌الله فاضل نشان می‌دهد که حتی آیت‌الله بروجردی نیز باور نمی‌کرد که او بتواند به درستی مطالب را درک کند:

«مرحوم والد به مناسبت ایام فاطمیّه مجلس روضه‌ای در منزل ترتیب داده بودند. مرحوم آیت‌الله بروجردی روزی برای شرکت در روضه به آنجا تشریف آوردند. همین‌که مرحوم آیت‌الله بروجردی مرا مشغول پذیرایی دیدند، با لبخند خطاب به مرحوم والد فرمودند: فلانی هم در درس شرکت می‌کند؟ گمان می‌کنم کمی سنّ من باعث تعجب ایشان شده بود. پدرم که متوجه این نکته شد، به عرض رساندند که نه تنها در درس شرکت می‌کند، بلکه درسهای شما را به عربی می‌نویسد و شنیدن این مطلب تعجب معظمّه را بیشتر برانگیخت و فرمود: امکان دارد این نوشته‌ها را ببینم؟ پدرم به من دستور داد تا آنها را آورده و خدمت ایشان دادم. معظمّه نوشته مرا حدود نیم ساعت بدون آنکه با کسی حرف بزند یا به حرف کسی گوش بدهد، ملاحظه فرمود و تنها در سند روایتی که از صاحب *وسائل* نقل کرده بودم، اشکال فرموده، گفتند: این روایت طیّ سند دیگری غیر از این سند وارد شده که این اشکال در واقع متوجه صاحب *وسائل* می‌شد.

پس از آن همواره مرا مشمول عنایت خود قرار می‌دادند و با کلمات اعجاب‌آمیزی تشویق می‌فرمودند و هرچند وقت یک بار نوشته مرا می‌خواستند و پس از مروری در آن به من پس می‌دادند. وقتی نوشته‌ها به چهارصد یا پانصد صفحه رسید، دستور دادند که آن را چاپ کنم و جلد اول آن حسب الامر ایشان به نام *نهایه التقریر* که مشتمل بر قسمت زیادی از مباحث نماز بود، به چاپ رسید.»^۱

در ۲۴ سالگی تدوین جلد اول *نهایه التقریر* را به پایان رساند و در ۲۶ سالگی جلد اول به چاپ رسید. به عبارت دیگر تدوین جلد اول در رجب ۱۳۷۴ق به پایان رسید^۲ و در سال ۱۳۷۶ق چاپ شد. بعضی باور نمی‌کردند که این کتاب را آیت‌الله فاضل نوشته باشد.

۱. نور علم، ش ۳۰، ص ۱۱ - ۱۲ و ر.ک: *پیام انقلاب*، ش ۹۰، ص ۲۳ - ۲۴.

۲. این تاریخ در چاپ قدیم دو جلدی در پایان جلد اول آمده؛ اما در چاپ سه جلدی در جلد دوم، صفحه ۳۳۰ ذکر شده است.

وی در این زمینه می‌گوید:

«یک روز پدرم با ناراحتی وارد منزل شد. وقتی علت ناراحتی را جویا شدیم، گفتند: شخصی به من گفت: توقع نداشتیم کتابی را خودت بنویسی و به نام فرزندت چاپ کنی! جواب والد به آن شخص این بود که: من حتی در یک کلمه این کتاب نقش نداشتم و هرچه هست، فرزندم نوشته است.»^۱

یکی از برنامه‌های آیت‌الله بروجردی حمایت مالی از طلاب و فضالای با استعداد بود تا بهتر بتوانند به فعالیت علمی بپردازند. پس از تألیف *نهایة التقریر*، مبلغ بیست هزار تومان جهت کمک هزینه خرید خانه برای آیت‌الله فاضل فرستاد. نظر به اینکه پدر ایشان مایل بود آیت‌الله فاضل نزد او زندگی کند و نیز نیاز مالی زیاد داشت، آیت‌الله فاضل دو دانگ از خانه پدر را خرید.

وقتی *نهایة التقریر* به دست مرحوم شیخ آقابزرگ طهرانی رسید، اجازه روایی خوبی برای نویسنده مرقوم فرمود که شاید جزء آخرین اجازات روایی ایشان باشد.^۲

دیگر از نشانه‌های موفقیت وی آن است که آیت‌الله بروجردی پدر ایشان را واسطه می‌کند تا در جلسات استفتا شرکت کند؛ اما آیت‌الله فاضل برای رسیدگی بهتر به امور علمی خود، عذر می‌آورد.^۳ در حالی که حضور در آن جلسات در سنین جوانی امتیازی برای او به شمار می‌رفت. عشق به تحصیل و تدریس و تألیف، او را از شرکت در این جلسات باز داشت و مطالب علمی مطرح در این جلسات، او را ارضا نمی‌کرد.

حجت‌الاسلام محمدجواد فاضل می‌گوید:

«آیت‌الله محسنی ملایری، که با آیت‌الله بروجردی مأنوس و محشور بود، مکرراً به من گفت: آیت‌الله بروجردی چندین بار تصریح کردند: قدر این مجتهد جوان خودتان را بدانید.»^۴

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۶/۵/۳، ویژه‌نامه اسوه قفاهت و مرجعیت، ص ۵، مصاحبه حجت‌الاسلام محمدجواد فاضل.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۲/۱۵، ویژه‌نامه شاخه‌ای از شجره طوبی، ص ۷، مصاحبه حجت‌الاسلام محمدجواد فاضل.

۳. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۲/۱۵، ویژه‌نامه شاخه‌ای از شجره طوبی، ص ۷، مصاحبه حجت‌الاسلام محمدجواد فاضل.

۴. افق حوزه، ۱۳۸۶/۵/۳.

آیت‌الله سید حسین بدلا از خاطره‌ای، نتیجه می‌گیرد که آیت‌الله فاضل در همان جوانی در نظر آیت‌الله بروجردی دارای موقعیت علمی بالایی بوده است:

«در جلسه استفتائات مرحوم بروجردی بنده هم شرکت می‌کردم و ریاست آن را آقای فاضل قفقازی به عهده داشتند. یک بار یکی از مسائل مشکل را برای تحقیق آوردند تا روی آن کار کنیم. ما با کمک منابع موجود تحقیقاتی انجام دادیم و حاصل آن را خدمت مرحوم بروجردی ارائه کردیم. ایشان شبهه‌هایی به نظرشان رسید و مطرح کردند. ما دوباره تجدید نظر کردیم. روال کار به این صورت بود که ما نوشته‌هایمان را در اختیار آقای فاضل قفقازی قرار می‌دادیم و او هم در جنب آقای بروجردی می‌نشست و مطالب را به ایشان ارائه می‌داد. آن مسئله مشکل را به آقای فاضل دادیم تا در اختیار ایشان قرار دهد. از قضا این بار جواب مورد پسند آقای بروجردی قرار گرفت. آن مرحوم به شوخی خطاب به آقای فاضل گفتند: به گمانم شما دیشب با محمدآقایتان این مسئله را بحث کرده‌اید و به نتیجه رسیده‌اید.»

ظاهراً از همان موقع، نبوغ و استعداد آقا شیخ محمد فاضل لنکرانی برای آقای بروجردی مشخص بوده و حتی ایشان را از پدرش در فقه و اصول قوی‌تر می‌دانسته است.^۱

آیت‌الله سید محمد بجنوردی از دوران جوانی چنین یاد می‌کند:

«یک سال و نیم قبل از تبعید امام خمینی به نجف، مرحوم آیت‌الله فاضل به نجف مشرف شدند. مرحوم پدرم آیت‌الله میرزا حسن بجنوردی به ایشان خیلی علاقه‌مند بودند. هنگام طرح یک فرع فقهی، ایشان خیلی فقیهانه وارد بحث می‌شد. به همین جهت در حوزه علمیه نجف فضل و فقاقت ایشان برای ارباب فضل مشخص شده بود.»^۲

به هر حال او همواره در حال تلاش و پیشرفت علمی بود؛ به گونه‌ای که می‌توان ایشان را تا پایان حیات، «محصل» نامید.

۱. ر.ک: هفتاد سال خاطره از آیت‌الله سید حسین بدلا، ص ۱۵۵ - ۱۵۶.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۶/۴/۶، ویژه‌نامه میراث‌دار مکتب فقهی امام خمینی، ص ۴.

استادان

در طول تحصیلات خود از استادان برجسته حوزه بهره برد و خود را مدیون زحمات آنها می‌دانست و همواره با تجلیل و احترام فراوان از آنها یاد می‌کرد. در اینجا به نام آن تعداد از آنها که دست یافتیم، اشاره می‌کنیم:

آیت‌الله بروجردی

وی نخستین استاد آیت‌الله فاضل در درس خارج بود. نظر به نزدیکی پدر گرامی با این استاد، آیت‌الله فاضل توانست ارتباط نزدیک‌تر با آیت‌الله بروجردی برقرار کند و علاوه بر بهره‌های علمی، از جهت اخلاقی نیز بهره‌مند گردد. هر درسی را که آیت‌الله بروجردی مطرح می‌کرد، همان روز، مباحث را با ظرافتها به عربی می‌نوشت و نتیجه آن، کتاب نهاییه /تقریر شد که پس از ملاحظه آیت‌الله بروجردی به چاپ رسید. شرکت در این درس یازده سال ادامه یافت.

آیت‌الله فاضل در دو مصاحبه به تفصیل در مورد این استاد خود و شرکت در درس او سخن گفته است که متن آنها در قسمت مربوط خواهد آمد.

امام خمینی

آیت‌الله فاضل یکی از پرشورترین شرکت‌کنندگان در درس امام بود؛ چنان‌که خود گوید: «در کنار درس آیت‌الله بروجردی، استاد بزرگوار، رهبر انقلاب (امام خمینی) شروع به تدریس علم اصول فرمودند. ما از همان روزهای اول تدریس، در بحث ایشان حاضر شدیم. پس از چند روز دیدیم آنچه را ما در مورد این علم به فکرش بودیم و انتظار آن را می‌کشیدیم و احیاناً از خداوند طلب می‌کردیم که یک چنین استاد مسلط و خوش‌بین و دقیق و بااستعداد در مورد علم اصول نصیب ما بشود، بحمدالله نصیب شد. لذا در درس علم اصول ایشان هم شرکت کردیم و یک دوره اصول کامل از مباحث الفاظ و مباحث عقلیه که تقریباً دوره آن هفت سال طول کشید، استفاده کردیم. شاید بیش از دو ثلث علم اصول را به صورت منظم و منسجم توانستم یادداشت کنم و بنویسم. در کنار درس اصول، ایشان درس فقهی از اول کتاب طهارت شروع کردند که یادم هست که از همان روز اول،

توفیق درک فیض محضر ایشان را کسب نمودم.»^۱

در مصاحبه‌ای دیگر، از شرکت خود در درس حضرت امام یاد می‌کند:

«چون حضرت آیت‌الله بروجردی مخصوصاً در هفت، هشت سال آخر عمرشان تنها به یک درس در روز اکتفا می‌کردند و یک درس خوب در روز برای یک طلبه کافی نیست، در فکر پیدا کردن و شرکت در درسهای دیگری بودم که شنیدم امام بزرگوارمان تازه شروع به تدریس اصول فرموده‌اند. من بدون کوچک‌ترین سابقه‌ای از درس، از طرز بیان و کیفیت القاء مطالب ایشان، در درس معظّم‌له شرکت کردم و پس از چند روز احساس کردم که گم‌شده‌ای را که مدت‌ها به دنبال آن به هر دری می‌زدم، پیدا کرده‌ام. ایشان با بیان جالب و فکر صائب خود، بدون هیچ اعوجاج و هیچ انحرافی از اصل مطلب آن‌هم با تسلّط کاملی که در فنون مختلف مخصوصاً در فلسفه و عرفان و مسائل دیگر داشتند و با توجه به وجود ارتباط کامل میان بعضی از مسائل اصول و فلسفه، مطلب را طوری القا می‌فرمودند که چون آفتاب برای انسان روشن می‌شد.»^۲

آیت‌الله فاضل از روزهای شرکت در درس حضرت امام به عنوان شیرین‌ترین روزهای زندگی خود و به عنوان روزهای فراموش نشدنی، یاد می‌کرد.^۳

پدر ایشان آیت‌الله فاضل قفقازی با حضرت امام رفاقت داشت و به منزل یکدیگر رفت و آمد داشتند. خود نیز با حاج آقا مصطفی خمینی از دوران کودکی تا بزرگسالی دوست و هم‌مباحثه بودند. لذا از دوران کودکی با حضرت امام رابطه نزدیک پیدا کرد و حضرت امام نیز به ایشان علاقه خاصی داشت.

آیت‌الله فاضل حدود نه سال از محضر امام در فقه و اصول استفاده کرد و تقریرات درس امام به قلم ایشان با عنوانهای *کتاب الطهاره* و *معتمد الأصول* به چاپ رسیده است. حجت‌الاسلام محمدجواد فاضل از مرحوم آیت‌الله شیخ محمود اردکانی - از شاگردان امام - بی‌واسطه

۱. پیام انقلاب، ش ۹۰، ص ۲۴.

۲. نور علم، ش ۳۰، ص ۱۳.

۳. حوزه، ش ۳۲، ۱۲۹ - ۱۳۰.

دانش‌اندوزی ۶۱

نقل می‌کند: «امام بعد از دیدن نوشته‌های والد شما فرمودند: ایشان مطالب مرا از خودم بهتر می‌نویسد.»

جالب اینکه حضرت امام بعد از ملاحظه آن مکتوبات فقط در یک مورد، حاشیه‌ای یک سطر مرقوم فرمودند.^۱ نظر به اهمیت این فصل از زندگی آیت‌الله فاضل، در بخش جداگانه به رابطه ایشان با امام خمینی می‌پردازیم.

علامه طباطبایی

در کنار فقه و اصول، در درسهای فلسفه علامه طباطبایی نیز شرکت جست. طی سالها، قسمتی از مباحث منظومه سبزواری و سپس کتاب *اسفار* ملاصدرا را فراگرفت. شرکت در درس *اسفار* در محضر علامه طباطبایی چهار، پنج سال به طول انجامید. معظم‌له در جلسات درس تفسیر علامه نیز شرکت می‌کرد.

استادان دیگر

والد معظم آیت‌الله فاضل قفقازی (قسمتی از *رسائل* و *مکاسب*)، حاج میرزا علی آقای شیرازی (اخلاق)، آیت‌الله سید محمدباقر سلطانی طباطبایی (قسمتی از *رسائل* و *مکاسب*)، آیت‌الله عبدالمحمدجواد جبل عاملی سدهی (قسمتی از *رسائل* و *مکاسب* و *کفایه*)، آیت‌الله شیخ مرتضی حائری (قسمتی از *رسائل* و *مکاسب*)، آیت‌الله حسین‌علی منتظری (قسمتی از کتابهای *مطول* و *شرح لمعه*)، شیخ اسدالله نوراللهی نجف‌آبادی (قسمتی از *شرح لمعه*).

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۲/۱۵، ویژه‌نامه شاخه‌ای از *شجره طوبی*، ص ۷. آیت‌الله فاضل خود نیز در مصاحبه‌ای به این مطلب اشاره کرده است. (ر.ک: ابتدای اولین مصاحبه در همین کتاب)

بر مسند تدریس

در سالهای دوم یا سوم تحصیل در حوزه، یعنی از پانزده یا شانزده سالگی، به موازات تحصیل، به تدریس نیز رو آورد. نخستین کتابهایی را که تدریس کرد، به ترتیب عبارت بودند از: سیوطی، حاشیة ملا عبدالله، شرح شمسیه و شرح لمعه. تدریس شرح لمعه جنبه عمومی پیدا کرد و یکی از درسهای تقریباً معروف حوزه شد. در آن زمان تعداد طلاب خیلی کمتر بود؛ در عین حال هفتاد، هشتاد نفر در درس شرح لمعه او شرکت می‌کردند.

آیت‌الله العظمی فاضل یکی از خاطرات تدریس خود را این‌گونه بیان می‌کند:

«مبحث ارث شرح لمعه را در یکی از بقعه‌های بزرگ صحن با حدود هفتاد شاگرد تدریس می‌کردم. یک روز نمی‌دانم چه عاملی توجه من را به این نکته جلب کرد که دیدم سن من از تمام این شاگردها کمتر است.»^۱

بعد از شرح لمعه، کتابهای رسائل و سپس مکاسب شیخ انصاری را تدریس کرد. هر روز بعد از اتمام درس آیت‌الله بروجردی در یکی از شبستانهای مسجد اعظم، زیر گنبد همان مسجد، مکاسب می‌گفت. این درس جنبه عمومی شگفت پیدا کرد و جمعیت هر دوره از دوره قبل بیشتر و افراد آن ممتازتر می‌شدند. هنگام تدریس، آن مکان تقریباً پر می‌شد. وی پنج دوره مکاسب را حدود پانزده سال تدریس کرد.

سپس به تدریس کتاب کفایه رو آورد و آن را شش دوره درس داد. در آخرین دوره، جمعیت شاگردان به حدود هفتصد نفر رسید. بنا به گفته بعضی شاگردان، اگر خود آخوند خراسانی - مؤلف کفایه - می‌خواست این کتاب را تدریس کند، به این خوبی از عهده آن

۱. پیام انقلاب، ش ۹۰، ص ۲۵.

برنمی آمد. تدریس آخرین دوره کفایه اکنون به صورت صدا موجود است که به همت حجت الاسلام سید محمد حسینی قمی نوشته شد و با عنوان *ایضاح الکفایه* در شش مجلد به چاپ رسید.

سال ۱۳۴۷ش تدریس خارج فقه از باب اجتهاد و تقلید *عروة الوثقی* را آغاز کرد. حجت الاسلام مسیح مهاجری می نویسد:

«در بهار سال ۱۳۴۷ش بعد از پایان کفایتین در محضر ایشان، با جمعی از دوستان از استاد تقاضا کردیم از اول سال تحصیلی، درس خارج را شروع کنند و ایشان نیز پذیرفتند. اواخر شهریور ۱۳۴۷ اولین جلسه درس خارج در یکی از غرفه های صحن بزرگ حضرت معصومه (ع) برگزار شد. در دهه چهل بنا به درخواست جمعی از شاگردان، تدریس خارج اصول را نیز آغاز کرد. به دلیل تحصیلات ایشان در فلسفه، آن بخش از مباحث اصولی مرتبط با فلسفه را با تسلط و روشنی بیان می کرد.»^۱

نظر به اهتمام معظم له به مباحث قرآنی، روزهای پنجشنبه و جمعه که درسهای رسمی حوزه تعطیل است، درسهایی مربوط به قرآن داشت. حجت الاسلام مسیح مهاجری در این زمینه می نویسد:

«دقیقاً به یاد دارم در یکی از جلسات درس کفایه - در مدرسه کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی^۲ که غرفه بزرگی بود و پر از شاگرد می شد و فضایی زیاد در درس حضور داشتند - استاد دقایقی را به بیان نگرانی خود از بی توجهی حوزه های علمیه به علوم قرآنی اختصاص دادند و بیان نافذ ایشان همه شاگردان را تحت تأثیر قرار داد. همان زمان، با عده ای از شاگردان، از استاد خواستیم خود ایشان درس تفسیری را شروع کنند و گامی در رفع محرومیت حوزه علمیه از علوم قرآنی بردارند. این درخواست علی رغم اشتغالات فراوان استاد، مورد قبول واقع شد؛ ولی برای آنکه بتوانند به کارهای در دست انجام، سر و سامان بدهند، مهلتی خواستند. سرانجام در زمستان ۱۳۴۸ش درس تفسیر نیز شروع شد و مورد

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۶/۵/۳، ویژه نامه *اسوه فقاہت و مرجعیت*، ص ۳.

۲. منظور مدرسه علمیه مرعشیه در مقابل آن کتابخانه است.

استقبال فضلالی حوزه قرار گرفت. اینجانب در نوشته‌های درس تفسیر، تاریخ دقیق شروع این درس را چهار دی‌ماه و موضوع آن را تفسیر سوره فاتحه یادداشت کرده‌ام.^۱

نظر به داشتن ذوق تفسیری، آیات مربوط به احکام را در درس فقه نیز با دقت می‌کاوید. اگر این مطالب گردآوری و به صورت کتاب مستقل چاپ شوند، در خور توجه خواهد بود.

می‌فرمود: «طلبه نباید چیزی به نام تعطیلی داشته باشد.» در روزهای پنج‌شنبه و جمعه و تعطیلات تابستان، همواره اشتغال علمی داشتند. بحث مقدمات تفسیر را که بعداً کتابی شد به نام *مدخل التفسیر*، در روزهای پنج‌شنبه و جمعه برای فضلالی بیان می‌کردند و کتاب *قواعد فقهیه* حاصل تدریس در ایام ماه مبارک رمضان است که حوزه تعطیل است.

بیش از ده سال در مسجد اعظم درس خارج می‌فرمود. همچنین سالیان متمادی در مدرس بزرگ مدرسه آیت‌الله العظمی گلپایگانی تدریس می‌کرد. در اواخر حیات، سه، چهار سال در منزل به تدریس اشتغال داشت و در سال آخر با ازدیاد بیماریها نتوانست تدریس را ادامه دهد. برخی درسهای معظم‌له از صدای جمهوری اسلامی ایران پخش می‌شد.

تدریس خارج ایشان بیش از ۳۵ سال به طول انجامید. با تدریس حدود شصت سال در سطوح مختلف، هزاران شاگرد را تربیت و تقدیم جامعه اسلامی کرد. اکنون بسیاری از آنها در مسند تدریس در حوزه و دانشگاه، امامت جمعه و جماعت، وعظ، تحقیق در علوم اسلامی و مسئولیتهای کلیدی در نظام مشغولند.

از سال ۱۳۶۸ درس خارج معظم‌له از رادیوی جمهوری اسلامی ایران پخش شد و علاوه بر ایران، بسیاری از علما و فضلا در خارج کشور از این درسها بهره می‌بردند. پخش این دروس تا بعد از حیات ایشان نیز ادامه داشت.

ویژگیهای درس

بیان دقیق، واضح و گویا از ویژگیهای مهم درس ایشان بود. با اینکه از دانش‌آموختگان حوزه قم بود، مبانی و مطالب علمای برجسته نجف را نیز در درسها مطرح و مورد نقد و بررسی قرار می‌داد.

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۶/۵/۳، ویژه‌نامه اسوه فقاہت و مرجعیت، ص ۳.

با توجه به حضور چندین ساله ایشان در درس امام خمینی و نوشتن شرح گسترده بر *تحریر الوسیله* امام، می‌توان گفت که بیش از همه به دیدگاهها و مبانی فقهی و اصولی حضرت امام آشنایی داشت و در نتیجه در درس ایشان بیش از استادان دیگر، دیدگاههای امام مطرح و مورد کاوش قرار می‌گرفت.

آیت‌الله رضا استادی ویژگیهای درس سطح ایشان را این‌گونه بیان می‌کند:

«درس سطح آیت‌الله فاضل از آغاز تا انجام مورد توجه و استقبال طلاب و فضلا بود؛ زیرا عوامل یک درس خوب و قابل قبول در آن جمع بود؛ یعنی تسلط بر محتوای کتاب، بیان بسیار واضح و منظم، تدریس با آرامش و طمأنینه، عدم سردرگمی و ابهام در شاگرد پس از درس. اگر پیاده شده درس *کفایه الأصول* ایشان را ببینید که چاپ شده، تصدیق خواهید کرد که این سبک تدریس باید با استقبال طلاب و فضلا روبه‌رو شود.»^۱

آیت‌الله سید کاظم نورمفیدی - از شاگردان درس سطح ایشان - ویژگیهای درس ایشان را برمی‌شمرد:

«اول - ایشان بر مسائل علمی تسلط داشتند و عمیق بودند.

دوم - مطالب را خیلی خوب تقریر می‌کردند. الآن هم که کفایه تدریس می‌کنم، به تناسب به شرح کفایه ایشان مراجعه می‌کنم. در مقایسه با بعضی حواشی دیگر، همین نکته به خوبی به چشم می‌خورد.

سوم - وقتی شاگردی اشکال می‌کرد، ایشان با آن هوش سرشار دقیقاً تشخیص می‌داد که مشکل از کجا برای این طلبه ایجاد شده و با داشتن اشراف بر مباحث، جواب او را می‌دادند. همان زمان در بعضی از درسها که شرکت می‌کردیم، استاد سؤال ما را نمی‌گرفت و مشکل اصلی را پیدا نمی‌کرد و طبعاً جواب درست هم نمی‌داد.

چهارم - رابطه خیلی خوب و دوستانه با شاگردانشان داشتند. گاهی با شاگردان خود بیرون می‌رفتند؛ قدم می‌زدند؛ تفریح می‌کردند و حتی بعضی از طلاب منطقه گران که

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۲/۱۵، ویژه‌نامه شاخه‌ای از شجره طوبی، ص ۵.

آن زمان شاگرد ایشان بودند، تا حالا هم آن رابطه صمیمی را با ایشان دارند.»^۱

به اختصار می‌توان ویژگیهای درس ایشان را چنین برشمرد: بیان واضح و منظم، تدریس با آرامش وطمأنینه، تسلط بر مبحث مورد تدریس و نیز کتابها و دروس پیشین(زیرا کتابهای قبل را نیز به خوبی خوانده و تدریس کرده بود)، تسلط بر مبانی فقههای قم و نجف بویژه مبانی امام خمینی، توجه به آراء اهل سنت، همراهی با شاگردان برای درک مطالب، شکیبایی در برابر اشکال‌کنندگان و پاسخ به آنها، پرهیز از طولانی شدن مباحث اصول در خارج اصول.

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۲/۱۵، ویژه‌نامه شاخه‌ای از شجره طوبی، ص ۹.

مرید اهل بیت(ع)

ارادت کامل به پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت او، ویژگی بارز حضرت آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی بود. در برابر کسی که نسبت به اهل بیت(ع) کمترین حرکت ناشایست انجام می‌داد، در هر رتبه‌ای که بود، به شدت برخورد می‌کرد و او را از کرده‌اش پشیمان می‌ساخت. اعتقاد داشت:

«نعمت بزرگ امامت و ولایت ائمه معصومین - علیهم السلام - بالارزش‌ترین گوهری است که خداوند به ما عنایت فرموده است. با تمسک به این حبل متین الهی و با تبعیت از این شجره طیبه است که می‌توان سعادت دنیا و آخرت را رقم زد. هلاکت و نجات، در اعتقاد و عدم اعتقاد به این خاندان و در حب و ولا و فرمان‌بری از آنان است. در دنیای پر از ظلمت امروز و آکنده از ظلم و تجاوز و مشحون از عقاید باطل و نحیف و مالا مال از حيله و تزویر و نیرنگ و زور، تنها چراغی که روشنایی حقیقی و دائمی دارد، سراج منیر عترت و انوار مشعشع و پر از فروغ علی بن ابی‌طالب و اولاد طاهرین ایشان خصوصاً حجّت حیّ زمان، ولیّ مطلق دوران حضرت صاحب الزمان - عجلّ الله تعالی فرجه الشریف - است.»^۱

برگزاری مراسم روضه در روزهای جمعه و تمام مناسبت‌های مذهبی، چون ولادت‌ها و وفیات خاندان عصمت و طهارت(ع) بویژه در ایام فاطمیّه، از برنامه‌های مستمر ایشان بود. بخش عمده‌ای از پیام‌های معظّم‌له، اختصاص به اهل بیت عصمت و طهارت(ع) دارد؛ مناسبت‌هایی چون: ایام فاطمیّه، نیمه شعبان، اهانت به ساحت پیامبر(ص)، تخریب بارگاه امامین عسکریین(ع) و

۱. در پیام به کنگره غدیر در گرجستان.

ارادت سرشار آیت‌الله فاضل، توجه آیت‌الله استادی را جلب کرده است: «آنچه بنده را بیش از همه به این همه بزرگواریها، امتیازات، ویژگیهای اخلاقی و علمی و غیره که در ایشان است، جلب می‌کند، علاقه خاص ایشان به اهل بیت (ع) و حضرت سیدالشهدا (ع) است. اشک جاری بر گونه‌های ایشان در مجالس مربوط به حضرت امام حسین (ع) شاهد و گواه است که با ارتباط با آن رحمت و اسعه و سفینه نجات و مصباح هدی به این همه خیرات و برکات دست یافته است.»^۱

ذکر چند قضیه در مورد ارادت او به ساحت پیامبر (ص) و اهل بیت گرامی او مناسب است.

اهانت به ساحت پیامبر (ص) در اروپا

در پی انتشار کاریکاتورهایی در اهانت به پیامبر اسلام (ص) در برخی کشورهای اروپایی، آیت‌الله فاضل گذشته از صدور بیانیه در این خصوص، که در قسمت مربوط به بیانیه‌ها می‌آید، در ۲۲ محرم الحرام ۱۴۲۷ (۱۳۸۴/۱۲/۲) در درس خارج فقه نیز سخنانی ایراد فرمود و حوزه‌ها و صدا و سیما را به دلیل اینکه عکس‌العمل جدی نشان ندادند، مورد انتقاد قرار داد. نظر به اهمیت این سخنان، متن کامل آن را می‌آوریم:

بسم الله الرحمن الرحيم

قبل از شروع بحث، لازم دیدم در مورد کاریکاتورهایی که مطبوعات غربی به خصوص دانمارک در مورد همه مقدسات ما از خدای متعال گرفته تا رسول اکرم (ص) کشیده‌اند، صحبت کنم. واقعاً نه تنها قلوب شیعیان و مسلمانان را جریحه دار کرده‌اند بلکه قلوب جمیع کسانی را که به خدای متعال معتقدند، داغ‌دار کرده‌اند. دیدن این عکسها برای کلیه مسلمین بلکه کلیه متدینین واقعی به ادیان الهی سخت است؛ هرچند آن ادیان به نظر ما نسخ شده، از بین رفته است و دین اصلی دین پیغمبر اکرم (ص) و امیرالمؤمنین (ع) است. آیه شریفه «اليوم أكملت لكم دينكم وأتممت عليكم نعمتي ورضيت لكم الإسلام ديناً»

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۲/۱۵، ویژه‌نامه شاخه‌ای از شجره طوبی، ص ۵.

بیان می‌کند که با نداشتن ولایت امیرالمؤمنین(ع) که اکمال دین و اتمام نعمت است، «رضیت لکم الإسلام دیناً» تحقق پیدا نمی‌کند؛ بلکه دلیل بر این است که فاقد ولایت اصلاً فاقد اسلام واقعی است.

کاریکاتورها به گونه‌ای بود که نه تنها به رسول خدا(ص) توهین کرده بودند بلکه حتی به تمام متدینین به ادیان الهی توهین کرده‌اند. به حدی عجیب است که انسان باید ببیند و گریه کند. جداً هنگامی که دیدم، مبهوت شدم و واقعاً می‌خواستم گریه کنم. در روزنامه دیدم که دولت دانمارک بیان کرده: آزادی بیان و آزادی قلم هزینه دارد و به هیچ وجه از این آزادی بیان و آزادی قلم عدول نخواهیم کرد و حاضریم همه هزینه‌هایش را پرداخت کنیم. به صراحت نیز بیان کردند که حتی حاضر نیستند نسبت به این عمل، عذرخواهی کنند و جلو چاپ این‌گونه کاریکاتورها را بگیرند.

این مسئله نه تنها یک موجی را در کشورهای اسلامی به راه انداخت بلکه هر کجا متدین به خدا وجود داشت، هرچند اعتقادی به رسول خدا(ص) هم نداشتند، در مقابل این اهانتها موضع گرفتند و شروع به راهپیماییهای مفصل و طولانی کردند؛ به گونه‌ای که دیروز در روزنامه نوشته بود که در تظاهرات و راهپیمایی نیجریه حدود شصت نفر کشته و مجروح شدند. حتی در کشورهایی مثل انگلستان که حکومتشان یک حکومت ضدخدایی است، راهپیماییهای عجیب و غریبی صورت گرفت که انسان واقعاً نمی‌تواند تصور کند که مثلاً در پایتخت انگلستان چنین تظاهراتی در مقابله با این کاریکاتورها انجام گرفته باشد. بالأخره در این زمینه همه عکس‌العمل نشان دادند. صنفها و گروههای مختلف از کشورهای مختلف - حتی کشورهای اروپایی - در مقابل این توهینها موضع گرفتند. حتی اجناس دانمارکی در کشورهای اسلامی تحریم شد و در ممالک اسلامی بالخصوص دستور داده شد کسی اجناس دانمارکی را نخرد. خود من نیز در اعلامیه‌ای که در این زمینه داده بودم، روی این معنا تأکید کردم.

آیا در این زمینه لازم نبود روحانیت و حوزه‌های شیعه پیش‌قدم باشند؟ فکر می‌کردم که چرا روحانیت در این زمینه عکس‌العمل چندانی از خود نشان نداد؟ چرا در این باره سکوت کرد؟ چرا حوزه‌های علمیه لاقلاً در سراسر ایران در مقابل این مطلب ساکتند؟

متأسفانه برنامه‌های تلویزیونی ما نیز گاهی اشاره به این مسائل دارد؛ ولی برخورد یک دولت انقلابی اسلامی که اصلاً خصیصه انقلاب ما اسلامی بودنش است، آن‌هم اسلام حقیقی، که از بیانات ائمه (ع) استفاده می‌شود، نباید چنین باشد! آیا روحانیت نمی‌بایست عکس‌العملی از خود نشان می‌دادند که دنیا بفهمد روحانیت شیعه چنین اشکال مهمی کرده و چنین اعتراض عمومی داشته است؟

من در این زمینه خیلی ناراحتم. البته از یک طرف هم نمی‌خواستم با افرادی که مدیریت حوزه را دارند - چه شورای عالی حوزه و چه مدیریت حوزه - مخالفت و برخورد کنم؛ چون مبنایم این نیست که در امور داخلی حوزه دخالت کنم؛ برای اینکه تمام اینها را روی قاعده می‌بینم. انتظارم این است که باید روحانیت شیعه هرچه زودتر یک عکس‌العمل جدی در سراسر ایران از خود نشان بدهد که علی‌القاعده در دنیا نیز انعکاس پیدا می‌کند و انعکاسش هم لازمه اعتقاد ماست؛ اعتقادی که ائمه - علیهم‌السلام - به ما نشان داده‌اند. انقلاب ما هم انقلاب اسلامی است. همان‌گونه که گفتم من حتی از تلویزیون نیز گلیه دارم که گاهی از اوقات این مسائل را به صورت سطحی و مانند نقل قول بیان می‌کند. اگر برخورد می‌کند، مانند جزء صدم است نه جز اول؛ در حالی که این موارد جزء اول کار ماست. اگر خدای نخواست در مورد یکی از مسئولان که عقیده به انقلاب هم داشته باشد، یک کاریکاتوری بکشند که به افراد دیگر هم هیچ ربطی نداشته باشد، چه مقدار عکس‌العمل نشان می‌دهید؟ پس چرا برخوردتان در مورد خدا و پیغمبر (ص) یک برخورد سطحی است؟! درست است که در روز بیست و دوم بهمن‌الحمد لله راهپیمایی عظیمی داشتیم و خیلی هم گفتیم: انرژی هسته‌ای حق مسلم ماست؛ ولی انرژی هسته‌ای کجا خدا و پیغمبر (ص) کجا؟! انرژی هسته‌ای را به آسمان رساندند. آخرش هم چه پیش خواهد آمد، خدا باید ان‌شاء الله کمک کند. اما این مسئله، مسئله خود خدا و خود پیغمبر (ص) است. چه کسی در این زمینه از دولت انقلاب اسلامی نزدیک‌تر است که یک برخورد جدی، برخورد قطعی و برخورد حسابی با این مسئله داشته باشد؟!

لذا هر چند اعلامیه نسبتاً تندی هم دادم ولی این را کافی نمی‌دانم. باید سراسر روحانیت شیعه در ایران چه در حوزه علمی قم و چه در سایر حوزه‌ها یک روز به خصوص

از روزهای درسی حوزه را تعطیل کند؛ نه روز پنج‌شنبه که بگویند: روز پنج‌شنبه چون روز تعطیلی درسها است، دنبال این کار آمدند. دنیا باید بفهمد که ما درس‌مان را فدای این کار کردیم و روز تحصیلی‌مان را برای این معنا گذاشتیم. لذا معتقدم باید یک فکری کرد.

بحمدالله همه ما از امام بزرگوار این درس را گرفته‌ایم که حتی اگر یک نفر می‌تواند در مقابل استکبار جهانی بایستد، باید چنین کند. مگر امام چند نفر بود؟ یک نفر بود که توانست آمریکا را این‌گونه به زمین بنشانند. روحانیت شیعه نیز که تابع راه امام و معتقد به انقلاب اسلامی ایران است، آیا سکوت در این زمینه مناسب است؟

بالآخره انتظارم از روحانیت شیعه این است که هرچه زودتر به این فکر بیفتند و تمام حوزه‌های ایران در یک روز تحصیلی، تحصیل خودشان را تعطیل کنند و در این زمینه و به قصد مقابله و اعتراض در برابر این اهانتها یک تجمع سراسری در حوزه‌های ایران برپاکنند. دلم می‌خواست که این کار فردا صورت بگیرد؛ ولی مسئولان حوزه گفتند: اطلاع‌رسانی به تمام حوزه‌های ایران و آماده کردن آنها طول می‌کشد و این جریان باید چند روز بعد واقع شود.

این خیلی مرا ناراحت کرده بود؛ به طوری که خواب را از من ربود و نمی‌توانستم بخوابم؛ چون بعضی از این کاریکاتورها به حدی شرم آور است که حتی قدرت ندارم برای شما آن را تشریح کنم و شما هم قطعاً قدرت شنیدنش را ندارید. این مصیبت مخصوصاً برای عالم اسلام پیش آمده است؛ هرچند عرض کردم که برای همه صاحبان ادیان و کسانی که واقعاً معتقد به خدا هستند و خداوند را مؤثر در این عالم می‌دانند، از این واقعه ناراحت و داغ‌دار شده‌اند.

امروز نیز با آنکه درس را نوشته و کتابش را آورده بودم، چنین صلاح دیدم و دلم می‌خواست که شما در این جریان به نحو اجمال قرار بگیرید و بدانید که به عالم اسلام و به انقلاب اسلامی به خصوص چه لطمه‌هایی وارد می‌کنند. بر ما لازم است که در این مورد ساکت ننشینیم و البته این زمان، زمان سکوت نیست. در این زمان که اگر به مورچه‌ای ظلم شود، در اینترنت منعکس می‌کنند که: به فلان مورچه در فلان نقطه زمین ظلمی شده است، حال آیا ما باید بی‌تفاوت بنشینیم و هیچ عکس‌العملی از خود نشان

ندهیم؟ ان شاء الله فکری کنید و زمینه را کاملاً برای اعتراض سراسری حوزه‌های شیعه در ایران فراهم کنید. والسلام.^۱

اهانت به پیامبر(ص) در آذربایجان

وقتی که روزنامه صنعت در جمهوری آذربایجان در مقاله‌ای به ساحت مقدس پیامبر اکرم(ص) و اسلام توهین کرد، معظم‌له در استفتایی صریحاً نویسنده و مسئول روزنامه را - اگر به عمد منتشر کرده - مهدورالدم خواند:

بسمه تعالی

حضور محترم مرجع عالی‌قدر جهان شیعه آیت‌الله العظمی حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی دام عزه

با سلام؛ اخیراً یکی از روزنامه‌های جمهوری آذربایجان به نام «صنعت» مقاله‌ی رافیق تقی روزنامه‌نگار مرتد آذری را در صفحات خود درج نموده است که مورد خشم و غضب مسلمانان منطقه قرار گرفته است. (همین مقاله همراه ترجمه خدمتتان تقدیم می‌گردد.)

نویسنده مقاله با تحلیلی می‌کوشد اروپا و دین آن را که مسیحیت است از هر لحاظ برتر، و خاورمیانه و دین آن را که اسلام است از هر جهت پست و بی‌ارزش نشان دهد. او در قسمتی از مقاله ساحت مقدس حضرت رسول اکرم(ص) را با کلمات ناپسند و نالایق توهین کرده، تمامی مقدسات اسلام را به تمسخر گرفته و در پایان مقاله اعلام کرده است که همه این مطالب را آگاهانه از روی عمد نوشته است و باز هم خواهد نوشت. ضمناً همین روزنامه بارها مقدسات اسلام را مورد هجوم و تحقیر قرار داده حتی در چند شماره خود کتاب منفور آیات شیطانی سلمان رشدی را منتشر کرده است.

سؤال: وظیفه مسلمانان در قبال این امر غیرقابل تحمل چیست؟

مقلدین حضرت‌عالی از آذربایجان

ایشان در پاسخ چنین مرقوم فرمود:

بسمه تعالی

چنین شخصی چنانچه مسلمان زاده باشد با اعترافات مذکور مرتد است و چنانچه کافر بوده از مصادیق سبّ النبی است و در هر صورت، برفرض چنین اعترافاتی قتل او بر هر کسی که دسترسی داشته باشد، لازم است و مسئول روزنامه مذکور که چنین افکار و عقایدی را با علم و توجه منتشر می‌کند، همین حکم را دارد. خداوند اسلام و مسلمین را از شرّ دشمنان حفظ فرماید. «یریدون لیطفئوا نورالله بأفواههم والله متمّ نوره ولو کره الکافرون».

محمد فاضل

۸۵/۹/۴

مرحوم آیت‌الله بنی‌فضل نیز حکم مشابه داد و تأثیر زیاد در مردم منطقه گذاشت؛ به طوری که وزارت امنیت ملی آذربایجان در جلسه‌ای به عده‌ای از ائمه جماعات و روحانیون شهرهای جنوبی این کشور اطمینان داد موضوع توسط دولت پیگیری شده، با دست‌اندرکاران نشریه صنعت برخورد لازم صورت گرفته است. نویسنده مقاله از کار برکنار شد و شخص دیگری به جای وی منصوب شد.^۱

کتاب شهید جاوید

پس از انتشار کتاب شهید جاوید، ایشان متوجه ایراداتی در آن شد. به اتفاق آیت‌الله اشراقی از نویسنده کتاب می‌خواهند تا در جلسه‌ای مسائل مطرح در آن را به بحث گذارند؛ اما به دلیل چند بار خلف وعده نویسنده، کتاب *ائمه اطهار یا پاسداران وحی* را می‌نویسند و از جمله مطالب آن، مباحث مربوط به علم امام (ع) است.

پدر آیت‌الله فاضل چند بار با چاپ کتاب به دلیل احتمال خطر، مخالفت می‌کند؛ اما با این توضیح که ردّ کتاب شهید جاوید، تکلیف است، رضایت پدر را جلب می‌کند.^۲

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۱۰/۶.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۲/۱۵، ویژه‌نامه شاخه‌ای از شجره طوبی، ص ۸، مصاحبه حجت‌الاسلام محمدجواد فاضل.

تألیف این کتاب در آن زمان از حیث دفاع از ساحت اهل بیت(ع) چنان اهمیتی داشت که پدر آیت‌الله فاضل در روزهای آخر عمر به ایشان گفته بود: «در سرای آخرت امیدم به این کتاب تو است.»^۱

ناگفته نماند وقتی کتاب شهید جاوید چاپ شد، برای عده‌ای این توهّم بود که طرفداران امام به این کتاب تمایل و اعتقاد دارند و طلاب انقلابی و طرفدار امام «طلاب شهید جاویدی» هستند؛ اما پس از انتشار کتاب مذکور، این شایعه کاملاً خنثی شد. حجت‌الاسلام سید حسین خمینی - نوه امام و فرزند حاج آقا مصطفی - می‌گوید: «خود حاج آقا شهاب [اشراقی] به من گفت: آقای حاج آقا مصطفی به ما (آقایان فاضل و اشراقی) گفت: شما چنین کتابی را بنویسید.»^۲

آیت‌الله فاضل نیز خاطره تشکر حاج آقا مصطفی را به یاد آورده است:
«روزی حاج آقا مصطفی خمینی - فرزند حضرت امام - گفتند: ما از شما خیلی ممنون و بسیار خوشحالیم که این اتهام را از امام و بیت ایشان دور کردید؛ زیرا این توهّم وجود داشت که ما طرفدار این کتاب هستیم؛ اما با تألیف این کتاب توسط شما، که شاگرد درجه یک آیت‌الله خمینی هستید، و آقای اشراقی، که داماد ایشان است، کلاً این شایعه زدوده شد.»^۳

تخریب قبور ائمه(ع) در بقیع

هشتم شوال المکرم روز تخریب قبور ائمه(ع) در بقیع است. معظّم‌له روز هفتم شوال طی سخنانی در درس، اقدام ناپسند حاکمان عربستان را محکوم و تعطیلی درس در روز بعد را اعلام کرد:

۱. جام جم، ۱۳۸۴/۱/۱۵.

۲. تاریخ معاصر ایران، ش ۲۱ و ۲۲، بهار و تابستان ۱۳۸۱، ص ۸۹.

۳. جام جم، ۱۳۸۴/۱/۱۵.

«کسانی که به حج و عمره مشرف شده‌اند، می‌دانند که ائمه معصومین - علیهم السلام - نه تنها در زمان حیاتشان مورد ظلم و ستم بوده‌اند بلکه قبورشان بعد از گذشتن چهارده قرن از اسلام، مورد اهانت است؛ آن‌هم نه از طرف غیرمسلمین بلکه از طرف عده‌ای که متأسفانه در برداشت از مسائل اسلامی گرفتار یک حالت تحجر و بی‌سوادی هستند. برخی از اینها افکاری شبیه به خوارج دارند که متأسفانه افکاری انحرافی است و آثار آن امروزه نیز در کشور افغانستان مشاهده می‌شود که چه فجایی را به نام اسلام مرتکب می‌شوند.

اینجانب خیلی متأثرم که بعد از گذشت چهارده قرن از اسلام، هنوز حقایق اسلام برای بسیاری روشن نشده و برداشتهایی غیر صحیح از آن مخصوصاً از اسلام متعلق به ائمه طاهرین(ع) دارند. من به عنوان یک محقق دینی به علمای اهل سنت توصیه می‌کنم در این شرایط که زمینه اتحاد بین مسلمین بحمدالله فراهم گردیده و خوشبختانه روز به روز اتحاد امت‌های اسلامی مستحکم‌تر می‌گردد، نسبت به معارف بلند و عمیق شیعه بی‌توجه نباشند و خود را از علوم بی‌کران اهل بیت(ع) محروم نکنند.

چرا دهها سال پیش، عده‌ای به خود اجازه دادند این‌گونه قبور ائمه طاهرین را در معرض تخریب قرار دهند و متأسفانه آن‌هم به بهانه توحید؟! آیا پیامبر اکرم(ص)، طبق روایات متعدد که در کتب اهل سنت هم آمده، به همین قبرستان بقیع برای زیارت مشرف نمی‌شدند؟ چرا هنوز نتوانسته‌اند حقیقت توحید را دریابند و بی‌جهت گروهی را که به برکت اهل بیت(ع) در رأس موحدین قرار دارند، از این امر دور بدانند؟

من در این شرایط که مسئولان محترم جمهوری اسلامی ایران با مسئولان کشور عربستان سعودی در صدد ایجاد رابطه‌های محکم و اساسی می‌باشند، از مسئولان آن کشور می‌خواهم این خطای بزرگ تاریخی را که هیچ‌گاه از خاطره مسلمین محو نمی‌شود، جبران نمایند. بدانند ایجاد بارگاه و بقعه طریق ابتدایی برای پی بردن به عظمت صاحبان این قبور است. این امر سبب توجه مردم به معارف و دستورهای آنان می‌شود که همان دستوره‌های پیامبر و خداوند است.

اینجانب به عنوان اعتراض به این حادثه غم‌انگیز تاریخی، فردا یعنی هشتم شوال

درس خود را تعطیل می‌کنم تا ان شاء الله در اثر این عکس‌العملها هرچه زودتر این خسارت عظیم دینی را جبران نمایند.»^۱

تخریب بارگاه عسکریین(ع)

پس از اشغال عراق به دست آمریکا، بارگاه امام هادی(ع) و امام عسکری(ع) دوبار از سوی عده‌ای نادان با انفجار بمب، خسارات سنگینی دید. بار اول معظّم‌له با صدور پیامی آن را محکوم و یک روز درس خود را تعطیل کرد. به مناسبت سالگرد آن فاجعه نیز بیانیه‌ای صادر فرمود و از مسلمانان خواست این حادثه را هیچ‌گاه از یاد نبرند. دومین انفجار در تاریخ ۱۳۸۶/۳/۲۳ سه روز پیش از رحلت ایشان رخ داد. معظّم‌له در حالی که از شدت بیماری در بستر، رنج می‌برد، آخرین پیام خود را صادر کرد و این عمل ناشایست را به شدت محکوم کرد و تخریب دوم را نتیجه کوتاهی دنیای اسلام و دولتها خواند.

امام علی(ع)

معظّم‌له در پیام به همایش امیرالمؤمنین و ارزشها، جملاتی درخور توجه در مورد امیرالمؤمنین(ع) بیان فرمود که نشان از عظمت آن حضرت در نظر او است:

«بدانید بسیاری از ابعاد وجودی امیرالمؤمنین - علیه السلام - هنوز برای شیعیان آن حضرت مخفی است و لازم است با دقت بیشتر در کلمات و خطبه‌ها و نامه‌های آن وجود مبارک هرچه بیشتر به آن حقیقت راه پیدا نماییم. علی - علیه السلام - حقیقتی بود که همه چیز در پرتو وجود او روشنی و ظهور داشت. انسانی بود که با مدت کم حکومت خویش چشم همه را خیره ساخت و برای همیشه الگوی صالحان و سیاست‌مداران راستین گردید. در یک کلمه ریشه همه ارزشها و اصل و اساس هرارزشی وجود مقدس او است. بیاییم او را بیشتر بشناسیم و از دریای بی‌کران آن حقیقت، هرچه بیشتر استفاده بریم.»

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۷/۱۱/۵.

حضرت فاطمه(س)

چند سال پیش از رحلت، در ضمن مقاله‌ای، تنقیص و اهانتی به حضرت زهرا(س) شده بود. ایشان پس از اطلاع از آن فرمود:

«احساس می‌کنم یک خطری برای تضعیف مقام ائمه معصومین(ع) و حضرت زهرا(س) در جریان است و باید با آن مقابله کرد. باید فاطمیه را با عظمت برگزار کنیم و عاشورای دومی بسازیم.»

معظم‌له از سال ۱۳۸۰ همه ساله به مناسبت فرا رسیدن ایام فاطمیه، پیامی صادر می‌فرمود^۱ و در وصیت‌نامه خویش به آن پیامها افتخار کرده است. حتی فرموده بود:

«من تلاش علمی زیادی کردم، درس و بحث زیادی داشتم، اما امیدم برای قیامت، همین چند سالی است که برای حضرت فاطمه زهرا(س) فریاد زدم.»^۲

در دیدار با برگزارکنندگان کنگره میراث علمی و معنوی حضرت زهرا(س) فرمود:

«این خطبه‌ای که حضرت دارند، واقعاً در حد کرامت و اعجاز است. کسی که بزرگ‌ترین مصیبت یعنی وفات پیامبر بر او وارد شده و ستمهای زیاد به او وارد شده، چنین کلماتی بگوید که واقعاً کرامت حق تعالی است که از ایشان صادر شده است. اهل فکر و مردم باید در این خطبه که معارف و حقایق بسیار زیاد در آن است، تأمل نمایند. ملاحظه می‌فرمایید که فاطمه زهرا(س) در برابر چه شورایی و چه افرادی ایستاد که با قوی‌ترین حيله‌ها و تزویرها هدف خودشان را طوری پیاده نمودند که ظاهری مناسب هم در آن باشد.»^۳

در پیامی به مناسبت ایام فاطمیه مرقوم داشت:

«آن حقیقت، گوهری است که تاکنون ابعاد وجودی‌اش برای اهل فکر و بصیرت به

۱. معظم‌له در سال ۱۳۸۵ پیامی صادر نکرد. ظاهراً دلیلش آن بود که در همان ایام، پنج پیام قبلی با تحقیق

مفصل از سوی مرکز فقهی ائمه اطهار(ع) که خود بنیاد نهاده بود، به فارسی و عربی منتشر شد.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۶/۵/۳، ویژه‌نامه اسوه فقاهت و مرجعیت، ص ۶.

۳. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۴/۴/۲۳.

صورت صحیح و دقیق روشن نگشته است. ذاتی که از غضب او پیامبر(ص) و حق تعالی غضب می‌کنند و از رضایت او خشنود می‌گردند. از این جهت است که او را فاطمه گفته‌اند؛ زیرا خلق از کینه معرفت او محرومند. حقیقتی که می‌توان گفت: علاوه بر اینکه محور اهل کساء است، محور اصلی اهل بیت در آیه تطهیر است. از شعاع وجودی او اراده حق تعالی بر اذهاب رجس و تطهیر آنان تعلق گرفت.

ما که اکنون مفتخر به پیروی از آن بانوی گرامی و فرزندان معصوم وی هستیم، باید در شرایط کنونی آگاهی بیشتر نسبت به افکار و اندیشه‌ها و دستورالعمل‌های آنان داشته باشیم و مبادا در انجام وظایف خود کوتاهی نماییم. لازم است علماء بلاد و خطباء محترم علاوه بر آنکه مجالس عزاداری را هرچه باشکوه‌تر انجام می‌دهند، ابعاد معنوی و علمی آن حضرت را مورد توجه خاص قرار دهند.»

در پیامی دیگر به مناسبت ایام فاطمیه نیز نوشت:

«یکی از بزرگ‌ترین افتخارات شیعه، داشتن شخصیتی است که سیده زنان دنیا و دارای مقام عصمت و طهارت بود و به مقتضای آیه تطهیر که در مورد پنج تن نازل شد که در رأس آنها رسول گرامی اسلام - صلی الله علیه وآله - است، از هر رجس و پلیدی و هر گناه و معصیت بر حسب اراده تکوینی خداوند متعال دور، و اتصاف به طهارت مطلقه و پاکی از هر جهت را دارا است. مقام شامخ آن بزرگوار از افق افکار محدود و نارسای ما بیرون، و دست اندیشه و فکر ما از پی بردن به آن کوتاه است. او اولین شهیده راه پرافتخار ولایت و امامت بود و ائمه معصومین شیعیان عموماً به فرزندگی ایشان افتخار می‌کردند.»

همچنین در بخشی از پیام او به کنگره فاطمه‌شناسی آمده است:

«این چه موجودی است که رسول خدا به هنگام ورودش به او خیر مقدم می‌گوید و دست او را می‌بوسد و در مکان خویش جای می‌دهد؟! این چه حقیقتی است که به هنگام قیامت و صحنه محشر جبرئیل از طرف راست او و میکائیل در جانب چپ و امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب - سلام الله علیه - در جلو او و دو آقای جوانان اهل بهشت، حضرت امام حسن و حضرت امام حسین - علیهما السلام - در پشت سر او حرکت می‌کنند و این چنین

با جلالت وارد محشر می‌گردد و ندایی از جانب حق تعالی می‌رسد و ایشان را به خلائی معرفی می‌نماید تا اینکه وارد بهشت شود و خداوند به او می‌فرماید: «از من درخواست نما تا به تو عطا نمایم و هر آرزویی که داری، جامه عمل خواهم پوشانم.» و او در جواب خداوند عرض می‌کند: «أنت المنی و فوق المنی؛ تو بزرگ‌ترین آرزوی من بودی و هستی.» و از خداوند تقاضا می‌کند که: «محبین مرا به آتش دوزخ مسوزان.» و خداوند در جواب می‌فرماید: «قبل از خلقت آسمانها و زمین با خود عهد نموده‌ام که محبین تو را به آتش دوزخ نسوزانم!»؟

در پیام به همایش فاطمه‌شناسی مرقوم فرمود:

«فاطمه - سلام الله علیها - اشرف زنان عالم و الگوی تمام و جامع و کامل برای همه انسانها از زن و مرد است. شخصیتی که پیامبر هر روز بر او و فرزندانش درود می‌فرستاد و از او بوی بهشت را استشمام می‌کرد. انسانی که به تصریح رسول خدا سیده نساء اهل جنت و پاره تن آن حضرت بود. شخصیتی که عنایات حق تعالی از بدو تولد بر او مشهود بود و ویژگیهای معنوی و نورانی او بر همگان نمایان.

شاید بتوان گفت و می‌توان گفت که: گرچه علی بن ابی‌طالب - علیه السلام - باب مدینه علم نبی بود اما فاطمه نیز راه روشن و واضحی است برای رسیدن به برخی کمالات و درجات پیامبر. کسی که رضایت و غضب او محور رضایت و غضب پیامبر و بالتیجه حق تعالی است، قطعاً می‌تواند باب معرفت خدا و نبی باشد.

شناخت فاطمه به انسان معرفت توحیدی می‌دهد و درجات توحید انسان را قوی‌تر می‌سازد. فاطمه در درجات بالای از توحید حق تعالی بود به حدی که عبادت او موجب مباحات الهی و فخر خداوند بر ملائکه بود. معرفت فاطمه انسان را به وادی امن توحید ربوبی در همه ابعاد آن رهنمون می‌سازد. آشنایی با فاطمه و معرفت او معرفت پیامبر است. درک وجودی او کلیدی است برای گشوده شدن بسیاری از حقایق عالم هستی. همه باید در این مسیر قرار گیریم و مزد رسالت پیامبر (ص) در همین است که اهل بیت او را بیشتر بشناسیم و قلوب خود را منور به نور معارف آنان و مطهر به ولایت آنان سازیم.»

امام حسین(ع)

در دیدار فرمانده و جمعی از مسئولان لشکر ۱۷ علی بن ابی طالب(ع) فرمود:
«امام حسین(ع) مظهر دفاع از دین و بزرگ‌ترین مبلغ اصالت اسلام بود که در این راه هجرت کرد و با جهاد خونین خود این رسالت سنگین را به مردم آزاده پس از خود محوّل کرد. انقلاب ما ادامه فرهنگ عاشورا و برگرفته از قیام کربلا است.»^۱

امام مهدی(ع)

در پیام به جشنواره برترینهای فرهنگ مهدویت در مطبوعات چنین نگاشت:
«حقیقت بزرگ‌تری در این میان وجود دارد و آن وجود شریف امام زمان، مهدی موعود(عج) است که شاید بتوان گفت: بالاترین و عمیق‌ترین عنوان همان است که قرآن کریم از ایشان یاد نمود و آن بقیة الله است. او بقیة و انتهای تجلی خداوند و حسن ختام عالم و همه ادیان است. او در میان مظاهر تجلی حق تعالی، آخرین گوهری است که مظهر همه صفات و اسماء الهی است و می‌توان گفت: همان طوری که نبی اکرم - صلی الله علیه و آله - مظهر تام انبیاء و شریف‌ترین گوهر نبوت بود، وجود شریف حضرت حجت نیز لب امامت و تجلی تام امامت است.

افتخار همه انسانهای آزاده خصوصاً مسلمانان و شیعیان آن است که در پرتو شعاع وجودی آن حضرت به سر می‌برند. وجود شریفی که منصبی را عهده‌دار است که بالاترین منصب عالم وجود است و آن قیام برای اجرای کامل دین خدا و رفع ظلم و ستم و برخورد با هرگونه بدعت و انحرافی است که در جامعه مسلمین و میان انسانها به وجود آمده است. ما امروز هر صبح و شام به یاد آن حضرت زندگی می‌کنیم و خود را در محضر آن وجود شریف حاضر می‌بینیم و ایشان را نسبت به همه امور خود و مقدرات، ناظر و حاضر می‌دانیم. آنچه که امروز مایة حیات و رمز بقا و استمرار است، دل دادن به آن وجود شریف و سر سپردن بر خاک کوی او است... .

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۶/۶.

معرفت حجت خدا همانند اصل معرفه الله به نحو صحیح و کامل مقدور نیست و ما و همه نویسندگان راه علم و دانش و همه عارفان و سالکان عاجزند از اینکه بتوانند حقیقت این نعمت عظمای الهی را درک کنند و نیز بسیاری از خصوصیات قبل از ظهور و بعد از ظهور هنوز برای ما ظاهر و آشکار نگشته است. سنت الهی در این باب وسیع و عظیم آن گونه که باید و شاید روشن نیست و در بوته اسرار باقی مانده است.»

حضرت معصومه (س)

در مصاحبه‌ای فرمود:

«سالها پیش هر وقت به آیه شریفه «إنما یرید الله لیذهب عنکم الرجس أهل البیت و یطهرکم تطهیرا»^۱ برمی‌خوردم، این سؤال در ذهنم می‌آمد که اگر این آیه مخصوص اهل بیت پیامبر است، به همسران آن حضرت ارتباطی ندارد؟ چون در بین آیاتی آمده است که از زنان پیامبر و احکام مربوط به آنان سخن می‌گوید. این مطلب سالها ذهن مرا مشغول کرده بود و به صورت یک مشکل علمی در آمده بود. تا آنکه متوسل به حضرت معصومه (س) شدم و به لطف الهی و عنایت آن حضرت این مشکل حل شد. به گونه‌ای که با همکاری جناب آقای شهاب‌الدین اشراقی - داماد حضرت امام - کتابی علمی در این باره نوشتیم و با استدلال ثابت کردیم که این آیه ارتباطی با همسران پیامبر (ص) ندارد و مخصوص اهل بیت آن حضرت است و ذکرش در آنجا حکمی داشته و بیانگر نکته‌ای است و باید همین جا می‌آمده است. توضیح این مطالب را مفصل در آن کتاب داده‌ایم.^۲ با یک توسل این مشکل ما برای همیشه حل شد.»^۳

۱. احزاب، آیه ۳۴.

۲. منظور کتاب اهل البیت یا چهره‌های درخشان در آیه تطهیر است.

۳. فرهنگ کوثر، ش ۳، ص ۷.

یاور راستین امام خمینی

حضرت آیت‌الله العظمی فاضل از خردسالی به امام خمینی علاقه خاصی پیدا کرد و تا پایان حیات، این عشق در او موج می‌زد. حجت‌الاسلام والمسلمین محمدجواد فاضل شاهد این عشق و علاقه از دوران کودکی خود بوده است. وی در زمان حیات والد گرامی اظهار داشته است: «ما از همان اوایل زندگی یک نوع علاقه خاصی در وجودشان نسبت به حضرت امام می‌دیدیم که روز به روز شدت می‌یافت و اکنون نیز به همان قوت باقی است.»^۱

معظم‌له همواره در سخنرانیها و ملاقاتها از شخصیت برجسته امام خمینی و لزوم شناخت او سخن می‌گفت. حدس نگارنده آن است که «امام خمینی» در سخنان ایشان، پس از واژه «اسلام» بیش از همه تکرار شده است. او فانی در حضرت امام بود. عشق سرشار به امام، چنان در او موج می‌زد که گویی کلمات، قادر به انتقال این حس نبودند. یکی از زمینه‌های به وجود آمدن این عشق، ارتباط نزدیک او از کودکی با حضرت امام بود و این ارتباط تا پایان حیات امام ادامه داشت.^۲ او از سرآغاز این علاقه‌مندی می‌گوید:

«امام خمینی از دوستان نزدیک پدرم بود و من ایشان را در منزلمان زیاد می‌دیدم. در آن روزهایی که من برای نخستین بار توانایی تمیز افراد را به اندازه‌ای هرچند اندک به دست آورده بودم، یک روز حضرت امام برای ملاقات پدرم، خانه ما تشریف آوردند. وقتی حضرت امام در اتاق پذیرایی نشسته و مشغول گفتگو با پدرم بود، ناگهان به ذهنم خطور

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۲/۱۵، ویژه‌نامه شاخه‌ای از شجره طوبی، ص ۸.

۲. این ارتباط تنها در چند سال تبعید حضرت امام، کم‌رنگ شد.

کرد که ایشان با دیگر دوستان پدرم تفاوت دارند و در من حالت خاصی نسبت به ایشان به وجود آمد؛ حالتی که لایدرک و لایوصف. بدین ترتیب از همان لحظه ارادت خاص در من نسبت به ایشان به وجود آمد.»^۱

آیت‌الله فاضل به مناسب دیگر می‌گوید:

«ایشان مکرراً به منزل ما تشریف می‌آوردند و متقابلاً پدرم به منزل ایشان می‌رفتند. من از دوران بچگی تشخیص داده بودم که حضرت امام با سایر دوستان پدرم تفاوت خاصی دارند؛ چون در ایشان جاذبه مخصوصی وجود داشت و ما را جذب کرده بود و با دیده احترام فوق‌العاده به ایشان نگاه می‌کردم.»^۲

یکی از نشانه‌های رابطه نزدیک او با حضرت امام، خاطره آیت‌الله فاضل از دوران هم‌درسی با حاج آقا مصطفی است:

«گاهی اوقات حضرت امام وضعیت درسی حاج آقا مصطفی را از من می‌پرسیدند. مثلاً سؤال می‌کردند: درس می‌خواند؟ نزد چه کسی درس می‌خواند؟»^۳

وقتی که حضرت امام درس خارج را در قم آغاز کرد، آیت‌الله فاضل از همان اوایل، در درس او شرکت کرد و تا پیش از تبعید امام ادامه داشت. آیت‌الله فاضل ایام استفاده از محضر امام را به عنوان شیرین‌ترین روزهای زندگی خود یاد می‌کرد.^۴

پس از پیروزی انقلاب مسئولیت شورای مدیریت حوزه را به عهده گرفت و در این مدت حداقل ماهی یک بار خدمت امام می‌رسید و مسائل حوزه را گزارش می‌داد. شرح او بر *تحریرالوسیله* که سالیان دراز به طول انجامید، او را با مقام علمی امام آشنا کرد. بنابراین، ریشه این عشق و علاقه، شناختی بود که در سالیان دراز نسبت به حضرت امام پیدا کرده بود.

۱. گلشن ابرار، ج ۶، ص ۵۶۶.

۲. حضور، ش ۱، ص ۲۴.

۳. حضور، ش ۱، ص ۲۴.

۴. حوزه، ش ۳۲، ص ۱۲۹.

۵. افاق حوزه، ۱۳۸۶/۱/۲۹، از زبان آیت‌الله فاضل.

او در زندگی خود بهترین الگو را یافت و همواره تلاش می‌کرد امام‌گونه رفتار کند. موضع‌گیریهای او در دفاع از اسلام شباهت فراوان به حضرت امام داشت. حضرت امام به حجت‌الاسلام سید احمد خمینی گفته بود که همه پولهایش وجوه شرعی است و پس از او باید صرف حوزه شود.^۱ آیت‌الله فاضل نیز در وصیت‌نامه خویش نوشت:

«معلوم باشد تمام اموالی که به اینجانب ارتباط دارد، هیچ‌کدام مال شخصی اینجانب نیست؛ بلکه مربوط به سهمین می‌باشد و هیچ‌کدام از ورثه در این اموال حقی ندارند.»

مقام علمی امام خمینی

آیت‌الله فاضل در مورد آغاز شرکت خود در درس حضرت امام را به یاد می‌آورد:

«شنیدم امام بزرگوارمان تازه شروع به تدریس اصول فرموده‌اند. بدون کوچک‌ترین سابقه‌ای از درس، از طرز بیان و کیفیت القاء مطالب ایشان، در درس معظم‌له شرکت کردم و پس از چند روز احساس کردم که گم‌شده‌ای را که مدت‌ها به دنبال آن به هر دری می‌زدم، پیدا کرده‌ام. ایشان با بیان جالب و فکر صائب خود، بدون هیچ‌گونه اعوجاج و هیچ‌گونه انحرافی از اصل مطلب آن‌هم با تسلط کاملی که در فنون مختلف مخصوصاً در فلسفه و عرفان و مسائل دیگر داشتند و با توجه به وجود ارتباط کامل میان بعضی از مسائل اصول و فلسفه، مطلب را طوری القا می‌فرمودند که چون آفتاب برای انسان روشن می‌شد.»^۲

به مناسبتی فرمود:

«من بیش از سی سال در میانی و نظریات فقهی و اصولی امام کار علمی کردم و بدون هیچ تعصبی ایشان را بر هم‌عصرانش مقدم و اعلم می‌دانم. همواره اعتقاد نسبت به مقام علمی امام افزوده می‌شود.»^۳

در دیدار با مسئولان کنگره امام خمینی و اندیشه حکومت اسلامی بیان داشت:

۱. اطلاعات، ۱۳۷۴/۲/۲۶، مصاحبه آیت‌الله فاضل.

۲. نور علم، ش ۳۰، ص ۱۳.

۳. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۲/۱۵، ویژه‌نامه شاخه‌ای از شجره طوبی، ص ۸.

«شاید سالیانی دراز طول بکشد تا همه ابعاد وجودی حضرت امام روشن بشود و آنچه تا به حال برای ما روشن شده مقداری از ابعاد شخصیتی ایشان است و هنوز برخی از ابعاد امام مخصوصاً جنبه علمی ایشان مشخص نشده است. من ۲۶ سال است که کتاب *تحریرالوسیله* را شرح می‌کنم. برای شرح کتاب وقتی مطالب دیگران را با نظریات ایشان مقایسه می‌کنم، فاصله زیاد می‌بینم. نظریات ایشان بسیار دقیق و با ارزش است. با این حال مقام علمی ایشان بسیار مخفی مانده است. به حاج احمدآقا گفتم: پدر شما شهرت جهانی پیدا کرده و فکر نمی‌کنم کسی روی زمین باشد که اسم ایشان را نشنیده باشد؛ ولی از نظر علمی محرومیت و مظلومیت عجیبی دارد.

اگر این گرفتاریهای امام نبود و فقط در جنبه علمی متمحص بود، حوزه از وجود ایشان استفاده زیادی می‌توانست بکند؛ لیکن گرفتاری تشکیل و اداره حکومت ایشان را از این معنا باز داشت. مقام علمی ایشان بویژه برای طلبه‌هایی که درس ایشان را ندیده‌اند و کتابهای ایشان را درست مطالعه نکرده‌اند، خیلی روشن نیست و من مخصوصاً به برادران طلبه جوان نصیحت می‌کنم که از کتابهای ایشان غفلت نکنند؛ مخصوصاً پنج جلد کتاب بیع، به تمام معنا قابل استفاده است. مطالبی در آن هست که در هیچ کجا یافت نمی‌شود.^۱

در عین حال که مقام والای علمی حضرت امام را ترسیم می‌کرد، در مورد تعبّد حضرت امام نسبت به احکام اسلام نیز سخن می‌گفت: «امام به قدری در برابر احکام اسلام متعبّد بود مثل یک آدم عادی و معمولی. مثل اینکه هیچی بلد نیست. هرچه می‌گویند، می‌گوید: چشم.»^۲

در رکاب امام

از آغاز نهضت امام وجهه غالب بر حوزه علمیه، از طلاب گرفته تا فضلا و اساتید و بزرگان حوزه، وجهه ارادت به امام و حمایت از او بود؛ اما این‌طور نبود که همه در این راه،

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۲/۱۵، ویژه‌نامه شاخه‌ای از شجره طوبی، ص ۱۰.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۶/۷/۱۲.

خطر و زحمت را هم تحمل کنند بلکه کسانی که به استقبال خطر هم می‌رفتند، به خصوص هنگام فشار طاغوتیان، محدود بودند و بیشتر آنها از طلاب و افراد بی‌اسم و رسم بودند. در این میان آنچه مبارزان را تقویت می‌کرد و نیز به طاغوت می‌فهماند که حامیان امام فقط طلاب مبتدی نیستند، اقدام مدرّسان معروف حوزه مانند آیت‌الله فاضل بود. طاغوت هم به این افراد خیلی بیشتر حساس بود و شخصی مانند آیت‌الله فاضل، در طرز فکر طلاب و اینکه آنان هم اهل مبارزه و حمایت از امام و نهضت باشند، بسیار مؤثر بود.

از روزی که امام امت نهضت خود را شروع کرد، آیت‌الله فاضل وظیفه خود می‌دانست که در راه امام و خواسته‌های او تلاش کند. هر مدرّسی حاضر نبود درس عمومی آن چنانی را فدای نهضت امام کند. افرادی فکر می‌کردند که در پیروی از امام نباید تا آنجا پیش رفت که برایشان ایجاد زحمت کند و از درس و بحث محروم شوند؛ اما ایشان زحمات، مشکلات و تبعیدهای بسیار سخت را تحمل کرد و دست از امام و همراهی برنداشت.

در دوران غربت و تنهایی امام، فداکاری چنین افرادی بسیار مؤثر بود. برخی علما در آغاز با امام امت همراهی کردند؛ اما ادامه پیدا نکرد و آیت‌الله فاضل از مدرّسان و چهره‌های علمی شناخته شده‌ای بود که در این راه تا پیروزی انقلاب به خدمات و فداکاریهای خود ادامه داد.^۱

معظم‌له به مناسبتی، یکی از خاطرات آن دوران را بیان می‌کند:

«وقتی در یکی از مراکز ساواک که مرا خواسته بودند، به مسئول آنان گفتم: در مورد امام دو نظریه است: یکی نظر شما و یکی نظر ما که امام را یک مرد الهی می‌دانیم که فقط برای خدا قیام کرد. اگر شما توانستید ثابت کنید که امام به کشورهای دیگر و نیروهای دیگر وابسته است، ما هم می‌پذیریم. این سخنان چنان در او اثر گذاشت که وقتی می‌خواستم برگردم، به من احترام زیادی کرد.»^۲

۱. گروهی از دانشمندان شیعه، ص ۶۴۸ - ۶۴۹ و روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۲/۱۵، ویژه‌نامه شاخه‌ای از شجره

طوبی، ص ۵ از زبان آیت‌الله رضا استادی.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۴/۵/۱۳.

مرجعیت امام

از اقدامات مهم آیت‌الله فاضل که خطرهای بزرگی را در راه آن خرید، تثبیت مرجعیت امام خمینی پس از رحلت آیت‌الله بروجردی در سال ۱۳۴۰ است. آیت‌الله سیدکاظم نورمفیدی می‌گوید:

«هنگام رحلت آیت‌الله بروجردی، ما طلبه جوان بودیم و به دنبال انتخاب مرجع بودیم. آیت‌الله فاضل یکی از افراد مطمئن برای سؤال ما بود. ایشان همان زمان اعتقادشان این بود که امام نه فقط به لحاظ سیاسی بلکه از جهت علمی هم اعلم است. بارها به من می‌گفتند: امام از بعضی شخصیت‌های نجف اعلم است.»^۱

آیت‌الله سید محسن حکیم در خرداد ۱۳۴۹ وفات یافت. دوازده تن از فضلاء حوزه فرصت را مغتنم شمردند و کتباً با عبارتهای جداگانه در یک اعلامیه، مرجعیت حضرت امام را به اطلاع عموم رساندند. چنین اعلامیه‌ای می‌توانست عاقبتی خطرناک حتی اعدام برای امضاکنندگان به دنبال داشته باشد.

این اقدام تأثیر فراوان در تثبیت مرجعیت امام و تقویت نهضت داشت. رژیم تعدادی از امضاکننده‌ها را زندانی و بعضی را تبعید کرد. ایشان در ابتدا حدود چهار ماه تبعید را در بندرلنگه در شرایط سخت گذراند. نظر به نامساعد بودن آب و هوای آنجا، رژیم احساس خطر کرد و او را به یزد انتقال داد.

او در ایام تبعید نیز از امام دست برنداشت. برای نشان دادن شخصیت علمی امام، شروع به نوشتن شرح بر *تحریرالوسيله* با عنوان *تفصیل الشریعه فی شرح تحریرالوسيله* در یزد کرد. با این اقدام توانست به خوبی شخصیت علمی حضرت امام را به حوزه‌ها بنمایاند. آیت‌الله وحید خراسانی در جمله‌ای کوتاه خطاب به حجت‌الاسلام محمدجواد فاضل اهمیت این کتاب را نشان داده است: «از شانسهای بزرگ آقای خمینی این است که پدر شما شرح کتاب ایشان را نوشت.»^۲

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۲/۱۵، ویژه‌نامه شاخه‌ای از شجره طوبی، ص ۹.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۶/۵/۳، ویژه‌نامه اسوه فقاهت و مرجعیت، ص ۵، مصاحبه حجت‌الاسلام محمدجواد فاضل.

زمینه قیام امام

در دیدار مهندسین صنایع دفاع هوایی در آستانه دهه فجر فرمود:
«باید دید امام خمینی چه کمبودی را احساس کرد که خود را موظف به این امر نمود؟ کسی که قسمت عمده‌ای از مردم در امر مرجعیت به ایشان رجوع کرده بودند، چرا دست از درس و بحث به یک معنا کشید و به فکر قیام علیه ظلم و برپایی حکومت اسلامی افتاد؟ امام خمینی و یاران او احساس کردند در جامعه ایران قبل از انقلاب روز به روز مسائل اسلامی قوس نزولی را طی می‌کند و به جایی رسید که اگر حکومت طاغوت ادامه می‌یافت، اثری از اسلام نمی‌ماند. اولین کمبودی که امام احساس کرد این بود که عقاید مردم متدین روز به روز کم‌رنگ می‌شد؛ به علاوه این مملکت می‌توانست مستقل و آباد باشد؛ اما متأسفانه در اختیار اجانب قرار گرفته بود. او در عین اینکه نفع شخصی خود را در ادامه درس و بحث و تألیف می‌دید، از همه دست کشید و تمام وجود خود را برای خدمت به دین و دنیای مردم قرار داد و در این راه زجرها و زحمات زیادی را متحمل شد. امام خمینی بزرگ‌ترین نعمت الهی به ملت ایران در قرون اخیر است»^۱

در دیدار دکتر مهاجرانی - وزیر وقت فرهنگ و ارشاد اسلامی - علت قیام امام را بیان کرد:
«در قاموس فکر بلند امام هیچ واژه‌ای پراهمیت‌تر از اسلام و دین وجود ندارد. امام می‌توانست در حوزه‌های علمیه بماند و هزاران مجتهد تربیت کند؛ ولی زمانی که تشخیص داد اسلام این مردم در مخاطره است، همه امور خود را کنار گذاشت و به میدان آمد و این انقلاب عظیم را ایجاد کرد»^۲

همچنین در مصاحبه‌ای فرمود:

«قبل از پیروزی انقلاب در دوران رژیم طاغوت به راهی می‌رفتیم که عاقبت آن، ختم اسلام و از بین رفتن اسلام در جمیع ابعاد و حتی نسبت به ظواهر اسلام بود. کارهایی که

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۹/۱۱/۱۵.

۲. کیهان، ۱۳۷۷/۱۱/۳.

رژیم طاغوت انجام می‌داد حاکی از این معنا بود که یک برنامه تنظیم شده برای از بین بردن حتی تمام ظواهر اسلام در کار بود. مسئله تغییر تاریخ اسلام با اینکه تاریخ یک مسئله‌ای نیست که کسی بگوید: منافات با استکبار داشت؛ منافات با رژیم داشت؛ اما رژیم با تاریخ هم به مبارزه برخاسته بود. هدف رژیم وابسته این بود که اثری از اسلام باقی نماند. لذا با تاریخ اسلام به مبارزه برخاست و سالها تاریخ اسلام را به تاریخ شاهنشاهی مبدل کرد. نقش امام در رهبری امت این بود که به اسلام حیات مجدد بخشید. اسلامی که نزدیک بود به کلی از جامعه ایران و حتی جوامع مختلف جهان رخت بربندد.^۱

توصیف امام و قیام او

آیت‌الله فاضل در مقدمه تفصیل الشریعه طی جملاتی به معرفی امام خمینی و قیام او پرداخته است. خلاصه سخنان او چنین است: اگر بخواهم از شرح حال و ویژگیها و چگونگی قیام امام خمینی در برابر استعمار بگویم، نیاز به تألیف کتابهای قطور متعدد است که شامل مطالبی است که در تاریخ و کتابها و شنیده‌ها مشابهی ندارند. او در کمتر از بیست سال، دست طاغوت حاکم بر ایران را که دست‌نشانده قدرتی بود که بر بیشتر کشورهای جهان حکومت داشت، قطع کرد. او در این راه مشقتهای فراوان را از حبس و تبعید از قم به ترکیه و سپس به عراق را تحمل کرد و بعد از اخراج از عراق به پاریس رفت. در این مدت که بیش از پانزده سال به طول انجامید، بویژه در ایام اقامت در پاریس، مردم را بیدار و ارشاد کرد. او به افشای ماهیت حاکم ظالم پرداخت و مردم را به مبارزه دعوت کرد. با این بیدارگریها، مردم آگاه شدند و با قیام خود، رژیم حاکم را سرنگون کردند.^۲

معظم‌له شخصیت سیاسی حضرت امام را این‌گونه معرفی می‌کند:

«در بعد سیاسی پیش‌بینیها و نظریات حضرت امام اعجاب‌آفرین بود. در آن لحظه‌ای که حضرت امام راجع به یک مسئله سیاسی اعلام نظر می‌کردند، انسان به دیده تردید و

۱. حوزه، ش ۳۲، ص ۱۳۲ - ۱۳۳.

۲. تفصیل الشریعه، الاجتهاد و التقليد، ص ۳ - ۶.

ناباوری به آن نگاه می‌کرد؛ ولی به مرور زمان ثابت می‌شد که نکته‌سنجی حضرت ایشان تا چه حد دقیق و درست بوده است. امام در بعد سیاسی یک شخصیت استثنایی در تاریخ معاصر بودند و بدون آنکه کلاس سیاسیت دیده باشند یا منحصرأ در رشته سیاست تحصیل کرده باشند، در مسائل سیاسی بر تمام سیاستهای جهان فائق آمدند و همه سیاست‌بازان دنیای استکباری را زیر پا گذاشتند.^۱

در دیدار جمعی از فرماندهان لشکر ۱۷ علی بن ابی‌طالب در آستانه سالگرد ارتحال امام خمینی فرمود:

«امام نه تنها شخصیت منحصر به فرد عصر ما بود بلکه در طول ۱۴۰۰ سال گذشته به جز ائمه معصومین که از آنها بگذریم، در بین علمای اسلام اعم از شیعه و سنی چنین فردی رانداریم و تاریخ به ما نشان نداده است. این نعمتی بود که خداوند به ما عنایت کرد. ماتئوری انسان کامل را در کتابها دیده‌ایم که چه خصوصیتی باید داشته باشد؛ ولی تجسم انسان کامل راندریده بودیم. خداوند عالم به ما منت گذاشت و حضرت امام را که تجسم عینی انسان کامل بود، به ما نشان داد.»^۲

آیت‌الله فاضل بهترین خدمت حضرت امام را معرفی شیعه به جهانیان می‌دانست:

«به نظر اینجانب مهم‌ترین دستاورد انقلاب و بهترین خدمت امام - رضوان الله علیه - معرفی شیعه به جهان و همه دنیا است. قبل از انقلاب، شیعه و کتب اهل بیت(ع) برای بسیاری از جهانیان ناشناخته بود و امروز به برکت امام و انقلاب این کتب به دنیا عرضه شد تا متفکرین و محققین بتوانند از آنها استفاده نمایند.»^۳

در توصیف قیام امام خمینی فرمود:

«تحوّلی را که امام بزرگوار در جامعه ایران به وجود آورد، شبیه همان تحوّلی است که رسول

۱. حضور، ش ۱، ص ۲۴.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۸/۳/۱۱.

۳. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۸/۶/۱۵.

گرامی اسلام(ص) در مردم جاهلیت به وجود آورد... امام با پیروزی انقلاب خود و از بین بردن رژیم طاغوت و برقرار کردن نظام جمهوری اسلامی - آن نظام اسلام واقعی که برای اولین بار بعد از چهارده قرن و بعد از حکومت رسول الله در ایران به وجود آمد - مهم‌ترین اثر رهبری خویش را نشان داد. این اثر رهبری این بزرگ مرد و شخصیت کم‌نظیر بلکه بی‌نظیر در تاریخ اسلام و بلکه در تاریخ جهان بود. امام در سایه اسلام نه تنها قوانین اسلام را پیاده کرد بلکه به مردم ایران و جهان بینش داد و به مردم ایران به تمام معنا آزادی و استقلال داد. این روزها (ایام رحلت امام خمینی) نه تنها شخصیت‌های مکتب تشیع و اسلام در باره رهبری امام مطالبی را ذکر می‌کنند و از ایشان به بزرگی یاد می‌کنند، بلکه دشمنان، این مرد را رهبری متخصص می‌بینند و این نوع رهبری را یک رهبری بی‌نظیر می‌دانند. تعبیر بعضی از رادیوهای بیگانه این است که امام به مرحله‌ای رسید که میلیونها نفر از مردم ایران حاضرند خود را در راه او فدا کنند. چنین رهبری در تاریخ نشان داده نمی‌شود.^۱

خود به فرزند برومندش حجت‌الاسلام محمدجواد فاضل فرموده بود: «اعتقاد به انقلاب نه تنها کم نشده و تردیدی در راهی که طی شد نکردم بلکه روز به روز بر اهداف امام و کارهایی که انجام گرفت، مصمم‌تر می‌شوم.»^۲

ضرورت شناخت امام

در دیدار حجت‌الاسلام سید محمد خاتمی - رئیس جمهور وقت - سفارش کرد:

«امسال که سال امام است و به نام مبارک ایشان نام‌گذاری شده است، باید سعی کنیم تا اهداف و انگیزه‌های امام برای انقلاب و نیز ابعاد وجودی امام را تشریح کنیم. امام بزرگ‌ترین نعمتی بود که خداوند در این زمان به ملت ایران ارزانی کرد. امام نمونه یک انسان کامل در زمان ما بود که همه ابعاد علمی و عملی او برای ما اهمیت دارد. باید امام را و اهداف او را درست بشناسیم و برای تداوم آن سعی و تلاش نماییم. مردم ما بدانند

۱. حوزه، ش ۳۲، ص ۱۳۲ - ۱۳۳.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۲/۱۵، ویژه‌نامه شاخه‌ای از شجره طوبی، ص ۸.

دشمن امروز برای مخالفت با اسلام و امام، با آثار و یادگارهای ارزنده او و نهادهایی که او از خود به جا گذاشت، مخالفت می‌کند.^۱

در دیدار جمعی از فرماندهان لشکر ۱۷ علی بن ابی‌طالب در آستانه سالگرد ارتحال امام خمینی نیز سفارش به شناساندن او کرد:

«اینکه امسال سال امام نامیده شده است، هدف این نیست که صرفاً یک نام‌گذاری باشد. باید روی ابعاد زندگانی امام امت و شناخت ایشان کار بشود. امام را کما هو حقّه باید به جوانان بشناسانیم و این وظیفه همه ماست.»^۲

تبیین دیدگاه امام در حکومت اسلامی

در دیدار شورای مرکزی ائمه جماعات قم دیدگاه امام در مورد حکومت اسلامی را تبیین کرد: «خلاصه نظر امام بزرگوار این است که مسئله حکومت اسلامی و ولایت فقیه مثل مسئله نماز جمعه نیست که ما بنشینیم حساب کنیم که چند تا روایت دارد؟ آیا روایاتش از نظر سند صحیح است یا نه؟ آیا از منظر دلالت ظهور دارد یا نه؟ مسئله ولایت فقیه این نیست. مسئله این است که خود عقل انسان وقتی ابعاد مختلف اسلام را در نظر می‌گیرد، چاره‌ای جز التزام به وجود حکومت اسلامی نیست. از یک طرف احکام اسلام مقطعی نیست و تا قیامت باید باقی بماند و از طرف دیگر احکام دین اسلام باید اجرا شود و الا مسائل قصاص و حدود و دیات بی‌معنا می‌شوند. برای برخورد با متخلفان چاره‌ای جز تشکیل حکومت اسلامی نیست.»^۳

در فراق امام

حجت‌الاسلام سید مجتبی نورمفیدی - از بستگان نزدیک و شاگرد آیت‌الله فاضل - از صبح روز بعد از ارتحال حضرت امام چنین یاد می‌کند:

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۸/۳/۵.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۸/۳/۱۱.

۳. رسالت، ۱۳۷۸/۶/۱۶.

«روز ۱۴ خرداد، صبح ساعت ۵:۳۰ به اتفاق فرزند دانشمندشان جناب حجت‌الاسلام والمسلمین حاج آقا جواد فاضل به اتفاق دو محافظشان با ماشین برای شرکت ایشان در مجلس خبرگان [به طرف تهران] می‌رفتیم. ایشان از درگذشت امام خبر داشت و دائم اشک می‌ریخت و زمزمه می‌کرد؛ اما ساعت هفت وقتی رادیو خبر ارتحال امام را اعلام کرد، دیدم که ایشان عمامه را برداشت و بلندبلند شروع کرد به گریه و داد و فریاد، و با دست به سر خود می‌زد و معمولاً آقا جواد مانع می‌شد. من تا حالا از ایشان گریه با صدای بلند و با این بی‌تابی ندیده بودم.»^۱

در حالی که آیت‌الله فاضل مشغول تدریس و تألیف مباحث حج از کتاب *تحریرالوسیله* بود، حادثه رحلت حضرت امام اتفاق افتاد. به همین مناسبت در جلد اول از کتاب حج، صفحه ۲۳۵ - ۲۳۷ در باره ارتحال امام، شخصیت و کار سترگ و تاریخی استاد بزرگوار خود، مطالب ارزنده‌ای مرقوم داشت که ترجمه آن را از نظر می‌گذرانیم:

«این زمان مصادف شد با فاجعه‌ای بزرگ و حادثه‌ای دردناک که سزاوار است برای آن به جای اشک سیل خون از دیدگان جاری نمود و آن همان مصیبت بزرگی است که مسلمانان جهان بلکه همه مستضعفان بدان مبتلا شدند، و آن ارتحال استاد عالی‌قدر ما امام خمینی - قدس سره الشریف - است که پس از یک دوره کوتاه از کسالت و بیماری منجر به عمل جراحی، اتفاق افتاد. این حادثه شب یکشنبه آخر ماه شوال ۱۴۰۹ اتفاق افتاد.

مردم در صبح یکشنبه پس از خبر شدن از طریق رادیو، حیران و سرگردان شدند؛ به گونه‌ای که گویی عزیزترین کسشان را از آنها گرفته‌اند یا اینکه کسی را از دست داده‌اند که برگردنشان حق حیات و حق هدایت دارد، که واقعاً همین‌طور است؛ چرا که تحقیقاً امام غل و زنجیرهایی را که به دست و پای ملت بسته شده بود، از رویشان برداشت و آنها را از گمراهی نجات داد و اسلام و نظام اسلامی را به آنها باز گرداند و حکومت اسلامی حقیقی را برپایه مکتب تشیع - که حقیقت اسلام است - بنیان گذاشت و مردم بدین وسیله از گمراهی‌ای که آنها را از هر سو فرا گرفته بود خارج شدند. امام به مردم آزادی و استقلال را عطا کرد و دست قدرتهای استکباری و کفار را از کشور [ایران] که از هر جهت آن را مستعمره خود کرده بودند، قطع کرد. آن قدرتها که در رأسشان

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۶/۴/۶، ویژه‌نامه میراث‌دار مکتب فقهی امام خمینی، ص ۶.

شیطان بزرگ آمریکا بود، با کشور ایران به گونه‌ای رفتار می‌کردند که انگار ملک شخصی آنها است. با مردم ایران مانند بردگان و کنیزان رفتار می‌کردند. سعی و تلاش آنها مخالفت با اسلام و ویران کردن اساس اسلام بود. می‌کوشیدند مظاهر اسلامی را از این کشور بزدايند؛ تا آنجا که تاریخ اسلامی را که مبدأ آن هجرت نبی مکرّم اسلام (ص) است، به تاریخ شاهنشاهی و قومی تغییر دادند تا اثر و بویی از اسلام نماند.

این امام خمینی - قدس سره - بود که با کفر مبارزه کرد تا اینکه حکومت شاه، آن نوکر و مزدور خبیث، را برانداخت و به جای آن حکومت اسلامی را مبتنی بر قوانین اسلام تأسیس کرد. امام در این مبارزات سختیها و ناگواریهای زیاد، اعم از زندان و تبعید و انواع تهمت و افترا را تحمل کرد؛ بویژه از ناحیه کسانی که اهل علم و دین می‌نمودند و از راه علم و دین ارتزاق می‌کردند؛ اما در حقیقت بویی از علم و دین بویژه از دین نبرده بودند!

به هر حال، مردم پس از خبر ارتحال امام، مغازه‌ها را بستند و دست از کسب و کار کشیدند. در سه روزی که مراسم وداع و تشییع و تدفین انجام شد، بیش از ده میلیون نفر در پایتخت جمع شدند و همچنین در دیگر شهرهای ایران و خارج از ایران. در آن روزها و روزهای پس از آن تاکنون (موقع نوشتن این مطالب) که روز پنجم است، گویی روز عاشورا است که شهادت جدش امام حسین و فرزندان و یاران او - علیه وعلیهم السلام - واقع شده است. محافل زیاد با حضور مردم برای برپایی عزا تشکیل شده است و تجمعات و تظاهرات خیابانی که مردم بر سر و سینه‌زنان گریه و شیون می‌کنند و عجایی از آنها بروز می‌کند که در تاریخ بی‌نظیر است.

به دلیل شدت ازدحام و فزونی آنها، تدفین پیکر امام پس از ساعتها تلاش و با تدابیری مخصوص و به کارگیری نیروی انتظامی امکان‌پذیر شد و اکنون پس از گذشت پنج روز از دفن پیکر امام، قبرش در حلقه مردم احاطه شده است و بیش از صد هزار نفر دائماً آنجا جمعند. گویا مردم [عزادار و عاشق امام] اهل و عیال خود را از یاد برده‌اند و حتی خودشان را هم فراموش کرده‌اند و جز به از دست دادن امام نمی‌اندیشند و جز رفتن همه آنچه به آنها تعلق داشت، از دین و دنیا را، نمی‌بینند! من این مصیبت را به صاحب مصیبت بقیة الله الأعظم - روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء - تسلیت می‌گویم و از الطاف کریمانه و فضل و عنایت فراگیرش امید دارم به این قلوب مجروح و چشمان اشکبار نگاهی از سر توجه و مهربانی داشته باشند و به این نظام و انقلاب نگاه حمایتی داشته باشند. و سلام به امام زمان و پدران پاکش.^۱

۱. برگرفته از جمهوری اسلامی، ۱۳۸۶/۵/۳، ویژه‌نامه اسوه قفاهت و مرجعیت، ص ۱۵.

آیت‌الله فاضل دو مصاحبه ویژه امام خمینی داشته است و در ضمن بعضی مصاحبه‌ها نیز در معرفی ایشان بیاناتی دارد. متن کامل مصاحبه‌ها در ادامه می‌آید.^۱

عنایت امام به آیت‌الله فاضل

در مقابل، امام خمینی نیز به آیت‌الله فاضل عنایت و محبت خاص داشت. این مطلب از خاطراتی از آیت‌الله فاضل به خوبی نمایان است. او حضور خویش در کربلا در زمان تبعید امام در نجف را این‌گونه بیان می‌کند:

«در همان سال شهادت مرحوم حاج آقا مصطفی، در ماه رجب همان سال توفیق زیارت عتبات عالیات را پیدا کردم. شب نیمه رجب بود. روشن است که شب نیمه رجب یکی از ایام و لیالی زیارت مخصوص امام حسین(ع) است. حدود دو ساعت از شب می‌گذشت که وارد کربلا شدیم. خواستیم ضمن زیارت عتبات عالیات خدمت امام مشرف شده، دیداری با مرحوم آقای حاج آقا مصطفی داشته باشیم که تصادفاً این همان آخرین دیدار ما بود و پس از چند ماه مرحوم حاج آقا مصطفی به شهادت رسید.

طبق برنامه‌ای که برای مسافران ترتیب داده شده بود، ما را به هتلی هدایت کردند. قبل از ورود به اتاقها، در سالن مشغول خوردن غذا بودیم که دیدم مدیر هتل با صدای بلند گفت: آقای فاضل کیست؟ گفتم: من هستم. گفت: کسی دم در ایستاده و منتظر شماست. فوری شام را تمام کردم و با عجله رفتم. دیدم آقای داعی، که الآن مسئول روزنامه اطلاعات و وکیل مجلس شورای اسلامی هستند، دم در هتل ایستاده‌اند.

پس از سلام و احوال‌پرسی فرمودند: من از طرف حاج آقا مصطفی آمده‌ام و پیغامی برای شما دارم. حاج آقا مصطفی پیغام دادند که همین الآن شما باید پیش ایشان بروید.^۲ تعجب کردم اولاً از اینکه ایشان از ورود ما به کربلا از چه راهی اطلاع پیدا کرده و ثانیاً وقت گذشته

۱. در کتاب *یا به پای آفتاب*، ج ۵، ص ۹۸ - ۱۲۱ با استفاده از مصاحبه‌ها و سخنرانیهای آیت‌الله فاضل، آن قسمت از سخنان ایشان در معرفی شخصیت حضرت امام، گلچین شده است.

۲. معمولاً امام در مواقع زیارتی از نجف به کربلا می‌رفت. در آنجا منزلی در اختیار ایشان گذاشته شده بود و در آنجا یکی، دو روز می‌ماند.

بود. گفتم: در این موقعیت شاید مناسب نباشد. گفتند: ایشان اصرار کردند که با هم به آنجا برویم. رفتیم آنجا. چند لحظه بعد امام بزرگوار وارد شدند و فرمودند: من برای خواب مهیا شده بودم و به رختخواب رفته بودم؛ ولی چون اطلاع دادند که شما آمدید، فکر کردم اگر تا صبح بخواهم صبر بکنم و شما را ببینم، دیر است؛ لذا از بستر بیرون آمدم برای دیدن شما. امام در باره مسائل ایران سؤالاتی کردند؛ توضیحاتی دادم. امام شدیداً اظهار تأثر و ناراحتی کردند. بعد از چند دقیقه حاج آقا مصطفی تشریف آوردند و ما از امام خواهش کردیم که تشریف ببرند به اندرون... فردای آن روز بر حسب دعوت امام توسط مرحوم آقای اشراقی، ناهار را آنجا رفتیم و تا ساعت پنج یا شش بعد از ظهر خدمت ایشان و خدمت حاج آقا مصطفی بودیم و مسائل مختلفی آنجا مطرح شد.^۱

آیت‌الله سید محمد بجنوردی نیز که آن ایام در کربلا بوده، همین قضیه را بیان می‌کند: «آیت‌الله فاضل خیلی مورد علاقه امام بود. ایشان در دوران تبعید امام سفر یک هفته‌ای به عتبات داشتند. ایام زیارتی امام حسین(ع) بود و امام به کربلا مشرف شده بود. من و حاج آقا مصطفی در زیرزمین منزلی که امام اقامت داشت، نشسته بودیم. خبر آوردند که آقای فاضل به کربلا آمد. حاج آقا مصطفی فوری آقای دعایی را فرستاد که آقای فاضل را بیاورد تا ایشان را ببینیم. آقای فاضل اواخر شب آمد. حضرت امام شبها زود استراحت می‌کرد تا نیمه‌شب برای زیارت و نماز شب بیدار شود؛ اما به جهت علاقه زیاد به آقای فاضل، همان شب به دیدار ایشان آمد و پس از احوال‌پرسی و رد و بدل صحبت‌هایی، برای استراحت رفتند.»^۲

در خاطره دیگر آیت‌الله فاضل نیز محبت امام به ایشان آشکار است:

«در مورد جریانی، خدمت امام رسیدم. من کمی ناراحت شده بودم و بعد معلوم شد که بی‌جهت ناراحت شده‌ام. امام بزرگوار فرمود: فلانی، من تو را به منزله مصطفی می‌دانم و همان معامله‌ای که با مصطفی دارم، با تو هم دارم. تعبیرشان این بود که: من تو را از کوچکی بزرگ کرده‌ام و همین‌طوری هم بود. عواطف ایشان نسبت به من، به عنوان

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۲/۱۵، ویژه‌نامه شاخه‌ای از شجره طوبی، ص ۶.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۲/۱۵، ویژه‌نامه شاخه‌ای از شجره طوبی، ص ۹.

شاگرد و استاد نبود؛ عواطف خاصی بود که ناشی از شدت علاقه ایشان به من و شدت ارادت من به بیت امام و شخص حضرت امام بود.^۱

همچنین معظّم له می گوید:

«کسالتی پیدا کردم که در ایران قابل معالجه نبود و به آلمان رفتم. اگرچه آنجا هم معالجه نشدم؛ ولی حدود چهل روز آنجا در بیمارستان بودم. هرچند روز یک بار حاج احمدآقا از تهران تلفن می کرد و احوال مرا می پرسید. می فرمود: امام از من خواسته اند احوال شما را بپرسم و وضع و حال شما را به ایشان گزارش بدهم. خوب، تا عواطفی نباشد این مسائل تحقق پیدا نمی کند.»^۲

مورد اعتماد امام

شواهد فراوان حکایت از اعتماد بالای حضرت امام به آیت الله فاضل دارد. حضرت امام با اعتماد به توثیقات و معرفی ایشان به دیگران اجازاتی از جمله اجازه در تصرف وجوه شرعی می داد.^۳ امام در تاریخ ۱۳۴۵/۴/۱۶ اجازه ای با این اختیارات به معظّم له داد: حسیّات و اخذ سهم و ایصال بقیه.^۴

بعد از پیروزی انقلاب، حضرت امام ریاست دادگاه انقلاب اسلامی در قم را به او سپرد؛ اما پس از مدتی کوتاه، برای تکمیل شرح تحریرالوسیله، از این سمت استعفا داد. ارتحال حضرت امام مصادف با زمانی بود که آیت الله فاضل مسئولیت شورای مدیریت حوزه را به عهده داشت. حضرت امام به فرزندش حاج احمدآقا فرموده بود: «آنچه من پول در بانکها یا منزل دارم، وجوه شرعی است و تمامی آنها باید در اختیار اعضای شورای مدیریت - مخصوصاً آیت الله فاضل - قرار گیرد؛ تا تدریجاً به طلبه ها بدهند.»

۱. اطلاعات، ۱۳۷۴/۲/۶ و ر.ک. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۲/۱۵، ویژه نامه شاخه های از شجره طوبی، ص ۸ و جام جم، ۱۳۸۴/۱/۱۵.

۲. در روزنامه جمهوری اسلامی آمده است: من به شما به اندازه مصطفی علاقه دارم. من شما را بزرگ کردم. اطلاعات، ۱۳۷۴/۲/۶.

۳. ر.ک. صحیفه امام، ج ۱، ص ۴۸۹ و ۴۹۰ و ۵۰۱ و نیز ج ۹، ص ۵۱۹ و ج ۱۳، ص ۳۷۸.

۴. ر.ک. صحیفه امام، ج ۱، ص ۴۵۵.

یاور راستین امام خمینی ۱۰۱

حجت‌الاسلام سید احمد خمینی نیز همه آنها را در اختیار شورا بویژه آیت‌الله فاضل قرار داد و حجم آنها به قدری بود که به مدت دو سال و سه ماه شهریه طلاب را می‌پرداختند.^۱ روشن است که این وصیت شفاهی در سایه اعتماد کامل به آیت‌الله فاضل بوده است. آیت‌الله فاضل نه تنها از جهت مالی، اخلاقی و سیاسی، مورد اعتماد امام بود بلکه از جهت علمی هم به او اعتماد داشت. حضرت امام دستور داد برخی کتابهای علمی و مهم ایشان، پیش از چاپ به ملاحظه آیت‌الله فاضل برسد.^۲

نامه امام به آیت‌الله فاضل

آیت‌الله فاضل به مناسبت درگذشت آیت‌الله سید مصطفی خمینی، پیام تسلیتی برای حضرت امام می‌فرستد. امام نیز جواب زیر را در آبان ۱۳۵۶ می‌فرستد و به موقعیت علمی آیت‌الله فاضل اشاره می‌کند:

به عرض می‌رساند، مرقوم شریف که حاکی از سلامت مزاج محترم و حاوی تفقد از اینجانب بود، موجب تشکر گردید. امید است ان‌شاء الله تعالی موفق به خدمت به حوزه‌های اسلامی باشید و افاضل از برکات شما بهره‌مند شوند. ما خواه ناخواه باید این راه را طی کنیم؛ چه بهتر در خدمت به اسلام و مسلمین و خدمت [به] علم و هدایت، عمر صرف شود و در لایعنی^۳ هدر نرود. از خداوند تعالی مسئلت می‌نمایم که همه ماها را در این راه پرخطر، از شرور انسانهای صوری شیطان حقیقت و وسوس نفس اماره حفظ فرماید. از جناب‌عالی امید دعای خیر برای حسن عاقبت دارم و از همه افاضل و اعلام و عموم محصلین حوزه علمیه از شرکت در این حادثه تشکر می‌کنم. و امید است جناب‌عالی در ملاقاتها به آقایان ابلاغ فرمایید. والسلام علیکم ورحمة الله.

روح‌الله الموسوی الخمینی^۴

۱. ر.ک: روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۴/۲/۶، مصاحبه آیت‌الله فاضل.

۲. جام جم، ۱۳۸۴/۱/۱۵.

۳. لایعنی: بوج و بی‌معنا.

۴. صحیفه امام، ج ۳، ص ۲۵۹.

پیش‌بینی امام

حضرت امام در سایه آشنایی کامل با آیت‌الله فاضل، به خوبی بر موقعیت علمی ایشان واقف بود؛ اما پس از انقلاب مسئولیتهایی که لازم است آنها را مجتهد به عهده گیرد، به ایشان نسپرد. نظر به دوراندیشی و آینده‌نگری امام خمینی بعدی ندارد که علت آن، جدا نشدن آیت‌الله فاضل از اشتغالات علمی باشد تا در آینده در سمت مرجعیت، خدمت کند. آیت‌الله سید محمد بجنوردی تصریح می‌کند که مرجعیت آیت‌الله فاضل مورد عنایت حضرت امام بود و امام می‌خواست ایشان در حوزه بماند تا زعامت حوزه را به عهده گیرد:

«آیت‌الله فاضل را باید جزء معدود افرادی نام برد که به تمام مبانی انقلاب و امام وفادار بود. ایشان قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و پس از آن به هر شکلی که نیاز بود، در صحنه حضور داشت و همکاری می‌کرد. نظر امام از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی این بود که ایشان وارد کارهای اجرایی یا مسئولیتهایی چون شورای نگهبان یا شورای عالی قضایی و... نشود؛ با اینکه ایشان مجتهد بود و یکی از بهترینها برای تصدی این مسئولیتهای بود. ولی امام معتقد بود زعامت حوزه و مرجعیت باید دست ایشان باشد و می‌دانستند که ایشان لیاقت چنین مسئولیتی را دارد. همان وضعیت امروز ایشان را امام از ابتدا پیش‌بینی می‌کرد. امام بر این نظر بود که زعامت حوزه و مرجعیت در ایران را باید شخصی به عهده بگیرد که واقعاً به نظام جمهوری اسلامی و مبانی انقلاب مؤمن و معتقد باشد و آیت‌الله فاضل چنین بود.»^۱

یکی از قرائن که مؤید آن است که حضرت امام به مرجعیت آیت‌الله فاضل نظر داشت، سخن حجت‌الاسلام حاج سید احمد خمینی است: «ما هر وقت اسم آقای فاضل را برای مسئولیتهای نظام می‌نوشتیم و به امام پیشنهاد می‌کردیم، امام می‌فرمودند: ایشان باید در حوزه باشند.»^۲

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۲/۱۵، ویژه‌نامه شاخه‌ای از شجره طوبی، ص ۹.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۶/۵/۳، ویژه‌نامه اسوه فقاها و مرجعیت، ص ۵.

چراغ حوزه

از عنفوان جوانی به عنوان چهره‌ای برجسته و استاد سرشناس در حوزه مطرح بود و حضور او در عرصه‌های مختلف حوزوی اهمیتی در خور توجه داشت. گذشته از سمت تدریس و مرجعیت، به عنوان عضو و دبیر جامعه مدرسین، رئیس شورای مدیریت، یکی از پایه‌گذاران جامعه الزهرا(س)^۱ و از مدیران مدرسه فیضیه فعالیت چشم‌گیر در حوزه داشت. در اینجا بخشی از فعالیتهای معظم‌له در حوزه را می‌نمایانیم و سپس راهنمایها و سفارشهای ایشان به حوزویان و نیز دیدگاههای وی در مورد نظام آموزشی حوزه را مرور می‌کنیم.

جامعه مدرسین

جامعه مدرسین از سال ۱۳۳۷ش^۲ با عنوان «هیئت مدرسین» فعالیت خود را به صورت مخفی آغاز کرد. سال ۱۳۴۵ اساسنامه هیئت مدرسین به دست ساواک افتاد و عده‌ای از اعضا دستگیر و عده‌ای فراری شدند. مدرسین پس از آزادی از زندان، دوباره تشکل را سازماندهی کردند و با عنوان «جامعه مدرسین» فعالیت خود را ادامه دادند. آیت‌الله فاضل یکی از اعضای همیشه‌فعال در جامعه مدرسین بود و بسیاری از جلسات آن در رژیم سابق - که بیشتر رنگ سیاسی بر ضد حکومت داشت - در منزل ایشان برگزار می‌شد. برای رسمیت دادن به جامعه مدرسین، اساسنامه آن پس از پیروزی انقلاب اسلامی

۱. آیت‌الله فاضل در پیام مورخ ۷۹/۶/۲۰ به این نکته تصریح کرده است و متن آن در قسمت مربوط به پیامها خواهد آمد.

۲. این تاریخ بر سردر ساختمان جامعه مدرسین در قم با کاشی نوشته شده است.

تنظیم و در تاریخ ۱۳۵۹/۲/۲۹ اعضای هیئت مؤسس به اداره ثبت معرفی شدند. هیئت مؤسس عبارت بودند از:

۱. آیت‌الله علی مشکینی،
۲. آیت‌الله محمد فاضل،
۳. آیت‌الله حسین نوری،^۱
۴. آیت‌الله محمد یزدی،
۵. آیت‌الله احمد آذری قمی،
۶. آیت‌الله احمد جنتی،
۷. آیت‌الله ابوالقاسم خزعلی.

در تاریخ ۱۳۶۰/۵/۳ اساسنامه به تصویب رسید و جامعه مدرسین فعالیت قانونی خود را آغاز کرد.^۲

همکاری آیت‌الله فاضل با جامعه مدرسین به پیش از انقلاب اسلامی باز می‌گردد. او همواره به عنوان یکی از ارکان و از چهره‌های تأثیرگذار، با این نهاد همکاری می‌کرد. در جریان دستگیری و تعقیب مدرسین در سال ۱۳۴۵ حدود سه ماه زندگی مخفیانه داشت.^۳ پس از استعفای آیت‌الله مشکینی از سمت دبیری جامعه مدرسین، آیت‌الله فاضل در تاریخ ۱۳۶۸/۶/۳ به عنوان دبیر انتخاب شد. معظم‌له در تاریخ ۱۳۶۹/۶/۲۹ استعفای خود را اعلام داشت؛ اما از سوی اعضا پذیرفته نشد. تا اینکه پس از چند سال با استعفای معظم‌له موافقت کردند.

شورای مدیریت حوزه

با پیروزی انقلاب اسلامی اصلاح ساختار حوزه در جامعه مدرسین مورد بحث قرار گرفت؛ تا اینکه در سال ۱۳۵۹ شورایی شش نفره متشکل از سه نماینده از سوی امام

۱. در مدتی که اساسنامه جهت تصویب بررسی می‌شد، آیت‌الله نوری از عضویت در هیئت مؤسس انصراف داد.

۲. ر.ک: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۲، ص ۲۳ - ۵۰.

۳. ر.ک: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۱، ص ۳۸۱.

خمینی و سه نماینده از سوی آیت‌الله العظمی گلپایگانی فعالیت خود را آغاز کرد. آیت‌الله فاضل از همان ابتدا در این شورا حضور داشت و به عنوان رئیس آن انتخاب شد.

حضرت امام در پیامی به مناسبت ۲۲ بهمن ۱۳۶۰ بار دیگر بر اصلاح حوزه تأکید فرمود. به دنبال آن، جامعه مدرسین مسئله ساختار حوزه را در دستور کار خود قرار داد. پس از رایزنیها و برگزاری جلسات متعدد، بنا شد شورای مدیریت متشکل از نه نفر شکل گیرد. به این صورت که حضرت امام و آیت‌الله گلپایگانی و جامعه مدرسین هر کدام سه نماینده معرفی کنند. آیت‌الله فاضل از سوی جامعه مدرسین در این شورا همکاری کرد.^۱ معظم‌له همواره به عنوان رئیس در شورای مدیریت حضور داشت.

سال ۱۳۷۱ بنا شد با تغییر در تشکّل شورای مدیریت، به شورای عالی حوزه تغییر یابد. جامعه مدرسین نسبت به انتخاب مجدد آیت‌الله فاضل نظر مثبت داشت؛ اما معظم‌له نپذیرفت^۲ و در عین حال همکاری لازم با شورای جدید را نیز ادامه داد.

معظم‌له در مدت ده سال ریاست شورای مدیریت، هم‌زمان مدیریت مدرسه فیضیه را نیز همراه هیئتی عهده‌دار بود. در این مدت اقدامات اساسی و مهم برای بهبود وضعیت حوزه انجام شد. همکاری دیگران نیز در این زمینه در خور توجه است؛ اما نقش ایشان در پیشرفتهای از اهمیتی خاص برخوردار است.

به هرحال بعد از انقلاب اسلامی، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های معظم‌له ساختار حوزه علمیه بود و بدین منظور زحمتهای فراوان کشید و توفیقات زیاد به دست آورد. در یک تابستان که برای معالجه، در تهران اقامت داشت، ۵۲ بار برای امور حوزه به قم آمد و گاهی جلساتشان تا پاسی از شب به درازا می‌کشید.^۳ می‌توان گفت: در ۲۵ سال اخیر از میان بزرگان حوزه، ایشان بیشترین وقت را برای مسائل حوزه صرف کرد. مدتی که به عنوان مسئول شورای مدیریت خدمت می‌کرد، مستقیم در تصمیم‌گیریهای کلان دخالت داشت و پس از این دوران نیز همواره در برنامه‌ریزیها مورد مشورت قرار می‌گرفت.

۱. ر.ک: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۲، ص ۴۶۳ - ۴۷۱.

۲. ر.ک: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۲، ص ۵۱۳ - ۵۱۴.

۳. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۲/۱۵، ویژه‌نامه شاخه‌ای از شجره طوبی، ص ۷، مصاحبه حجت‌الاسلام محمدجواد فاضل.

از جمله اقدامات در زمان تصدی معظّم‌له بدین قرار است:

- تا پیش از برپایی شورای مدیریت، حوزه‌های دیگر شهرستانها حتی مدارس علمیه در قم در گزینش طلاب و مواد درسی و دوره‌های تحصیل کاملاً مستقل عمل می‌کردند و مسئولان مدارس هر شیوه‌ای را به نظرشان درست می‌آمد، اعمال می‌کردند. چه بسا بسیاری از برنامه‌ها بدون کارشناسی لازم بود. اساساً تشکیلات خاصی که دارای ساختمانی باشد و به اوضاع حوزه رسیدگی کند، وجود نداشت.

شورای مدیریت فعالیت حوزه‌های سراسر کشور را تحت نظام هماهنگ در آورد. این کار در ابتدا با دشواریها، دردها و مقاومت‌های فراوان روبه‌رو بود؛ اما با تلاش زیاد توانستند نظام هماهنگ را به اجرا درآورند.

- تا پیش از برپایی شورای مدیریت، تنها بخشی از طلاب در چند سال اول تحصیل، در مدارس علمیه، تحت برنامه درس می‌خواندند و بقیه به صورت آزاد، استادی را برمی‌گزیدند و به درس ادامه می‌دادند. با توجه به کم‌تجربه بودن طلاب تازه‌وارد احتمال ناموفق بودن آنها زیاد بود. شورای مدیریت همه طلاب را در چند سال اول تحصیل ملزم کرد تا تحت برنامه و در مدارس تحصیل کنند. شورا برای ورود طلاب به حوزه نیز شرایطی از قبیل سن و تحصیلات جدید وضع کرد.

- در گذشته تنها در مدارس تحت برنامه، امتحانات برگزار می‌شد. پس از تشکیل شورا، طلابی که به صورت آزاد مشغول تحصیل بودند نیز ملزم به شرکت در امتحانات شدند.

- بسیج روحانیون را راهاندازی کرد و اولین مسئول بسیج روحانی در حوزه بود.

- شروع ساخت و ساز شهرک مهدیه برای سکونت رایگان و موقت طلاب در زمان تصدی آیت‌الله فاضل شکل گرفت.

- پیش از تشکیل شورای مدیریت دانشهایی چون علوم قرآن، تاریخ اسلام، رجال، کلام و علوم مهم از این دست رو به فراموشی بودند و فعالیت‌های حوزه تقریباً منحصر در فقه شده بود. به عبارت دیگر «حوزه علمیه» در حال تغییر یافتن به «حوزه فقهیه» بود.

شورای مدیریت به این دروس رسمیت داد و طلاب ملزم به فراگیری آنها شدند.

- حفظ استقلال حوزه‌ها همواره مورد عنایت آیت‌الله فاضل بود و تا پایان حیات خویش

چراغ حوزه ۱۰۷

بر این نظریه ایستادگی داشت و به آن سفارش می‌کرد. نظر به اهتمام خاص معظم‌له به این دیدگاه، مستقلاً به آن می‌پردازیم.

به هرحال در زمان تصدی ایشان شالوده اصلی نظام جدید حوزه از زوایای گوناگون ریخته شد. به دلیل نو بودن این اقدامات عدّه زیادی از طلاب و فضلا به آسانی تن به برنامه‌ها نمی‌دادند و معظم‌له و همکارانشان، مرارتهای فراوانی را در این راه تحمل کردند. آن اقدامات راه را برای فعالیت‌های بعدی و دیگر موفقیت‌ها باز کرد. «الفضل للمبتدی وإن أحسن المقتدی»

مجمع طلاب و فضلالی قمی و مجمع فضلا و مدرسین قمی

مجمع طلاب و فضلالی قمی حدود سال ۱۳۵۲ش تأسیس شد و فعالیت آن تاکنون ادامه دارد. آیت‌الله فاضل که در آن زمان از استادان قمی^۱ برجسته در حوزه قم بود، از بنیان‌گذاران مجمع به شمار می‌رفت. همواره به این مجمع عنایت خاص داشت و علاوه بر کمک مالی به آن، بعضی جلسات، در بیت معظم‌له تشکیل می‌شد.

در دیدار طلاب و فضلالی قمی در تاریخ ۱۳۸۴/۱۱/۸، ایشان سخنان مبسوطی در مورد اهتمام فضلالی قمی به امور علمی ایراد فرمود که آن سخنان زمینه‌ساز تشکیل مجمع فضلا و مدرسین قمی در حوزه علمیه قم شد. خلاصه بخشی از سخنان معظم‌له بدین شرح است: «شما برادران طلبه و فضلالی قمی دارای چند امتیاز هستید که از این امتیازها متأسفانه کاملاً استفاده نمی‌شود. یک امتیاز بسیار بالا در مورد شما استعداد است. استعداد شما فوق متوسط است. این حرف را که می‌زنم به لحاظ این است که هم در سابق در شورای مدیریت بودم و هم سالیان دراز درس گفته‌ام و با برادران آشنا بوده‌ام. لذا درست پی برده‌ام که برادران قمی استعداد فوق‌العاده‌ای دارند. از سوی دیگر استعداد شما مقرون به قناعت خوب است. اهل اسراف و تبذیر نیستید.»

۱. مادر آیت‌الله فاضل اهل قم بود و خود نیز در قم به دنیا آمده بود و همه تحصیلاتش را در این شهر گذرانده بود. بدین جهت، ایشان خود را قمی می‌دانست.

با توجه به این دو مطلب، امید می‌رفت که اکثریت مدرسین حوزه را شما تشکیل می‌دادید؛ ولی متأسفانه شما در کنار این دو امتیاز، درجا زده‌اید. چرا مراتب علمی این حوزه در اختیار شما نیست؟ اینجا شهر شما است؛ شما بومی این شهر هستید؛ پدر و مادر شما اینجا هستند؛ بر کارهای شما نظارت دارند؛ از نظر مادی هم که الحمدلله اهل قناعت هستید؛ چرا این‌طور است؟ سالها است که این اشکال در ذهن من هست و چون دسترسی به شما نداشتم، نمی‌توانستم در جای دیگر ابراز کنم؛ ولی الآن که جلسه خودمانی است و من هم مثل شما افتخار قمی بودن را دارم، از شما سؤال می‌کنم: حوزه‌ای که حدود پنجاه هزار طلبه دارد، چرا اکثریت مدرسین این حوزه شما نباید باشید؟

این چرایی است که هنوز برای آن جوابی پیدا نکرده‌ام. به طور مثال در مدرسه آیت‌الله گلپایگانی که ۱۰۰ یا ۱۵۰ استاد تدریس می‌کنند، چند نفر از اساتید قمی هستند؟ باید لااقل صد نفر قمی باشند؛ چون برای روحانیون قمی کمبودی وجود ندارد. چرا این طرف و آن طرف می‌روید؟ مراتب علمی این حوزه باید در دست شما باشد. اکثریت مدرسین سطح بالای حوزه باید شما باشید. اینجا حوزه علمی قم است و اکثریت اساتید آن هم باید قمی باشند. با این مزایا و امتیازات قمیها، این حالت برای من قدری ایجاد تأثر کرده و نفهمیده‌ام که چرا درجا زده‌اید؟!

اگر تاکنون به هر دلیلی وضع این‌گونه پیش آمده، در آینده باید جبران شود. عرض می‌کنم که: برادران، سعی بفرمایید جداً در مراتب عالی حوزه، اکثریت شما نقش داشته باشید. همیشه این گلایه برای من وجود داشته است. اگر من با شما آشنا نبودم و مراتب استعدادتان را نمی‌دانستم، مراتب قناعت شما را نمی‌دانستم و مراتب نظارت پدر و مادرتان و دیگران را نمی‌دانستم، خوب حرفی نبود؛ اما با علم به این امتیازات، چه توجیهی برای این مطلب پیدا کنم؟ حوزه در شهر شماست؛ در کنار قبر کریمه اهل بیت(ع) است. شما الآن چند نفر را از خودتان سراغ دارید که از حیث مراتب علمی به جایی رسیده باشد و کاملاً بتواند خارج را تدریس کند؟ الحمدلله هستند ولی انتظار بیش از اینها است. سعی کنید در آتیه جبران کنید تا این اشکال به طور کلی برطرف شود.»

استقلال حوزه

در عین علاقه غیرقابل وصف معظم‌له به نظام جمهوری اسلامی، مخالف وابستگی حوزه به نظام از طریق دریافت بودجه دولتی بود. اعتقاد داشت الآن مسئولان نظام در برابر کمکها هیچ توقعی ندارند و در خط حوزه هستند؛ اما در آینده مشکلاتی پیدا خواهد شد. ایشان بر این دیدگاه خود در زمان تصدی شورای مدیریت و پس از آن پای می‌فشرد. هنگامی که یک مسئول برجسته نظام در مصاحبه با مجله‌ای حوزوی، با نیت خیر، مطرح کرده بود: ایرادی ندارد حوزه‌ها از بودجه دولتی استفاده کنند، معظم‌له به او پیام داد: «این راه پیشنهادی شما برای آینده حوزه‌ها خطرناک است و به حوزه‌ها لطمه می‌زند.»^۱

حجت‌الاسلام مسیح مهاجری در این زمینه خاطره‌ای را نقل می‌کند:

«در زمستان ۱۳۸۳ روزی به محضر ایشان رسیدم. ایشان با نگرانی خاصی گفتند: امسال هم دولت بودجه‌ای برای حوزه در نظر گرفته و قرار است در لایحه بودجه قرار بدهند. چند روز قبل که آقایان اعضای جامعه مدرسین پیش من آمدند، به آنها گفتم: این کار خطرناک است و شما بگویید دیگر ادامه پیدا نکند و آن را قطع کنند. استدلال ایشان این بود که روحانیت همواره با بودجه مستقیم مردم اداره شده و این موجب تحکیم رابطه روحانیت با مردم بوده و باید ادامه پیدا کند. اگر روحانیت از بودجه‌های دولتی استفاده کند از مردم جدا و به دولت وابسته می‌شود و این به صلاح نیست.»^۲

مقصود او از استقلال حوزه علاوه بر تحکیم رابطه روحانیت و مردم، این بود که اگر در میان مسئولان حرکت‌های غیرصحیح مشاهده شد، حوزه بتواند فریاد خود را بزند؛ بدون اینکه هدفش از فریاد، تضعیف نظام باشد. مخالفت آیت‌الله فاضل با کوتاه آمدن دولت در مورد قتل سلمان رشدی و مخالفت با حضور زنان در ورزشگاهها برای تماشای ورزش مردان، نمونه‌هایی از موضع‌گیریهای حوزوی در برابر تصمیمهای نادرست دولت است.^۳

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۲/۱۵، ویژه‌نامه شاخه‌ای از شجره طوبی، ص ۷.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۶/۵/۳، ویژه‌نامه اسوه فقاهت و مرجعیت، ص ۴.

۳. جهت آگاهی بیشتر به قسمت مربوط به مرجعیت، ذیل عنوان «موضع‌گیریها» در همین کتاب مراجعه شود.

عنایت به استعداد های درخشان

یکی از برنامه‌های معظّم‌له عنایت به استعداد های درخشان در حوزه بود. سال ۱۳۷۶ با تأسیس مرکز فقهی ائمه اطهار(ع) فضلالی با استعداد در درس خارج گزینش شدند و تحت برنامه‌هایی خاص به تحصیل در دروس رسمی حوزه ادامه دادند. سال ۱۳۷۹ نیز گروه‌های علمی راه‌اندازی شد تا محصلان سطوح که زمینه بیشتر برای پیشرفت دارند، گزینش و تحت برنامه، شکوفایی بیشتر پیدا کنند.

استادان حوزه نیز از جمله نخبگان و استعداد های درخشان هستند و معمولاً شخصیت‌های برجسته حوزوی بویژه در سطح مراجع تقلید، از میان این قشر ظهور پیدا می‌کنند. معظّم‌له بر این باور بود که به این قشر باید از جهت مادی عنایت ویژه داشت تا با آسودگی خاطر بتوانند به فعالیت علمی بپردازند. لذا از ابتدای مرجعیت برای استادان سطوح عالی و خارج، هدایایی ویژه اختصاص داده بود. پس از او دیگران نیز به این فکر افتادند و هدایایی را برای آنها در نظر گرفتند. در سالهای پایانی حیات، اسامی استادان در دفتری تنظیم شد تا به صورت ماهیانه وجهی جداگانه - علاوه بر شهریه عادی - به آنان پرداخت گردد؛ اما متأسفانه عمر ایشان کفاف نداد و این برنامه ناتمام ماند.

مدارس علمیه

در مورد مدارس علمیه، چند اقدام درخور توجه از آیت‌الله فاضل سراج داریم:

- پیشنهاد ساخت مدرسه با عظمت امام خمینی (ویژه طلاب غیر ایرانی) واقع در قم، فلکه جهاد را ایشان به مقام معظّم رهبری داد و کلنگ آن را آیت‌الله فاضل زد.
- احداث سالن اجتماعات در زیرزمین مدرسه فیضیه از طرحها و پیشنهاد های ایشان بود و کلنگ آن را ایشان زد. هزینه ساخت را مقام معظّم رهبری تأمین کرد.
- مدرسه علمیه امام حسن عسکری(ع) در خیابان آذر، کوچه حاج سید حسن زیر نظر ایشان ساخته شد و پس از آن در اختیار شورای مدیریت قرار گرفت.

رهنمودها

اگر رهنمود های معظّم‌له به حوزویان جمع‌آوری شوند، کتابی ارزشمند و راهنمایی سودمند

فراروی طلاب و فضلا خواهد بود. اکنون متن بسیاری از سخنرانیهای ایشان در دسترس ما نیست و حجم موارد موجود، فراوان است و ناچار به گزینش شدیم. این قسمت برای طلاب و فضایی که به دنبال دستورالعملهای اخلاقی، سیاسی و اجتماعی هستند، بسیار سودمند خواهد بود:

اهتمام به تفسیر قرآن

همان‌طور که بزرگان ما و خصوصاً فقهای گذشته به تفسیر قرآن اهمیت می‌دادند امروزه هم لازم است اساتید و فضلا نسبت به تفسیر قرآن آن‌هم با مراحل مختلفی که دارد، اهتمام ورزند. فقهای بزرگ ما به آیات مرتبط با فقه و اصول، با دقت‌های بسیار فراوان پرداخته‌اند. مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی در کتاب جامع/حادیث الشیعه در هر بابی ابتدا آیات مربوط به آن باب را مورد تعرض قرار می‌دادند و بعد روایاتی که از ائمه طاهرین پیرامون آن آیات وارد شده است.

ائمه معصومین - علیهم السلام - با اینکه مقام امامت داشتند و قول آنان برای اصحاب و همه حجیت داشت، حتی الامکان سعی داشتند مستند قرآنی احکام شرعی را بیان نمایند.^۱ قرآن تفاسیر متعددی دارد و هرچه کار شود جا دارد. هر طالب علم ابتدا باید قرآن را زیر و رو کند. حافظ قرآن فکر نکند قرآن را کامل می‌داند؛ باید به تمام ابعاد قرآنی آشنایی پیدا کند.^۲

تمسک به اهل بیت(ع)

در قرآن شریف که می‌فرماید: «فاسألوا أهل الذکر؛ از اهل ذکر سؤال کنید.» ائمه ما می‌فرمایند: ما اهل ذکر هستیم؛ زیرا اینها هستند که دریچه‌های علوم را به سوی ما باز کرده‌اند. در هر علمی از علوم مربوط به بشریت و انسانیت و روح بشریت، آنها اظهار نظر کرده‌اند و برای این راهنماییها اصلاً نمی‌توان حدّ و حصری قائل شد. لذا باید راه اینها را

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۲/۳۰؛ افق حوزه ۱۳۸۵/۳/۱.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۷/۱۲/۱۶.

طی کنیم. حمایت از اینها را سرلوحه کارمان قرار دهیم. از همین سنین نوجوانی و جوانی؛ چون بعضی کارها را نمی‌توان در پیری شروع کرد؛ ولی اگر شما از اول مهیا بودید و وسایلی را تهیه کردید و حمایت از شیعه را دستور کار خود قرار دادید، کاملاً خودتان را مهیا می‌کنید برای رسیدن به این مسائل.

علم و تقوا

رمز پیروزی روحانیت، علم و تقوا است و چنانچه این دو امر تداوم یابد می‌توانیم خدمات فراوانی داشته باشیم.^۱

بدانید که هیچ موجودی در عالم به فضیلت طلبه‌ای که واجد دو سرمایه علمی و عملی باشد، نمی‌رسد. اینها دو سرمایه‌ای است که در عالم نمی‌تواند مخالفی داشته باشد.^۲ باید از جوانی و عمر عزیزتان و از اوقاتتان استفاده کنید؛ یعنی هرچه بیشتر و بهتر درس بخوانید و رشد علمی پیدا کنید تا در آینده به وظیفه اسلامی‌تان عمل کنید؛ نه اینکه لحظات را صرف چیز دیگر کنید. درسهای ما مثل سایر مراکز آموزشی نیست که چند سال بخوانیم؛ لیسانس بگیریم و تمام شود. آن قدر علوم پیش ما هست که عمر دوپست سال هم کافی نیست. لذا قدر جوانی خودتان را بدانید. قدر عمرتان را بدانید.

الحمدلله در شرایطی هستید که دولت و ملت با شما موافق است. در زمان طاغوت، طاغوت هیچ اعتقادی به حوزه و روحانیت نداشت. همین مدرسه فیضیه درفش را به سوی ما بسته بودند و پنج سال تمام این مدرسه فیضیه را من، با اینکه بچه قم بودم، ندیده بودم. به لطف خدا آنان به هدفشان نرسیدند. چیزی که الآن وظیفه شماست، درس خواندن و سرمایه علمی پیدا کردن است.

ما اهل علم هیچ امتیازی نداریم جز علم و عمل. مردم هم همین توقع را دارند. تعبیر مردم این است که اهل علم بر مسند رسول خدا نشسته‌اند. باید تجسم این معنا باشند و لذا مردم ما را آئینه رسول خدا بینند.

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۹/۲/۸.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۷/۳/۱۲.

چراغ حوزه ۱۱۳

برادران عزیز، من به عنوان اینکه تمام رموز طلبگی را می‌دانم، می‌گویم: الآن وظیفه شما درس خواندن و در کنارش تقوا داشتن است و هیچ چیز نباید شما را از این دو، باز بدارد؛ چون انسان در شرایط خاصی می‌تواند به آن برسد. آدم پنجاه ساله نمی‌تواند طلبه بشود و رشد علمی پیدا کند و عنوان جانشینی رسول خدا(ص) پیدا کند. حداکثر استفاده از زمان را ببرید و این زمانها قابل جبران نیست.^۱

تقویت بنیه علمی

اینجانب با توجه به سابقه بیش از پنجاه سال تدریس در حوزه، معتقدم برای حفظ حوزه و ارتقای آن باید همان روش گذشتگان و همان تحقیقات عمیق ادامه پیدا کند. خصوصاً فقه و اصول، که رکن اساسی حوزه است، باید هرچه دقیق‌تر و عمیق‌تر ادامه یابد. در برخی زمانها متأسفانه افرادی به دنبال این بودند که کتب عمیق را از دروس حوزه حذف نمایند و دانسته یا ندانسته، از این راه به دنبال تهی نمودن حوزه و تضعیف علمی حوزه بودند و خوشبختانه این امر تحقق پیدا نکرد.

شما اساتید محترم که بزرگان فعلی و آینده حوزه هستید، بدانید هرچه بیشتر اهتمام به دروس حوزه از قبیل فقه و اصول داشته باشید و با مطالعه هرچه دقیق‌تر دروس کامل‌تری را به فضلا و شاگردان خود ارائه دهید.^۲

در حوزه باید مسائل علمی و درسی اصل باشد. باید بنیه علمی طلاب و فضلا بیشتر تقویت شود. طلاب نباید خود را فقط برای امتحان، آن‌هم با سؤالات سطحی و ظاهری آماده کنند. نباید هم فضلا، موقفیت در امتحان باشد.^۳

چرا اعتنای ما نسبت به مسائل علمی روز به روز کمتر می‌شود؟ حوزه علمی ما همیشه در مقابل تمام دانشگاههای جهان یک خصوصیت داشت و آن خصوصیت این بود که ما سر و کارمان با رسیدن به عمق مطالب بود و سر و کارمان با مباحثه و مجادله بود. لیکن

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۴/۹/۱۹.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۲/۳۰؛ افق حوزه ۱۳۸۵/۳/۱.

۳. افق حوزه، ۱۳۸۶/۱/۲۹.

حالا دارد کم کم مسائل به صورت حفظی می شود.

برادران عزیز، اعضای شورای عالی و شورای مدیریت حوزه و تمامی کسانی که مسئولیت مطالب علمی حوزه بدون واسطه در دست شما است، کاری نکنید که این حوزه‌ای که سابقه هزار ساله دارد و خصیصه‌اش این بوده که در آن، مسائل علمی با استعدادهای خوب حل و فصل می شده، گرایش به محفوظات پیدا کند. نگذارید این خصیصه حوزه علمی قم که در معدود حوزه‌های علمیه قرار دارد از بین برود. بگذارید اگر ما با مسائل عملی سر و کار داریم به عمق مسائل برسیم و فقط به فکر حفظ کردن نباشیم.^۱

باید سرمایه علمی داشته باشیم تا در برابر بیگانگان خضوع نکنیم؛ بلکه دیگران در مقابل ما خضوع کنند. اگر رشد علمی خودمان را متوقف و وقت خود را صرف تعطیلی کنیم، خسارت بزرگی بر تشیع وارد می شود. بحث بی حالی برای درس خواندن نیست؛ بلکه بحث از مسئولیت سنگین است. ما در لباس حمایت از شیعه خودمان را مطرح نموده‌ایم و به این هم افتخار می کنیم ولی آیا به وظایف و مسئولیت خود درست عمل می کنیم؟

وقتتان را به بطالت نگذرانید. نگویید: من یک نفر هستم و از من کاری ساخته نیست. امام خمینی هم یک نفر بود؛ ولی با سرمایه علمی و معنوی و با دقت نظر در مسائل و بدون اتکا به قدرتهای بیگانه رشد کرد و مردم از وی پیروی کردند.

مردم به دنبال روحانی سالم هستند و بی جهت نیست که از کسی تنفر پیدا می کنند. نخست سرمایه علمی تهیه و بعد با جامعه ارتباط برقرار کنید. اگر کسی احساس کند شما رشد علمی ندارید، به شما توجه نخواهد کرد. حب و بغض مردم براساس ملاک است و ما روحانیت باید نقایص خود را برطرف کنیم.

استفاده از عمر

با توجه به امکانات مناسب و اساتید مجرب در حوزه، باید از لحظات عمرتان نهایت استفاده را ببرید و بدانید هر لحظه از عمرتان که می گذرد، اگر از آن استفاده نکنید و یک

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۷/۳/۱۲.

مسئله علمی برایتان حل نشود، ضرر کرده‌اید و بعداً پشیمان می‌شوید.^۱ طلاب عزیز باید به قدر کافی از وقت خود استفاده نمایند که اگر دقت داشته باشند، می‌توانند در یک ساعت چند مطلب علمی بفهمند و یا بنویسند و یا به دیگران یاد بدهند. همچنین باید از اساتید باسابقه و وارد در کار تدریس استفاده نمایند. جوانی دورانی است زودگذر و غیر قابل برگشت. عزیزان ما باید از این دوره از سَنَشان که پربارترین قسمت‌های زندگی انسان محسوب می‌شود، بهره‌کافی ببرند.

به عنوان بهترین نمونه، امام عزیز را در نظر بیاوریم. او فردی بود که از عمر خود در موقع مناسب بهره برد و اوقات شریفش را به هدر نداد و سپس در جامعه حتی در سطح جهانی دارای نقش برجسته و منحصر به فردی شدند. امیدوارم طلاب عزیز این نصایح ما را به کار بگیرند و خود را برای ایفای نقش‌های سازنده در آینده آماده کنند.^۲

برادران عزیز، اولین چیزی که بر شما فرض است، درک موقعیت خودتان در حال و آینده است. باید رشد شما از این سنین نوجوانی و جوانی شروع شود. نگویید: امسال نشد، سال دیگر درس می‌خوانیم؛ سال دیگر هم نشد، سال سوم. نه، رشد کامل شما در بالا رفتن مراتب علمی همین حالا باید پی‌ریزی شود و الا هر روزی برایتان بگذرد، مشکلات آن روز پیش می‌آید و می‌تواند خدای نخواستہ مانع ترقی انسان شود. کوتاهی در تحصیل نکنید. خدای نخواستہ تنبلی در درس و بحث نداشته باشید. خود همین شب بودن در مدرسه، یک توفیق بسیار بزرگی است. انسان هم از نظر مطالعات کامل می‌تواند استفاده کند و هم از نظر بعضی عباداتی که در شب واقع می‌شود، کاملاً می‌تواند استفاده کند.

خلاصه، ما امتیازمان در تمام اقشار جامعه به دو چیز است و باید این امتیاز را تحصیل کنیم و وقتش همین حالا است: یکی مسئله علم و مراتب علمی است و یکی هم مسئله تقوا و مراتب تقوا است. ما این دو بال را باید داشته باشیم. مردم هم از ما همین دو بال را انتظار دارند. مردم چیز دیگری از اهل علم نمی‌خواهند. نمی‌خواهیم بگویم که طلبه نیاز به

۱. افق حوزه، ۱۳۸۱/۴/۱.

۲. نور علم، ش ۳۲، ص ۵۶.

استراحت ندارد. نه؛ چه بسا کاملاً هم نیاز به استراحت دارد. اما اکثر وقت خود را باید صرف رشد علمی و عملی کند. یک لحظه اگر به بطالت - خدای نخواستہ - بگذرد، این لحظه دیگر قابل جبران نیست. این لحظه‌ای است که از کف انسان خارج شده و در آینده هم جبران‌پذیر نیست. برای اینکه لحظات آینده حکم خودش را دارد. نسبت به این لحظه‌ای که خدای نخواستہ از دست دادیم، حکم جابریت ندارد.

پس اولین مسئله‌ای که بر شما لازم است، درک موقعیت فعلی‌تان و اینکه بهترین موقعیت هم برای رشد علمی و هم برای تقوا همین حالا است.

برادران عزیز، این عالم طلبگی را نعمت بزرگ الهی تلقی کنید و خودتان را به شئون طلبگی مقید کنید. شما باید از نظر علمی و عملی، به قول مردم روی مسند پیغمبر(ص) نشسته باشید. مردم از ما انتظار دارند که روی مسند پیغمبر(ص) بنشینیم؛ یعنی تجسم رسول خدا باشیم؛ هم در علم و هم در عمل. علم و تقوای طلبه به رسول خدا(ص) نمی‌رسد؛ اما در حدی که می‌تواند، کسب و تهیه کند.

تکرار می‌کنم: قدر لحظات این زمانی که در آن واقع هستید، بدانید. بدانید که این لحظات، لحظات خاصی است و قابل جبران هم نیست. برای اینکه لحظات آینده مربوط به خود آینده است؛ نه اینکه جبران این لحظه فعلی را بکند.

حمایت از نظام جمهوری اسلامی

لازم است فضلا و طلاب در پرتو شرایط فراهم آمده، هرچه بیشتر در خدمت اسلام و نظام جمهوری اسلامی باشند. همان‌طور که امام بزرگوار فرمودند: چنانچه این انقلاب از بین برود، فکر نشود که فقط انقلابیون از بین می‌روند بلکه اگر خدای نخواستہ امریکا بر این مملکت تسلط پیدا کند، دیگر اثری از عمامه باقی نخواهد گذاشت و فرقی بین انقلابی و بی‌تفاوت و ضدانقلاب نخواهد گذاشت؛ چون لطمه‌ای که استکبار از روحانیت خورده اقتضا می‌کند با طبیعت روحانیت مخالفت کند و شما در باب نواهی [در علم اصول] خوانده‌اید که معدوم شدن طبیعت، به انهدام همه افراد آن است. کسی خیال نکند حمایت اینجانب از انقلاب برای مسائل شخصی است. اشهد بالله مسئله چنین نیست و روی جنبه

دین و اجتماعی بودن قضیه، نظر دارم.^۱

دشمنان در صدد القاء این نظریه هستند که روحانیت اصولاً قادر به ادارهٔ یک حکومت نیست. همهٔ ما باید تلاش کنیم ضمن حفظ مبانی نظام جمهوری اسلامی و ادارهٔ آن به بهترین وجه، این تبلیغات سوء دشمنان را نقش بر آب کنیم.^۲

انقلاب اسلامی یکی از بزرگ‌ترین نعمتهای خداوند بود که توسط امام بزرگوار و فداکاریهای ملت عزیز ایران و خونهای پاک شهدا به مردم و کشور ارزانی شد؛ در حالی که با هیچ‌یک از محاسبات رسمی قابل پیش‌بینی نبود. ما عنایات خاصهٔ خداوند را خصوصاً در جنگ تحمیلی و جریان طبس مشاهده کردیم. از این جهت شکر این نعمت و تلاش برای بقای آن، امری لازم است.^۳

روحانیون شیعه مخصوصاً حوزهٔ علمیهٔ قم، خود را موظف به حمایت از نظام جمهوری اسلامی در برابر توطئه‌های امریکا می‌داند.^۴

حمایت از انقلاب و حفظ حکومت وظیفهٔ همه است. چنانچه در این زمینه کوتاهی شود، به وظیفهٔ شرعی خویش عمل نکرده‌ایم. لذا در هر زمان در هر مسئله‌ای که مربوط به انقلاب و حاکمیت اسلام است، باید به اندازهٔ توان خویش دخالت نماییم.^۵

حمایت از کیان تشیع

استکبار جهانی پی برده که این تفکر شیعی است که در مقابل تجاوز و ستم آنان ایستاده و پرده از جنایات استکبار برداشته است. لذا به هر وسیله در صدد مقابله با تشیع و از بین بردن آن می‌باشند و مهم‌ترین راه‌کار آنها انحطاط فرهنگی شیعیان است. اگر در این راه، با تدبیر و هوشیاری روحانیت شیعه مواجه شوند، هرگز نخواهند توانست به اهداف شوم خود نائل شوند.

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۶/۹/۲.

۲. رسالت، ۱۳۷۱/۱۰/۲۶.

۳. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۹/۲/۸.

۴. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۴/۱۰/۲۴.

۵. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۴/۱۰/۲۴.

انحطاط اخلاقی و هجمه فرهنگی که فعلاً توسط رسانه‌های تبلیغی مانند اینترنت و ماهواره برای جوانان ما تدارک دیده شده، خطر بسیار مهم است. اگر خدای نخواستہ در این نقشه شوم موفق شوند و جوانان عزیزمان را تحت تأثیر آن برنامه‌های فاسد قرار دهند، به هدف شوم خود خواهند رسید. جوانی که تحت تأثیر قرار گرفته باشد، آینده کشور را به تباهی می‌کشاند. لذا روحانیت شیعه باید هوشیارانه جوانان عزیز را با برنامه‌های مفید و پرجاذبه، از انحرافات و توطئه‌های دشمن حفظ کنند و کاملاً مراقب باشند.^۱

وقتی بر ضد شیعیان کار می‌کنند، چه کسی وظیفه دارد از شیعیان حمایت کند؟ غیر از ما و شما و روحانیت حوزه چه کسی باید از شیعه حمایت کند؟ وقتی که مشخص است ما در مورد حمایت شیعه مسئولیت سنگینی داریم، باید خود را برای آینده تشیع و اسلام آماده کنیم. روحانیون باید آنجا که تشخیص می‌دهند مطلبی به نفع اسلام و تشیع است، اقدام کنند و با توکل بر خدا از هیچ قدرت و گروهی نهراسند. هر جا دیدید دین و احکام اسلام در خطر است باید فریاد بزنید خصوصاً در این زمان که از خارج و داخل تبلیغات علیه اسلام و روحانیت بسیار زیاد است. برخی به صورتهای مختلف در صدد مقابله با دین و اسلام هستند. باید روحانیت بیدارتر از گذشته باشد و به حرفهای بسیار سخیفی که متأسفانه از برخی افراد شنیده می‌شود، توجه نکند و وظیفه خود را انجام دهد.

به دنبال این نباشید که چه کسی به حرف ما ترتیب اثر می‌دهد یا نمی‌دهد. اگر این مطلب ملاک بود، باید انبیا به وظیفه خود عمل نمی‌کردند. امام امت که از ابتدا قیام نمودند، به دنبال این نبود که چه مقدار و تا چه حدی به نتیجه می‌رسد. باید از اسلام و احکام اسلام با قاطعیت دفاع کنید. باید طوری عمل کنیم که پاسخ‌گوی خداوند متعال باشیم.^۲

امروز شیعه مظلوم است و حمایت از شیعه وظیفه من و شماست. شخص دیگری وجود ندارد که از تشیع دفاع کند. البته از کسی هم انتظار نباید داشت و این هم هنگامی محقق می‌شود که ما دارای سرمایه علمی و عملی باشیم.^۳

۱. افق حوزه، ۱۳۸۴/۱۱/۱۰.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۲/۱۴.

۳. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۴/۱۰/۲۶.

تبلیغ

راه ما راه انبیا و اولیاء خدا و ائمه هدی است. لذا هرکس سفر تبلیغی برای او ممکن است باید به این وظیفه قیام کند و مضایقه و مسامحه نداشته باشد. رسول خدا(ص) هنگام اعزام به یمن به امیرالمؤمنین(ع) فرمود: اگر یک نفر به دست تو هدایت شود، برایت بهتر از هر چیزی است که خورشید بر آن می‌تابد.^۱

در ماه رمضان ابتدا سعی کنیم خود بهره ببریم و اگر دیگران را دعوت می‌کنیم، خودمان قبلاً رعایت کنیم. از وظایف بزرگ روحانیین تبلیغ است. علت اینکه این انقلاب به پیروزی رسید، زمینه مساعدی بود که روحانیین در توده مردم از راه تبلیغ به وجود آوردند. سازندگی و تهذیب جامعه و نفوس وظیفه من و شما و حوزه علمیه است. کسانی که برای تبلیغ آمادگی دارند، کوتاهی در این امر مهم جایز نیست. فکر نکنند با رفتن و نرفتن یک نفر اثری بر آن مترتب نمی‌شود.^۲

اگر شما در این عرصه حضور فعال و محققانه نداشته باشید، به طور طبیعی مداحان جایگزین شده و جوانها را جلب و جذب خواهند کرد. البته به مداحان خرده نمی‌گیرم؛ غرض این است که هر کسی باید در جایگاه خود قرار بگیرد.^۳

اگر کسی بی تفاوت باشد یا تنبلی کند یا اینکه توانایی تبلیغ دارد، در خانه بماند، والله مسئول است و باید پاسخگو باشد. شما باید به عنوان یک مسئولیت دینی این کار را انجام دهید و فکر نکنید که: من به تنهایی نمی‌توانم کار کنم. دیدیم که امام به تنهایی در مقابل استکبار جهانی قیام کرد. ما الآن در شرایطی هستیم که به مراتب حساس تر از زمان قبل از انقلاب است؛ چون این ابزار تبلیغی در آن زمان نبود و الآن در اینترنت سایتهای مختلفی علیه شیعه تبلیغ می‌کنند. لذا باید تا می‌توانیم به نفع شیعه کار کنیم؛ اما با دلیل و منطق و برهان و در ضمن با رفتار خوب و ادب با مخالفان شیعه مقابله کنیم.^۴

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۹/۹/۳.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۴/۱۰/۲۴.

۳. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۲/۲۷.

۴. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۳/۷/۲۲.

تبلیغ با عمل

ما باید با عمل خود مبلغ اسلام باشیم و بدانیم تبلیغ عملی مؤثرتر از قول است. کسانی می‌توانند از عهده تبلیغات دینی برآیند که دارای سرمایه علمی و عملی مفید باشند. روحانیون باید با ساده‌زیستی و بی‌اعتنایی به تجملات همچنان الگوی مردم در فرهنگ اسلامی باشند. مردم با مشاهده رفتار خالصانه مبلغان دینی بیش از هر زمان دیگری مجذوب ارزشهای اسلام و نظام می‌شوند.^۱

برادران، اگر یک روز قدرتی به دستمان آمد، سعی کنیم زندگی طلبگی را تغییر ندهیم. زندگی می‌گذرد و آنچه باقی می‌ماند، عقاید مردم است که حفظ عقاید مردم را من و شما به عهده داریم. زندگی ما با مردم عادی فرق می‌کند. روحانی نباید زندگی طلبگی را از دست بدهد. او باید عملاً مبلغ اسلام باشد. باید عملاً مروج روحانیت باشد و باید عملاً عقاید مردم را حفظ کند. ما موظف به حفظ عقاید مردم هستیم. انحراف ما با انحراف مردم متفاوت است. انحراف مردم شخصی است لیکن انحراف ما موجب انحراف مردم است و در نتیجه پاسخ‌گوی خداوند تبارک و تعالی نخواهیم بود.^۲

خلق خوش

با مردم و جوانان خوش‌رفتاری کنید. با اخلاقتان مردم را جذب کنید. بر جنبه‌های معنوی تکیه کنید. آیا حقیقتی بالاتر از رسول خدا(ص) وجود دارد؟ در عین حال خداوند به او فرمود: «لو كنت فظاً غليظ القلب لانفضوا من حولك؛ اگر بداخلاق بودی مردم از اطرافت پراکنده می‌شدند.»

پس حقیقت به خودی خود و به تنهایی جاذبه ندارد. زمینه این حقیقت اخلاق کریمه، حسن معاشرت، رفاقت و همراهی با مردم است. تصور نکنیم که با آموختن چند اصطلاح باید به دیده تحقیر به مردم نگاه کنیم. ما هرچه آموخته‌ایم، برای هدایت مردم است و هدایت مردم رفاقت با آنان را لازم دارد. مردم باید روحانی را رفیق صمیمی خود بدانند. ما

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۸/۸/۲۹.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۷/۳/۱۲.

تابع آن رسولی هستیم که خداوند به او فرمود: «إِنك لعلی خلق عظیم» باید مرتبه‌ای از آن خلق عظیم در ما باشد تا راه او را تداوم بخشیم. فاصله ما با ائمه (ع) خیلی زیاد است؛ ولی تلاش کنیم راه معاشرت با مردم را از آنان بیاموزیم. ما روحانیونی هستیم که با اخلاق خود شهرها و مناطقی را تسخیر خود کردند. با مردم رفیق و دوست باشید تا سخنانتان نافذ باشد.^۱

شرط مرجعیت

شرط مرجعیت صرف فقاقت اجتهاد یا عدالت نیست؛ بلکه به حسب آن روایت شریفه «من كان من الفقهاء صائناً لنفسه حافظاً لدينه مخالفاً لهواه مطيعاً لأمر مولا» باید چنین خصوصیتی داشته باشد. «حافظاً لدينه» مقصود حفظ دین شخصی نیست؛ بلکه باید کسی باشد که بتواند دین را در جامعه پیاده کند؛ حمایت کرده و موجبات گسترش دین را در جامعه فراهم سازد. «مخالفاً لهواه» یعنی مخالف با هوای نفس در امور مباح باشد؛ نه امور حرام؛ یعنی کسی که هر امر مباحی را مرتکب نشود و بتواند خود را کنترل کند. این شرط فوق عدالت است. گرچه عصمت نیست اما برزخ بین عدالت و عصمت است.^۲

شناساندن اسلام واقعی

امروز در جامعه ما دو قشر پیدا شده که هر دو مخالف اسلام هستند: یکی قشری که تمام مقدسات را زیر پا گذاشته و هرچه می‌خواهند می‌گویند و دیگری گروهی که مسائل واقعی اسلام را کنار گذاشته و به مسائل خرافی روی آورده‌اند. روحانیون موظفند که اسلام واقعی را به مردم ارائه دهند.^۳

شناساندن انقلاب به جوانان

شما باید نسبت به تبلیغ در این زمان دقت و تأمل بیشتری کنید. گذشته این مملکت

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۹/۹/۳.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۲/۲۷.

۳. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۹/۱۲/۱۳.

برای جوان ملموس نیست و اگر برایش نقل شود، افسانه جلوه می‌کند. نمی‌تواند عمق فساد و نابسامانی امور را در گذشته درک کند. لذا از زحمات طاقت‌فرسای امام بزرگوار و روحانیت، اطلاعی ندارد. شما باید در بخشی از سخنرانیهای خود وضعیت گذشته را تشریح کنید و عظمت نعمتی را که خداوند به برکت انقلاب به ما داده، به آنان گوشزد کنید.^۱

تحکیم پایه‌های اعتقادی مردم

آقایان محترم، این سفرهای تبلیغی را وظیفه‌ای شرعی و تکلیفی الهی تلقی کنیم؛ به خصوص در این زمان که بحمدالله انقلاب تثبیت و تحکیم بیشتری یافته؛ ولی تبلیغات مخرب از داخل و خارج، جوانان ما را تحت تأثیر قرار داده و پایه‌های دینی آنان را متزلزل می‌کند. اگر خدای نخواستہ روزی عقاید دینی مردم سست شد و روحانیون که مبلغان دینند، در دید مردم قشر بی‌ارزشی شدند، انقلاب در معرض زوال و نابودی خواهد بود. انقلابی که زحمات زیادی برای آن کشیده شده و جانهای جوانان و اقشار دیگر جامعه فدای آن شده است.^۲

بی‌اعتنایی به امور دنیوی

نباید برای شما جهات دنیوی مطرح باشد؛ چون در دنیا راههای زیادی برای نیل به نعمات دنیا وجود دارد و لزومی ندارد انسان برای دنیا به این سلک درآید.^۳

پاسخ به شبهات

امروز لازم است فضلا با جدیت هرچه بیشتر و تحصیل عمیق‌تر آماده پاسخ‌گویی به سیل نیازها و شبهات در باره دین باشند. روحانی در این زمان باید علاوه بر جهات تقوایی، سرمایه علمی فراوان داشته باشد؛ چراکه به مرور زمان مطالعات و مراکز علمی در دنیا بیشتر و شبهات فراوان‌تر و به شکل جدیدتر بروز می‌کند و پاسخ شبهات دینی را باید حوزه‌های شیعه بدهند.^۴

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۲/۲۷.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۹/۹/۳.

۳. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۹/۹/۳.

۴. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۶/۶/۱۶.

چراغ حوزه ۱۲۳

حوزه باید با برخورداری از صلاحیت علمی و اخلاقی به مسائل فکری جهان اسلام پاسخ دهد و بتواند با بهره‌گیری از علوم اسلامی، پاسخ علمی قانع‌کننده‌ای به شبهات موجود داشته باشد.^۱

اسلام به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در تمام دنیا مطرح و به عنوان بزرگ‌ترین عامل مؤثر در پیروزی انقلاب شناخته شده و این امر اقتضا می‌کند که اهل تحقیق در باره اسلام به مطالعه بپردازند و طبعاً پرسشها و احیاناً بعضی از شبهات مطرح می‌شود و تنها حوزه‌ها می‌توانند بیانگر اسلام بوده، شبهات را بر طرف سازند. در این صورت مسئولیت خطیری پس از پیروزی انقلاب پیش آمده که حوزه‌ها در زمانهای گذشته دارای چنین مسئولیتی نبودند.^۲ امروز وظیفه حوزه‌های علمیه با گذشته قابل مقایسه نیست. باید طلاب و فضایی حوزه نسبت به مسائل اعتقادی و دینی به خصوص شبهاتی که از سوی دشمنان و مکاتب انحرافی وارد می‌شود، مجهز باشند. هرچه طلاب خود را از نظر علمی و تقوایی قوی و نیرومند بسازند، بیشتر می‌توانند مقابله نمایند.^۳

توجه به مجالس دینی

فضایی محترم باید نسبت به مجالس روضه‌خوانی و مداحی توجه بیشتری داشته باشند. سعی شود در مناظر و سخنرانیها معارف حقه و حقایق دینی را بیان کنند. باید هر منبر، درسی از درسهای عقیدتی و دینی باشد. جوانان ما امروزه نیاز به کلاسهای عقیدتی دارند که متأسفانه از گذشته کمتر است و به مقتضای نیاز زمان ما کمبود کلاسهای عقیدتی را احساس می‌کنیم.

اهتمام به کتابهای امام خمینی

اینجانب به فضایی حوزه‌های علمیه توصیه می‌کنم از مطالعه کتب این مرد (امام خمینی) غفلت نورزند.^۴

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۲/۳/۸.

۲. حوزه، ش ۳۲، ص ۱۳۲.

۳. افق حوزه، ۱۳۸۴/۱۱/۱۰.

۴. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۸/۶/۱۵.

مقام علمی امام خمینی بویژه برای طلبه‌هایی که درس ایشان را ندیده‌اند و کتابهای ایشان را درست مطالعه نکرده‌اند، خیلی روشن نیست. من مخصوصاً به برادران طلبه جوان نصیحت می‌کنم که از کتابهای ایشان غفلت نکنند مخصوصاً کتاب بیع، که تقریباً پنج جلد است، به تمام معنا قابل استفاده است و مطالبی در آن هست که در هیچ کجا یافت نمی‌شود.^۱

مباحثه

اساساً یکی از علل پیشرفت و موفقیت ما در ایام تحصیل، که با کمال تأسف باید اذعان کنم که امروزه حوزه با کنار گذاشتن آن دچار ضایعه نسبتاً سنگینی شده است، همان مباحثه بین‌الائینی بود و ترتیب آن چنین بود که ما خود را ملزم کرده بودیم درسهای هر روز را شبانه با دقت کامل مطالعه کنیم و روز بعد آن را با هم‌مباحثه‌مان که قبلاً برای خود انتخاب کرده بودیم، به بحث و بررسی بگذاریم. بدین ترتیب هراپه‌ام باقی‌مانده از جلسه درس، رفع می‌شد.^۲

تحصیل علم اصول

تذکری که خدمت طلاب و فضلالی عزیز حوزه علمیه دارم، این است که در دوران تحصیلی خود باید تنها یک دوره اصول بخوانند. البته این یک دوره را با تمام تفصیل آن، همراه تحقیق و مطالعه کافی و بحث و بررسی با همکاران علمی خود به پایان برده، از گذراندن دوره‌های متعدد در محضر اساتید مختلف خودداری نمایند. بدین ترتیب، هم وقت خود را بیهوده تلف نکرده‌اند و هم اگر بخواهند حتی به درجه اجتهاد نائل آیند، برایشان کافی خواهد بود.^۳

ترغیب مردم به شرکت در انتخابات

اگر در شهر خودتان بینکم و بین الله تشخیص می‌دهید شخصی بر دیگران ترجیح

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۲/۱۵، ویژه‌نامه شاخه‌ای از شجره طوبی، ص ۱۰.

۲. نور علم، ش ۳۰، ص ۹.

۳. نور علم، ش ۳۰، ص ۲۰.

دارد، باید از او ترویج کنید و مردم را آگاه کنید تا مجلس [شورای اسلامی] بتواند مصونیتی برای حکومت اسلامی باشد. اگر مجلس غیر متناسب با حکومت اسلامی باشد، اول مصیبتی است که برای حکومت پیش خواهد آمد.^۱

روشن فکری و زیر پا گذاشتن احکام اسلام

آقایان طلاب و فضایی محترم، شما که بحمدالله در رشته روحانیت هستید، یک موقع خیال نکنید روشن فکری اقتضا می کند بعضی احکام اسلام را زیر پا بگذارید. بگویید: ما انقلاب کردیم و هیچ فرقی بین زن و مرد نیست. کی به شما گفته هیچ فرقی وجود ندارد؟ خیلی هم وجود دارد. حالا نمی خواهیم بگوییم: اینها از نظر درک و شعور و علم و جهات اجتماعی ناقص هستند؛ ولی خداوند یک مزایایی برای مرد قائل است که برای زن قائل نشده است و بالعکس.

فرموده: «لَلذَّكَرِ مِثْلَ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ؛ مرد دو برابر زن ارث می برد.» اگر این به عقل من و شما جور در نمی آید، نیاید. من و شما احاطه به فلسفه احکام و حکم احکام نداریم. کسی که اطلاع دارد و همه ابعاد وجودی انسانها و همه مخلوقات در دستش است، خدای متعال است و الا من و شما چه خصوصیتی را می توانیم با عقول ناقصه خودمان به دست آوریم؟ امام معصوم (ع) در آن دلیل بطلان قیاس فرمودند: «إن دین الله لا یصاب بالعقول؛ دین خدا با عقول ناقصه شما درک نمی شود.»^۲

استفاده از سهم امام (ع)

حجت الاسلام محمدجواد فاضل می گوید: ایشان معتقدند وقتی طلبه به وظیفه خویش اعم از تحصیل، تدریس و تحقیق عمل کند، بهترین و پاک ترین و حلال ترین مال برای او همان سهم مبارک امام است و چنین شخصی در مصرف وجوه شرعی نباید کوچک ترین دغدغه ای داشته باشد. لذا می فرمودند: اینکه بعضی برای امرار معاش، در کنار طلبگی به

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۴/۱۰/۲۴.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۶/۷/۱۲.

زراعت یا صنعتی اشتغال داشته باشند، ایراد دارد؛ زیرا وقتی را که آنان باید صرف امور طلبگی کنند، در جهات دیگر مصرف می‌شود.

در همین مورد خودشان برایم فرمودند: روزی یکی از پزشکان به من گفت: من در مزرعه شخصی خود درخت اناری پرورش دادم که میوه‌های آن بعضاً هر کدام پنج کیلو می‌شود! به او گفتم: آقای دکتر، این کار از مشهدی حسن باغ‌دار هم برمی‌آید. تو اگر می‌خواهی دکتر خوب و مفیدی باشی، باید روزی چهار، پنج ساعت مطالعه داشته باشی تا به همین مقدار در خدمت مردم باشی و به درمان دردشان پردازی.^۱

رفتار فراجناحی

شما فراجناحی هستید و نباید مسائل جناحی و گروهی برای شما مطرح باشد. شما باید فریاد اسلام داشته باشید و هرکس طرف‌دار اسلام است از حمایت شما برخوردار شود و هر که خدای نخواستہ مخالف اسلام باشد، شما با او مخالفت کنید.

به خدا سوگند، هر قدر اختلافات جناحی و گروهی وسیع‌تر و دامنه‌دارتر شود، ضربه بر انقلاب و اسلام وارد می‌شود. من و شما باید هر چه می‌توانیم اختلافات را کمتر و جاذبه انقلاب را بیشتر کنیم. البته غرض یکسان کردن سلیقه‌ها نیست که امر غیرممکنی است. مردم همگی به شما اقتدا می‌کنند. لذا شما باید از گرایش به جناح‌ها پرهیز کنید. مکتب شما فراتر از این حرف‌هاست. نباید با تمایلات جناحی شما مردمی که به شما اقتدا می‌کنند از شما متنفر شوند.^۲

آشنایی با زبانهای مورد نیاز دنیا

شرایط زمانی اقتضا می‌کند طلاب با زبانهای مورد نیاز دنیا آشنا شوند. شورای عالی سعی کند طوری برنامه‌ریزی کند که طلاب به دو زبان مهم عربی و انگلیسی مسلط شوند.^۳

حفظ ایران به صورت شیعه ناب

روحانیون باید تمام تلاش و همت خود را به کار گیرند که ایران به صورت یک کشور

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۲/۱۵، ویژه‌نامه شاخه‌ای از شجره طوبی، ص ۷.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۹/۹/۳.

۳. افق حوزه، ۱۳۸۶/۱/۲۹.

شیعه ناب در جهان باقی بماند و پیشرفت کند.^۱

ترویج فرهنگ عاشورا

امام حسین(ع) در زمان خود و بعد از معاویه ملاحظه فرمود که با حکومت یزید اساس اسلام از بین خواهد رفت و باید با شهادت خویش و اصحاب و اسارت اهل بیت، مسئولیت خود را نسبت به حفظ و بقای دین اسلام ادا نماید. درس بزرگ ما از عاشورا آن است که همه ما نسبت به حفظ دین و بقای آن در جامعه مسئولیم. باید روحانیت محترم و مبلغان، درسهای بزرگ عاشورا را برای مردم بیان نمایند. امام خمینی با سرمشق قرار دادن عاشورا توانست این نهضت عظیم را برپا نماید. قیام حضرت امام و انقلاب اسلامی برگرفته از قیام سالار شهیدان و درسی از درسهای آن حضرت است.^۲

پذیرش مسند قضاوت

حال که بحمدالله حکومت اسلامی بر مبنای مذهب تشیع در این مملکت ایجاد شده، آیا می‌توان گفت: نیازمند به قضاوت و قاضی دارای شرایط نیست؟ آیا می‌توان گفت: در این حکومت هرکس می‌تواند بر این مسند مهم بنشیند و عرض و مال و آبروی مردم در اختیار او باشد؟ روشن است که باید افراد با صلاحیت و دارای شرایط، این مسئولیت را بپذیرند. امروز لازم است که روحانیون دارای شرایط، مسئولیت مهم قضا را عهده‌دار شوند و اجتناب از این امر برای چنین اشخاصی جایز نیست. کسانی که احساس می‌کنند مفید برای تشکیلات قضایی هستند، به عنوان خدمت به اسلام و تشیع این مسئولیت را بپذیرند.^۳

امر به معروف و نهی از منکر

باید روحانیت محترم و مبلغان، مسئله امر به معروف و نهی از منکر را که مهم‌ترین دستگاه نظارتی و قوی‌ترین نهاد نظارتی است، تقویت کنند. در اسلام با توجه به این فریضه مهم، مرد نسبت به زن و بالعکس و انسان نسبت به جامعه و همه اقشار نسبت به

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۱/۱۲/۶.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۳/۱۱/۱۵.

۳. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۱/۱۰/۲۹.

یکدیگر مسئولند و باید همه تلاش کنیم تا این فریضه در جامعه ما احیا شود.^۱

پیوند بین مردم و روحانیت

تحکیم پیوندهای عمیق و سنتی بین مردم و روحانیت می‌تواند بخشی از تلاشهای دشمنان را خنثی کند. اگر خدای نخواست به این ارتباط خدشه‌ای وارد شود، ما در قبال تحرکات دشمنان نمی‌توانیم به خوبی دفاع کنیم.^۲

یکی از هدفهای عمده دشمنان این است که چهره منفوری از روحانیت در جامعه نشان دهند. هدف دشمنان از این تلاش مذبوحانه این است که می‌خواهند از این طریق ماهیت اسلام و انقلاب را از بین ببرند.^۳

نظام آموزشی حوزه

گاه آیت‌الله فاضل در ضمن سخنان خود به بایستگیهای نظام آموزشی حوزه اشاره کرده است. در اینجا به ذکر آن بخش از سخنان ایشان در کتاب *نظام آموزشی حوزه از نگاه عالمان*^۴ بسنده می‌کنیم:

تعویض کتابها با متونی ساده‌تر

بعضی از کتابهای ما وقت طلبه را بیش از حد می‌گیرد و حال آنکه اگر به یک کتاب سلیس و روان تبدیل شود، طلبه می‌تواند همان مطالب را بدون صرف وقت اضافی درک کند. البته مقصودم - العیاذ بالله - اهانت به تألیف کسی نیست؛ ولی فرض کنید یک عده‌ای بنشینند منظومه حکمت مرحوم سبزواری را با همین مطالب و در همین دویست، سیصد صفحه، بدون آنکه دارای شعر، شرح یا حاشیه باشد و بدون آنکه مثلاً برای حل مشکلاتش در فلان مسئله نیاز به کتاب سیبویه باشد، به صورتی روان و سلیس بنویسند و طلبه قادر باشد در مدتی کوتاه، مجموعه‌ای از فلسفه را بیاموزد.

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۳/۱۱/۱۵.

۲. رسالت، ۱۳۷۱/۱۰/۲۶.

۳. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۲/۳/۸.

۴. نظام آموزشی حوزه از نگاه عالمان، ص ۱۷۱ - ۱۷۳.

مقصودم این است که برای هر رشته‌ای و هر قسمتی از کتابها، عده‌ای متخصص انتخاب شوند و کتابهایی را تهیه نموده و در اختیار فضلا قرار دهند تا با تبادل نظر و حک و اصلاح و پس از تصویب در اختیار طلبه‌ها قرار داده شود و بگویند: این کتاب به جای آن کتاب.^۱

اخلاق در حوزه

مسئله اخلاق را برای طلبه‌ها مسئله کوچکی فرض نکنید. یادم نمی‌رود در آن دوران که در شورای مدیریت بودیم، هر وقت خدمت امام بزرگوار می‌رسیدیم، ایشان روی مسئله اخلاق بسیار تأکید می‌کردند. گاهی سؤال می‌کردند: چند جلسه اخلاق دارید؟ چه کسانی در حوزه درس اخلاق می‌گویند؟ چه کسانی صلاحیت دارند؟ و گاهی بعضیها را برای تدریس معرفی می‌کردند.

اخلاق یک مسئله مهم است. در اخلاق دو چیز نقش دارد: یکی تربیت قولی، بحث، موعظه، نصیحت و بیان حال بزرگان و شخصیت‌های علمی ما در طول تاریخ است و انصافاً زندگی‌نامه هر کدامشان برای طلبه یک درس مهم است. مطلب دیگر، تربیت عملی طلاب، از طرف مسئولان، مدیران و اساتید حوزه‌هاست.^۲

مسئولان و مدیران و اساتید هر حوزه، باید با اخلاق و رفتار خود برای طلاب الگو و سرمشق باشند. تربیت عملی به مراتب از تربیت قولی نافذتر و مؤثرتر است. امام صادق(ع) می‌فرماید: «کونوا دعاة للناس بغير ألسنتکم»، دعوت به غیر السن مؤثرتر و نافذتر است. ما که مسئولیت تربیت طلاب جوان را برعهده داریم، باید عملاً در روح آنان اثر بگذاریم. منزل امام را در جماران دیدید. این است معنای «المؤمن ينظر بنور الله».^۳

بازنگری در نظام آموزشی با حفظ فقه سنتی

بحث و پیشنهاد اصلاح در باره نظام آموزشی، معنایش این نیست که کتاب جوهر را

۱. نشست مقدماتی اجلاسیه بررسی نظام آموزشی حوزه، ص ۱۰ - ۱۱.

۲. نشست مقدماتی اجلاسیه بررسی نظام آموزشی حوزه، ص ۱۱.

۳. پیام حوزه، ش ۹، ص ۹.

زیر پا بگذاریم. کتاب جواهر تا آن لحظه‌ای که یک روحانی نفس می‌کشد، مورد احتیاج است. لذا بعضی از روشن‌فکری‌ها که معنایش کنار گذاشتن فقهی است که از مشایخ و بزرگان گرفته‌ایم، فکر غلط و غیر صحیحی است. بازنگری در نظام آموزشی، باید با حفظ اصالت فقه سنتی و فقه جواهری باشد.^۱

درس تفسیر

در نظام جدید، تفسیر را در متن کتابهای درسی قرار بدهیم. اکنون تفسیر از دروس عمومی حوزه است؛ اما این کفایت نمی‌کند. البته تفسیر همانند فقه و اصول است. در همان روز اولی که طلاب مقدمات می‌خوانند، نمی‌توانند تفسیر هم بخوانند؛ اما بعد از شرح *لمعه* چرا تفسیر نباشد؟

تفسیر مراتبی دارد: تفسیر آسان داریم، تفسیر نیمه مشکل، تا می‌رسیم به خارج تفسیر. خارج تفسیر به مراتب از خارج فقه و اصول مشکل‌تر است. لذا خارج تفسیر از نظر علمی، حتی دقیق‌تر و جالب‌تر و شیرین‌تر است. پس تفسیر باید یک کتاب درسی اصلی باشد.^۲

تدوین کتابهای درسی به دست متخصصان

برای تغییر هر کتابی باید افراد متخصص در آن فن بنشینند و با دقت و احتیاط و وسواس و با توجه به کتابهای روز، مخصوصاً در مباحث صرف و نحو و معانی و بیان و... کتابهای ارزنده‌ای انتخاب کنند و در ضمن سعی کنند مثالها و تمرینها همه از قرآن و حدیث و *نهج البلاغه* باشد. چرا مثال و تمرین کتابهای درسی، شعرهای جاهلیت باشد؟ با داشتن قرآن چه نیازی به این اشعار است؟ ما *نهج البلاغه* داریم که حریریه‌ها از ترجمه آن ناتوانند. چه نیازی داریم به *مقامات* حریری؟ از همان قدم اول (صرف و نحو) ارتباط با قرآن و *نهج البلاغه* و احادیث زیاد شود.^۳

۱. پیام حوزه، ش ۹، ص ۲۶.

۲. پیام حوزه، ش ۹، ص ۲۷.

۳. پیام حوزه، ش ۹، ص ۲۸.

مختصر و روان بودن کتابهای درسی

کتابهای ما خیلی وقت طلبه را می‌گیرد؛ در حالی که این کتابها اگر تبدیل به کتابهایی سلیس و روان شود، طلبه همان مطالب را در زمانی کوتاه‌تر درک می‌کند. پس باید کتاب درسی مطالبش روان باشد؛ مثلاً طلبه باید در مدت کوتاهی مجموعه‌ای از فلسفه را بتواند بیاموزد. علاوه بر اینها، کتابهایی که اهل خیره و متخصصان فن تدوین کرده‌اند، قبل از جایگزینی، در معرض اشکال و نقد فضلا قرار گیرد و با تبادل نظر حک و اصلاح شود. بعد از آنکه مورد تصویب قرار گرفت، در اختیار طلاب قرار داده شود.^۱

۱۳۲ کارنامه زندگی

سجایای اخلاقی

گاه در مورد بزرگان دین، رفتارهایی سراغ داریم که زمینه‌ساز آنها یک عمر تهذیب نفس بوده است؛ هرچند از زندگی آنان آگاهی چندانی نداشته باشیم. برای مثال تأیید مرجعیت امام خمینی در بیانیه‌ای علنی، که بی‌تردید مجازاتهای سنگین به دنبال داشت، نتیجهٔ سالها تهذیب نفس و ذوب در اسلام و اخلاص بالا بود. امضای آن بیانیه به معنای پشت پا زدن به همهٔ مادیات و دنیا بود.

حضرت آیت‌الله العظمی فاضل از جمله مراجعی بود که اموال فراوان به بی‌تشر سرزیر می‌شد؛ به گونه‌ای که در اواخر حیات ایشان ماهیانه یک میلیارد و دویست میلیون تومان (تقریباً معادل هشت هزار سکه طلا) برای شهریهٔ طلاب و مراکز فرهنگی هزینه می‌کرد. از سوی دیگر، ایشان همواره با بیماریهای سخت، دست و پنجه نرم می‌کرد. در عین حال وقتی یکی از پزشکان برای ایشان قرصهایی با قیمت بالا تجویز کرد، با ناراحتی فرموده بود: اگر یک طلبه چنین کسالتی داشته باشد، می‌تواند این قرص را بخرد؟ در حالی او از مصرف قرصها صرف نظر کرد که بیش از ده توجیه شرعی و عرفی و به ظاهر عقلی برای مصرف آنها وجود داشت.

اینکه زندگی شخص، پیش از مرجعیت و پس از آن و با آن موقعیت ممتاز، هیچ تفاوتی نکند و پس از ارتحال هیچ مال شخصی برجا نگذارد، امر کوچکی نیست.

اخلاص

دوری از تظاهر، یکی از روحیات ارزندهٔ آیت‌الله فاضل بود که از اخلاص و ظرفیت بالا حکایت داشت. گذشته از اینکه نگارنده، در درس معظم‌له شرکت می‌کرد و از ایشان هیچ

اشاره‌ای از سوابق علمی و معنوی خود ننشید، از چند تن از شاگردان دیگر ایشان نیز در این مورد پرسیدم و آنان نیز چیزی از معظّم‌له نشنیده بودند. بله، گاهی ایشان از سوابق علمی خود گفته است و معمولاً این موارد در مصاحبه‌هایی است که از ایشان خواسته‌اند تا از زندگی شخصی خود بگویند.

آیت‌الله سید محمد بجنوردی پس از بیان گوشه‌ای از عبادات معظّم‌له می‌گوید:
«در عین حال هیچ‌گاه تظاهر نمی‌کرد و معروف هم نبود که ایشان خیلی اهل تهجّد هستند. ایشان به عنوان شخص باسواد و ملا معروف بود؛ اما جنبه تهجّد ایشان معروف نبود و علتش این بود که اهل تظاهر نبود. فقط رفقای خصوصی از این مطالب آگاه بودند.»^۱
دیگر از نشانه‌های اخلاص ایشان آن است که هنگام ثبت مرکز فقهی ائمه اطهار (ع) اطرافیان، عنوان «مرکز فقهی آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی» را مطرح کردند؛ اما معظّم‌له بدون تأمل آن را نپذیرفت و عنوان «ائمه اطهار» را ترجیح داد.

از سوی ایشان گروه‌هایی پس از دیدن آموزشهای لازم، به مناطق محروم مانند سیستان و بلوچستان در مناسبت‌های ماه مبارک رمضان، محرم و فاطمیه اعزام می‌شدند تا از عقاید و باورهای مردم در برابر هجوم افکار انحرافی مانند وهابیت دفاع کنند. این افراد وقتی خدمت ایشان می‌رسیدند، می‌فرمود: «شما به عنوان من نروید؛ برای تبلیغ من نروید؛ اصلاً حق ندارید اسم مرا به زبان بیاورید؛ فقط برای حفظ مکتب شیعه بروید.» وقتی مسئولان بعثه ایشان می‌خواستند به حج بروند، به آنها فرمود: «مردم نظر هر مرجع محترمی را از شما پرسیدند و بلد بودید، شرعاً باید پاسخ دهید. شما برای خدمت به حجاج و روحانیون می‌روید؛ نه فقط برای بیان نظریات من.»

چاپ رساله ایشان در سالهای اخیر به بیش از ۱۵۰ نوبت رسید و هر بار در تیراژ ده هزار و بیست هزار منتشر می‌شد و حتی انتشاراتیها درخواست چاپ می‌کردند؛ اما با

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۲/۱۳، ویژه‌نامه شاخه‌ای از شجره طویی، ص ۹.

تقاضای آنها موافقت نمی‌شد. ایشان در این سالها، یک بار هم سؤال نکرد که: رساله من چقدر چاپ شده و چه کسی از ما تبلیغ می‌کند؟ به این امور خیلی بی‌توجه بود.^۱

تهجد

آیت‌الله سید محمد بجنوردی که در مسافرتهاى متعدّد با آیت‌الله فاضل بود و از اخلاق شخصی و علمیت ایشان آگاهی دارد، می‌گوید:

«ایشان اهل تهجد و خیلی مقید به نماز شب است. نماز جعفر طیار را با کیفیت مخصوص می‌خواند. البته با توجه به روایتی که برای تداخل نماز جعفر طیار در نماز شب فضیلت زیادی را بیان کرده، ایشان چهار رکعت نماز جعفر طیار را در ضمن نماز شب به جا می‌آورد.»^۲

ساده‌زیستی

همواره سعی داشت به زندگی ساده در سطح دیگر طلاب بسنده کند. تا سالیان دراز پس از تأهل و حتی زمانی که پنج فرزند داشت، در دو اتاق از منزل پدری زندگی می‌کرد. تا اینکه پدر همسر ایشان، خانه‌ای در خیابان ۱۹ دی خرید و در اختیارشان قرار داد و آیت‌الله فاضل محل زندگی را به آنجا انتقال داد.^۳

اگر اهل خانه در امور معمولی منزل چیزی تهیه می‌کردند که به نظر ایشان لازم نبود و با زندگی ساده تنافی داشت، به شدت اعتراض می‌کرد. در جلسه درس به شاگردان، به داشتن زندگی ساده سفارش می‌کرد و بر این باور بود که اگر روحانیت، آلوده به مادیات شود، در اعتقادات مردم تأثیر می‌گذارد:

«برادران، اگر یک روز قدرتی به دستمان آمد سعی کنیم زندگی طلبگی را تغییر ندهیم. زندگی می‌گذرد و آنچه باقی می‌ماند، عقاید مردم است که حفظ عقاید مردم را من و شما

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۶/۵/۳، ویژه‌نامه اسوه فقاهت و مرجعیت، ص ۶ - ۷، مصاحبه حجت‌الاسلام محمدجواد فاضل.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۲/۱۳، ویژه‌نامه شاخه‌ای از شجره طوبی، ص ۹.

۳. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۲/۱۵، ویژه‌نامه شاخه‌ای از شجره طوبی، ص ۷، مصاحبه حجت‌الاسلام محمدجواد فاضل.

به عهده داریم. زندگانی ما با مردم عادی فرق می‌کند. روحانی نباید زندگی طلبگی را از دست بدهد. او باید عملاً مبلغ اسلام باشد. باید عملاً مروج روحانیت باشد و باید عملاً عقاید مردم را حفظ کند. ما موظف به حفظ عقاید مردم هستیم. انحراف ما با انحراف مردم متفاوت است. انحراف مردم شخصی است؛ لیکن انحراف ما موجب انحراف مردم است و در نتیجه پاسخ‌گوی خداوند تبارک و تعالی نخواهیم بود.^۱

پس از مرجعیت به ساده‌زیستی بیشتر اهمیت می‌داد. زندگی ایشان پایین‌تر از حد متوسط جامعه بود. با آنکه منزل، ملک همسرشان بود، اجازه نمی‌داد به اندازه قیمت فروش همان منزل، تبدیل به احسن یا تعمیر شود. در دوران مرجعیت، شخصی از ایشان خواست با هزینه خودش که سهم امام هم نبود، خانه‌ای مناسب برای معظّم‌له تهیه کند تا با این حال مریض در آن کمی راحت باشد؛ اما ایشان فرموده بود: «شما مگر نمی‌خواهید با این کار مرا خوشحال کنید؟ اجازه بده من این پول را برای شهریه طلبه‌ها مصرف کنم و همین منزل برایم کافی است.» همین کار را کرد و آن را صرف شهریه کرد.^۲

قبل از مرجعیت تابستانها عباي خاشيه که متعارف هم هست، استفاده می‌کرد، ولی در دوران مرجعیت به هیچ وجه از عباي خاشيه استفاده نمی‌کرد؛ با اینکه در آن دوران هم معمولاً چنین عباي برای او هدیه می‌آوردند. یک بار فرزند ایشان عرض کرده بود: خودمان نمی‌خریم بلکه برای شما هدیه می‌آورند؛ چرا استفاده نمی‌کنید؟ فرموده بود: نمی‌توانم تحمل کنم طلبه‌ای که در ضروریات اولیة زندگی خودش و زن و بچه‌اش مانده و مشکل دارد، مرا که مسئول و بزرگ‌تر او هستم، با عباي صد هزار تومانی ببیند. نگفت: او می‌رود و اعتراض می‌کند؛ بلکه فرمود: من نمی‌توانم تحمل کنم.^۳

در دوران مرجعیت یعنی در زمان کهولت و با وجود بیماریهای متعدّد، آب و هوای نامساعد را تحمل می‌کرد و حاضر به ترک قم و سکونت موقت در مناطق خوش آب و هوا

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۷/۳/۱۲.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۶/۵/۳، ویژه‌نامه اسوه قفاهت و مرجعیت، ص ۶.

۳. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۶/۵/۳، ویژه‌نامه اسوه قفاهت و مرجعیت، ص ۷.

نشد؛ مگر چند روزی برای زیارت امام رضا(ع) به مشهد مقدس سفر می‌کرد. ایشان در این مورد می‌فرمود: وقتی می‌بینم طلبه‌ها در قم در زیرزمین منازل و اتاق تنگ و تاریک و در فضای محدود زندگی می‌کنند، دیگر آرامش ندارم تا به فکر راحتی خودم باشم و به آن مناطق بروم.

حجت‌الاسلام محمدجواد فاضل می‌گوید:

«ایشان در زمان مرجعیت به ما فرمودند: عباى تابستانی معمولی برایم تهیه کنید، نه از جنس خیلی خوب و گران‌قیمت، تا طلبه‌ها وقتی مرا می‌بینند تحمل سختی و تنگ‌دستی برایشان خیلی دشوار نباشد. والدۀ ما یک وقت تشخیص دادند پرده‌ای برای منزل لازم است و آن را تهیه کردند؛ اما والد بزرگوار فرمودند: همین الآن کسی بیاید و این پرده را بردارد. والدۀ به ما متوسّل شدند تا ایشان را قانع کنیم که این پرده لازم است.»^۱

جالب آنکه در عین دوری از تجملات، هیچ‌گاه تظاهر به ساده‌زیستی نمی‌کرد و زندگی بی‌آلایش خود را به رخ دیگران نمی‌کشید؛ چراکه قالب وجودی‌اش این‌گونه بود که این امور در نظرشان ارزش ذاتی نداشت. در عین حال معظّم‌له برای بهبودی وضع معیشت طلاب تلاش فراوان می‌کرد و بسیاری، از طریق ایشان صاحب منزل شدند یا امکانات زندگی برایشان فراهم شد.

آیت‌الله نورمفیدی - همسر خواهر آیت‌الله فاضل - می‌گوید:

«سادگی در روش زندگی ایشان واقعاً قابل توجه است. ایشان در زندگی خصوصی خیلی بی‌آلایش است. بنده چهل سال است با بیت آیت‌الله فاضل وصلت کرده‌ام. در طول این مدت، زندگی داخلی ایشان را خیلی ساده و بی‌آلایش و فارغ از همه تشریفات دیده‌ام. مثل انسانهای معمولی زندگی می‌کند و تعلق به چیزهای دنیوی مثل املاک و خانه و امثال آنها ندارد.»^۲

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۲/۱۵، ویژه‌نامه شاخه‌ای از شجره طوبی، ص ۷.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۲/۱۵، ویژه‌نامه شاخه‌ای از شجره طوبی، ص ۹.

حجت‌الاسلام مسیح مهاجری خاطره‌ای را نقل می‌کند که حکایت از زندگی بی‌آلایش ایشان دارد:

«یک شب که برای زیارت ایشان عازم منزلشان بودم، به اشتباه وارد خانه مجاور شدم. جالب آنکه هنگام ورود و تا رسیدن به اتاق پذیرایی آن خانه تا چشمم به مرد و زن صاحب‌خانه نیفتاد، متوجه اشتباهم نشدم؛ زیرا میان آن خانه و خانه مرجع بزرگ تقلید در مجاورت آن، از نظر ساخت و ساز و ملزومات و امکانات موجود در آن، فرقی وجود نداشت. از قضا صاحب‌خانه‌ها پدر و مادر شهید بودند. وقتی متوجه ماجرا شدم، از فرصت استفاده کردم و لحظاتی در خدمت آنها ماندم و با آنها هم‌صحبت شدم و سپس به خانه مجاور رفتم. این صحنه و همسانی این دو خانه و عظمتی که از معنویت و ساده‌زیستی این مرجع بزرگ در آن واقعه در ذهنم نقش بست، هرگز محو نمی‌شود.»^۱

در زمان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، گاهی عراق به مدت یکی، دو هفته پی در پی شهرهای ایران را بمباران می‌کرد. بسیاری در این ایام، شهرها را ترک می‌کردند و به جاهای امن مانند روستاها می‌رفتند و امکانات بسیاری از مردم اجازه ترک شهر را نمی‌داد. در این ایام آیت‌الله فاضل هیچ‌گاه از قم خارج نشد. ظاهراً یکی از دلایل آن بود که می‌خواست زندگی خود را در سطح عموم مردم نگه دارد. حجت‌الاسلام سید عباس میری، که در آن زمان در درس معظم‌له شرکت می‌کرده است، می‌گوید: در ایام بمباران، هیچ‌گاه ایشان درس را تعطیل نکرد و حتی یک بار در وسط درس، موشکی با صدای مهیب به قم اصابت کرد و ایشان در همان آرامش بود و در چهره او هیچ تغییری به وجود نیامد.

آیت‌الله بجنوردی در زمان مرجعیت معظم‌له گفته است:

«آیت‌الله فاضل واقعاً روحیه طلبگی دارد. من از گذشته با ایشان مرتبط بودم و با توجه به نسبت سببی میان ما، با ایشان رفت و آمد دارم و کاملاً از زندگی داخلی ایشان باخبرم. در حال حاضر نیز زندگی ساده دارد و پس از مرجعیت تغییری پیدا نکرد. همسر و فرزندان ایشان زندگی خیلی ساده دارند. این آبروی شیعه است؛ چون اگر بنا باشد یک مرجع زندگی

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۶/۵/۳، ویژه‌نامه اسوه فقاہت و مرجعیت، ص ۴.

تشریفاتى داشته باشد، تمام زحمات هزار سالهٔ مراجع قبلى ما از بين مى‌رود. حضرت امام هم روى ساده‌زیستى علما خيلى حساس بود.»^۱

آيت‌الله فاضل در حالى از دنيا رفت كه زمين يا خانه يا ملك ديگرى از خود به جا نگذاشت. گذشت كه منزل واقع در خيابان ۱۹ دى به همسر ايشان تعلق داشت و دفتر ايشان در جوار بازار، خانهٔ پدر آيت‌الله فاضل بود كه به همهٔ فرزندان به ارث رسيده بود و بقيهٔ وارثان، سهم خود را به آيت‌الله فاضل واگذار کرده بودند. ايشان خانه را توسعه داد و همه را يکجا وقف عزادارى سيدالشهدا کرد.^۲

معتقد بود: «اهل علم بايد زندگى ساده و طلبگى داشته باشد و از اسراف و گرانش به تجملات بپرهيزد. اسراف و خروج از زىٔ طلبگى چه از سهم امام باشد و چه از مال شخصى نادرست و غير جايز است.»^۳

يکى از مقلدان پيشنهاد داد كه هر ساله هزينهٔ زندگى شخصى ايشان را تأمين کند. ايشان گفته بود: «از وقتى به دنيا آمدم، سر سفرهٔ امام زمان(ع) بودم و معتقدم اگر يک طلبه به مقدار انتظار، براى دين قدمى بردارد، براى وى هيچ مالى حلال تر از سهم امام نيست.»
حجت‌الاسلام محمدجواد فاضل مى‌گويد: «به ياد ندارم كه در عمرشان يک سفر تفریحى ابتدائى رفته باشند؛ ولى مقيد بودند كه هر تابستان يک سفر به مشهد رضوى مشرف بشوند.»

زمانى رعايت اين همه ساده‌زیستى، بيشتر جلب توجه مى‌کند كه وجوه شرعى فراوان كه به دستش مى‌رسيد و تأمين شهریهٔ طلاب سيصد حوزهٔ علمیهٔ کشور و ادارهٔ مرکز فقهى (در قم، مشهد، افغانستان، سوریه و دفتر مسکو) را در نظر بگيريم. در اواخر حيات،

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۲/۱۳، ویژه‌نامهٔ شاخه‌ای از شجرهٔ طوبی، ص ۹.

۲. در خور ذکر است علت اينکه آيت‌الله فاضل ملكى را از خود براى وارثان نگذاشت اين بود كه آنها به اندازهٔ تأمين نيازشان از اموال برخوردار بودند و الا بى‌بهره گذاردن وارثان در حال نياز، خلاف اخلاق پسندیده است.

۳. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۲/۱۵، ویژه‌نامهٔ شاخه‌ای از شجرهٔ طوبی، ص ۷، مصاحبهٔ حجت‌الاسلام محمدجواد فاضل.

در هر ماه حدود یک میلیارد و دویست میلیون تومان صرف هزینه‌های مذکور می‌کرد.^۱

تواضع

آیت‌الله نورمفیدی در زمان حیات آن مرجع فقید از تواضع او گفته است:
«ایشان دارای شرح صدر و تواضع فوق‌العاده هستند. واقعاً انسان تا وقتی با ایشان است، احساس حجاب نمی‌کند. انسان وقتی که با بعضی از بزرگان می‌نشیند، احساس می‌کند یک نوع حجاب و حریمی در بین است که باید رعایت شود و هرگز احساس خودمانی نمی‌کند.»^۲

آیت‌الله رضا استادی که سالیان دراز با آیت‌الله فاضل ارتباط داشته است، از تواضع ایشان می‌گوید:

«کنار امتیازات علمی حوزوی، تواضع ایشان با طلاب و فضلا و دوستان حتی غیرروحانی، جاذبه خاصی را در ایشان ایجاد کرده بود. تواضع و خاکی بودن یکی از عوامل محبوبیت است؛ اما اگر این تواضع از عالم و مدرس و مجتهدی دیده شود، اثرش چندین برابر است. مجلس و محفل ایشان با دوستانش بسیار شیرین و بانشاط و خالی از هرگونه تکبر و تکلف و خودبزرگ‌بینی بود و همین خصلت خوب باعث شد که معظم‌له اکنون که از مراجع تقلید شیعه هستند، با دوستان و ارادتمندان قدیمی خود گرچه اهل علم و روحانی هم نباشند، همان برخورد آن دوره‌ها را داشته باشند.»^۳

حجت‌الاسلام محمدجواد فاضل خاطرهای را که حکایت از فروتنی والد معظم دارد، نقل می‌کند:

«ایشان روزی به من فرمودند: محمدجواد، ببین مرجعیت چقدر تنزل کرده! عرض کردم:

۱. نظر به اینکه ارزش پول همواره در حال کم شدن است، لازم به ذکر است که در اواخر حیات ایشان، ارزش هرسکه حدود ۱۵۰ هزار تومان بود. بنابراین در هرماه، وجوه شرعی‌ای را که پرداخت می‌کرد، معادل حدود هشت هزار سکه می‌شد.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۲/۱۵، ویژه‌نامه شاخه‌ای از شجره طوبی، ص ۹.

۳. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۲/۱۵، ویژه‌نامه شاخه‌ای از شجره طوبی، ص ۵.

چرا؟ فرمودند: یک زمانی آقای بروجردی بر مسند مرجعیت می‌نشست؛ امام بر این مسند می‌نشست؛ اما امروز کسی مثل من بر آن نشسته است. این مطلب را خیلی جدی و با ناراحتی می‌گفت. یعنی معتقد به حرف خودش بود؛ نه اینکه تعارف یا شکست نفسی کرده باشند.^۱ بزرگانی در سطح آیت‌الله فاضل معمولاً زیر بار کارهای اجرایی مانند ریاست شورای مدیریت نمی‌روند. قبول چنین مسئولیتی یکی از نشانه‌های تواضع ایشان است.

اخلاق خانوادگی

همیشه به مسائل اخلاقی و تربیتی فرزندان توجه تام داشت و بر امور درسی فرزندان به دقت نظارت و مراقبت می‌کرد. برخوردهای ایشان با فرزندان و همسر گرامی بسیار محبت‌آمیز بود؛ به گونه‌ای که اهل خانه احساس رفاقت و دوستی داشتند؛ نه اینکه ایشان صرفاً پدر باشد و بقیه زیر فرمان او. مسئله مرجعیت اصلاً آن صفا و صمیمیت را تغییر نداد. معظم‌له در امور گوناگون به فرزندان مجال اظهار نظر می‌داد و فرزندان هم کمال ادب و احترام را در برابر ایشان داشتند. فرزندان را از کودکی به نماز اول وقت، قرائت قرآن و نماز جماعت تمرین می‌داد و دیگران هم از حرکت‌های ایشان یاد می‌گرفتند. عاطفه ایشان زبانزد فامیل بود و در جویا شدن از احوال فرزندان و خویشان بسیار دقت داشت. در جلسات با بچه‌ها و فامیل، علاوه بر معنویت حاکم بر جلسه، از صمیمیت خاصی نیز برخوردار بود. آیت‌الله نورمفیدی می‌گوید:

«در نشستهای خانوادگی مثلاً برادرها یا خواهرها که با ایشان هستند، می‌گویند، می‌خندند و شوخی می‌کند. آنان احساس دوری نمی‌کنند و در عین حال برای ایشان احترام و حریم قائلند. این خصوصیت اخلاقی در اصل از امیرالمؤمنین است. نقل شده: ما وقتی در محضر آقا امیرالمؤمنین می‌نشستیم «کأحدنا» مثل یکی از ما است؛ در عین حال منزلت ایشان به شکلی است که «کان علی رؤوسنا الطیر» یعنی جمع بین ضدین.^۲

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۶/۵/۳، ویژه‌نامه اسوه فقاهت و مرجعیت، ص ۶.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۲/۱۵، ویژه‌نامه شاخه‌ای از شجره طوبی، ص ۹.

توجه به مردم

بیت آیت‌الله فاضل در زمان مرجعیت به روی همگان باز بود و همه‌روزه، تعداد فراوان از مستمندان و دردمندان جامعه، به خانۀ ایشان مراجعه می‌کردند و ناامید و دست خالی بر نمی‌گشتند؛ زیرا معظّم‌له به محض تشخیص صداقت و حقانیت شخص، که غالباً تشخیص درست بود، در حد توان و امکانات، مراجعه‌کننده را مورد عنایت قرار می‌داد. حجت‌الاسلام محمدجواد فاضل در این مورد می‌گوید:

«ما واقعاً آنچه از نزدیک می‌دیدیم، این بود که ایشان از خدمت به مردم و ارزش قائل شدن برای مردم غافل نبودند و در مقابلش از مشاهده مشکلات مردم و از نابسامانیها بسیار رنج می‌بردند. یک نامه‌ای را در زمان ریاست جمهوری جناب آقای خاتمی به ایشان نوشتند که محور اصلی آن نامه مشکلات مردم بود و مضمونش این بود که: جناب آقای خاتمی، یک کارمند با این حقوق مختصر، چگونه باید زندگی‌اش را اداره کند؟ در آن زمان جناب آقای خاتمی این نامه را در هیئت دولت خوانده بودند و ناراحتی آیت‌الله فاضل را به وزرای خودشان منتقل کرده بودند مبنی بر اینکه با توجه به ناراحتی مراجع عظام، باید بیشتر در فکر معیشت مردم بود.

همچنین در دوره ریاست جمهوری جناب آقای احمدی‌نژاد هنگامی که خدمت ایشان آمدند، همین نکته را به ایشان تذکر دادند. مهم برای ایشان، جدا از مسائل کلی دین، خدمت به مردم بود و ایشان خودشان را وقف مردم کرده بودند.»^۱

حجت‌الاسلام مسیح مهاجری می‌نویسد:

«روز چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۶ (حدود یک ماه پیش از ارتحال) برای عیادت حضرت آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی به بیمارستان دی تهران رفتم. لحظاتی با ایشان خلوت کردم و ضمن احوال‌پرسی به اظهار نگرانی ایشان از وضع معیشت مردم گوش فرا دادم. روزهای آخر زندگی را سپری می‌کردند و بنیۀ درستی نداشتند؛ اما با تمام وجود از مشکلات مردم می‌گفتند و این جمله را که دو، سه بار تکرار کردند، هنوز در ذهن دارم: فشار گرانیها بر

۱. روزنامه اعتماد ملی، ۱۳۸۶/۸/۱۲، ص ۷.

مردم بسیار زیاد است و من به قدری نگران زندگی مردم هستم که خوابم نمی‌برد. در سالیان مرجعیت ایشان هر وقت به زیارتشان می‌رفتم و در منزل یا دفتر فرصتی برای صحبت از اوضاع جامعه پیش می‌آمد، مهم‌ترین مطلبی که مکرراً از ایشان می‌شنیدم اظهار نگرانی در باره معیشت مردم بود. ایشان از وضع مردم به گونه‌ای سخن می‌گفتند که پیدا بود همواره با طبقات مختلف مردم حشر و نشر دارند و از حال اقشار ضعیف باخبرند.»^۱

صبر

صبر و شکیبایی ایشان در محیط زندگی و ناملایمات و مصائب در محیط زندگی، مایه شگفتی اطرافیان می‌شد. آیت‌الله نورمفیدی می‌گوید: «من گاهی واقعاً صبر ایوبی در ایشان می‌بینم. حتی این مسئله در بخشی از مسائل برای بعضی از نزدیک‌ترین افراد هم بهت‌انگیز است و ایشان هرگز لب به شکوه و شکایت نزد هیچ‌کس نمی‌گشودند.»^۲

احترام به دیگران

هنگام یاد از دیگران از تعابیر بسیار مؤدبانه استفاده می‌کرد. بر فضیلت‌های دیگران بیشتر تأکید داشت و سعی می‌کرد به خطای دیگران بیش از حد توجه نشود تا فضایل تحت‌الشعاع قرار نگیرد. در اوج مرجعیت وقتی طلبه‌ای با ایشان صحبت می‌کرد، احساس می‌کرد با پدر خود صحبت می‌کند. در مجالس روضه در بیت، تا پیش از کسالت، مقید به قیام برای همه واردان به مجلس بود. در زمان کسالت، وقتی صندلی ایشان را در مجلس روضه، بالای مجلس قرار دادند، با ناراحتی فرموده بود: صندلی من باید نزدیک در باشد تا بتوانم به واردین مجلس احترام بگذارم.

در سلام به مردم حتی آنهایی که وارد اتاق می‌شدند، پیش‌قدم می‌شد؛ در حالی که آنها وارد بر ایشان بودند. ادب ایشان با تمام وجود برای همه مشهود بود.

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۶/۵/۳، ویژه‌نامه اسوه قفاهت و مرجعیت، ص ۴.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۲/۱۵، ویژه‌نامه شاخه‌ای از شجره طوبی، ص ۹.

۱۴۴ کارنامه زندگی

در صحنه سیاست

برخورداری از هوش سیاسی، ویژگی مهم حضرت آیت‌الله العظمی فاضل بود. در سایه همین ویژگی، امور سیاسی را از جوانی به خوبی درک می‌کرد. چنین روحیه‌ای تأثیر فراوان در علاقه‌مندی او به امام خمینی گذاشت. ایشان در پاسخ به سؤالی در باره فعالیت سیاسی خویش می‌گوید:

«از همان ابتدا که امام امت مبارزات سیاسی را شروع کردند، ما هم به عنوان اینکه شاگرد ایشان بودیم و به تمام معنا معتقد به ایشان و نظریات و تشخیصات ایشان بودیم از همان اوان به دنبال ایشان قدم به قدم مبارزات سیاسی را شروع کردیم؛ اما مبارزات سیاسی ما فردی نبود، بلکه به صورت یک جامعه‌ای به عنوان جامعه مدرسین بود که از همان هنگام تأسیس به عنوان اینکه در دنبال امام و پیگیری مبارزات امام فعالیت کند، شروع کردیم. لذا در تمامی جهات و حوادث و در تمامی خصوصیات همراه امام بودیم.»^۱

به این صورت آیت‌الله فاضل شجاعانه زیر پرچم آن بزرگ‌مرد علیه ظلم و استکبار به مبارزه پرداخت و خطرها را به جان خرید. وی از سوابق مبارزاتی خود، با افتخار یاد می‌کند: «افتخار دارم از همان روز اول که امام بزرگوارمان مبارزه را شروع کردند، در خدمت ایشان شاگردی کرده و در درس فقه و اصول ایشان شرکت داشته‌ام. روی اعتماد کامل به معنویت و صلاحیت‌های مختلف در ایشان، در حقانیت بینش و مطالبی که می‌گفتند، جای هیچ‌گونه شک و تردیدی نبود. در این زمینه اعلامیه‌های بسیاری داده می‌شد که در اکثر آنها امضای من وجود داشت؛ به طوری که وقتی سازمان امنیت ما را بازداشت کرد، یکی

۱. پیام انقلاب، ش ۹۰، ص ۲۷.

از مهم‌ترین سؤالات این بود که: شما در متجاوز از پنجاه اعلامیه امضا دارید. در جواب آنها گفتیم: همه این امضاها از خود من است. یک وقت فکر نکنید که از امضای من در پای این اعلامیه‌ها تقلید شده است.

این جواب، مأمور امنیتی را بسیار تکان داد؛ زیرا فکر می‌کرد به دست و پا افتاده، اظهار بی‌اطلاعی از این امضاها و ساختگی بودن آنها خواهم کرد. لذا گفت: مسئله بدتر شد. خوب حالا چرا امضا کردید؟

گفتم: خوب حالا شما می‌خواهید بر اساس منطق با من حرف بزنید یا بر مبنای زور می‌خواهید نظرتان را تحمیل کنید؟ کمی فکر کرد و گفت: ما براساس منطق می‌خواهیم با شما حرف بزنیم.

گفتم: در صورتی که حاضر باشید حرف منطقی را بپذیرید، مسئله ما چنین است: آقای به نام آیت‌الله خمینی پیدا شده که مطالبی ارائه داده است. اکنون در مورد ایشان و مطالبش دو نظریه وجود دارد: یکی نظر شما است که او را تحریک شده و از عوامل سیاست خارجی و بازیچه دست اروپا و آمریکا و... می‌دانید و نظریه دوم نظر ما است. ما با توجه به اینکه طلبه هستیم و درس خوانده‌ایم و حداقل به عقیده خودمان چیزی می‌فهمیم و چنین نیست که هرکسی هر ادعایی کرد فوراً زیر بارش برویم، این مرد را شخصیتی الهی شناخته و محرک او را جز احساس مسئولیت شرعی چیزی نمی‌دانیم. به عقیده ما به اندازه سر سوزنی سیاست در کار او دخالت ندارد و هرچه می‌گوید و می‌نویسد و حتی مبارزه او همه برای خدا و اقدام به انجام مسئولیتهای دینی خود است. ما طلاب اصولاً تابع دلیل هستیم. اگر شما مدرک قانع‌کننده برای اثبات نظریه خود توانستید ارائه بدهید، من همین‌جا عقیده شما را در باره او می‌پذیرم.^۱

آیت‌الله بدلا از ارادت آیت‌الله فاضل به حضرت امام چنین یاد می‌کند:

«آقای فاضل لنکرانی از ارادتمندان حضرت امام به حساب می‌آمدند و این ارادت به حدی بود که وقتی امام را دستگیر و تبعید کردند، جلسه مدرسین حوزه علمیه قم تشکیل می‌شد

و این جلسات عمدتاً به اهتمام آقای فاضل تشکیل می‌شد و منشأ برکاتی نیز می‌گردید.^۱ آیت‌الله رضا استادی به خوبی اهمیت مبارزات سیاسی معظّم‌له را نشان داده است: «از روزی که امام امت نهضت خود را شروع کرد، آیت‌الله فاضل وظیفه خود می‌دانست که در راه امام و خواسته‌های او تلاش کند. هر مدرّسی حاضر نبود درس عمومی آنچنانی را فدای نهضت امام کند. افرادی فکر می‌کردند که در پیروی از امام نباید تا آنجا پیش رفت که برایشان ایجاد زحمت کند و از درس و بحث محروم شوند. اما آیت‌الله فاضل زحمات، مشکلات و تبعیدهای بسیار سخت را تحمل کرد و دست از امام و همراهی با او برنداشت. در دوران غربت و تنهایی امام، فداکاری افرادی مانند آیت‌الله فاضل بسیار مؤثر بود. یادم هست برخی علما در آغاز با امام امت همراهی کردند؛ اما ادامه پیدا نکرد و آیت‌الله فاضل از مدرّسان و چهره‌های علمی شناخته شده‌ای بود که در این راه تا پیروزی انقلاب به خدمات و فداکاریهای خود ادامه داد.»^۲

یک نکته

در مبارزات ایشان در دوران جوانی، استفاده از سلاحهای گرم یا همکاری مخفیانه با گروههایی که عملیات مسلحانه برضد رژیم انجام می‌دادند، سراغ نداریم. در ظاهر مبارزات چریکی پرخطرتر است؛ اما باید در نظر داشت که عمده فعالیت‌های معظّم‌له، مانند تأیید مرجعیت حضرت امام و امضای اعلامیه‌های فراوان در اعتراض به رژیم یا برضد حکومت، علنی بود و کسی که دست به چنین فعالیت‌هایی می‌زند، خود را بیشتر در معرض خطر قرار می‌دهد. فضلا و جامعه مدرسین، که هدایت بخش عمده‌ای از قیام را به عهده داشتند، برای تنظیم اعلامیه برضد رژیم، بسیاری از جلساتشان را در منزل ایشان تشکیل می‌دادند و مسلماً چنین جلساتی از چشم ساواک پوشیده نمی‌ماند. مبارزان مسلح که فعالیت‌های مخفیانه داشتند، به گونه‌ای برنامه‌ریزی می‌کردند که

۱. هفتاد سال خاطره از آیت‌الله سید حسین بدلا، ص ۲۲۷ - ۲۲۸.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۲/۱۵، ویژه‌نامه شاخه‌ای از شجره طوبی، ص ۵.

مطمئن شوند، ساواک به آنها دست نیابد و امید زیاد داشتند که از دید ساواک مخفی بمانند؛ هرچند در بسیاری موارد، برنامه‌ریزیهای آنها جواب نمی‌داد و دستگیر می‌شدند. کم نبودند مبارزان مسلحی که حکومت تا پایان نتوانست آنها را شناسایی کند. از این گذشته، معظم‌له و امثال او در حرکت‌های سیاسی خود کاملاً پیرو امام خمینی بودند و حضرت امام به مبارزات مسلحانه تمایل نداشت.

در آینه اسناد و مدارک

اسناد برجای مانده از دوران رژیم ستم‌شاهی، گوشه‌ای از فعالیتهای سیاسی ایشان را در مبارزه با طاغوت نشان می‌دهند. پیش از اشاره به مدارک، تذکر چند نکته مناسب است: الف) چه بسا ایشان به جهت رعایت مسائل امنیتی گاه از نام مستعار استفاده می‌کرده و اکنون شناسایی برخی مدارک مبارزه ایشان ممکن نباشد.

ب) بیشتر تلگرافها و پیامهایی که در اینجا ذکر می‌کنیم و مخاطبان آنها افراد خاصی هستند، تکثیر و در جامعه منتشر می‌شده است و ابزاری تبلیغاتی بر ضد رژیم بوده است. ج) اعلامیه‌ها و پیامهایی که در اینجا یاد می‌کنیم و از سوی روحانیون صادر شده، یکی از امضاکنندگان آنها آیت‌الله فاضل است که برای پرهیز از تکرار، تذکر جداگانه در مورد هر کدام ندادیم.

د) به نظر می‌رسد دو اعلامیه، مهم‌ترین و پرخطرترین بیانیه‌هایی بودند که به امضای معظم‌له رسید: یکی بیانیه تأیید مرجعیت امام خمینی در سال ۱۳۴۹ که اهمیت آن به قدری است که یادآور روایت معروف «ضربة علي يوم الخندق أفضل من عبادة الثقلين» است. پس از آن اعلامیه‌ای بود که در آذرماه سال ۱۳۵۷ در خلع شاه صادر شد. بیانیه نخست در شرایطی بود که پایه‌های رژیم طاغوت کاملاً مستحکم بود و تعداد امضاکنندگان اندک بودند. اعلامیه دوم مضمونی تند علیه رژیم داشت و خطرهای زیاد ممکن بود به دنبال داشته باشد؛ اما در زمانی صادر شد که پایه‌های رژیم متزلزل بود.

فعالیت‌های معظم‌له را با توجه به مدارک رسیده، به ترتیب تاریخ پی می‌گیریم:

- در پی بازداشت امام خمینی، عده‌ای از فضایی حوزه علمیه قم در اسفند ۱۳۴۲ طی تلگرافی

به حسن علی منصور - نخست‌وزیر - نسبت به ادامه بازداشت ایشان اعتراض شدید می‌کنند.^۱
- امام خمینی در تاریخ ۱۳۴۳/۴/۵ برای عده‌ای از محصلان حوزه علمیه سخنان محرمانه سیاسی را ایراد می‌کند. از جمله حاضران در این محفل سرّی، آیت‌الله فاضل بوده است.^۲
- در تاریخ ۱۳۴۳/۱۱/۲۹ جمعی از فضلاء حوزه علمیه قم طی نامه‌ای به امیرعباس هویدا - نخست‌وزیر - از اوضاع نابسامان سیاسی کشور ابراز نگرانی می‌کنند و خواستار بازگشت امام خمینی به ایران می‌شوند.^۳
- بازداشت امام خمینی و ناآگاهی از سرنوشت ایشان، سبب نگرانی می‌شود. عده‌ای از فضلا در تاریخ ۱۳۴۴/۱/۱۲ طی تلگرافی به نخست‌وزیر وقت، خواستار اطلاع از وضعیت ایشان می‌شوند. متن تلگراف چنین است:

جناب آقای نخست‌وزیر، تهران

بر اثر بازداشت و عدم اطلاع از مرجع عالی‌قدر حضرت آیت‌الله آقای خمینی و شایعات حاکی از تغییر مکان اقامت ایشان، جامعه روحانیون و عموم مسلمین ناراحت [و] نگرانند. مقتضی است فوراً از وضع حال و محل اقامت ایشان اینجانبان را مستحضر دارید.^۴
- در پی تبعید امام خمینی به نجف اشرف، آیت‌الله فاضل و پدر بزرگوارشان، مشترکاً تلگرافی را برای معظّم‌له ارسال می‌کنند. متن آن چنین است:

نجف

حضرت آیت‌الله العظمی آقای خمینی، دامت برکاته

ورود حضرت عالی و آفازاده محترم به اعتاب مقدسه موجب مسرت: از خداوند توفیق مستلت.

فاضل لنکرانی

محمد فاضل

کوچه تلفنخانه قدیم ۱۳۴۴/۷/۱۸^۵

- عده‌ای از فضلا طی تلگرافی در تاریخ ۱۳۴۴/۷/۱۸ به امام خمینی انتقال ایشان از

۱. اسناد انقلاب اسلامی، ج ۳، ص ۱۰۹ - ۱۱۰.

۲. امام خمینی در آینه اسناد، ج ۳، ص ۲۹۲ - ۲۹۳.

۳. اسناد انقلاب اسلامی، ج ۳، ص ۱۲۸ - ۱۳۰.

۴. امام خمینی در آینه اسناد، ج ۴، ص ۴۱۴ - ۴۱۵؛ اسناد انقلاب اسلامی، ج ۳، ص ۱۶۴.

۵. امام خمینی در آینه اسناد، ج ۵، ص ۲۵۴.

ترکیه به نجف را مایه خرسندی و محرومیت ملت ایران بویژه حوزه علمیه قم را مایه افسردگی دانسته‌اند:

محضر مقدس آیت‌الله العظمی آقای خمینی، دامت برکاته
گرچه انتقال حضرت‌عالی از ترکیه به عراق از این جهت که محیط مناسب‌تری
است مایه خوشوقتی [است] ولی ادامه محرومیت ملت ایران و مخصوصاً حوزه
علمیه قم از افاضات آن مرجع عظیم‌الشأن موجب افسردگی شدید عموم است.
امیدواریم در آینده نزدیک با مراجعت حضرت‌عالی به قم مردم ایران از نعمت
رهبریهای ارزنده آن زعیم عالی‌قدر که موجب مصالح عالیّه عموم اسلام و
مسلمین است، بهره‌مند گردند.^۱

- تعداد زیادی از فضلا و محصلان حوزه، طی نامه‌ای سرگشاده به امام خمینی، ادامه
تبعید ایشان را مایه تأثر و نیز تنفر از رژیم ابراز می‌دارند و برای فداکاری در راه اجرای
منویات ایشان از سوی ملت ایران و حوزه علمیه قم، اعلام می‌کنند. دو نسخه از این نامه
در شهر ری در تاریخ ۱۳۴۴/۸/۲۱ به دست ساواک می‌افتد.^۲

- پس از دستگیری چند تن از روحانیون برجسته حوزه، عده‌ای از فضلا و محصلان
حوزه در فروردین ۱۳۴۵ با ارسال نامه به مراجع عظام در ایران و نجف، این اقدام رژیم را
محکوم می‌کنند و خواهان اقدامات مقتضی می‌شوند.^۳

- هنگامی که آیات: منتظری، ربانی شیرازی و احمد آذری قمی به دست رژیم شاه در
زندان قزل قلعه بازداشت شدند، تلگرافی به امضای جمعی از فضلاء حوزه قم در فروردین
۱۳۴۵ برای آنان تدوین شد و بازداشت را مایه تأثر حضرت ولی عصر (عج) و نگرانی عموم
مسلمانان خصوصاً حوزه علمیه قم دانستند. به دلیل خودداری اداره مخابرات از مخابره
تلگراف، آن را چاپ و پخش کردند.^۴

۱. امام خمینی در آئینه اسناد، ج ۵، ص ۲۶۷ - ۲۶۸. نامه سرگشاده‌ای با همین مضمون در اختیار ساواک بوده که در

تاریخ ۱۳۴۴/۹/۴ به شهربانی قم تحویل می‌شود. (امام در آئینه اسناد به روایت اسناد شهربانی، ج ۳، ص ۲۸۰ - ۲۸۷)

۲. امام خمینی در آئینه اسناد، ج ۵، ص ۳۶۹ - ۳۷۲.

۳. اسناد انقلاب اسلامی، ج ۳، ص ۱۹۵ - ۱۹۸.

۴. رک: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۴، ص ۱۰۶ - ۱۰۷؛ اسناد انقلاب اسلامی، ج ۳، ص ۱۹۹ - ۲۰۰.

- در تاریخ ۱۳۴۶/۶/۲۵ ساواک گزارشی از خانه‌ای بزرگ روبه‌روی مدرسه حجتیه ارائه می‌کند که به امام خمینی واگذار شده است. با توجه به اینکه منزل در دست اطرافیان امام بوده و طلاب هنگام ورود به آن، در را می‌بسته‌اند، به نظر می‌رسد آنجا محفل فعالیت‌های سیاسی علیه رژیم بوده است. طبق این سند، آیت‌الله فاضل در آن خانه درس می‌گفته است.^۱

- در پی ارتحال آیت‌الله سید محسن حکیم، از طرف مدرسین حوزه تلگراف تسلیتی برای امام خمینی تهیه می‌کنند؛ اما از مخابره آن جلوگیری می‌کنند. گویا به دلیل این ممانعت، آن را در تاریخ ۱۳۴۹/۳/۱۷ تکثیر و در شهرهای مختلف توزیع می‌کنند.^۲

- در تاریخ ۱۳۴۹/۳/۱۹ اعلامیه دوازده تن از فضلاء حوزه در مورد مرجعیت امام خمینی به دست ساواک می‌افتد و همان روز از مقامات بالاتر درخواست اجازه دستگیری امضاکنندگان را می‌کنند. امضاکنندگان به ترتیبی که در گزارش ساواک آمده، عبارتند از حضرات آیات: عبدالرحیم ربانی شیرازی، حسینعلی منتظری، حسین نوری، محمد موحد فاضل، غلام‌رضا صلواتی، علی مشکینی، ابوالقاسم خزعلی، نعمت‌الله صالحی، محمد شاه‌آبادی، ابراهیم امینی، یحیی انصاری شیرازی و احمد جنتی. هر کدام از امضاکنندگان با عبارتی جداگانه مرجعیت حضرت امام را تأیید کرده‌اند. عبارت آیت‌الله فاضل چنین است:

بسمه تعالی

صلاحیت علمی و تقوایی حضرت مستطاب آیت‌الله العظمی آقای خمینی - مدّ
ظله العالی - برای مقام شامخ مرجعیت تقلید و حفاظت از حوزه اسلام و حمایت
مسلمین محرز و بدون تردید است.

۴ ربیع الثانی ۱۳۹۰

الأحقر محمد موحدی فاضل^۳

۱. امام خمینی در آینه اسناد، ج ۱۱، ص ۲۲۱ - ۲۲۲.

۲. امام خمینی در آینه اسناد، ج ۱۱، ص ۳۷۶ - ۳۷۷.

۳. امام خمینی در آینه اسناد، ج ۱۱، ص ۳۷۹ - ۳۸۰. در تاریخ ۱۳۴۹/۴/۲۱ این اعلامیه بر دیوار مسجد سلطانی در قزوین نصب بوده که به دست شهربانی این شهر می‌افتد و شهربانی آن را تحویل ساواک قزوین می‌دهد. (ر.ک: امام در آینه اسناد به روایت اسناد شهربانی، ج ۴، ص ۴۸۹ - ۴۹۲)

- در تاریخ ۱۳۵۲/۵/۱۷ ساواک نام ۲۶ تن از فضلا همراه سابقه آنها را به مقامات بالاتر می‌دهد و درخواست تبعید تدریجی آنها از شهر قم را می‌کند. در مورد آیت‌الله فاضل چنین آمده است:

محمد موحدی گیلانی لنکرانی فرزند فاضل در سال ۴۴ نامه‌ای به خمینی نوشته و از انتقال وی به نجف ابراز خرسندی نموده است و در سال ۴۹ به همراه عده‌ای از ایادی خمینی اعلامیه‌ای منتشر و مرجعیت خمینی را تأیید نموده است.^۱

- در دی ماه ۱۳۵۲ش به مناسبت شهادت آیت‌الله حسین غفاری در زندان، اعلامیه‌ای با امضای «جامعه روحانیت مترقی» منتشر می‌شود و در آن شهادت آیت‌الله غفاری و تبعید و زندانی شدن عده‌ای از فضلالی حوزه از جمله آیت‌الله فاضل محکوم می‌شود.^۲

- در تاریخ ۱۳۵۳/۱۲/۲۸ اعلامیه‌ای با امضای «روحانیون حوزه علمیه قم» برگزاری جشنهای ۲۵۰۰ ساله و جنایتهای رژیم و زندانی و تبعید شدن عده‌ای از مدرّسان حوزه از جمله آیت‌الله فاضل محکوم شده است.^۳

- به مناسبت ارتحال آیت‌الله حاج آقا مصطفی خمینی ۴۳ نفر از روحانیون و مدرّسان حوزه علمیه قم تلگرافی را به امام خمینی مخابره می‌کنند. در این تلگراف ضمن ابراز تأثر عمیق و عرض تسلیت، خواهان ادامه یافتن رهبریهای ایشان می‌شوند و آرزوی بازگشت به وطن را می‌کنند.

در تاریخ ۱۳۵۶/۸/۲۲ رئیس ساواک قم، نسخه‌ای از تلگراف را برای مقامات بالاتر ارسال می‌کند.^۴

۱. امام خمینی در *آئینه اسناد*، ج ۱۱، ص ۴۳۹ - ۴۴۳.

۲. *اسناد انقلاب اسلامی*، ج ۴، ص ۲۵۴ - ۲۵۶.

۳. *اسناد انقلاب اسلامی*، ج ۴، ص ۲۷۹ - ۲۸۱.

۴. امام خمینی در *آئینه اسناد*، ج ۶، ص ۶۸ - ۶۹؛ *راز توفان*، یادنامه آیت‌الله سید مصطفی خمینی، ص ۲۳۵ - ۲۳۶.

- مردم تبریز در تاریخ ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ به مناسبت چهلم شهدای قم در ۱۹ دی ۱۳۵۶ قیام کردند و رژیم مردم را به خاک و خون کشید. به این مناسبت جمعی از فضایی حوزه علمیه قم در تاریخ ۱۳۵۶/۱۲/۵ طی اعلامیه‌ای آن جنایت را محکوم کردند.^۱

- سال ۱۳۴۳ در آستانه ماه مبارک رمضان ۳۲ تن از فضلا و مدرسین حوزه علمیه قم، طی نامه‌ای به مراجع وقت، سؤال کرده‌اند: چنانچه از طرف دولت تزییقاتی نسبت به مسائل روز و هدف عالی روحانیت و تجلیل از مقام حضرت آیت‌الله العظمی آقای خمینی - مدّ ظلّه - واقع شود، وظیفه چیست؟

پاسخ آیات: محمدهادی میلانی و شهاب‌الدین مرعشی نجفی در دست است.^۲

- به مناسبت چهلمین روز شهدای ۱۹ دی سال ۱۳۵۶ در قم، تظاهراتی در تبریز برپا شد و عده‌ای کشته و مجروح شدند. به این مناسبت جمعی از فضایی حوزه علمیه قم با صدور اعلامیه‌ای رفتار رژیم را به شدت محکوم کردند.^۳

از آن به بعد در محکومیت و افشای رژیم شاه و تحریک مردم برضد دستگاه حاکم پیامهای متعدّد با امضای عده‌ای از فضایی حوزه خطاب به مردم و شخصیتها صادر می‌شد و آیت‌الله فاضل از جمله امضاکنندگان بود. در اینجا به ذکر تاریخ پیامهایی که به امضای ایشان نیز رسیده، بسنده می‌کنیم:

۱۳۵۷/۱/۱۶؛ ۱۳۵۷/۱/۲۵، اردیبهشت ۱۳۵۷، تیر ۱۳۵۷، ۱۳۵۷/۵/۱۵،^۴

۱. ر.ک: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۴، ص ۱۷۰ - ۱۷۴.

۲. اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۲۷۹ - ۲۸۲.

۳. اسناد انقلاب اسلامی، ج ۳، ص ۲۴۸ - ۲۵۱.

۴. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۴، ص ۱۷۹ - ۱۸۱؛ اسناد انقلاب اسلامی، ج ۳، ص ۲۶۷ - ۲۶۸.

۵. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۴، ص ۱۸۵؛ امام در آینه اسناد به روایت اسناد شهرداری، ج ۵، ص ۴۲۲ - ۴۲۵؛

اسناد انقلاب اسلامی، ج ۳، ص ۲۶۹ - ۲۷۲.

۶. اسناد انقلاب اسلامی، ج ۳، ص ۲۹۱ - ۲۹۲؛ جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۴، ص ۱۹۳.

۷. اسناد انقلاب اسلامی، ج ۳، ص ۳۱۹ - ۳۲۲؛ جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۴، ص ۱۹۸.

۸. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۴، ص ۲۰۱؛ امام خمینی در آینه اسناد، ج ۱۵، ص ۲۶۴ - ۲۶۶.

۱۳۵۷/۵/۸، مرداد ۱۳۵۷، شهریور ۱۳۵۷، ۱۳۵۷/۸/۸، ۱۳۵۷/۹/۱، ۱۳۵۷/۹/۱۰، ۱۳۵۷/۹/۱۰،
 آذر ۱۳۵۷، ۱۳۵۷/۹/۱۸، ۱۳۵۷/۹/۲۱، ۱۳۵۷/۹/۲۵، ۱۳۵۷/۹/۲۹، ۱۳۵۷/۹/۳۰، ۱۳۵۷/۱۰/۶،
 ۱۳۵۷/۱۰/۷، ۱۳۵۷/۱۰/۹، ۱۳۵۷/۱۰/۱۰، ۱۳۵۷/۱۰/۱۰، ۱۳۵۷/۱۰/۱۲، ۱۳۵۷/۱۰/۱۵،
 ۱۳۵۷/۱۰/۱۷، دی ۱۳۵۷.

۱. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۴، ص ۲۱۵.
۲. اسناد انقلاب اسلامی، ج ۳، ص ۳۲۹ - ۳۳۱.
۳. اسناد انقلاب اسلامی، ج ۳، ص ۳۶۸ - ۳۷۱.
۴. اسناد انقلاب اسلامی، ج ۳، ص ۴۱۸ - ۴۲۰؛ جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۴، ص ۲۲۵.
۵. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۴، ص ۲۳۲.
۶. اسناد انقلاب اسلامی، ج ۳، ص ۴۵۱ - ۴۵۲.
۷. اسناد انقلاب اسلامی، ج ۳، ص ۴۷۱ - ۴۷۳ و ص ۴۷۴ - ۴۷۶؛ جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۴، ص ۲۳۹ و ۲۴۲.
۸. اسناد انقلاب اسلامی، ج ۳، ص ۴۷۹ - ۴۸۰؛ جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۴، ص ۲۵۶.
۹. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۴، ص ۲۶۱.
۱۰. اسناد انقلاب اسلامی، ج ۳، ص ۴۸۸ - ۴۹۱؛ امام خمینی در آئینه اسناد، ج ۶، ص ۳۸۸ - ۳۹۱؛ جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۴، ص ۲۶۵.
۱۱. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۴، ص ۲۶۷ - ۲۶۹. این بیانیه از مهم‌ترین و شجاعانه‌ترین بیانیه‌های جامعه مدرسین به شمار می‌رفت. آیت‌الله فاضل در مصاحبه‌ای در این زمینه می‌گوید: «جامعه مدرسین کارهای مهمی انجام داده‌اند که خلع شاه از مهم‌ترین آنها بود، اگرچه من الآن نمی‌توانم موقعیت آن روز را و اینکه این کار در چه شرایطی انجام گرفت، تشریح کنم. پای سند خلع شاه را این برادران امضا کردند و آن طوری که یادم هست، شاید اولین کسی که پای آن را امضا کرد، من خودم بودم.» (نور علم، ش ۳۲، ص ۴۷)
۱۲. اسناد انقلاب اسلامی، ج ۳، ص ۵۰۶ - ۵۰۸.
۱۳. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۴، ص ۲۷۵.
۱۴. اسناد انقلاب اسلامی، ج ۳، ص ۵۱۸ - ۵۲۱؛ جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۴، ص ۲۵۰.
۱۵. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۴، ص ۲۶۹.
۱۶. اسناد انقلاب اسلامی، ج ۳، ص ۵۲۲؛ جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۴، ص ۲۸۱.
۱۷. اسناد انقلاب اسلامی، ج ۳، ص ۵۲۵ - ۵۲۶؛ جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۴، ص ۲۸۲.
۱۸. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۴، ص ۲۸۳.
۱۹. اسناد انقلاب اسلامی، ج ۳، ص ۵۳۲ - ۵۳۴؛ جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۴، ص ۲۸۶.
۲۰. اسناد انقلاب اسلامی، ج ۳، ص ۵۲۸ - ۵۲۹.

تبعید

هنگام درگذشت آیت‌الله سید محسن حکیم (متوفای خرداد ۱۳۴۹ش) از نظر ساواک تا حدی اوضاع سیاسی کشور آرامش پیدا کرده بود و در این زمینه تا حدی خود را موفق می‌دانستند. در آن بحران که تمام دستها تلاش می‌کردند تا مرجعیت امام خمینی مطرح نباشد، دوازده تن از فضایی حوزه کتباً در یک اعلامیه و با عبارتهای جداگانه، مرجعیت حضرت امام را به اطلاع عموم رساندند.

به روشنی معلوم بود که امضای چنین اعلامیه‌ای آینده‌ای پرخطر و عواقبی سخت و خطرناک به دنبال داشت و هرکسی به امضای آن تن نمی‌داد. گذشت که وقتی این اعلامیه در تاریخ ۱۳۴۹/۳/۱۹ به دست ساواک می‌افتد، همان روز از مقامات بالاتر درخواست اجازه دستگیری امضاکنندگان را می‌کنند.

این اقدام تأثیر فراوان در تثبیت مرجعیت امام و تقویت نهضت داشت. رژیم تعدادی از امضاکننده‌ها را به زندان افکند و چند تن را به تبعید فرستاد. آیت‌الله فاضل از جمله تبعیدیها بود. در ابتدا حدود چهار ماه را در بندرلنگه در شرایط سخت گذراند. در این مدت کوتاه چندین کیلو (حدود پانزده کیلو) به صورت غیرمعارف از وزن ایشان کم شد؛ به گونه‌ای که رژیم احساس خطر کرد و او را به یزد انتقال داد. آیت‌الله فاضل از ایام اقامت در بندر لنگه یاد می‌کند:

«نزدیک چهار ماه در بندر لنگه در سواحل جنوب ایران اقامت داشتم. این ایام مصادف با اواسط تابستان همراه شدت گرما و رطوبت غیر قابل تحمل بود و بارها بر جانم احساس خطر کردم.»^۱

اقامت ایشان در یزد بیش از دو سال و نیم طول کشید. به پیشنهاد بزرگانی چون شهید آیت‌الله صدوقی بنا شد درسی را در حوزه آنجا شروع کند؛ اما ساواک اجازه نداد. او در ایام تبعید نیز از امام دست برداشت. خلاصه بخشی از مصاحبه معظم‌له چنین است: در مدت دو سال و نیم تبعید در یزد، تصمیم به شرح *تحریر الوسیله* گرفتیم؛ زیرا در آن روزها کسانی

۱. مقدمه تفصیل الشریعه، ج ۱، ص ۸.

که با مبارزات انقلابی معظم‌له مخالفت داشتند، به منظور ناچیز جلوه دادن شخصیت علمی ایشان به هر وسیله‌ای چنگ می‌زدند و فکر کردم تنها پاسخ محکم و مناسب به چنین جوسازیهای ذهنی و تبلیغات زهرآگین، همان شرح *تحریر الوسیله* است و تنها به وسیله آن می‌توانستیم از شخصیت والای علمی ایشان دفاع کرده ضمن آن خدمت ارزنده‌ای هم در جهت پیشبرد مبارزات و اهداف انقلابی ایشان به عمل آوریم. لذا از سال ۱۳۵۲ شمسی در شهر یزد شروع به کار کردم و در این مدت چهار یا پنج جلد آن را تمام کردم.^۱

تدوین مخفیانه این شرح، به روشنی گویای آن است که این کار، علاوه بر جنبه علمی، بعد سیاسی نیز داشته است. ایشان در جای دیگر در مورد نگارش *تفصیل الشریعه* می‌گوید:

«تحقیقاً اگر ساواک پی می‌برد، مانع این کار می‌شد. آن‌قدر جانب احتیاط را رعایت می‌کردم که حتی مسئولین کتابخانه وزیر یزد علی‌رغم اینکه افرادی بسیار متدین و انقلابی بودند، متوجه نوع کار من - که هرروز حدود چهار ساعت طول می‌کشید - نشدند. تقریباً دو سال و نیم در این کتابخانه مشغول نگارش بخش اعظم کتابها بودم و کسی در آنجا متوجه نشد.»

معظم‌له در مدت اقامت در یزد، برای شناساندن اهداف امام و مقام علمی ایشان به فضایی حوزه آن شهر و مردم، فعالیتهای تأثیرگذار داشت؛ به گونه‌ای که یکی از کسانی بود که جرعه انقلاب را در میان مردم و حوزه یزد زد.

پیش از تبعید بحثی را در روزهای پنج‌شنبه و جمعه داشت. در ایام تبعید یادداشتهای درس را تجدید نظر کرد و به صورت کتاب درآورد و بعد از بازگشت به قم موفق به چاپ آن با عنوان *مدخل التفسیر* شد.

پس از بازگشت به قم، به لحاظ اینکه یکی از اعضای فعال جامعه مدرسین بود، نقش محوری در فعالیتهای آن مقطع جامعه مدرسین داشت و بسیاری از جلسات بلکه بیشتر آنها در بیت معظم‌له تا پیروزی انقلاب برگزار می‌شد.

۱. نور علم، ش ۳۲، شهریور ۱۳۶۸، ص ۲۴.

تحصن در دانشگاه تهران

عده‌ای از علما و انقلابیون در اعتراض به رژیم، به جهت ممانعت از ورود امام به ایران، در مسجد دانشگاه تهران تحصن کردند و ایشان یکی از حاضران در آن تحصن بود. آیت‌الله فاضل در مصاحبه‌ای قضیه تحصن در دانشگاه را بیان می‌کند:

«در آن ایام که امام بنا بود از پاریس تشریف بیاورند و بختیار جلوگیری می‌کرد، ما در تهران در مدرسه علوی بودیم و روی این موضوع خیلی فکر می‌کردیم که چه کنیم. تصمیم آقای مطهری، آقای بهشتی، آقای منتظری، آقای مشکینی و دیگر دوستان بر این شد که یک تحصنی در مسجد دانشگاه انجام بگیرد. این تحصن تصویب شد. صبح مینی‌بوس آوردند و حدود هفده نفر در آن سوار شدند که در رأسشان استاد شهید مطهری بود و دیگر دوستان و بنده هم بودیم. ماشین به سوی دانشگاه حرکت کرد. نزدیک درب دانشگاه مرحوم استاد مطهری پیشنهاد کردند که برای ورود به دانشگاه خوب است تک‌تک وارد شویم؛ چون به حال اجتماع پلیس ممانعت می‌کند. این پیشنهاد پذیرفته شد و ما تک‌تک وارد شدیم؛ البته جلوتر از همه استاد شهید مطهری. بعد از آن به حال اجتماع رفتیم به طرف مسجد دانشگاه جلو درب مسجد یک جمعیتی که نمی‌دانم به چه مناسبتی جمع شده بودند، همان‌جا مرحوم شهید استاد مطهری بالای پله رفت و اعلام کرد که بدانید ما برای ممانعت از آمدن امام به ایران از این لحظه در مسجد دانشگاه متحصن هستیم. بعد وارد مسجد شدیم. از ظاهر مسجد پیدا بود که آن را سالها گرد و غبار پوشانده و بسیار کثیف بود. گفتیم مسجد را تمیز کنند و همان تحصن معروف دانشگاه از همان لحظه شروع شد و کم‌کم تعداد متحصنین اضافه شد تا در یکی، دو روز آخر به جایی رسید که فضای دانشگاه هم ظرفیت مردم را نداشت.

شبه‌ها در اتاقی استراحت می‌کردیم. البته شب اول توأم با تیراندازیها و درگیریهای جلو دانشگاه بود و بعد هم منتقل شد به داخل دانشگاه؛ به طوری که تقریباً همه اطمینان پیدا کردیم که کارمان را همین امشب یکسره خواهند کرد. با اضطراب و ترس در یک اتاق کنار مسجد خوابیدیم.»^۱

۱. پیام انقلاب، ش ۹۱، ص ۳۵ و ۵۱.

پس از پیروزی انقلاب

بعد از پیروزی انقلاب، ریاست دادگاه انقلاب اسلامی در قم به دستور امام خمینی به وی واگذار شد. پس از مدتی کوتاه، برای تکمیل شرح تحریر/الوسیله، از این سمت استعفا داد. آیت‌الله سید محمد بجنوردی می‌گوید:

«سال ۱۳۵۹ به دستور حضرت امام دادگاه عالی در قم تشکیل شد تا بر احکام دادگاههای انقلاب سراسر کشور نظارت کند. کلیه احکام مهم دادگاهها همچون مصادره‌ها و مجازاتهای سنگین، پس از تأیید این دادگاه عالی قابلیت اجرا می‌یافت. اعضای دادگاه عالی عبارت بودند از آیات: فاضل لنکرانی، آذری قمی، مؤمن، معرفت، ابطحی کاشانی و اینجانب که حدود یک سال در قم بودیم و انجام وظیفه می‌کردیم. در واقع این دادگاه نقش دیوان عالی کشور را ایفا می‌کرد.»^۱

در اولین دوره مجلس خبرگان رهبری از سوی جامعه مدرسین در سال ۱۳۶۱ش به مردم استان مرکزی - که قم در آن زمان جزء این استان بود - معرفی شد و پس از کسب اکثریت آراء لازم وارد مجلس خبرگان شد.

معظم‌له شرکت در انتخابات راه، که موجب تقویت نظام می‌شد، واجب شرعی می‌دانست و خود نیز به این واجب عمل می‌کرد.

یکی از برجستگیهای دوران زندگی ایشان، حمایت از جنگ و حضور در جبهه و ترغیب دیگران به حضور در آنجا بود. حجت‌الاسلام محمدجواد فاضل می‌گوید:

«ما را برای حضور در جبهه تشویق می‌کردند. فراموش نمی‌کنم در یکی از دفعاتی که در جبهه، در خط مقدم حضور داشتیم در سپاه فتح، ناگاه خبر شدیم که والد ما در آنجا حضور پیدا کرده و سخنرانی مفصلی برای رزمندگان ایراد کرده‌اند.

بسیج روحانیون را ایشان در حوزه راه‌اندازی کردند و اولین مسئول بسیج روحانی در حوزه نیز ایشان بودند و همیشه تصریح می‌کردند: افتخار می‌کنم که یک بسیجی هستم.»

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۶/۴/۶، ویژه‌نامه میراث‌دار مکتب فقهی امام خمینی، ص ۴.

معظم‌له در زمان جنگ در مصاحبه‌ای چنین فرمود:

«جبهه را نمی‌توان به صورت یک جبهه جنگ معرفی کرد. آنجا یک دریچه‌ای از آخرت است؛ کلاسی است برای خدانشناسی؛ راهی است برای اسلام‌شناسی. دو بار موفق به حضور در جبهه‌ها شدم. اثری که جبهه بر روح من گذاشت و نقشی را که در من ایجاد کرده، بسیار مهم و قابل ملاحظه بود. جبهه را دریچه‌ای به عالم آخرت دیدم و راهی به جهان ابدی یافتم. دیدم افرادی که در جبهه هستند، گانه در یک جهان دیگری زندگی می‌کنند. یک صفا و توجه کاملی بین آنها هست. یک هم‌فکری و هم‌دردی بین آنها هست که گویی هیچ‌کس برای خودش شخصیتی قائل نیست. در کارها، در غذا خوردن، در رفت و آمدها، در تماسها و فعالیتها هرکس هر مقدار آمادگی و توان در اختیار دارد، در راه خدا بذل کرده، بدون اینکه هیچ توجهی به شخصیت و نیت خودش داشته باشد. جداً معتقدم هرکسی لاقلاً برای یکبار لازم است سری به جبهه‌ها بزند و این روح ایمان و صفا و برادری و عشق و علاقه به دفاع از حریم اسلام و شهادت در راه خدا را از این جوانان برومند و ارزنده ببیند تا یک مقدار، در روحش اثر بگذارد.»^۱

حمایت از مقام معظم رهبری

میان آیت‌الله فاضل و مقام معظم رهبری صمیمیتی بالا برقرار بود و این ارتباط به قبل از انقلاب باز می‌گردد. در زمان تبعید آیت‌الله فاضل در یزد، مقام معظم رهبری به دیدار ایشان رفته بود و این آشنایی و ارتباط بعد از انقلاب بیشتر شد. معظم‌له نه تنها در مجلس خبرگان بلکه در مجالس درس، از مقام معظم رهبری به عظمت یاد می‌کرد و به طلاب و فضلا تأکید می‌کرد: «اگرچه امام نیازی به حمایت ما نداشت ولی بر ما لازم بود که از ایشان حمایت کنیم. امروز حمایت از رهبری لازم‌تر و واجب‌تر است.»

بارها در مناسبت‌های مختلف در دیدار با مردم و طلاب و مسئولان بر لزوم تبعیت از

۱. پیام انقلاب، ش ۹۱، ص ۵۱.

مقام معظم رهبری تأکید می‌کرد؛ چراکه قائل به ولایت مطلقه فقیه بود و اعتقاد داشت هیچ کاری بدون نظر ولی فقیه مشروع نیست.

یکی از برنامه‌های هر شب آیت‌الله فاضل خواندن دعا برای سلامتی امام خمینی بود. بعد از ارتحال حضرت امام، خود ایشان به مقام معظم رهبری بارها گفته بود: «من همان برنامه دعایی را که برای امام هر شب داشتم، برای شما نیز دارم.»

از جمله اقدامات درخور توجه آیت‌الله فاضل، آن بود که در تثبیت رهبری حضرت امام و آیت‌الله خامنه‌ای تلاش فراوان کرد. با توجه به اینکه آیت‌الله فاضل در زمان رهبری آیت‌الله خامنه‌ای از موقعیت اجتماعی بالاتر و مؤثرتری برخوردار شد، حمایت‌هایش از آیت‌الله خامنه‌ای بیشتر بود. تا پیش از رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، مقام اجتهاد ایشان برای عده‌ای معلوم نبود. آیت‌الله فاضل از جمله کسانی بود که گواهی کتبی به اجتهاد ایشان داد و موقعیت علمی و رهبری وی بیش از پیش تثبیت شد:

بسمه تعالی

در مورد مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای - دامت برکاته - اشعار می‌دارد که مقام شامخ علمی و اجتهاد و فقاقت معظم‌له جای هیچ‌گونه تردید نیست. اینجانب با توجه به سابقه دیرین با ایشان و اطلاع از مراتب تحصیلی، ادعان به اجتهاد به نحو اطلاق وی دارم. علاوه اشاره و بلکه تصریح امام عظیم‌الشأن - قدس سره الشریف - در موارد متعدد به صلاحیت و شایستگی رهبری ایشان دلیل عمده بر مقام اجتهاد معظم‌له می‌باشد.

قم - حوزه علمیه

محمد فاضل

۷ محرم الحرام ۱۴۱۱ ه. ق.

(۱۳۶۹/۵/۸)

حجت‌الاسلام محمدجواد فاضل می‌گوید:

«یک وقت که در خدمت والد در محضر رهبر معظم انقلاب بودیم یادی شد از آن جلسه روزهای اول ارتحال امام - قدس سره - و مقام معظم رهبری فرمودند: اگر نبود آن

صحبت شما در آن جلسه، شاید این مسئولیت بزرگ را نمی‌پذیرفتم. والد راحل ما در آن جلسه بعد از اینکه معظم‌له از پذیرش این مسئولیت امتناع کرده بودند، به ایشان گفته بودند: امام شما را برای رهبری، صالح تشخیص دادند و کلام امام برای ما حجت شرعی است.»^۱

حجت‌الاسلام مسیح مهاجری نیز از حمایتها از رهبری می‌گوید:

«با برخورداری از روح بلند و آزادمنشی و سوابق مبارزاتی و همراهی با امام بود که آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی به انقلاب و نظام اسلامی عشق می‌ورزید و حمایت از جمهوری اسلامی و شخص رهبری را واجب می‌دانستند. در دوران مرجعیت ایشان و دوران رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای اینجانب بارها از ایشان شنیدم که می‌گفتند: حمایت از رهبری بر همه ما واجب است. ایشان به این گفته و اعتقادشان پایبندی عملی نیز نشان می‌دادند و در شرایط حساس هر وقت احساس نیاز می‌شد، بدون فوت وقت و با قاطعیت وارد صحنه شده، به هر شکل لازم از نظام و رهبری حمایت می‌کردند.»^۲

نظر به ارادت و علاقه مقام معظم رهبری، هنگام سفر به قم، به دیدار معظم‌له می‌رفت و هنگام بستری در بیمارستان، با حضور در بیمارستان، با وی ملاقات می‌کرد. سال ۱۳۶۹ آیت‌الله خامنه‌ای به مناسبت درگذشت والده آیت‌الله فاضل پیام تسلیتی برای ایشان ارسال کرد و نیز به مناسبت درگذشت خواهر ایشان با این پیام تسلیت گفت:

بسم الله الرحمن الرحيم

آیت‌الله جناب آقای فاضل لنکرانی، دامت برکاته

درگذشت مرحومه‌ی مغفوره همشیره‌ی مکرمه را به آن جناب تسلیت عرض می‌کنم و رحمت و مغفرت الهی را برای ایشان و دوام صحت و عافیت جناب‌عالی را از خداوند منان مسئلت می‌نمایم.

والسلام علیکم ورحمة الله

سید علی خامنه‌ای

۱۹ فروردین ۱۳۸۵

۱. افق حوزه، ۱۳۸۶/۵/۳، مصاحبه حجت‌الاسلام محمدجواد فاضل.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۶/۵/۳، ویژه‌نامه اسوه فقاهت و مرجعیت، ص ۴.

مصاحبه‌ها

مصاحبه‌های حضرت آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی مستندترین و بهترین منابع برای آشنایی با شخصیت ایشان هستند. مناسب دانستیم متن کامل آنها را - به ترتیب تاریخ - در پیش روی خوانندگان قرار دهیم.^۱

زندگی علمی و سیاسی^۲

پیام انقلاب: لطفاً از تحصیلات خود بفرمایید.

بسم الله الرحمن الرحيم. من در یک خانواده روحانی زندگی می‌کردم. پدرم یکی از بزرگان حوزه علمیه قم به نام مرحوم مغفور حضرت آیت‌الله فاضل لنکرانی بود که خود ایشان از مهاجرین قفقاز بود و دوران تحصیلی را سالها در مشهد مقدس و چند سال در حوزه علمیه زنجان گذراند و یک سال پس از تأسیس حوزه علمیه قم به دست مرحوم حضرت آیت‌الله العظمی حائری یزدی، وارد قم شد و در حوزه علمیه به تکمیل مراتب علمی خود پرداخت. پس از مدت کوتاهی در قم با یک خانواده بسیار اصیل وصلت نمود. من فرزند چهارم ایشان و تنها فرزند روحانی وی هستم.

۱. گفتنی است بیشتر عبارات مصاحبه‌ها را ویرایش کردیم. دیگر آنکه تاریخ بیشتر مصاحبه‌ها به پیش از مرجعیت ایشان باز می‌گردد. بنابراین آنها را در قسمت مرجعیت نیاوردیم. گویا مصاحبه ایشان در مورد شخصیت حجت‌الاسلام سید احمد خمینی - که در زمان مرجعیت منتشر شده - در اصل سخنرانی آیت‌الله فاضل در مورد حاج سید احمد بوده؛ اما آن را به صورت مصاحبه در آورده‌اند. ر.ک: سخنرانی آیت‌الله فاضل در مورد حجت‌الاسلام سید احمد خمینی در روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۶/۴/۶، ویژه‌نامه میراث‌دار مکتب فقهی امام خمینی، ص ۸.

۲. پیام انقلاب، ش ۹۰، مرداد ۱۳۶۲ ش.

از همان اوایل که زندگی پدرم را مطالعه می‌کردم و روحانیت و معنویت را که در زندگی یک روحانی درک می‌کردم، مرا علاقه‌مند به همان راه پدر و رشته روحانیت کرد؛ به طوری که به یاد دارم در کلاس پنجم یا ششم دبستان گاهی به ما موضوعی را به عنوان انشا می‌دادند. یک بار این موضوع داده شد که: شما بعد از فراغت از دوران دبستان به چه کاری اشتغال پیدا خواهید کرد، آنچه را نوشتم این بود: پس از فراغت از دوران دبستان به رشته روحانیت وارد خواهم شد. این در شرایطی بود که مسئله روحانیت به قدری در جامعه از نظر مقام ضعیف شده بود و به قدری دست جنایت‌کار رضاخان پهلوی در خرد کردن و منحط کردن این قشر با عظمت نقش داشت که اگر کسی ورود در این رشته را اختیار می‌کرد، شاید به نظر، انسانی غیرعادل و منحرف شناخته می‌شد. ولی من با مطالعه زندگی پدر و علاقه‌ای که به معنویت این زندگی پیدا کرده بودم، مخصوصاً با وجود اینکه از نظر مادی و جهات رفاهی وضع ایشان بسیار نامطلوب بود، ولی به تمام معنا روحانیت، حاکم بر زندگی بود و جاذبه آن روحانیت مرا جذب کرد.

در امتحانات نهایی ششم ابتدایی قم که همه دبستانها در یک مرکز امتحان می‌دادند (به صورت امتحان نهایی) شاگرد اول شدم و حتی جوایزی به من تعلق گرفت که چون بعضی از آنها به صورت کتاب بود الآن هم وجود دارد و در پشت آن کتاب رئیس فرهنگ وقت نوشته است که: این کتاب به عنوان جایزه برای اینکه رتبه اول را در بین تمام داوطلبان حیازت کرد به فلانی داده شد؛ ولی در عین حال بیشتر علاقه‌ام به ورود در رشته روحانیت بود و پس از فراغت از دبستان بدون معطلی وارد این رشته شدم.

تقریباً سیزده سال از عمر من می‌گذشت که به رشته روحانیت روی آوردم و از همان بدو ورود با علاقه خاصی این معنا را دنبال کردم. روز به روز علاقه‌ام شدت می‌گرفت و جدیت من در این راه بیشتر می‌شد. مخصوصاً با توجه به اینکه یکی از دوستان دوران دبستان، مرحوم آقای حاج آقا مصطفی هم وارد این رشته شده بود، وجود این دوست عزیز در شدت علاقه ما نقش مهمی داشت و از همان اوان به کمک یکدیگر و به عنوان دو هم‌مباحثه مشغول تحصیل شدیم تا این زمان.

تحصیل در حوزه

کیفیت تحصیلم در دوران طلبگی از دو نظر مورد بحث واقع می‌شود. یکی از نظر اصل کیفیت تحصیل و فعالیتی که در این زمینه داشتم. گفتم که من بلافاصله بعد از دوران دبستان با اینکه از امتیاز کامل هم برخوردار بودم، از روی شدت علاقه وارد تحصیل شدم. تحصیلم چون توأم با علاقه بود، خیلی سریع پیش می‌رفت.

معمولاً طلاب دو دوره ادبیات و سطح را حدود هشت یا نه سال به پایان می‌رسانند و بعد وارد آخرین مرحله یعنی درس خارج می‌شوند. اما طبق آنچه به یاد دارم، با اینکه در ادبیات بعضی از کتابهایی را که در این زمان خیلی معمول نیست و عبارت بود از کتاب *مطوّل* که در معانی و بیان است، آن را از اول تا آخر خواندم و با اینکه تنها یک سال وقت را در این کتاب صرف کردم، تمام دوران ادبیات و سطوح عالیّه من از شش سال متجاوز نشد؛ یعنی در این مدت تمام کتابهای معمول در ادبیات و تمام سطوح متوسطه و عالیّه را آن هم به طوری که در نظرم هست به بهترین وجه خواندم. مقصودم از بهترین وجه این است که هر کتابی را دو مرتبه خواندیم: یک مرتبه همان روزی که درس آن را می‌گرفتیم و بعد هم مجدداً به عنوان دوره، آن کتاب را دوره می‌کردیم.

دقیقاً به یاد دارم که سنّم اواخر نوزده سال بود که در درس خارج مرحوم آیت‌الله العظمی آقای بروجردی شرکت کردم و شرکت من در درس ایشان با صغر سنّم خیلی جلب توجه می‌کرد و حتی از طرف بعضیها شاید متهم به این واقع شده بودم که نمی‌توانم درس را درک بکنم و بفهمم؛ لیکن جواب این اتهام از یک راه داده شد و آن اینکه من هر درسی را که خدمت ایشان می‌خواندم بلافاصله همان روز آن را می‌نوشتم و با زبان عربی هم می‌نوشتم و همین نوشتجات شاهد گویایی بود بر اینکه درس را کاملاً می‌فهمیدم.

خاطره‌ای در این مورد در ذهنم هست: پدرم معمولاً در ایام شهادت حضرت زهرا - سلام الله علیها - مجلس روضه بپا می‌کرد و بزرگان و طلاب در این مجلس شرکت می‌کردند. مرحوم آیت‌الله آقای بروجردی در یکی از روزهای روضه در منزل ما شرکت کرد و بعد ضمن صحبتها از پدر می‌پرسید: فلانی را می‌بینم که در درس من شرکت می‌کند، آیا به خصوصیات و رموز درس اطلاع پیدا می‌کند یا نه؟ پدرم به من فرمودند که نوشتجاتم را در

اختیار ایشان قرار دهم. رفتیم و نوشتجاتم را آوردم و به خدمت ایشان ارائه دادم. ایشان شروع به مطالعه آنها کردند و شاید نیم ساعت تمام وقت را صرف مطالعه این نوشتجات کردند و بعد از نیم ساعت مطالعه فرمودند: هیچ فکر نمی‌کردم که فلانی با این کمی سن بتواند به تمام خصوصیات و رموز درس آشنا باشد و مخصوصاً آنها را در قالب عباراتی جالب توجه که از نظر تفهیم و تفهم مورد نظر است، بیرون بیاورد. از همان زمان مرحوم آیت‌الله بروجردی توجه خاصی به من و نوشتجاتم پیدا کرد.

در کنار درس ایشان استاد بزرگوار، رهبر انقلاب شروع فرمودند به تدریس علم اصول. ما از همان روزهای اول شروع، در بحث ایشان حاضر شدیم. بعد از چند روز دیدیم آنچه را که ما در مورد این علم به فکرش بودیم و انتظار آن را می‌کشیدیم و احیاناً از خداوند طلب می‌کردیم که یک چنین استاد مسلط و خوش‌بیان و دقیق و با استعداد در مورد علم اصول نصیب ما بشود، بحمدالله نصیب شد. لذا در درس علم اصول ایشان هم شرکت کردیم و یک دوره اصول کامل از مباحث الفاظ و مباحث عقلیه که تقریباً دوره آن هفت سال طول کشید، در خدمت ایشان بودیم و استفاده کردیم و شاید بیش از دو ثلث علم اصول را به صورت منظم و منسجم توانستم یادداشت کنم و بنویسم. ایشان در کنار درس اصول، درس فقهی از اول کتاب طهارت شروع کردند که یادم هست از همان روز اول من توفیق درک فیض محضر ایشان را کسب نمودم و موفق شدم درس فقه استاد بزرگوار را ضبط کنم و شاید در این زمینه هم چند جلد به رشته تحریر در آمده باشد.

در این مورد خاطره‌ای دارم که ذکر آن بد نیست. یکی از بستگان ما که از معممین هست^۱، در سفری به قم، با من صحبت کرد که:

- تو غیر از آقای بروجردی در درس چه کسی شرکت می‌کنی؟

- در درس حاج‌آقا (آن موقع تعبیر ما از ایشان این بود؛ چون مرحوم حاج آقا مصطفی از پدرشان تعبیر به حاج‌آقا می‌کردند، ما هم به لحاظ شدت ارتباطمان با ایشان، در

۱. آن شخص آیت‌الله شیخ محمود اردکانی بوده است. (جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۲/۱۵، ویژه‌نامه شاخه‌ای از شجره طوبی، ص ۷، مصاحبه حجت‌الاسلام محمدجواد فاضل)

لسانمان از امام بزرگوار تعبیر به حاج‌آقا می‌شد.)

- درسهای ایشان را هم می‌نویسی؟

- بلی.

- خود حاج‌آقا از این مسئله اطلاع دارند؟

- نه.

- بد نیست استاد بدانند که شاگرد چه مقدار به درس استاد اهمیت می‌دهد و خود این نوشتن دلیل بر اهمیت دادن شاگرد به درس است. بهتر است شما نوشتجات خود را به من بدهید تا به خدمت حاج‌آقا ببرم و ایشان هم اطلاع پیدا کنند که شما در مورد درس ایشان این مقدار علاقه‌مند هستی.

من این نوشته‌ها را به وسیله‌ی وی خدمت امام فرستادم. یادم هست که پس از دو، سه روز امام به منزل ما تشریف آوردند به عنوان بازدید از همان مهمان ما. من هم مشغول پذیرایی بودم و به داخل اتاق رفت و آمد می‌کردم. بعد که حاج‌آقا تشریف بردند، دیدم که نوشتجات مرا آورده‌اند. از مهمانان پرسیدم: در مورد این نوشته‌ها حاج‌آقا چه فرمودند؟ یک تعبیری ایشان فرمودند که اگر بخواهم عین آن را بگویم شاید برای بعضی قابل پذیرش نباشد و اگر بخواهم غیر آن را بگویم کذب است. ایشان (بر حسب نقل مهمان ما) فرموده بودند: من نوشتجات فلانی را مطالعه کردم. ایشان پرسیده بودند: این نوشته‌ها چطور است؟ حاج‌آقا فرموده بودند: من خودم که گوینده‌ی این درس هستم شاید به این خوبی نتوانم ضبط کنم.

این عبارتی بود که ایشان در آن زمان فرموده بودند. به هر حال سالها تحصیل ما در خدمت مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی و امام بزرگوار ادامه یافت و حدود یازده سال در درس مرحوم آیت‌الله بروجردی و مجموعاً حدود نه سال تمام در درسهای فقه و اصول امام بزرگوار شرکت داشتیم.

در این خلال مسئله‌ی فلسفه و حکمت مطرح بود. اینجا بود که استاد بزرگوار علامه طباطبایی تدریس منظومه‌ی سبزواری داشتند. ما یک قسمت را در این درس شرکت کردیم و بعد از اتمام آن، ایشان به تدریس منظومه ادامه ندادند و کتاب *اسفار* را شروع کردند.

سالهای چندی در بحث *اسفار* مرحوم استاد علامه طباطبایی شرکت کردیم و از محضر پرفیض ایشان بهره بردیم. آنچه در فلسفه تحصیل کردم - از قسمتهای مهم *اسفار* - در خدمت ایشان بود.

در این اثنا ایشان روی همین کتاب *تفسیر المیزان* که بعداً به صورت کتاب *المیزان* درآمد و قبلاً نوشتجاتی بود که در مورد تفسیر داشتند و ظاهراً در نجف نوشته بودند، یک بحث تفسیری گذاشتند و حالا نظرم نیست که در ایام تعطیل بود یا تحصیل؛ ولی یک بحث تفسیری در مورد آن نوشتجات وجود داشت که من مدتها هم در این بحث شرکت می‌کردم. همین امتیاز تفسیر ایشان که *قرآن* را باید با خود *قرآن* تفسیر کرد، «*القرآن* یفسر بعضه بعضاً» یا در روایتی دیدم که «*القرآن* یشهد بعضه علی بعض» این معنای تفسیری ایشان خیلی جالب به نظر می‌رسید و روی همان نوشتجات که بر این مبنی نوشته شده بود، ایشان تفسیر *قرآن* را ادامه می‌دادند و ما هم مدتها از این بحث استفاده می‌کردیم. البته در مباحث دیگری نظیر مباحث مربوط به مسائل عقیدتی باز به صورت پراکنده از بعضیها استفاده کردیم. همچنین مباحثی از بحث اخلاق در محضر بعضی از اساتید بزرگ اخلاق مثل مرحوم حاج میرزا علی آقای شیرازی استفاده کردیم. مرحوم آیت‌الله بروجردی ایشان را برای همین به قم آورده بود و انصافاً اخلاق علمی و عملی متجسم بود و هر کس که با ایشان برخورد می‌کرد، تحت تأثیر و جاذبه او قرار می‌گرفت.

پیام انقلاب: حضرت‌عالی از چه زمانی اجتهاد را در خودتان یافتید؟

تا زمانی که مرحوم آیت‌الله العظمی آقای بروجردی در قید حیات بودند، به عنوان مقلد به رساله ایشان عمل می‌کردم؛ ولی بعد از وفات ایشان که تقریباً یازده سال درس ایشان را گذرانده بودیم و در این خلال نه سال هم درس امام را یعنی ظاهراً حدود سی سالگی بود، بر حسب آنچه خیال می‌کنم که شاید هم خیال من مطابق بر واقعیت نبوده، از آن سن به این طرف دیگر خودم را بی‌نیاز از تقلید می‌دیدم.

پیام انقلاب: شما تدریس را از چه زمانی آغاز کردید و در حال حاضر چه علومی را تدریس می‌فرمایید؟
تدریس را شاید از سال دوم یا سوم تحصیل شروع کردم. درست به یاد دارم که اولین

کتابهایی که تدریس می‌کردم، سیوطی بود و بعد حاشیۀ ملاعبدالله و بعد شرح شمسیه. بعد نوبت رسید به شرح لمعه، در شرح لمعه تدریس ما جنبۀ عمومی پیدا کرد و یکی از تدریسهای تقریباً معروف در حوزه شد. با اینکه در آن زمان طلاب مثل الآن خیلی هم زیاد نبودند، حدود هفتاد، هشتاد نفر در درس شرح لمعه شرکت می‌کردند.

خاطره‌ای به یادم آمد: من باب ارث از شرح لمعه را در یکی از بقعه‌های بزرگ صحن درس می‌گفتم و حدود هفتاد شاگرد داشتم. یک روز نمی‌دانم چه کسی مرا متوجه به این نکته کرد و عامل توجه من به این نکته چه بود. یک مرتبه توجه پیدا کردم که سن من که استاد اینها هستم، از تمام این شاگردها کمتر است. با اینکه تعدادشان حدود هفتاد نفر بود.

بعد از آن به سطوح عالیہ رسیدیم. در سطوح عالیہ مدتی کتاب رسائل مرحوم شیخ انصاری را تدریس کردیم. بعد از کتاب رسائل مرحوم شیخ، وارد مکاسب مرحوم شیخ شدیم. مکاسب ما دیگر جنبۀ عمومی عجیبی پیدا کرد؛ به طوری که بعد از تمام شدن درس مرحوم آقای بروجردی در یکی از شبستانهای مسجد اعظم، من بلافاصله به زیر گنبد می‌رفتم و در روی منبر مکاسب می‌گفتم. پنج دوره مکاسب که حدود پانزده سال تمام باشد، در این حوزه تدریس کردم که جمعیت هر دوره‌ای از دوره قبل بیشتر و افراد آن ممتازتر بودند.

سپس نوبت کتاب کفایه رسید. کتاب کفایه آخرین کتاب سطح عالی است و بر حسب اعتقاد طلاب، مشکل‌ترین کتاب سطح هم هست. شش دوره تمام کتاب کفایه را تدریس نمودم و در آخرین دوره، جمعیت به نظرم حدود ششصد، هفتصد نفر بود. احتمالاً تمام آن دوره را روی نوار ضبط کردند و در دفتر تبلیغات یا غیر این دفتر مورد استفادۀ طلاب کفایه‌خوان هست.

پس از آن دوره شروع به تدریس خارج کردم و الآن حدود سیزده سال است. (البته به استثنای سه سال تبعید) سیزده سال قبل و بعد از تبعید را در حوزه به تدریس خارج اشتغال داشته و دارم و البته شروع درس خارج من، ابتدا از فقه بود، به کتاب اجتهاد و تقلید عروۀ الوثقی و بعد مباحث دیگر مربوط به کتاب طهارت. الآن در فقه، کتاب الاجاره را در دو

سال تدریس کردم و امسال به پایان رسید. در اصول، مباحث الفاظ به پایان رسید و حدود چند ماه است که به تدریس مباحث عقلیه و کتاب قطع و ظن اشتغال داریم.

پیام انقلاب: در زمان تحصیل خود با چه کسانی هم‌مباحثه بودید؟ در این زمینه توضیحاتی بفرمایید.
تا زمانی که به مَطَوَّل نرسیده بودم؛ یعنی در قسمت صرف و نحو هم‌مباحثه‌های پراکنده داشتم و به لحاظ اینکه فکر می‌کردم آنها در سطح من نیستند یا اشکالات دیگری در کارشان بود و مهم‌ترین اشکال این بود که آنها به مقداری که من به درس اهمیت می‌دادم، اهمیت نمی‌دادند؛ چون من همان اعتقادی را که در مورد تدریس و رمز موفقیت در تدریس دارم، از لحاظ اینکه نباید تدریس بی‌جهت تعطیل شود، در تحصیل خودم هم این معنا را کاملاً رعایت می‌کردم؛ یعنی معتقد بودم که درس بر همه کارها تقدم و اولویت دارد و هیچ امکان نداشت تا یک ضرورت یا حادثه بسیار مهمی پیش نیاید، درس را تعطیل کنم. ولی چون می‌دیدم که هم‌بحث‌های من این اهمیت را برای درس قائل نیستند، کم‌کم از آنها فاصله گرفتم تا موقعی که شروع به خواندن کتاب مَطَوَّل کردم. در آن موقع روی الهامی که به من شد، نظرم نسبت به یکی از طلابی که در همان درس شرکت می‌کرد، جلب شد و به او پیشنهاد کردم که هم‌بحث باشیم. او نیز پیشنهاد مرا پذیرفت و شرایطی را که در یک هم‌بحث می‌دیدم، به تمام معنا در او وجود داشت؛ یعنی از استعداد کافی برخوردار بود؛ به مطالعه و شرکت در درس و مباحثه اهمیت زیاد می‌داد. روی این جهت، من تمام درس‌هایی را که تا آخر سطوح عالی و حتی مباحث فلسفی و حتی قسمتی از درس‌های خارج را تنها با ایشان بحث کردم و از بحث ایشان، کمال استفاده را بردم و وجود چنین هم‌بحثی برای من یکی از عوامل موفقیت بود. تا اینکه قسمتی از دوران درس خارج گذشت. در اینجا نوبت رسید به بحث کردن با شهید حاج آقا مصطفی خمینی که خوب سوابق رفاقت‌مان از همان اول بود و ادامه داشت. سالهای سال مباحثی را با ایشان و مرحوم آقای حاج آقا اشراقی - داماد بزرگوار امام - داشتیم و ما در ضمن این بحث مباحث مختلفی از فقه را بررسی کردیم و ضمن بررسی، هر کدام را به رشته تحریر درآوردیم و مجموعه آن مباحثات تقریباً نوشته شده و فعلاً هم وجود دارد. گرچه نوشتجات ایشان در

ضمن کتابها و نوشتجات امام بزرگوار مورد غارت سازمان امنیت واقع شد و سازمان امنیت با هجوم به منزل امام تمام کتابهای امام و مرحوم حاج آقا مصطفی، از جمله کتابهای خطی که به قلم امام و پسر بزرگوارشان جداگانه نوشته شده بود، در اختیار گرفت و متأسفانه پس از پیروزی انقلاب هم فقط مقدار کمی از آن کتابها به امام برگشت و هنوز مشخص نشده کتابهایی که از مرحوم حاج آقا مصطفی و امام بزرگوار که به خط خودشان هست، نزد کیست.

حدود شش ماه قبل در منزل امام و دختر ایشان بودم؛ به یکی از رفقا برخوردیم در حالی که دو کتاب در اختیارش بود: یکی کتاب فصوص قیصری که حاشیه خطی امام در حاشیه آن نوشته شده بود و یک کتاب هم مباحث الفاظ علم اصول بود به قلم مرحوم حاج آقا مصطفی. از او پرسیدم: این کتابها از کجا به دست شما رسیده؟ گفت: جریان آنها این است که یکی از طلاب در همدان از یک دستفروش کتاب، در کنار خیابان این دو کتاب را به شصت تومان خریده و بعد پیش من آورده و من هم هزار تومان به او دادم و گرفتم که به خدمت امام برسانم و حالا آمده‌ام که این دو کتاب را تقدیم امام کنم.

خلاصه، قسمت عمده کتابهای خطی و چاپی مرحوم حاج آقا مصطفی به دست سازمان امنیت افتاد و بعد هم معلوم نشد که به چه صورت درآمد. به هر حال تا زمانی که ایشان در قم بودند و منتقل به ترکیه و بعد نجف شدند، بحث ما با ایشان ادامه داشت و انصافاً از این بحث حداکثر استفاده را می‌کردیم و منشأ آن هم این بود که ایشان از یک استعداد کامل و ذکاوت بسیار عجیبی برخوردار بود و به علاوه به مسئله بحث و مطالعه بسیار اهمیت می‌داد. لذا این چند سال بحث با ایشان و مرحوم حاج آقا اشراقی برای ما بسیار ارزنده بود و یکی از علل موفقیت ما در جهات علمی به شمار می‌رفت.

پیام انقلاب: در زمینه فعالیت‌های علمی و تحقیقی خود بفرمایید که چه تألیفاتی تاکنون داشته‌اید؟ همان‌طور که اشاره شد، از همان زمان که در درس مرحوم آیت‌الله العظمی آقای بروجردی شرکت کردم، درسها را نوشتم تا بعد به اندازه یک جلد پانصد صفحه‌ای رسید. این نوشتجات را خدمت ایشان ارائه دادم و از ایشان خواستم که اگر موافقت کنند، چاپ

شود. ایشان هم پس از مدتی مراجعه و مطالعه، کمال موافقت خودشان را با چاپ اعلام داشتند. لذا در حالی که حدود ۲۶ سال داشتیم، آن را با عنوان «نهایة التقریر» چاپ و منتشر کردیم و در سالهای بعد جلد دوم آن چاپ و منتشر شد. موضوع این دو جلد، صلات است که مرحوم آقای بروجردی بحث کردند به استثنای نماز مسافر و نماز جمعه که این دو بحث را آیت‌الله آقای منتظری نوشتند و چاپ کردند. لذا نوشته ایشان به ضمیمه این دو جلد که مجموعاً سه جلد می‌شود، مجموعه کتاب صلات مرحوم آقای بروجردی است که نزدیک به هشت سال مباحث آن را مطرح کردند و بنده و ایشان نوشتیم و چاپ شد.

اما نوشتجاتی از امام بزرگوار داریم؛ هم در فقه و هم در اصول. شاید در اصول حدود دو ثلث مباحث این علم اعم از مباحث الفاظ و مباحث عقلیه را نوشته‌ام و موجود است و از مباحث فقهی که ایشان مطرح کردند، حدود شاید پنج جلد مجموعاً نوشته‌ام؛ لیکن موفق به چاپ و انتشار هیچ‌یک از نوشتجات فقهی و اصولی امام نشده‌ام.

حدود دو سال و نیم در یزد سپری شد، در آنجا فکر کردم که برای استفاده از موقعیت و برای کاهش آثار سوء تبعید و اقامت اجباری، بهترین راه این است که دست به یک سلسله نوشتجاتی بزنم. بعد از مدتی فکر کردن، به این رسیدم که شرحی بر کتاب *تحریرالوسیله* امام بنویسم. شروع به نوشتن آن کردم. شاید در آنجا در مدت دو سال و نیم حدود پنج جلد از شرح *تحریرالوسیله* را نوشتیم. پیش‌بینی می‌کنم اگر خداوند توفیق بدهد و ما بتوانیم این شرح را ادامه دهیم و به آخر برسانیم، حدود چهل جلد خواهد شد؛ لیکن تا به حال که پس از تبعید هم مجلداتی نوشتیم، به دوازده جلد رسیده. تاکنون دو جلد چاپ شده با نام *تفصیل الشریعه فی شرح تحریرالوسیله* و جلد سوم در دست طبع است. اهتمام من به این نوشته، بیش از سایر نوشتجات است؛ یعنی برای آن در مورد کتاب امام هم از نظر علمی و هم از نظر سیاسی اهمیت فوق‌العاده قائلم.

کتابی هم به نام *مدخل التفسیر* است که مجموعه سلسله درسه‌های تعطیل برای عده‌ای از طلاب است و سه بحث در مورد *قرآن* را در بر دارد: اعجاز *قرآن* و بحث بر آیات مختلفه *قرآن* و عدم تحریف *قرآن* که آن را هم به صورت یادداشت در اختیار داشتیم و

در همان ایام تبعید با تجدید نظر به صورت کتاب درآوردم و بعد از تبعید موفق به چاپ آن با نام *مدخل التفسیر* (در سیصد صفحه) شدیم.

دو کتاب دیگر هم با شرکت مرحوم آقای اشراقی در مورد مسائل امامت از نظر قرآن کریم داریم که هر دو هم چاپ و منتشر شد: یکی به نام *ائمه اطهار یا پاسداران وحی از نظر قرآن* و دیگری به نام *چهره‌های درخشان در آیه تطهیر*؛ یعنی یکی در مورد تفسیر آیه تطهیر است که به نظر من در مورد آیه تطهیر این چنین بحث نشده و هر کسی بدون تعصب این بحث را در مورد آیه تطهیر مطالعه کند، به نظر من امکان ندارد که اعتقاد به ائمه ما و امامت آنها نداشته باشد و دیگری راجع به پاسداران وحی و ائمه از نظر قرآن هست که بخشهای مختلفی در مورد اصل امامت از نظر قرآن و شرایط امامت و علم امام از نظر قرآن دارد و کتاب بسیار جالبی است که به چاپ رسیده و در دسترس قرار گرفته است.

در کنار اینها رساله‌های مختلفی در مباحث مختلف وجود دارد: رساله‌ای در مسئله اخذ اجرت در واجبات، رساله‌ای درباره عصمت انبیا از نظر قرآن، رساله‌ای درباره عصمت انبیا از نظر قرآن، رساله‌ای در باب نماز در لباس مشکوک و همین‌طور رساله‌های مختلفی در کنار این مباحث وجود دارد و امیدواریم خداوند ما را پیش از این موفق به خدمت به اسلام بفرماید.

پیام انقلاب: لطفاً پیرامون مبارزات سیاسی خودتان خصوصاً در محور خرداد ۴۲ توضیحاتی بفرمایید.
از همان ابتدایی که امامت مبارزات سیاسی را شروع کردند، ما هم به عنوان شاگرد ایشان، به تمام معنا معتقد به ایشان و نظریات و تشخیصات ایشان بودیم. از همان اوان به دنبال ایشان قدم به قدم مبارزات سیاسی را شروع کردیم؛ منتها مبارزات سیاسی ما به صورت فردی نبود، بلکه به صورت یک جامعه‌ای به عنوان جامعه مدرسین بود که از همان هنگام تأسیس به عنوان اینکه در دنبال امام و پیگیری مبارزات امام قدم بردارد و فعالیت کند، شروع کردیم. لذا در تمام جهات و حوادث و در تمامی خصوصیات، ما همراه امام بودیم. در یکی از مواقعی که مرا در سازمان امنیت تهران خواسته بودند - البته به عنوان مصاحبه - یکی از حرفهایی که مأمور عالی‌رتبه سازمان به من می‌گفت، این بود که در

پرونده شما شاید متجاوز از دهها^۱ اعلامیه در موارد مختلف وجود دارد که همه آنها به امضای شما هم رسیده. من هم نفی نکردم و گفتم که: اتفاقاً تمام این امضاها، امضای خودم است و حتی احتمال جعل در یکی از این اعلامیه‌ها هم شما ندهید! البته این را به عنوان مطلب دیگری گفتم که شاید بعد اشاره کنم.

به هر حال در تمام مواقع، فعالیتها، اعلامیه‌ها، اعزامها و غیره، ما به دنبال امام بودیم و در این خلال مرتب از طرف سازمان امنیت تهدیدها، احضارها و ناراحتیها برایمان به وجود می‌آمد. تا اینکه بعد از وفات مرحوم آیت‌الله حکیم، که تا حدی اوضاع به نظر سازمان امنیت آرامش پیدا کرده بود و فکر می‌کردند که دیگر تا حدی در مسئله موفقیت پیدا کرده‌اند، مسئله مرجعیت امام مطرح شد. در آن بحران که تمام دستها کار می‌کرد تا چیزی که مطرح نباشد مسئله مرجعیت امام باشد، دوازده نفر از بزرگان و فضلا و مدرسین حوزه علمیه قم که در بین آنها آیت‌الله منتظری، آیت‌الله مشکینی و بزرگان دیگر نظیر مرحوم ربانی شیرازی - قدس سره - وجود داشتند، مرجعیت امام را امضا کردند و بلکه نه تنها مرجعیت را، در کثیر عباراتی که هر یک از آنها مستقلاً در باره مرجعیت امام نوشتند به مسئله امامت و رهبری امام اشاره شده بود که این فوق مسئله مرجعیت بود. پس از انتشار این اعلامیه سازمان امنیت دید که عجب اشتباهی کرد! او فکر کرده بود که اوضاع آرامش پیدا کرده و دیگر کسی دست از پا خطا نمی‌کند و مسئله‌ای وجود ندارد؛ اما یکمرتبه با انتشار چنین اعلامیه‌ای مواجه شد.

اولاً؛ اثر این اعلامیه از نظر توده مردم به لحاظ اینکه این امضاکنندگان نخبه‌های حوزه علمیه قم بودند و مورد تصدیق و اعتماد اکثر طلاب آگاه حوزه علمیه قم بودند، عکس‌العملش این شد که مسئله مرجعیت امام کاملاً تثبیت شد؛ یعنی هر کجا که این اعلامیه منتشر یا بالای منبر قرائت می‌شد، دیگر از نظر بینندگان و شنوندگان تردیدی در مرجعیت امام باقی نمی‌ماند و همین معنا بود که سازمان امنیت روی آن حساسیت شدید پیدا کرد تا اینکه تصمیم گرفت این امضاکنندگان را با شکنجه و ناراحتیهای خود آشنا

۱. در مجله پیام انقلاب «صدها» نوشته شده؛ اما ظاهراً اشتباه چاپی شده و «دهها» صحیح است.

کند. پس از مدتی در یک جلسه کمیسیون امنیت در فرمانداری قم تصویت شد که ۲۵ نفر باید تبعید شوند؛ از جمله آیت‌الله منتظری بود که ایشان به طبرس تبعید شد. جناب آقای مشکینی بود که ایشان به ماهان کرمان تبعید شد. مرحوم ربانی شیرازی بود که ظاهراً در بار اول به سردشت تبعید شد. بنده هم به سهم خودم به بندر لنگه تبعید شدم. در بحبوحه تابستان، ما را گرفتند و به بندر لنگه منتقل کردند. البته در بین راه به علت بدی راه و عدم اطلاع راننده دو، سه بار نزدیک بود ماشین به دریا سقوط کند. بالأخره در بحبوحه گرما و شرجی بودن هوا وارد بندر شدیم و حدود چهار ماه تمام در آنجا بودم که به اندازهٔ چهل سال شاید ناراحتی متحمل شدم. نبودن وسایل از یک طرف و شدت گرما و حالت شرجی هوا از طرف دیگر و فشارهایی که از طرف سازمان امنیت آنجا متوجه من می‌شد و از طرفی هم تهدید مردم به اینکه با من ارتباط نداشته باشند از سوی دیگر. در آنجا ناراحتیها و کسالت‌هایی برایم پیش آمد تا اینکه به یزد منتقل شدم و دو سال و نیم اقامت اجباری داشتم. در آنجا مصائب و ناراحتی برای ما فراوان بود، از جمله رئیس اطلاعات شهربانی آنجا به نام دادگر که به تمام معنا ضد روحانیت و ضد آخوند بود و روی این مسلک مرا کاملاً در فشار و ناراحتی قرار می‌داد؛ به طوری که حتی یکی، دو مرتبه با او بحث کردم و از شدت ناراحتی شاید به جایی رسید که به او ناسزا بگویم؛ ولی در این خلال مرحوم شهید آیت‌الله صدوقی - قدس سره - لطفهای بسیار زیادی در حق من کرد و با اینکه از طرف شهربانی و سازمان نهی شده بود که اصلاً با من رابطه نداشته باشد و من را ملاقات نکند، ایشان اعتنا نمی‌کرد و گاه و بی‌گاه برای ملاقات من می‌آمد. تبعید من در یزد این اثر را نیز داشت که با کمک شهید آیت‌الله صدوقی، در اثر برخوردهای مخفیانه یا آشکار، مردم یزد را در مسیر مبارزات امام قرار دادیم و آگاه به مسائل ساختیم.

تا اینکه دورهٔ تبعید تمام شد و به قم برگشتیم و مانند سابق، به عنوان جامعهٔ مدرسین در مراحل مختلف به مبارزات ادامه دادیم. تا همین اواخر هم، قبل از پیروزی انقلاب که مسئلهٔ خلع شاه از سلطنت پیش آمد، اولین گروهی که مسئلهٔ خلع شاه را امضا کرد، با اینکه دوره‌ای بحرانی بود، جامعهٔ مدرسین بود. معتقدم که این افتخار برای جامعهٔ مدرسین تا ابد باید باقی بماند و خواهد ماند؛ چراکه آن روزها مشخص نبود که چه خواهد شد و

مسلم نبود که انقلاب به پیروزی می‌رسد و پیداست که اگر انقلاب به پیروزی نمی‌رسید با این افرادی که به صراحت خلع شاه از سلطنت را امضا کردند، چه معامله‌ای می‌شد. به هر حال به عنوان عضوی از جامعه مدرسین مبارزات ما ادامه پیدا کرد و در تمام مراحل، قدم به قدم گوش به فرمان و تابع دستورهای امام، به دنبال اعلامیه‌ها و فرمایشات امام، راههایی را که مخفیانه برای مبارزه و پیروزی دستور می‌دادند، تماماً بحمدالله در ضمن جامعه موفق به اجرا بودیم تا اینکه بحمدالله انقلاب اسلامی به پیروزی رسید و پس از پیروزی انقلاب هم کما فی السابق همان نقشی را که جامعه مدرسین بر عهده داشت، ادامه می‌دهد و در مراحل حساس خطرات را از انقلاب رفع می‌کند... .

انقلاب و شخصیتها^۱

پیام انقلاب: به عنوان یک مدرس حوزه با سابقه مبارزاتی بفرمایید که انقلاب اسلامی را چگونه ارزیابی می‌کنید و نقش امام را در رهبری انقلاب اسلامی چگونه می‌بینید؟
همان بینشی که در امام به عنوان یک استاد وجود داشت به شاگردان ایشان در یک حدی منتقل شده - البته با حفظ فاصله استادی و شاگردی - و طبعاً این بینش اقتضا می‌کرد که ما هم در سطح خودمان با اعتقاد کامل به همان مبارزات ادامه دهیم. این ادامه مبارزات جداً توأم با اعتقاد بود و معتقد بودیم که این رژیم تمام هم و سعیش این است که حتی آثاری از اسلام در جامعه ایران باقی نماند؛ نه اینکه فقط روح اسلام بلکه ظواهر اسلام هم از بین برود. لذا در یکی از مواقعی که به آن اشاره کردم (احضار من در ساواک به عنوان مصاحبه) مطلبی را در آنجا به صراحت برای آن مأمور عالی‌رتبه سازمان امنیت مطرح کردم و از طرح این مطلب او بسیار تعجب کرد؛ ولی من باکی نداشتم. گفتم: شما ما را برای چه به اینجا احضار کردید؟
- برای مصاحبه.

- ممکن است بگویید: مصاحبه یعنی چه؟ و این مفهوم را برای من معنا کنید؟

۱. پیام انقلاب، ش ۹۱، مرداد ۱۳۶۲ ش.

- مصاحبه این است که بنشینیم حرف بزنی و ببینیم چه کسی منطقی‌تر حرف می‌زند.
- شما مرا برای این دعوت کردید؟
- بله.

- غیر از این مسئله‌ای که نیست. اگر مسائل دیگر است، ما تسلیم شما می‌شویم. ما می‌دانیم شما قدرت و سرنیزه و امریکا و همه و همه را در اختیار دارید. هر آن هم تصمیم بگیرید بنده و امثال بنده را نابود کنید، هم قدرتش را دارید، هم کسی جرئت ندارد در مقابل شما حرفی بزند. بدانید که ما این مسائل را می‌دانیم. نه اینکه در قدرت شما تردیدی داشته باشیم؛ ولی شما می‌گویید: ما شما را برای مصاحبه خواسته‌ایم؛ یعنی برای حرف منطقی. خوب ما حالا می‌خواهیم یک حرف منطقی بزنی و با شما بحث منطقی کنیم.
- بفرمایید.

- اینهایی را که به جرم حمایت از آقای خمینی در زندان کرده‌اید یا به ساواک احضار می‌کنید، روی چه مبنایی است؟ و چون بحثهای ما بحثهای طلبگی است و من هم در بحثهای طلبگی خیلی صریح هستم، اجازه بدهید ما این مسئله را خوب حلای کنیم. در مورد آقای خمینی دو نظر وجود دارد. یکی شماها هستید که ادعا می‌کنید که او یک مرد سیاسی غیر الهی تحریک شده از اجانب و عامل بیگانگان است و می‌خواهد مملکت را به نابودی بکشاند. این عقیده شماست. در مقابل، ما هم یک عقیده‌ای داریم و آن اینکه او یک مرد خدایی و الهی است و هدفی جز دفاع از اسلام ندارد. می‌خواهد جلو کارهای شما را بگیرد. برای اینکه شما را ضد اسلام تشخیص داده و برای جلوگیری از اینکه شما اسلام را محو و نابود کنید، قیام کرده است. به صراحت می‌گوییم که عقیده ما در باره آقای خمینی این است. حالا این دو عقیده در این باره وجود دارد و ما می‌خواهیم منطقی صحبت کنیم. ما طلبه‌ها منطقی هستیم. اگر کسی دلیل و برهانی آورد بر اینکه حرف فلان طلبه باطل است، طلبه برمی‌گردد. حالا بسم الله، من طلبه در اختیار شما، به چه دلیل آقای خمینی عامل مزدوران است؟ چرا عامل سیاستهای خارجی است؟ شاهد شما بر این مطلب چیست؟ به چه دلیل او را رجل غیر الهی می‌دانید؟ شما دلیل قانع‌کننده بیاور، من طلبه تسلیم شما هستم. اما شما دلیل ندارید؛ چرا که اگر دلیل داشتید، در روزنامه و

رادیو صدها بار با دلیل این مطلب را ثابت کرده بودید. اما شما چون دلیل ندارید، می‌چسبید به اذیت کردن طرفداران ایشان، که: چرا شما طرفدار آقای خمینی هستید؟ خوب اگر شما اهل منطق هستید و ما را به مصاحبه دعوت کردید، دلیل حرفتان را بگویید. این دلیلها را کنار زندان به آنها بگویید و قانعشان کنید. اینها همه از زندان بیرون می‌آیند و طرفدار شما می‌شوند؛ ولی شما دلیل ندارید و باید بدانید که این راه هم شما را به جایی نمی‌رساند. کسی اگر در مقابل عقیده‌اش چوب بخورد، از بین نمی‌رود و عقیده‌اش محکم‌تر می‌شود. من با کمال صراحت به شما اعلام می‌کنم، هر کاری هم می‌خواهید بکنید، عقیده بنده در مورد آقای خمینی این است و تا دلیلی برخلاف نباشد، عقیده‌ام عوض نمی‌شود. (پایان صحبت با مأمور ساواک)^۱

اما تحلیل ما از خود امام، ما روی آن اعتقادی که به خود امام داریم، که ایشان همیشه به عمق مسائل نگاه می‌کند و از یک تراوشها و ترشحات جزئی ریشه مطلب را می‌فهمد. دیدم که امام می‌دید اسلام در مخاطره است و هدف اینها از کارهایشان این است که در آینده نزدیک اسلام حتی در بین جامعه به صورت ظاهر هم حکم‌فرما نباشد و شواهد زیادی بر این مطلب بود؛ از جمله مسئله تغییر تاریخ اسلام بود. این تغییر تاریخ را انسان ابتدا فکر می‌کند که عوض کردن یک عدد با یک عدد دیگر مسئله مهمی نیست. اما این امر کشف می‌کرد که اینها در ضدیت با اسلام و در محو آثار اسلام و از بین بردن نام اسلام تا این درجه می‌خواهند نقش داشته باشند که حتی یک عددی که حاکی از هجرت پیغمبر اسلام و در حقیقت نمایانگر و مشیر به اسلام باشد، وجود نداشته باشد. با این وضع معتقدم که اگر حکومت پهلوی چند سال دیگر ادامه پیدا می‌کرد و انقلاب نمی‌شد و پیروزی انقلاب به وجود نمی‌آمد، جداً اثری از اسلام در ایران به چشم نمی‌خورد و حتی این آثار ظاهری که در کشورهای اسلامی فعلی مشاهده می‌کنیم، هم نمی‌ماند. تعجب می‌کنم از برخی که در مورد انقلاب ما درست فکر و مطالعه نکردند که به

۱. آیت‌الله فاضل در جای دیگر که از این خاطره یاد کرده، در پایان می‌گوید: این سخنان چنان در او اثر گذاشت که وقتی خواستم برگردم، به من احترام زیادی کرد. (جمهوری اسلامی، ۱۳/۵/۱۳۸۴)

نظرم اینها حتی رژیم طاغوت را هم تشخیص ندادند و نفهمیدند که طاغوت چه هدفی داشت و بر حسب دستور ابرقدرتها، دنبال چه مطلبی می‌رفت. لذا باید واقعاً بر اینها متأسف بود و توصیه کرد که یک قدری لاقلاً رژیم طاغوت را مطالعه کنید و به عمق هدف رژیم طاغوت مراجعه کنید تا بفهمید که انقلاب اسلامی چه ارزشی دارد و چه نقشی در جامعه ایفا می‌کند. انقلاب اسلامی به نظر من بعثت مجدد اسلام در این قرن است؛ یعنی اسلامی که تا حد نیستی و فراموشی صرف پیش می‌رفت، به دست رهبر بزرگوار انقلاب و انقلاب پیامبرگونه امام، بعثت مجدد پیدا کرد. لذا همان تعبیری را که خداوند در رابطه با اصل بعثت در قرآن کریم دارد که اصل بعثت را به صورت یک منت بزرگ بر مؤمنین و مسلمانها قلمداد می‌کند، این بعثت مجدد هم یک عنایت بزرگ الهی و یک منت عظیم الهی است برای جامعه، و جامعه در مورد این بعثت باید کاملاً توجه داشته باشد و بداند که دوران جاهلیت رژیم طاغوت را پشت سر گذاشته، دوران اسلام جدید و بعثت مجدد به وجود آمده و در این زمینه به عنوان یک مسلمان انقلابی مسئولیتهای خودش را دنبال کند.

پیام انقلاب: پیرامون توطئه‌های مختلفی که علیه انقلاب اسلامی ایران چیده شدند و برخورد با آنها توضیحاتی بفرمایید.

انقلاب ما همان‌طور که شواهد متعدّد دارد، مورد توجه و عنایات خاص خداوند تبارک و تعالی است و ما در مواقع گوناگون به عین یقین این معنا را دیدیم و لمس کردیم. قضایایی مثل کودتای طبس و سایر مسائلی که برای این انقلاب پیش آمد، ما را به این واقعیت هدایت کرد. از جمله خطرانی که این انقلاب را تهدید می‌کرد، مسئله لیبرالها و ملی‌گرایان بود. می‌دانید که ملی‌گرا یعنی کسی که ملیت را حتی بر اساسی‌ترین مسائل که عبارت از اعتقاد اسلامی است، ترجیح می‌دهد. همین‌جا حساب ملی‌گراها برای ما روشن می‌شود؛ یعنی جمعیتی که مسئله ملیت را بر مسئله اسلام و عقاید اسلامی ترجیح دهد و بگوید که حفظ ملیت مقدم بر حفظ اسلام است، حفظ ملیت اولی از حفظ اسلام است، همین‌جا می‌توانیم به عمق نظریه آنها پی ببریم؛ چون ما مسلمانها معتقدیم که در مورد اسلام هیچ مسئله‌ای از نظر ارزش و اهمیت به اسلام و عقاید اسلامی نمی‌رسد. ما به قدری در این مورد لا رفته‌ایم که حتی می‌گوییم: ائمه ما با اینکه برگزیدگان تاریخ

بشیرینند، اگر مسئله دین در کار باشد، اینها باید فدای دین بشوند و شدند. آیا شهادت امیرالمؤمنین - علیه السلام - جز در راه دین بود؟ آیا شهادت سالار شهیدان امام حسین - علیه السلام - جز در راه دین بود؟ چرا امام حسین در این راه کشته می‌شود؟ نشان می‌دهد که دین از امام حسین - علیه السلام - ارزش بالاتری دارد و ارزش دین از علی - علیه السلام - بالاتر است. ارزش قرآن هم بالاتر از اینهاست. وقتی ما روی مبنای اعتقادی خود معتقدیم که هیچ ارزشی به پایه اسلام و ارزش آن نمی‌رسد، اگر در این بین جمعیتی پیدا شدند و گفتند: مسئله ملیت تقدم بر مسئله اسلام دارد، که همان حزب بعث عراق هم هست و می‌گوید: ملیت عرب تقدم بر اسلام دارد. حزب بعث هم در حقیقت ملی‌گرایی است. منتها ملی‌گرایی در چهارچوب عربیت. لذا از همین‌جا به انحراف فکری اینها می‌شود پی برد.

علت اینکه ملی‌گرایان در پیروزی انقلاب با ما همگام شدند و بعد از انقلاب هم مسئولیتهایی را پذیرفتند، بسیار روشن است. برای این بود که اینها فکر می‌کردند مقام رهبریت و روحانیت کم‌کم به دست آنها تضعیف می‌شود و به جایی می‌رسند که می‌توانند روحانیت را در جامعه منکوب کنند؛ به طوری که دیگر زمام قدرت به طور کامل در اختیارشان باشد. پس هدف ملی‌گرایان این بود که زمام انقلابی را که به دست روحانیت عزیز و رهبر بزرگوار انقلاب به وجود آمده، به دست بگیرند و روحانیت را کنار بزنند و نقشه‌های عجیبی در این زمینه داشتند؛ نظیر اعتراض دائم به مسائل دادگاهها. فکر می‌کردند اینها دادگاههای آدم‌کشی است؛ در حالی که دادگاههای اسلامی بود و حکم کیفری اسلام را پیاده می‌کرد و این‌طور نبود که مسئله دادگاه آدم‌کشی باشد؛ ولی برای حفظ موقعیت خود و برای از بین بردن موقعیت روحانیت، مکرر در مکرر به همین دادگاهها اعتراض می‌کردند... .

پیام انقلاب: با توجه به اینکه حضرت‌عالی عضو مجلس خبرگان هستیید، نقش این مجلس و مردم را در مورد مسئولیتهای خودشان و تعیین مقام رهبری بفرمایید.

مجلس خبرگان مشخص است که یک اساس مهم برای تداوم انقلاب دارد؛ چون قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پایه و اساس را روی ولایت فقیه و رهبری فقیه

قرار داده. با توجه به این مسئله، همان‌طوری که انقلاب ان‌شاء الله تداوم پیدا می‌کند، مقام رهبری هم باید تداوم پیدا کند و پیداست که تداوم مقام رهبری به این است که ان‌شاء الله تا سالهای زیاد از نعمت وجود امام برخوردار خواهیم بود، ولی بالأخره این جمهوری اسلامی تا انقلاب جهانی حضرت بقیه الله ان‌شاء الله ادامه پیدا می‌کند و لازمه ادامه این انقلاب این است که مسئله رهبری همین‌طور ادامه پیدا کند. مجلس خبرگان به عنوان پشتوانه مقام رهبری است و اینکه در زمان انتخابات خبرگان، نغمه‌های شومی مجلس خبرگان را به عنوان تضعیف مقام رهبری معرفی می‌کرد، مسئله کاملاً برعکس است. مجلس خبرگان آینده مقام رهبری را تضمین می‌کند و پشتوانه انقلاب است و در حقیقت مردم با وجود این مجلس، در مورد به آینده انقلاب هیچ‌گونه نگرانی ندارند. برای اینکه نسبت به آینده انقلاب، مجلس خبرگان مقام رهبری را تضمین کرده. ان‌شاء الله تا امام حیات دارند، شخص شخیص امام واجد این مقام والا هستند. خدای نخواستگه اگر روزی حادثه‌ای پیش بیاید، مجلس خبرگان، رهبری را به عنوان جانشین امام معرفی می‌کند و پشتوانه انقلاب خواهد بود.

پیام انقلاب: اگر خاطراتی از علمای هم‌دوره خود و شخصیت‌های مملکتی در حال حاضر دارید، بفرمایید؛ خصوصاً شهید حاج سید مصطفی خمینی که هم‌مباحثه در دروس شما بودند.

به لحاظ اینکه ما همیشه با مرحوم حاج آقا مصطفی خمینی نزدیک بودیم و از همان دوران دبستان و رشته روحانیت با ایشان بودیم، خاطرات زیادی دارم. یکی از خاطرات من که شاید به عنوان خاطره نباشد ولی فضیلتی از ایشان را بیان می‌کند، این است که ایشان چه در دوران قبل از شروع مبارزه پدر بزرگوارش و چه در دوران شروع مبارزه، چه در ایران و چه در موقعی که در نجف زندگی می‌کردند، با ایشان بودیم، زندگی داخلی ایشان در یک سطح بسیار بسیط و عادی بود. زندگی ایشان در تمامی این ایام اصلاً از صورت یک طلبه عادی متوسط خارج نمی‌شد؛ چون ایشان به آن‌گونه زندگی‌ها هیچ دل بستگی نداشت. آنچه مورد علاقه ایشان بود، یکی مسئله جهات علمی و یکی هم مسائل مربوط به مبارزه بود. در غیر این دو مسئله هیچ فکر نمی‌کرد و نمی‌اندیشید. لذا این فضیلت ایشان مرا مجذوب کرده بود و حالا هم هنوز تحت تأثیر آن جاذبه قرار دارم. وصیت‌نامه‌ای که بعد از وفات

ایشان به دست آمد، حکایت از این معنا می‌کرد: اولاً؛ خود آن وصیت‌نامه مشعر به این است که به ایشان الهام شده بوده که وفاتش قبل از پدر بزرگوارش است؛ چراکه در آن وصیت‌نامه وصی خود را والد بزرگوارش قرار داده و عبارت از این است که الهامی به ایشان شده بود. ثانیاً؛ ایشان در آن وصیت‌نامه تصریح می‌کند که من از مالیه دنیا هیچ چیز غیر از یک مقدار کتاب علمی ندارم، که آن را هم اگر فرزندم حسین طلبه شد، در اختیارش قرار بگیرد و اگر طلبه نشد، به کتابخانه مدرسه آقای بروجردی در نجف منتقل کنید.

این از یک آقازاده و در حالی که در آن ایام شاید شهریه امام در نجف متجاوز از دو یا سه میلیون بود، یک چنین مسئله‌ای جداً درسی است برای انسان. از نظر فضیلت علمی به نظر من سالیان دراز بود که مرحوم حاج آقا مصطفی یک مجتهد مسلم کامل و صاحب نظر در فقه، اصول، فلسفه، رجال، تفسیر و سایر علوم اسلامی بود؛ ولی از نظر مالیه دنیا چنین مسئله‌ای را در وصیت‌نامه ابراز می‌کند و این خیلی آموزنده است.

خاطره‌ای از مرحوم حاج آقا مصطفی به یادم آمد بدین مضمون که به دنبال تبعید امام به ترکیه، آقای حاج آقا مصطفی بازداشت شده و حدود دو ماه در زندان بودند. البته تأییراتی هم در این دو ماه روی افراد چپ‌گرا گذاشته بودند و آنها را به اسلام متمایل کرده بودند. بالاخر در زندان از طرف سازمان امنیت با ایشان صحبت شد که شما می‌توانید از زندان آزاد شوید، مشروط به اینکه به همان ترکیه پیش پدرتان بروید. ایشان هم این شرط را می‌پذیرد؛ لیکن اضافه می‌کند که پس من چند روزی به قم بروم و آن وقت به ترکیه می‌روم. او را آزاد کردند و ایشان به قم آمدند و با استقبال عجیبی از مردم روبه‌رو شدند؛ با اینکه ایشان بدون اطلاع در بدو ورود به حرم مطهر رفتند و به محض اینکه مردم از این واقعه اطلاع پیدا کردند، جمعیت کم‌سابقه‌ای در همان صحن مطهر ایشان را استقبال کرد. در چند روزی که ایشان در قم بودند، با دوستانشان و ما صحبت می‌کردند که من قول داده‌ام بعد از چند روز به ترکیه بروم و استمراج می‌کردند که آیا این کار صلاح است یا نه؟ دوستان ایشان به مناسبتی که بیت امام خالی بود و گرداننده معتبری نداشت، مصلحت را در این می‌دیدند که ایشان در قم باشند و به آن تعهد رفتار نکنند. با اصرار دوستان ایشان تصمیم گرفتند که در قم بمانند و با نبودن پدر بزرگوارشان، بیت امام را از هر نظر اداره

کنند. تا اینکه یک روز ظاهراً سرهنگ مولوی تلفنی با ایشان تماس گرفت و خیلی با شدت و حرفهای زشت و حتی رکیک گفت: تو مجبوری به ترکیه بروی. ایشان هم پاسخ داد و ناسزاهای او را به او برگرداند و گفت: به هیچ وجه به ترکیه نمی‌روم و می‌مانم. بعد از آنکه یک ساعت از تلفن گذشت و ما هم همراه ایشان در بیت امام نشسته بودیم، ناگهان رئیس ساواک امنیت قم شخصاً وارد شد و به ایشان گفت: پاشو برویم؛ مجبوری که بروی. ایشان را از همان داخل منزل امام بازداشت کردند و به تهران بردند و به ترکیه فرستادند و به پدر بزرگوارشان ملحق کردند.

بعد از این جریان ما در عراق ایشان را زیارت کردیم و از جریان تبعید به ترکیه از ایشان پرسیدیم. ایشان گفتند: اتفاقاً این تبعید من، از نظر امام بسیار مفید بود؛ برای اینکه هم انسی برای امام بودم و ایشان را از تنهایی بیرون آوردم و هم امام از غذاهای آنجا استفاده نمی‌کردند و علاقه‌ای نداشتند، سعی می‌کردم همان غذاهای ایرانی که معمولاً امام با آنها آشنایی داشتند، برایشان تهیه کنم و این رفتن من به ترکیه با اینکه خلاف میل من و مصلحت‌اندیشی دوستان بود، تصادفاً خیلی به مصلحت امام بود.

تا اینکه بنا شد ما را از ترکیه به عراق منتقل کنند. ایشان ادامه داد: با امام مطرح کردیم این انتقال ما به چه صورت است؟ در عراق هم مثل ترکیه تحت نظر و بازداشت هستیم یا در عراق می‌توانیم به صورت آزاد زندگی کنیم؟ صحبت شد که از چه راه ما می‌توانیم این مسئله را کشف کنیم؟ بعد متوجه شدیم موقعی که می‌خواهند ما را به هواپیما سوار کنند و به عراق منتقل نمایند، اگر گذرنامه ما را در اختیار خودمان بگذارند، دلیل بر این است که در عراق مثل ترکیه نخواهد بود و آزاد خواهیم بود وگرنه معلوم می‌شود همان‌طور که در ترکیه تحت مراقبت شدید بودیم، در عراق هم همین‌طور است. اما موقعی که سوار هواپیما شدیم، گذرنامه‌های ما را در اختیارمان گذاشتند. آن موقع احساس کردیم که زندگی ما در عراق غیر از زندگی در ترکیه است. این خاطره و خاطرات زیاد دیگری از ایشان هست که فعلاً مجالی برای ذکر آنها نیست.

در مورد استاد شهید مرحوم مطهری هم ضمن آنچه در باره ایشان نوشته شده، همه جهات مشخص شده است؛ اما چیزی که من می‌توانم بگویم و شاید کمتر کسی را در این

جهت مانند ایشان دیده باشم، مسئله دل‌سوزی استاد شهید برای اسلام بود. تمام هدف و هم و نیت ایشان این بود که اسلام را به جامعه معرفی کند و مردم را جذب اسلام کند. لذا می‌بینید در نوشتجات و در سخنرانیها، خاصه سخنرانیهایشان که گاهی توأم با یک احساساتی است، پیداست که از عمق قلب به این معنا توجه دارد که باید هرچه بیشتر و هرچه بهتر اسلام برای مردم معرفی شود. یاد دارم در سفری به مشهد، در مسجد گوهرشاد خدمت ایشان رسیدیم. بعد از احوال‌پرسی به ایشان پیشنهاد کردم: شما در مورد مسائل اسلامی و فلسفه اسلام کتاب زیاد نوشتید؛ ولی کتابی که اصول پنجگانه مذهب تشیع را، آن‌هم به صورت روشن و مستدل که حدود سی‌صد، چهارصد صفحه باشد و هر جوان دبیرستانی و دانشگاهی که بخواهد به تمام این اصول پنجگانه آشنا باشد، بتواند ظرف یکی دو ماه آن را مطالعه کند و معتقد بشود، نوشته نشده. خوب است شما چنین کتابی هم بنویسید. ایشان فکری کرد و گفت: تذکر بسیار خوبی به من دادید و من تا به حال در این فکر نبودم. سعی می‌کنم ان‌شاء الله این کتاب را بنویسم. بعد از مدتی ایشان را دیدم و مجدداً اشاره کردم که آن پیشنهاد را دنبال کنید؛ چون مسئله بسیار ارزنده است. ایشان قول دادند و گفتند که صد درصد این کار را تعقیب می‌کنند. من کتابهای ایشان را بسیار ارزنده می‌دانم و بر این عقیده‌ام کتابی که حتی یک واو کم یا زیاد ندارد و در تبیین مسائل اسلامی و فلسفی در سطحی که برای همه قابل استفاده باشد، کتابهای ایشان است.

اما در مورد شهید مظلوم دکتر بهشتی باید عرض کنم که او در دوران تحصیل در حوزه علمیه قم، به قدری رشد داشت که اگر آن رشته را کاملاً تعقیب می‌کرد، جداً یکی از مراجع بسیار بزرگ و باعظمت عالم تشیع می‌شد؛ چراکه در همان اوان که شاید هنوز محاسن ایشان نرویده بود، از استعداد بسیار قوی برخوردار بود؛ به طوری که در درسها شاید اساتید در مقابل اشکالات و سؤالات ایشان، گرفتار بودند و این کاشف از شدت استعداد اوست. در اینجا یک خاطره جالبی به نظرم آمده که مربوط به مرحوم بهشتی و برادرمان آقای رفسنجانی می‌شود. یک روز از مدرسه فیضیه با مرحوم بهشتی دو نفری بیرون آمدیم. جلو درب مدرسه آقای هاشمی رفسنجانی و آقای ربانی املشی ایستاده بودند و با هم صحبت می‌کردند. آقای بهشتی از من سؤال کرد: این شیخی که با آقای ربانی

مشغول صحبت است، کیست؟ گفتیم: به او آشیخ اکبر هاشمی رفسنجانی می‌گویند. ایشان گفت: من یک منبری از این آقا دیدم و روی حساب آن منبر می‌گویم که او در آینده یکی از بزرگان خواهد شد. در باره این آقای هاشمی این‌طور فکر می‌کنم؛ چون دیدم منبر او غیر از منبر خیلی از طلبه‌هاست و در سطح خیلی بالایی صحبت می‌کند و کاشف از فکری بلند در اوست.

همان روز حدس می‌زد که او در آینده یکی از شخصیت‌های بزرگ خواهد شد و خوب مطلب هم دیدیم که همان‌جور شد. مرحوم بهشتی اعتقاد کامل به انقلاب داشت و در عین حال که سالها در اروپا زندگی کرده بود و جداً شاید انسان فکر نمی‌کرد که چنین روحانی‌ای در جهات عبادی با این حالت تعبد باشد؛ ولی من شاهد بودم در آن ایامی که امام بنا بود از پاریس تشریف بیاورند و بختیار جلوگیری می‌کرد و ما در تهران در همان مدرسه علوی روی این موضوع خیلی فکر می‌کردیم که چه بکنیم؟ تصمیم آقای مطهری، آقای بهشتی، آقای منتظری، آقای مشکینی و دیگر دوستان بر این شد که یک تحصنی در مسجد دانشگاه انجام بگیرد. این تحصن تصویب شد.

صبح مینی‌بوس آوردند و حدود هفده نفر در آن سوار شدند که در رأسشان استاد شهید مطهری بود و دیگر دوستان و بنده هم بودیم. ماشین به سوی دانشگاه حرکت کرد. نزدیک درب دانشگاه مرحوم استاد مطهری پیشنهاد کردند که برای ورود به دانشگاه خوب است تکتک وارد شویم؛ چون به حال اجتماع پلیس ممانعت می‌کند. این پیشنهاد پذیرفته شد و ما تکتک وارد شدیم. البته جلوتر از همه استاد شهید مطهری، بعد از آن به حال اجتماع رفتیم به طرف مسجد دانشگاه. جلو درب مسجد یک جمعیتی که نمی‌دانم به چه مناسبتی جمع شده بودند، مشاهده کردیم. همان‌جا مرحوم شهید استاد مطهری بالای پله رفت و اعلام کرد: بدانید، ما برای ممانعت از آمدن امام به ایران از این لحظه در مسجد دانشگاه متحصن هستیم. بعد وارد مسجد شدیم. از ظاهر مسجد پیدا بود که آن را سالها گرد و غبار پوشانده و بسیار کثیف بود. دستور دادیم مسجد را تمیز کردند و همان تحصن معروف دانشگاه از همان لحظه شروع شد و کم‌کم تعداد متحصنین اضافه شد تا در یکی، دو روز آخر به جایی رسید که فضای دانشگاه هم ظرفیت مردم را نداشت.

ما شیها در یک اتاقی استراحت می‌کردیم. البته شب اول توأم با تیراندازیها و درگیریهای جلو دانشگاه بود و بعد هم منتقل شد به داخل دانشگاه؛ به طوری که تقریباً همه اطمینان پیدا کردیم که کارمان را همین امشب یکسره خواهند کرد. با اضطراب و ترس در یک اتاق کنار مسجد خوابیدیم. مقصودم این بود که در این چند شب با تمام این اضطرابات و نگرانیها و درگیریها، جداً اول کسی که به عنوان تهجد و نماز شب از جا بلند می‌شد و با کمال متانت و آرامش نماز شب می‌خواند، مرحوم شهید مظلوم بهشتی بود که فکر نمی‌کردم با توجه به اینکه ایشان سالها در اروپا بوده و آن زندگانیها را از نزدیک دیده است، این اندازه به تهجد و عبادت و نماز شب تقید داشته باشد. تا اینکه تحسن پیروز شد و مجبور شدند اجازه بدهند که امام حرکت کنند و ما از همان دانشگاه به استقبال امام رفتیم و جریان استقبال هم کاملاً معلوم است.

پیام انقلاب: اگر پیامی برای برادران سپاه و رزمندگان ما دارید، بفرمایید.

در مورد سپاه پاسداران به نظر من دو جهت چشم‌گیر و قابل توجه است: یکی معنویت حاکم بر سپاه است، که در برخورد با افراد آن، کاملاً مشخص است. تقید اینها به مسائل دینی و احکام الهی و گرایش کامل به اسلام و عشق و علاقه به فراگیری تمام مسائل اسلامی، جداً برای انسان جالب و جاذب است. دومین مسئله، تشکل و سازماندهی فراگیر آن است که در مدت بسیار کوتاه در هر شهر و روستا یک پاسگاه، پایگاه یا ستادی از آنها وجود دارد. چطور در ظرف مدتی بسیار کوتاه اینها چنین تشکل قابل توجهی به دست آوردند و سازماندهی کاملاً باارزشی پیدا کردند؟ این نیست جز برای اینکه اینها هدفی مشخص دارند و خداوند تبارک و تعالی آنها را مورد عنایت قرار داده و در فاصله بسیار کوتاه توانسته‌اند با سازماندهی خودشان بر همه کشور تسلط پیدا کنند و مسائل را زیر نظر داشته باشند.

اما در مورد جبهه؛ جبهه را نمی‌توان به صورت یک جبهه جنگ معرفی کرد. آنجا دریچه‌ای از آخرت، کلاسی برای خداشناسی و راهی برای اسلام‌شناسی است. من دوبار موفق به حضور در جبهه‌ها شدم و بیشتر با برادران سپاه در جبهه تماس یافتیم. اثری که جبهه بر روحم گذاشت و نقشی که در من ایجاد کرد، بسیار مهم و قابل ملاحظه بود.

جبهه را دریچه‌ای به عالم آخرت دیدم و راهی به جهان ابدی یافتیم. دیدم افرادی که در جبهه هستند، کأنه در جهانی دیگر زندگی می‌کنند. یک صفا و توجه کاملی بین آنها هست. یک هم‌فکری و هم‌دردی بین آنها هست که گویی هیچ‌کس برای خودش شخصیتی قائل نیست. در کارها، در غذا خوردن، در رفت و آمدها، در تماسها و فعالیتها هرکس هر مقدار آمادگی و توان در اختیار دارد، در راه خدا بذل کرده، بدون اینکه هیچ توجهی به شخصیت و نیت خودش داشته باشد. جداً معتقدم هرکسی لااقل برای یک بار لازم است سری به جبهه‌ها بزند و این روح ایمان و صفا و برادری و عشق و علاقه به دفاع از حریم اسلام و شهادت در راه خدا را از این جوانان برومند و ارزنده ببیند تا یک مقدار، در روحش اثر بگذارد.

پیامم به جوانان رزمنده خودمان این است که سعی کنند این روحیه ایمان و عشق به شهادت و علاقه به فراگیری مسائل اسلامی و پیاده کردن جهات اسلام روز به روز در آنها قوی‌تر شود؛ چون ان‌شاء الله در آینده نزدیک که این جنگ به نفع اسلام و ایران خاتمه پیدا می‌کند، ما انتظار داریم که جوانان رزمنده ما بعد از فراغت از آن جبهه با مراجعت به شهرهای خودشان و مراکزشان در جبهه‌های تبلیغ اسلام و هدایت مردم و روشنگری جامعه، نقش فعال داشته باشند.

امیدوارم خداوند سایه بلندپایه این نعمت بزرگی را که همه آوازه‌ها از اوست یعنی امام بزرگوار را بر سر همه ما مستدام بفرماید و هرچه بیشتر در فرج بقیه الله الاعظم امام زمان تعجیل بفرماید. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

زندگی‌نامه و آیت‌الله بروجردی^۱

نور علم: اگر در باره سابقه تحصیلی و خاطرات دوران طلبگی و گوشه‌هایی از زندگی گذشته‌تان توضیحاتی بدهید، بسیار ممنون خواهیم بود؟
سابقه تحصیلی حقیر تقریباً به ۴۵ یا ۴۶ سال پیش برمی‌گردد. پس از پایان تحصیلات ابتدایی، که در آن زمان شش سال بود، بلافاصله شروع به تحصیل رشته علوم دینی

۱. نور علم، ش ۳۰، فروردین ۱۳۶۸، ص ۸-۲۳ و ۴۷.

کردم؛ زیرا از همان دوران کودکی علاقه شدیدی نسبت به این رشته در خود احساس می‌کردم. در آن زمان که سالهای حاکمیت طاغوت به شمار می‌رفت، خفقان شدیدی در کشور حکم‌فرما بود. با این حال هر وقت موضوع انشایی به دانش‌آموزان داده و ضمن آن از ما سؤال می‌شد: پس از پایان دوران ابتدایی در چه رشته‌ای ادامه تحصیل خواهید داد؟ با اینکه استعداد فوق‌العاده در علوم جدید از خود نشان می‌دادم و حتی در امتحانات نهایی پایان دوره ابتدایی عنوان رتبه اول در شهرستان قم را احراز کردم و به همین مناسبت کتابهایی که با دست‌خط رئیس آموزش و پرورش وقت توشیح شده بود، از طرف اداره فرهنگ به من داده شد که هنوز هم پیش من موجود است، تمایل شدید خود را به ادامه تحصیل در رشته علوم دینی پس از پایان دوران ابتدایی، پنهان نکرده، آن را با آب و تاب تمام در ورقه انشا شرح می‌دادم.

آن وقتها حوزه، طلاب زیادی نداشت و تعداد کمی در آن مشغول تحصیل بودند. من هم مانند دیگران در همین مدرسه فیضیه که درسهایی در آن تشکیل می‌شد، مشغول درس و بحث شدم. پیشرفت من در دروس حوزه در حد استعداد متوسط و یا کمی بیش از متوسط بود. حوزه آن زمان از نظر استاد خوب و منظم، کمبود داشت. از این رو ما همواره مجبور بودیم اساتیدی برای درسهای مورد نظرمان پیدا کنیم و همواره می‌توانستیم اساتید بسیار خوبی برای خود بیابیم.

اساساً یکی از عللی که در پیشرفت و موفقیت ما در آن روز نقش مؤثری ایفا می‌کرد و با کمال تأسف باید اذعان کنم که امروزه حوزه با کنار گذاشتن آن دچار ضایعه نسبتاً سنگینی شده است، همان مباحثه به اصطلاح بین‌الاثنینی بود و ترتیب آن چنین بود که ما خود را ملزم کرده بودیم درسهای هر روز را شبانه با دقت کامل مطالعه کرده و روز بعد آن را با هم‌مباحثه‌مان که قبلاً برای خود انتخاب کرده بودیم، به بحث و بررسی بگذاریم. بدین ترتیب هراپهامی که ممکن بود در جلسه درس برای ما باقی بماند، رفع می‌شد. از وقتی که مطول می‌خواندم، هم‌مباحثه‌ای انتخاب کردم که تا پایان دوره سطح و حتی قسمتی از خارج، کلیه دروس را با ایشان، بحث و بررسی می‌کردیم. در آن زمان روزهای سرد زمستانی صبح زود هنوز آفتاب بالا نیامده، مجبور بودیم بحثها را در همین ایوانهای بقعه‌های صحن

در آن شرایط سخت و آزاردهنده دنبال کنیم و غیر از این هم چاره‌ای نداشتیم. اما اساتیدم، تا جایی که به خاطر دارم قسمتی از مطوّل و قسمتی از شرح لمعه را خدمت حضرت آیت‌الله منتظری و قسمتی دیگر از شرح لمعه را خدمت آقای شیخ اسدالله نوراللهی نجف‌آبادی - از مدرّسین بسیار ارزنده آن زمان - تتلمذ کردم. این آقا شیخ اسدالله بعداً حوزه را ترک کرد و در شهرستان به ارشاد مردم پرداختند. قسمتی از رسائل و مکاسب را پیش مرحوم آیت‌الله والد و قسمتی را خدمت آیت‌الله آقای سلطانی و قسمتی دیگر را نزد مرحوم آیت‌الله آقا شیخ عبدالمحمدجواد جبل عاملی سدهی و قسمتی دیگر را از محضر مرحوم آیت‌الله شیخ مرتضی حائری استفاده کردیم. اینها آن عده از اساتیدم بودند که به خاطر دارم و احتمال دارد که خدمت عده‌ای دیگر استفاده کرده باشم که اکنون اسامی آنان در نظرم نیست. اما خاطرات دوران تحصیل. مسئله‌ای که از نظر تحصیل در پیشرفت من اثر تعیین‌کننده‌ای گذاشت، این بود که مرحوم حضرت آیت‌الله بروجردی تازه به قم تشریف آورده بودند که روزی به وسیله یکی از آشنایان به یکی از آبادیهای اطراف قم دعوت شدند. در این سفر من هم همراه مرحوم والد که از نزدیکان ایشان بودند، حضور داشتم. در آن روزها مطوّل می‌خواندم. آیت‌الله بروجردی شعری از مطوّل خواند و در باره نکات ادبی آن پرسیدند و من بلافاصله جواب دادم. ایشان مبلغ پنجاه تومان که در آن زمان مبلغی قابل توجه به حساب می‌آمد، به من جایزه دادند و این پیشامد و تشویق آن مرجع بزرگ در روحیه و علاقه‌ام نسبت به درس و دقت بیشتر، تأثیر شگفت‌انگیزی گذاشت.

نور علم: در آن زمان شهریه طلاب چقدر بود؟

به نظرم در آن زمان شهریه کسانی که در درس خارج شرکت می‌کردند و متأهل هم بودند، حداکثر ۴۵ تومان بود.

نور علم: مشهور است اساتید درس خارج شما مرحوم آیت‌الله بروجردی و حضرت امام بودند. ابتدا در مورد حضرت آیت‌الله بروجردی از آن نظر که مرحوم ابویان از نزدیکان ایشان بودند و در باره کیفیت ورود ایشان به قم و تحولاتی که آمدن ایشان در حوزه به وجود آورد و دروسی که شما نزد ایشان تتلمذ کرده‌اید و خاطرات جالبی که ممکن است از آن زمان داشته باشید، توضیحاتی بفرمایید.

اولین درس خارجی که در آن شرکت کردم، خارج فقه حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی

بود که خارج صلات را تدریس می‌فرمودند. من در آن زمان هنوز قسمتی از کفایه را به اتمام نرسانده بودم که صبحها اول وقت در مسجد عشقعلی در خدمت آقا شیخ عبدالمحمدجواد بدان مشغول بودیم و پس از پایان درس همراه استاد در درس مرحوم آیت‌الله بروجردی شرکت می‌کردیم. از اولین روزهایی که در درس ایشان شرکت کردم، به فکر افتادم به دلیل فرار بودن مطالب درس ایشان و برای فراموش نشدن، آنها را به عربی بنویسم و چون اولین باری بود که عربی نوشتن را شروع می‌کردم، این کار برایم خیلی مشکل می‌نمود؛ ولی با توجه به اینکه دست زدن به هر کاری با تصمیمی قاطعانه و ممارست در آن، مشکلات آن را به تدریج از میان بر می‌دارد، شروع به کار کردم. خوشبختانه چون ادبیات عرب را خوب خوانده بودم و به تدریس آن مشغول بودم، با مشکل مهمی در این کار مواجه نشدم. مرحوم والد به مناسبت ایام فاطمیّه مجلس روضه‌ای در منزل ترتیب داده بودند. مرحوم آیت‌الله بروجردی روزی به عنوان شرکت در روضه به آنجا تشریف آوردند. من مشغول پذیرایی از مهمانان بودم همین که مرحوم آیت‌الله بروجردی مرا دیدند با لبخندی خطاب به مرحوم والد فرمودند: فلانی هم در درس شرکت می‌کند؟ تصور می‌کنم کمی سن من باعث تعجب ایشان شده بود. پدرم که متوجه این نکته شده بود، به عرض رساندند که نه تنها در درس شرکت می‌کند بلکه درسهای شما را به عربی می‌نویسد و شنیدن این مطلب تعجب معظمّه را بیشتر برانگیخت و فرمود: امکان دارد این نوشته‌ها را ببینم؟ پدرم به من دستور داد تا آنها را آورده، خدمت ایشان بدهم. معظمّه به مسائل علمی و طلاب علاقه‌مند به تحصیل، توجه خاصی نشان می‌داد و این از خصایص وجودی وی به شمار می‌آمد. در مورد آن عده از طلاب که احراز کرده بودند به راستی اشتغال به تحصیل دارند، از هیچ ابراز عنایتی فروگذار نمی‌کردند و گاهی کمک‌هایی در حق آنها می‌نمودند که کفاف مخارج سالانه آنان را می‌کرد.

خلاصه، نوشته مرا حدود نیم ساعت بدون آنکه با کسی حرف بزند و یا به حرف کسی گوش بدهد، ملاحظه فرمود و تنها در سند روایتی که من از صاحب *وسائل* نقل کرده بودم، اشکال فرمودند که: این روایت طیّ سند دیگری غیر از این سند وارد شده که این اشکال در واقع متوجه صاحب *وسائل* می‌شد. پس از آن هم، همواره مرا مشمول عنایت خود قرار

داده و با کلمات اعجاب‌آمیزی تشویق می‌فرمودند و هرچند وقت یک بار نوشته مرا خواسته و پس از مروری در آن به من پس می‌دادند و پس از آنکه به چهارصد یا پانصد صفحه رسید، دستور دادند که آن را چاپ کنم و جلد اول آن حسب الامر ایشان به نام *نهایة التقریر* که مشتمل بر قسمت زیادی از مباحث صلوات بود، به چاپ رسید و پس از چند سال جلد دوم آن هم آماده و باز حسب الامر ایشان چاپ شد و در حقیقت جلد اول و دوم این کتاب کلیه مباحث صلوات را به استثنای نماز جمعه و نماز مسافر که پیش از من تدریس کرده بودند، در بر می‌گیرد و آن دو مبحث را نیز حضرت آیت‌الله منتظری تقریر کرده بودند که مکرر چاپ شده است و بدین ترتیب دو جلد نوشته من^۱ و نوشته آیت‌الله منتظری مجموعاً کتاب صلوات را از اول تا آخر آن تشکیل می‌دهد.

خلاصه، حدود یازده سال در درس فقه ایشان شرکت کردم که قسمت عمده این مدت صرف تدریس مباحث صلوات شد. ایشان در این مدت مباحث خمس را هم تدریس فرمودند که آن را هم نوشتم و اکنون نیز موجود است؛ اگر چه احتیاج به تجدید نظر دارد و چون یکی از شاگردان ایشان^۲ تقریرات خمس را که انصافاً مفصل‌تر از من هم نوشته بود و به نام *زبدة المقال فی خمس الرسول و آل* به چاپ رساند، دیگر نیازی ندیدم که من هم نوشته خود را در آن زمینه به چاپ برسانم. همچنین در اواخر، کتاب قضا را شروع کردند که به آخر نرسید و قسمتی را که تدریس فرمودند، نوشته‌ام که موجود است.

اما درس اصول ایشان؛ من در مباحث الفاظ شرکت نکردم؛ چون آن وقت در این زمینه هنوز بدان پایه نرسیده بودم که بتوانم در درس ایشان شرکت کنم؛ ولی قسمت اعظم مباحث عقلیه را شرکت کردم که آن را نیز نوشته‌ام و احتیاج به تجدید نظر دارد و نیز در اواخر، درسی در تعطیلات تابستان گذاشتند که در آن «خلل حج» را مورد بحث و بررسی قرار داده بودند که متأسفانه آن هم به آخر نرسید و من آن را هم نوشته‌ام که فکر می‌کنم الآن نیز آن را داشته باشم.

۱. *نهایة التقریر* اولین بار در دو جلد چاپ شد و در زمانهای بعد همان دو جلد در سه مجلد به چاپ رسید.

۲. عالم جلیل سید عباس حسینی قزوینی.

این، همهٔ مسائلی بود که من در مدت یازده سال حضورم در درس ایشان، که آخرش مصادف با پایان عمر پربرکت ایشان بود، از محضر ایشان استفاده کردم. چون حضرت آیت‌الله بروجردی مخصوصاً در هفت، هشت سال آخر عمرشان تنها به یک درس در روز اکتفا می‌کردند و یک درس خوب در روز برای یک طلبه کافی نیست، در فکر شرکت در درسهای دیگر بودم که شنیدم امام بزرگوارمان تازه شروع به تدریس اصول فرموده‌اند. من بدون کوچک‌ترین سابقه‌ای از درس، از طرز بیان و کیفیت القاء مطالب ایشان، در درس معظّم‌له شرکت کردم و پس از چند روز احساس کردم گم‌شده‌ای را که مدت‌ها به دنبال آن به هر دری می‌زدم، پیدا کرده‌ام. ایشان با بیان جالب و فکر صائب خود، بدون هیچ‌گونه اعوجاج و هیچ‌گونه انحرافی از اصل مطلب، آن‌هم با تسلط کاملی که در فنون مختلف مخصوصاً در فلسفه و عرفان و مسائل دیگر داشتند و با توجه به وجود ارتباط کامل میان بعضی از مسائل اصول و فلسفه، مطلب را طوری القا می‌فرمودند که چون آفتاب برای انسان روشن می‌شد.

نور علم: در مورد درس مرحوم آیت‌الله بروجردی نکاتی وجود دارد که یکی از آنها طرز استفادهٔ ایشان از متون اهل سنت است، اعم از روایی و فقهی که الآن نیز در پاره‌ای از موارد معمول است و یکی دیگر نحوهٔ توجه ایشان به اصول و مسائلی است که در این زمینه مطرح می‌شود و نکتهٔ سوم مسئلهٔ ریاست معظّم‌له بر جهان اسلام است که ممکن است جناب‌عالی خاطراتی در این زمینه داشته باشید؛ به خصوص مسئلهٔ دارالتقریب که در زمان ایشان با هدف نزدیک ساختن مذاهب اسلامی به یکدیگر و ایجاد تفاهم در میان آنها فعالیت می‌کرد. پیرامون این مسائل توضیحاتی بفرمایید.

اما در مورد نکتهٔ اول، خصوصیت بحث فقهی آیت‌الله بروجردی این بود که مسائل فقهی را ریشه‌یابی می‌کردند و به همان کیفیتی که در زمان ائمه - علیهم السلام - و یا قدمای فقها مطرح بود، عرضه می‌کردند و به عبارت روشن‌تر از نظر ایشان می‌بایست سابقهٔ تاریخی مسائل و اینکه آن مسائل در چه جوی و با چه خصوصیتی مطرح شده، برای فقیه روشن باشد؛ زیرا اگر این مسائل همین‌طوری چشم بسته و بدون آشنایی با خصوصیات بالا مطرح شده و روایات مربوط به آنها تحت بررسی قرار گیرد، چه بسا که چنین برخوردی نتواند ما را به واقعیت مطلوب برساند. باید دید این مسائل موقعی که در میان مسلمانان اعم از شیعه و سنی خصوصاً در میان فقهای اهل سنت - که در مقابل

اَئمه، عنوان مرجعیت به خود داده و اکثریت معتنا بهی از مسلمین در مسائل شرعیه به آنها مراجعه می‌کردند - به چه صورتی عنوان شده است. در چنین موقعیتی مفهوم واقعی روایاتی که در مقابل نظریات فقهای بزرگ اهل سنت از ائمه - علیهم السلام - صادر شده، برای محقق امروزی روشن می‌شود؛ چنان‌که در باره آیات قرآن با توجه به شأن نزول آنها به خصوصیات و آن مسائلی که زمینه نزول آیه را فراهم آورده، می‌توان پی برد؛ زیرا اگر بدون در نظر گرفتن شأن نزول آیه بخواهیم روی همان الفاظ تکیه داشته باشیم، چه بسا ممکن است از درک واقعیتی که آیه برای آن نازل شده، دور بمانیم. در باره روایات هم، مسئله عیناً همین‌طور است. تحقیق پیرامون روایتی که مثلاً از امام صادق - علیه السلام - در مورد مسئله بخصوصی وارد شده، وقتی ما را به نتیجه مطلوب می‌رساند که بینیم فقهای مسلمین در آن عصر در باره مسئله مزبور چه حکمی داشتند و امام صادق - علیه السلام - در مقابل آنها چه نظری داده و کجای نظر آنها را می‌خواهد خراب کند؟ بدین ترتیب می‌توانیم واقعیت نظر امام - علیه السلام - را بفهمیم و گرنه دقت روی خود روایت و با صرف نظر از کلیه مسائل بالا و بدون اینکه بدانیم روایت در چه عصری و در مقابل چه کسی صادر شده و کدامین فتوا را می‌خواهد رد کند و کدام را تصویب نماید، ما را به عمق مقصود امام معصوم نمی‌رساند.

لذا مرحوم آیت‌الله بروجردی با توجه به این نکات، مقید بودند اول وضعیت مسئله را به همان ترتیب مشخص کنند؛ بدین‌گونه که: آیا این مسئله در آغاز در میان فقهای مسلمین به چه صورتی مطرح شده و فقهای چهارگانه اهل تسنن نظرشان در باره آن، چه بوده و فقهای شیعه چه می‌گفتند و امام صادق - علیه السلام - و روایات شیعه در مقابل فقهای اهل سنت چه مطالبی را می‌خواستند بیان کنند. برای همین ایشان به کتابهای مرحوم شیخ طوسی بویژه کتاب *خلاف* - که مسائل خلافی میان فقهای شیعه و اهل سنت را بیان کرده و اقوال علمای شیعه را با روایات و اجماع و... تأیید فرموده - اهمیت فراوانی می‌دادند؛ زیرا کتاب *خلاف* قدیمی‌ترین منبعی است که ما را به چگونگی طرح و سیر تاریخی مسائل فقهی آشنا می‌سازد. معظم‌له در همین رابطه به قدری برای شیخ طوسی احترام قائل بودند که وقتی عبارتی از کتابهای او و همچنین دیگر فقهای بزرگ شیعه را

قرائت می فرمود، چنان قیافه خاضعانه‌ای به خود می گرفتند که گویی کلام امام - علیه السلام - را نقل می فرمایند. ایشان به کثرت تألیفات شیخ طوسی به دیدهٔ اعجاب می نگریستند؛ چنان که معمولاً در مقابل اشکالاتی که به پاره‌ای از مطالب شیخ طوسی وارد می شد، به دفاع از مقام علمی شیخ برخاسته، می فرمودند: حساب کنید که شیخ طوسی با آن همه اشتغالات و با این تعداد فراوان کتابهایی که در فنون مختلف تألیف فرموده و با در نظر گرفتن سن ایشان مگر چقدر وقت تنها برای همین مسئله داشته است.

نور علم: اولین چاپ کتاب *خلاف* چگونه صورت گرفت؟

کتاب *خلاف* برای اولین بار به دستور مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی پس از مقابله با نسخه‌های متعدد خطی چاپ شد. ظاهراً تفسیر ارزنده و با برکت تبیان هم که اساس تفاسیر شیعه و مرجعی است گران بها برای مفسرین، اولین بار حسب الامر معظم له به چاپ رسید. حتی تفسیر مجمع *البیان* بنا به گفتهٔ مرحوم آقا شیخ محمدحسین کاشف الغطاء در کتاب *أصل الشيعة وأصولها* که در میان تفاسیر شیعه بی نظیر است، ناظر به تفسیر تبیان است و ظاهراً به تعبیر مرحوم آیت‌الله بروجردی خلاصه‌ای است از آن.

خلاصه، روش فقهی مرحوم آیت‌الله بروجردی، فقیه را به سوابق تاریخی و جو مطرح شدن مسائل فقهی و گشت و گذار آنها در طول تاریخ آشنا می کند و برای درک مفاد روایات کمک شایانی به پیوندگان این علم می نماید. درست به میزانی که شأن نزول آیات، مفسرین را به فهم مفاد آیات نزدیک می سازد.

نور علم: در بهره‌گیری از متون فقهی و روایی اهل سنت، آیا هدف منحصرأ آشنا شدن با زمینه‌های صدور کلام معصوم است یا در مورد فقه و همچنین تاریخ اسلام و سیرهٔ رسول خدا - صلی الله علیه وآله - برای تقویت و اثبات نظریات خود، می توانیم به روایات آنها استناد کنیم؟ اگر می توانیم در چه صورتی امکان آن هست؟ آیا می تواند نهایتاً زمینه‌هایی را از لحاظ نقاط اشتراک فرهنگی بین فقه ما و فقه اهل سنت به وجود بیاورد یا نه؟

همان گونه که در علم اصول در باب حجیت خبر واحد تحقیق شده، نوعاً محققین از علمای اصول، که مرحوم آیت‌الله بروجردی نیز از آن جمله بود، حجیت خبر واحد را مقید به عدالت راوی آن نمی کنند؛ زیرا اگر عدالت راوی شرط حجیت خبر واحد باشد، تنها

روایات گروهی از شیعه می‌تواند حجیت داشته باشد. از نظر این محققین حجیت خبر واحد بر بنای عقلا استوار است و در بنای عقلا، چنانچه راوی حدیثی مورد وثوق باشد، همین مقدار در حجیت روایت او کافی است، اعم از اینکه چنین روای ای امامی باشد یا از برادران اهل سنت. با توجه به این مسئله اصولی، نمی‌توانیم از پاره‌ای روایات اهل سنت صرف نظر نماییم؛ چون در میان آنها نیز افرادی موثق، که تعدادشان کم نیست، پیدا می‌شوند. البته ما نمی‌توانیم در مورد جرح و تعدیل راویان، نظریات غیرشیعه را معتبر بدانیم و آن را مبنای عمل خود قرار بدهیم بلکه اگر بر حسب تحقیق خودمان وثاقت راوی را احراز کردیم، دیگر شیعه نبودن وی نمی‌تواند مانعی برای حجیت روایت او به شمار آید و آن وقت فرق نمی‌کند این راوی موثق، حدیثی از رسول اکرم - صلی الله علیه وآله - یا از امیرالمؤمنین - علیه السلام - و یا از دیگر ائمه شیعه برای ما روایت کند؛ چون منتهی‌الیه روایت باید معصوم باشد که چنین احادیثی برای ما قابل استناد است. در کتاب *مسائل* / شیعه روایات زیادی از امام صادق - علیه السلام - و... داریم که راویان آنها از اهل تسنن هستند؛ ولی چون مثلاً شیخ طوسی او را در کتاب *عده توثیق* فرموده، روایتش معتبر و برای فقهای ما قابل استناد است.

خلاصه، مبنای اکثر فقهای شیعه مبنایی نیست که با اتکا به آن بتوان روایات راویان اهل سنت را به طور کلی کنار گذاشت. بدین جهت روایات در مورد احکام، با دارا بودن شرط بالا قابل پذیرش و حجّت است و روایاتی که در ارتباط با تاریخ و تفسیر و امثال آن وارد شده، برای استناد بدان حتی وجود شرط مورد بحث نیز لزومی ندارد؛ زیرا محقق در این زمینه‌ها می‌تواند صحت و سقم مسئله مورد علاقه خود را از قرائن و شواهد دیگر هم به دست آورد. ناگفته نماند که اگر پیرامون این‌گونه علوم نیز روایتی از یک راوی موثق به دست کاوشگری برسد، از نظر عقلایی می‌توان بدان استناد کرد.

نور علم: به نظر شما، فقهای ما در زمانهای پیشین روش شیخ طوسی را رویه تحقیق فقهی خود اتخاذ کرده بودند یا نه؟ اگر ما امروز از روش وی پیروی کنیم، از این رهگذر پیشرفتی برای فقه ممکن است حاصل بشود؟

تا حدّی که مرحوم آیت‌الله بروجردی این روش را مورد توجه قرار داده بودند، نه تنها

مفید بلکه لازم است و خوشبختانه در حوزه علمیه قم البته نه به آن کیفیت بلکه تا حدودی معمول شده است. همچنین در حوزه نجف با اینکه قبل از آیت‌الله بروجردی بهره‌برداری از این روش به هیچ وجه معمول نبود و به منابع فقهی اهل سنت اصلاً توجهی معطوف نمی‌شد، استفاده از آن امروزه معمول شده و فقهای آن حوزه هم مسائل مورد نظر خود را با توجه به فتاوی آنها مطرح می‌نمایند. از نظر من این روش، رویه بسیار خوبی برای تحقیقات فقهی است و در حدودی که مورد عمل مرحوم آیت‌الله بروجردی بود، باید به کار گرفته شود.

بد نیست موردی را که همین‌جا به ذهنم رسید به عنوان مثال به عرض برسانم: در حالات امیرالمؤمنین - علیه السلام - آمده که آن حضرت پس از رسیدن به حکومت، در مقام برشمردن آن مقدار از کارهایی که لازم بود مورد اقدام قرار گیرد، فرمودند: «الزمتُ الناسَ بالجهر بيسم الله الرحمن الرحيم؛ مردم را به بلند گفتن بسم الله در نماز و داشتنم.» حال اگر فقیهی خود این عبارت را با صرف نظر از زمینه‌ها و انگیزه‌های صدور آن مطالعه کند، می‌پندارد امام مردم را در کلیه نمازها حتی در نمازهای اخفاتی نیز به بلند گفتن «بسم الله» واداشته است؛ ولی اگر خصوصیات و شأن صدور این عبارت را در نظر بگیرد، می‌فهمد که مسئله چنین نیست؛ بلکه امام مردم را در همان نمازهای جهری که برادران اهل سنت در زمان خلفای پیش از آن حضرت - به علتش کار نداریم - مقید شده بودند که «بسم الله» را اخفاتی بگویند، واداشته است که با صدای بلند و جهری بگویند. اینجا است که هر محقق می‌فهمد، منظور امام همان نمازهای جهری بوده و به نمازهای اخفاتی اصلاً کاری نداشته است. پس لزوم به کار گرفتن مبنای مرحوم آیت‌الله بروجردی، مستند به این جهت است که در صورت عدم توجه به آن هرگز نمی‌توانیم به مفاد صحیح روایات آشنایی پیدا کنیم؛ مثلاً وقتی ما فهمیدیم ابوحنیفه در مقابل امام صادق - علیه السلام - چه فتوایی داده، آن وقت می‌توانیم مفاد درست روایتی را که در مورد این فتوا از امام صادق - علیه السلام - وارد شده، بفهمیم؛ ولی اگر فتوای او را ندانیم و تنها چشم به الفاظ روایت بدوزیم، چه بسا ممکن است مورد نظر امام - علیه السلام - را نفهمیم. از این

رهگذر لزوم به کارگیری روش مذکور در تحقیقات فقهی تا حدودی روشن می‌شود. اما در باره نکتۀ دوم که فرمودید: ایشان به اصول فقه بی‌اعتنا بودند. برخورد آن مرحوم با اصول را نباید بی‌اعتنایی تلقی کرد؛ زیرا ایشان هم در دورانی که در بروجرد اقامت داشتند، یک دوره اصول تدریس فرمودند که برخی از شاگردانشان تقریرات دوره اصول ایشان را در آنجا نوشته‌اند که احتمالاً مقدمات چاپ آن فراهم شده باشد و هم موقعی که به قم تشریف آورند، به تدریس اصول پرداختند که تا پایان عمرشان تا حد مقدور، آن را ادامه دادند که از جمله خود من قسمتهای اخیر آن را تا اواسط مبحث برائت نوشته‌ام. واقع مطلب آن بود که ایشان گاهی می‌فرمودند: اصول تورم پیدا کرده است و منظورشان رشد نامتناسب و غیرصحیح آن در قبال فقه بود و شاید انگیزه این تعبیر آن بود که عده‌ای از شاغلین به علوم دینی ترجیح می‌دادند که بیشتر عمرشان را صرف بحث و بررسی در مسائل اصول بکنند؛ در حالی که اصول نسبت به فقه جنبه مقدّمی داشته و اصل و اساس کار، فقه است و با این محدودیت عمر، شایسته است بیشترین اهمیت به خود فقه به عنوان ذی‌المقدمه داده شود؛ نه به اصول که مقدمه است.

در اینجا دو مطلب وجود دارد که هر دو باید دقیقاً مورد توجه قرار گیرد: یکی اینکه اندکی از مسائل اصول یا اصلاً ثمره عملی ندارد یا بسیار ناچیز است؛ مثلاً دلیل انسداد، مبتنی بر عدم حجّیت خبر واحد است. بنابراین در صورتی که ثابت شود خبر واحد فی الجمله حجّیت دارد؛ به طوری که می‌توان بیشتر احکام را از طریق آن اثبات کرد، دیگر بحث انسداد یک بحث فرضی بوده و فقیه داعی نخواهد داشت که وقت خود را صرف یک چنین مباحث فرضی نماید، مخصوصاً وقتی که مسائل مشکل و وقت‌گیری هم در آن وجود داشته باشد. البته بی‌تردید بحث و بررسی چنین مسائلی از نظر تجهیز علمی فقیه، مؤثر است؛ ولی با این کمی وقت و وجود مسائل لازم و گوناگون، شاید صحیح نباشد که انسان وقت خود را در آن صرف کند. بنابراین می‌توان گفت که معدودی از مباحث اصول یا بی‌فایده‌اند و یا کم فایده و یا مبتنی بر مسائل غیر قابل قبول مانند مباحث معانی حرفیه؛ چون علاوه بر اینکه دارای بحثهای دامنه‌داری می‌باشند، ثمره عملی معتنا بهی در فقه بر آنها مرتّب نمی‌شود.

همچنین پاره‌ای از بحثهای دیگر که برخی از علمای فن به طور کلی منکر ترتب ثمره‌ای بر آنها شده‌اند، البته به استثنای مسائلی که در بالا بدانها اشارت رفت، دیگر مباحث اصول فی نفسه تنها وسیله تفقه است و به شدت مورد احتیاج فقها است؛ زیرا در تنگناهای فقه، که معمولاً مورد ابتلای فقیه است، قواعد و راه‌حلهایی که اصول ارائه داده از قبیل استصحاب و اصالت حلیت بویژه حجیت خبر واحد و بحثهای عام و خاص و مطلق و مقید و بحثهایی در باره حجیت ظواهر کتاب، جداً به داد او می‌رسند.

در مورد تغییر سیستم علم اصول چه در مقام تدریس و چه در مقام تدوین، عده‌ای به غلط تصور کرده‌اند که پاره‌ای از مسائل که اصلاً ارتباط با فقه ندارد در آن راه پیدا کرده و بر همین مبنا نظریاتی داده‌اند که با حقیقت امر وفق نمی‌دهد. اتفاقاً چندی پیش در جلسه درس اصول هنگامی که بحث در موضوع علم بود، عده‌ای از دوستان بعضی از نظریات جدید را در این زمینه مطرح کردند که مورد بحث و بررسی قرار گرفت و معلوم شد که این نظریات پایه علمی ندارند و اصلاً با نظریات بزرگان علم اصول قابل مقایسه نیستند.

تذکری که خدمت طلاب و فضلالی عزیز حوزه علمیه دارم این است که در دوران تحصیلی خود باید تنها یک دوره اصول بخوانند؛ البته این یک دوره را با تمام تفصیل آن همراه با تحقیق و مطالعه کافی و بحث و بررسی با همکاران علمی خود به پایان ببرند و از گذراندن دوره‌های متعدد در محضر اساتید مختلف خودداری کنند. بدین ترتیب هم وقت خود را بیهوده تلف نکرده‌اند و هم اگر بخواهند حتی به درجه اجتهاد نائل آیند، برایشان کافی خواهد بود.

نور علم: معروف است مرحوم آیت‌الله بروجردی نوآوری‌هایی در زمینه رجال داشتند که در درسشان هم از آنها استفاده می‌کردند.

مرحوم آیت‌الله بروجردی در رجال و به تعبیر وسیع‌تر رجال و اسانید آن، بسیار کار کرده بودند و در این زمینه تألیفاتی هم داشتند که متأسفانه هیچ‌کدام از آنها تاکنون چاپ نشده است. روش ایشان چنین بود که اسانید کتب اربعه مثلاً کافی را با قطع نظر از روایات آن، یکی پس از دیگری بررسی می‌کردند و در هر سندی مشخص می‌کردند که کدام راوی از چه کسی روایت کرده. بعد مجموعه آن قسمت از اسانید کافی را که مثلاً زراره در

آن قرار دارد، یکجا مورد دقت قرار می‌دادند و بدین ترتیب نتیجه می‌گرفتند که کلاً چند راوی از زراره، که هم از امام باقر و هم از امام صادق - علیهما السلام - روایت می‌کند، نقل حدیث کرده‌اند و پس از این بررسیها مثلاً مشخص می‌کردند که در سرتاسر کافی پنجاه نفر از زراره روایت کرده‌اند و سپس به سراغ کسانی می‌رفت که از هر کدام از این پنجاه نفر روایت کرده‌اند و بدین ترتیب عنوانی برای زراره مطرح می‌فرمود و در آن عنوان نیز فصلی همچون «من روی عن زرارة» تعیین می‌کردند و در این فصل راویان از زراره را مشخص می‌فرمود. سپس هر کدام از آنان را طبق حروف ابجد به بحث گذاشته و بحث را در دو مرحله به پایان می‌برد:

الف) من روی هذا الرجل عنه (این راوی از چه کسانی روایت می‌کند).

ب) من روی عن هذا الرجل (چه کسانی از این راوی نقل حدیث نموده‌اند).

نور علم: این روش در کاوشهای علمی چه بازدهی می‌توانست داشته باشد؟

مرحوم آیت‌الله بروجردی به پیروی از روش مورد بحث، تمامی راویان حدیث را از عصر رسول خدا - صلی الله علیه وآله - گرفته تا زمان کلینی - رحمه الله - و امثال ایشان، بر حسب زمان زندگی‌شان در دوازده طبقه قرار داده و روش شناخت بسیار ارزنده و مفیدی به نام طبقات الرجال به وجود آورده بود. با این روش مشخص می‌شد که تنها راویان طبقه دوم، از راویان طبقه اول و طبقه سوم از طبقه دوم و... می‌توانند حدیث روایت کنند و راویان طبقه سوم مثلاً بدون واسطه طبقه دوم از طبقه اول نمی‌توانند روایت کنند؛ البته به ندرت راویانی پیدا می‌شوند که به سبب طول عمر و... از دو طبقه متوالی پیش از طبقه خود می‌توانند نقل حدیث نمایند؛ ولی تعداد این‌گونه راویان بسیار اندک است و اخلاقی به وجود نمی‌آورند. با در دست داشتن چنین روش دقیق و بسیار مفید که در آن جایگاه و طبقه هر کدام از راویان حدیث به طور دقیق مشخص و روشن شده - که او از چه کسانی و چه کسانی از وی می‌توانند حدیث نقل نمایند - توان تحقیق و بررسی ما در اسناد احادیث و ارزش‌یابی و تعیین صلاحیت روایی راویان آن، به مراتب فزونی می‌گیرد؛ مثلاً اگر ما سند روایتی را از کافی در نظر بگیریم، در بدو امر چنین به نظر می‌آید که در این

سند هیچ انقطاع و ارسالی وجود نداشته و هرکدام از راویان آن مستقیماً از راوی قبل خود - که او را درک کرده - روایت کرده و سند را به معصوم رسانده‌اند؛ ولی وقتی طبقه هرکدام از راویان واقع در این سند برای ما مشخص شود، به آسانی می‌توانیم دریابیم که کدام‌یک از آنان صلاحیت نقل حدیث از راوی پیش از خود را - به جهت واقع شدن در طبقه بعد از راوی جلوتر - دارد و کدام فاقد چنین صلاحیتی می‌باشد؛ زیرا موارد زیادی در اسناد و احادیث وجود دارد که در آن مثلاً عمرو از بکر روایت کرده، در حالی که عمرو در طبقه بعد از طبقه بکر قرار نگرفته و حداقل یک طبقه، میان طبقه‌های این دو نفر فاصله وجود دارد. با این حساب می‌توان دریافت که در این سند میان عمرو و بکر، راوی یا راویان دیگری وجود داشته که به عللی حذف شده و در نتیجه ارسالی در سند نیست.

مرحوم آیت‌الله بروجردی در این زمینه خیلی زحمت کشیدند و تألیفاتی هم در این زمینه دارند که مهم‌ترین آنها ترتیب /سانید کافی است که در این اواخر آستان قدس رضوی در صدد چاپ آن برآمد؛ ولی متأسفانه با کسانی که آن را در اختیار دارند به توافق نرسیدند و احتمالاً بنا شده از راه دیگری اقدام کنند تا وسایل چاپ آن را فراهم آورند. مرحوم آیت‌الله بروجردی بی‌علاقه به چاپ تألیفات خود در این زمینه نبودند؛ ولی پیش از اقدام به چاپ آنها به کتابی در رجال به نام جامع الرواة برخورد و پس از مطالعه دریافت که مؤلف آن، قسمت اعظم کارهای ایشان را انجام داده است. برای همین مرحوم آیت‌الله از راه بزرگواری و ایثار که از خصایص اخلاقی ایشان بود، از چاپ تألیف خود منصرف شد و دستور دادند تا کتاب جامع الرواة به جای آن چاپ شود که حسب الامر معظم‌له با طرزى زیبا و متین در دو جلد به چاپ رسید.

اما در مورد توثیق راویان، ایشان نظر خاصی نداشتند و توثیقات موجود در کتب رجال در باره راویان را برای احراز وثاقت راوی کافی می‌دانستند؛ ولی در مورد آن دسته از راویان که در کتب رجال چیزی اعم از قدح و مدح در باره آنها پیدا نمی‌شود، نظر بخصوصی داشتند؛ چون معمولاً محققان به روایات چنین راویانی ترتیب اثر نمی‌دهند؛ ولی مرحوم آیت‌الله بروجردی نکته جالبی در باره آنها تذکر می‌دادند و آن این بود که اگر مشایخ و بزرگان ما از چنین راوی نسبتاً زیاد نقل حدیث نمودند، نفس همین اخذ روایت از وی را

می‌توان دلیل وثاقت او به شمار آورد؛ زیرا اگر کوچک‌ترین تردیدی در وثاقت او وجود داشت، بزرگان ما آن‌هم در موارد متعدّد از وی اخذ روایت نمی‌کردند. اما در مورد تحقیق در وثاقت و عدم وثاقت راوی به صورتی که اقوال مختلف در بارهٔ یک راوی را کنار هم قرار داده و روی آنها بحث و بررسی کرده و سپس نظری بدهند، چنین کاری را انجام نمی‌دادند.

نور علم: مرجعیت مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی مصادف با دورانی بود که پاره‌ای از تحولات سیاسی در کشور ما جریان داشت که مهم‌ترین آنها مسئلهٔ نفت بود. روحانیت نیز در این تحولات نقشی داشتند. حضرت‌عالی به عنوان شاگرد نزدیک آن مرحوم، در مورد موضع ایشان در مقابل این تحولات و یا برخورد ایشان با روحانیت و ملیون و در یک کلمه پیرامون نظریات ایشان در مورد مسائل سیاسی اگر خاطره‌ای دارید، توضیح بفرمایید.

مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی در مقام مرجعیت مطلقهٔ جهان تشیع مطرح بودند؛ یعنی نه تنها شیعیان ایران از ایشان تقلید می‌کردند، بلکه شیعیان سراسر جهان اکثراً مقلد ایشان بودند. بنابراین دارای موقعیت خاصی در جامعهٔ آن روز داشتند. بدین لحاظ در مواقع حساس در مسائل سیاسی روز چه آنهایی که مستقیماً با مسائل مذهبی مربوط می‌شد و چه غیر آنها، دخالت می‌کردند؛ منتها نحوهٔ دخالت ایشان با نحوهٔ دخالت روحانیت در مسائل انقلابی در ایام قبل از پیروزی انقلاب فرق می‌کرد. به نظر من به این دلیل بود که موقعیتها با هم فرق داشتند. موقعی که دکتر مصدق به عنوان رهبر ملیون ایران غوغای نفت را در مملکت راه انداخت و آن مسائل را به وجود آورد، مرحوم آیت‌الله بروجردی با او هیچ‌گونه مخالفتی نکردند بلکه مواردی پیش می‌آمد که به علت همین مسئله و ایستادگی وی در مقابل استعمار انگلستان نسبت به او اظهار علاقه و عنایت می‌فرمودند.

مهم‌ترین جریان سیاسی که مرحوم آیت‌الله بروجردی در مقابل آن قرار گرفت و موضع مشخصی برای خود انتخاب نمود و مخالفت خود را در قبال آن به طور رسمی اعلام فرمودند - و شاید همین، مقدمات وفات ناگهانی ایشان را فراهم آورد - مسئلهٔ اصلاحات ارضی بود. مخالفت ایشان و اهمیت آن، از تعبیر محمدرضا در کتاب *انقلاب سفید* از ایشان، به خوبی روشن می‌شود. او در همان کتاب در قسمت مربوط به زمینه‌های اصلاحات ارضی و کارهای مقدماتی لازم برای اجرای آن، می‌گوید: ما مقدمات کار را در مجلس قانون‌گذاری فراهم می‌آوردیم، که شخصیتی غیرمسئول و کسی که از مسائل دنیا

هیچ اطلاعی نداشت، نامه‌ای به مجلس نوشت و از اجرای این پروژه اصلاحی جلوگیری به عمل آورد.

خلاصه، ایشان در مسائل سیاسی مخصوصاً موقعی که احساس می‌کردند خطری متوجه اسلام شده و جامعه مسلمین را تهدید می‌کند، دخالت می‌کردند؛ ولی جای انکار نیست که گاهی ایادی مرموز ناشناخته، مانع قرار گرفتن ایشان در عمق جریان‌های سیاسی می‌شدند. وقتی که در کشور، محمدرضا به عنوان شاه و با اختیارات نامحدود و لجام‌گسیخته می‌خواست کارهایی را به عنوان اقدامات اصلاحی به جریان اندازد و مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی در مقام مرجعیت مطلقه جهان تشیع در مقابل او قرار داشت، طبیعی است که افراد و عواملی به جنب و جوش می‌افتادند و گاهی نمی‌گذارند مسائل مهم مملکتی آن‌گونه که هست به اطلاع ایشان برسد. با این همه، ایشان در مورد جریان‌های سیاسی کشور حساسیت خاصی از خود نشان می‌دادند؛ مخصوصاً قسمتهایی که به رغم ظاهر قانونی خود برای دست‌یازی به هدف‌های خاص سیاسی به مرحله اجرا درمی‌آمد.

یادم می‌آید در زمان آن مرحوم در جریان بلوایی در ابرقوی یزد، تنی چند از بهاییان آنجا کشته شدند. مرکزیت بهاییان مصرّاً خواستار اعدام قاتل یا قاتلین بود و با این هدف در ادارات بالأخص در دادگاه به فعالیت پرداختند تا بالأخره دادگاه حکم اعدام قاتل را صادر کرد. مطابق برنامه‌ای که بهاییها چیده بودند، قرار شد حکم دادگاه روز نیمه شعبان که روز ولادت حضرت بقیه الله الأعظم - صلوات الله علیه - است، در یزد به اجرا گذاشته شود. مطابق روال قانونی آن زمان، احکام اعدام را شاه می‌بایست امضا کند که به امضای وی هم رسیده بود. مقدمات کار از هر لحاظ فراهم شده بود و فقط منتظر فرا رسیدن روز موعود (نیمه شعبان) بودند که یک روز قبل از آن، به اطلاع حضرت آیت‌الله بروجردی رسید. ایشان تمام قدرت خویش را به کار گرفت و موضوع را بلافاصله به اطلاع شاه رساند. مرحوم آیت‌الله بروجردی شاه را از عواقب وخیمی که اجرای حکم ممکن بود به دنبال داشته باشد، بیم داده بود و شاه ناچار دستور لغو حکم را صادر و در نتیجه متهم تبرئه و از زندان آزاد شد و به قم آمد و خدمت آیت‌الله رسید و مورد عنایت خاص آن مرحوم قرار گرفت.

مصاحبه‌ها ۲۰۳

روی هم رفته می‌توان گفت: آن مرحوم در مسائل سیاسی دخالت داشتند. به عنوان مثال در اواخر عمر شریف ایشان، دولت وقت تصمیم به تغییر خط فارسی از شکل کنونی و تبدیل آن به خط لاتین گرفته بود، طرفداران این امر در مورد آن مقالاتی نوشته و تبلیغات دامنه‌داری راه انداختند تا زمینه را کاملاً آماده کنند و نزدیک بود خط فارسی نیز مانند خط ترکی، لاتینی شود که با مخالفت شدید آیت‌الله بروجردی از انجام آن جلوگیری شد. بالأخره معظم‌له در مسائل سیاسی حادّ دخالت می‌فرمودند؛ منتها نحوه دخالت ایشان با نحوه دخالت روحانیت در جریان انقلاب متفاوت بود.

زندگی‌نامه، امام خمینی، اجتهاد، حوزه و انقلاب^۱

نور علم: جناب‌عالی چند سالی در محضر حضرت امام تتلمذ کرده‌اید. لطفاً در مورد سنوات حضورتان در درس ایشان و همچنین پیرامون خصوصیات درس ایشان و فرق آن با درس‌های دیگر توضیحاتی بفرمایید.

بنده حدود نه سال افتخار حضور در درس‌های خارج فقه و اصول حضرت امام را داشتم. در آن دوران هر روز دو نوبت در درس ایشان شرکت می‌کردم. یکی در درس اصول معظم‌له که از اوایل آن تا آخر مباحث اجتهاد و تقلید شرکت کردم و در فقه نیز مباحث مختلفی - که قسمت عمده آن کتاب طهارت بود - از حضرت ایشان استفاده کردم. علاوه بر این دو درس، در درس خارج فقه مرحوم آیت‌الله بروجردی هم حضور می‌یافتم و شبها هر سه درس را تقریر کرده، ضبط می‌کردم.

در اینجا بد نیست اول به یک نکته در مورد تقریرنویسی معمول در حوزه‌ها اشاره کنم و سپس در مورد خصوصیات درس امام بزرگوارمان مطالبی به عرض برسانیم. سبک تقریرنویسی متداول در حوزه‌ها که آقایان طلاب پای درس استاد قلم به دست گرفته، سخن استاد را می‌نویسند، روش مفیدی نیست؛ زیرا در این صورت تمام هوش و حواس تقریرنویس متوجه سخن استاد است و سعی می‌کند که چیزی از گفته‌های او فوت نشود.

۱. نور علم، ش ۳۲، شهریور ۱۳۶۸، ص ۲۲ - ۵۷. این مصاحبه در زمان حیات امام خمینی انجام شد؛ اما پس از رحلت امام به چاپ رسید. گویا منشأ تعبیری که حکایت از رحلت حضرت امام دارد، تصرف مجله است.

شب هم در منزل اگر بخواهد مثلاً نوشته فارسی‌اش را به عربی تبدیل کند یا مسوده‌اش را پاک‌نویس کند، تمام وقتش صرف همین کار می‌شود. در حالی که مهم برای یک طلبه، آن است که علاوه بر ضبط تمامی گفته‌های استاد در حافظه، باید آنها را با معیارهای فکری مورد قبول خود بسنجد و صحت و سقم آن را از نظر خود تشخیص دهد. خلاصه، باید به همان صورتی که سابق معمول بود، گفته‌های استاد را گوش داده در همان حال روی آنها تحقیق لازم را به عمل آورد؛ یعنی در همان جلسه درس مسئله را تمام کند و شب برای آنکه این مطالب را فراموش نکند، آنها را بنویسد.

اما در مورد چگونگی حضور من در درس حضرت امام. من از درسهای امام تقریباً دو ثلث اصول را به صورت تقریر نوشته و از مطالب فقهی ایشان هم شاید حدود چهار، پنج جلد نوشته باشم. همه اینها آماده‌اند؛ ولی تاکنون هیچ‌کدام به عنوان تقریرات امام چاپ نشده است؛ زیرا تقریرات اصول ایشان را جناب آقای سبحانی چاپ کرده‌اند و با وجود آن نیازی به چاپ تقریرات اصول ایشان به قلم خودم ندیدم؛ اگرچه بعضی از دوستان اصرار به چاپ آن دارند؛ ولی تاکنون تصمیمی نگرفته‌ام و اگر در آینده فرصتی پیش آمد و توفیق تجدید نظر در آن را به دست آوردم، شاید بر چاپ آن اقدام شود. اما مطالب فقهی ایشان به جهت آنکه خود امام شخصاً قسمتهایی از آن را از قبیل دماء ثلاثه و تیمم و نجاسات و احکام آنها را به قلم مبارک خود نوشته و چاپ کرده‌اند، دیگر نیازی به طبع تقریرات ایشان نیست؛ ولی به جای آن در مدت دو سال و نیمی که در یزد تبعید بودم، برای اینکه هم اشتغال علمی داشته باشم و هم برنامه علمی، تحقیقی خود را دنبال کنم، تصمیم به شرح *تحریرالوسیله* ایشان گرفتم؛ زیرا در آن روزها کسانی که با مبارزات انقلابی معظّم‌له مخالفت داشتند، به منظور ناچیز جلوه دادن شخصیت علمی ایشان به هر وسیله‌ای چنگ می‌زدند و فکر کردم تنها پاسخ محکم و مناسب به چنین جوسازیهای ذهنی و تبلیغات زهرآگین، همان شرح *تحریرالوسیله* است و بس؛ زیرا این تنها وسیله‌ای بود که ما می‌توانستیم با آن از شخصیت والای علمی ایشان دفاع کنیم و ضمن آن خدمت ارزنده‌ای هم در جهت پیشبرد مبارزات و اهداف انقلابی ایشان به عمل آوریم؛ زیرا دفاع مؤثر از شخصیت اول و رهبر یک انقلاب، دفاع از خود آن انقلاب است و لذا از سال ۱۳۵۲

شمسی در شهر یزد و در همان حال تبعید، شروع به کار کرده و در این مدت چهار یا پنج جلد آن را تمام کردم و پس از پایان دوران تبعید نیز این کار را دنبال کردم که الآن هم ادامه دارد و تاکنون هفت جلد آن چاپ و منتشر شده است؛ ولی شرح کتاب به طور مرتب انجام نگرفته بلکه سه جلد آن از اول طهارت تا مبحث وضو و یک جلد حدود و یک جلد قصاص و یک جلد اجاره و یک جلد صلوات است - که تقریباً نصف مباحث صلوات را در بر می‌گیرد - و الآن چند جلد دیگر آن هم آماده چاپ است و فعلاً مشغول بحث و بررسی کتاب حج و نوشتن آن هستم و امیدوارم خداوند توفیق و افتخار شرح دوره کامل *تحریرالوسيله* را عنایت فرماید.

اما خصوصیات درس امام. درس امام دو خصوصیت خیلی ممتاز داشت که در کمتر درسی به چشم می‌خورد: یکی بیان ایشان بود که در تفهیم مطلب مهارت اعجاب‌انگیزی داشتند و مطالب خود را خیلی روشن و با عباراتی که برای همه قابل فهم باشد، بیان می‌فرمود؛ به طوری که حاضرین کاملاً و به آسانی مراد ایشان را درک می‌کردند. خصوصیت دوم مربوط به درس اصول ایشان می‌شد. ایشان مبحث اصولی را از ریشه مورد بحث قرار می‌دادند، برخلاف اکثر مدرسین اصول که مطالب و نظریات مطرح از طرف اساتید پیش از خود را به عنوان اصل مسلم در مسئله تلقی کرده، بعد در شاخ و برگهای اشکال و انتقاد می‌کردند. آری، ایشان مسئله را از اساس مورد دقت قرار می‌داد. چه بسا مسائلی که جزء مسائل رایج و از مسلمات اصول به نظر می‌رسید؛ ولی از اساس و از نظر مبنای ایشان، مورد اشکال و مخدوش بود و این به نظر من بسیار مهم بود که گاهی انسان در باره پاره‌ای از مسائل فکر می‌کند که کوچکترین تردیدی در صحت آن راه نداشته باشد؛ ولی غافل از آنکه همین مسائل از پایه متزلزل بود و اصولاً اتکا بدان صحیح نیست. وقتی انسان پای بحثهای ریشه‌ای امام پیرامون چنین مسائلی می‌نشست، آن وقت می‌فهمید این مسائل نه تنها از مطالب مسلم نیست بلکه بر پایه‌های نامطمئن استوار است. خلاصه، روش بحث و بررسی امام بزرگوار در مسائل اصولی ریشه‌ای بود؛ نه بحث برگ و شاخه‌ای.

ایشان در مباحث فقهی روی روایات مربوطه، هم از نظر سند و هم از نظر دلالت دقت

فراوانی مبذول می‌داشتند؛ مخصوصاً در مواردی که روایات متعدّد در مورد آن وارد شده و می‌بایست آن روایات، با هم مورد مطالعه و تطبیق قرار گیرند. در چنین مواردی و در مقام جمع بین روایات از قبیل اینکه فلان روایت شاهد بر فلان روایت و یا بالعکس و... می‌باشد، دقتهای بسیار دقیق و ارزنده‌ای بخرج می‌دادند.

خصوصیت دیگر درس ایشان مخصوصاً در درس فقه جذابیت بیان و سهولت فهم مطالب ایشان بود. بسیار اتفاق می‌افتاد که درس ایشان یک ساعت و بیشتر حتی تا یک ساعت و نیم طول می‌کشید. با این حال نه خودشان احساس خستگی می‌کردند و نه شاگردان ایشان.

اما در مورد مواجهه امام با اشکالاتی که معمولاً در جلسات درس خارج از طرف شاگردان بر درس استاد گرفته می‌شد، عرض می‌شود معظّم‌له بر اساس عنایت خاصی که خداوند به ایشان داشته و الآن هم دارد، از یک استعداد بسیار نیرومندی برخوردارند. ایشان در مواجهه با مسائل براساس استعداد اعجاب‌انگیز خود، روی نکته حسّاس مسئله انگشت گذاشته، فکر شاگردانش را فوراً و به آسانی متوجه همان نکته حسّاسی می‌فرمود که اساس و زیربنای همان مسئله بود. روی همین حساب اکثراً وقتی که مطلبی را القا می‌فرمودند، شاگردانشان با شگفتی می‌فهمیدند که این مطلب را نمی‌توان نپذیرفت و چه بسا سالها بود که با خلاف آن انس گرفته بودند؛ ولی وقتی ایشان در مورد مسئله‌ای نظر خود را با دلیل مطرح می‌کردند، حقیقت حال برای همه روشن شده، در شگفت می‌شدند که چگونه تا حال در اشتباه به سر می‌بردند؛ مخصوصاً در درس اصول در مسائلی که به نوعی با فلسفه ارتباط داشت، از آنجا که ایشان تخصص کامل در فلسفه داشتند، مسئله را طوری طرح می‌کردند و به بحث و بررسی آن می‌پرداختند که کوچک‌ترین جای اشکال برای کسی باقی نمی‌ماند؛ ولی در یک درس شلوغ و پرجمعیت نمی‌شد همه را راضی کرد؛ چون تعداد شرکت‌کنندگان درس در آن زمان - که جمعیت حوزه به مراتب کمتر از حالا بود - شاید متجاوز از چهارصد نفر می‌شد که بدون استثنا از افراد سطح بالا، فاضل، درس‌خوان، دقیق، خوش‌فکر و جوان و علاقه‌مند به ژرف‌بینی در مسائل مورد بحث حوزه بودند. طبیعی است در چنین درسی با این خصوصیات، روزانه تعدادی اشکال از طرح حاضرین در

درس عرضه می‌شد که امام جواب می‌دادند و گاهی هم اتفاق می‌افتاد که بعضیها روی اشکالشان سماجت به خرج می‌دادند که در این موارد حضرت امام با صدای بلند آنها را امر به سکوت می‌کردند؛ زیرا وقتی شخص، لجوجانه اشکال کند و بدون توجه به منطق و دلیل روی حرف خود پا بفشارد، راه دیگری جز این باقی نمی‌ماند.

نور علم: تا آنجا که ما آشنایی داریم حضرت‌عالی در درسهای خود از روش خاص مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی دایر بر استفاده از کتابها و روایات وارد از طرق اهل سنت و فتاوی علمای آنها استفاده نمی‌کنید. بفرمایید در مقام تدریس و بیان مطالب خود معمولاً از روش کدام یک از اساتید خودتان پیروی می‌کنید؟

به لحاظ اینکه من هر دو مکتب را دیده‌ام، تلاشم بر این است که نقاط قوت هر کدام از آنها را رعایت کنم؛ ولی در درس اصول از آنجایی که یک دوره کامل خدمت امام بودم ولی از خدمت مرحوم آقای بروجردی خیلی کم استفاده کرده‌ام، اصولاً بیشتر تحت تأثیر روش تدریس امام بوده‌ام و اسلوب تدریس در این علم تقریباً همان روش ایشان است؛ اگرچه در بعضی جهات با هم فرق می‌کند.

ولی در فقه چون مدت نه سال در درس امام و یازده سال در درس مرحوم آیت‌الله بروجردی شرکت کرده‌ام، از روش هر دو متأثر شده‌ام و روش تدریس من در این زمینه مجموعه‌ای مرکب از دو روش مذکور است؛ لیکن باید اعتراف کنم به حدی که مرحوم آیت‌الله بروجردی در مقام تحقیق و تدریس، به اقوال و روایات اهل سنت می‌پرداختند، من نمی‌پردازم؛ اما تحت تأثیر تربیت این دو بزرگوار، به روایات احکام، اهمیت خاصی می‌دهم؛ زیرا بسیار دیده می‌شود برخی بزرگان به علت عدم دقت کافی در روایات، دچار انحراف در فتوا شده‌اند و در یک کلمه به علت آنکه اساس فقه ما را روایات تشکیل می‌دهد، برای دقت در روایات و درک صحیح مفاد آن اهمیت فراوانی قائلم.

نور علم: با توجه به مسائلی که اخیراً مطرح شده، سؤالی در مورد تعریف اجتهاد داشتیم. سابقاً مسئله اجتهاد توسط برادران روشن‌فکر مذهبی مورد ارزش‌یابی قرار گرفته، نظریاتی هم به عنوان حاصل مطالعات خود داده بودند که پاره‌ای از گروههای مذهبی کشورمان را چه پیش از انقلاب و چه بعد از آن تحت تأثیر خود قرار داده بود. حضرت امام هم خطاب به اعضای شورای نگهبان و اساتید حوزه، نصیحتی پیرامون درسهای طلبگی حوزه و مسائلی که در ارتباط با تغییرات و تحولات فعلی دنیا مطرح است، ایراد فرموده‌اند. نظر حضرت‌عالی در این موضوع چیست؟

در مورد شرایط فعلی آیا اجتهاد یک معنای جدیدی پیدا کرده و یا شرایط خاصی بر شرایط موجود آن اضافه شده؟ باید عرض کنم: نظر شخص امام در بیانات متعدّد، مخصوصاً در بعضی از شرف‌یابیه‌ها که شورای مدیریت حوزه علمیه قم خدمت ایشان رسیده بودند، در این زمینه به صراحت فرمودند: «فقهی که مورد تکیه ما است و به عبارت دیگر نگهبان ما است، همین فقه سنتی و فقه صاحب‌جوهری است.» حتی یک بار فرمود: «اگر روزی همین فقه سنتی از حوزه‌های ما و از جامعه ما برچیده شود، آن روز روز مرگ انقلاب ما خواهد بود.» لذا اصل نظر امام در این زمینه کاملاً روشن و مشخص است؛ لیکن به نظر من اجتهاد دو بعد دارد و این دو بعد را باید از یکدیگر جدا کرد:

یکی از این دو بعد، نفس استنباط احکام الهی از ادلّه آن است؛ یعنی یک فقیه وقتی درصدد برمی‌آید که احکام الهی را از ادلّه آن استنباط کند و در این زمینه تلاش وسیعی به کار می‌برد و اجتهاد می‌کند - که معنای اصلی و شناخته شده اجتهاد هم همین است - در اجتهاد به این معنا، دگرگونی و تحوّل و یا اضافه شدن شرطی جدیدتر بر شرایط آن هرگز قابل تصور نیست و زمان و مکان و یا عوامل دیگر، هیچ‌گونه دخالتی در آن ندارد و نمی‌تواند هم داشته باشد.

بعد دوم آن، اجتهادی است که باید به مرحله اجرا و عمل گذاشته شود؛ یعنی اگر حکومتی، حکومت اسلامی و نظامی، نظام اسلام باشد، چنین حکومت و نظامی باید پس از تشخیص و تعیین آن قسمت از احکام دینی که صلاحیت اجرایی دارند، آن را پیاده کند. اینجا اجتهاد به معنای استنباط احکام از ادلّه مخصوص آن نیست؛ بلکه عبارت از آن است که حکمی را پیاده کنند که در شرایط فعلی و در دنیای پرآشوب کنونی مصلحت جامعه مسلمانها و نظام اسلامی را در بردارد و بالاتر و مهم‌تر از اینها نمایانگر توانایی نظام اسلامی برای اداره جامعه و نشان‌دهنده این حقیقت باشد که حاکمیت بر مبنای اصول اسلامی نه تنها صلاحیت اداره جامعه را دارا است، بلکه می‌تواند به عنوان بهترین روش اداره یک جامعه باشد. اجتهاد در مورد این مسائل تعیین‌کننده، آن است که در مقام تصمیم‌گیری برای اجرای حکم و تطبیق آن با شرایط اجتماعی، کدام یک از احکام الهی باید پیاده شوند؟

بر این اساس امام بزرگوار طی نامه‌ای به اعضای محترم شورای نگهبان فرمودند: «یکی از مسائل بسیار مهم در دنیای پرآشوب کنونی، نقش زمان و مکان در اجتهاد و نوع تصمیم‌گیریها است.» و عطف جمله «نوع تصمیم‌گیریها» به «اجتهاد» نمایانگر همین معنا است. در این بعد اجتهادهای قابل پیاده شدن و اجتهادهایی که در مورد اجرا و تطبیق، انجام گرفته، مطرح است و عبارت «نوع تصمیم‌گیریها» تصمیم در مسائل اجرایی را می‌رساند و گرنه مجتهد در مورد اصل استنباط، تصمیم نمی‌گیرد بلکه فقط استنباط می‌کند و حضرت امام در ادامه سخنان خود خطاب به شورای نگهبان مرقوم فرموده‌اند: «حکومت، فلسفه عملی برخوردار با شرک و کفر و معضلات داخلی و خارجی است.» معنای این جمله این نیست که شورای نگهبان از اجزای حکومت نیست؛ زیرا شورای نگهبان هم جزئی از حکومت بوده و برای حفظ و اجرای مقاصد آن تشکیل شده است. پس شورای نگهبان نه تنها به عنوان استنباط‌کننده احکام مطرح است، بلکه به عنوان اینکه در شرایط فعلی کدام‌یک از احکام الهی به منظور مبارزه با شرک و کفر جهانی و حل معضلات داخلی و خارجی لازم الاجرا است، به وجود آمده است. بدین جهت در اینجا منظور از اجتهاد در کلام ایشان، نوع دوم آن است که در حقیقت به معنای نقش زمان و مکان در تطبیق یک حکم می‌باشد.

نور علم: از توضیحات حضرت‌عالی روشن شد که اجتهاد دو بعد کاملاً متمایز از هم دارد و در اجتهاد به معنای متعارف آن، شرایط زمانی و مکانی هرگز نقشی ندارد. در اینجا نکته‌ای باقی می‌ماند و آن اینکه از زمان ائمه - علیهم السلام - و اصحاب ایشان تا به حال مکاتب مختلف فقهی در میان شیعه به وجود آمده است. به عبارت دیگر در این فاصله زمانی، فقه شیعه مراحل مختلفی را پشت سر گذاشته که این مراحل به هر حال با هم اختلاف دارند؛ مثلاً در زمان ائمه توجه به متون اخبار و یک برداشت ساده و اوّلی در فهم حکم کافی بود و بعدها به مرور زمان و به تدریج، به خصوص از زمان شیخ طوسی به این طرف، اجتهاد و استنباط و دقت در مفاهیم احادیث و سنجش آنها شروع شده و با پیشرفت زمان، این اجتهاد و استنباط، شکل پیچیده‌تری به خود گرفت. به نظر حضرت‌عالی دلیل این سیر و تحول در فقه چه می‌تواند باشد؟ آیا این دگرگونی و تکامل استنباط، به دلیل نقش زمان و مکان در آن نبوده است؟

البته ما انکار نمی‌کنیم که فقه شیعه در طول زمان در جاده تکامل پیش رفته و مخصوصاً در عصر حاضر توسعه و پیچیدگی عجیبی پیدا کرده است و مطمئناً در آینده نیز همچنان

به توسعه و تکامل خود ادامه خواهد داد. معتقدم اگر امروز فقه شیعه با تمام تفصیل آن نوشته شود، کتابی با حجم دو یا سه برابر جواهر به وجود می‌آید. این حقیقت برای من از مراجعه به جواهر و مقایسه آن با مسائل موجود روز ثابت شده است؛ مثلاً کتاب جواهر در مسئله مزاحمت دین و حجّ یک صفحه بحث کرده، در حالی که همان مسئله با شاخ و برگها و فروعی که اکنون پیدا کرده، حدود پانزده الی بیست صفحه بحث لازم دارد. در توسعه و تکامل فقه شیعه، مسائلی از قبیل شکوفا شدن استعدادها در طول زمان، کثرت وسائط میان ما و ائمه هدی - علیهم السلام -، وجود اخبار مجعوله در زمانهای پس از عصر ائمه و وارد شدن احادیث موضوعه از قول ائمه معصومین - علیهم السلام - در احادیث آنان، دخالت دارند. روشن است که این مسائل و نظائر آنها در طریق استنباط احکام از ادله و منابع آن، بحثهای مفصلی را به وجود آورده و با پیشرفت زمان به موازات پیدایش مسائل دیگری از این قبیل بحثها، طول و تفصیل بیشتری پیدا خواهد کرد؛ ولی این به آن معنا نیست که شرایط فرق کرده و امور دیگری غیر از مسائل سابق در اجتهاد نقش پیدا کرده است. نوع استنباط فقهای امروز همان استنباطی است که تقریباً صد و چهل و چند سال پیش صاحب جواهر انجام داده است و تنها تفاوت این است که در این فاصله به علت پیدایش عواملی از جمله شکوفایی استعدادها، بحثها و دقت نظرها در مورد مسائل، توسعه بیشتری یافته است. طبعاً در این میان یک سری مسائل جدید هم پیدا شده که ما امروز، حکم همین مسائل جدید را با استفاده از اصول و کلیات فقهی که از گذشتگان به ما رسیده، استنباط می‌کنیم و گرنه در خود فقه بما هو فقه، مسائل جدیدی به وجود نیامده است.

در اینجا بد نیست خاطر نشان کنم بعضی از افرادی که خود را در مراتب عالیّه فضل می‌دانند، بدون سر سوزنی اطلاع از فقه اسلامی ادعا می‌کنند که اجتهاد مبتنی بر آشنا بودن به کلیه معارف بشری و یا بر تخصص داشتن در همه آنها است و کسی که در کلیه معارف بشری به درجه تخصص نرسیده، هرگز نمی‌تواند اجتهاد بکند. این حرفها ناشی از کوتاه‌نظری و بی‌اطلاعی از فقه اسلامی و مسائل آن است. فقاقت آن‌هم در افراد صالح و آماده و با استعدادهای قوی، حداقل ۲۵ سال وقت لازم دارد که زحمت بکشند تا بتوانند به

مرتبه اجتهاد نائل شوند. اجتهاد با تمام معارف بشری ارتباطی ندارد و فقط علوم خاصی از قبیل ادبیات عرب و رجال و درایه و اصول و فقه و... در آن نقش دارند؛ مثلاً استنباط حکم وضو از آیه وضو چه ارتباط با جانورشناسی یا ریاضیات دارد؟ این حرفها اگر نگوییم از یک سری اغراض سیاسی خاصی در جهت دشمنی با روحانیت سرچشمه گرفته، ناشی از بی-اطلاعی از فقه اسلامی خواهد بود. پاره‌ای اشکالات بر فقه شیعه در بعضی از مقالات، از این قبیل است. آنها می‌گویند: در فقه شیعه توجهی به کتاب خدا نشده و یا مسائل، به صورت قطعی مطرح نشده است. فردی که حداکثر، *رسائل* و *مکاسب* خوانده، آیا صلاحیت اظهار نظر در فقه و فقاہت دارد؟

نور علم: در فاصله ده سال برخورد فقه با شرایط اجتماعی، دو مسئله در جامعه اسلامی ما مطرح شده است. هرچند به یکی از آنها در فرمایشات حضرت عالی تقریباً پاسخ داده شد؛ ولی اگر توضیح بیشتری داده شود بهتر است.

مسئله اول آن است که در طول ده سالی که از اول انقلاب می‌گذرد، همواره با مشکلی در حوزه مواجه بوده‌ایم و آن این است که عملاً در مورد پاره‌ای از مسائل به خصوص مسئله زمین اختلافات زیادی با هم داریم؛ چنان‌که گاهی احساس می‌شود که این‌گونه پاسخ‌گویی و برخورد با مسائل اجرایی به صورت مشکل‌لاینحلی درآمده است و شاید تحلیل بعضی این باشد که ما در حل مشکلات قانونی و حقوقی کشور اسلامی خود چندان موفق نبوده‌ایم. سؤال این است که نظر حضرت عالی در مورد این مسئله چیست؟

مسئله دوم این است که: چنان‌که خودتان مستحضرید، درسهای حوزه فعلاً و به طور عمده روی محورهایی می‌چرخد که خیلی جنبه عملی ندارد به خصوص جنبه‌هایی که ما نیاز داریم. توضیح بفرمایید که اصولاً چه راههایی برای در خط عمل انداختن حوزه وجود دارد و تصورات واهی دشمن را چگونه می‌توانیم از بین ببریم؟ آیا خود حضرت عالی در درسهایتان به عنوان یکی از درسهای حوزه توجهی به این واقعیت داشته‌اید یا نه؟

به نظر من قرار دادن کارهای حوزه بر این پایه که چه چیزی قابل پیاده شدن است و چه چیزی نه، اصولاً کار درستی نیست؛ زیرا موقعیت حوزه یک موقعیت اجرایی نیست. موقعیت آن موقعیت استنباط و اجتهاد و رسیدن به احکام الهی در مورد موضوعات خود می‌باشد و از حوزه غیر از این انتظار نباید داشت؛ البته نمی‌خواهم بگویم: حوزه در جنبه‌های تربیتی و تبلیغ و ترویج نباید نقشی داشته باشد، بلکه می‌گوییم در مورد فعالیت‌های علمی آیا علومی باید در حوزه تدریس شود که بلافاصله قابل پیاده شدن و آماده اجرا باشد؟ این انتظار از حوزه انتظاری است غلط.

نور علم: به طور کلی از لحاظ اجرایی ضرورت عدم مشکل مطرح است. این از لحاظ اجرایی که می‌فرمایید درست است؛ ولی این بدین معنا است که آنهایی که پستهای اجرایی را به عهده گرفته‌اند، باید شرایط اجرایی را در نظر بگیرند؛ چنان‌که امام بزرگوار فرمودند: «زمان در نوع تصمیم‌گیریها نقش دارد.» و این بیانی است بسیار متین.

نور علم: منظور اشخاص نبود بلکه آن دسته از مسائلی است که باید در حوزه در درجه اول اهمیت قرار بگیرد؛ مانند مسائل مربوط به حکومت و مسائل مربوط به زمین و غیره. شما به مسائلی اشاره کردید که بعد از بحث و بررسیهای لازم پیرامون آنها و نتیجه‌گیریهای صحیح براساس روشهای علمی، باید به وسیله قدرت اجرایی کشور اجرا شود و تحقق پیدا کند. واقعیت این است که برای رسیدن به این هدف پس از پیروزی انقلاب، مسائلی در حوزه مطرح شد که پیش از آن اصلاً مطرح نبود یا خیلی به ندرت در معرض بحث قرار می‌گرفت؛ مانند مباحث حدود، دیات، قصاص و قضا که جلسات متعدد تدریس در این زمینه از مراجع گرفته تا سطوح پایین‌تر، ترتیب دادند و همچنین در مورد بحث ولایت فقیه درسهای فراوانی در حوزه تشکیل شد که مهم‌ترین آنها درسهای حضرت آیت‌الله آقای منتظری بود که دو جلد از بحثهای ایشان در این زمینه تا به حال چاپ و منتشر شده و دنباله آن هنوز هم ادامه دارد و بحثهای دیگری مانند اقتصاد اسلامی که مدیریت حوزه آن را به عنوان یکی از درسهای جنبی در برنامه تحصیلی طلاب قرار داده و آنها را موظف کرده که آن را تا مقدار معینی مورد بحث و مطالعه قرار دهند. تعداد افرادی که در این زمینه کار کرده و تألیفات ارزنده‌ای ترتیب داده‌اند، در حوزه کم نیستند. خلاصه، انکار نمی‌توان کرد که پس از پیروزی انقلاب، تحول عجیبی در این زمینه‌ها در حوزه به وجود آمده است.

اما اگر بخواهیم دیگر بحثهای فقه را کنار بگذاریم و تنها به این مسائل بپردازیم، دیگر نمی‌توان در حوزه مجتهد تربیت کرد؛ زیرا کسی که می‌خواهد تا نیل به درجه اجتهاد پیش برود، باید به اکثر ابواب فقه احاطه داشته باشد؛ درس خوانده باشد؛ مطالعه و مباحثه کرده باشد و گرنه اگر قرار باشد هر طلبه درس خارج را موظف کنیم تنها در مسائل مورد ابتلای روز از قبیل اقتصاد و قضا و حدود و ولایت فقیه به تحقیق و بررسی بپردازد، دیگر تربیت

مجتهد در حوزه امکان‌پذیر نخواهد بود؛ منتها آنچه هست باید به موازات بحث‌های اصلی، این بحث‌ها هم دنبال شود که بحمدالله تا حد خوبی هم دنبال می‌شود. حالا اگر گفته شود: کمی بیش از این باید به این مسائل پرداخته شود، چنین انتظاری قابل قبول است و اشکالی ندارد که پس از این تلاش شود به این انتظار ترتیب اثر داده شده و به مقدار لازم به این‌گونه بحث‌ها توسعه داده شود.

نور علم: مشکل دیگری هم هست و آن اینکه تجربه نشان می‌دهد که شرایط ده ساله پس از پیروزی انقلاب روی فقه و فقاقت اثر گذاشته و انعطاف بیشتری در فتاوا به چشم می‌خورد و این انعطاف در فتاوی‌ای اخیر امام هم وجود دارد. در مورد این دگرگونی و نحوه افتا و تأثیر شرایط زمان و مکان در آن و اینکه آیا می‌توان چنین تصور کرد که اساساً توجه داشتن به برخی از مسائل سیاسی روز، ممکن است دقت‌های جدید را در مورد استنباط فقهی به دنبال داشته باشد؟ آیا این همان است که شما در مورد اجتهاد بیان فرمودید؟ یا عبارت از توجیهی است که بعضی از منحرفین مطرح کرده‌اند؟

همان‌طور که عرض کردم، به نظر من فقه سیر تکاملی خود را دنبال می‌کند و سال به سال هم قوی‌تر و کامل‌تر می‌شود و فتاوی‌ای که اخیراً امام صادر فرمودند و خیال می‌شود که شرایط روز در این فتاوا نقش داشته، وقتی انسان ادله امام در مورد بعضی از این فتاوا را می‌بیند، پی می‌برد این مسائل تازه نیستند و تنها پاره‌ای از موضوعات، تحت تأثیر شرایط زمان دگرگون شده است؛ مثلاً امام در مورد علت جواز بازی با شطرنج می‌فرمایند: چون اکنون اکثراً در شطرنج مسئله بُرد و باخت مطرح نیست ولیکن تا به حال به عنوان ابزار قمار مطرح بود ولی حالا این عنوان را از دست داده و به نوعی ورزش فکری تبدیل شده. به عبارت دیگر شطرنج به عنوان موضوعی از موضوعات احکام، عنوان اولیه‌اش را از دست داده و عنوان جدیدی به خود گرفته و در واقع موضوعی جدید ورای موضوع سابق شده، پس علتی ندارد که بازی با آن به قصد نوعی تقویت فکری، حرام باشد. این فتوا با این خصوصیات چیزی نیست که تازگی داشته باشد؛ تنها می‌توانیم بگوییم: ده سال پیش شطرنج به عنوان یک موضوع بدین صورت مطرح نبوده و آن زمان مسلماً یکی از ابزار قمار به حساب می‌آمد و آلت قمار از نظر ایشان خرید و فروش و بازی کردن با آن حرام است، اگرچه به قصد برد و باخت هم نباشد؛ اما حالا این موضوع تغییر عنوان داده و از رده آلت قمار کنار گذاشته شده است. بنابراین ایشان فتاوی جدیدی صادر فرموده‌اند بلکه

موضوع عوض شده و به پیرو آن حکم هم عوض شده است.

به راستی آیا نظر و فتوای امام بزرگوار در مورد غنا و موسیقی عوض شده؟ نه، از نظر معظم‌له همان اصول و همان نظریاتی که در چهارچوب آن اصول در بحث مکاسب محرمه، اتخاذ فرموده‌اند، به قوت خود باقی بود و کوچک‌ترین انحراف و عدولی از اصول مذکور و نظریات سابق ایشان به وقوع نپیوسته است. همچنین در مورد آهنگها، چون حالا مسائل مطرح در زمان طاغوت وجود ندارد، طبعاً اگر این آهنگها متناسب با مسائل موجود روز تعیین و اجرا شوند، از نظر امام اشکالی نخواهد داشت. تازه ایشان فرموده بودند: بعضی از آهنگهای اجرا شده در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران باز خالی از اشکال نیست. بنابراین از نظر من در میان فتاوی اخیر امام اصلاً فتوای جدیدی سراغ نداریم، فقط موضوعات عوض گشته و تابع تغییر موضوع، حکم آن هم عوض شده است.

اما اینکه فرمودید: مسائل سیاسی فعلی، نقش در اجتهاد دارد، می‌توان گفت: آشنایی با مسائل سیاسی ممکن است در اجتهاد اثر داشته باشد؛ چون به نظر ما در فقه شیعه احکام سیاسی هم وجود دارد. آن هم به طور متنوع و به مقدار زیاد، پس طبعاً کسی که آشنایی با مسائل سیاسی داشته باشد، آشناتر به احکام سیاسی نیز خواهد بود و چه بسا در استنباط احکام سیاسی هم موفق‌تر باشد؛ ولی اگر بگوییم: آشنایی با چنین مسائلی به طور مطلق بر اجتهاد اثر می‌گذارد، هرگز چنین چیزی وجود ندارد.

نور علم: در مورد بحثهای این قسمت دو سؤال کوتاه داریم: یکی در مورد تخصصی شدن فقه است. مرحوم شهید مطهری از آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری - رحمه الله - نقل کرده‌اند: نظر ایشان این بود که اگر فقه تخصصی بشود، تا حدود زیادی مشکلات آسان‌تر و بهتر حل شده و آثار آن روشن‌تر خواهد بود.

سؤال دوم این است که: آیا ممکن است روزی کارهای تخصصی مربوط به اجتهاد به گونه‌ای جریان پیدا کند که علما کار انفرادی را کنار بگذارند و کنار هم بنشینند و مسائل را دسته‌جمعی مورد بررسی قرار دهند و بدین ترتیب اختلافات را برطرف نمایند، به خصوص که امروزه اختلاف مراجع در مورد فتاوا به صورت مشکلی برای ما در آمده است و در این ده سال ثابت شده که این اختلافات، صرف نظر از اینکه یک مشکل فقهی است، ممکن است باعث ایجاد مشکل حاد سیاسی در بعضی از موارد هم بشود؟ منظور از تخصصی شدن فقه اگر این باشد که برنامه‌های حوزه طوری تنظیم شود که عده‌ای از فضلا در باب عبادات و گروهی در باب معاملات و گروه دیگری در مورد مسائل

کیفری مانند حدود و دیات و قصاص و امثال اینها تخصص پیدا کنند، این اشکالی ندارد و علمای ما نوعاً ضمن مسائل مربوط به تقلید و اجتهاد روی همین فرض فتوا داده و فرموده‌اند: اگر فقیهی در مسائل عبادی و فقیه دیگر در معاملات اعلم باشد، در عبادات از آنکه اعلم در عبادات است و در معاملات از آنکه در معاملات اعلم است، باید تقلید شود. روشن است که برگشت این فرض به همان تخصصی شدن و رشته‌ای شدن فقه است و شاید در آینده به لحاظ آنکه فقه روز به روز بیشتر توسعه می‌یابد و یک نفر به تنهایی توان کسب تخصص در همه ابواب آن را نخواهد داشت، طبعاً یک چنین تبعی در فقه به وجود بیاید.

اما فرض اشتراکی شدن فتوا، این در رشته‌های تخصصی قابلیت پیاده شدن ندارد و به جایی نمی‌رسد؛ زیرا چنین نیست که مجتهدی همین‌طوری نشسته و فکر کرده و این فتوا را داده باشد. چه بسا این مسئله را در بحثها و درسهای متعدد خود با صدها تن از شاگردان خود زیر و رو کرده و بدین نتیجه رسیده باشد. گذشته از همه اینها بر فرض مجتهدان یک عصر گردهم آمدند و خواستند در مورد مسئله یا مسائلی به طور اشتراکی فتوا بدهند و عده‌ای از آنها در مورد مسئله‌ای یک فتوا و عده‌ای دیگر بر خلاف آن فتوا دادند، در این صورت چه باید کرد؟ آیا براساس اکثریت عمل کنیم که اکثریت داشتن در این‌گونه مسائل نقشی ندارد و یا بر این اساس که فرد یا افراد اعلم در کدام‌یک از دو گروه قرار دارند؟ که آن وقت به فتوای اعلم عمل کرده‌ایم؛ نه فتوای اشتراکی و تشکیل جلسات مشورتی هرچند ممکن است در مسائل اجرایی به درد بخورد، اما در مسائل استنباطی به درد نمی‌خورد، مگر به صورت همان بحثهای طلبگی باشد که نوع این اجتهادها مسبوق به آن است؛ یعنی یک مجتهد اول، بحث می‌کند و سپس فتوا می‌دهد.

نور علم: نظر شما در مورد پیام امام در مورد روحانیت چیست؟

پیام مهم امام خطاب به جامعه روحانیت در حقیقت حاوی رهنمودهای مهمی در مورد روحانیت بود. استفاده من از پیام مذکور آن است که امام روی چند موضوع، خیلی تکیه فرموده بودند:

۱. طلاب و فضلالی انقلابی که در دوران مبارزه با رژیم شاه نقش داشته و پس از

پیروزی انقلاب هم زحماتی را متحمل شده، در جبهه شرکت کرده و مسائل مختلف دیگری داشته‌اند، در خط واحد و در مسیر واحدی قرار بگیرند و اجازه ندهند که اختلاف نظرها و اختلاف فکرها موجبات تشتت آنان را فراهم آورد که در این صورت طبعاً دیگران حوزه‌ها را وادار به یک حرکت ارتجاعی خواهند کرد.

خلاصه، یکی از نکات مهم و مورد تأکید امام، اتحاد و یکپارچگی طلاب معتقد به انقلاب و ساعی در راه پیشبرد اهداف آن بود. به هر قیمت ممکن، باید اتحاد و درهم فشردگی صفوفشان را حفظ کنند؛ نه اینکه اختلاف نظرها را به طور کلی کنار گذارند و آن را تحت بحث و بررسی قرار ندهند و حتی در جزئیات زیر چتر جریان فکری جامعه مدرسین قرار گیرند.

۲. در شرایط حاضر، فقه در حوزه‌ها چهره‌ای غیر از شرایط قبلی، به خود گرفته است. پیش از پیروزی انقلاب که حاکمیت، غیراسلامی بود، فقه جز یک تئوری محض چیز دیگر نبود؛ البته قداستش به جای خود محفوظ، ولی به لحاظ آنکه قابل پیاده شدن در حکومت نبود، طبعاً مسائل روز چندان تأثیری در برداشت مجتهد نمی‌توانست داشته باشد. در شرایط فعلی که حکومت ما اسلامی و انقلاب ما روی همین محور تکیه دارد و در حقیقت نظام ما نظام اجرایی قوانین اسلام است، این فقه باید تئوری چنین حکومت و برنامه‌دهنده آن باشد و طبعاً فقهی که می‌خواهد منبع برنامه‌های چنین حکومتی باشد، باید با توجه به خصوصیات زمان و مکان و دیگر مسائل، مطرح شود.

امام بزرگوار در نامه خود به شورای نگهبان فرمودند: «زمان و مکان در اجتهاد نقش دارد.» هدفشان اجتهاد قابل پیاده شدن در حکومت اسلامی بود؛ زیرا حکومت اسلامی تنها اجتهادی را می‌تواند پیاده کند و بر مبنای آن عمل کند که با توجه به مقتضیات زمان و مکان پی‌ریزی شده باشد و کسی نمی‌تواند بگوید: این مسئله کاملاً بی‌سابقه بوده و تاکنون کسی از فقهای بزرگ چنین کاری نکرده و چنین حرفی نزده است. انسان در نخستین برخورد با مسئله چنین می‌اندیشد که زمان و مکان چه نقشی در اجتهاد می‌تواند داشته باشد؟ ولی اگر نظری به گذشته فقه بیفکنیم، نمونه‌های فراوان از این نوع اجتهاد را در آن می‌بینیم. فتوای معروف و تاریخی میرزای بزرگ شیرازی که در مورد تحریم تنباکو

صادر فرمودند بر کدام آیه و کدام روایت که دلالت بر حرمت استعمال تنباکو دارد، استوار بود؟ آیا میرزای شیرازی به اصالة البرائه قائل نبود؟ چرا وقتی می‌بیند استعمال دخانیات اساس استقلال یک حکومت به ظاهر اسلامی را تهدید می‌کند، به حرمت آن فتوا صادر می‌کند و برای همین هم کلمه «الیوم» را در آن به کار می‌برند. معنای این کلمه این است که شرایط، هر روز در اجتهاد اثر می‌گذارد و گرنه خود «الیوم» نباید در اجتهاد دخالت داشته باشد. اجتهاد، یوم به یوم ندارد؛ اما اجتهادی که بخواهد مبنای عمل قرار بگیرد «الیوم» در آن وجود دارد و همان طوری که «الیوم» وجود دارد، «المکان» هم در آن وجود دارد. پس مقصود از فرمایش امام که: «زمان و مکان دو عنصری هستند که در اجتهاد نقش دارند» اجتهادی است که می‌خواهد در حکومت اسلامی پیاده و اجرا شود و گرنه در زمان طاغوت، زمان و مکان به هیچ وجه در اجتهاد نقشی نداشت. اگر شما صد بار هم می‌گفتید: استعمال تنباکو حرام است، کسی گوش نمی‌داد و خود حکومت هم سدّ محکمی در مقابل این مسائل بود.

نور علم: سؤال دیگر مربوط به روش تدریس معمول در حوزه است. الان تنها روش مورد توجه در حوزه، متن خوانی است. بدین ترتیب که استاد ابتدا محتوای یک یا دو صفحه و حتی نیم صفحه از کتاب را از خارج می‌گوید و سپس آن را با متن و عبارات کتاب جمله به جمله تطبیق می‌کند. در نتیجه اتمام کتاب مکاسب دو سال و بلکه برای بعضی از طلاب حتی نزدیک به چهار سال وقت می‌برد. الان متدهای جدید در دانشگاهها معمول است که هرگز در کلاسها متن خوانی نمی‌شود بلکه بیشتر روی مطالب و مسائل مورد تدریس بحث و بررسی می‌شود. سؤال این است که آیا شورای مدیریت به روشهای تدریس نوین هم توجهی دارد؟ آیا بالآخره ما روزی از این قالبها درمی‌آییم؟ آیا در شورای مدیریت در مورد نحوه آموزش و نحوه خواندن متون که چه درسهایی به روش معمول حوزه و چه درسهایی به روشهای دیگر باید تدریس شود، فکر می‌شود؟

به نظر من در مورد متونی که الان در حوزه تدریس می‌شود، روش معمول حوزه بهترین و تنها شیوه مفید در این مورد است؛ زیرا ما با این روش، هم طلبه را با مسائل و محتوای کتاب آشنا می‌کنیم و هم طرز استفاده این مطالب از عبارات کتاب را به او یاد می‌دهیم. کسانی که در این رشته‌ها مشغول تحصیل هستند بویژه آنهایی که می‌خواهند به درجه عالیة فقاقت نایل شوند، باید یک نظرشان به قرآن و روایات باشد که نکات فراوان و

گران‌بهایی در زمینه فقهت در آنها وجود دارد؛ به طوری که روشن است قرآن و روایات به صورت یک سلسله عبارات در دسترس ما قرار دارد و برای فهم محتوای آن باید روی عبارات و خصوصیات آن دقت کافی به کار برده شود. ما تجربه کرده‌ایم آن عده از طلاب که از آغاز در مورد عبارات کتاب، خیلی دقیق برخورد کرده‌اند، پس از رسیدن به مرحله اجتهاد، در مقام استفاده از قرآن و روایات خیلی دقیق بوده‌اند؛ زیرا عادت کرده‌اند که با نظر دقت روی عبارات به کار بپردازند. از سوی دیگر توجه به فتاویٰ قدما برای فقهای امروز مسئله‌ای است بسیار مهم و اساسی؛ چون نقش تعیین‌کننده‌ای در اجتهاد شخص دارد. فهمیدن اینکه یک مسئله، اجماعی است یا مشهور و تا چه حد در میان فقها در مورد آن اختلاف نظر وجود دارد؟ همگی متفرع بر طرز استفاده از عبارات قدما است که امروزه در دسترس ما قرار دارد.

هدف ما از به کار بستن روش تدریس حاضر در حوزه تنها این نیست که محتوای کتب درسی را در اختیار طلبه بگذاریم و بس، بلکه به طور ضمنی می‌خواهیم راه و روش اجتهاد را نیز به او بیاموزیم؛ زیرا اجتهاد متوقف بر دقت در عبارات و تطبیق مفاهیم بر آن است. گاهی می‌بینید وجود و عدم یک واو، مسئله را کاملاً عوض می‌کند و اگر مثلاً به جای واو، فاء به کار رود، مسئله شکل و مفهوم دیگر به خود می‌گیرد. بنابراین ما در مقام استفاده از منابع اصلی که کتاب و سنت و در درجه دوم فتاویٰ علما است، چاره‌ای جز دقت در عبارات و تطبیق مفاهیم با آنها نداریم. از این رو مقایسه روش تدریس حوزه با روش معمول در دانشگاه کار درستی نیست؛ زیرا دانشگاه تنها می‌خواهد یک سری مطالب و مسائل دست‌چین شده‌ای را در اختیار دانشجو بگذارد و دیگر به فکر اینکه این مسائل از کجا آمده است، نیست. همین‌قدر یک سری مسائلی را که در برنامه‌های درسی آنجا گنجانده شده تدریس می‌کند حالا برهان هم برای اثبات آنها اقامه می‌کند یا نه، نمی‌دانم. البته اخیراً حوزه هم درسهایی به عنوان درسهای جنبی در برنامه قرار داده که به طرز تدریس دانشگاهی به طلاب آموزش داده می‌شود. فی‌المثل یکی از این سری درسهای درس عقاید است که متن بخصوصی برای آن در نظر گرفته نشده و فقط اساتید آن مطالبی را در این زمینه از منابع مختلف مطابق فکر و ذوق خودشان دست‌چین کرده به

طلاب القا می‌کنند و شرکت‌کنندگان هم یا به این مطالب گوش می‌کنند و یا آن را می‌نویسند و ضبط می‌کنند؛ اما در مورد فقه و اصول حتی در مورد تفسیر و نهج البلاغه، ما نمی‌توانیم از روش تدریس حوزه عدول کنیم و راهی جز راه معمول را بییماییم؛ زیرا ما اکنون در خدمت امیرالمؤمنین - علیه السلام - نیستیم؛ ما در خدمت نهج البلاغه آن حضرت هستیم که آن هم جز یک سری عبارت چیزی دیگر نبوده و تعیین صحت و سقم برداشتهای ما از آن جز از طریق دقت و تطبیق برداشتها با عبارات آن حاصل نمی‌شود و اساساً میزان فهم مطالب هرکس با اندازه دقت و امعان نظر وی در روی عبارات منابع اصلی، نسبت مستقیم دارد. بنابراین به نظر من روش تدریس حاضر در حوزه بهترین روش ممکن بوده و عدول از آن در محدوده حوزه‌ها به هیچ وجه مقرون به صلاح نیست.

نور علم: به دروس جنبی اشاره فرمودید. بفرمایید تقسیم دروس حوزه به دو دسته اصلی و جنبی آیا پیش از این هم در حوزه‌ها سابقه داشته یا نه؟ ضمناً در مورد این ابهام که آیا تدریس یک سلسله از دروسهای حوزه با روش ویژه دروسهای جنبی بازده مطلوبی دارد یا نه، توضیحی بفرمایید.

مسئلاً تدریس پاره‌ای از دروسهای حوزه مخصوصاً درس تفسیر با روش ویژه دروسهای جنبی، بازده مطلوب را ندارد و واقعاً جای آن داشت که تفسیر در حوزه‌های شیعه جزء متون اصلی درسی قرار داده شود؛ به طوری که وقتی طلبه به سطح شرح لعمه می‌رسد، در کنار آن یک درس تفسیر متناسب در همان سطح داشته باشد؛ یعنی همان‌طور که دیگر کتب درسی حوزه طی چند مقطع تدریس می‌شود، بایستی درس تفسیر هم همین حالت را داشته باشد و حتماً هم می‌بایستی تاکنون این کار به این صورت جریان پیدا کرده باشد؛ یعنی در مرحله اول یک تفسیر اجمالی برای آشنایی طلاب با مفاهیم ابتدایی و اصطلاحات شایع آن و در سطوح بالاتر متون تفسیری در سطوح بالاتری از نظر عمق و جامعیت و حتی در مرحله نهایی درس خارج تفسیر در برنامه تحصیلاتی طلاب قرار داده شود که متأسفانه این کار تاکنون به صورت برنامه منظمی در روال کار حوزه قرار داده نشده است که امیدوارم ان شاء الله در آینده بتواند جامه عمل بپوشد؛ زیرا اینکه تفسیر از ارزشی بسیار بالاتر از ارزش دروسهای فقه و اصول برخوردار است، مطلبی است غیر قابل انکار و کسی در اهمیت آن تردید ندارد.

البته یک روش بین‌بینی در این زمینه پیش گرفته و کتاب تفسیر جوامع/الجامع را کتاب متن برای درس تفسیر قرار دادیم که طلبه هم‌زمان با شروع شرح لمعه شروع به خواندن آن نموده و هنگام فراغت از کفایه آن را به پایان ببرد. این برنامه از همین امسال به اجرا گذاشته شده که امیدواریم در این فاصله زمانی یاد شده، طلاب بتوانند درس و بررسی آن را به اتمام برسانند و از نظر امتحان هم درسهایی جنبی هیچ تفاوتی با درسهای اصلی ندارد. اکنون ما توانسته‌ایم برای هر طلبه یک ساعت در روز درس جنبی بگذاریم که شامل درسهای تفسیر موضوعی و تفسیر جوامع/الجامع و رجال و درایه و عقاید و اقتصاد اسلامی و نهج البلاغه است.

نور علم: اگر این درسهای دوره‌های عمومی برای طلبه گذاشته شود، جای حرفی نیست؛ ولی حوزه به متخصصینی در مورد ملل و نحل، اقتصاد اسلامی، رجال و... احتیاج دارد. با توجه به ضرورت تأمین نیروهای متخصص در رشته‌های یاد شده، این مشکلات کی می‌خواهد حل شود؟
قابل انکار نیست که ما باید در حوزه رشته تخصصی، آن هم در زمینه‌های مختلف و متعدد داشته باشیم و در کنار متخصصین فقه و اصول که در حوزه تربیت می‌شوند، باید عده‌ای متخصص در زمینه‌های تفسیر قرآن، عقاید اسلامی و غیراسلامی، فلسفه و عرفان حتی متخصصینی در ادبیات هم تربیت شوند و جای هیچ تردیدی نیست که به مجرد اینکه زمینه و امکانات این برنامه در حوزه فراهم آید، بدون هیچ معطلی باید به منظور راه انداختن برنامه‌ای لازم اقدام شود.

نور علم: آیا تاکنون فکرتش را کرده‌اید که مدارس تخصصی مثلاً تحت عنوان مدرسه عالی تفسیر در حوزه تأسیس شود که درس اصلی آن تفسیر باشد و در کنار آن فقه و اصول هم تدریس شود؟
چرا، بعید نیست و این به عنوان مقدمه، کار خیلی خوبی است. اتفاقاً من در مورد گذاشتن رشته‌های تخصصی در حوزه پیش از اینها نظر مساعد داشتم حتی پیش از پیروزی انقلاب با عده‌ای از دوستان از جمله آقای احمدی میانجی و آقای محمدی گیلانی و بعضی دیگر عصرهای پنج‌شنبه در این زمینه جلسه داشتیم و یکی، دو ساعت گاهی هم بیشتر روی همین موضوعات کار می‌کردیم و در مورد این کار یک رساله چهل، پنجاه صفحه‌ای هم نوشته شده بود که مقداری از آن به خط من بود و حالا دقیقاً نمی‌دانم آن دفتر پیش

من است یا کسی دیگر. ما آن وقتها رشته‌های تخصصی لازم و اینکه هر رشته به چند سال تحصیل نیاز دارد و چه کتابهایی در هر رشته باید خوانده شود، همه اینها را مشخص کرده بودیم و به نظر ما چاره‌ای جز این نیست که این برنامه باید روزی در حوزه عملی شود؛ زیرا نیازهای ما در مورد نیروهای متخصص جز از این راه از راه دیگری برآورده نمی‌شود. یادم هست در اوایل انقلاب مرحوم شهید دکتر باهنر به ما پیغام داد که نیاز فوری به صد مفسر دارند و ما هرچه این طرف و آن طرف زدیم، نتوانستیم پیدا کنیم. اکنون که الحمدلله انقلاب پیروز شده و جایگاه مناسب خود را در سطح بین الملل باز کرده، اگر از خارج تقاضای صد مفسر متخصص در مسائل فلسفی کنند، با این وضع فعلی، چکار می‌توانیم بکنیم؟! مثلاً اگر گورباچف در جواب نامه امام تقاضای اعزام ده متخصص در فلسفه و مسلط به زبانهای خارجی کند که بروند و مسائل را مطرح کنند، مشکل است بتوانیم چنین هیئتی را اعزام کنیم. به هر حال در لزوم ایجاد رشته‌های تخصصی در حوزه، جای هیچ‌گونه تردید و ابهام نیست؛ اما مسئله این است که قبل از رشته‌های تخصصی لزوماً باید یک دوره عمومی برای طلاب گذاشته شود که پس از فراغت از این دوره، رشته مورد علاقه خود را انتخاب و مشغول شود. حالا بحث در این است که آیا طلبه باید هنگامی که می‌خواهد شرح لعمه را شروع کند، اقدام به انتخاب رشته نماید یا پس از اتمام آن و یا اصلاً به نظر بعضی انتخاب رشته و اشتغال در آن به منظور احراز درجه تخصص باید پس از اتمام دوره سطح باشد؟

نور علم: الان بیش از ده سال از پیروزی انقلاب اسلامی گذشته، انقلابی که با سرعت زیاد به پیروزی رسید. این پیروزی سریع باعث شد کادرهای لایق و دارای صلاحیت، مسئولیتها و کارهای اجرایی و... را به عهده نگیرند و قهراً در طول این ده سال کمبودها و اشکالاتی به وجود آمد. آیا می‌توان این اشکالات را به عنوان اشتباهات نظام قلمداد کرد؟

انقلاب اسلامی ما از آن لحاظ که شاید زودرس بود و تهیه و تدارک کادر لازم و صالح برای اداره و ادامه آن، به آن صورت دیده نشده بود، از همان آغاز مواجه با اشکالاتی بود. من داستانی را که شاید در جریان آن تنها من حضور داشتم، به عنوان نمونه و برای روشن شدن مطلب عرض می‌کنم:

در اوایل حکومت دولت موقت که هنوز امام در قم تشریف داشتند، خدمت ایشان شرفیاب شدم و گفتم: با توجه به آشنایی قبلی از روحیات آقای بازرگان، روشن است که او به روحانیت و هیچ فردی از افراد آن و فکر می‌کنم حتی به شخص شما نیز اعتقادی ندارد و با توجه به این سابقه، حضرت‌عالی چگونه اجازه دادید که ایشان در رأس دولت، زمام کشور اسلامی را به دست بگیرند؟ فرمودند: فلانی من هم نظرم همین است؛ ولی ما الآن افرادی را برای جایگزین اینها نداریم و الا شخصاً معتقدم که اینها به درد حکومت و نظام اسلامی نخواهند خورد. ان شاء الله روزی برسد که ما افراد صالح و لایقی پیدا کرده، جایگزین اینها کنیم.

انقلاب چنان شتاب‌زده و سریع مراحل تکاملی خود تا پیروزی را طی کرد که ما فرصت تهیه و تدارک کادر صالح و لازم برای اداره کشور پس از پیروزی انقلاب را پیدا نکردیم و الا مجبور نبودیم افرادی مثل بازرگان و بنی‌صدر را به عنوان نخست‌وزیر یا رئیس‌جمهور انتخاب کنیم و آنها مأمور تشکیل دولت شوند که مشکلات دیگری نیز از همین رهگذر برای ما پیش آمد. اگر جنگ تحمیلی پیش نیامده بود، به نظر من کلیه آن مشکلات در همان اوایل پیروزی انقلاب حل می‌شد و الآن دیگر با هیچ مشکلی مواجه نبودیم. متأسفانه با پیش آمدن جنگ تحمیلی، کلیه افکار و تلاشها و امکانات و نیروهای مملکتی در جهت جنگ و جبهه و مسائل مربوط به آن قرار گرفت و مسائل دیگر تحت الشعاع آن واقع شدند؛ زیرا آن جنگ شوم با هدف متلاشی ساختن کیان نظام و از بین بردن حیثیت حکومت اسلامی شروع شده بود. این بود که ما از کلیه مسائل و مشکلاتی که داشتیم برای مدتی چشم‌پوشی کردیم و همه امکانات و نیروهایمان را برای مقابله با خطر جدی و هولناک جنگ اختصاص دادیم.

حالا که بحمدالله تا حدی آرامشی پیدا شده، اگرچه سرنوشت ما در این زمینه هنوز روشن نشده ولی خوب بالأخره این فرصت برای ما پیش آمده که به مشکلات گذشته عطف نظری کنیم و تا حدودی در جبران آن بکوشیم البته این اشتباهات در آن حد نبودند که اشتباهی اساسی و غیرقابل جبران به حساب بیایند بلکه اشتباهاتی بودند جزئی و قابل رفع، از این قبیل که گاهی مدیرانی بی‌صلاحیت برای پاره‌ای از پستها گمارده می‌شدند و

گاهی در تصمیم‌گیریها اشتباه می‌شده و بعضی جهات دیگر؛ ولی به نظر من اشتباه اساسی و خیلی مهم، به طوری که مثلاً بتوانیم آن را با اصل ارزش انقلاب مقایسه کنیم، چنین اشتباهی تاکنون برای انقلاب پیش نیامده است. هدف انقلاب ما، برقراری حکومت اسلامی در قالب تفکرات تشیع بود. حکومتی که از قدرت مدیریت تحسین برانگیزی برخوردار بوده و توانایی پیشبرد جامعه با حفظ محاسن تمدن جدید و با توجه به معنویات اسلام را داشته باشد که بحمدالله ما در این هدف موفق شده‌ایم و واقعاً یکی از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب همین است و من روی این معنا خیلی تکیه می‌کنم و به اعتقاد من از صدر اسلام گرفته تا امروز چنین موفقیتی که اسلام در سطح بین الملل مطرح شود به دست نیامده بود.

خلاصه، انقلاب اسلامی ما در راه رسیدن به اهداف اصلی خود کاملاً موفق بوده است؛ اگرچه نارساییهایی نیز در پاره‌ای از مسائل مربوط به اداره کشور و مدیریت وجود داشته که الآن هم قسمتی از آنها وجود دارد.

نور علم: در مورد عدالت اجتماعی که تا حدودی می‌تواند نمایانگر جنبه عملی و نوع حکومت اسلامی در میان مردم باشد، آیا فکر می‌کنید نظام تا به حال توانسته است ثابت کند که حامی طبقات محروم جامعه بشری است و موفقیتی در این زمینه به دست آورده است؟

البته در اینکه مهم‌ترین و اساسی‌ترین مسئله نظام اسلامی کنونی مسئله حمایت از مستضعفین و پابرهنه‌ها است، هیچ جای بحثی نیست. در سخنان حضرت امام بارها به این معنا تصریح شده بود؛ اگرچه ما نمی‌توانیم بگوییم: این آرمان مقدس صد در صد جامعه عمل به خود پوشیده‌کما اینکه نمی‌توانیم بگوییم: کسی مخالف این معنا است و گرنه اگر یک مسلمان آن‌هم در نظام اسلامی هدف حمایت از مستضعفین و پابرهنه‌ها و تهی‌دستها را نداشته باشد و در این زمینه نهایت تلاش خود را به کار نبرد، چنین آدمی طبق «من أصبح ولم یرهتّم بأمر المسلمین فلیس بمسلم» مسلمان نیست ولذا به جرئت می‌توان گفت: مسئله حمایت از مستضعفین به عنوان اصل کلی مورد قبول همه عناصر انقلاب اسلامی است؛ ولی مسئله این است که تز حمایت از مستضعفان تا چه حد در جامعه عملی شده. درست است که ما نمی‌توانیم بگوییم که صددرصد عملی شده ولی با توجه به یک سلسله

مسائل و اقدامات در این زمینه می‌توان گفت: تاکنون کارهای ارزنده‌ای در این مورد انجام گرفته است. این مؤسسه‌ها و این کمیته‌ها از جمله کمیته امداد امام که می‌بینیم در کشور به وجود آمده‌اند، هیچ عنایت و هدفی جز حمایت از مستضعفین ندارند.

همچنین است بنیاد شهید که در مورد بازماندگان شهدا و به منظور حمایت از مستضعفین تأسیس شده است؛ زیرا بیشتر بازماندگان شهدا از طبقه فقرا و مستضعفین هستند و اخیراً در همین زمینه بنیاد جانبازان و معلولین در کشورمان به وجود آمد. همین عزل و نصبها که می‌بینیم روی ملاکهای معمول در رژیم گذشته - به این معنا که فلان وزیر حتماً باید پسر فلان‌الدوله و فلان وکیل باید از خانواده شوکت‌الدوله و... باشد - انجام نمی‌شود، هدفی جز حمایت از مستضعف ندارند. حمایت از مستضعفین تنها آن نیست که به طبقه فقیر جامعه امکانات رفاهی رسانده شود بلکه اینکه مثلاً در فلان شهر، مردم هر کسی را که می‌خواهند، می‌توانند به نمایندگی مجلس شورای اسلامی برگزینند؛ اگرچه این شخص خود را مستضعف بداند و تهی‌دست به تمام معنا باشد و وقتی کسی را می‌خواهند به مقام وزارت نصب کنند، هرگز روی امتیازات خانوادگی او حساب نمی‌کنند بلکه تنها به اینکه آیا این آدم استعداد و صلاحیت این مقام را دارد و به درد این کار می‌خورد یا نه، تکیه می‌کنند.

اینها همه از مصادیق بارز حمایت از مستضعفین است که اکنون برای رعایت آن پافشاری عجیبی نشان داده می‌شود. پس با این حسابها می‌بینیم که برقراری عدالت اجتماعی و حمایت از مستضعفین سرلوحه کارهای دولت اسلامی قرار گرفته؛ اما خوب به علت وجود موانعی بر سر راه این تز که به تدریج و یکی پس از دیگری از میان برداشته می‌شود، صددرصد عملی نشده است و بی‌تردید زمینه عملی شدن صددرصد آن هرروز بیشتر فراهم می‌شود.

نور علم: افراد زیادی را به اسلام آمریکایی متهم می‌کنند. خواهشمند است حضرت‌عالی تعریفی دقیق و شامل کلیه افرادی که گرایش به اسلام آمریکایی دارند، بفرمایید.

البته این دو عنوان (اسلام آمریکایی و اسلام ناب محمدی) در کلام رهبر بزرگوارمان وجود داشت و دو عنوان مهمی هم هست. منظور از اسلام آمریکایی در درجه اول، اسلام

زامداران خودفروخته کشورهای اسلامی است که اینها اسلام را به عنوان سرپوشی برای تأمین منافع آمریکا در منطقه پذیرفته و اسلام را فدای آمریکا و در جهت حفظ منافع آمریکا به کار می‌گیرند. شاهد گویای آن، کشتار سید، چهارصد نفر از حجاج و زائرین خانه خدا به فجیع‌ترین وضعی در کنار خانه خدا در دو، سه سال پیش به دست آل سعود بود. اینها که با ناجوان‌مرادانه‌ترین وضع در فاصله حداکثر دویست متری خانه خدا قتل عام شدند، جرمشان شعار «مرگ بر آمریکا» و آتش زدن پرچم آن بود؛ در حالی که خداوند تبارک و تعالی در کتاب خود با صراحت تمام می‌فرماید: «ومن دخله کان آمناً». همینها که برای حفظ و دفاع از منافع آمریکا حدود چهارصد نفر از زائرین خانه خدا را اعم از زن و مرد و پیر و کودک به این صورت از بین می‌برند، در مقابل سلمان رشدی که همه چیز اسلام را به مسخره گرفته و مورد اهانت قرار داده، چه کردند؟ سلمان رشدی کسی است که همه مقدسات اسلام را آماج حرفهای زشت و زننده خود قرار داد و کتابی نوشت که احساسات هر مسلمانی را عمیقاً جریحه‌دار می‌کند و انزجار کشنده‌ای روحش را آزار می‌دهد؛ چنان‌که من با خواندن قسمت زیادی از خلاصه این کتاب، چنان ناراحت شدم که دیگر دستم برای مطالعه بقیه مطالبش به طرف آن نرفت. آیا اهانت به قرآن مسئله نیست؟ اهانت به رسول خدا(ص) مسئله نیست؟ اهانت به انبیاء گذشته مسئله نیست؟ آیا نسبت زنا دادن به جبرئیل با یکی از زنان نبی اهانت نیست؟ خوب اگر اهانت است، چه عکس‌العملی در مقابل او نشان دادند؟

مصدق بارز و قطعی اسلام آمریکایی همین است. همه ساله دهها بار قرآن چاپ می‌کنند؛ خود را خادم‌الحریمین قلمداد می‌کنند؛ در نماز جمعه و نماز عیدین هم به طور کامل شرکت می‌کنند. اینها همه نقابی است بر چهره نوکری که گوش و هوش به ارباب آمریکایی خود سپرده، تا او چه خواهد و چه فرماید. همان ارباب آمریکایی است که به اینها دستور کشتار جمعی زائران ایرانی خانه خدا و بی‌تفاوت ماندن در مقابل جنایت هولناک سلمان رشدی را صادر می‌کند و...

خلاصه، در یک کلمه، اسلام آمریکایی فدا کردن اسلام در راه حفظ و تأمین منافع آمریکا است و از همین تعریف، تعریف اسلام ناب محمدی نیز روشن می‌شود و تنها

رادمردانی که به اسلام اصالت می‌دهند و می‌خواهند اسلام حاکم باشد، چه آمریکا و شوروی خوشش بیاید یا نه، آن را می‌پذیرند و در مشی سیاسی و اجتماعی خود به کار می‌گیرند. برداشت من از اصطلاح «اسلام آمریکایی» همین است. حالا خصوصیات دیگری نیز مورد نظر امام بزرگوار بوده است یا نه، من نمی‌کنم.

نور علم: حضرت عالی در حوزه و حتی از نظر طلاب جوان از لحاظ علمی و سیاسی موقعیت مقبولی دارید. لذا می‌خواستم از شما که یکی از اعضای جامعه مدرسین هستید، سؤال کنم:

۱. با توجه به پیام اخیر امام واقعاً نظر حضرت امام در مورد جامعه مدرسین چیست؟
۲. نقش جامعه مدرسین چیست؟ آیا می‌خواهند در آینده به عنوان یک حزب سیاسی عمل کند یا به عنوان یک حزب دینی و یا اصلاً بدون هیچ‌کدام از این عناوین؟ در مجموع جایگاه سیاسی آن نسبت به حوزه و نسبت به کل جامعه به چه شکلی خواهد بود؟
۳. آیا جناب عالی انتقادی به عملکرد جامعه دارید یا نه؟ آیا امکان این هست که بین جامعه و سایر نیروها، هماهنگی نسبی به وجود آورد یا نه؟

در مورد سؤال اول، آنچه من از قسمت مربوط به جامعه مدرسین در این پیام می‌فهمم، این است که به نظر ایشان، اعضای آن، اشخاصی متعهد، انقلابی، فعال و باسابقه در راه مبارزه، برای به پیروزی رساندن انقلاب بوده و کارهای مهمی انجام داده‌اند که مسئله خلع شاه از مهم‌ترین آنها بود. الان نمی‌توانم موقعیت آن روز را و اینکه این کار در چه شرایطی انجام گرفت، تشریح کنم. پای سند خلع شاه را این برادران امضا کردند و آن‌طوری که یادم هست شاید اولین کسی که آن را امضا کرد، من بودم و تاریخ دقیق آن الان یادم نیست؛ ولی مسلماً نزدیکیهایی پیروزی انقلاب بود. امام می‌خواستند:

اولاً؛ جامعه مدرسین را از نظر سوابق مبارزاتی و ارزش و از نظر اعتمادی که نسبت به آن دارند، به طلاب جوان معرفی فرمایند؛ زیرا ما الان طلبه جوان بسیاری داریم که خیلی هم انقلابی هستند، ولی با سوابق جامعه مدرسین کمتر آشنایی دارند و به خدمات ارزنده آنان توجه چندانی ندارند.

ثانیاً؛ می‌خواستند وظیفه مهمی به عهده جامعه مدرسین بگذارند و آن انسجام بخشیدن به طلبه‌های انقلابی، کتک خورده و جبهه‌رفته و بسیج آنها برای حفظ جامعه از جهات مختلف می‌باشد. بدین معنا که جامعه باید چه از نظر آموزشی و چه از نظر مسائل سیاسی و چه از نظر ارشادات و رهنمودهای مختلف با این قشر در تماس دائم باشد و وضعیتی

فراهم شود که آنها جامعه را بپذیرند و جامعه نیز خود را در برابر آنها مسئول بداند. خلاصه، بیان وظایف جامعه مدرسین در مورد این قشر از طلاب انقلابی و اینکه در شرایط فعلی باید کلیه این نیروها به صورت متحد و یکپارچه دست به دست هم داده و مسائل را حل کنند، مهم‌ترین فراز در پیام اخیر امام است.

در مورد سؤال دوم، اگرچه عنوان حزب دینی مصطلح نیست؛ ولی جامعه ظاهراً یک حزب دینی یا بهتر بگوییم: یک تشکیلات دینی - سیاسی است؛ نه یک حزب صرفاً سیاسی. جامعه مدرسین هم در مورد مسائل سیاسی نظر دارد و مسائل را دنبال می‌کند و هم در مورد مسائل دینی و هم در مورد مسائل حوزه و روحانیت که در این قسمت اخیر نقشش خیلی مهم است.

نور علم: آیا تاکنون جامعه مدرسین در یک مجمع مدون هم کاری انجام داده است یا خیر؟
 نه، واقعیت این است که جامعه مدرسین تا پیش از پیروزی انقلاب خیلی فعال بود. آن روزها فعالیت و تلاش ما تا حدی اوج گرفته بود که الان هم وقتی آن خاطرها از ذهنم خطور می‌کند، برایم اعجاب‌انگیز است.

بد نیست خاطره مهیج و جالبی از آن روزها را بگویم: آن زمان روزی جامعه مدرسین به فکر ترتیب یک راهپیمایی افتاد و مسیر راهپیمایی از میدان آستانه تا قبرستان بقیع بود. در آن روزها به علت دفن عده‌ای از شهدا بویژه شهدای قبل از پیروزی انقلاب در آن، به «قبرستان شهدا» معروف شده بود. ساعت حرکت هشت صبح تعیین شد و مراتب به اطلاع مردم رسید. ظاهر کار این را نشان می‌داد که اعضای جامعه با همراهی عده‌ای از مردم می‌خواهند به مزار شهدای خود در بقیع بروند و فاتحه‌ای برای آنها بخوانند؛ ولی در واقع هدف این بود که یک راهپیمایی با شکوهی به راه اندازند و در بقیع هدفهای انقلابی خود را به اطلاع همگان برسانند. قرار بود آن روز صبحانه در منزل پدری من واقع در سه راه بازار صرف شود و پس از تبادل نظر پیرامون مسائل مربوطه، در راهپیمایی شرکت کنند. ما هنوز مشغول صرف صبحانه بودیم که خبر آوردند سربازان با تانک و مسلسل در میدان آستانه مستقر شده‌اند و به کسی اجازه ورود به آنجا را نمی‌دهند. حالا که مبدأ راهپیمایی در اشغال سربازان بود، ما چه کار می‌توانستیم انجام بدهیم؟ به فکر چاره افتادیم. گفتیم: ما راهپیمایی را از همین منزل شروع

می‌کنیم. اتفاقاً تعداد دویست، سیصد نفری هم پشت در منزل اجتماع کرده بودند و کسب تکلیف می‌کردند. با همین عده راهپیمایی را شروع کردیم. ما در جلو و مردم پشت سر ما به راه افتادیم. به سه راه بازار که رسیدیم، عده‌ای از سربازان از ماشینهای خود بیرون پریدند و شروع به تیراندازی کردند؛ ولی ما، با بی‌اعتنایی، به طرف آستانه مقدسه به حرکت ادامه دادیم. حدود دویست متر بیشتر طی نکرده بودیم که یک مرتبه سر و کله تانکها پیدا شد و خیابان را به روی ما بستند و صدها مأمور نظامی مسلح در مقابل ما قرار گرفتند. هرچه ما نزدیک‌تر می‌شدیم، آنها برای شلیک آماده‌تر می‌شدند تا ما نزدیک آنها رسیدیم. خیال کردم که الآن دیگر شلیک مسلسلها شروع و کار همه ما ساخته می‌شود. همان روز آقای خلخالی هم همراه ما بود. شجاعت عجیبی از خود نشان داد. او از ما فاصله گرفت و بدون کوچک‌ترین وحشتی به نظامیها نزدیک شد. از آنها سؤال کرد: فرمانده شما کیست؟

- چه کار داری؟

- می‌خواهم با ایشان یک کلمه حرف بزنم.

بعد از آنکه فرمانده در برابر آقای خلخالی قرار گرفت، خلخالی از او پرسید: برای چه با این حالت آماده‌باش در اینجا ایستاده‌اید؟

- برای شما. می‌خواهید چکار کنید؟

- هیچ، ما می‌خواهیم به قبرستان بقیع برویم و فاتحه‌ای بخوانیم. این که جرم نیست.

- اگر هدف این است مسئله‌ای نیست؛ بفرمایید بروید.

ما راه افتادیم و تا آمدیم از تانکها رد شویم، آقای خلخالی بالای یکی از این تانکها پرید و شروع به صحبت کرد؛ ولی از صحبت وی جلوگیری کردند و او را پایین آوردند. ما به راه خود ادامه دادیم. از تانکها که گذشتیم، از هر کوچه جمعیتی به ما ملحق شدند. حدوداً صد متر بیشتر از تانکها فاصله نگرفته بودیم که اگر بگویم تعداد ملحق‌شدگان به ما به چندین هزار نفر رسید، اغراق نکرده‌ام. با این کیفیت به قبرستان بقیع رفتیم و در آنجا سخنرانی شد و راهپیمایی به پایان رسید.

منظور این است که قبل از پیروزی انقلاب جامعه مدرسین انصافاً خیلی فعال بود و بدون اغراق باید بگویم: جامعه در پیروزی انقلاب سهم بسیار بزرگی دارد. اما پس از

پیروزی انقلاب هر کدام از اعضای آن به مقتضای شغل و وظایف خودشان در نهادها و تشکیلات دولتی فعالیت چشم‌گیری انجام داده‌اند؛ ولی فعالیت جمعی آنها از نظر کثرت و جدیت به حدّ پیش از انقلاب نمی‌رسد. باید اذعان کرد که جامعه پس از پیروزی انقلاب آن کوشش و تلاش قبلی را نداشته و مانند قبل، احساس مسئولیت نمی‌کند. به همین سبب امام که بحمدالله هم موافق و هم مسائل، مورد توجه‌اشان بود، در فرصتهای مناسب بویژه در اواخر عمر شریفشان به عنوان رهنمود گوش‌دهایی فرموده و جامعه را به وظایف لازم و اساسی خود توجه داده‌اند که امیدواریم در پرتو رهنمودهای گران‌بهای ایشان جامعه مدرسین دوباره حالت فعال‌تری به خود گیرد و به وظایف سنگین خود به طور شایسته اقدام کند.

نور علم: آیا جامعه مدرسین در نظر دارد در آینده عضوگیری کند و این عضوگیری بر چه اساسی خواهد بود؟ یعنی روال قانونی آن در اساسنامه جامعه به چه شکلی است؟

مدتی است جامعه مدرسین در این فکر هست و حتی افرادی را در نظر گرفته‌اند که در باره تک‌تک آنان بحث شود و در صورتی که از تصویب جامعه گذشت، به عضویت پذیرفته شوند و در اساسنامه جامعه تصریح نشده که عضو جامعه حتماً باید از اساتید باشد بلکه فضایی محترمی که انقلابی، خط امامی، کارآمد و از نظر تقوا رضایت‌بخش و حداقل مورد قبول عده‌ای از طلاب باشند، صلاحیت عضویت جامعه را خواهند داشت. جامعه می‌تواند در باره این چنین افراد بحث و بررسی کند و پس از تصویب، آنان را به عضویت خود بپذیرد.

نور علم: اکثریت اعضای جامعه باید موافقت کنند؟

نه، اگر حداقل چهارده نفر با عضویت نامزد مورد بحث موافقت کنند، کفایت می‌کند.

نور علم: اگر از فعالیتهای سیاسی خودتان به خصوص قبل از پیروزی انقلاب و در کنار جامعه مدرسین چنانچه منعکس‌کننده خدمات جامعه باشد، برای طلاب جوان بگوئید، مفید خواهد بود و از آنجا که مجله در نظر دارد با هر کدام از اعضای جامعه مصاحبه‌ای به عمل آورد، سوابق برخی از آنها تا حدودی باید روشن شود.

من افتخار دارم از همان روز اول که امام بزرگوارمان مبارزه را شروع کردند، در خدمت ایشان شاگردی کرده و در درس فقه و اصول ایشان شرکت داشته‌ام و روی اعتماد کامل به معنویت و صلاحیتهای مختلفی که در ایشان وجود داشت، در حقانیت بینش و مطالبی

که می‌گفتند، جای هیچ‌گونه شک و تردیدی نبود و در این زمینه اعلامیه‌های بسیاری داده می‌شد که در اکثر آنها امضای من وجود داشت؛ به طوری که وقتی سازمان امنیت ما را بازداشت کرد، یکی از مهم‌ترین سؤالات ایشان این بود که: شما در متجاوز از پنجاه اعلامیه امضا دارید. در جواب گفتم: همه این امضاها از خود من است. یک وقت فکر نکنید که از امضای من در پای این اعلامیه‌ها تقلید شده است. این جواب، مأمور امنیتی را بسیار تکان داد؛ زیرا فکر می‌کرد به دست و پا افتاده، اظهار بی‌اطلاعی از این امضاها و ساختگی بودن آنها خواهم کرد. لذا گفتم: مسئله بدتر شد. خوب حالا چرا امضا کردید؟ گفتم: خوب حالا شما می‌خواهید بر اساس منطق با من حرف بزنید یا بر مبنای زور می‌خواهید نظرتان را تحمیل کنید؟ کمی فکر کرد و گفت: ما براساس منطق می‌خواهیم با شما حرف بزنیم.

گفتم: در صورتی که حاضر باشید حرف منطقی را بپذیرید، مسئله ما چنین است: آقایی به نام آیت‌الله خمینی پیدا شده که مطالبی ارائه داده است. اکنون در مورد ایشان و مطالبش دو نظریه وجود دارد: یکی نظر شما است که او را تحریک شده و از عوامل سیاست خارجی و بازیچه دست اروپا و آمریکا و... می‌دانید و نظریه دوم نظر ما است. ما با توجه به اینکه طلبه هستیم و درس خوانده‌ایم و حداقل به عقیده خودمان چیزی می‌فهمیم و چنین نیست که هرکسی هر ادعایی کرد فوراً زیر بارش برویم، این مرد را شخصیتی الهی شناخته و محرک او را جز احساس مسئولیت شرعی چیزی نمی‌دانیم. به عقیده ما به اندازه سر سوزنی سیاست در کار او دخالت ندارد و هرچه می‌گوید و می‌نویسد و حتی مبارزه او همه برای خدا و اقدام به انجام مسئولیتهای دینی خود است. ما طلاب اصولاً تابع دلیل هستیم. اگر شما مدرک قانع‌کننده برای اثبات نظریه خود توانستید ارائه بدهید، من همین‌جا عقیده شما را در باره او می‌پذیرم.

در آن روزها در نتیجه کشتارها و بازداشتها و تبعیدها و بالأخره خفقان کشنده‌ای که در مملکت حکم‌فرما بود، برای مدتی سر و صدا کاستی گرفت و رژیم از این وضع چنین برداشت کرده بود که مسئله آیت‌الله خمینی دیگر تمام شده؛ تا وفات آیت‌الله حکیم پیش آمد. در این زمینه و در مورد مسئله مرجعیت پس از وفات آیت‌الله حکیم دوستان یک

گردهمایی تشکیل دادند. با اینکه شرایط نسبت به آیت‌الله خمینی و طرفدارانش خیلی سخت و ناجور بود، تصمیم گرفتند علنی مرجعیت بلامنازع آیت‌الله خمینی را طی اعلامیه‌ای به اطلاع مردم برسانند. اعلامیه آماده شد و دوازده نفر آن را امضا کردند که از آن جمله خود من بودم. حتی یادم هست زیر اعلامیه نظر موافق خود را نه تنها در مورد مرجعیت بلامنازع بلکه در مورد صلاحیت رهبریت ایشان هم درج و آن را امضا کردم. البته هر کدام از امضاکنندگان دیگر نیز دو، سه خطی که حاکی از نظر موافقتشان در باره مرجعیت امام بود، نوشتند و امضا کردند. این اعلامیه‌ها با همین کیفیت چاپ و پخش شد که به نظر من همین مسئله، خود کوبنده‌ترین مسئله برای رژیم بود؛ زیرا آنها در حالی که مسئله حضرت امام را پیش خودشان خاتمه یافته تلقی می‌کردند، با چنین وضعی روبه‌رو شده بودند...

نور علم: حضرت عالی سابقه ممتدی در تدریس درسهای حوزه دارید. بفرمایید از چه سالی شروع کردید و کدام کتابها را تدریس کرده‌اید؟

از توفیقات خداوند بسیار سپاس گزارم. از همان سالهای سوم، چهارم تحصیل ضمن درس خواندن، تدریس نیز می‌کردم. الآن که شاید حدود شصت سال از عمر من می‌گذرد ۴۳ یا ۴۴ سال آن را به تدریس مشغول بوده‌ام. اولین کتابی که به تدریس آن پرداختم حاشیه ملاعبده الله و معلم بود؛ منتها این درسها خیلی جنبه رسمی نداشت و شاگردان فراوانی در آن شرکت نمی‌کردند. بعدها که شرح لمعه را شروع کردم، تدریس رسمیت پیدا کرد. با اینکه در آن زمان تعداد طلاب حوزه خیلی کمتر بود، عده شرکت‌کنندگان در شرح لمعه به هفتاد نفر تخمین زده شد. به نظرم شرح لمعه را دو دوره و کتاب ارث آن را سه دوره تدریس کرده‌ام و پس از آن به تدریس رسائل و مکاسب مشغول شدم. درس مکاسب خیلی شلوغ بود؛ به طوری که پس از درس مرحوم آیت‌الله بروجردی که در یکی از شبستانهای مسجد اعظم تشکیل می‌شد، بلافاصله برای تدریس مکاسب زیر گنبد می‌رفتم و آنجا تقریباً پر می‌شد. مکاسب پنج دوره و کفایه را ظاهراً شش دوره تدریس کرده‌ام و همراه با دوره اخیر یا دوره پنجم، درس خارج (فقه و اصول) را شروع کردم. در آن زمان در درس کفایه با اینکه امکانات بلندگو و... نبود، در سرداب مسجد امام حدود هفتصد نفر شرکت می‌کردند. از آخرین دوره کفایه ما نوار تهیه شده است که شنیدم طلاب در قم و

دیگر شهرستانها از آن استفاده می‌کنند. اکنون سالیان درازی است که درسهایی من در خارج فقه و اصول متمرکز شده است. خارج اصول را یک دوره تمام گفته‌ام و دوره دوم را حدود یک سال و نیم است که شروع کرده‌ام و از خارج فقه بحث اجاره و قصاص، نیمی از صلات و بخش مهمی از طهارت را بحث کرده، از اول امسال هم بحث حج را شروع کرده‌ایم. متن اصلی کتاب *تحریر الوسیله* حضرت امام است. بعد از بحث، آنها را تدوین کرده و تاکنون تقریباً هفت جلد از شرح آن چاپ شده است. از درس خارج صلات آیت‌الله بروجرودی دو جلد به نام *نهایه التقریر* به صورت تقریرات نوشته‌ام که دو بار چاپ شده. غیر از اینها چند تألیف دیگر نیز دارم که یکی از آنها به نام *مدخل التفسیر* مشتمل بر بحثهایی در مورد اعجاز قرآن و قرائات مختلفه و مهم‌تر از همه تحریف قرآن است که این بحثها اول به صورت درسهایی تعطیلی بود و بعداً به صورت کتاب چاپ و منتشر شد. یکی دیگر شرحی بر عهدنامه مالک اشتر است که آن هم اول به صورت درس گفته شد و بعداً به وسیله یکی از دوستان از نوار پیاده و مطالب آن تیتربندی شد و گاهی دخل و تصرفاتی در عبارات آن شده است. یکی دیگر کتابی در مورد ائمه از نظر قرآن است که بخش مهم آن در مورد علم ائمه از نظر قرآن است. این کتاب را با شرکت مرحوم آقای اشراقی - داماد بزرگ حضرت امام - و مرحوم آقای حاج آقا مصطفی سه نفری تألیف کرده‌ایم و همچنین کتابی در مورد آیه تطهیر با شرکت این دو نفر نوشته‌ایم.

نور علم: همه‌اش چاپ شده است؟

بلی، همه‌اش چاپ شده؛ منتها کتاب *ائمه از نظر قرآن یا پاسداران وحی* اکنون کم‌یاب شده؛ ولی کتابی که در باره آیه تطهیر نوشته شده، تجدید چاپ شده است. ما در این کتاب برداشتی از آیه شریفه کرده‌ایم که نمی‌خواهم حالا اسمش را تحدی یا تهدی بگذارم؛ ولی این برداشت ما در نوع خود بی‌نظیر و ابتکاری و به طوری واضح و روشن بیان شده است که تاکنون هیچ‌کس بدین سبک تألیف ندارد و من کسانی را که علاقه‌مند به درک صحیح مفاد آیه می‌باشند، به مطالعه این کتاب دعوت می‌کنم. حالا چون وقت ما کم است، یکی دو کلمه، مطالبی به عنوان نصیحت عرض می‌کنم.

نور علم: در باره فقه چیزی نوشته‌اید؟

خوب شد یادآوری کردید. دو سال قبل تصمیم گرفتم یکی از مباحث بسیار مهم و مفید را که در مورد قواعد فقهی می‌باشد، مورد تحقیق و بررسی قرار بدهم؛ البته کتابهای زیادی در این زمینه نوشته شده که *القواعد الفقهیه* مرحوم بجنوردی که در هفت جلد چاپ شده، به نظرم بسیار جالب آمد. بر این اساس تصمیم گرفتم تعطیلات تابستانی را به این کار مشغول شوم که تاکنون کار تحقیق و بررسی ۲۵ قاعده از این قواعد را به اتمام رسانده‌ام که به صورت کتابی حدود پانصد، ششصد صفحه در آمده و الآن آماده چاپ است و ان‌شاء الله به توفیق خدا این کار را ادامه خواهیم داد و ترتیب تحقیق بقیه را خواهیم داد؛ چون اهمیت و کارایی این قواعد در فقاہت بر کسی پوشیده نیست. کسانی که تسلط کامل به این قواعد نداشته باشند، پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در فقاہت نکرده و تخصص لازم را به دست نمی‌آورند. اما نصایح من:

طلاب عزیز باید به قدر کافی از وقت خود استفاده کنند. اگر دقت داشته باشند، می‌توانند در یک ساعت چند مطلب علمی بفهمند و یا بنویسند و یا به دیگران یاد بدهند. همچنین باید از اساتید با سابقه و وارد در کار تدریس استفاده نمایند. جوانی دورانی است زودگذر و غیر قابل برگشت. عزیزان ما باید از این دوره از سنشان که پربارترین قسمتهای زندگی انسان محسوب می‌شود، بهره کافی ببرند. به عنوان بهترین نمونه امام عزیز را در نظر بیاوریم. او فردی بود که از عمر خود در موقع مناسب از آن بهره برده و اوقات شریفش را به هدر نداده و سپس در جامعه حتی در سطح جهانی دارای نقش برجسته و منحصر به فردی شدند. امیدوارم طلاب عزیز این نصایح ما را به کار گیرند و خود را برای ایفای نقشهای سازنده‌ای در آینده آماده کنند.

امام خمینی^۱

حوزه: به نظر حضرت عالی امام به دنبال چه اهدافی بودند؟ آرمانهای حضرت امام که اینک باید با تمام وجود به حفاظت آن همّت گماشت، چه بود؟

۱. حوزه، ش ۳۲، خرداد و تیر ۱۳۶۸، ص ۱۲۷ - ۱۳۳.

آنچه به نظر امام مهم‌ترین هدف شناخته می‌شد، بقای این انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران است؛ زیرا این نظام نه تنها اثر و فوایدش ملت ایران را شامل می‌شود بلکه به عنوان یک الگو در جهان مطرح است و ما می‌بینیم در بسیاری از کشورهای اسلامی مخصوصاً این نهضتها و قیامها و سر و صداهایی که به پا می‌شود، همه نشئت گرفته از نظام جمهوری اسلامی است. به نظر من یکی از علل مهم مبارزه ابرقدرتها با این نظام این نیست که این نظام در ایران تحقق پیدا کرده. شاید برای آنها این مسئله چندان اهمیت نداشته باشد. مسئله مهم این است که این نظام جنبه هدایت سایر کشورها را دارد... .

کجا دولت انگلیس در تاریخ این کشور مشاهده کرده بود در یک زمان دوست هزار نفر در خیابانهای لندن راهپیمایی کنند و علیه دولت انگلیس در مورد مسئله سلمان رشدی راهپیمایی داشته باشند؟ به این جهت آنها کمر به از بین بردن انقلاب بسته‌اند و روی همین نظر است که مهم‌ترین هدف امام بزرگوار حفظ این نظام و حفظ این انقلاب بود؛ برای اینکه این انقلاب در ایران راکد نمی‌ماند و به عنوان الگو در جهان مطرح می‌شود.

حوزه: حضرت عالی یکی از شاگردان حضرت امام بوده‌اید و از محضر آن فرزانه بهره‌ها برده‌اید. لطفاً در باره مبانی فقهی و اصولی آن عزیز به قدر امکان صحبت بفرمایید.

یکی از افتخارات مهم من این است که حدود ده سال از محضر امام بزرگوار در زمینه فقه و اصول استفاده کردم. یک دوره اصول از اول مباحث الفاظ تا آخر مباحث اجتهاد و تقلید از محضر ایشان استفاده کردم. در فقه هم مباحث زیادی از کتاب طهارت و بعضی از کتابهای دیگر را حدود ده سال از محضرشان بهره برده‌ام. روزهایی که در محضر امام بودم و از جهات علمی ایشان استفاده می‌کردم، برای من به عنوان یک طلبه از شیرین‌ترین روزهای زندگی محسوب می‌شد. برای اینکه امام بزرگوار در آن اوان و آن ایام هیچ مشغله‌ای غیر از مطالعه و تدریس و نوشتن نداشتند و تمام وقت خود را در این رابطه صرف می‌کردند. گاهی درس ایشان مخصوصاً درس فقهشان به یک ساعت و نیم می‌رسید بدون اینکه خودشان احساس خستگی بکنند یا شاگردان احساس خستگی داشته باشند. دقتها و تحقیقات و نکاتی را که ذهن مستقیم و صاف ایشان آنها را اقتضا و توجه کرده بود، به قدری شیرین و قابل قبول بود که شاید برای انسان هیچ نقطه ابهام باقی نمی‌ماند.

ایشان مسائل را خصوصاً مسائل علم اصول را ریشه‌ای بحث می‌کردند و از اساس این مباحث را مورد بررسی و نظر قرار می‌دادند. بسیاری اوقات برای ما روشن می‌شد که این راهی که دیگران رفته‌اند و این پایه‌ای را که دیگران روی آن بنا گذاشته‌اند، غیرصحیح بوده و حق مطلب همان بود که امام بزرگوار می‌فرمودند.

من هنوز شیرینی جلسات بحث ایشان و آن خاطره از ذهنم بیرون نمی‌رود. با یاد آن یک حالت نشاط و التذادی برای من پیدا می‌شود. چه روزهای بسیار با ارزش و شیرینی بود! این یکی از افتخاراتی بود که خداوند نصیب من کرد که بتوانم از محضر علمی این امام بزرگوار استفاده کنم.

امام بزرگوار کتابهای متعددی در فقه، اصول، فلسفه، مباحث اخلاقی، مباحث اعتقادی و مباحث مربوط به حدیث و روایت از خود به جا گذاشته‌اند. اکثر تألیفات ایشان چاپ شده و در اختیار قرار گرفته است که بسیار مورد استفاده می‌باشد. در فقه، مکاسب محرمه و بیع و خیار/ت نوشته‌اند. این قسمت را در نجف اشرف تدریس کرده‌اند و مشتمل بر تحقیقات کم‌نظیر و دقت‌هایی است که انسان در کتابهای دیگر و در درسهای دیگر با آن نوع تحقیقات مواجه نیست. بالأخره امام بزرگوار در مقام علمی یک فرد جامع به تمام معنا بود. فقیه کامل، اصولی متبحر، فیلسوف بی‌نظیر، عارف به تمام معنی الکلمه، متخصص در علم اخلاق و تربیتهای علمی اخلاقی و همین‌طور جهات مختلف دیگر و حتی در شعر هم دارای یک سهم بسیار چشم‌گیری بودند.

بیان استاد در تدریس به قدری شیرین و روشن بود که هیچ‌کس خود را نیازمند نمی‌دید که از کس دیگری نظر امام را استفسار کند. خود امام مستقیماً با بیان روشن و شیرین خودشان تمام مطالب را در اختیار می‌گذاشتند. طلبه که از درس استاد بیرون می‌رفت، مطلب استاد به نظرش کاملاً روشن بود. ممکن بود در اصل مطالب اشکالی داشته باشد؛ اما از نظر اینکه امام چه فرموده‌اند و چه نظری داشته‌اند، هیچ نقطه ابهام برای کسی باقی نمی‌ماند. این مسئله در تدریس کاملاً اهمیت دارد که استاد بتواند نظر خود را در اختیار شاگردان به وضوح بگذارد.

خاطره‌ای در این مورد دارم: مسئله‌ای بود که فروض مختلف و احکام متعددی داشت.

یک روز به نظر شاگردی آمده بود که امام در این مسئله گویا از نظر حساب دچار اشتباهی شده‌اند. شاگرد روی اشکال خود اصرار داشت و امام هم بر دیدگاه خود اصرار داشت. بالأخره آن شاگرد چاره را جز این ندید که به قسم و سوگند متوسل بشود. ظاهراً امام بزرگوار هم در جواب از همان شیوه استفاده کردند و با سوگند مطلب خود را اثبات کردند. این منظره همیشه جلو چشم من تجسم دارد.

حوزه: در این موقعیت حساس که حضرت امام رحلت کرده‌اند و خلأ عظیمی در جامعه به وجود آمده، وظایف حوزه‌های علمیه در این شرایط چیست؟
خوشبختانه امام نه تنها وظایف رهبری را در حال حیات انجام دادند و به تمام معنا مردم را هدایت و رهبری کردند بلکه روی شدت علاقه ایشان به مردم و اسلام و پیاده شدن احکام اسلام در وصیت‌نامه بسیار ارزنده و بسیار مفصل خود که حدود ۳۵ صفحه است، وظایف حوزه‌های علوم اسلامی را مشخص کرده‌اند؛ مخصوصاً به چند نکته اشاره کرده بودند:

۱. حوزه‌ها مورد نظر استکبار و قدرتهای ضد اسلامی است و ممکن است افراد نفوذی را در این حوزه‌ها بفرستند تا آشنایی به مسائل اسلامی پیدا کنند. چه بسا تا حد مرجعیت خودشان را برسانند و بعد از آن، ضربه‌های محکم طبق نقشه‌های شوم ابرقدرتها و استکبار به اسلام بزنند. لذا وظیفه مسئولان حوزه‌ها و همین‌طور افراد و اعضاء حوزه این است که در این باره پی‌گیری داشته باشند و مسائل را دنبال کنند و اگر با فرد مشکوکی برخورد کردند، تحقیقات کافی در مورد او انجام بدهند. در مقابل افراد نفوذی باید آمادگی پیدا کرد.

۲. امام بزرگوار روی فقه سنتی تأکید دارند و می‌فرمایند: مسائل فقهی و اصولی همان‌گونه که در حوزه‌ها متداول بود، باید به همین نحو متداول باشد. البته هدف این است که طلاب خودشان را بیشتر آماده کنند برای دو جهت: یکی اینکه نهادها و پستهای زیادی را در جمهوری اسلامی باید روحانیون و افراد آشنا به علوم اسلامی اداره کنند. اگر طلاب خودشان را آماده برای این مسائل نکنند، قسمت عمده کارها لنگ می‌شود و کمبود پیدا می‌کند. بالأخره پست قضاوت باید به دست روحانی باشد. تعلیم مسائل اعتقادی باید به دست روحانی باشد. امامت جمعه، تبلیغ و مسائل مختلف دیگر را باید فرزندان این حوزه

اداره کنند. لذا هرچه بیشتر و سریع‌تر باید خودشان را مجهز به جهازات علمی و تقوایی کنند تا بتوانند مسئولیت خودشان را در این پسته‌ها انجام بدهند.

دوم اینکه اسلام به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در تمام دنیا مطرح است و به عنوان بزرگ‌ترین عامل مؤثر در پیروزی انقلاب شناخته شده و این امر اقتضا می‌کند که اهل تحقیق در مورد اسلام به مطالعه بپردازند و در این جهت طبعاً پرسشها و احیاناً بعضی شبهات مطرح می‌شود. تنها حوزه‌ها می‌توانند بیانگر اسلام باشند و شبهات را بر طرف سازند. مسئولیتی خطیر پس از پیروزی انقلاب پیش آمده که حوزه‌ها در زمانهای گذشته چنین مسئولیتی نداشتند.

۳. نکته سومی که در وصیت‌نامه در باره حوزه‌ها به آن اشاره فرموده‌اند، علمی است که اکنون جامعه اسلامی به آنها نیاز دارد و در کنار دروس حوزه، باید در این علوم هم افراد متخصص شوند تا بتوانند نیاز جامعه اسلامی را برطرف کنند؛ مانند علم اقتصاد و علوم مختلف دیگر.

حوزه: در باره نقش رهبری حضرت امام در رهبری امت اسلامی مطالبی را برای ما و خوانندگان بیان بفرمایید.

نقش حضرت امام در رهبری امت، برای خرد و کلان، روحانی و غیر روحانی روشن است. تحولی را که امام بزرگوار در جامعه ایران به وجود آورد، شبیه همان تحولی است که رسول گرامی اسلام(ص) در مردم جاهلیت به وجود آورد. قبل از پیروزی انقلاب در دوران رژیم طاغوت به راهی می‌رفتیم که عاقبت آن راه، ختم اسلام و از بین رفتن اسلام در جمیع ابعاد و حتی نسبت به ظواهر اسلام بود. کارهایی که رژیم طاغوت انجام می‌داد، حاکی از این معنا بود که برنامه‌ای تنظیم شده برای از بین بردن حتی تمام ظواهر اسلام در کار بود. مسئله تغییر تاریخ اسلام با اینکه تاریخ یک مسئله‌ای نیست که کسی بگوید: منافات با استکبار داشت؛ منافات با رژیم داشت؛ اما رژیم با تاریخ هم به مبارزه برخاسته بود. هدف رژیم وابسته این بود که اثری از اسلام باقی نماند. لذا با تاریخ اسلام به مبارزه برخاست و آن را به تاریخ شاهنشاهی مبدل کرد.

نقش امام در رهبری امت این بود که به اسلام حیات مجدد بخشید؛ اسلامی که

نزدیک بود به کلی از جامعه ایران و حتی جوامع مختلف جهان رخت بربندد. امام با پیروزی انقلاب خود و از بین بردن رژیم طاغوت و برقرار کردن نظام جمهوری اسلامی - آن نظام اسلام واقعی که برای اولین بار بعد از چهارده قرن و بعد از حکومت رسول الله در جهان در ایران به وجود آمد - مهم‌ترین اثر رهبری خویش را نشان داد. این اثر رهبری این بزرگ مرد و شخصیت کم‌نظیر بلکه بی‌نظیر در تاریخ اسلام و بلکه در تاریخ جهان بود. امام در سایه اسلام نه تنها قوانین اسلام را پیاده کرد بلکه به مردم ایران و جهان بینش داد و به مردم ایران به تمام معنا آزادی و استقلال بخشید.

کشوری که استعمار و استکبار در تمام شئونش حاکم بود، با رهبری امام بزرگوار این سنگینها و این غلها و این قیدهایی را که بر دست و پای مردم بود، باز کرد. مردم بعد از انقلاب احساس یک نوع آرامش کردند. دیدید که در سالیان دراز چگونه استعمار بر آنها حکومت می‌کرد و چه نوع خفقانی برای آنها به وجود آورده بودند که حتی جرئت نفس کشیدن نداشتند.

بالآخره این روزها (ایام رحلت امام خمینی) نه تنها شخصیت‌های مکتب تشیع و اسلام درباره رهبری امام مطالبی را می‌گویند و از ایشان به بزرگی یاد می‌کنند بلکه دشمنان، این مرد را رهبری متخصص و بی‌نظیر می‌دانند. تعبیر بعضی از رادپوهای بیگانه این است که امام به مرحله‌ای رسید که میلیونها نفر مردم ایران حاضرند خود را در راه او فدا کنند. چنین رهبری در تاریخ نشان داده نشده است.

آیت‌الله بروجردی^۱

حوزه: با تشکر از حضرت‌عالی که قبول زحمت فرمودید و مصاحبه با ما را پذیرفتید. لطفاً نقش آیت‌الله بروجردی را در شکوفایی حوزه بیان کنید.

در پاسخ به این سؤال در ابتدا باید نگاهی اجمالی به وضع حوزه در سالهای قبل از ورود ایشان داشته باشیم. بنده در این زمینه مطالبی را که خود شاهد بوده‌ام و یا شنیده‌ام، برایتان عرض می‌کنم. چنان‌که از پدرم و دیگران شنیدم، وضعیت حوزه در زمان رضاشاه

۱. حوزه، ش ۴۴ - ۴۳، فروردین - خرداد ۱۳۷۰، ص ۱۳۷ - ۱۶۰.

وضعیت دشواری بود. روحانیون در فشار عجیبی بودند حتی در پوشیدن لباس. در حوزه قم تنها چند نفر محدود اجازه پوشیدن لباس روحانی داشتند و باقی باید طبق قانون متحدالشکل، از لباس روحانیت خارج می‌شدند.

از این رو فضایی که در مدرسه فیضه بودند، صبحها بین الطلوعین از شهر خارج می‌شدند و به باغها پناه می‌بردند و در تاریکی شب مجدداً به حجره‌هایشان بر می‌گشتند. اگر احیاناً کسی در حجره می‌ماند، باید طوری وانمود می‌کرد که در حجره کسی نیست. این شرایط روز به روز سخت‌تر هم می‌شد.

پدرم می‌فرمود: ما با عده‌ای از دوستان از جمله حضرت امام - رحمة الله علیه - جلسه‌ای تشکیل دادیم و در آن جلسه بحث این بود که اگر کار به جایی برسد که ما را خلع لباس کنند، وظیفه چیست؟ در نتیجه تصمیم گرفتیم که اگر از لباس هم خارج شدیم، وظیفه تحصیل و ارشاد مردم را به هر صورت که شده، ادامه دهیم.

تضییقات به حدی بود که مرحوم آیت‌الله حائری - مؤسس حوزه قم - وقتی در سال ۱۳۳۵ق رحلت کردند، برای این شخصیت بزرگ اجازه برپایی مجلس ترحیم ندادند. شنیدم: در همین قم بنا بود مجلسی تشکیل دهند. مأموران رژیم آمدند سماور و دم و دستگاه را بردند و تنها مسامی از مجلس ترحیم به عمل آمد.

بعد از مرحوم آیت‌الله حائری آیات: حجت، صدر و خوانساری که آن زمان از آنان به «آیات ثلاث» تعبیر می‌کردند، مسئولیت حوزه را بر عهده گرفتند و حوزه در زمان این بزرگان هم شرایط بهتری از زمان مرحوم حائری نداشت. با زحمات بسیار و ارزنده این بزرگان، حوزه از انحلال نجات یافت؛ ولی رشد و ترقی پیدا نکرد؛ زیرا نکته مهم این بود که مرجعیت در نجف مستقر بود و در قم فردی که حتی هم‌عرض باشد، وجود نداشت. لذا بزرگان حوزه قم به فکر افتادند تا آیت‌الله بروجردی را که آن زمان در بروجرد سکونت داشتند، به قم دعوت کنند. ایشان اگرچه تا زمان مرحوم آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی مرجعیت نداشت لیکن از نظر مراتب علمی اگر نگوییم بالاتر از آیت‌الله آقاسید ابوالحسن بود، حتماً کمتر نبود؛ ولی به دلیل اقامت ایشان در بروجرد که یک شهر غیرعلمی و غیرحوزوی بود، شهرت زیادی نداشتند. در عین حال خواص از بزرگان از مراتب علمی

ایشان آگاه بودند. علاوه، در زمان مرحوم آیت‌الله آقای حائری ایشان مدت کوتاهی در قم اقامت داشته‌اند و درس و بحث هم شروع کرده بودند. این مدت کوتاه دوام نیافت؛ اما خواص به مراتب علمی ایشان پی برده بودند. آشنایی به سوابق علمی و تقوایی ایشان، عده‌ای از فضلالی قم را واداشت که به ایشان بنویسند و از آن بزرگوار بخواهند که در قم اقامت کنند.

در این خلال جریان مریضی ایشان پیش می‌آید و برای معالجه به تهران تشریف می‌آورند. در مدتی که در بیمارستان فیروزآبادی تحت معالجه بودند، بزرگان و فضلالی قم به عیادت ایشان می‌روند. در این دیدارها باز مسئله اقامت ایشان در قم مطرح می‌شود. تا اینکه ایشان تصمیم می‌گیرند پس از بهبودی به قم بیایند. بالأخره آن بزرگوار با استقبال باشکوه از طرف علما و مردم وارد قم شدند. امام - رحمة الله علیه - از کسانی بودند که تلاش بسیار نمودند تا آیت‌الله بروجردی به قم بیایند. مرحوم پدرم فرمود: پس از ورود آیت‌الله بروجردی به قم، حاج آقا روح الله خمینی به من فرمود: بالأخره ما آقا را به قم آوردیم؛ اکنون نگه داشتن ایشان با شماست.

حضرت امام به دلیل احساس وظیفه در قبال حوزه، از هیچ تلاشی به عنوان کمک به آیت‌الله بروجردی کوتاهی نمی‌کردند. حتی کارهایی که به ظاهر در شأن ایشان نبود انجام می‌دادند؛ مثلاً تلاش می‌کردند برای ایشان پشه‌بند تهیه و آن را نصب کنند و امثال اینها. ایشان پس از استقرار در قم دو درس شروع کردند: فقه و اصول. غیر از آیات ثلاث تقریباً همه بزرگان قم به درس ایشان حاضر می‌شدند؛ از جمله حضرت امام. آن بزرگوار سالها در درس آیت‌الله بروجردی حضور یافتند و مباحث را می‌نوشتند. گاهی در درس خارج مطالبی را از آیت‌الله بروجردی نقل می‌کردند که ما در جای دیگر نمی‌دیدیم و معلوم می‌شد از نوشته‌های خود ایشان است. درس ایشان از نظر کیفی بویژه فقه به دلیل ابتکاراتشان، خیلی جاذبه داشت؛ فوق‌العاده بود. در ضمن سؤالهای بعد این را بیشتر توضیح می‌دهم.

در هر صورت حوزه قم به جنب و جوش افتاد. از طرف دیگر حدود یک سال و نیم از ورود ایشان به قم می‌گذشت که مرحوم آیت‌الله آقا سیدابوالحسن اصفهانی رحلت کردند. من آن زمان یکی، دو سال بود که طلبه شده بودم. پس از انتشار خبر درگذشت آیت‌الله آقا

سیدابوالحسن اصفهانی، طلبه‌ها به صورت هیئت عزا به سمت منزل آیت‌الله بروجردی راه افتادند تا هم به ایشان تسلیت بگویند و هم جانشینی ایشان را به طور طبیعی اعلان کنند. یادم هست وقتی وارد منزل آیت‌الله بروجردی شدیم، دیدم امام از اندرونی بیرون آمدند و مانند کسی که بهترین عزیزش را از دست داده باشد، گریه می‌کردند. هیچ‌گاه آن منظره از ذهنم بیرون نمی‌رود.

بزرگان قم نوعاً برای مرجعیت حضرت آیت‌الله بروجردی تلاش می‌کردند؛ از جمله: حضرت امام و پدر من. البته عده‌ای هم به مرحوم آیت‌الله آقای حاج آقا حسین قمی نظر داشتند. در هر صورت دیری نپایید که با رحلت آیت‌الله قمی زمینه اختلاف جزئی هم از بین رفت و مرجعیت مطلق در آیت‌الله بروجردی تعیین پیدا کرد؛ چیزی که تا قبل از ایشان و حتی بعد از ایشان کم‌سابقه بود. این در حالی بود که خود ایشان یک وقت سر درس فرمودند: من برای رسیدن به مرجعیت یک قدم برنداشتم؛ اما یک وقت احساس کردم مرجعیت سراغ من آمده و من مسئول هستم بپذیرم.

بد نیست اینجا قضیه‌ای را از مرحوم والد نقل کنم. مرحوم والد به مسجد جمکران خیلی معتقد بودند. فرمودند: من قبل از آمدن آیت‌الله بروجردی به قم خواب دیدم که در مسجد جمکران هستم. آن موقع مسجد جمکران حیاطی داشت و در وسط آن حیاط یک آب‌انبار بود که بام آن یک متر مرتفع‌تر از حیاط مسجد بود. روی همین بام آب‌انبار، منبری گذاشته بودند و شیخ طوسی - رحمة الله علیه - روی آن نشسته و تمام روی آن بام و کف حیاط مملو از طلبه بود.

پدرم فرمود: تعبیرم از خواب این بود که شخصیتی به قم خواهد آمد و طلاب گرد او جمع خواهند شد و حوزه رونق خواهد گرفت. طولی نکشید که آیت‌الله بروجردی به قم آمدند. تعبیر اینکه چرا شیخ را خواب دیده و آن‌هم در مسجد جمکران، بعدها مشخص شد؛ زیرا مرحوم آیت‌الله بروجردی به شیخ طوسی و آثار او بسیار اهمیت می‌داد. وقتی عبارات شیخ را از کتاب *خلاف* یا *مبسوط* می‌خواند، مثل این بود که روایتی از امام معصوم (ع) می‌خواند. با احترام و دقت در جزئیات کلمات آن همانند کلمات معصومین (ع). مسجد جمکران هم شاید کاشف از این باشد که اصل آمدن ایشان به قم و رسیدن به مقام

مرجعیت مطلق با عنایت امام زمان(عج) بوده است.

در هر صورت با استقرار مرجعیت مطلق در ایشان، حوزه قم متحول شد؛ به گونه‌ای که نجف را تحت‌الشعاع قرار داد؛ زیرا قم مرکز مرجعیت بود و روز به روز فضایی بیشتر جذب این حوزه می‌شدند.

ایشان به امور ظاهری حوزه نیز توجه داشتند؛ از جمله مسئله امتحانات را پایه‌گذاری کردند که تا آن زمان سابقه نداشت. هیئتی مسئول امتحانات بود. عده‌ای از آنان مسئول امتحانات خارج و عده‌ای دیگر هم امتحانات سطح را به عهده داشتند و بعد بر اساس این امتحانات شهریه داده می‌شد.

حوزه: مرحوم والد در تشکیلات آیت‌الله بروجردی چه سمتی داشتند؟

مرحوم والد ما ضمن اینکه جزء اصحاب استفتای مرحوم آیت‌الله بروجردی بودند، خیلی مورد اعتماد ایشان بودند. به همین دلیل، اگر مرحوم والد در باره مسائل حوزوی و... نظری می‌دادند یا آیت‌الله بروجردی از ایشان نظرخواهی می‌کرد، ترتیب اثر می‌دادند. لذا پدرم برای طلاب واسطه خوبی بود جهت رفع حوائجی که به آیت‌الله بروجردی مربوط می‌شد. ممکن نبود طلبه‌ای مشکلی داشته باشد و به وسیله مرحوم پدرم حل نشود.

مرحوم پدرم در بیت آیت‌الله بروجردی سمت رسمی نداشت؛ ولی به سبب همین شدت اعتماد نوعاً مورد مشاوره ایشان قرار می‌گرفت. داستانی در این زمینه یادم آمد. مرحوم پدرم به من فرمود: یک وقت در اطراف یزد فردی بهایی به دست مسلمانی کشته شده بود و دادگاه حکم به اعدام قاتل داده بود. بهاییان زیاد فعالیت می‌کردند تا این حکم در یزد اجرا شود و آن‌هم در روز نیمه شعبان! طبعاً اجرای حکم بویژه در روز نیمه شعبان برای مسلمانان ننگ بسیار بزرگی بود. روز چهاردهم شعبان خبر به آقای بروجردی می‌رسد.

پدرم فرمود: وارد خانه آقا شدم؛ دیدم آیت‌الله بروجردی در حیاط قدم می‌زنند و به شدت ناراحت هستند. علت را پرسیدم. فرمود: مگر نمی‌دانی آبروی اسلام در خطر است؟ همین امروز به ما خبر داده‌اند که روز نیمه شعبان مسلمانی را به جرم قتل یک بهایی می‌خواهند در یزد اعدام کنند. فرصت برای انجام کاری هم نیست. به ایشان گفتم: راه

دارد. فرمود: چطور؟ گفتم: همین الآن حاج احمد را بفرستید تهران پیش شاه تا از او بخواهید جلو این اعدام را در روز نیمه شعبان بگیرد. اگر روز نیمه شعبان واقع نشود، بعد می‌توان سر فرصت اقدام نمود و اصل قضیه را پی‌گیری کرد. آیت‌الله بروجردی آرامش پیدا کرد و فرمود: پیشنهاد خوبی است. فوری حاج احمد را به تهران فرستاد. حاج احمد خواسته ایشان را به شاه رساند. شاه هم دستور داد که اعدام روز نیمه شعبان اجرا نشود. بعد هم مرحوم آیت‌الله بروجردی وارد میدان شد و با فعالیت و تلاش بسیار قاتل را تبرئه کرد.

حوزه: لطفاً در زمینه ویژگی‌های علمی بویژه روش استنباط ایشان توضیح بدهید.

آیت‌الله بروجردی از نظر علمی فرد جامعی بود. قبل از پرداختن به این بعد از شخصیت ایشان، به دو نکته مهم از ویژگی‌های آیت‌الله بروجردی اشاره می‌کنم: پرکاری و داشتن حافظه بسیار قوی.

از جهت پرکاری، ایشان با اینکه مسئولیتهای مهمی بر دوش داشت، مطالعه‌اش فوق‌العاده بود. می‌فرمودند: هرگاه از کارهای دیگر خسته می‌شوم، مطالعه می‌کنم. با مطالعه رفع خستگی می‌کنم! نوع مطالعه او هم متنوع بود. مطالعه ایشان منحصر به فقه و اصول و کتب روایی نبود؛ بلکه در تاریخ، رجال و... مطالعه می‌کرد. حتی از اول تا آخر *گلستان* سعدی را حاشیه زده بود، با اینکه فقیه و مرجع تقلید بود.

داستان عجیبی را خودم از ایشان شنیده‌ام که نقل می‌کنم: ایشان فرمودند: به سبب همین علاقه به مطالعه انواع و قسام چیزها، تصمیم گرفتم کتاب *مثنوی* را مطالعه کنم. برنامه را طوری تنظیم کردم که ظهرها بعد از نهار و قبل از استراحت دقایقی به مطالعه آن بپردازم. مدتی به مطالعه مشغول بودم تا اینکه یک روز که از اتاق نهارخوری به اتاق استراحت می‌رفتم تا *مثنوی* را مطالعه کنم، صدایی را شنیدم که به من گفت: فلانی، مطالعه *مثنوی* را رها کن؛ تو را به جایی نمی‌رساند. از آن به بعد با اینکه به مطالعه *مثنوی* علاقه داشتم، آن را ترک کردم.

این را خودم بدون واسطه از ایشان شنیدم. اگر با واسطه می‌شنیدم باور آن برایم مشکل بود.

ایشان از نظر حافظه از عجایب روزگار بود. با آنکه پرمطالعه بود، همه آنچه را می‌خواند،

به خوبی در حافظه نگه می‌داشت. شواهد آن بسیار است. نمونه‌ای را می‌گوییم که برای خود من اعجاب‌انگیز بود:

روزهای پنج‌شنبه و جمعه اول آفتاب، بنده به همراه مرحوم آقا میرزا حسن نوری، آقا سید جعفر احمدی (داماد آیت‌الله بروجردی)، آقا سید محمدحسن (پسر آیت‌الله بروجردی) و مرحوم آقا میرزا مهدی صادقی به خدمت ایشان می‌رفتیم. آیت‌الله بروجردی در بارهٔ رجال و اسانید، مطالبی را به صورت رمز نوشته بودند. ایشان در این روزها توضیح می‌دادند و این گروه به صورت تفصیلی آنها را در فیشهایی یادداشت می‌کردند. یکی از روزها در بارهٔ یک راوی داستانی مفصل نقل کردند. این داستان با تمام جزئیات حدود نیم ساعت طول کشید. نقل به گونه‌ای بود که به ذهن من آمد حتماً دیشب در بارهٔ این راوی تصادفاً مطالعه‌ای داشته‌اند؛ ولی در پایان داستان فرمودند: من این جریان را ۴۲ سال قبل در فلان کتاب مطالعه کرده‌ام.

همه تعجب کردیم از این حافظه قوی. معمولاً افرادی که حافظه قوی دارند استعدادشان قوی نیست؛ ولی ایشان از کسانی بود که بین استعداد و حافظه قوی جمع کرده بود.

مرحوم حاج آقا مصطفی خمینی - رحمة الله علیه - هم از این لحاظ بی‌نظیر بودند. آن مرحوم بین حافظه قوی و استعداد جمع کرده بودند. انصافاً نابعه‌ای بود. خدا رحمتش کند! از نظر علمی همان‌طور که عرض کردم، ایشان جامع بودند. می‌توان گفت: یک دائرةالمعارف بود و در هر زمینه‌ای اطلاعات دقیق داشت. فلسفه و معقول را در اصفهان پیش جهانگیرخان و آخوند کاشی خوانده بود. سر درس کمتر وارد مباحث معقول می‌شدند؛ ولی گاهی که بحث پیش می‌آمد، خیلی جالب مانند یک فیلسوف متبحر در معقولات بحث می‌کردند. در رجال و اسانید ابتکاراتی داشت. رجال را طبق تحقیقاتش طبقه‌بندی کرده بود. از راه این طبقه‌بندی در بارهٔ افراد داوری می‌کرد که آیا فلان راوی می‌تواند از فلان راوی دیگر روایت نقل کند یا نه؟ مثلاً اگر بین این راوی با راوی قبل از او دو طبقه فاصله وجود داشت، می‌فرمود: در اینجا سقطی رخ داده است و امکان ندارد این فرد بدون واسطه بتواند از آن شخص روایت کند.

اسانید را نیز تحلیل کرده بود؛ به این صورت که مثلاً زراره در کتاب کافی چند تا روایت دارد و از چه کسانی نقل کرده است و چه کسانی از او نقل روایت کرده‌اند. مشایخ و تلامذه‌اش را مشخص می‌کرد. این کار نیز نقش مهم در تشخیص روایت مسند از غیر آن داشت. چه بسا روایتی که به ظاهر در وسائل فرضاً به صورت مسند آمده است؛ اما با استفاده از این روش معلوم شد که انقطاعی رخ داده است.

در فقه در این جهت نیز تبخّر خاصی داشت. برای هر مسئله‌ای از مسائل فقهی تحقیق جامعی داشت از اقوال علما (شیعه و سنی) آیات مربوط به بحث، روایات، احتمالات در مسئله و بالأخره آخرین نظریه‌ای که خود به آن رسیده بود. می‌توان تعبیر کرد که ایشان برای هر مسئله فقهی پرونده‌ای خاص تشکیل داده بود حاوی همان مطالبی که عرض شد. این کاری بسیار مهم بود از این شخصیت بزرگ.

ویژگی مهم ایشان در فقه، شیوه استنباطی بود که به کار می‌بست. تا قبل از آیت‌الله بروجردی اجتهاد و استنباط به همان روشهای معمولی پیش می‌رفت؛ ولی ایشان تحوّل در شیوه اجتهاد و استنباط به وجود آورد. آن مرحوم افزون بر اینکه به رجال و اسناد اهمیت می‌داد، تشخیص جوّ صدور حدیث را نیز بسیار مهم می‌دانست. معتقد بود: احادیث ما شأن نزول دارند و در محیطی صادر شده‌اند که اقوال و نظریات فقیهان بزرگ اهل سنت حاکم بوده است. اهل بیت ناظر به این فتاوا سخن گفته‌اند. سخنان آنان یا در ردّ نظریه‌ای است و یا در اثبات آن. بنابراین باید جوّ مسئله فقهی را به دست آورد تا فهمید که مقصود از روایت چیست.

من اینجا دو مثال ذکر می‌کنم: یکی در باره اینکه شناخت شأن نزول حدیث و جوّ صدور آن چه اندازه در فهم درست حدیث دخالت دارد و دیگر نمونه فقهی از نقش آن در استنباط در مسائل شرعی.

در باره مثال اول در حدیث شریف آمده است: «الجار ثم الدار؛ اول همسایه بعد خانه»؛ مقصود چیست؟ اگر حدیث در جوّ بیان مقام و منزلت همسایه در اسلام صادر شده باشد، معنا این است که: انسان در مقام رفع حوائج باید همسایه را بر اهل خانه خویش مقدم بدارد. اگر در جوّ خریدن خانه و مذمت از همسایه بد وارد شده باشد، معنای حدیث این

است: اگر خواستید خانه‌ای بخرید، اول دقت کنید ببینید همسایه آن خانه خوب هست یا خیر؟ اگر خوب بود، خانه را بخرید و گر نه نخرید. این دو معنا با یکدیگر متفاوتند. حال آنکه از نظر جملات و ترجمه ظاهری در هر دو صورت تغییری حاصل نمی‌شود. تنها تعیین‌کننده یکی از دو معنا، آگاهی از شأن نزول حدیث است.

اما مثال در باره نقش آگاهی از شأن نزول در استنباط حکم شرعی، مثالی را از درس آیت‌الله بروجردی برایتان عرض می‌کنم. در حدیث آمده: علامت مؤمن چند چیز است؛ از جمله چهار به «بسم الله الرحمن الرحیم». فقها مطابق این حدیث فتوا داده‌اند که در نمازهای اخفاتیه مثل نماز ظهر و عصر مستحب است «بسم الله الرحمن الرحیم» بلند گفته شود.

مرحوم آیت‌الله بروجردی براساس همان شیوه تحقیق در شأن نزول و جو صدور، در این استحباب تردید می‌کردند. ایشان می‌فرمودند: این حدیث در جوی صادر شده که فتوای فقهای اهل سنت بر این بوده است که در نمازهای جهریه مانند نماز صبح و مغرب و عشا باید «بسم الله» را آهسته گفت. بنابراین روایت در مقابل این فتوا می‌خواهد بگوید: در نماز جهریه «بسم الله» را بلند بگویید و بیش از این را ثابت نمی‌کند. اما آیا در نمازهای اخفاتیه هم مستحب است «بسم الله» را بلند گفت؟ دلیل خاصی می‌خواهد. مثل اینکه برای امام جماعت دلیل داریم که مستحب است «بسم الله» را بلند بگوید؛ اما در غیر امام جماعت به استناد این حدیث نمی‌توان استحباب را ثابت کرد.

این نمونه‌ای بود از به کارگیری این شیوه در اجتهاد و نقش آن در استنباط احکام. مرحوم آیت‌الله بروجردی انصافاً در ریشه‌یابی تاریخی مسئله فقهی و دریافت شأن نزول روایات، بسیار متبحر بود و برای این منظور به نقل فتاوی عامه بسیار اهمیت می‌داد.

حوزه: مرحوم آیت‌الله بروجردی دارای فضایل و ملکات اخلاقی برجسته‌ای بودند. لطفاً در این باره صحبت بفرمایید.

قبل از صحبت در باره فضایل معنوی ایشان، ابتدا این نکته را یادآور شوم: با اینکه مرحوم آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی در قید حیات بودند، بنده از روی تحقیقی که کرده بودم، از آیت‌الله بروجردی تقلید می‌کردم. از طرفی مرحوم پدرم به آیت‌الله بروجردی

خیلی نزدیک بلکه نزدیک‌ترین فرد به او بود. بعد هم که طلبه شدم و به درس ایشان راه یافتیم و تقریرات آن بزرگوار را نوشتیم، رفت و آمد من هم به بیت خیلی زیاد شد. با اینکه سن من کم بود، به بنده عنایت داشتند. اینها که عرض شد، از یک طرف و حس کنجکاوی طلبگی هم از طرف دیگر مرا وادار می‌کرد که در رفتار و اخلاقیات آیت‌الله بروجردی بیشتر دقت کنم. از این رو به مطالب بسیار آموزنده و خوبی دست یافتیم. به نظر من ریشه همه فضایل ایشان این بود که مبدأ و معاد را به گونه‌ای معتقد بود که گویا می‌دید. این سخن به ظاهر کوچک است؛ ولی در باطن خیلی عمیق است.

ذکر همه خصوصیات اخلاقی ایشان الآن نه برایم مقدور است و نه همه‌اش را به یاد دارم. اما تا آنجا که در ذهن دارم، برایتان نمونه‌هایی عرض می‌کنم:

زهد و ساده‌زیستی

ایشان وجوه شرعی بسیار در اختیار داشت؛ به گونه‌ای که علاوه بر شهریه طلاب قم، شهریه طلاب نجف را نیز می‌داد؛ ولی در زندگی داخلی بسیار ساده و زاهدانه بود. در مصارف شخصی، از وجوه شرعی استفاده نمی‌کرد. مخارج زندگی شخصی خود را از مختصر ملکی که در بروجرد داشت، تأمین می‌نمود و حتی نان منزل را هم از آردی تهیه می‌کرد که از حاصل ملک بروجرد برای ایشان می‌فرستادند.

مرحوم پدرم فرمودند: روزی آیت‌الله بروجردی به من فرمودند: کیفیت نانی که برای ما می‌پزند، خوب نیست. آدرس نانوايي را گرفتم و رفتم تا به نانوا تذکر بدهم که دقت بیشتری در پخت نان بکند. شکوه آیت‌الله بروجردی را از کیفیت نان به نانوا گفتم. نانوا گفت: ما مقصر نیستیم. این آردی را که بیت ایشان به ما می‌دهند، خوب نیست. نان این آرد بهتر از این نمی‌شود. اگر آقا اجازه بدهند، آرد خوب تهیه می‌کنم و نان مرغوب برای ایشان می‌پزم. آمدم خدمت آیت‌الله بروجردی پیشنهاد نانوا را مطرح کردم. ایشان فرمودند: این آرد مال ملک شخصی خودم است و حاضر نیستم آن را تعویض کنم و به همین نان از آرد خودم اکتفا می‌کنم.

با اینکه چهار نفر بودند (خود ایشان و عیالشان و یک کلفت و یک نوکر) برای دو وعده این چهار نفر در شبانه روز تنها شش سیر گوشت می‌خریدند.

موردی دیگر مرحوم پدرم گفتند: آیت‌الله بروجردی پادرد داشتند؛ به همین جهت یکی، دو سفر به آبگرم محلات رفتند. در یکی از این سفرها که مردم اطراف متوجه شدند، به دیدن ایشان آمدند؛ از جمله عده زیادی از فقرا هم آمده بودند که آیت‌الله بروجردی به آنان کمک کند. ایشان ضمن دادن پول به فقرا، دستور فرمودند چند تا گوسفند بخرند و گوشت اینها را بین فقرا تقسیم کنند. پس از کشتن گوسفندان و تقسیم بین فقرا به اندازه نیم‌کیلو گوشت برای آیت‌الله بروجردی کنار گذاشته بودند تا یک وعده کباب برای ایشان تهیه کنند. سفره‌انداخته شد. ماست و خیار را گذاشتند. دو، سه سیخ کباب هم که از همان گوشت تهیه کرده بودند، خدمت ایشان گذاشتند. فرمود: این کباب از کجاست؟ گفتند: از همین گوشت مقداری فقط برای شما درست کرده‌ایم. ایشان فرمود: من این کباب را نمی‌خورم؛ اینها را بین فقرا تقسیم کنید که آنان بوی آن را شنیده‌اند. ایشان همان ماست و خیار را تناول کردند.

گاه می‌شد طلبه‌ای می‌آمد خدمت ایشان و اظهار می‌داشت: یک دوره کتاب نیاز دارم. می‌فرمود: هزینه‌اش چقدر می‌شود؟ طلبه می‌گفت: مثلاً هزار تومان. فوری پرداخت می‌کردند. اما وقتی برای خودشان می‌خواستند کتابی بخرند، مدتی چک و چانه می‌زدند تا به قیمت کمتری بخرند؛ چون مخارج شخصی را از مال خودشان تهیه می‌کردند و آن هم محدود بود. از این رو در مضیقه بودند.

دوری از تظاهر

در عین حال که مرد زاهدی بودند، از تظاهر به تقدس و زهدمآبی اجتناب می‌کردند. ظاهر ایشان هیچ بیانگر قدس و زهد ایشان نبود حتی انگشتر که معمول افراد مقدس است، در دست نمی‌کردند.

پذیرایی از مهمان

مقید بودند که خیلی خوب از مهمان پذیرایی کنند. ایشان در سال دو نوبت مهمانی داشت. من در برخی از آنها بودم. در این مهمانیها از مهمان به گونه‌ای پذیرایی می‌کرد که من هنوز نظیر آن را ندیده‌ام. پذیرایی‌کنندگان موظف بودند به مجرد اینکه چند لقمه از

ظرف غذای مهمان خالی شد فوراً آن را پر کنند تا همیشه بشقاب مهمان پر باشد و معلوم نشود هرکس چقدر غذا خورده است که احياناً خجالت بکشد.

رعایت ادب

فوق‌العاده مؤدب بودند. در این باره دو نمونه را ذکر می‌کنم. معمول این بود که وقتی خدمت ایشان می‌رسیدیم، دست ایشان را می‌بوسیدیم؛ ولی گاهی مانع می‌شدند که دستشان را ببوسیم و هرچه اصرار می‌کردیم، فایده نداشت. گاهی نه تنها مانع نمی‌شدند که دستشان را جلو هم می‌آورند.

این مسئله برای من تا مدتی سؤال برانگیز شده بود که سر این کار چیست؟ تا اینکه با تکرار سر قضیه را فهمیدم و معلوم شد آنگاه که ما خودمان به اختیار خدمت ایشان می‌رسیم، مانع از دست بوسیدن ما نمی‌شوند؛ ولی آنگاه که ایشان ما را برای کاری احضار می‌کنند، به هیچ وجه اجازه نمی‌دهند دستشان را ببوسیم؛ زیرا برخلاف ادب می‌دانستند که فردی را احضار کنند و بعد به او اجازه دهند دستش را هم ببوسد. این دقت ایشان در رعایت ادب برای من بسیار اعجاب‌آور بود.

مورد دیگر را یکی از نزدیکان ایشان که با ما هم نسبتی داشت، برای من نقل کرد. ایشان گفت: روزی به همراه آیت‌الله بروجردی و فرزندشان به منزل آقا می‌رفتیم. دم در که رسیدیم، آقا زاده ایشان از من زودتر داخل منزل شد. آقا برگشت و با عصبانیت فریاد کشید: نمی‌فهمی ایشان مهمان من هستند؟ چرا جلوتر از ایشان وارد منزل شدی؟

خضوع در برابر زعیم مسلمین

پیش از این عرض کردم: حضرت آیت‌الله بروجردی به مقام بسیار بی‌توجه بودند. می‌فرمودند: من برای رسیدن به مقام مرجعیت یک قدم هم بر نداشته‌ام. ایشان با تمام لیاقت و صلاحیتی که داشت تا وقتی که آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی زنده بود، چون زعامت مسلمین به دست ایشان بود، در برابر آن بزرگوار خضوع داشتند و حتی سهم امام را هم برای ایشان می‌فرستادند.

حساسیت دینی

آیت‌الله بروجردی در برابر منکر بسیار حساس بودند. اگر می‌دیدند خلافتی تحقیق پیدا

می‌کند، بسیار ناراحت می‌شدند و تا حد امکان در رفع آن می‌کوشیدند. در این مورد نیز چند نمونه را ذکر می‌کنم:

از یکی از بستگان ایشان شنیدم: خانمی از اقوام یکی از عروس‌های ایشان به منزل آفازاده آن بزرگوار رفت و آمد می‌کرده؛ ولی حجابش را به طور شایسته رعایت نمی‌کرده است. این خبر به آیت‌الله بروجردی می‌رسد. ایشان به حدی عصبانی می‌شوند که بلند می‌شوند تا آفازاده را کتک بزنند! فرموده بودند: چرا باید به خانهٔ پسر من کسی رفت و آمد کند که حجابش را درست رعایت نمی‌کند؟

ناراحتی شدید آن مرحوم از حکم اعدام یک مسلمان به دلیل قتل یک بهایی، که نقل کردم، نمونه‌ای از حساسیت دینی ایشان است.

روزی ایشان می‌خواستند جایی بروند. من هم خدمت ایشان بودم. از در منزل که بیرون می‌آمدند، پیرمرد زائری جلو آمد و افتاد به پای ایشان که اظهار ادب کند. آیت‌الله بروجردی این کار را حرام می‌دانست و معتقد بود: شرک است. از این رو شدیداً عصبانی شد و عصایش را محکم کوبید به کمر پیرمرد. در همین حال فریاد می‌زد: این عمل شرک است؛ حرام است و... بعد چند قدمی که رفتند، برگشتند و پیرمرد را خواستند. ابتدا با نرمی به او فرمودند: این کار اشتباه و شرعاً حرام است. بعد دستور دادند به پیرمرد پول بدهند. یادم هست آنچه به دستور آقا برای جبران ناراحتی پیرمرد دادند، بسیار زیاد بود.

حوزه: آیت‌الله بروجردی دیدگاه روشنی در مسائل اجتماعی داشت. لطفاً در این باره توضیح بدهید. به نظر من آیت‌الله بروجردی با اینکه آخوند قدیمی بود و در محیط کوچکی مانند بروجرد بیشتر عمر علمی خود را گذارنده بود، واقعاً آدم روشن‌فکری بود. آثار روشن‌فکری ایشان زیاد است؛ از جمله:

اعزام مبلغ به خارج

می‌دانید تا آن زمان اعزام مبلغ به خارج از کشور هیچ مرسوم نبود. ایشان به این امر اهتمام نشان دادند و به اروپا و آمریکا و... مبلغانی فرستادند. تأسیس مرکز مهمی مانند مسجد هامبورگ در همین زمینه است. وجود چنین تفکری در آن زمان دلیل بر روشن‌فکری و آینده‌نگری ایشان است.

حوزه: افرادی را که ایشان به خارج می‌فرستادند، معلومات غیرحوزوی هم داشتند؟
 بله؛ ایشان دقت داشتند افرادی را بفرستند که از هر جهت واجد شرایط باشند. در مورد فرستادن مبلغ به اروپا در ابتدا پدرم آقای محمدی گلپایگانی را که اکنون رئیس دفتر مقام رهبری است، فرستادند. ایشان، هم فاضل بود و هم روشن فکر و هم اهل قلم. پس از مدتی که ایشان برگشتند و نتوانستند آنجا بمانند، به لحاظ همین دقت در افراد تا مدتی آیت‌الله بروجردی کسی را که واجد شرایط باشد، نیافته بودند. در این مورد با مرحوم پدرم مشورت می‌کنند. پدرم می‌گوید: این موضوع نیاز به تفکر دارد. مرحوم پدر این قضیه را با من در میان گذاشتند. بنده عرض کردم: به نظر من آقای محقق شایستگی این کار را دارد. ایشان استاد دانشگاه بود و مرد بسیار روشن و آشنا به علوم روز و متدین. علاوه بسیار خوش‌قیافه و خوش‌بیان بود. در تهران سکونت داشت و گاهی به قم می‌آمد و برای طلبه‌ها درس هیئت می‌گفت. از قبل با هم ارتباطی داشتیم. به تهران رفتم و مسئله را با آقای محقق در میان گذاشتم. خلاصه، ایشان را راضی کردم برای رفتن به آلمان.
 مرحوم پدرم نتیجه را به آقای بروجردی گفتند. ایشان هم خوشحال شدند و فرمودند: من باید آقای محقق را ببینم. آقای محقق خدمت ایشان آمدند و پس از توصیه‌های ایشان روانه هامبورگ شدند و بسیار هم موفق بودند. مسجد هامبورگ به دستور آیت‌الله بروجردی و به دست ایشان تأسیس شد و هم اکنون از مراکز مهم اسلامی است.

وحدت مسلمین

موضوع دیگر که بیانگر روشن‌فکری آیت‌الله بروجردی است، توجه خاص ایشان به مسئله وحدت مسلمین بود. پشتیبانی آیت‌الله بروجردی از دارالتقرب که به منظور ایجاد وحدت به وجود آمده بود، بسیار چشم‌گیر بود. مرحوم آقا شیخ محمدتقی قمی - عضو شیعه دارالتقرب - همواره با آیت‌الله بروجردی تماس داشت و از ایشان رهنمود می‌گرفت. علاوه بر این ایشان ملاقاتهایی با شخصیت‌های مصری داشت و نامه‌هایی با آنان رد و بدل می‌کرد که در رساله التقرب، نشریه دارالتقرب منتشر می‌شد. به همت ایشان زمینه وحدت، به گونه‌ای مساعد شد که شیخ شلتوت رئیس جامع الأزهر فتوای بی‌سابقه خود را مبنی بر جواز عمل به فقه شیعه را صادر کرد.

از طرف دیگر ایشان خیلی نسبت به اهل بیت (ع) ارادت داشت؛ ولی برای حفظ وحدت اجازه نمی‌داد کسی به مقدسات اهل سنت اهانت کند. از باب نمونه، یکی از علمای قم به نام آقای وکیلی، منظومه‌ای در دو جلد در فقه نوشته بود. انصافاً هم زحمت کشیده بود و از اول فقه تا به آخر آن را خیلی خلاصه، به نظم در آورده بود. جلد اول را که چاپ کرد، برای مرحوم آیت‌الله بروجردی آورد. ایشان با همان شوقی که به مطالعه داشتند و هرگاه کتاب تازه‌ای خدمتش می‌دادند همه چیز را کنار می‌گذاشتند و آن کتاب جدید را مطالعه می‌کردند، شروع کردند به مطالعه این کتاب. مؤلف در بیت دهم و یازدهم به خلفا توهین کرده بود. ایشان فرمودند: حالا در این شرایط وقت این حرفها است؟ آن‌هم به صورت مکتوب در یک اثر شیعی؟ عرض کرد: چه باید بکنم؟ فرمودند: این بیت شعر را حذف کنید؛ آنگاه مجدداً آن ورق را چاپ کنید و بچسبانید. مخارج آن‌هم به عهده من.

این جریان که خود شاهد بودم، نشانگر شدت اهتمام ایشان به مسئله وحدت مسلمین است؛ با اینکه ولایتش نسبت به اهل بیت (ع) فوق‌العاده بود. از باب نمونه، می‌دانید ایشان تا همین آخر عمر حتی قرآنهای خط ریز را بدون عینک می‌خواندند. یک وقت علت این امر را از ایشان پرسیدم. فرمودند: دهه محرمی بود و من به چشم‌درد مبتلا بودم. در منزل روضه‌خوانی داشتیم و دسته‌های عزاداری به صورت سینه‌زنی به منزل ما می‌آمدند. مرسوم بروجردیها این است که خود را آغشته به گل می‌کنند. هیئت گل‌آلود وارد منزل ما شد. در این هنگام گویا به من الهام شد که از این گلها مقداری به چشم بمالم. مقداری گل با انگشتم از بدن یکی از عزاداران برداشتم و به چشم‌هایم مالیدم. از آن به بعد اصلاً عارضه‌ای در چشمم احساس نکرده‌ام و از بینایی خوبی هم برخوردارم.

حوزه: لطفاً در باره مواضع سیاسی آیت‌الله بروجردی در برابر دستگاه و جریانهای سیاسی آن روزگار که اکنون از جریانهای مبهم زندگی ایشان است، توضیح بدهید.

مرحوم آیت‌الله بروجردی بر خلاف آنچه برخی می‌پندارند، در برابر رژیم شاه به مقدار تشخیص و در حد توان مبارزه می‌کرد. هرجا خلافتی تشخیص می‌داد، موضع‌گیری می‌کرد و مثمر ثمر هم بود. از باب نمونه، موضع‌گیری ایشان در برابر تغییر خط است که انصافاً می‌توان گفت که این اقدام، از خدمات بزرگ آیت‌الله بروجردی است. رژیم شاه تصمیم

گرفته بود خط را از فارسی به لاتین تغییر بدهد. مقدمات آن را هم انجام داده بود. با تبلیغات، زمینه را به خیال خود آماده کرده بود.

مرحوم آیت‌الله بروجردی وقتی متوجه شد با آن روشن‌بینی که داشت، فرمود: هدف اینان از تغییر خط دور کردن جامعه ما از فرهنگ اسلامی است. من تا زنده‌ام اجازه نمی‌دهم این کار را عملی کنند؛ به هر جا که می‌خواهد منتهی شود. موضع سخت ایشان باعث شد نتوانند مانند ترکیه خط را تغییر بدهند.

نمونه دیگر اینکه از جمله حرکت‌های سیاسی آن مرحوم موضع‌گیری در برابر اصلاحات ارضی شاه بود. ایشان با ارسال نامه‌ای به مجلس، قانون اصلاحات ارضی را متوقف ساختند. شاه طی پیغامی، منافع اصلاحات ارضی را برشمرده بود و گفته بود: ممالک دیگر هم این کار را کرده‌اند. ایشان در پاسخ فرموده بودند: در جاهای دیگر که اصلاحات ارضی شده، اول جمهوری شده، بعد اصلاحات.

شاه در کتاب *تقلاب سفید* به مخالفت‌های آیت‌الله بروجردی با نقشه‌های دستگاه اشاره کرده و نوشته است: قانون اصلاحات ارضی سیر خود را طی می‌کرد تا به مرحله عمل برسد. یکی از مقاماتی که از اصلاحات دنیا اطلاعی نداشت، نامه‌ای به مجلس نوشت و جلو این کار را گرفت.

این موضع ایشان در برابر اصلاحات، برای رژیم شاه بسیار ناگوار بود. به عقیده من همین مخالفت منتهی به مرگ آیت‌الله بروجردی شد. حدس نزدیک به یقین دارم که ایشان به مرگ طبیعی از دنیا نرفته است؛ بلکه توطئه رژیم شاه بود که به وسیله برخی از دکترها اجرا شد.

حوزه: اگر صلاح می‌دانید، موضوع ایشان را در برابر آیت‌الله کاشانی و فداییان اسلام تشریح کنید. بنده در این مورد از ذکر جزئیات معذورم؛ ولی به طور کلی مطالبی را عرض می‌کنم. بیت و تشکیلات مرحوم آیت‌الله کاشانی - با آن قداستی که ما برای شخص ایشان قائل هستیم - با مرحوم آیت‌الله بروجردی شدیداً مخالف بودند و حتی علیه آیت‌الله بروجردی کار می‌کردند؛ در حالی که هیچ مجوز شرعی نداشتند. باید گفت: خود آیت‌الله کاشانی یا در جریان نبود یا اینکه چه بسا ذهن ایشان را هم تا حدودی منحرف کرده بودند.

اما در مقابل، مرحوم آیت‌الله بروجردی خدمات زیادی به آیت‌الله کاشانی کردند؛ از جمله اینکه پس از شکست دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی، دستگاه تصمیم به محاکمه و اعدام آیت‌الله کاشانی داشت. این چیزی بود که آن روزها قرائن به خوبی نشان می‌داد. تنها کسی که از موضع قدرت به مخالف برخاست، آیت‌الله بروجردی بود. حتی برخی افراد مخالف‌های تشکیلات آیت‌الله کاشانی را به آیت‌الله بروجردی گوشزد کردند؛ اما ایشان در پاسخ فرمودند: من همه اینها را می‌دانم؛ ولی اجازه نمی‌دهم مجتهدکشی باب شود. آن قدر پافشاری کردند تا جلو مسئله را گرفتند.

نمونه دیگر اینکه مرحوم آیت‌الله کاشانی در این اواخر، زندگی بسیار تلخی داشت. حتی برای امرار معاش هم در مضیقه بود؛ ولی مرحوم آیت‌الله بروجردی به ایشان کمک‌های مادی درخور توجهی می‌کرد.

این قضیه را من از مرحوم آیت‌الله کاشانی با واسطه شنیده‌ام که فرمود: دوازده هزار تومان بده کار شده بودم و متحیر بودم چگونه آن را بپردازم. در این فکر بودم که در منزل را زدن. در را که باز کردم، دیدم شخصی از طرف آیت‌الله بروجردی پاکتی را برایم آورده است. وقتی پاکت را باز کردم، دیدم دوازده هزار تومان داخل پاکت است.

آن وقتها دوازده هزار تومان، پول بسیاری بود. در هر صورت آیت‌الله بروجردی به آیت‌الله کاشانی عنایت داشت؛ اگرچه آیت‌الله کاشانی برخوردار خوبی با آیت‌الله بروجردی نداشت.

در باره فداییان اسلام هم به صورت کلی مطلبی را عرض می‌کنم. همان‌طور که گفتم: بیت آیت‌الله کاشانی نسبت به آیت‌الله بروجردی نظر مخالف داشت. فداییان اسلام با اینکه افراد مؤمن و دارای هدفی مقدس بودند، تحت تأثیر بیت آیت‌الله کاشانی قرار گرفته بودند. به دلیل تحریکات از ناحیه تشکیلات آیت‌الله کاشانی، اینان در برابر آیت‌الله بروجردی و حوزه خیلی بد عمل می‌کردند؛ به طوری که قضاوت عمومی این بود که اینان مخالف حوزه و آیت‌الله بروجردی هستند. طبعاً در ذهن آیت‌الله بروجردی این بود که اینان با حوزه و مرجعیت مخالفند. این امر، باعث مسائل جزئی دیگر شده بود. در هر صورت به نظر من که شاهد جریانات بودم، این فداییان اسلام بودند که با درست عمل نکردن، خود

را مخالف آیت‌الله بروجردی وانمود کردند. طبیعی است که چنین عملی عکس‌العملهایی را هم به دنبال خواهد داشت.

حوزه: نظر حضرت آیت‌الله بروجردی در باره ولایت فقیه چه بود؟

آیت‌الله بروجردی در قم بحث ولایت فقیه را مستقلاً مطرح نکردند؛ ولی نظر ایشان همانند امام بر ولایت مطلقه برای فقیه بود. شاهد این است که ایشان هنگام تأسیس مسجد اعظم ناچار شدند حیاطی را که وضوخانه آستانه و در کنار آن بقعه‌هایی بود و در این بقعه‌ها قبرهایی وجود داشت، خراب کنند و جزء صحن مسجد اعظم قرار دهند. ایشان وضوخانه و بقعه را - بدون از بین بردن اصل قبرها - خراب کردند و جزء مسجد اعظم قرار دادند. کسی به ایشان اعتراض می‌کند: حیاط مربوط به آستانه است و بقعه‌ها مربوط به دیگران؛ شما به چه مجوزی آنها را تصرف کردید؟ ایشان لبخندی می‌زنند و می‌فرمایند: «معلوم می‌شود این آقا هنوز ولایت فقیه درست برایش جا نیفتاده است.» معنای سخن ایشان این است که: فقیه ولایت مطلقه دارد. کاری را که مصلحت ببیند به حکم این ولایت انجام می‌دهد.

حوزه: لطفاً در باره رابطه امام با آیت‌الله بروجردی که ظاهراً در ابتدا خیلی خوب بوده است؛ ولی در آخر به سردی گراییده، اگر ممکن است توضیح بدهید.

به نظر من رابطه بین آیت‌الله بروجردی و حضرت امام به جز مدت اندکی آن‌هم به سبب سوء تفاهمی که پیش آمده بود و بعد هم رفع شد، همیشه در حد بسیار خوبی بوده است. برای این امر دلیل دارم که اینک عرض می‌کنم:

همان‌طور که اشاره کردیم، امام در دعوت از آیت‌الله بروجردی به قم بیش از همه بزرگان نقش داشت. برای مرجعیت آیت‌الله بروجردی بویژه بعد از وفات مرحوم آیت‌الله آقاسید ابوالحسن اصفهانی تلاش بسیار کرد و در نامه به علمای شهرستانها ایشان را به عنوان مرجع معرفی می‌کرد. امام جزء کسانی بود که به طور فعال در درس آیت‌الله بروجردی شرکت می‌کردند. رابطه‌شان با آیت‌الله بروجردی بسیار نزدیک بود و آیت‌الله بروجردی هم به ایشان فوق‌العاده احترام می‌گذاشت.

به عنوان نمونه، آیت‌الله بروجردی دستور داده بودند: یک منشی معمم و خوش‌خط برایشان پیدا کنند. پس از گشتن بسیار، فردی را خدمتشان معرفی کرده بودند. فرموده بودند: بیاید تا من از نزدیک او را ببینم. وقتی این شخص خدمت آیت‌الله بروجردی می‌رسد، امام هم آن‌جا حضور داشته‌اند. این آقا در این جلسه بالادست امام می‌نشیند. بعد که آن شخص رفته بود، حضرت آیت‌الله بروجردی فرموده بودند: من این منشی را نمی‌خواهم. علت آن را پرسیده بودند؛ فرموده بودند: کسی که بالادست حاج آقا روح‌الله بنشیند، به درد من نمی‌خورد. این بیانگر شدت احترام ایشان به حضرت امام بود.

شخصی در بیت آیت‌الله بروجردی رفت و آمد داشت و خیلی هم به ایشان نزدیک بود. حضرت امام نظرشان این بود که وجود او برای مرجعیت آیت‌الله بروجردی نه تنها مفید نیست که مضر است و صلاح می‌دیدند که این فرد نباشد. این شخص به لحاظ نزدیکی با آیت‌الله بروجردی، افرادی را تحریک کرده بود تا خدمت آیت‌الله بروجردی از امام سعایت کنند و چنین بنمایانند که امام با مرجعیت و موقعیت آیت‌الله بروجردی موافق نیست. من هم آن افراد را می‌شناسم و هم نحوه تحریک آنان را می‌دانم؛ ولی ذکر آن را صلاح نمی‌دانم. طبعاً این سعایتها بی‌تأثیر نبود و احترامها از جانب آیت‌الله بروجردی کم شد. امام هم رفت و آمد خود را به منزل ایشان خیلی کم کردند و کم‌کم درس ایشان هم نیامدند.

این برخورد تنها در ظاهر بود. حضرت امام عقیده‌اش به شخص آیت‌الله بروجردی و موقعیت ایشان هیچ تغییری نکرده بود. امام حفظ موقعیت آیت‌الله بروجردی را شرعاً لازم می‌دانست. شاهد بر این، قضیه‌ای است که مرحوم آقای اشراقی برایم نقل کرد. ایشان که از دوستان قدیمی من بود و مدتی هم با مرحوم حاج آقا مصطفی خمینی سه نفری مباحثه می‌کردیم، گفتند: تازه با امام وصلت کرده بودم. تابستان بود و حضرت امام برای بیلاق به همدان رفته بودند. همان وقتی که به حسب ظاهر روابطشان با آیت‌الله بروجردی خوب نبود، من برای دیدن ایشان به همدان رفتم. با خودم فکر کردم: حالا که امام قدری از آیت‌الله بروجردی رنجش خاطر دارد، بد نیست انتقادی از آیت‌الله بروجردی بکنم. تا شروع کردم به صحبت کردن، امام قیافه‌اش را درهم کشید؛ سرش را پایین انداخت و بعد سرش را بلند کرد و گفت: آقای اشراقی، من به کسی اجازه نمی‌دهم به

زعیم مسلمین اهانت کند؛ هرکس و در هر مقامی که باشد.

معلوم شد مبنای امام در حب و بغضها با آنچه ما داریم، فرق می‌کند. وقتی با دامادش آن‌هم تازه‌داماد و بزرگ‌ترین، این‌گونه برخورد کند، برخوردش با دیگران معلوم است. از آن طرف کدورتی که برای آیت‌الله بروجردی نسبت به امام پیش آمده بود نیز طولانی نبود. مدتی بعد ایشان فهمیده بودند که برای امام سعایت شده و آن‌طور که برخی گفته بودند، نیست. لذا برخورد ایشان هم فرق کرد. به عنوان مثال، حدود سه سال قبل از وفات آیت‌الله بروجردی، حضرت امام در تابستان به کرج رفته بودند. یک روز آقای اشراقی به من گفتند: فلانی! میل داری با هم برویم کرج خدمت حاج آقا؟ گفتم: بله. بعد ایشان گفت: چطور است به آیت‌الله بروجردی هم بگوییم؛ ما پیش حاج آقا می‌رویم. گفتم: این هم خوب است.

به اتفاق ایشان خدمت آیت‌الله بروجردی رفتیم و عرض کردیم: می‌خواهیم خدمت حاج آقا روح‌الله برویم و احوالشان را بپرسیم. ایشان خیلی خوشحال شدند. فرمودند: حتماً از قول من هم خدمت ایشان سلام برسانید و احوال‌پرسی کنید و از طرف من بگویید که اگر کاری داشته باشند، برایشان انجام دهیم. ضمناً مبلغ قابل توجهی به آقای اشراقی دادند و فرمودند: این مبلغ را هم به ایشان بدهید. این قضیه به خوبی نشان می‌دهد آن کدورت سابق برطرف شده است. به هر حال ما خدمت امام رسیدیم؛ سلام آیت‌الله بروجردی را به ایشان رساندیم و پول را تقدیم کردیم. ایشان هم خوشحال شدند. ناهار ظهر هم به اصرار حضرت امام خدمتشان ماندم و بعد از ظهر که خواستم برگردم، شخصی آمد به دیدن امام که با من هم آشنایی داشت. مرا دعوت کرد به خانه‌اش بروم. اما نمی‌پذیرفتم. امام فرمود: شما بپذیر؛ من هم شب می‌آیم آنجا پهلوی شما. آن شب تا صبح خدمت حضرت امام بودیم.

حوزه: استاد، در پایان اگر توصیه‌ای برای ما و دیگر طلاب عزیز دارید، بفرمایید.

نکته‌ای که همواره موجب نگرانی من و دوستان دست‌اندرکار مسائل حوزه شده، این است که متأسفانه مسائل اخلاقی شایسته یک طلبه و روحانی، در حوزه روز به روز سیر نزولی دارد. به مسائل اخلاقی توجه نمی‌شود. شاید منشأ آن غرور پیروزی در انقلاب

اسلامی باشد که دامن‌گیر شده است. به جای اینکه به شکرانه این نعمت بزرگ الهی سعی کنیم خودمان را روز به روز بیشتر با مسائل اسلام بویژه آنچه در شأن یک روحانی است منطبق سازیم، متأسفانه فاصله بیشتر می‌شود.

به طلاب عزیز توصیه می‌کنم که از مطالعه در زندگی شخصیت‌هایی مانند مرحوم آیت‌الله بروجردی، هدف تربیتی را دنبال کنند؛ نه صرفاً اطلاع بر حالات و خصوصیات آیت‌الله بروجردی. آن مرد بزرگ را اسوه خود قرار دهند؛ درس خواندنش را، مطالعه و تحقیقش را (که حتی یک ساعت عمر خود را به بطالت نگذراند) زهدش را، اهتمام به فضایل اخلاقی و... که شمه‌ای از آن را در این گفتگو بیان کردم.

از شما هم که به این فکر افتادید و برای ایشان ویژه‌نامه‌ای ترتیب دادید تا گوشه‌ای از فضایل و شخصیت این مرد بزرگ را نشان بدهید و با این کارتان علاوه بر آگاهی دادن به طلاب و جلوگیری از تحریف چهره این عالم بزرگ قصد ارزش‌دهی به خدمات ایشان را دارید، به سهم خودم بسیار سپاس‌گزارم. این عمل شما خدمتی است هم به حوزه و هم به مرجعیت و هم به شخصیت مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی.

طلاب باید در مورد شخصیت آیت‌الله بروجردی توجه داشته باشند که آیت‌الله بروجردی و تلاشهای آن بزرگوار زمینه‌ساز انقلاب اسلامی بود؛ زیرا آیت‌الله بروجردی به حوزه قم رشد و شخصیت داد. مبارزات حضرت امام در پرتو این شخصیت حوزه بود که به ثمر نشست. اگر نبود این هویت و عظمت حوزه که آیت‌الله بروجردی بدان بخشیده بود، مسلماً انقلاب و حرکتی سازنده پای نمی‌گرفت.

مبانی امام خمینی در علم اصول^۱

سؤال: حضرت امام خمینی - قدس سره - چند سال و چند دوره به تدریس خارج اصول اشتغال داشتند؟
جواب: بسم الله الرحمن الرحيم. به طوری که به خاطر دارم یک دوره کامل بحث اصول از مباحث الفاظ تا آخر مباحث عقلیه و اجتهاد و تقلید را طی هفت سال تدریس فرمودند که شاید بهترین دوره درس اصول ایشان بود. در همین دوره بود که شاگردان

۱. برگرفته از سایت روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۶/۹/۱۵.

بسیار مبرز و محقق‌ی شرکت می‌کردند. با وجود تعداد کم طلاب در حوزه در مقایسه با امروز، محل درس ایشان مملو از جمعیت می‌شد و گروهی از طلاب در خارج از مسجد سلماسی در کوچه می‌نشستند. اکثر فضلا و مدرسین از این درس بهره بردند. من هم بحمدالله توفیق حضور در همه این دوره، از ابتدا تا انتها را پیدا کردم و قسمت عمده مباحث ایشان را به صورت تقریرات نوشتم. در همین دوره بود که برادر عزیزمان جناب آقای سبحانی تقریرات اصول امام را نوشتند و پس از ملاحظه حضرت امام و انجام اصلاحاتی به عنوان کتاب *تهذیب الأصول* منتشر شد و هم اکنون در اختیار طلاب و فضلا قرار دارد و مورد تحقیق و بررسی قرار می‌گیرد. غیر از این دوره کامل که مهم‌ترین دوره بحث اصولی ایشان بود من تحقیقاً اطلاع ندارم که قبل از این دوره هم، دوره دیگری داشته‌اند یا نه؛ ولی به نظرم می‌رسد که فقط مباحث عقلیه اصول را برای افراد برجسته‌ای چون شهید مطهری و دیگران تدریس فرموده بودند. پس از این دوره کامل، ایشان به بحث اصول ادامه ندادند و به سبب مشاغل دیگر، به یک بحث فقه اکتفا کردند.

سؤال: بحثها و تحقیقات اصولی ایشان دارای چه ویژگی‌هایی است؟

جواب: به نظرم مهم‌ترین ویژگی درس اصول امام برخورد اساسی و ریشه‌ای با مباحث بود. بحث می‌کردند که این مسئله که امروز مطرح است، آیا از ریشه و اساس مبنای صحیحی دارد یا از اساس قابل مناقشه است؟ در خیلی از موارد در اساس و مبنای مسئله با دیگران و علمای برجسته مخالفت می‌کردند.

سؤال: حضرت امام در مباحث اصولی، به کدام یک از اصولیین متأخر توجه بیشتری داشتند؟

جواب: توجه ایشان در مباحث اصولی بیشتر به مرحوم محقق نایینی - قدس سره الشریف - بود. در آن زمان هم حوزه‌های علمیه مخصوصاً نجف و قم به نظریات مرحوم محقق نایینی توجه خاصی داشتند؛ چون اصول مرحوم نایینی از اهمیت برخوردار بود و ایشان به عنوان شاخص مطرح بودند. لذا امام بزرگوار هم به نظریات ایشان عنایت داشتند و بیش از همه دیدگاههای ایشان را مورد مناقشه و انتقاد قرار می‌دادند و انتقادات هم به طور اساسی و ریشه‌ای بود.

سؤال: برای اینکه ویژگی مباحث و تحقیقات اصولی امام روشن شود، نمونه‌ای از نظریات ابتکاری و مبنای جدید ایشان را در علم اصول اشاره فرمایید.

جواب: یکی از ابتکارات ایشان که ثمرات زیاد در مسائل اصولی و فقهی دارد و ما در بحث حج خود در مواردی مسائلمان را از این راه حل می‌کنیم و مبنای بسیار پرارزشی هم هست، آن است که معتقد بودند خطابات عمومی شارع مثل «یا ایها الناس» و امثالهم منحل به خطابات شخصیه و عدد مکلفین نمی‌شود. این‌طور نیست که خطاب «أقیموا الصلوة» که خطاب واحد و عامی است، منحل و تجزیه و تحلیل شود به تعداد مکلفین و میلیاردها خطاب پیدا کند تا نتیجه گرفته شود که ما در برابر هر مکلفی شرایط خاص او را که در مورد خطاب از این خطاب کل و عام برمی‌آید، مشخص کنیم و بگوییم: آیا این مکلف به خصوص قدرت انجام این فعل را دارد یا نه؟ آیا این مأمور به در مورد این مکلف، مزاحم اقوایی دارد یا نه؟ مکلفی که شک دارد آیا قدرت این فعل را دارد یا نه، چه حکمی پیدا می‌کند؟ پس اگر ما خطابات عامه را منحل کنیم، شرایط خاص هر مکلفی مطرح خواهد شد. اگر مکلفی قدرت نداشت خطاب به او متوجه نخواهد بود. اگر شک در قدرت یا شک در توجه خطاب داشت، مسئله مهم و مشکل ترتب پیش می‌آید.

اما امام معتقد بودند که باید وضع نوع مکلفین ملاحظه شود؛ مثل تعبیرات خودمان اگر در مسجدی که گروهی از مردم برای اقامه نماز جمع شده‌اند، مورد خطاب قرار گیرند که: ای مردم، یک فقیری در مجلس هست، همه به او کمک کنید، این خطاب و تعبیر چه نوع تعبیری است؟ اگر کسی در میان مردم قدرت کمک کردن نداشت، از خطاب عموم خارج است و گوینده از ابتدا او را مدنظر نداشته است؟ یا نه، همین که اکثریت مردم قادر باشند برای حجیت خطاب عموم کافی است و شخصی که قدرت ندارد، نمی‌گوید من مشمول این خطاب نیستم بلکه می‌گوید: من به دلیل عدم توانایی معذورم. در حالی که اگر مسئله انحلال خطاب مطرح شود، معنایش آن است که شخص غیرقادر گویا اصلاً در مسجد نبوده است و او در خطاب مد نظر نبوده است. در حالی که این مسئله اصلاً عرفی نیست و عقلاً با آن موافق نیستند. این مبنا بسیاری از مشکلات را حل می‌کند؛ از جمله مسئله ترتب را. کسی که به واسطه مأمور بودنش به ازاله کردن نجاست از مسجد، قدرت انجام

دادن نماز و اطاعت «أقيموا الصلوة» را ندارد، اگر خطاب عام را متوجه او نمودیم، مباحث سخت و دشوار ترتب پیش خواهد آمد؛ ولی اگر مسئله انحلال را مطرح نکردیم، می‌گوییم: کسی که مأمور به او مزاحم اقوایی دارد، در مخالفت «أقيموا الصلوة» معذور است و الا او هم مشمول خطاب عام هست. پس یکی از ثمرات این مبنا حل مسئله ترتب است.

ثمره دیگر این است که اگر مکلفی شک کند که قدرت انجام مأمور به را دارد یا نه؟ مشهور قائل است که حق ندارد به استناد شک در قدرت، خود را کنار بکشد و بگوید: تکلیف مشروط به قدرت است و من هم شک در قدرت دارم و شک در شرط، شک در مشروط است؛ پس من در اصل تکلیف شک دارم و اصالة البرائة جاری می‌کنم. اما وقتی خطاب عمومی شد، چنین شخصی در واقع شک می‌کند که عذری در انجام تکلیف دارد یا نه؟ در این صورت وجود عذر باید ثابت شود. آیا با شک در قدرت می‌تواند تکلیف عام را از دوش خود بردارد؟ آیا با شک در عجز و شک در وجود مانع می‌تواند تکلیفی را که متوجه به اوست با اصالة البرائة کنار بزند؟ لذا به نظر من در این مشکل که چطور هنگام شک در قدرت باید احتیاط نمود، هیچ راه حلی غیر از مبنای امام وجود ندارد و الا بنا بر مبنای دیگران هنگام شک در قدرت باید اصالة البرائة جاری کرد؛ نه اصالة الاحتیاط.

ثمره دیگر این مبنا در باره کفار است. ما قائلیم همان‌طور که مسلمانان در مسائل فرعی مکلفند، کفار هم مکلفند و اکثر محققین قائلند که در تکالیف عرفیه فرقی بین کفار و مسلمین نیست. اگر کافری نماز بخواند، می‌گوییم: نمازش باطل است و اگر بگوید: مسلمان شدم به مجرد مسلمان شدن می‌گوییم: لازم نیست نمازهای گذشته را بخوانی. «الإسلام یجب ما قبله». چطور می‌گوییم: کفار مکلف به فروع هستند؛ اما نه به عنوان کافر و نه به عنوان اینکه هر کافری عنوان خطاب دارد، بلکه از باب اینکه خطاب عام است و او هم تحت خطاب «أیها الناس» است حتی در تعبیراتی مانند «یا أیها الذین آمنوا» محققین می‌گویند: اگرچه «آمنوا» تعبیر شده است؛ ولی در عنوان مخاطب «الذین آمنوا» نقش ندارد و در حقیقت جایگزین «یا أیها الناس» است. در برخی از مسائل فرعی خطاب به ناس شده است: «ولله علی الناس حجّ البیت من استطاع إلیه سبیلاً» که به نحو عموم است. پس

در خطاب عام شرایط خاص بعضی از مکلفین نقش ندارد و انحلالی در کار نیست. این نمونه‌ای از نظریات ابتکاری حضرت امام بود که آثار گران‌قدری بر آن بار می‌شود و اصل مبنا هم یک مبنای عقلایی و عرفی است.

سؤال: به نظر شما اطلاعات فلسفی حضرت امام در بحث‌های اصولی ایشان تأثیر داشته است؟ آیا در حل مباحث اصولی که معمولاً اعتباری و عقلایی می‌باشند، از قوانین فلسفی که ناظر به حقایقند می‌توان استفاده کرد؟

جواب: حضرت امام از جامعیتی خاص برخوردار بودند. علاوه بر تبحر در مسائل اصولی، در مسائل فلسفی و عرفانی هم متبحر بودند. مقداری از عمر مبارکشان را در مباحث فلسفی و عرفانی صرف کرده بودند. بین مسائل اصول و مباحث فلسفی در موارد زیادی ارتباط وجود دارد و این ارتباط را حتی با مراجعه به کتابهای درسی دوره سطح در زمینه اصول هم می‌توان ملاحظه کرد. در کتاب ارزشمند *کفایة الأصول* مرحوم محقق خراسانی - رضوان الله تعالی علیه - این ارتباط را می‌بینیم. اگر انسان به طور کلی از مسائل فلسفی اجنبی باشد، مسائل اصولی مرتبط با آن را آن طور که باید و شاید نمی‌تواند بفهمد و دقت و تحقیق داشته باشد. لذا آن بخش از اصول را ایشان خیلی روشن‌تر و جالب‌تر برای شاگردان مطرح می‌کردند. مخصوصاً بیان امام که بسیار بیان روشن و جالبی بود؛ به طوری که با بررسی همه ابعاد و جوانب مسئله، هیچ ابهامی را باقی نمی‌گذاشتند. هنوز لذت خاطرات درس امام برایم وجود دارد. مسائل طوری تبیین می‌شد که مثل آفتاب در مقابل دیدگان انسان ظاهر می‌گشت.

متأسفانه مرحوم آخوند به رغم طرح همان مباحث فلسفی، ولی به علت عدم احاطه کامل به فلسفه، عمق مطالب را درنیافته و نتوانسته حق مطلب را ادا کند؛ ولی امام به علت احاطه به فلسفه خوب از عهده طرح مسائل برآمده‌اند و این یکی از عوامل جذابیت درس امام بود که انسان را مسحور می‌کرد.

سؤال: به نظر حضرت امام، تا چه حد برای این علم باید ارزش داده شود؟ آیا اصول آن گونه که برخی اظهار می‌دارند، بیش از حد نیاز متورم شده است؟

جواب: اشاره کردم که مهم‌ترین دوره اصول ایشان هفت سال طول کشید. از این

بحث روشن می‌شود که امام نه مثل بعضیها که ده، دوازده سال و یا بیشتر به اصول می‌پردازند، پرداخت و نه مثل برخی دیگر که اعتقادی ندارند، اصول را کنار گذاشت؛ بلکه حساب متوسطی را برای اصول باز کرده بودند. بالأخره طلبه باید یک دوره کامل اصول بخواند؛ ولی لازم نیست که وقت و عمر خود را به مباحث غیرمفید و کم‌فایده صرف نماید. باید از افراط و تفریط در علم اصول پرهیز کرد.

سؤال: به نظر شما اطلاعات فلسفی حضرت امام در بحثهای اصولی ایشان تأثیر داشته است؟ آیا در حل مباحث اصولی که معمولاً اعتباری و عقلایی می‌باشند، از قوانین فلسفی که ناظر به حقایقند می‌توان استفاده کرد؟

جواب: خصوصیت ایشان این بود که در مواردی که در اصول، مسائل فلسفی هم مطرح است با تخصصی که در فلسفه داشتند، مباحث را خیلی روشن می‌کردند. یکی از مواردی که در مواضع مختلف علم اصول مورد بحث قرار گرفته و مرحوم آخوند در کفایه هم مطرح کرده، آن است که: «الطبیعة من حیث هی هی لیست إلا هی لاموجودة ولامعدومة، لامطلوبة ولاغیرمطلوبة»

مرحوم آخوند این مطلب را دلیل گرفته‌اند که احکام به نفس طبایع نمی‌تواند تعلق بگیرد؛ چون طبیعت و ماهیت در علم ماهیت نه عنوان مطلوبیت دارد و نه عنوان عدم مطلوبیت، و چیزی که عنوان مطلوبیت ندارد، نمی‌تواند متعلق طلب واقع شود. پس مرحله طبیعت از مرحله تعلق حکم خارج است. اما همان‌طور که حضرت امام توضیح می‌فرمودند: مرحوم آخوند در این مطلب، مرتکب اشتباهی شده‌اند و آن این است که این قاعده در مورد حمل اولی است. وقتی که ماهیت انسان ملاحظه می‌شود به حمل اولی ذاتی، حتی وجود هم در مورد او مطرح نیست؛ چون ماهیت انسان همان حیوانیت و ناطقیت است و وجود نه داخل در جنس اوست و نه داخل در فصل او. اما پس از اینکه گفتیم: «الماهية موجودة» این وجود مگر عارض بر ماهیت نمی‌شود؟ آیا بین ماهیت و وجود واسطه‌ای هست با این وجود مستقیماً بر ماهیت حمل می‌شود؟ این وجود بدون واسطه بر ماهیت حمل می‌شود مع ذلک از ماهیت است و به اصطلاح علمی وجود به حمل اولی ذاتی خارج از ماهیت است، به حمل شایع صناعی خودش عنوان موجودیت دارد.

در اینجا هم در مرحله تعلق طلب به طبیعت قضیه همین است؛ یعنی به حمل شایع صناعتی طبیعت مطلوب است. در مورد ماهیت صلات هم همین طور است. کسی نگفته که طلب جزء ماهیت صلات است؛ اما در عین حال مطلوب، نفس ماهیت است؛ مطلوب نفس صلات است؛ نفس ماهیت است؛ مطلوب نفس صلات است. بنابراین در واقع ایشان ارتباطی بین اصول و فلسفه قائل نبودند؛ ولی در مسائلی که فلسفه هم دخالت داشت، به لحاظ تخصصشان در فلسفه مباحث را خوب تبیین می‌فرمودند و روشن می‌کردند.

سؤال: یکی از مسائل مورد بحث که مرحوم علامه طباطبایی هم در حاشیه خود بر کفایه مطرح فرموده‌اند، خلط بین مسائل حقیقی و اعتباری است. اصول از علوم اعتباری و فلسفه از علوم حقیقی است. چطور می‌توان در مباحث اعتباری از قواعد فلسفی مدد گرفت و به نتیجه رسید؟

جواب: من مطلب مرحوم آقای طباطبایی را ملاحظه نکرده‌ام؛ اما آنچه به اجمال به ذهن می‌آید، آن است که مسائل فلسفی در مورد حقایق بحث می‌کند و مسائل اصولی و فقهی مسائل اعتباریه‌اند؛ چون نفس احکام تکلیفی و وضعیه مسائل اعتباریه‌اند و طبعاً مباحث آنها نیز اعتباری است؛ ولی منافاتی ندارد که برخی از این مباحث با هم مرتبط باشند. به عنوان مثال بحثی که اشاره شد «الطبیعة من حیث هی لیست إلا هی» بنا بر قول به اصالة الوجود، موضوعش امری اعتباری است و اصالت ندارد. مسائل فلسفی از حقایق بحث می‌کند و اعتباریت ماهیت هم خود امری واقعی است. فلسفه فقط از وجود بحث نمی‌کند بلکه از حقیقت بحث می‌کند. اگر گفتیم: ماهیت امری اعتباری است و وجود از دایره ماهیت خارج است، بحثی حقیقی است نه اعتباری. پس نباید بین اصول و فلسفه تقابل قائل شویم و بگوییم: این مسائل حقیقی است و آن اعتباری. برداشت خود من از مسئله این است. البته بیان مرحوم علامه بزرگوار طباطبایی را ندیده‌ام.

سؤال: نظریات اخیر حضرت امام در باره اجتهاد، نقش زمان و مکان و مانند آن، تا چه حد در شیوه استنباط دخالت دارد؟ آیا تحقیق بیشتر در این‌گونه مباحث، به گشودن فصل جدیدی در علم اصول نیاز ندارد؟

جواب: به نظر من این مطلب، مطلب تازه‌ای نیست که بگوییم: امام بدون مقدمه چنین مسئله‌ای را مطرح کردند. این مطلب از نظر فقهی برای ما روشن است؛ چون ما در فقه گاهی با استناد به عناوین ثانویه، حکم اولی موضوع را تغییر می‌دهیم. قبل از عروض

عنوان ثانوی، موضوع با عنوان اولی خود حکم اولی خود را داشته و با عوض شدن عنوان، حکم هم عوض می‌شود. بهترین شاهد در تاریخ خودمان مسئله حرمت تنباکو است که میرزای شیرازی بزرگ فتوایش را صادر کرد. حکم اولی تنباکو حرمت نیست؛ اما وقتی عنوان خاصی پیدا کرد و راهی برای سلطه اجانب شد، حکمش تغییر کرد. به نظر من بیان امام بزرگوار که دو عنصر زمان و مکان مهم در اجتهادند، در مورد زمانها و مکانهاست که این دو، عناوین موضوعات را عوض می‌کنند. اگر از مرحوم میرزای شیرازی سؤال می‌شد که: آیا استعمال تنباکو در هندوستان هم حرام است یا نه؟ می‌فرمودند: نه؛ چون شرایط خاص کشور اسلامی ایران اقتضای آن حکم را داشت. پس این، مسئله سابقه‌داری بوده که امام بزرگوار بدین صورت مطرح کردند.

حجت‌الاسلام سید احمد خمینی^۱

سؤال: باتشکر از حضرت‌عالی، لطفاً بفرمایید مرحوم حاج احمد‌آقا در چه درسی از محضرتان بهره می‌جستند؟

بسم الله الرحمن الرحيم. اولاً؛ باید تأثر عمیق و شدید خود را از این مصیبت بزرگ، که یادگار امام بزرگوارمان را از دست دادیم، ابراز کنم. جداً این مصیبت بسیار مهم و مشکل بود و تحمل آن بسیار سخت؛ چون با نبود امام بزرگوار، بوی امام و رایحه امام تنها از این شخصیت استشمام می‌شد؛ مخصوصاً که از جنبه‌های مختلف شباهت به امام داشت. در هر صورت امیدوارم خداوند به تمامی شیعیان؛ مخصوصاً خانواده ایشان اجر کامل عنایت بفرماید. در مورد بعد علمی ایشان، تا حدی که به یاد دارم، ایشان بعد از اتمام سطوح عالی، وارد بحثهای خارج شدند. حدود پنج سال در درسهای خارج و دو سال هم در نجف خدمت امام بزرگوار و والد معظمشان در بحث فقهی شرکت کردند و در کنار این هم، از بحثهای اصولی مرحوم اخوی بزرگوارشان - که جداً دارای موقعیت علمی بسیار بالایی بود و می‌توان گفت که اخوی بزرگ ایشان از همه جهت جامع بود - خیلی استفاده کرد. به تعبیر خود ایشان یک سال و نیم در درس خارج شرکت کردند. در بحث هم گاهی

۱. روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۴/۲/۶.

اشکالاتی به نظر ایشان می‌آمد و مطرح می‌کردند. ایشان نه تنها درس را کاملاً درک می‌کردند بلکه در موارد مطرح شده در درس دارای نظر هم بودند. ظاهراً یک سال و نیم در درسهای خارج دیگران شرکت می‌کردند و قبل از وارد شدن به درس خارج، در همان درس مکاسب - که از سطوح عالی است - در آن بحث هم در درس من شرکت کردند. مجموعاً پنج سال در درسهای خارج فقه و اصول شرکت کردند و با توجه به نبوغ و استعداد ایشان، پنج سال به منزله ده سال شرکت دیگران در درسهای خارج است. لذا با اینکه ایشان در مبارزه و آستانه پیروزی انقلاب و مسائل روز و بعد از پیروزی انقلاب و بعد هم مسائل جنگ، گرفتاریهای فراوان داشتند، ارتباطشان با درس قطع نشده بود. بعد از رحلت حضرت امام هم، که تا حدی مسئولیت ایشان کمتر شده بود، ارتباط ایشان با مسائل علمی برقرار بود. همین سال گذشته، از تهران به من تلفن کردند و یک عبارتی از عبارات مشکله کفایه را از من سؤال کردند. قبل از توضیح، پرسیدم: به چه مناسبت، شما به فکر این عبارات افتادید؟ گفتند: یک تدریس کفایه دارم و عده‌ای هرروز می‌آیند اینجا، برایشان کفایه می‌گویم. به این عبارت که رسیدم، قدری درست به ذهن خودم نیامد. در حالی که درست بود و برای اطمینان خاطر به من تلفن زدند. روی هم رفته در مسائل علمی، ایشان فوق متوسط بودند و مخصوصاً با آن استعداد قوی که در ایشان وجود داشت اگر چند سالی ادامه می‌دادند، جداً یکی از علمای مبرز شناخته می‌شدند؛ لیکن شرایط و مخصوصاً اجل، دیگر مهلت به ایشان نداد که ادامه بدهند. در کنار فقه و اصول، درس فلسفه هم در محضر آیت‌الله محمدی گیلانی که همسایه بودند، می‌گذراندند و چون روح فلسفی در امام و حاج آقا مصطفی و ایشان قوی بود، در فلسفه هم به مدارج بالایی رسیدند ولو اینکه به برادر بزرگوارشان نرسیدند.

سؤال: چنانچه راجع به خصوصیات اخلاقی حاج احمدآقا نظر خاصی دارید، بفرمایید؟

البته روی همین خصوصیت و ویژگی که در ایشان بود، نسبت به همه کس و همه دوستانش و حتی افرادی که در بیت امام شغل‌های عادی داشتند، عواطف مخصوصی داشت و ارتباطش با من، ارتباط رفاقتی بود؛ نه استاد و شاگردی. دید من هم به ایشان، دید یک استاد و شاگرد نبود. دید ایشان هم همین‌طور بود. ما افتخارمان این بود که با این

بیت ارتباط داشتیم و در دوران دبستان با حاج آقا مصطفی بودیم و پدر من با امام خیلی روابط و رفت و آمد داشتند.

خود من حدود ده سال از محضر امام استفادة علمی کردم و سالیان دراز هم با حاج آقا مصطفی، هم‌درس بودیم. ارتباط ما، مثل ارتباط افراد یک خانواده بود و عواطفی خاص به من داشتند. یادم است در مورد جریانی، خدمت امام رسیدم. من کمی ناراحت شده بودم و بعد هم معلوم شد که بی‌جهت ناراحت شده‌ام. امام بزرگوار فرمود: فلانی، من تو را به منزله مصطفی می‌دانم و همان معامله‌ای که با مصطفی دارم، با تو هم دارم. تعبیرشان این بود که من تو را از کوچکی بزرگ کرده‌ام و همین‌طوری هم بود. عواطف ایشان نسبت به من، به عنوان شاگرد و استاد نبود، عواطف خاصی بود که ناشی از شدت علاقه ایشان به من، و شدت ارادت من به بیت امام و شخص حضرت امام بود.

آخرین ملاقات من با ایشان، شب چهلم آیت‌الله اراکی بود که ایشان در مجلس قم شرکت کرد و کنار هم نشستند بودیم. ایشان از نظر عواطف واقعاً فوق‌العاده بود و این را هم از والد ماجدشان به ارث برده بود. هیچ‌گاه از موقعیتی که حضرت امام داشتند و ایشان هم به عنوان فرزند امام داشت، حسابی برای خودشان باز نمی‌کردند.

رعایت آداب و اخلاق حسنه و ابراز محبت نسبت به دیگران، جداً یکی از فضایل بسیار بالارزش حاج احمدآقا بود. حتی شنیدم در همین اواخر که به قم می‌آمد، به سراغ پیرمردها و پیرزنهایی که مثلاً سی سال یا بیست سال پیش به منزل ایشان رفت و آمد می‌کردند و خانه‌نشین شده بودند، می‌رفت تا از وضع ایشان خبر شود. در این زمینه، ارث از امام بزرگوار برده بود. زمانی که از آن سفر زندان به قم برگشتند - قبل از تبعید به ترکیه - وقتی وارد کوچه یخچال شده بودند، در مورد آن خادمه‌ای که قبلاً منزلشان خدمت می‌کرد، پرسیده بودند که کجاست؟ حالا با این همه گرفتاری و این همه مسائل، در مورد او سؤال کرده بودند. روی هم رفته بسیار با فضیلت بود. در مورد کسانی که گرفتار بودند، از هیچ محبتی فروگذار نمی‌کرد.

در مورد خودم عرض کنم. کسالتی پیدا کردم که در ایران قابل معالجه نبود و به آلمان رفتم. گرچه آنجا هم معالجه نشدم؛ ولی حدود چهل روز در آلمان در بیمارستان بودم. هر

چند روز یک بار ایشان از تهران تلفن می‌کرد و احوال مرا می‌پرسید. می‌فرمود: امام از من خواسته‌اند احوال شما را بپرسم و وضع و حال شما را به ایشان گزارش بدهم. خوب، تا عواطفی نباشد، این مسائل تحقق پیدا نمی‌کند. بعد هم که از آلمان آمدم، باز آن کسالت ادامه پیدا کرد. مدتی در بیمارستان تهران بودم. مرتب ایشان به دیدنم می‌آمد. در آن زمان، مسائل امنیتی خیلی جالب نبود. یادم هست شبی در بیمارستان روی تخت بودم. دیدم یک آقای اهل علمی از در وارد شد. دیدم آقای آشتیانی است. بعد دیدم پشت سر ایشان شخصی هست که پالتویی پوشیده و کلاهی به سرش و یک عصایی به دستش. گفتم: خدایا این کیست؟ درست دقت کردم؛ دیدم حاج احمدآقا است. چون مسائل امنیتی اقتضا نمی‌کرده، به این صورت آمده بود. آن‌هم پشت سر آقای آشتیانی، که کسی احتمال ندهد ایشان حاج احمدآقا است. بعد آمدند آنجا نشستند و احوال‌پرسی کردند. این هم، اجمالی از فضایل اخلاقی ایشان بود.

لطفاً در مورد میزان تقید ایشان به اندیشه‌های امام راحل و نقش ایشان در تداوم انقلاب بعد از ارتحال حضرت امام و دفاع از ولایت فقیه بفرمایید؟

اجازه بدهید این سؤال را در سطح وسیع‌تر جواب بدهم. نمی‌دانم این نکته را که می‌خواهم عرض کنم کسی گفته است یا نه؟ ولی این نکته را افرادی متوجه هستند که وارد مسائل مرجعیت و آخوندی باشند. حاج احمدآقا پس از وفات حضرت امام، بزرگ‌ترین خدمتی را که انجام داد، حفظ حیثیت و آبروی مقام و موقعیت حضرت امام بود. به مجردی که حضرت امام وفات یافت، ایشان اعلام کرد که هیچ‌کس نه حق دارد برای پرداخت وجوه به دفتر مراجعه کند و نه حق دارد، به نمایندگان امام مراجعه کند و به عنوان نماینده امام به آنها وجوه بدهد. این مطلب شاید در نظر بعضی از مردم یک مطلب عادی به نظر برسد؛ ولی خیلی مسئله با اهمیتی است.

من آن زمان، مسئولیت شورای مدیریت را به دوش داشتم. روز سوم یا چهارم وفات امام، حاج احمدآقا پیغام دادند که می‌خواهم اعضای شورای مدیریت را ببینم. خوب شرایط ایشان که اقتضا نمی‌کرد و درست هم نبود که ایشان قم بیایند. ما به عنوان شورای مدیریت، خدمتشان رفتیم. حالا نمی‌دانیم مطلب از چه قرار است. ایشان گفتند: غرض

بیان یک مطلب بود. گفتند: امام به من فرموده‌اند: تمام پولهایم در بانکها یا منزل، وجوه شرعی است و تمامی این وجوه را باید در اختیار اعضای شورای مدیریت - مخصوصاً فلان کس که اسم مرا هم برده بود - بگذارید؛ تا اینها تدریجاً به طلبه‌ها بدهند.

به دستور مقام معظم رهبری همه آنها از حساب امام به حساب شورای مدیریت در بانک ملی واریز شد. ما هم شروع کردیم به پرداختن شهریه امام و روی هم رفته، دو سال و سه ماه شهریه امام را ادامه دادیم.

امام بدون نوشته‌ای، فقط یک جمله به حاج احمدآقا گفته بود. شخص چقدر باید تعبد و تقیدش به مسائل اسلامی قوی باشد تا یک مطلبی را که به غیر از خودش هیچ‌کس اطلاعی ندارد، ایشان بیاید این‌طور ابراز کند.

مدتی از این جریان گذشت. یک روز ایشان به من تلفن کرد و گفت: علاوه بر پولهای امام در بانکهای مختلف که در اختیار شما قرار دارد، در کمندی دم دست امام هم مقداری وجود دارد. چه کار کنیم؟ گفتم: شما آنها را بشمارید. گفتند: حوصله شمردن ندارم. برای شما می‌فرستم. گفتم: خیلی خوب. لیکن شما زمانی بفرستید که ما در جلسه شورای مدیریت باشیم و دوستانمان هم باشند؛ چون مسائل مالی، شخصی نباید باشد. تصادفاً ما عصر جلسه داریم و اگر شما سعی کنید در همین فاصله بفرستید، مناسب است. ایشان فرستادند و همان‌جا صورت مجلس کردیم و به حساب شورای مدیریت واریز نمودیم.

منظورم این است که من به لحاظ مسائل آخوندی و آخوندزادگی، این منش حاج احمدآقا را از فضایل بزرگ ایشان می‌دانم و ایشان با چنین حرکت‌هایی، آبروی امام را بعد از وفات حفظ کردند.

در مورد مسئله نظام و ولایت فقیه باید بگویم: همان حساسیتی را که خود امام به نظام و ولایت فقیه داشتند، ایشان هم به همان اندازه حساس بودند. حالا ممکن بود گاهی فرض کنیم از بعضی از مسئولان ناراضی باشند یا نسبت به بعضی از مسائل انتقاد داشته باشد؛ ولی مسئله اصلی، نظام و اصل ولایت فقیه بود و ایشان بی‌اختیار در مقابل آن خاضع بودند و هیچ تردیدی در این مسئله نبود یا در وصیت‌نامه ایشان هم همین معنا به چشم می‌خورد که نسبت به فرزند ارجمندش و فرزندانش وصیت نموده که مبادا

تحمیل‌های مختلف شما را از نظام و ولایت فقیه منحرف کند. حتی خاطر من هست که نسبت به مجلس خبرگان سابق - که ما هم در آن مجلس بودیم - ایشان این مهم را یادآور شدند که بزرگ‌ترین کار مجلس خبرگان، مسئله تعیین رهبری است. حق هم همین بود و این واقعاً عقیده‌اش بود و در این عقیده هم هیچ تردیدی نداشت. در این زمینه، اگر هم خدای نخواستہ احساس می‌کرد کسی می‌خواهد خلل و یا تضعیفی ایجاد نماید کاملاً در مقابل او می‌ایستاد.

حاج احمدآقا به عنوان فرزند امام مطرح نبود بلکه به تعبیر خودشان، مرید امام و به تعبیر والاتر عاشق امام بود. کسی بود که در مراحل مختلف، یک نوع آرامش و آسایشی را برای امام ایجاد می‌کرد. البته درست است که امام روح بلندی داشت و در تاریخ کم‌نظیر و شاید بی‌نظیر بود، ولی باید پذیرفت شخص در هر مرحله‌ای، نیاز به افرادی دارد که به نوعی از طریق آنان، آرامش و آسایشی را بتواند کسب کند و شرط آن افراد این است که صد در صد مورد اعتماد و اطمینان انسان باشند. حاج احمدآقا جداً مورد اعتماد و اطمینان امام بود و این نقش را در مقابل امام ایفا می‌نمود. ضمن اینکه به همان راه، به شدت و حدت معتقد بود و خودش هم تعقیب می‌کرد.

باید تأکید کنم که ایشان به مثابه یک استوانه بسیار محکم و یک بازوی توانا برای نظام، مقام معظم رهبری و مسئولان نظام جمهوری اسلامی محسوب می‌گشت. به نظر من مسئولان نظام از وفات حاج احمدآقا، خیلی بیش از همه متأثر شدند و ضرر کردند؛ یعنی وجود ایشان وجود نافذی برای نظام بود و چه بسا افرادی که از روی عدم اطلاع، نسبت به بعضی از مسائل و یا بعضی از مسئولان یک سری انتقادهایی داشتند و یا حتی دامنه اعتراض را به بالاتر می‌کشاندند، با تدبیرها و تبیین‌های حاج احمدآقا برای آنها یک آرامشی حاصل می‌شد. آنها وقتی می‌دیدند حاج احمدآقا در برابر نظام، تا این مقدار معتقد و خاضع است، متوجه می‌شدند برای آنها جایی نیست که بخواهند حرفی بزنند یا انتظار بی‌جایی داشته باشند.

این هم یکی از فضایل ایشان است که راه امام را تمام و کمال ادامه داد و مسئولیت خود را بدون وقفه، بلکه با تکامل و تزاید ایفا کرد. معتقدم پیش خداوند بزرگ، اجر بسیار بالایی دارد و کارهایی را که امام انجام دادند بالأخره یک سهمی هم برای حاج احمدآقا در همه آن کارها

وجود دارد. معتقدم با وفات ایشان لطمه بزرگی به نظام ما وارد آمد و نظام یک ستون محکم و عمیق و قوی را از دست داد. امیدوارم خداوند تبارک و تعالی، از راه دیگر جبران کند. در مورد معنویت حاج احمدآقا و برادر بزرگ ایشان مرحوم حاج آقا مصطفی؛ من وصیت حاج آقا مصطفی را خوانده‌ام که البته مختصرتر از وصیت حاج احمدآقا بود. این دو وصیت‌نامه، برای آنها که بخواهند دقت در آن بکنند، نکاتی دارد. یکی از نکات این است که هم به مرحوم حاج آقا مصطفی الهام شده بود که قبل از پدرش از دنیا می‌رود و هم به حاج احمدآقا الهام شده بود که قبل از مادرش وفات می‌کند.

مرحوم حاج آقا مصطفی در وصیت‌نامه خود، اولین چیزی را که ذکر می‌کند این است که می‌گوید: من وصی را پدر بزرگوار خود قرار دادم. در حالی که ما هیچ نشنیدیم یک جوانی در وصیت‌نامه‌اش، پدرش را وصی خودش قرار دهد. خوب، این مطلب حاکی از آن است که به او الهام شده بود قبل از پدر وفات می‌کند. در وصیت‌نامه حاج احمدآقا هم سفارش زیادی به بچه‌های خودش و خانواده محترمش نسبت به مادرشان وجود دارد و حاکی از آن است که به ایشان الهام شده بود قبل از مادر وفات می‌کند. در صورتی که حسب قاعده با توجه به اختلاف سنی بین ایشان و مادرشان، طبیعی است که مادر باید سفارش فرزند را بکند؛ نه فرزند سفارش مادر را.

باز مطلبی که در وصیت این دو عزیز، موجب افتخار برای امام، انقلاب، اسلام و همه و همه است این است که - هم در وصیت‌نامه حاج احمدآقا و هم حاج آقا مصطفی منعکس است - در وصیت‌نامه حاج آقا مصطفی آمده بود: من از مال دنیا هیچ چیز ندارم؛ نه خانه، نه زندگی، نه مستغلات و نه پول و... فقط من هستم و یک مشت کتاب و این کتابها را هم از وجوه شرعی خریده‌ام. اگر بچه من (حسین) طلبه شد، این کتابها را به او بدهید. اگر هم طلبه نشد، به مدرسه آقای بروجردی بدهید.

عین همین در وصیت‌نامه حاج احمدآقا خمینی نیز منعکس است و این واقعاً از چیزهایی است که همه انقلابیهای ما باید بدان افتخار کنند که یک جوان با آن همه امکاناتی که در اختیارش می‌توانست قرار بگیرد، به صراحت بگوید: من در هیچ مؤسسه و هیچ بانکی و هیچ جایی چیزی ندارم. یک مقدار پول در مؤسسه تعاون وجود دارد که آن هم

شهریه است. مقداری هم در منزل است، که مشخص است پول شخصی در منزل، کلان نخواهد بود و وجود آن در منزل، گویای این است که غیرقابل اعتنا است.

با کمال ارادتی که به ایشان داشتم، وقتی این وصیت‌نامه را خواندم، باز ارادتم به این خاندان بیشتر شد و طلب مغفرت و رحمت برای ایشان زیادتر شد. به امام هم بیشتر دعا کردم که بحمدالله چنین فرزندی تربیت کرد که این‌طور برای انقلاب و اسلام افتخار آفرینند و کسی نتوانست یک ضعف مالی در مورد آنها داشته باشد.

امیدوارم که خداوند، ایشان و برادر بزرگوارش و والایتر امام بزرگوار را با اجداد گرامی‌اشان محشور بفرماید. امیدوارم خداوند خاندانشان را، والده ماجده ایشان، که این همه مصیبت‌های پشت سرهم را متحمل شدند، صبر و اجر عنایت بفرماید و امیدوارم که خداوند این انقلاب ما را روز به روز مستحکم‌تر بفرماید.

راجع به آقا زاده ایشان، حجت‌الاسلام حاج حسن آقا باید بگویم: من اطلاعاتی از نزدیک ندارم؛ ولی از دوستان ایشان شنیده‌ام، ایشان خیلی نسبت به تحصیل، ساعی و کوشا است و آدم با استعدادی هم هست. از جهات دیگر هم ثابت کرده است آدم پر قدرت و آدم خوش‌بینی است. آدمی نیست که در مسائل، خود را ببازد یا گم کند. در جریان اخیر، خیلی به خود مسلط بود و خصوصاً صحبت‌هایی که در ایام سال تحویل کرد، حاکی از آن است که سبک فکری‌اش، همان طرز تفکر مرحوم حاج احمد آقا است و شاید بتوان گفت: در بیان هم، یک مقدار از مرحوم ابوی‌اشان جالب‌تر مطلب را بیان می‌کند.

با توجه به اینکه خداوند، هیچ‌گاه اجری را ضایع نمی‌کند، اطمینان داریم که این بیت تداوم پیدا خواهد کرد و در این بیت، علمای شایسته، ارجمند و حامی نظام خواهند بود و بی‌تردید باید این بیت بماند و می‌ماند. ان شاء الله.

حضرت معصومه (س)^۱

فرهنگ کوثر: با تشکر از اینکه قبول زحمت فرمودید و مصاحبه با مجله را پذیرفتید. لطفاً در باره بزرگی مقام و اهمیت زیارت حضرت معصومه (س) مطالبی بفرمایید.

۱. فرهنگ کوثر، ش ۳، خرداد ۱۳۷۶.

حضرت معصومه(س) امام نیست؛ ولی امام‌زاده بودنش مسلّم است و مقام و عظمت او در میان امام‌زادگان بی‌نظیر یا کم‌نظیر است. ایشان در میان فرزندان موسی بن جعفر(ع) پس از امام رضا(ع) با عظمت‌ترین است. به همین خاطر روایات بسیاری در فضیلت و ثواب زیارت آن حضرت وارد شده است؛ از جمله شیخ صدوق - رحمه الله - در عیون/خبر الرضا از سعد بن سعد چنین نقل می‌کند:

سألت أبا الحسن الرضا(ع) عن زيارة فاطمة بنت موسى بن جعفر(ع). فقال: من زارها فله الجنة.

از امام رضا(ع) در باره زیارت فاطمه دختر موسی بن جعفر(ع) پرسیدم. فرمود: هر که او را زیارت کند، بهشت سزاوار اوست.

نیز در کامل الزیارات به همین مضمون از امام محمد جواد(ع) نقل شده است: من زار عمّتي بقم فله الجنة.

آنکه عمه‌ام را در قم زیارت کند، بهشت برای اوست.

بنابراین لازم است مردم شریف ما از زیارت این بانوی بزرگ غفلت نورزند و حتی آنها که در مناطق دوردست این کشور زندگی می‌کنند، مقید باشند همچنان که به زیارت حضرت امام رضا(ع) مشرف می‌شوند، حداقل سالی یک بار به قصد زیارت این کریمه اهل بیت نیز عزم سفر نمایند.

حضرت معصومه(س) همانند برادر بزرگوارش مهمان ما ایرانیانند؛ زیرا چنان که می‌دانید یک سال پس از آمدن حضرت رضا(ع) به ایران خواهر بزرگوارش به قصد دیدار برادر از مدینه به سوی خراسان حرکت می‌کند؛ ولی متأسفانه بر اثر حادثی در ساوه، این بانو مریض می‌شوند و به جانب قم حرکت می‌کنند. چند روزی در قم می‌مانند و بر اثر همان بیماری به جوار حق می‌شتابند و در همین قم مدفون می‌شوند.

لذا زیارت ایشان عنوان مهمان‌نوازی نیز دارد و مردم عزیز ایران که به مهمان‌نوازی مشهورند، شایسته است تا آنجا که در توان دارند در زیارت این کریمه اهتمام ورزند؛ خصوصاً مردم شریف قم که توفیق هم‌جواری آن حضرت را دارند و روحانیون عزیز که از برکات وجودی این کریمه بهره‌مندند، باید بیش از دیگران به زیارت حضرت معصومه(س) توجه نمایند.

فرهنگ کوثر: حضرت عالی از نزدیک با دو شخصیت بزرگ حوزه، حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی و حضرت امام خمینی - رحمه الله - آشنا بودید. لطفاً از عنایت این دو بزرگوار به زیارت حضرت معصومه(س) چنانچه مطلبی هست، بفرمایید.

آیت‌الله العظمی بروجردی از کسانی بودند که به زیارت حضرت معصومه توجه خاصی داشتند. بارها شاهد تشریف ایشان به زیارت بودم. علاوه بر اینکه چون تدریس ایشان در مسجد بالاسر حرم بود، بسیاری از مواقع که برای تدریس می‌آمدند، به زیارت مشرف می‌شدند. وقتی همسر ایشان وفات کردند، دستور دادند ایشان را در ایوان آینه دفن کنند. هنگامی که آقا برای خواندن فاتحه می‌آمدند، اول به زیارت حضرت معصومه می‌رفتند، آنگاه سر قبر همسرشان می‌آمدند.

تقید حضرت امام هم به زیارت حضرت معصومه(س) آن وقتی که ایشان در قم بودند، بر همگان معلوم است و بعد هم که ایشان به عتبات رفتند، همین تقید را نسبت به زیارت حضرت علی(ع) و امام حسین(ع) داشتند. اساساً زیارت در زندگی حضرت امام جایگاه خاصی دارد. عزیزی که بیشتر با ایشان حشر و نشر داشته‌اند، خاطراتی را نقل کرده‌اند.

فرهنگ کوثر: لطفاً از برکات زیارت این کریمه اهل بیت برای خوانندگان بفرمایید.

وجود حضرت معصومه(س) برای ما ایرانیان و شیعیان برکت و نعمت بوده است. این حوزه مقدسه قم که تاکنون باقی مانده و روز به روز هم رونق و جلوه بیشتری می‌یابد، از برکت وجود شریف این کریمه است. این انقلاب مدیون این کریمه است؛ زیرا رهبری بزرگوار آن در همین حوزه و در پرتو عنایت همین بانوی بزرگ پرورش یافته است و پیام انقلاب از جوار حضرت معصومه به تمامی ایران و جهان اسلامی طنین افکن شده است.

بنابراین تکریم و تعظیم این حضرت در حقیقت پاس‌داشت و سپاس‌گزاری از این نعمت بزرگ الهی است. علاوه بر آنکه در زیارت معصومین(ع) و اولیاء خدا برای زیارت‌کننده، هم آثار و برکات معنوی دارد و هم مادی و دنیوی. مردم ما بسیاری از مشکلات خودشان را با توسل به این بزرگان و رفتن به زیارت آنان حل می‌کنند. این همه بزرگانی که در این قم تربیت شده‌اند و به کمالات عالییه رسیده‌اند و برای اسلام و شیعه باعث افتخار شده‌اند، در پرتو عنایت حضرت معصومه(س) و از برکت توفیق زیارت آن بزرگوار به دست آورده‌اند. در این مورد چیزهای بسیار هم دیده‌ایم و هم شنیده‌ایم.

در بارهٔ مرحوم صدر المتألهین معروف است شنیده‌اید که ایشان را به اطراف قم تبعید کرده بودند. در آنجا کتاب *سفار* را می‌نوشته است. هر وقت به مشکل برمی‌خورده است، راهی قم می‌شده و به زیارت حضرت معصومه رفته مشکل علمی خود را حل می‌کرده و برمی‌گشته است. این را خود او نوشته است.

موضوعی برای من پیش آمد که مربوط به سالها قبل است. من هر وقت به آیهٔ شریفهٔ «إنما یرید الله لیذهب عنکم الرجس أهل البیت و یطهّرکم تطهیراً»^۱ که به آیهٔ تطهیر معروف است، برمی‌خوردم، این سؤال در ذهنم می‌آمد که اگر این آیه مخصوص اهل بیت پیامبر است، به همسران آن حضرت ارتباطی ندارد؟ چون در بین آیاتی آمده است که از زنان پیامبر و احکام مربوط به آنان سخن می‌گوید. این مطلب سالها ذهن مرا مشغول کرده بود و به صورت یک مشکل علمی در آمده بود تا آنکه متوسّل به حضرت معصومه (س) شدم و به لطف الهی و عنایت آن حضرت این مشکل حل شد و با همکاری جناب آقای شهاب‌الدین اشراقی - داماد حضرت امام - که هم‌مباحثهٔ ما بود، کتابی علمی در این باره نوشتیم و با استدلال ثابت کردیم که اولاً؛ این آیه ارتباطی با همسران پیامبر (ص) ندارد و مخصوص اهل بیت آن حضرت است و اینکه اینجا آمده حکمی داشته و بیانگر نکته‌ای است و باید همین‌جا می‌آمده است. توضیح این مطالب را مفصل در آن کتاب داده‌ایم.^۲ با یک توسّل این مشکل ما برای همیشه حل شد و امیدواریم که برای دیگران نیز مفید باشد. مقصود این است که اگر کسی در خانهٔ این کریمهٔ اهل بیت برود دست‌خالی برنمی‌گردد.

اگر حواجی و مشکلاتی که تاکنون با توسّل به این بزرگوار و تشرف به زیارتش برای مردم ما برآورده شده است، ثبت و ضبط می‌شود، بیش از صدها و هزارها مورد می‌شد. این جدای از ثواب اخروی است که برای زیارت این حضرت در روایات ما بدان اشاره شده است.

۱. احزاب، آیه ۳۴.

۲. منظور کتاب *اهل البیت یا چهره‌های درخشان در آیهٔ تطهیر* است.

فرهنگ کوثر: از کرامت‌های حضرت معصومه(س) سخن به میان آمد. لطفاً بفرمایید: کرامت چیست؟ و چه تفاوتی با معجزه دارد؟

کرامت انجام دادن کاری است غیرعادی که شخص مرده یا زنده، بدون ادعای نبوت یا امامت آن را انجام داده است. کارهای غیرعادی بزرگان و امامزادگان، جزء همین کرامتهاست و حضرت معصومه(س) از این‌گونه کرامتها فراوان داشته است.

فرهنگ کوثر: در خاتمه چنانچه رهنمودهایی در جهت هرچه بهتر شدن مجله کوثر دارید، بفرمایید. ابتدا از اینکه به فکر افتاده‌اید چنین مجله‌ای را وارد صحنه مطبوعات کنید، از شما تشکر می‌کنم. جای یک چنین مجله‌ای در میان مطبوعات کشور خالی بود. ولی باید بدانید که اولاً؛ حوزه و آستانه مقدسه از هم جدا نیستند، هرچند به ظاهر مستقلند. بنابراین مجله منتسب به آستانه مقدسه قم، در حقیقت متناسب به حوزه نیز هست. پس باید سعی کنید سطح مجله علمی‌تر شود؛ در عین آنکه با زبان روز و مردمی عرضه می‌شود؛ چون مخاطب این مجله عموم مردمند.

ثانیاً؛ متنوع باشد. مسائل فقهی، تاریخی، اعتقادی، سیاسی و... در مجموع مطالبی باشد که در جهت ارشاد و هدایت عامه مردم مفید باشد.

ثالثاً؛ آثار هنری و تمدن فرهنگ اسلامی در این شهر مقدس نیز به مردم معرفی شود؛ مثل معرفی آثار هنری حرم حضرت معصومه، مساجد قدیمی قم و دیگر آثار باستانی و فرهنگی و هنری تا خوانندگان مجله در کنار آشنایی با معارف و معنویات با زیباییهای این شهر و آستان مقدس نیز آشنا گردند.

فرهنگ کوثر: از اینکه وقت گران‌بهایتان را در اختیار ما گذاشتید، سپاس‌گزاریم.

من هم برای شما آرزوی موفقیت دارم.

بخش دوم:

بر مسند مرجعیت

۲۷۸ بر مسند مرجعیت

مرجعیت

موقعیت ممتاز و شناخته شده حضرت آیت‌الله العظمی فاضل عده‌ای از فضلالی حوزه را بر آن داشت تا پس از ارتحال حضرت امام، با ایشان در مورد مرجعیت صحبت کنند؛ اما معظم‌له مطرح کردن دیگران را در زمان حیات آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله اراکی نادرست دانست. حجت‌الاسلام والمسلمین محمدجواد فاضل می‌گوید:

«بعد از ارتحال امام، روزی آیت‌الله ابراهیم امینی به ایشان گفت: بر شما واجب است حاشیه خود بر عروه را تکمیل و منتشر کنید. ایشان قبول نمی‌کرد تا اینکه روزی در مشهد مقدس، در حرم حضرت رضا(ع) از ایشان خواستم که در این زمینه استخاره کنند. با توجه به اینکه استخاره خیلی خوب آمد، اجازه دادند. ما هم اقدام کردیم و حواشی ایشان را منتشر کردیم.^۱»

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم متشکل از شخصیت‌های برجسته حوزوی است که جهت شناساندن مراجع تقلید و تعیین اعلم، مورد مراجعه قرار می‌گیرد. پس از رحلت آیت‌الله العظمی اراکی، وظیفه خود دید که چند تن از فقهای برجسته را به عنوان مرجع تقلید به مردم معرفی کند. متن اطلاعیه بدین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع مرجعیت از اعظم مسائلی است که نمی‌تواند از مصالح مسلمین و استقلال و عظمت آنان جدا و منفک باشد و یا بدون توجه به دسیسه‌ها و توطئه‌های کفر و استکبار برضد اسلام مورد بررسی و امعان نظر قرار گیرد.

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۲/۱۵، ویژه‌نامه شاخه‌ای از شجره طوبی، ص ۸.

لذا جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در جلسات متعدد این موضوع را مورد بحث و تبادل نظر قرار داد تا اینکه در جلسه مورخ جمعه ۷۳/۹/۱۱ به این نتیجه رسید که حضرات آیات آقابانی که ذیلاً نامشان یاد می‌شود، واجد شرایط مرجعیت می‌باشند و تقلید از هر کدام آنان جایز است. والله العالم.

۱. حضرت آیت‌الله حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی،
۲. حضرت آیت‌الله حاج شیخ محمدتقی بهجت،
۳. حضرت آیت‌الله حاج سید علی خامنه‌ای (مقام معظم رهبری)،
۴. حضرت آیت‌الله حاج شیخ حسین وحید خراسانی،
۵. حضرت آیت‌الله حاج شیخ محمدجواد تبریزی،
۶. حضرت آیت‌الله حاج سید موسی شبیری زنجانی،
۷. حضرت آیت‌الله حاج شیخ ناصر مکارم شیرازی.

دامت برکاتهم.

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

جامعه روحانیت مبارز تهران سه تن را به عنوان فقهای جامع‌الشرایط برای تقلید تعیین کرد. بخشی از بیانیه بدین شرح است:

جامعه روحانیت مبارز تهران با احترام و اکرام نسبت به همه شخصیت‌های فقهی، بویژه علما، مدرسین و استوانه‌های علمی حوزه علمیه قم و همچنین با عرض تسلیت به مناسبت رحلت جان‌گداز فقیه ربانی و عالم صمدانی حضرت آیت‌الله العظمی حاج شیخ محمدعلی اراکی - رضوان الله تعالی علیه - و درخواست علو درجات برای فقها و مراجع عالی‌قدری که بار سنگین مرجعیت را بر دوش جان کشیدند و پس از ایفای مسئولیت الهی خویش چشم از جهان فرو بستند، خصوصاً بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی - قدس سره - و طول عمر و سلامت برای رهبری عظیم الشان انقلاب اسلامی که پرچم پرافتخار امامت و ولایت را با همه توان بر افراشته، اسامی آیات عظام و فقهای والامقامی که تقلید از آن بزرگواران جایز و عمل به فتوای آنان صحیح و میرء‌الذمه است، اعلام می‌دارد:

- حضرت آیت‌الله حاج سید علی خامنه‌ای،

- حضرت آیت‌الله حاج محمد فاضل لنکرانی،

- حضرت آیت‌الله حاج میرزا محمدجواد آقا تبریزی.
گفتنی است که هر سه نفر از این آیات عظام، بقای تقلید بر مجتهد میت را جایز می‌دانند و همچنین افرادی که احیاناً به بخشی از فتاوی مرجع تقلیدشان دسترسی نداشته باشند، می‌توانند طبق فتوای مجتهد میت، مثلاً مانند امام خمینی - قدس سره - عمل نموده و نگرانی برای عدم انتشار رساله عملیه نداشته باشند.

والسلام علی عباد الله الصالحین

جامعه مبارز تهران

۷۳/۹/۱۰

آبروی مرجعیت

معظم‌له در پذیرفتن این امر خطیر، علاقه‌ای نشان نمی‌داد. اینجانب در ابتدای مرجعیت آیت‌الله فاضل و شاید از ماههای پایانی حیات آیت‌الله العظمی اراکی در درس ایشان شرکت می‌کردم. هیچ‌گاه ندیدیم که معظم‌له دستی به محاسن بکشد و از فضایل و مناقب خود بگوید. او کمترین اشاره‌ای به موقعیت علمی یا سوابق خود نداشت؛ به گونه‌ای که باعث شگفتی نگارنده شد. همان زمان، در این باره با یکی از دوستان حاضر در درس دیگر ایشان، صحبت کردم. وی گفت: «ایشان در این عالمها نیست.»

هنگام تألیف این کتاب، در مورد این روحیه آیت‌الله فاضل با حجت‌الاسلام سید عباس میری - از نویسندگان مجله حوزه - صحبتی پیش آمد. وی اظهار داشت:

«من از حدود سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۷ در درس خارج معظم‌له شرکت می‌کردم. ایشان در زمان حیات حضرت امام هم از شخصیت‌های مطرح برای کسب مرجعیت بود. بنده با اینکه نسبت به سخنان خودستاها خیلی حساسیت دارم، هیچ‌گاه این رفتارها را از ایشان ندیدم. به نظرم این کرامت و بزرگواری، از جمله تأثیرات امام خمینی بر ایشان باشد.»

حجت‌الاسلام محمدجواد فاضل می‌گوید: «واقعاً در امر مرجعیت همان را که درباره بزرگانی مانند امام شنیدیم که از این مسئولیت فرار می‌کردند، ما در ایشان مشاهده کردیم.

من هیچ میل و علاقه‌ای در ایشان به امر مرجعیت ندیدم.»^۱

چنین نبود که بدون هیچ تعارفی حتی تعارف دروغی، خود را جلو بیندازد. سوابق دیرین و درخشان معظم‌له در امر تحقیق و تدریس بود که او را در جایگاه شخصیتی برجسته در حوزه قرار داد.

گذشته از صفای نفس، بیماریهای گوناگون و دردهای جان‌کاه، که همواره آیت‌الله فاضل با آنها دست و پنجه نرم می‌کرد، برای او حال و حوصله برای دنبال کردن اموری از قبیل مرجعیت باقی نگذاشته بود و آنچه می‌توانست محرک او برای پذیرفتن این امر خطیر باشد، احساس مسئولیت بود.

جالب آنکه هدف خالص ایشان در تدوین کتاب *تفصیل الشریعه*، نشان دادن چهره علمی امام خمینی و تثبیت مرجعیت ایشان بود؛ اما همین کتاب، شخصیت علمی خود او را نیز نشان داد و تأثیر فراوانی در تثبیت مرجعیت خود او داشت. ترتیب اسامی فقها در بیانیه جامعه مدرسین به ترتیب فراوانی آرا در جلسه تعیین مرجع بود. بنابراین می‌توان گفت که پذیرفتن سمت مرجعیت از سوی ایشان، شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت به شمار می‌رفت و چه بسا شبهه شرعی داشت.

وقتی وارد میدان شد، به خوبی از انجام وظیفه برآمد. بیماریهای صعب‌العلاج بلکه لاعلاج، در ده سال پایانی حیات بابرکت، رو به فزونی گذاشت؛ به گونه‌ای که هر یک آنها به تنهایی کافی بود که انسان را از صحنه اجتماع جدا کند و او را به بی‌تفاوتی بکشاند. اما وقتی کارنامه زندگی این مرد بزرگ را می‌نگریم و حجم دیدارها، پیامها، سخنرانیها و موضع‌گیریهای خردمندانه ایشان در ده سال آخر را بررسی می‌کنیم، انسان باور نمی‌کند که این عملکردها از سوی شخصیتی است که همواره درگیر سخت‌ترین بیماریها بوده است.

رمزهای موفقیت

یکی از اهداف مهم در بررسی و مطالعه زندگی علما و شخصیت‌های موفق، پی بردن به

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۲/۱۵، ویژه‌نامه شاخه‌ای از شجره طوبی، ص ۸.

رموز موفقیت آنها برای به کار بردن در زندگی تا حد امکان است. تاکنون در لابه‌لای مطالب پیشین، عوامل موفقیت آیت‌الله فاضل را بیان کردیم؛ اما ذکر مختصر آنها به صورت یکجا مناسب است^۱:

تهذیب نفس

مسئلاً تهذیب نفس و رعایت تقوا عامل اساسی در موفقیت آیت‌الله فاضل بوده است. تدریس و تدرّس او برای رسیدن به مقام مرجعیت نبود. یکی از شواهد، آن است که در سال ۱۳۴۹ش که کسی گمان نمی‌کرد انقلابی برپا شود و به پیروزی برسد، حرکتی انجام داد (تأیید مرجعیت حضرت امام) که معلوم بود نتیجه آن تعطیلی درس و بحث است. در حالی که همان زمان او از استادان برجسته درس خارج در حوزه بود.

او قدمی برای کسب مرجعیت یا رونق دادن به مرجعیت خود برنداشت. هنگام تدریس یا در ملاقاتها یا سخنرانیها، مستقیم یا غیر مستقیم از سوابق و موقعیت علمی خویش چیزی به زبان نمی‌آورد. آنچه از خود گفته، معمولاً در مصاحبه‌هایی است که از او در باره زندگی شخصی‌اش پرسیده بودند. در قسمت مربوط به سجایای اخلاقی معظّم‌له مطالب بیشتر در مورد تقوای ایشان آوردیم.

ارادت به اهل بیت(ع)

نقطه مشترک مراجع تقلید بزرگ که توفیقاتی درخور توجه کسب کردند، ارادت قلبی و عشق سرشار آنها به اهل بیت عصمت و طهارت(ع) و توسّل به آن ذوات مطهر است. معظّم‌له در طول حیات خود اعلامیه‌های فراوان نوشت. در رژیم طاغوت بیانیه‌های پرخطری چون تأیید مرجعیت حضرت امام و نیز خلع شاه را امضا کرد. اما در وصیت‌نامه خود به اعلامیه‌هایی که به مناسبت ایام فاطمیّه صادر کرده بود، افتخار کرده است. معظّم‌له در یکی از پیامها به مناسبت ایام فاطمیّه به این رمز موفقیت تصریح فرموده است:

«باید بدانیم رمز موفقیت ما، ارتباط و ایمان کامل به مکتب ائمه طاهرین و توسّل به

آن ذوات مقدسه است.»

۱. برخی اسباب موفقیت، قابل ادغام است؛ اما به دلیل اهمیت آنها، ذیل عنوانهای جداگانه آوردیم.

پدری شایسته

راهنمای شایسته، نقش اساسی در پیشرفت انسان در عرصه‌های مختلف دارد. گاهی یک راهنمایی کوتاه، مسیر زندگی شخص را عوض می‌کند. لذا از جمله سفارش‌های بزرگان حوزه به طلاب علوم دینی، ارتباط آنها با انسانهای موفق است.

آیت‌الله فاضل قفقازی از نزدیک‌ترین و معتمدترین اشخاص نزد آیت‌الله بروجردی بود. امام خمینی با وی رفاقت صمیمی داشت؛ به گونه‌ای که به بیت یکدیگر رفت و آمد داشتند. پیکر او هشت سال پس از رحلت، صحیح و سالم یافت شد. اینها نشانه‌هایی گویا در برجستگی آیت‌الله فاضل قفقازی است.

پرورش چنین فرزندی - با آن زمینه‌های مناسب - در دامن چنین پدری تأثیری انکارناپذیر در موفقیت وی داشته است.

احترام به پدر بزرگوار یکی از اسباب جلب توفیقات الهی برای آیت‌الله فاضل بود. هرگاه همراه پدر به مجلسی می‌رفت، کفش او را برمی‌داشت و به مجلس می‌برد؛ با اینکه در آن زمان، خود نیز یکی از مدرّسان برجسته حوزه در دروس عالی بود.

تلاش فراوان

بی‌گمان در دنیا و آخرت بنا نیست بدون زحمت به کسی چیزی داده شود. جلب توفیقات الهی و کسب موفقیت‌های چشم‌گیر از سوی این عالم گران‌قدر، در سایه زحمتهای و کوشش‌های طاقت‌فرسا بوده است. آیت‌الله سید علی شفیعی - نماینده خوزستان در مجلس خبرگان - می‌گوید:

«ایشان دو بار به اینجانب گفت: من از بدن و جسم خود خیلی بیشتر از توان طبیعی کار کشیدم. بعضی اوقات شش ساعت در شب کار علمی می‌کردم و سه درس آیت‌الله بروجردی و حضرت امام را در همان روز تدریس می‌نوشتم. اما اکنون یک کتاب در قفسه کتابخانه را نمی‌توانم برخیزم و بردارم.»^۱

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۶/۶/۲۴.

تدریس

تدریس یکی از اسباب پیشرفت علمی معظّم‌له بود و آن را به دیگران نیز سفارش می‌کرد. مسلّم‌اً مرادشان این نبود که شخصی یک کتاب مثلاً در حوزه ادبیات را تا زنده است، تدریس کند؛ بلکه مراد آن است که وقتی استاد، پس از چند بار تدریس کتابی، متوجه شد که از آن به بعد رشدی به او نمی‌دهد، به تدریس کتابی بالاتر بپردازد. بر برنامه‌ریزان حوزه است که زمینه‌ای را فراهم سازند که استادان نیز در قالب تدریس، به پیشرفتهای علمی لازم برسند.

استادان برجسته

استاد برجسته - از جهت علمی و معنوی - تأثیری وصف‌ناپذیر در رشد و شکوفایی شاگرد دارد. از جمله نعمتهای بزرگ آیت‌الله فاضل آن بود که در پیشگاه بزرگانی چون آیات: بروجردی، امام خمینی و علامه طباطبایی زانو زد. پدر معظّم‌له از اصحاب خاصّ آیت‌الله بروجردی بود و با امام خمینی رفاقت نزدیک داشت و نیز آیت‌الله فاضل از دوران دبستان با حاج آقا مصطفی خمینی هم‌دوره بود. از این رو از کودکی به هردو بیت شریف، رفت و آمد می‌کرد و از سجایای گوناگون آن بزرگواران بهره‌های فراوان می‌برد.

دوستان برجسته

علاوه بر خانواده و استاد، دوست نیز نقش اساسی در پیشرفت انسان دارد. وجود دوستی چون مرحوم آیت‌الله سید مصطفی خمینی بر ایشان تأثیر زیاد گذاشته است؛ چنان‌که خود به این نکته تصریح کرده است:

«یکی از دوستان دوران دبستان ما، مرحوم آقای حاج آقا مصطفی هم وارد این رشته (رشته روحانیت) شده بود. وجود این دوست عزیز در شدت علاقه ما نقش مهمی داشت و از همان اوان به کمک یکدیگر و به عنوان دو هم‌مباحثه مشغول تحصیل شدیم.»^۱

دوست و هم‌بحث نزدیک دیگر معظّم‌له آیت‌الله شهاب‌الدین اشراقی بود که برخی کتابها را به اتفاق هم نوشتند. مسلّم‌اً این رفاقت در پیشرفتهای ایشان تأثیری چشم‌گیر داشت.

۱. پیام انقلاب، ش ۹۰، ص ۲۳.

هوش و استعداد

برخورداری از هوش سرشار از نعمتهای خدادادی او بود. در دوران تحصیل در دبستان، وقتی معلمی از کلاسهای پایین تر غیبت می کرد، به جای او درس می داد و در امتحان نهایی ششم ابتدایی رتبه اول را در قم کسب کرد.

در سیزده سالگی وارد حوزه شد و به مدت شش سال دروس را با موفقیت فراگرفت و در درس آیت الله بروجردی شرکت کرد و با اینکه سن کمی داشت تقریرات آیت الله بروجردی را به عربی می نوشت. این در حالی بود که نه در حوزه نجف درس خوانده بود و نه پدر و مادر او عرب زبان بودند. تقریرات مایه شگفتی استاد شد و زمینه چاپ آنها را با عنوان *نهایة التقرير فراهم ساخت*.

هوش سیاسی

از جوانی امور سیاسی را به خوبی درک می کرد. یکی از اسباب علاقه مندی شدید او به امام خمینی، مواضع سیاسی حضرت امام بود. در سایه همین ویژگی، از جوانی تا پایان حیات خویش به خوبی امور سیاسی را تحلیل می کرد و دخالت بجا و مؤثر در عرصه سیاست داشت.

در میان مراجع عظام، آیت الله فاضل نخستین کسی بود که اعلامیه ای بسیار تند برضد طالبان صادر کرد و شاید در آن زمان هنوز مخالفت رسمی دولت جمهوری اسلامی ایران با طالبان ابراز نشده بود.^۱ آقای برهان الدین ربانی - از شخصیت های سیاسی برجسته افغانستان - وقتی به ایران آمد، در ملاقاتی به معظم له گفت: آن بیانیه شما تحوّل عجیبی در میان مجاهدین ما ایجاد کرد.^۲

آیت الله رضا استادی در زمان حیات آیت الله فاضل پاره ای از عوامل موفقیت آیت الله فاضل لنکرانی را برشمرده است. ذکر این سخنان، در پایان این قسمت، مناسب است:

«فضایل و ویژگی هایی در آیت الله فاضل جمع است که در یک فرد، بسیار کم اتفاق می افتد:

۱. متن کامل بیانیه در قسمت مربوط به پیام های معظم له خواهد آمد.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۶/۵/۳، ویژه نامه اسوه فقاہت و مرجعیت، ص ۷.

الف) ایشان در سایه پدری مجتهد و مادری از بیت صالحان پرورش یافت که نباید از تأثیر این بیوت و برکت آنها نسبت به ولادت و پرورش چنین فرزندی غافل بود.

ب) در سایه استعداد خدادادی در حدی بود که توانست از درس استادی مانند آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده و درس ایشان را تقریر کند و آیت‌الله بروجردی با اینکه بسیار مشکل‌پسند بود، تقریر ایشان را تأیید کرد.

ج) درس سطح آیت‌الله فاضل از آغاز تا انجام مورد توجه و استقبال طلاب و فضلا بود؛ زیرا عوامل یک درس خوب و قابل قبول در ایشان جمع بود.

د) معظم‌له با شرکت چندین ساله در درس سه استاد که هر سه از امتیازات فراوان علمی و اخلاقی برخوردار بودند (آیات: بروجردی، امام خمینی و علامه طباطبایی) کمال استفاده را برد و استعداد درونی خود را شکوفا ساخت.

ه) تدریس خارج فقه و اصول ایشان به سبک استادشان آیت‌الله بروجردی است و حضرت امام نیز همان سبک تدریس آیت‌الله بروجردی را پسندید و دنبال کرد.

و) خوب درس خواندن و حتی تدریس سودمند ملازم با خوب تقریر کردن نیست. آیت‌الله فاضل با نوشتن تقریرات دروس آیت‌الله بروجردی نشان داد که خوش تقریر نیز هست. تقریرات بحث نماز آیت‌الله بروجردی مورد تحسین آن بزرگوار قرار گرفت و آن را ذخیره علمی خود در حوزه‌ها دانست و از کتابهایی است که همواره در حوزه مورد استفاده خواهد بود.

ز) بنده دیده‌ام مدرّس خوب و حتی مقرر خوب که توان تألیف نداشته است؛ زیرا ملازمه میان آنها نیست. اما موسوعه تفصیل الشریعه و تألیفات دیگر ایشان نشان می‌دهد که معظم‌له علاوه بر بیان و تقریر خوب، در بعد تألیف نیز از مؤلفان ممتاز به شمار می‌آید.

ح) در کنار این امتیازات علمی، تواضع ایشان با طلاب و فضلا و دوستان حتی غیر روحانی، جاذبه خاصی را در ایشان ایجاد کرده بود.

ط) کسانی که مستغرق در مباحث علمی و درس و بحث می‌شوند، کمتر به کارهای شبه اجرایی تن می‌دهند؛ اما آیت‌الله فاضل به دلیل علاقه به حوزه و حوزویان و ترقی و تعالی آنان سالهای متمادی در رأس مدیریت حوزه علمیه قم بود و برای این خدمت، وقت می‌گذاشت.

ی) کسانی که سرگرم درس و بحث و مسائل علمی می‌شوند، گاهی از حوادث جهان و آنچه در جهان اسلام و شیعه می‌گذرد، غفلت می‌ورزند و در موارد لازم موضع‌گیری لازم را ندارند؛ اما آیت‌الله فاضل از معدود مجتهدانی است که به مسائل جهان اسلام و تشیع و نیز انقلاب و نظام اسلامی و مصالح آن توجه لازم را دارند و در مواقع حساس با موضع‌گیریهای به موقع خود مردم را روشن و نظام اسلامی را تقویت می‌کنند. همه مطالبی را که گفتم و آنچه نگفتم، یک طرف و علاقه خاص ایشان به اهل بیت(ع) و حضرت سیدالشهدا(ع) در طرف دیگر»^۱

هدف از پذیرش مرجعیت

آیت‌الله العظمی فاضل در ملاقاتی با آیت‌الله سید علی شفیعی - نماینده خوزستان در مجلس خبرگان - در مورد یکی از علل قبول مرجعیت چنین فرمود:

«من به همین دلیل (حمایت از تفکرات امام خمینی) مرجعیت را قبول کردم و الا بسیار کار مشکلی است و اگر چندین چوب به من بزنند، برای من آسان‌تر از فتوا دادن است. فتوا دادن بسیار سخت است. مسئولیت دین مردم را به عهده گرفتن آسان نیست و همیشه علما و بزرگان دین از زیر بار مسئولیت شانه خالی می‌کردند، مگر در شرایطی که تکلیف شرعی آنها اقتضا می‌کرد که این مسئولیت سنگین را بپذیرند»^۲

ایشان در حمایت از تفکرات حضرت امام، همواره شخصاً در راهپیماییهای روز جهانی قدس و ۲۲ بهمن شرکت می‌کرد. حجت‌الاسلام محمدجواد فاضل می‌گوید:

«ایشان در موضوعی، حضور فعال داشت. یکی از بزرگان حوزه به من گفت: به ایشان بگویید که این حرکتها با مرجعیت تناسبی ندارد و مانع رشد مرجعیت ایشان است و بهتر است در این امور دخالت نکنند. وقتی پیام را به ایشان رساندم، خیلی ناراحت شدند و

۱. ر.ک. گروهی از دانشمندان شیعه، ص ۶۵۰ - ۶۵۳ و جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۲/۱۵، ویژه‌نامه شاخه‌ای از شجره طوبی، ص ۵.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۶/۶/۲۴.

فرمودند: من اصلاً مرجعیت را پذیرفتم برای خدمت؛ برای اینکه انقلاب به حیات خود ادامه دهد. من دین و مرجعیتی را که به درد مردم و انقلاب نخورد، می‌خواهم چه کار؟!^۱

شخصی در خارج قم در موضوع مسائل زنان مصاحبه‌ای کرد و نظریاتی ابراز کرد و به اطلاع ایشان رسید. معظّم‌له با ناراحتی زیاد پیامی بسیار تند برای آن آقا فرستاد. وقتی به ایشان عرض شد: آن آقا مروجّ اعلمیت شما در تقلید است و شاید این تندی روی‌گردانی او را در پی داشته باشد، ایشان فرموده بود: «به جهنم! من مرجعیت را برای دین می‌خواهم. اگر مرجع هستم، باید دفاع از دین کنم و اگر دیدم جایی برخلاف دین حرف زده می‌شود، نمی‌توانم ساکت بمانم و اگر گوینده، مروجّ من هم باشد باید با او برخورد شود.»^۲

احتیاط در مصرف وجوه شرعی

معظّم‌له در مصرف وجوه شرعی احتیاط و حساسیت فوق‌العاده داشت. در کسالت اخیر، پزشک معالج گفته بود:

«ایشان باید به لندن برود. فرمودند: اگر بخواهم از وجوه شرعی هزینه‌ی این سفر را بدهم در قیامت نمی‌توانم جواب‌گو باشم. تا اینکه برادر ایشان اجازه گرفت و هزینه‌ی سفر را از مال شخصی خود پرداخت.»

یک وقت مقلّدی کفشهای زیاد فرستاده بود. وقتی شنید که یکی از بستگانش یک کارتن از آنها را به خانه‌اش برده، فرزند خود حجت‌الاسلام محمدجواد فاضل را خواسته بود و فرموده بود: «دیشب از ناراحتی خوابم نبرد. فلان آقا به چه اجازه‌ای یک کارتن کفش به منزلش برده؟ مگر نمی‌دانند که از وجوه شرعی است و مال شخصی من نیست؟» فرزندشان به سختی او را قانع کرده بود که آن آقا هم فقرایی را در محل خود سراغ دارد و می‌خواهد به آنها بدهد. روز بعد، آن آقا را خواست و موارد مصرف را پیگیر شد.

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۲/۱۵، ویژه‌نامه‌ی شاخه‌ای از شجره‌ی طوبی، ص ۸.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۶/۵/۳، ویژه‌نامه‌ی اسوه‌ی فقاہت و مرجعیت، ص ۶.

فعالیت اقتصادی

ایشان ورود به فعالیتهای اقتصادی برای تقویت بنیه مالی حوزه را به هیچ وجه به مصلحت نمی‌دانست؛ به خصوص در سطوح بالای روحانیت و خود نیز به هیچ نحو وارد این قضایا نشد و اجازه ورود به این مسائل را نداد. آنچه از وجوه شرعی از سوی مقلدان در اختیارش گذارده می‌شد، به مصارف حوزه‌های علمیه و مراکز علمی و کارهای مربوط به امور دینی می‌رساند. به طور کلی صرف وجوه شرعی در امور اقتصادی و سرمایه‌گذاریهای درآمدزا را مشروع نمی‌دانست.

نه تنها خود ایشان از وجوهی که در اختیار داشت، چنین اقداماتی را اجازه نمی‌داد بلکه حتی بعد از ارتحال حضرت امام که حاج احمدآقا وجوه شرعی باقی‌مانده را برای ایشان و اعضای شورای مدیریت وقت حوزه برای مصرف طلاب فرستاد و برخی خواستند با آن سرمایه‌گذاری کنند تا زود تمام نشود، سخت مورد مخالفت ایشان قرار گرفت و با تلاش معظم‌له آن وجوه برای شهریه طلاب مصرف شد.

در جلسه‌ای با حضور مقام معظم رهبری، از تقویت بنیه مالی حوزه‌ها سخن به میان آمد و ایشان همین مطلب را گوشزد کرد و افزود: «حضرت امام اجازه نمی‌داد موقوفات برای حوزه‌ها مصرف شود. لذا حوزه‌ها باید فقط با وجوه شرعی مؤمنان که با طیب خاطر و خلوص نیت می‌پردازند، اداره شود و راهی غیر از این مشروع نیست.»

معتقد بود که باید فرهنگ‌سازی کرد تا مؤمنین با آگاهی و اخلاص، دیون شرعی را بپردازند تا امور دینی بهتر اداره شود و فرهنگ اسلامی و تعلیم اهل بیت (ع) ترقی و توسعه یابد.

به هر حال ایشان با این مبنا و تأکید بر استقلال حوزه‌ها و اینکه نباید متکی به غیر باشد، چه قبل از مرجعیت و چه بعد از آن، به هیچ عنوان اجازه تخلف از این اصل را به کسی نمی‌داد و مراکز و افراد منتسب به بیت ایشان به چنین کارهایی نپرداختند.

گاهی مقلدان می‌خواستند بخشی از کارخانه و شرکت خود را به عنوان خمس بپردازند؛ اما ایشان نمی‌پذیرفت و مبلغ خمس را می‌پذیرفت. معتقد بود آنچه حوزه‌ها را حفظ می‌کند، ارتباط دو سویه مردم و علمای دین و روحانیون است. اگر این راه اشکالاتی دارد، باید

برای اصلاح آن بکوشیم نه اینکه راههای پرمخاطره را جایگزین کنیم.^۱

موضع گیریها در زمان مرجعیت

معظم‌له از مراجع هوشیار و آگاه بود که با توجه به حضور در صحنه‌های گوناگون اجتماعی و سیاسی، از دوران جوانی، به خوبی به اهداف گردانندگان و پیامدهای اتفاقاتی که در جامعه رخ می‌داد، پی می‌برد و براین اساس موضع‌گیریهای اساسی و بجا می‌گرفت. در برابر حوادثی که در دنیا برضد اسلام و مسلمانها رخ می‌داد، موضع می‌گرفت. چنین نبود که: «دنیا را آب ببرد و او را خواب ببرد!» نظر به موقعیت ممتاز معظم‌له و اقدامات سنجیده ایشان، این مواضع در ایران و در سطح بین‌الملل بسیار مؤثر می‌افتاد و راه‌گشا بود. در اینجا به ذکر نمونه‌هایی از واکنشهای معظم‌له می‌پردازیم. همه این موارد - به جز مورد اول - مربوط به زمان مرجعیت ایشان است.

اهانت به حضرت امام

هنگامی که مجله *فارد* کاریکاتوری توهین‌آمیز علیه امام خمینی چاپ کرد، در اعتراض به سیاست مراکز فرهنگی کشور و اجازه فعالیت به نشریات ضد انقلاب، در تاریخ ۱۳۷۱/۱/۲۹ مراسمی از سوی شورای مدیریت و جامعه مدرسین در مدرسه فیضیه برگزار شد و سخنران آن آیت‌الله فاضل بود. ایشان طی سخنان مبسوطی سیاستهای فرهنگی کشور را به انتقاد کشید و خواستار تجدید نظر در آن شد. بخشهایی از سخنان معظم‌له بدین قرار است:

«امروز عوامل مزدوری در داخل کشور عامل اجرای بعضی ابعاد این توطئه فرهنگی شدند. جسارت را به جایی رساندند که محور انقلاب و نور چشم ما حضرت امام را مورد تمسخر و استهزا قرار می‌دهند و با چاپ عکس رکیک که دل هر مسلمانی را به درد می‌آورد، کینه خود را به امام و انقلاب نشان دادند.»

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۲/۱۵، ویژه‌نامه شاخه‌ای از شجره طوبی، ص ۸، برگرفته از مصاحبه حجت‌الاسلام محمدجواد فاضل.

اگر کتاب سلمان رشدی با تیراژ دهها میلیونی در امریکا منتشر می‌شود، دست ما از آنجا کوتاه است؛ اما در داخل کشور باید با این حرکتها مقابله شود. این مسئولیت بر دوش سازمانهای فرهنگی و مهم‌تر از همه وزارت ارشاد است. باید در سیاستهای فرهنگی و مسئولان آن تجدید نظر به عمل آید. ملت ما نمی‌تواند این توطئه‌ها و توهین به حضرت امام را که تبلور اسلام ناب محمدی بود، تحمل کند.

این حرکتها اختصاص به مجله کثیف *فاراد* ندارد بلکه مجلات و کتابهای دیگر در قالب رمانهای مبتذل و تهییج‌کننده که هر خواننده جوانی را منحرف می‌کند، تیشه به ریشه انقلاب می‌زند. اگر مردم ما شعار دادند: «استقلال آزادی، جمهوری اسلامی» به معنای آزادی مطلق نیست؛ بلکه آزادی در سایه اسلام است.

از رئیس جمهور محترم^۱ که مورد احترام همه هستند، می‌خواهم وزارت ارشاد را از بقایای دولت موقت انقلاب و افراد نفوذی پاک کنند و دقت بیشتری در افراد این وزارتخانه بنمایند.^۲

تأکید بر اجرای حکم سلمان رشدی

سلمان رشدی با نوشتن کتاب *آیات شیطانی* قلوب مسلمانان را جریحه‌دار ساخت. امام خمینی پس از آگاهی از این قضیه، برای اینکه دیگران نیز چنین جرأتی را پیدا نکنند، در تاریخ ۱۳۶۷/۱۱/۲۵ حکم اعدام سلمان رشدی را اعلام کرد:

بسمه تعالی

إِنَّ اللَّهَ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

به اطلاع مسلمانان غیور سراسر جهان می‌رسانم، مؤلف کتاب *آیات شیطانی* - که علیه اسلام و پیامبر و قرآن، تنظیم و چاپ و منتشر شده است، همچنین ناشرین مطلع از محتوای آن، محکوم به اعدام می‌باشند. از مسلمانان غیور می‌خواهم تا در هر نقطه که آنان را یافتند، سریعاً آنها را اعدام نمایند تا دیگر کسی جرئت

۱. آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی.

۲. کیهان، ۱۳۷۱/۱/۳۰.

نکند به مقدسات مسلمین توهین نماید و هرکس در این راه کشته شود، شهید است. ان شاء الله.

ضمناً اگر کسی دسترسی به مؤلف کتاب دارد ولی خود قدرت اعدام او را ندارد، او را به مردم معرفی نماید تا به جزای اعمالش برسد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمینی^۱

حضرت امام با این اقدام، جهانیان را از وجود چنین حکمی در اسلام، آگاه کرد تا دیگران در چنین ورطه‌ای نیفتند. مخالفان جمهوری اسلامی کوشیدند تا از این حکم بهره‌برداری سیاسی کنند و ایران را تحت فشار قرار دهند. ده سال بعد، شرایط سیاسی در ایران دست‌خوش تحولاتی شد و بعضی مسئولان عقب‌نشینی در این حکم را به مصلحت دانستند.^۲ آیت‌الله فاضل با صدور بیانیه‌ای اقدامات احتمالی را خنثی کرد:

بسم الله الرحمن الرحيم

به دنبال انتشار برخی از اخبار، مطلع شدم که دنیای کفر خصوصاً دولت انگلیس توهم لغو فتوای الهی، تاریخی امام راحل - قدس سره - نسبت به قتل سلمان رشدی مرتد را نموده است. لازم دیدم در این زمینه اعلام نمایم که این فتوا به هیچ وجه قابل نقض و یا تغییر نیست و اکنون نیز بر همه مسلمانان جهان اجرای آن واجب است و چنانچه دولت محترم جمهوری اسلامی تصمیم بر مباشرت در اقدام این فتوا را نداشته باشد لیکن باید در ردیف اولین حامیان این فتوا باشد و بدانند حوزه‌های علمیه و ملت اسلامی ایران که صددرصد در مورد نظام و امام

۱. صحیفه امام ج ۲۱، ص ۲۶۳.

۲. عجیب آنکه امام خمینی چند روز بعد در تاریخ ۱۳۶۷/۱۲/۳ طی پیامی کتبی، نگرانی خود را از عقب‌نشینی از این حکم در ده سال بعد اظهار کرد:

ترس من این است که تحلیلگران امروز، ده سال دیگر بر کرسی قضاوت بنشینند و بگویند که: باید دید فتوای اسلامی و حکم اعدام سلمان رشدی مطابق اصول و قوانین دیپلماسی بوده است یا خیر؟ و نتیجه‌گیری کنند که چون بیان حکم خدا آثار و تبعاتی داشته است و بازار مشترک و کشورهای غربی علیه ما موضع گرفته‌اند، پس باید خامی نکنیم و از کنار اهانت‌کنندگان به مقام مقدس پیامبر و اسلام و مکتب بگذریم! (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۹۱ - ۲۹۲)

قلبشان می‌تپد، هرگز اجازه نخواهند داد این فتوا دست‌خوش سیاستهای خارجی روزمره گردد و نیز بدانند کتاب سلمان رشدی در واقع کتاب دولت انگلیس است؛ همان‌طوری که این شخص پلید در شرح حال خود اعتراف می‌کند که تمام سرفصلهای این کتاب بر هدایت آن دولت بوده است و این دولت با سابقه سیاهی که در برخورد با اسلام دارد، چنانچه زمینه را فراهم ببیند، صدها سلمان رشدی و یا بدتر از او را تربیت خواهد نمود. خداوند متعال نظام مقدس جمهوری اسلامی را از هر گزندی مصون بفرماید. ان شاء الله.

محمد فاضل

۱۳۷۷/۷/۵

حجت‌الاسلام محمدجواد فاضل آثار این بیانیه را به خوبی بیان کرده است:

«در اوایل ریاست جمهوری جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای خاتمی، معظّم‌له شنید وزیر خارجه وقت جناب آقای خرازی با وزیر خارجه انگلیس ملاقاتی داشت و راجع به سلمان رشدی صحبتی شد. وزیر خارجه انگلیس تلفنی در همان جلسه به سلمان رشدی تبریک گفت و به او خبر داد که حکم امام در باره او لغو شده است! ایشان از این خبر خیلی ناراحت شد و آن پیام را داد ... آقای خرازی نماینده‌ای خدمت ایشان فرستاد که: مواضعم در آنجا نظر شخصی خودم نبود بلکه نظر مسئولان عالی نظام بود. ایشان هم فرمودند: من به وظیفه‌ام عمل کردم و نمی‌بایست این‌طور برخورد می‌شد که اینها چنین توهمی کنند.

چند روز گذشت و آقای خرازی آمدند و در جلسه‌ای به من گفتند: اگر موضع والد شما نبود، انگلیسیها کلاه بزرگی سر ما گذاشته بودند.»^۱

حجت‌الاسلام مسیح مهاجری به مناسبت چهلمین روز ارتحال آیت‌الله فاضل از این توطئه انگلیس سخن گفته است:

«اینجانب به دلیل مسئولیت روزنامه جمهوری اسلامی از عمق توطئه دولت انگلیس و

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۶/۵/۳، ویژه‌نامه اسوه فقاهت و مرجعیت، ص ۷.

بعضی شیطنتهای داخلی برای لغو حکم امام خمینی مطلق بودم. آثار مهم انتشار این اعلامیه برایم کاملاً ملموس بود. این اقدام پربرکت علاوه بر آنکه شیطنتهای داخلی را خنثی کرد، دولت انگلیس را نیز وادار به عقب‌نشینی نمود؛ به طوری که بعد از آن تا امسال یارای هیچ اقدامی در جهت حمایت از سلمان رشدی مرتد نداشت.

در خرداد امسال که ملکه انگلیس به نویسنده مرتد کتاب *آیات شیطانی* نشان شوالیه داد، اگر حضرت آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی حیات داشتند، قطعاً عکس‌العمل قاطع نشان می‌دادند که دولت استعماری و دربار انگلیس را پشیمان می‌کردند.^۱

آیت‌الله فاضل در دیدار با ائمه جماعات استان قم از فلسفه این حکم سخن گفت:

«اگر ما در این قصه کوتاه آمده بودیم، بدانید که صدها سلمان رشدی تا به حال برای ما درست کرده بودند و این مقاومت مسلمانها و این فتوا و حکم امام سبب شد که سلمان رشدی به این حال بد بیفتد و ان‌شاء الله تا آخر عمر به همین حالت یا بدتر خواهد بود. اینها در انتظار روزی هستند که این افراد آزادانه در جامعه زندگی کنند و عقاید خود را به مردم بگویند و مسلمانان را به تمام معنا منحرف کنند.»

معظم‌له در وصیت‌نامه‌اش، به صدور دو اعلامیه‌اش افتخار کرده که یکی از آنها تأکید بر حکم حضرت امام مبنی بر قتل سلمان رشدی است:

به دو اعلامیه افتخار می‌کنم: یکی اعلامیه‌ای که به مناسبت شهادت حضرت زهرا - سلام الله علیها - سالیان زیادی منتشر نمودم و دیگر اعلامیه‌ای که به مناسبت عدم جواز نقض حکم امام - قدس سره - در مورد ارتداد سلمان رشدی و وجوب قتل او صادر کردم و در مقابل برخی از روشن‌فکران که خیال می‌کردند مقتضای مصلحت، کنار آمدن با سلمان رشدی است و در این زمینه مقدماتی را تهیه دیده بودند، مقاومت نموده و شدیداً با آنان برخورد کردم.

انتخابات سومین دوره مجلس خبرگان

این انتخابات در شرایطی برگزار شد که دشمنان با تبلیغات وسیع، مردم را به عدم

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۶/۵/۳، ویژه‌نامه *اسوه فقاہت و مرجعیت*، ص ۳.

حضور در آن ترغیب می‌کردند و بعضی از مسئولان اجرایی در داخل نیز با آنها هماهنگ شده بودند. حجت‌الاسلام مسیح مهاجری در این زمینه می‌نویسد:

«سال ۱۳۷۷ در آستانهٔ انتخابات مجلس خبرگان رهبری به دلیل اینکه عده‌ای از مسئولان اجرایی در صدد بودند با کارشکنیهای سازماندهی شده، میزان مشارکت مردم در آن انتخابات را پایین بیاورند، ارکان نظام برای مقابله با این ترفند تلاش برنامه‌ریزی شده‌ای را آغاز کردند و خوشبختانه موفق به درهم شکستن آن توطئه شدند. یکی از تلاشها این بود که روزی آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی از اینجانب خواستند به قم بروم و حضرت آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی را در جریان توطئه قرار دهم و از ایشان بخواهم هرچه زودتر طی اعلامیه‌ای مردم را به شرکت در انتخابات دعوت کنند.

فردای آن روز به قم رفتم و حدود ظهر در منزل ایشان حضور یافتم و تأکید آقای هاشمی رفسنجانی در زمینهٔ تسریع در صدور اعلامیه را هم به اطلاع ایشان رساندم. جالب است این مرجع انقلابی بدون اینکه اخبار این جریان را قبلاً شنیده باشند، از قرائن به آن توطئه پی برده بودند و لذا استقبال خوبی از آن پیشنهاد کردند و قول دادند اعلامیه را سریعاً منتشر نمایند و همین کار را هم کردند. بعد از ظهر همان روز هنگامی که به تهران برگشتم، در دفتر روزنامه، اعلامیهٔ ایشان را که به روزنامهٔ جمهوری اسلامی فاکس شده بود، روی میز کارم دیدم. اعلامیه‌ای که از مردم می‌خواست در انتخابات خبرگان رهبری به عنوان یک واجب شرکت کنند و دشمنان انقلاب را ناکام نمایند.»^۱

صدور این بیانیه در شرکت مردم در انتخابات و خنثی شدن توطئه‌ها تأثیر چشم‌گیری داشت؛ به گونه‌ای که آقای مهندس غرضی، که در آن زمان مسئولیت مهمی داشت، بعد از انتخابات به حضور معظم‌له رسید و ضمن تشکر از صدور بیانیه اظهار داشت: من با تحقیق می‌گویم که این اطلاعیه بیش از ده میلیون نفر را به صحنه آورد.

آیت‌الله رضا استادی در همان زمان به حجت‌الاسلام محمدجواد فاضل گفته بود:
«از قول من به پدرتان عرض کنید: همان‌طور که صاحب‌جوهر به شیخ کاظم آزری

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۶/۵/۳، ویژه‌نامهٔ اسوهٔ فقاقت و مرجعیت، ص ۴.

- شاعر اهل بیت (ع) - گفت: حاضریم همه ثواب کتاب جوهر را بدهم و ثواب اشعار تو را بگیرم، من هم حاضریم ثواب تمام کتابهای خود را بدهم و در مقابل، ایشان ثواب این اطلاعیه را به من بدهد.»

متن کامل اطلاعیه در قسمت مربوط به پیامها خواهد آمد.

بهتان به تشیع

در اوایل اسفند ماه سال ۷۶ و همزمان با دیدار آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و همراهان ایشان از کشور عربستان سعودی، شیخ عبدالرحمان حدیفی - امام جمعه مدینه - در خطبه‌های نماز جمعه در مسجدالنبی و در حضور آیت‌الله هاشمی و هیئت همراه، به مذهب شیعه، ولایت فقیه و شخص امام خمینی تعریضات موهنی روا می‌دارد. از جمله گفته بود: چگونه بین اهل تسنن و تشیع تقرب حاصل می‌شود در حالی که اهل سنت، حافظ قرآن کریم و احادیث رسول‌الله - صلی الله علیه وآله - هستند و برای علو اسلام و تاریخ پرافتخار آن همّت می‌گذارند و شیعیان به لعن صحابه رسول خدا - صلی الله علیه وآله - و هدم بنای اسلام اقدام می‌کنند؟

در حالی که او با مطالبی از این دست به تشیع می‌تاخت، آقای هاشمی رفسنجانی و هیئت همراه بلافاصله جایگاه نماز جمعه را ترک و در مجاورت باب السلام، نماز جماعت را با همراهان و وزیر و تنی چند از مسئولان سعودی نماز خود را به امامت ایشان برگزار می‌کنند. البته عمل خودسرانه و مزورانه حدیفی بلافاصله از سوی رئیس مسجد و مقامات ارشد سعودی تقبیح می‌شود و در مقام دل‌جویی از هیئت ایرانی برمی‌آیند.

مقلدان آیت‌الله فاضل روز بعد، طی استفتایی خواستار تعیین تکلیف جهت شرکت در نماز جماعت حدیفی شدند و ایشان شرکت در نماز او را جایز ندانست:

بسمه تعالی

محضر مبارک مرجع عالی‌قدر تشیع حضرت آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی مدّ ظلّه العالی ضمن عرض سلام، اخیراً امام جماعت و جمعه مسجدالنبی (ص) به نام عبدالرحمان حدیفی در خطبه نماز جمعه خود، شیعه و بزرگان این مذهب را مورد تهمت و افترا قرار داده است و نسبت به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و رهبر کبیر

آن جسارتهایی نموده است. با توجه به اینکه کثیری از مقلدین حضرت عالی در سال جاری عازم تشرف به مدینه النبی و بیت الله الحرامند، شرکت در نماز جماعتی که به امامت این شخص برگزار می‌گردد، چه حکمی دارد؟ خداوند وجود مبارک را مستدام فرماید.

جمعی از مقلدین حضرت عالی

پاسخ آیت‌الله فاضل لنکرانی بدین شرح است:

بسمه تعالی

گرچه اینجانب مؤمنین را همیشه سفارش به شرکت در مراسم عبادی اهل سنت خصوصاً نماز جماعت و جمعه ایشان نموده‌ام و اکنون نیز این سفارش را دارم لیکن با توجه به آنچه که موثّقین از سخنان این شخص برای اینجانب نقل نموده‌اند، شرکت در نماز جماعت این شخص که منادی تفرقه و اختلاف بین مسلمین است را به هیچ وجه جایز نمی‌دانم و اقتدا به وی در جمعه و جماعت صحیح نیست. خداوند متعال شرّ منادیان اختلاف را از قاطبه مسلمین کوتاه بفرماید. ان شاء الله.

محمد فاضل

۵ ذی قعدة الحرام ۱۴۱۸

حجت‌الاسلام محمدجواد فاضل می‌گوید:

«بعد از صدور این فتوا به ایشان عرض کردم: ممکن است با چنین فتوایی دولت عربستان از حضور بعثه شما ممانعت به عمل آورد و اجازه ندهد نمایندگان شما در ایام حج در آنجا حاضر شوند. ایشان فرمودند: هرچند چنین کاری کنند، من این وظیفه را دارم. حتماً این فتوا را منتشر کنید.»

بعضی از مسئولان حج، تلاش زیاد کردند تا از انتشار فتوا جلوگیری یا تغییر و تبصره‌ای در آن ایجاد کنند؛ اما موفق نشدند و به خواست خدا این فتوا اثر خود را گذاشت. حجت‌الاسلام راشد یزدی می‌گوید:

«در مسجدالنبی(ص) شاهد بودم که حجاج از همدیگر و حتی از مأموران مسجد می‌پرسیدند: امام جماعت کیست؟ اگر می‌فهمیدند، حذیفی است، اقتدا نمی‌کردند. تا اینکه قضیه به گوش امیر مدینه رسید و او در جلسه‌ای به رئیس وقت سازمان حج و زیارت ایران گفته بود: از فردا شب حذیفی را از سمت امامت جماعت کنار می‌گذاریم.»^۱

حمله آمریکا به افغانستان

در پی حمله آمریکا به افغانستان، طی سخنانی در درس خارج، آن را محکوم کرد: «متأسفانه ما مشاهده می‌کنیم که دنیای غرب و دولت‌مردان غربی هرچه از نظر ظاهری و تکنولوژی و صنایع پیشرفت می‌نمایند، به موازات آن تنزل در معنویات و عواطف انسانی پیدا می‌کنند و روز به روز در تضييع حقوق بشر جلو می‌روند. حوادثی که در آمریکا واقع شد^۲ و هنوز عاملین آن حتی برای حکام آن کشور روشن نیست و هنوز آمریکا مدرکی ارائه ننموده است. این حادثه برای همه بسیار تأسّف‌آور و ناگوار بود؛ چراکه در زمان کوتاه عده‌ای از انسانها که در بین آنها عده‌ای مسلمان نیز وجود داشت، از بین رفتند و هر انسانی از این حادثه متأثر است؛ لیکن دنیای غرب باید بداند که مبارزه و مخالفت با تروریست از ۱۴۰۰ سال پیش در مکتب اسلام وجود داشته است. تاریخ اسلام به خوبی گواهی می‌دهد که این مکتب به شدت با این‌گونه اعمال مخالف است. از قوانین مسلم اسلام مخالفت با تروریسم است. مسلمانان به تبعیت از دین اسلام در صف اول مخالفین با تروریسم هستند.

امروزه متأسفانه مشاهده می‌کنیم دولتی خود را متصدی مبارزه با تروریسم می‌داند که خود اول تروریسم است و اصلاً در عالم کاری غیر از این ندارد. امروز آمریکا ادعا می‌کند که هر کشوری که با من نباشد، شریک دیگران است. خود این حرف یک منطق تروریستی است. امروز زمان منطق و فکر و تعقل است. ما از آمریکا سؤال می‌کنیم اسرائیل که با وحشیانه‌ترین اعمال، مردم مسلمان فلسطین را به خاک و خون می‌کشد،

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۲/۱۵، ویژه‌نامه شاخه‌ای از شجره طویی، ص ۸.

۲. اشاره به انفجار برجهای دوقلو در آمریکا.

مگر مولود شما نیست؟ ما اسرائیل را یکی از بزرگ‌ترین حکومت‌های تروریستی می‌دانیم که با حمایت آمریکا به کار خود ادامه می‌دهد. امروزه اسرائیل نه تنها نسبت به مردم فلسطین عنوان تروریست را دارد، بلکه برای جهان اسلام تروریست است. آمریکا امروز با قلدری تمام به مردم بی‌پناه و مظلوم و ستم‌کشیده افغانستان حمله کرده است. حوزه‌های علمیه و علما و مراجع، انزجار خود را از این اعمال جنون‌آمیز اعلام می‌کنند. ما اگرچه طالبان را از اول نامشروع می‌دانستیم و اکنون نیز می‌دانیم، لیکن از شما سؤال می‌کنیم: مگر شما طالبان را به وجود نیاوردید؟ طالبان بعد از اسرائیل مولود نامشروع دوم آمریکا است. مردم مظلوم افغانستان، ستم‌های فراوانی را از طالبان دیده‌اند؛ لیکن آیا به بهانه از بین بردن چند تروریست، عقل و منطق اجازه می‌دهد در این شرایط ناگوار که این مردم هیچ امکان غذایی و دارویی ندارند، چنین مورد هجوم بی‌رحمانه موشک‌های شما واقع شوند؟ آمریکا بداند جهان اسلام و دنیای انسانیت این اعمال را محکوم می‌کند و دیر یا زود به اشتباه خود پی خواهد برد. اینجانب مناسب می‌دانم که حوزه‌های علمیه و فضلا در برابر حمله نظامی آمریکا به افغانستان بی‌تفاوت نباشند و از خود واکنشی نشان دهند.»

اسرائیل

معظم‌له در پایان درس خارج، تهاجم اسرائیلیها به مردم فلسطین را محکوم کرد: «تهاجم سنگینی که این روزها در فلسطین اشغالی از طرف اسرائیل غاصب وجود دارد و هر انسان آزاده‌ای را غمگین و رنجور می‌کند، باید مورد توجه همه قرار گیرد. از مجموع جریانات استفاده می‌شود که دولت غاصب نقشه‌های پلیدی نسبت به قدس شریف دارد و از طرفی در صدد جبران شکستش در لبنان است. مسئله فلسطین مربوط به همه جهان اسلام است و هر مسلمانی در برابر آن، مسئول و موظف است. امروزه لازم است دولتهای اسلامی در کنار سایر مسلمین تلاش بیشتری نمایند تا به لطف الهی مشکل فلسطین را برای همیشه حل و دولت غاصب اسرائیل را از صحنه محو نمایند. از مسائل اساسی موردنظر امام راحل که از قبل از پیروزی انقلاب بر

مرجعیت ۳۰۱

آن تأکید داشتند، محو و نابودی اسرائیل است. مسلمانان امروزه با حرکات اخیر اسرائیل به خوبی دریافتند که صلح با اسرائیل تاکنون فریبی بیش نبوده و باید با مبارزه مستمر، این غده سرطانی را برای همیشه از بین برد. بدانند که ملت ایران و حوزه‌های علمیه و همه اقشار دیگر در کنار ملت فلسطین تا آخر ایستاده‌اند.^۱

در همان ایام در پاسخ به استفتایی در مورد صرف وجوه شرعی برای کمک به مسلمانان فلسطین چنین مرقوم فرمود:

بسمه تعالی

أذن للذین یقاتلون بأنهم ظلموا وإن الله علی نصرهم لقدیر
با توجه به اینکه اسرائیل غاصب با حمایت شیطان بزرگ با کمال شقاوت دست به کشتار مسلمین زده و به نظر اینجانب اسرائیل در اندیشه از بین بردن تمام مسلمین جهان است، بر تمام مسلمین در هر نقطه لازم است که مقابله جدی خود را با صهیونیزم تقویت بخشند و از هیچ امری در این مورد کوتاهی نکنند و اهالی فلسطین را در انتفاضه یاری نمایند و نیز به ملت عزیز فلسطین توصیه می‌نمایم که از استمرار انتفاضه و مجاهدت خود دست برندارند و بدانند که خداوند پشتیبان و ناصر آنان است.

ضمناً مؤمنین می‌توانند از ثلث سهم مبارک امام(ع) با اطمینان به صرف آن در مورد قیام مردم فلسطین و مجروحین و یا دیگر امدادهایی که لازم است، استفاده نمایند. اینجانب اطمینان دارم که همان طوری که طاغوت در ایران سرنگون شد، طاغوت اسرائیل نیز با استمداد از نصرت الهی، از بین خواهد رفت. ان شاء الله تعالی.

محمد فاضل

۱۳۷۹/۷/۲۶

آیت‌الله فاضل در دیدار با حجت‌الاسلام سید حسن نصرالله - دبیر کل حزب‌الله لبنان - فرمود:
«شما بدانید از مسائلی که هم نظام مقدس جمهوری اسلامی و رهبری آن و هم قاطبه ملت به آن اهمیت می‌دهند، مسئله فلسطین و اسرائیل غاصب است. امروز ملت ایران به

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۹/۷/۲۵.

دنبال پیروزی مجاهدین حزب‌الله و محو اسرائیل غاصب است. ما به امید روزی هستیم که اسرائیل از صحنه روزگار محو شود و چون هدف اسرائیل محو اسلام است، بر هر مسلمان واجب است از حرکت جهادی شیعیان لبنان و مسلمانان فلسطینی حمایت کند.^۱

در تابستان ۱۳۸۵ش اسرائیل به بهانه اسارت دو اسرائیلی به دست حزب‌الله لبنان، این کشور را به شدت مورد حمله قرار داد و خطر بزرگی لبنان را تهدید می‌کرد. آیت‌الله فاضل با صدور بیانیه‌ای در تاریخ ۱۳۸۵/۴/۲۳ از عموم مسلمانان خواست تا عکس‌العمل سریع و جدی نشان دهند و رؤسای ممالک اسلامی را نصیحت کرد که تمام حیثیت آنها به اسلام بستگی دارد و اگر در باطن با اسرائیل به توافقاتی رسیده‌اند، دیگر پیشیزی ارزش ندارند.^۲ معظم‌له در یکی از دیدارها در همان ایام فرمود:

«مقاومت نیروهای حزب‌الله امروزه تداعی همان معنا را دارد که پیامبر اکرم(ص) در باره امیرالمؤمنین(ع) در مقابله با عمرو بن عبدود فرمود: «لقد برز الإسلام كله إلى الكفر كله». امروز هم این‌طور است که تمام اسلام در مقابل تمامی کفر قرار گرفته است. روشن است که طراحی این عملیات از قبل تحت فرماندهی آمریکا و با موافقت این دولتهای بی‌تفاوت بوده است و این دولتها بدانند که در آینده اسرائیل به مقابله با آنان هم خواهد پرداخت. علما و جهان اسلام امروز باید بیدارتر از گذشته باشند و بدانند اسلام عزیز در شرایط بسیار حساس است و همان‌طور که قبلاً در پیام مربوط به لبنان گفتیم، امروزه دشمنان نقشه‌های فراوان برای انهدام اسلام طراحی کرده‌اند.»^۳

دفتر ایشان نیز پس از چند روز در اطلاعیه‌ای با اعلام شماره حسابی، آمادگی خود را برای دریافت کمکهای نقدی هم‌وطنان برای یاری رساندن به مسلمانان لبنان اعلام کرد و نیز به مؤمنان اجازه داد که یک‌سوم سهم امام(ع) را در این راه صرف کنند.^۴

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۶/۷/۲۸.

۲. متن کامل بیانیه در قسمت مربوط به پیامها خواهد آمد.

۳. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۵/۲.

۴. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۵/۱۰.

مرجعیت ۳۰۳

بالأخره این اقدامات و اقدامات مشابه از سوی مراجع دیگر و کمکهای جمهوری اسلامی و همیاری مسلمانان، اجازه نداد اسرائیل به اهداف شوم خود دست یابد و پس از ۳۳ روز یعنی ۱۳۸۵/۵/۲۳ آتش بس اعلام شد.

پس از اتمام جنگ نیز دفتر معظّم له با صدور اطلاعیه‌ای، همان اجازه را برای بازسازی لبنان صادر کرد. همچنین آیت‌الله فاضل به منظور بررسی اوضاع و سرکشی به وضع آوارگان لبنانی هیئتی به سوریه اعزام کرد.^۱

بوسنی و هرزگوین

زمانی که مسلمانان بوسنی و هرزگوین به جرم مسلمان بودن، از سوی صربها به خاک و خون کشیده می‌شدند، آیت‌الله فاضل کمک به آنها را سفارش کرد و اجازه داد تا یکسوم سهم امام به آنان اختصاص یابد. متن پاسخ ایشان به استفتایی در این زمینه چنین است:

بسمه تعالی

بعد السلام والتحیه؛ مؤمنان می‌توانند ثلث سهم مبارک امام(ع) را در مورد برادران و خواهران مسلمان در بوسنی و هرزگوین که به جرم مسلمان بودن گرفتار جنایتها و ستمها و تجاوزهای کم‌سابقه در تاریخ شده‌اند، صرف کنند. ضمن اینکه هر مسلمانی لازم است از امکانات خویش در امور مزبور استفاده کند، اگرچه سهم امام(ع) بر عهده او نباشد. فرج الله عنهم فرجاً عاجلاً قریباً. ان شاء الله تعالی.

محمد فاضل

۱۳۷۴/۵/۱۱

۴ ربیع الاول ۱۴۱۶

مقابله با سوء استفاده از مهدویت

اهتمامی خاص به مهدویت و توجه دادن جامعه به امام زمان(ع) داشت و چند سال به مناسبت نیمه شعبان، بیانیه‌هایی صادر کرد. اما در برابر مدعیان دروغین رؤیت، که درصدد سوء استفاده از مهدویت بودند نیز به شدت واکنش نشان می‌داد و تا حد امکان با آنها

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۵/۲۸.

مقابله می‌کرد. مورد زیر نمونه‌ای از درخواست اظهار نظر از معظّم‌له در مورد دست‌خطی منسوب به امام زمان(ع) است:

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مرجع شیعه حضرت آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی، دامت برکاته بعد التحية والسلام و با آرزوی صحت و توفیق روزافزون برای حضرت‌عالی به عرض می‌رساند: اخیراً دست‌نوشته‌ای به عنوان نامه‌ای که توسط حضرت حجّت بن الحسن امام زمان - ارواحنا فداه - نوشته شده، از سوی جریانی خاص منتشر و در برخی کتب و مجلات و سررسیدهای مرتبط با آن جریان در باره‌اش تبلیغات و قلم‌فرسایی شده است. مردم هم بعضی آن را نامه صادره از معصوم(ع) تلقی کرده، گروهی مردّدند. طبق فرمایش منقول از خود آن حضرت: «أما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها إلى رواة حديثنا فإنهم حجتي عليكم وأنا حجة الله»، از حضرت‌عالی استفسار می‌شود آیا واقعاً این دست‌نوشته قابل انتساب به معصوم - صلوات الله و سلامه علیه - هست یا نیست؟ بینوا توجروا. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته. تصویری از نامه مذکور را در صفحه مقابل مشاهده می‌فرمایید.

پاسخ روشن معظّم‌له چنین بود:

بسمه تعالی

دست‌نویس مقابل مجعول و برای رسیدن به اهداف مادی و اغراض دنیوی و یا از روی جهالت جعل شده و نظایر آن در این زمان فراوان است.

محمد فاضل

۲ رمضان ۱۴۲۷^۱

صوفیه

با فزونی فعالیت درویش و جذب عده‌ای از جوانان، آیت‌الله فاضل در پاسخ به استفتایی، ماهیت این فرقه را روشن ساخت و شرکت در مکانهای آنها را حرام شمرد. بخشی از سؤال چنین است:

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارک مرجع عالی قدر شیعیان حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی دام ظلّه ... سال به سال جمعیت بیشتری از جوانان شیعه جذب خانقاه می شوند و امسال روز تولد مولای متقیان هجوم جوانان باعث راه‌بندان و بسته شدن بعضی از خیابانها در تهران شد. البته خانقاهها را به نام حسینیّه می خوانند. مع الأسف در این دریای تاریک و طوفانی تبلیغات صوفیان و دراویش جوانهای ما فانوس هدایت را پیدا نمی کنند... .

وجه اشتراک همه آنها (فرقه‌های صوفیه) در این عقیده است که امر دین را به دو بخش مجزاً تجزیه کرده‌اند و می گویند: امر شریعت با مراجع تقلید است و امر طریقت یا تربیت روحی و راه و روش عمل صالح در زندگی با قطب و پیر خانقاه است... .

آیا شرکت در خانقاه با عقیده به هدایت پیر و قطب دراویش و پیروی از اعمال آنان شرعاً جایز است؟ آیا در مذهب حقه، شریعت و طریقت دو امر جدا از هم هستند و اصلاً این مفاهیم و اصطلاحات را در مذهب حقه داریم؟

متن کامل جواب چنین است:

بسمه تعالی

صوفیه و همه مذاهب منسوب به آن از فرقه‌های باطل و غیر صحیح است و ائمه معصومین - علیهم السلام - شدیداً از چنین مسلکی بیزار می‌جسته‌اند و اساساً تفکیک دو عنوان شریعت و طریقت از بدعت‌هایی است که اینان احداث نموده‌اند و ما غیر از شریعت که همان کتاب و سنت و اجماع و عقل است، چیز دیگری به نام طریقت نداریم و جعل این عنوان برای تضعیف اصل شریعت و بی‌اعتنایی به آن است. از این جهت شرکت در مکانهای مربوط به این گروه خصوصاً خانقاه جایز نیست و جوانان عزیز بدانند که اسلام حقیقی و معرفت حق تعالی و قرب به او جز از طریق تمسک به قرآن و پیروی از ائمه معصومین - علیهم السلام - امکان ندارد و فهم این دو منبع جز از طریق کسانی که آشنا به آن هستند و عمر خود را در فهم آن سپری نموده‌اند، یعنی علما و مجتهدین، میسر نیست و از این

جهت است که در زمان غیبت مردم موظف شده‌اند به رجوع به علما و فقها تا گرفتار چنین مذاهب باطلی نشوند.

محمد فاضل

۸۵/۶/۱

این فتوا بازتاب گسترده به دنبال داشت و در پی آن نامه‌ای از طریق اینترنت از طرف یک صوفی به سایت معظّم‌له ارسال گردید.

با عرض سلام

من یک ایرانی صوفی و شیعه هستم. می‌خواهم بگویم: فتوای شما مرا بسیار ناامید کرد. امیدوارم شما راجع به فتوای خود تجدیدنظر کنید. شما به علل و اسباب واقعی انحراف، بیگانگی و دوری مردم از اسلام نگاه کنید. چرا آنها بیش از پیش به معنویت و تصوف علاقه‌مند می‌شوند؟ این‌گونه فتاوا فقط می‌تواند مردم را از اسلام دور کند؛ چراکه از اینها برای اهداف و مقاصد سیاسی استفاده می‌شود. تصوف روح و قلب اسلام است. تصوف به ما کمک می‌کند که انسانهای بهتری باشیم.

خانم آ. ن. ۵۱ ساله از آمریکا

پاسخ معظّم‌له بدین قرار است:

بسمه تعالی

با سلام و تحیت؛ هیچ مقصود سیاسی قطعاً در این فتوا نبوده است و چنین تصویری بی‌جاست. آیا می‌توان گفت ائمه معصومین - علیهم السلام - که شدیداً از فرقه صوفیه گالایه و ابراز انزجار نموده‌اند، مقصود سیاسی داشته‌اند؟ آیا فقهای بزرگ اسلام که از ابتدا تاکنون نسبت به این فرقه، اظهارات و فتاوی بسیار تندی داشته‌اند، مقصود سیاسی داشته‌اند؟ شما در طول تاریخ اسلام کدام مرجع تقلید و مجتهد معتبری را سراغ دارید که نسبت به این فرقه تأییدی داشته باشد؟ شما خانم محترم، هیچ از خود سؤال نموده‌اید که اگر این فرقه صحیح است، چرا منجر به جایی می‌شود که ضروریات اسلام را نادیده گرفته و حتی نماز و روزه را به بهانه وصل شدن به خدا ترک کنند؟ مگر امیرالمؤمنین (ع) که به ادعای این فرقه مورد توجه شدید آنان است در هنگام شهادت، فرزندان خود را به نماز و عمل به قرآن توصیه نفرمود؟

مدعیان تفکیک طریقت از شریعت در کدام‌یک از متون دینی از قرآن و کلمات پیامبر(ص) و ائمه طاهرین شاهدهی بر آن دارند؟ آیا شریعت و دین جز عمل نمودن به قرآن و سنت پیامبر و عترت اوست؟ اگر مقداری مطالعه دقیق و بدون تعصب در اسلام نمایید، به این نقطه خواهید رسید که تصوف نه تنها روح اسلام نیست بلکه با روح اسلام کاملاً مابینت دارد و قادر بر سیراب کردن انسانهای تشنه معنویت نیست و سرابی است که گروهی را فریفته و به سوی خود جذب کرده است.

در خاتمه، توجه شما را به برخی از روایات صادره از ائمه معصومین - علیهم السلام - جلب می‌نمایم. این روایات را مرحوم شیخ حر عاملی در کتاب/تنی عشریه و مقدس اردبیلی در حلیقه الشیعه و میرزا حبیب‌الله خویی در جلد سیزدهم شرح نهج البلاغه گردآوری نموده‌اند:

۱. از امام هشتم(ع) به سند معتبر رسیده است: کسی که در نزد او از صوفیه سخن به میان آید و با زبان و یا قلب به انکار و اعتراض برخیزد، از پیروان ما نیست و فردی که آنان را مورد نکوهش و اعتراض قرار دهد مانند کسی است که در رکاب رسول خدا با کفار می‌جنگد.

۲. مردی به امام صادق(ع) عرض کرد: در زمان ما گروهی به نام صوفی هستند. شما چه نظری دارید؟ فرمود: آنان دشمنان ما هستند و افرادی که به آنان تمایل نشان می‌دهند، از آنان به شمار می‌آیند و با آنان محشور می‌شوند... من از چنین افرادی بیزار هستم.

۳. امام هادی(ع) با عده‌ای در مسجد نشسته بودند. جماعتی از صوفیه داخل مسجد شده و حلقه‌وار نشستند و شروع به [گفتن] لاله الاالله نمودند. حضرت فرمود: به این فریب‌کاران توجه ننمایید که جانشینان شیطان و ویران‌گران پایه و ارکان دین می‌باشند و در دنباله همین روایت حضرت فرمودند: «والصوفیة کلهم مخالفونا و طریقتهم مغایرة لطریقتنا؛ تمام فرقه‌های صوفیه مخالف با ما هستند و راه و روش آنان با راه و روش ما مغایرت دارد.»

برای آگاهی بیشتر به کتبی که اشاره شد مراجعه نمایید. من برای شما و همه

فرزندان دینی خود دعا می‌کنم که در سایه رعایت تقوا بتوانیم از سرچشمه زلال شریعت محمدی سیراب گردیم. والسلام

محمدفاضل

۸۵/۶/۲۰

اظهار نظر غیرمتخصصان در باره اسلام

هنگامی که عده‌ای از افراد کم‌اطلاع، در باره احکام اسلام اظهار نظر کرده بودند، معظّم‌له در پایان درس خارج به آنها هشدار داد:

«به بعضی از مسئولان، مخصوصاً بعضی از نمایندگان مجلس، مخصوصاً بعضی از خواهران تذکر می‌دهم که خیال می‌کنند این قدر روشن فکر شده‌اند که بگویند: زن با مرد در جمیع مسائل یکسان است. آن وقت به دنبال این، یکی دیگر از احکام مسلم اسلام مانند دیه در قتل خطایی را می‌گویند که چرا بر عاقله است؟ چرا دیه مرد نصف دیه مرد است؟ این چراها به من و شما چه ربطی دارد که در مقابل خداوند و احکام اسلام می‌سؤال می‌کنید؟ ما شماها را نیاورده‌ایم تا بر ما به عنوان فلان قوه و فلان قوه حکومت کنید. ما چهارصد هزار شهید داده‌ایم برای احکام اسلام.

ما اسلام را می‌خواهیم نه نظریات فلان خواهر را. شما ای خواهر محترمه، چه پایگاه علمی دارید؟ پنجاه سال، شصت سال ماها که درس می‌خوانیم، هنوز از احکام اسلام چیزی نمی‌فهمیم؛ تو درس نخوانده می‌خواهی در باره احکام اسلام نظر بدهی؟ اگر این‌طور است، بگویند: بنده می‌خواهم فردا نماز صبح را چهار رکعت بخوانم. اگر اختیار دست من یا شما است، چهار رکعت که بهتر از دو رکعت است. چهار رکعت دو رکوع اضافه دارد؛ چهار تا سجده اضافه دارد. خضوع و خشوع اضافه دارد. دلم می‌خواهد نماز صبح را چهار رکعت بخوانم. مسئله من دلم می‌خواهد، نیست؛ مسئله اسلام است. تعبد از احکام اسلام است.

هر که باشی، هر چه باشی، در هر مسندی نشسته باشی، خواهر باشی یا برادر، معمم باشی یا غیر معمم، خواهش می‌کنم این روشن‌فکریها را کنار بگذارید و بشوید عین حضرت امام خمینی. امام به قدری در برابر احکام اسلام متعبد بود، مثل یک آدم عادی و معمولی. مثل اینکه هیچی بلد نیست. هر چه می‌گویند، می‌گویند: چشم. پس من و شما چکاره‌ایم که در

مورد احکام اسلام نظر بدهیم و دهن کجی کنیم و هی بگوییم: به عقیده ما، به عقیده من. مگر تو کی هستی؟ چه عقیده‌ای داری در مقابل اسلام و در مقابل خدا؟^۱

بیانیه‌ای ناتمام

در اواخر تدوین این کتاب، دست‌نویس پیامی ناتمام به خط آیت‌الله فاضل در بیت معظم‌له یافت شد و تصویر آن در اختیار نگارنده قرار گرفت. از آنجا که این پیام هنوز کامل نشده بود و پیش از مهر و امضا، معظم‌له از انتشار آن منصرف شد، از درج آن در ضمن پیامهای ایشان خودداری کردیم و تنها در اینجا می‌آوریم.

در ششمین دوره مجلس شورای اسلامی عده‌ای از نمایندگان، زمزمه خروج از حاکمیت را مطرح کردند. معظم‌له بنا داشت با این قضیه به شدت برخورد کند و این بیانیه را آماده انتشار ساخت؛ اما به عللی منتشر نشد. گویا یک علت، ناکامی پیشنهاددهندگان در دستیابی به اهدافشان بود:

بسمه تعالی

خروج از حاکمیت یعنی چه؟

این روزها زمزمه‌های ناموزون به گوش می‌خورد به عنوان خروج از حاکمیت. آیا مقصود عنوان‌کنندگان این است که مردم شهیدداده و زجرکشیده را از زیر چتر انقلاب اسلامی بیرون آورده و نعمت خدادادی حاکمیت تشیع را نادیده انگارند و در نتیجه راه را برای سلطه مجدد جهان‌خوار امریکای جنایت‌کار هموار سازند؟! در این صورت بدانند که:

اولاً؛ مردمی که صدها هزار شهید نثار این انقلاب کرده‌اند - چه شهدایی که در تظاهرات زمان طاغوت مقدمه انقلاب را فراهم کردند و چه شهدایی که پس از پیروزی انقلاب در جبهه‌های جنگ تحمیلی هشت ساله و یا به دست منافقین کوردل به شهادت رسیده‌اند - به شما اجازه این امر را نداده بلکه بر همان اعتقاد اولیه خود باقی بلکه با ملاحظه تهدیدات غیر منطقی و ادبیات غیر صحیح سلطه‌جویان، اعتقاد آنان راسخ‌تر و ارزش «استقلال آزادی، جمهوری اسلامی» برای آنان روشن‌تر شده.

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۶/۷/۱۲.

و ثانیاً؛ استکبار جهانی در قالب عناوین توخالی کشور را به وادی سقوط صدرصد خواهد کشاند و فساد واقعی را که اصلاح واقعی می‌نامند، ایجاد خواهند کرد. و ثالثاً؛ برای افرادی مانند شما که بویی از انقلاب به مشام آنها خورده، حیاتی باقی نخواهند گذاشت. ضمن اینکه معمّمی را دیگر باقی نمی‌گذارند. تاریخ اسلام نشان می‌دهد برخی از افرادی که در بدو پیدایش اسلام به حمایت از آن برخاستند، پس از رحلت بنیان‌گذار آن مخصوصاً زمان خلافت ظاهری امیرالمؤمنین - علیه السلام - به علت نرسیدن به مطامع و آرزوهای غیر مشروع خود به مخالفت برخاستند و رسماً با علی(ع) که جانشین واقعی رسول خدا و ملازم با حق بود، به جنگ اقدام نمودند. شما که در سر این داعیه را می‌پرورانید، خیال می‌کنید که موقعیت روحانیت متزلزل شده و مرجعیت معنای واقعی خود را از دست داده؛ در حالی که جریانات بسیار زیاد مخصوصاً راهپیمایی اخیر ضد امریکایی به وضوح خلاف این خیال را ثابت می‌کند.

انصاف می‌دهم در میان مسئولان رده پایین احیاناً افرادی یافت می‌شوند که یا به علت نداشتن اعتقاد واقعی صحیحی به اصل انقلاب و یا به علت عدم اهتمام به توصیه‌های مکرر حضرت امام در رابطه با رعایت مستضعفین و حل مشکلات مردم کوتاهی نموده و موجب سلب اعتقاد جمعی شده‌اند؛ لیکن: اولاً؛ تقصیر آنان ارتباطی به اصل انقلاب ندارد؛ همان‌طور که در دستگاه حکومت رسول خدا افرادی ناباب وجود داشتند. آیا می‌توان وجود آنها را خدای ناکرده دلیل بر عدم حقانیت اسلام قرار داد؟ و ثانیاً؛ پس از گذشت بیست و چند سال از انقلاب هنوز تمامی مشکلات مردم حل نشده و باید برای حل همه آنها تدریج و تدرّج را در نظر بگیریم...

حضور زنان در ورزشگاهها

حجت‌الاسلام محمدجواد فاضل می‌گوید:

«وقتی آقای احمدی‌نژاد - رئیس‌جمهور - به مسئول تربیت بدنی دستور داد تا ترتیبی دهد که زنها هم در ورزشگاهها حضور پیدا کنند، مرحوم والد فرمودند: این عمل باب

وسیع‌تری برای فساد خواهد شد که دیگر قابل کنترل و جبران نخواهد بود و البته در اطلاعیه خود نوشتند که ما مخالف ورزش بانوان نیستیم بلکه باید برای آنان محیط‌های ورزشی مخصوص ایجاد کرد. البته آقای احمدی‌نژاد شخص متدینی است و نمی‌خواست باب فساد باز شود و فکر می‌کرد این به مصلحت جوانان است؛ ولی مراجع وقتی دیدند آنها تعلل می‌کنند، حدود نه ماه از پذیرفتن ایشان و وزیرایشان خودداری کردند. بحث سیاسی یا جناحی مطرح نبود؛ چون همین مراجعی که وقتی آقای احمدی‌نژاد روی کار آمد و به قم مسافرت کرد، به او احترام گذاشتند و تبریک گفتند و آرزوی موفقیت او را در خدمت به کشور کردند. اما وقتی ایشان خواست مقداری مقاومت کند، بلافاصله این عکس‌العمل از سوی مراجع انجام گرفت تا سرانجام با وساطت‌های مختلف شخصیت‌ها و نمایندگان روحانی مجلس، با پذیرش مسئولان موافقت شد.^۱

آیت‌الله فاضل با همراهی مراجع دیگر اجازه ندادند این تصمیم دولت عملی شود. او پس از این ماجرا در نخستین و آخرین دیدار با رئیس‌جمهور در تاریخ ۱۳۸۵/۱۲/۱۸ خطاب به وی چنین فرمود:

«مملکت و کشور ما در بین تمام کشورهای جهان روی اصول اعتقادی و مذهبی بنا شده و از قدیم‌الایام در بین مردم همین‌طور بوده است و این ویژگی در هیچ‌کدام از کشورها وجود ندارد. مملکت ما بر پایه تشکیلی استوار است که هیچ نظیری ندارد و آن اینکه مردم نسبت به اعتقادات و استوانه‌های دینی از پیامبر(ص) و ائمه طاهریین(ع) تا برسد به روحانیت و مرجعیت بسیار حساسیت دارند. شما می‌دانید مرحوم میرزای شیرازی - صاحب فتوای تنباکو - با صدور فتوا چه تأثیری حتی در اندرونی ناصرالدین شاه گذاشت و امروزه هم مردم بحمدالله چنین هستند.

باید این حرف را توجه کنید و این نظام و اساس در بین مردم را حفظ کنید. حفظ اعتقادات مردم نه تنها از جنبه اعتقادی لازم است بلکه از جهت مملکت‌داری بسیار ضرورت دارد.

۱. ر.ک: جمهوری اسلامی، ۱۳۸۶/۵/۳، ویژه‌نامه اسوه فقاقت و مرجعیت، ص ۷.

برای حفظ تشییح و اسلام، باید این امور که در میان مردم از قداست مهم برخوردار است، حفظ شود. شما هیچ مملکتی را سراغ ندارید که از چنین نعمتی که مردم دارای اعتقادات راسخ، و کشوری که دارای رهبر و مراجع متعدد است، برخوردار باشند. این نکته مهمی است.

عده‌ای به دنبال تضعیف روحانیت و اسلام هستند و به دنبال آن هستند که این تشکیلی که بسیار راسخ است و در بین مردم ریشه دارد و مردم اعتقادات خود را از آنان می‌گیرند، تضعیف نمایند که البته هرگز نتوانسته و نخواهند توانست؛ اما مسئولان باید بدانند که اگر این امر به هم بخورد، همه چیز به هم خواهد خورد. ویژگی منحصر به فرد ملت ایران اعتقادات راسخ است که در کمتر کشوری در دنیا وجود دارد.

انقلاب اسلامی که معمار اصلی آن امام خمینی است و ایشان مردم را هدایت به سوی این حکومت اسلامی فرمود و مدیریتها در هر زمان باید در همین چهارچوب باشد و الا مشکلات فراوانی خواهیم داشت.

باید آن اصول اولیّه مستقر در ذهن مردم شیعه، محفوظ بماند و امام خمینی بر این امور بسیار تأکید داشتند و سرّ اینکه در قانون اساسی ما مجلس خبرگان قرار داده شده، از این جهت است که اساس همه امور باید به افراد مجتهد و صاحب نظر برگردد و این امر، هم امری است دینی و هم عقلایی و مردمی.

با توجه به اینکه همه ما و شما علاقه‌مند به حفظ انقلاب هستیم، چنانچه مشخص شود مسئولی بر این اصول حرکت نمی‌کند، از نظر همه ما مورد تنفر است و مدیریت کشور باید به چنین حساسیتهایی توجه کند و این اعتقادات و چهارچوب حکومت را حفظ کند.^۱

گزیده استفتائات

در مدت مرجعیت معظّم‌له، میلیونها استفتا از ایشان صورت گرفت که قسمت عمده‌ای از آنها را بخش استفتائات دفتر جواب داد. آن قسم از سوالات و پاسخهای معظّم‌له که

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۱۲/۲۰.

جنبه عمومی داشتند و بیشتر مورد ابتلا بودند، گزیش شد و در کتاب جامع المسائل گرد آمد. کتاب حاوی بسیاری از مسائل نو است و در کمتر کتاب فتوایی به چشم می‌خورند. برخی فتواهای معظّم‌له آثار اجتماعی فراوان به دنبال داشت. پیشتر گذشت که دولت جمهوری اسلامی در برهه‌ای، خواست در مورد حکم تاریخی امام خمینی در قتل سلمان رشدی عقب‌نشینی کند؛ اما ایشان کتباً بر لزوم اجرای فرمان حضرت امام تأکید کرد و نگذاشت تصمیم دولت عملی شود. و نیز هنگامی که تربیت بدنی خواست ترتیبی اتخاذ کند که زنان با حضور در ورزشگاهها بتوانند به تماشای ورزش مردان بنشینند، فتوای ایشان در تاریخ ۸۵/۲/۵ و نیز همراهی مراجع دیگر، نگذاشت چنین تصمیمی پا بگیرد.^۱ به طور کلی در فتواهای ایشان توجه به مسائل مهم اجتماعی و سیاسی مانند مسائل مربوط به فلسطین و اسرائیل فراوان دیده می‌شود و انعکاس آنها در مطبوعات، آثار فراوان در پی داشت.

در اینجا به ذکر نمونه‌هایی از استفتائات بسنده می‌کنیم.

برگزاری مراسم عروسی در مساجد

یکی از مسئولان رسیدگی به امور مساجد، از طریق سیمای جمهوری اسلامی در مصاحبه‌ای اعلام کرد: مساجد فقط پایگاه عزاداری و گریه نیست، بلکه باید شادی هم در آن باشد و مساجد را در اختیار مردم برای مراسم عروسی می‌گذاریم. این سخن، نگرانیهای فراوان برای علما و مؤمنان پدید آورد که با استفتای زیر، این حرکت در همان نقطه آغاز خاموش شد.

سؤال: اخیراً توسط یکی از مراکز مرتبط با مساجد تهران پیشنهاد برگزاری و مجالس جشن عروسی در این اماکن مقدسه به مردم شده است. مستدعی است نظر مبارک را اعلام فرمایید.

جواب: شکی نیست در اینکه امر ازدواج از مستحبات و سنن اکیده است و قرآن و روایات متکثره تحریر و ترغیب بر آن نموده‌اند و لازم است مسئولان محترم نظام هرچه

۱. جهت آگاهی بیشتر به قسمت‌های مربوط به مرجعیت (موضع‌گیریها) و پیامها مراجعه شود.

بیشتر سعی نمایند تا برگزاری این امر آسان گردد؛ لیکن باید توجه داشت که آنچه موجب وهن و هتک مساجد است، ارتکاب آن حرام است. بنابراین انشاء عقد ازدواج و اجرای صیغه عقد در مساجد بلامانع بلکه رجحان دارد و اما انجام مراسم جشن عروسی به نحوی که امروزه متعارف است، به هیچ وجه در این اماکن مقدسه جایز نیست. والله العالم.

شرکتهای هرمی

سؤال: مدتی است شرکتی خارجی به نام گلدکوئیست، از طریق اینترنت اقدام به فروش طلا، نقره، ساعت و... می‌نماید و به خریدارانی که مشتری جدید به این شرکت معرفی کنند، مبلغی به عنوان پورسانت پرداخت می‌نماید. البته شرح فعالیت این مؤسسه بسیار مفصل و طولانی است به شکلی که در این چند سطر نمی‌گنجد؛ ولی مطمئناً حضرت‌عالی از طرق مختلف از آن آگاهی پیدا نموده‌اید. لطفاً بفرمایید سرمایه‌گذاری و قرار گرفتن در چرخه مالی این شرکت چه حکمی دارد؟

جواب: در مورد شرکت گلدکوئیست و نظایر آن که اخیراً سؤالات مکرری از این دفتر شده و کثرت سؤالات دلیل بر فعالیت گسترده این شرکتها از نظر کمی و کیفی است، اعلام می‌نماییم که ارتباط با این شرکتها هم به عنوان اولی حرام است و هم به عنوان ثانوی. اما عنوان اولی، برای اینکه از مصادیق اکل مال به باطل است که مورد نهی صریح در قرآن واقع شده و تحصیل پول از این طریق، تمام مفاسد اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی قمار را دارد.

اما عنوان ثانوی، برای اینکه راهی اختراع کرده‌اند تا ضمن سود سرشار و هنگفت، کشورهای دیگر مخصوصاً مسلمانان را از نظر اقتصادی مورد تضعیف قرار دهند و ارزشهای آنان را از کشورشان بیرون ببرند و افراد فعال را از فعالیتهایی که موجب ارتقا و رشد کشورشان است، بازدارند و این عنوان ثانوی از نظر اهمیت بالاتر از عنوان اولی است؛ لذا توالی فاسد این‌گونه معاملات که بر هیچ فرد منصفی پوشیده نیست، مؤکد حرمت آن می‌باشد و پولی که از این راه به دست می‌آید، در صورتی که صاحبان آن معلوم نباشد، باید تماماً به فقرا صدقه داده شود.

امید است که ملت شریف و مسلمان مخصوصاً جوانان عزیز، هشیاری و آگاهی بیشتری یافته و از دامهای گسترده شیطانی اجتناب نمایند.

فلسطین

سؤال: ... مسائل زیر مورد ابتلای ملتهای کشورهای اسلامی است که از آن مقام مرجعیت بزرگ اسلامی استفتا می‌نماییم:

۱. حکم شرعی و اسلامی در باره اشغال فلسطین و اشغالگران صهیونیستی چیست؟
 ۲. حکم شرعی درباره روابط تجاری اقتصادی سیاسی و ... کشورهای اسلامی با رژیم اشغالگر فلسطین چگونه است؟
 ۳. عملیات استشهادی برای آزادی فلسطین و قدس شریف توسط جوانان مسلمان فلسطینی انجام می‌شود. آیا عملیات استشهادی برای تحقق این هدف مقدس از نظر شرع مقدس کتاب و سنت و سیره شرعیه چه صورتی دارد؟
 ۴. آیا مسلمانان در کشورهای اسلامی در حفظ هویت فرهنگی و اسلامی فلسطین و بیت‌المقدس مسئولیت شرعی دارند یا خیر؟
 ۵. آیا آزادسازی قدس شریف به عنوان یک مسئولیت و وظیفه اسلامی و واجب شرعی به عهده مسلمانان می‌باشد؟ در صورتی که آزادی قدس شریف بر ملتهای اسلامی فریضه است، حدود و ثغور آن چیست؟ بذل مال و جان و ...؟
- خواهشمند است نظر و حکم شرع مقدس را در صورت امکان مشروحاً بیان فرمایید.
- ج ۱: اشغال فلسطین توسط رژیم غاصب اسرائیل از ابتدا با هدف مقابله با اصل اسلام و تمامی مسلمین بوده است و در شرایط کنونی هیچ دشمنی برای اسلام شدیدتر از اسرائیل نیست و روشن است که بر همه مسلمانان لازم است در مقابل این امر از خود عکس‌العملی نشان دهند.
- ج ۲: هرگونه امر اقتصادی و تجاری که در مورد این رژیم باشد، حرام مسلم است.
- ج ۳: در شرایط فعلی که مردم مظلوم فلسطین برای دفاع از خود و کشور خود به ناچار از این طریق استفاده می‌نمایند، چنانچه با نظر صریح مسئولان دل‌سوز و با رعایت همه شرایط باشد، اشکالی ندارد. دنیا باید بداند مردم عزیز و مجاهدین فلسطین برای مقابله با

این رژیم غاصب و رساندن فریاد مظلومیت خویش به گوش همهٔ جهانیان از این راه استفاده می‌نمایند.

ج ۴ و ۵: همهٔ مسلمانان نسبت به حفظ قدس و بیت المقدس که قبلهٔ اولیةٔ مسلمانان است و نیز نسبت به سرزمین اسلامی فلسطین وظیفهٔ شرعی دارند و واجب است با تمام تلاش و امکانات در جهت آزادی قدس کوشش نمایند. ان شاء الله

سؤال: سلام بر شما و بر همهٔ برادران مجاهدان در قم. می‌دانید در دفاع از اسلام در فلسطین اشغالی و سرزمینهای اشغالی لبنان، در دفاع از اسلام و کشورهای اسلامی و برای آزادسازی سرزمینهای اشغالی‌اشان و جلوگیری از تجاوزات رژیم صهیونیستی غاصب علیه اسلام و سیادت مسلمانان و بویژه مظلومین لبنان و فلسطین چاره‌ای جز جهاد و مقاومت و جان‌فشانی وجود ندارند. این امر در بسیاری اوقات نیازمند اقدام به عملیات شهادت‌طلبانه علیه متجاوزین صهیونیستی می‌باشد؛ چراکه فرزندان مجاهد اسلام در جهاد بر ضد این صهیونیستهایی که سرزمینهای اسلامی را اشغال کرده و در میان مسلمانان اعم از زنان و مردان و کودکان و جوانان، دست به کشتار می‌زنند و آنان را در زندانها شکنجه می‌کنند و به نوامیس اسلامی آنان تجاوز می‌کنند، وقتی مشاهده می‌کنند راهی جز اقدام به عملیات شهادت‌طلبانه برای آنان نمانده است، اقدام به آن می‌کنند و این نیز قطعاً منجر به شهادت آنان می‌شود.

لذا از محضر حضرت عالی خواهش می‌کنیم که نظر شریفتان را اعلام کنید و حکم شرعی و اسلامی این مسئله را برای ما بیان فرمایید تا حجتی باشد برای برخی افراد که با اسلام و دفاع اسلامی آشنایی ندارند یا تجاهر می‌کنند. با سپاس‌گزاری از حضرت عالی. سلام بر شما و بر همهٔ مجاهدین.

جمعی از فرزندان اسلام

جواب: تجاوزات صهیونیستهای غاصب و دشمن کیان اسلام و مسلمین به خصوص عملیات اخیر در جنوب لبنان و سایر مناطق آن، از اهداف و انگیزه‌های توسعه‌طلبانهٔ آنان بر اراضی اسلامی از نیل تا فرات، پرده برمی‌دارد. بر فرزندان اسلام در فلسطین اشغالی و سرزمینهای لبنان بلکه بر همهٔ فرزندان اسلام، جهاد و مقاومت و آمادگی در مقابل آنان به

هر نحوی که می‌توانند، واجب است و حد و مرزی ندارد.

قبل از آن بر حکومت‌های اسلامی واجب است چنانچه بر آنان لازم است که در برابر این جنایات که تاریخ از آن شرم می‌کند و هر انسانی که بر فطرت انسانی باشد، از آن بیزار است، حتی اگر به هیچ دین و شریعتی از شرایع الهی پای‌بند نباشد. آیا نمی‌بینند که این سکوت به ذلت و سقوط و محو عظمت و شوکت آنان منجر می‌شود و عجیب‌تر آنکه بعضی از آنان با اعمال اسرائیل موافقت کرده و در برابر فرزندان اسلام در فلسطین و لبنان تأیید می‌کنند؟ خداوند هدایتشان کند و از خواب غفلت و درد جهل و نادانی بیدارشان نماید تا بفهمند امروز بر سرزمین‌های اشغالی و فرزندان آن از جانب اسرائیل غاصب و با ادامه این وضع در آینده بر اسلام و مسلمین چه خواهد گذشت. خداوند ما را به انجام وظایف سنگین خود موفق بدارد.

عزاداری حضرت سیدالشهدا(ع)

سؤال: آیا قمه‌زنی جایز است؟ چنانچه در این مورد نذری وجود داشته باشد، وظیفه چیست؟
جواب: با توجه به گرایشی که نسبت به اسلام و تشیع بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در اکثر نقاط جهان پیدا شده و ایران اسلامی به عنوان ام‌القرای جهان اسلام شناخته می‌شود و اعمال و رفتار ملت ایران به عنوان الگو و بیانگر اسلام مطرح است، لازم است در مورد مسائل سوگواری و عزاداری سالار شهیدان حضرت ابی‌عبدالله الحسین(ع) به گونه‌ای عمل شود که موجب گرایش بیشتر و علاقه‌مندی شدیدتر به آن حضرت و هدف مقدس وی گردد.

پیداست در این شرایط مسئله قمه زدن نه تنها چنین نقشی ندارد بلکه به علت عدم قابلیت پذیرش و نداشتن هیچ‌گونه توجیهی، نتیجه سوء بر آن مترتب خواهد شد. لذا لازم است شیعیان علاقه‌مند به مکتب امام حسین(ع) از آن خودداری نمایند و چنانچه در این مورد نذری وجود داشته باشد، نذر واجد شرایط صحت و انعقاد نیست.

سؤال: چند سالی است که استفاده از ابزار موسیقی به شیوه رقابت در برخی هیئت‌های عزاداری مرسوم شده. حکمش چیست؟

جواب: استفاده از ابزار و آلات موسیقی که مختص به مجالس لهو و لعب است در هر شرایطی که باشد، جایز نیست.

سؤال: آیا سینه و زنجیر زدن در عزاداری که منجر به کبود و حتی جاری شدن خون می‌شود، جایز است؟

جواب: جایز بلکه راجح است؛ مشروط بر اینکه موجب ضرر مهم و اضرار بر نفس نباشد. سؤال: آیا تشبیه به اهل بیت(ع) در نمایش و تعزیه و غیر آن جایز است؟

جواب: در صورتی که عرفاً هتک و اهانت به آن بزرگواران محسوب نشود، مانعی ندارد. سؤال: آیا استفاده از طبل و دهل در عزاداریها جایز است؟

جواب: اگر به نحوی نواخته شود که مناسب مجالس لهو و لعب و خوش گذرانی باشد یا وهن ائمه اطهار - علیهم السلام - تلقی شود، حرام است و الا مانعی ندارد.

سؤال: نظر شریف خود را در نحوه برگزاری مراسم مربوط به معصومین(ع) و مجالس مذهبی مرقوم فرمایید.

جواب: به طور کلی در مراسم مربوط به معصومین - علیهم السلام - و مجالس مذهبی امور ذیل باید مراعات شود:

از هر نوع عملی که عرفاً هتک حرمت شمرده می‌شود، مثل کف زدن و سوت زدن و به کار بردن الفاظ و عبارات رکیک و امثال آن، باید اجتناب شود.

از هر نوع عملی که جنبه توجه‌پذیری ندارد و مورد سوء استفاده مغرضان و موجب وهن مذهب می‌شود، باید اجتناب شود.

از به کار بردن عبارات و جملاتی که بوی شرک و کفر می‌دهد، باید اجتناب شود. از هر نوع کاری که موجب ضرر شدید به بدن یا ناقص شدن آن می‌شود، باید اجتناب شود. این‌گونه مراسم باید به دور از ریا و خودنمایی و هرگونه اغراض دنیوی به طور سنتی و معمول انجام شود تا ان شاء الله مقبول درگاه الهی قرار گیرد.

سؤال: پخش صدای سخنرانی، روضه‌خوانی، مداحی و عزاداری از بلندگوهای مسجد و حسینیه و تکایا با توجه به عدم رضایت همسایگان، چه حکمی دارد؟

جواب: اگر موجب اذیت و آزار همسایگان شود، جایز نیست.

آباد کردن قبر

سؤال: آیا ساختن مقبره یا حجله بر روی قبر یا نرده کشیدن اطراف آن در قبرستانهای عمومی جایز است؟

جواب: این گونه کارها نسبت به افراد عادی لغو است و رجحان شرعی ندارد. به علاوه در قبرستانی که وقف دفن عموم شده است، هرگونه تصرفی که مانع دفن اموات بشود، جایز نیست و برخلاف وقف است و فایده‌ای هم برای میّت ندارد. بهتر است آنچه صرف این قبیل کارها می‌شود، به نیت صرف خیرات و صدقات شود که برای او نفعی داشته باشد.^۱

حجاب

سؤال: اخیراً توطئه عظیمی در غرب جهت مبارزه با دین و مذهب خصوصاً دین مبین اسلام آغاز شده که پیشگام در این امر دولت و مجلس فرانسه می‌باشد. اینان به بهانه مبارزه با افراط‌گرایی مذهبی کلیه مظاهر مذهبی از جمله حجاب را که از ضروریات اسلام است، مورد هجمه قرار داده و با طرح ممنوعیت حجاب در مدارس به دنبال دین‌زدایی می‌باشند. در چنین شرایطی وظیفه مسلمانان مقیم چیست و خواهران مسلمان چه وظیفه‌ای دارند؟

جواب: رعایت احکام اسلامی و مراقبت مظاهر دینی از اموری است که هیچ تردیدی در لزوم آن نیست؛ علاوه بر آنکه حجاب از ضروریات دین است و خواهران محترم مکلف به رعایت آن در هرشرایطی هستند. بر عموم مسلمانان نیز لازم است نسبت به اجرای دستورات شرعیه مراقبت نمایند و چنانچه گروه یا دولتی در صدد تضعیف آن بر آید، بر همه مخالفت با آن واجب است و از دولتهای اسلامی خصوصاً دولت محترم جمهوری اسلامی انتظار می‌رود از کیان مسلمین در همه نقاط دفاع نمایند و نسبت به این امر بی‌تفاوت نباشند.

۱. حجت‌الاسلام محسن قرائتی می‌گوید: نزد آیت‌الله فاضل بودم که شخصی به عنوان نظرخواهی به ایشان گفت: با صرف میلیونها تومان می‌خواهم برای خود و همسرم در حرم امام رضا(ع) یا حضرت معصومه(س) یا جای مهم دیگر قبر بخرم. آیت‌الله فاضل به او فرمود: پول قبر را به فقرا بده. در حالی که این همه گرسنه هست، وقت این حرفها نیست.

اروپا و دولتهای غربی که خود را به ظاهر مهد تمدن و آزادی و دموکراسی می‌داند و امروزه خود را متولی حقوق بشر ساخته، چگونه در برابر این حق مسلم عقلائی که هر انسانی می‌تواند ملتزم به دستورات دین خود باشد، ایستاده؟ و چرا به قهقرا رفته و مبارزه با دین را که مکرراً شکست خورده است، مجدداً آغاز نموده؟ اینان بدانند هرگز در این امر موفق نخواهند شد و بر مسلمانان و گروههای مذهبی لازم است از هر طریق ممکن از عزت و حیثیت و شرافت دینی خود و احکام و حدود الهی پاسداری نمایند و بدانند که: «إن تنصروا الله ینصرکم ویثبت أقدامکم»

مصافحه با نامحرم

معظم‌له در دهه پایانی حیات، از برخی فتاوی ناسازگار با مبانی مسلم فقهی، به شدت نگران بود و این نگرانی در جواب استفتائات و برخی کتب فقهی، استدلالی ایشان آشکار است. یکی از آنها جواز مصافحه با زن نامحرم در کشورهای کفر بود که برخورد شدید ایشان را در پی داشت.

سؤال: خواهشمند است جهت روشن شدن اذهان عمومی نظر مبارک را در مورد سؤالات زیر مرقوم فرمایید:

۱. زن مسلمانی که به فروع اسلام معتقد است؛ ولی در محیطی رشد کرده که اگر مرد نامحرم هنگام صحبت کردن و ملاقات با وی مصافحه نکند، آن را موجب وهن به خود می‌داند. آیا در این صورت مصافحه با وی جایز است یا نه؟

۲. مصافحه با زنی که به حجاب اعتقاد ندارد چه حکمی دارد؟

۳. اقدام به این عمل در ملاء عام چه حکمی دارد؟

جواب: مصافحه اجنبی با اجنبیه و بالعکس حرام بین است و این مطلب از مسلمات فقه اسلام است و در ملاء عام حرمت شدیدتر دارد و نیز فرقی نمی‌کند که زن معتقد به حجاب باشد یا نباشد. مسئله وهن در فرضی است که عمل ناشی از التزام به احکام دینی نباشد و به مجرد توهّم وهن، حرام حلال نمی‌شود.

خداوند همه را از فتنه‌هایی که موجب تعطیل یا تزلزل بذل احکام و مقررات الهی

می‌شود، حفظ فرماید. بحرمة محمد وآله الطاهرين صلوات الله عليهم أجمعين.

خانواده

سؤال: آیا شوهر می‌تواند از درس خواندن یا کار کردن همسر خود که کارمند است، جلوگیری کند؟ اجازه ندادن شوهر برای خروج زن از منزل در این مورد چه حکمی دارد؟
جواب: زوج می‌تواند زوجه خود را از خروج از منزل منع کند؛ مگر اینکه در ضمن عقد ازدواج شرط عدم منع کرده باشد.

سؤال: اگر با آزمایشات پزشکی معلوم شود جنین در شکم مادر از نظر جسمی یا عقلی نقص مهمی دارد، آیا سقط جنین جایز است؟

جواب: نقص جنین مجوز سقط آن نمی‌شود؛ خصوصاً بعد از ولوج روح. بلی، چنانچه قبل از آنکه در او روح دمیده شود، معلوم شود و یقین کنند که جنین ناقص است و نقص او به حدی است که اگر بماند و به همان نحو متولد شود، نگهداری او موجب عسر و حرج شدید و غیرقابل تحمل برای والدین خصوصاً مادر او شود، در چنین صورتی ظاهراً خود مادر می‌تواند آن را سقط کند؛ ولی دیه آن را طبق همان مسئله به پدر جنین بدهد یا اینکه پدر جنین، وی را حلال و بریء الذمه کند.

گناهان کبیره

سؤال: لطفاً بفرمایید منظور از گناه کبیره چیست و گناهان کبیره کدامند؟
جواب: گناه کبیره، گناه و معصیتی است که خداوند متعال صریحاً یا ضمناً به مرتکب آن وعده جهنم داده است و از ادله چنین استفاده می‌شود که برخی از آنها مطلقاً و خود به خود کبیره بلکه از اکبر کبائر هستند و برخی نسبت به مادون خود کبیره هستند. برخی از آنها را همراه با آیه مربوط از قرآن کریم یادآور می‌شویم؛^۱ امید است مؤمنین از تمام گناهان بپرهیزند:

۱. این سؤال و جواب همراه آیات و ترجمه، در کتاب جامع المسائل، ج ۲، ص ۱۲۵ - ۱۳۳ آمده است. جهت رعایت اختصار، از ذکر آیات خودداری کردیم.

شرک به خداوند سبحان، کشتن کسی که قتل او حرام است، عقوق والدین، فرار از جهاد، خوردن مال یتیم، رباخواری، نسبت زنا به زنان عقیقه، زنا، قطع رحم، ظلم، اظلال و گمراه نمودن بندگان خدا از راه خدا، کذب بر خدا، تکبر، اسراف، تبذیر، تکیه کردن بر ظالمین، یأس و ناامیدی از رحمت خداوند متعال، کمفروشی و کم دادن در معامله، ایمن بودن از غضب الهی، دزدی، سحر، اشتغال به غنا و لهو و لعب و ملامهی مثل تار و دف و موسیقی مناسب مجالس لهو و لعب، یمین غموس یعنی خبر دروغ دادن و برای اثبات یا تأکید آن به خدا سوگند یاد کردن با علم به کذب و دروغ بودن آن.

مرکز فقهی ائمه اطهار(ع)

پیروزی انقلاب اسلامی، فزونی محصلان علوم دینی، گسترش امکانات حوزه، رونق چاپ کتاب، بهره‌مندی از رایانه و... زمینه‌ای جدید فراهم آوردند تا در سایه آن بتوان پیشرفت جدی در فقه پدید آورد و بسیاری از ابهامات در این دانش را زدود و دیدگاه‌هایی جدید و محکم‌تر را مطرح ساخت. نظر به اهمیت این امر، مرکز فقهی ائمه اطهار(ع) به دستور حضرت آیت‌الله العظمی فاضل و زیر نظر معظم‌له در ایران و چند کشور دیگر تأسیس شد. اکنون که سالیانی از تأسیس این نهاد فرهنگی می‌گذرد، آثار و برکات فراوان آن به بار نشسته است. این مرکز علاوه بر قم، در مشهد، کابل، مسکو و دمشق نیز شعبه دارد و فعالیت‌های آنها براساس ظرفیت و نیازهای آن مناطق می‌باشد. بنا بود شعبه‌های آن در چند کشور دیگر نیز تأسیس شود؛ اما متأسفانه رحلت ایشان اجازه چنین اقدامی را نداد.

تأسیس و راه‌اندازی مرکز فقهی ائمه اطهار(ع) از ابتکارات مهم و نقطه عطف در دوران مرجعیت آیت‌الله فاضل است که در آینده، ثمرات آن بیش از پیش به منصف ظهور خواهد رسید. هدف اولی و اصلی این مرکز، پرورش مجتهدانی عالی‌مقام و تحقیق و تدوین کتابهای فقهی ارزشمند زیر نظر استادان برجسته است. این هدف اساسی بیشتر در شعبه‌های قم و مشهد مد نظر است و در کشورهای دیگر اهدافی چون تربیت طلاب بافضل و فعالیت‌های فرهنگی جهت نشر فرهنگ اهل بیت(ع) دنبال می‌شود.

امیدواریم نه تنها شاهد ادامه حیات و برکات این مراکز علمی باشیم، بلکه فعالیت آنها به دیگر شهرها و کشورها نیز گسترش یابد. این مراکز تاکنون از طریق وجوه شرعی اداره می‌شده و در ادامه نیز بودجه آنها از همین طریق تأمین خواهد شد. براساس اساس‌نامه، اگر این مراکز نتوانند به فعالیت ادامه دهند، زیر نظر وصی ایشان همه آنها فروخته می‌شوند

و صرف شهریه حوزه‌های علمیه خواهد شد. هنگام ثبت مرکز فقهی ائمه اطهار(ع) عنوان «مرکز فقهی آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی» پیشنهاد شد؛ اما معظّم‌له نپذیرفت و عنوان «ائمه اطهار» را ترجیح داد و اجازه نداد نام ایشان را بر آن بنهند.

شعبه قم

تأسیس این شعبه به سال ۱۳۷۶ش باز می‌گردد. اکنون پس از گذشت ده سال، آثار و برکات فراوان آن به بار نشست است. این مرکز فعالیت خود را در هفت بخش سامان داده است که به اختصار به معرفی بخشهای مختلف می‌پردازیم:

یک - آموزش

آموزش از مهم‌ترین بخشهای مرکز فقهی ائمه اطهار(ع) است که دو مقطع سطوح عالی و دروس خارج حوزه را در بر می‌گیرد: مقطع اول: طلاب در این مقطع، از مزیت دروس آزاد حوزه در سطح دو و سه برخوردار می‌شوند. پرورش این طلاب را مرکز گروههای علمی به عهده دارد که توضیح بیشتر هنگام معرفی آن مرکز می‌آید. مقطع دوم: از میان دانش‌آموختگان شایسته در کلاسهای مقطع اول و نیز فضایی دیگر که چندین سال درس خارج را در حوزه گذرانده‌اند یا آمادگی لازم را برای شرکت فعال در دروس خارج دارند، پذیرش می‌شوند. پذیرفته‌شدگان - از طریق آزمون کتبی و مصاحبه - به عنوان دانش‌پژوه برای یک دوره هفت ساله به گروههای متعدد تقسیم می‌شوند. در هر گروه به طور متوسط پنج نفر شرکت دارند.

در این کلاسها هردو شیوه آموزش و پژوهش به کار گرفته می‌شود؛ به این صورت که استادان، طرح کلی بحث را مطرح می‌سازند و دانش‌پژوهان ضمن القاء مطالب در محضر استاد و سایرین، موظف به تحقیق و پژوهش در زمینه آن موضوع و ارائه بحث زیر نظر استاد می‌باشند و با هدایت اساتید، مطالب جمع‌بندی شده، به نتیجه می‌رسد. در پایان

دانش‌پژوهان جزوات درسی خود را طبق چهارچوبهای مصوب تدوین می‌کنند. مراتب بالندگی علمی و فقهی دانش‌پژوهان با شرکت در این کلاسها با این شیوه نوین و همچنین ارائه مقالات و تحقیقات علمی که هر ساله به موازات کلاسهای حضوری در تعطیلات تابستان صورت می‌گیرد، به ظهور می‌رسد و آنان برای تدوین رساله‌های علمی خود به عنوان پایان‌نامه آماده می‌شوند.

دستاورد این تلاشها، دهها مقاله و رساله ارزشمند علمی و فقهی بوده است که به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌شود:

- | | |
|---|---|
| - حضانت، | - أحكام الإضاض في أحكام الإجهاض، |
| - حجیت بنای عقلا و تفاوت آن با حجیت سیره متشرعه، | - الأحكام الفقهية للمخدرات، |
| - بررسی صحیحۀ علی بن مهزیار در باب خمس و غنائم، | - الارتداد في الإسلام، |
| - بررسی نظریۀ پلورالیسم فقهی در آیینۀ اختلاف آرای فقها، | - عیوب موجب فسخ نکاح، |
| - پیرامون قاعدۀ ضمان الیبد، | - احکام حکومتی، |
| - اصالة اللزوم في العقود والإيقاعات، | - حیل فرار از ربا، |
| - الجمع بین الصلاتین، | - علم قاضی از دیدگاه قرآن، |
| - المثلي والقيمي بين المفهوم والمصدق، | - عدۀ طلاق در زنان فاقد عادت ماهانه، |
| - بررسی اخبار تحلیل خمس، | - اجاره به شرط قرض، |
| - اعلمیت در ترازوی نقد، | - ماهیت غنا ومستثنیات آن، |
| - مسئولیت پزشک، | - حرمت اعانت بر اثم، |
| - الصحیفة الناطقة في جواز الإجارة ومضاربة النقود الراتجة، | - نسبت قاعدۀ لاضرر با ادلۀ احکام اولیہ، |
| - شرطیة منی في صحة الذبح، | - حجیت شهرت فتوائیه، |
| - ورزش در اسلام، | - بررسی حل اختلاف آغاز ماههای قمری، |
| - بررسی فقهی عقد مکره، | - تقیۀ مداراتی و حد آن، |
| | - علل پیدایش نظریۀ ولایت فقیه در قرن ۱۳ هجری، |
| | - مکان ذبح در منا، |
| | - اختیارات ولی قهری، |

- جبران کاهش ارزش پول،
- دراسة في فقه الإقالة،
- نگاه و حدود الهی،
- بررسی نقش جهت صدوری حدیث در استنباط احکام،
- ارتباط انسان با عالم ما وراء طبیعت،
- مشروعیت پیوند عضو کافر به مسلمان،
- أخذ الأجرة على الواجبات والمستحبات،
- رسالة في نجاسة الخمر،
- التقصير والإتمام في الأماكن الأربعة،
- بررسی فقهی زکات پولهای رایج،
- بنای عقلا و قلمرو فقهی آن،
- معامله به قصد اضرار طلبکاران،
- رابطه قدرت فکری و بلوغ،
- مرجحات باب تزاحم،
- بررسی حکم فقهی تقلید ابتدایی از میت،
- الأصل الأولی في تعارض الأصلین أو الخبرین،
- بررسی قاعدة قبح عقاب بلا بیان،
- تأملی بر مفطرت غبار غلیظ،
- نجات الشریعة بقاعدة الاشتراک،
- الإجارة،
- مسئولیت تولید و عرضه کالا،
- کارتهای اعتباری،
- حجیة الوصایا المبهمة،
- مثلی و قیمی از مفهوم و مصداق،
- صحت یا بطلان عقد نکاح در صورت عدم قدرت پرداخت مهر تا پایان عمر،
- ارزش اقتصادی فعالیت زن در منزل شوهر،
- بررسی فقهی برد و باخت در مسابقات،
- سهل بن زیاد در آیینة رجال،
- بررسی موارد وجوب ارشاد جاهل،
- اجماع منقول از منظر شیخ انصاری در رسائل و مکاسب،
- شرعية الحكم والانتخاب،
- اعتصام الکفر من المضاف،
- نگاه به چهره و دستان نامحرم،
- ملاک قاعدة أصولی،
- تغییر جنسیت و آثار فقهی و حقوقی آن،
- حکم التشبه بالكفار،
- ولایت عدول مؤمنین،
- تبدل رأی مجتهد،
- دلالة آية الطعام على طهارة أهل الكتاب،
- نقش مثلی بودن اسکناس در تحقق ربا،
- پاسخ به اشکال قصر نماز در کیفیت نه در کمیت،
- رسالة البيان في حکم شرب الدخان،
- في أن إزالة عين النجاسة مطهر أم لا؟،
- بررسی فقهی شرط ذکوریت در تقلید،
- بررسی ادلة طهارت و نجاست اهل کتاب،
- حجاب زنان اهل کتاب در جامعه اسلامی،
- پاسخ به شبهة عدم نیاز به تقلید در عصر حاضر،
- طهارت اهل کتاب در قرآن،
- نظرية الإمام الخميني في الخطابات القانونية،

- جریمة دیرکرد در قالب وجه الالتزام،
- ماهیت شیربها،
- حکم نماز مسافر در سفرهای زمان حاضر،
- الجمع بین حکم الواقعی والظاهری،
- حکم فاضلاب تصفیه شده،
- پیوند اعضا،
- زن و مرجعیت،
- بررسی موارد انفساخ اجاره،
- ربا در اسکناس،
- سرایة النجاسة بالملاقاة،
- شریعت و قضاوت بانوان،
- اشتراط الضمان فی العین المستأجرة،
- اجتهاد شورایی،
- الدرر المکنونة فی بعض أحكام إرث الزوجة،
- سهم السادة فی عصر الغیبة،
- محدودیت وصیت به ثلث،
- ناسازگاری نجاست اهل کتاب با ضرورت
- طهارت ذاتی فرزندان کفار،
- تعامل با ادیان و مذاهب،
- نجاسة أولاد الکفار،
- الأثر السائر فی قرائة جدیدة من صلاة المسافر،
- بررسی طهارت و نجاست متحلین به اسلام،
- حکم شبیه سازی،
- العرف و دوره فی الأحكام الشرعیة،
- حکم قصر در سفرهای هوایی،
- تقدیم الطواف والسعی علی الوقوفین،
- بررسی حجیت اجماع مدرکی،
- حدّ السفر الشرعی فی العصر الحاضر،
- تلقیح مصنوعی در انسان،
- صلاة الطواف الفریضة عند الزحا.
- آیه «إنما المشرکون نجس» و نجاست کفار،

پژوهشگران متعدد برخی موضوعات فوق را تحقیق و تدوین کرده‌اند. در بخش آموزش تلاش شده است که فضلا با رموز اصلی اجتهاد و فقاہت و مباحث مشکل فقهی و مباحث تأثیرگذار اصولی در علم فقه به همراه مباحث مستحدثه آشنا شوند. در مورد فراگیری مباحث آیات الأحکام و قواعد فقه و تاریخ فقه و فقاہت نیز تدابیری جامع اندیشیده شده است.

دو - پژوهش و تألیف

این مرکز از راههای گوناگون به امر پژوهش می‌پردازد:

الف) نشستهای علمی

مرکز فقهی همه ساله نشستهای علمی تخصصی فقهی را با حضور اساتید و صاحب‌نظران

حوزه برگزار می‌کند. در این نشستها ضمن ارائه مقالات علمی در موضوعات نوین فقهی، راه کارهای علمی استنباط کاویده می‌شود.

ب) گروههای علمی

از دیگر برنامه‌های پژوهشی - تحقیقی، تشکیل هیئتها و گروههای علمی است. این گروهها متشکل از محققان این مرکز است که دوره آموزشی را به پایان رسانده‌اند. آنان در یکی از گروههای فوق تخصصی زیر به پژوهش ادامه می‌دهند:

فقه القرآن، فقه عبادات، فقه معاملات، فقه القضا، فقه سیاسی، حقوق اجتماعی، حقوق خانواده، فقه تعلیم و تربیت، فقه پزشکی، فقه مسائل هنری، فقه زنان، فقه اطفال، فقه مقارن، شبهه‌شناسی فقهی.

ج) تألیف و تدوین کتب و مجلات

آثار علمی آیت‌الله فاضل بعد از تصحیح و تخریج مصادر، با کیفیت عالی به زیور طبع آراسته می‌شوند. همچنین کتابهای تحقیقی‌ای که به همت اساتید مرکز یا پژوهشگران که به تأیید هیئت علمی یا ریاست مرکز رسیده باشند، به چاپ می‌رسند. برخی از این آثار عبارتند از:

۱. *اصول فقه شیعه*. ده جلد است که تاکنون شش جلد آن چاپ و منتشر شده است و بقیه مجلدات آن در حال تکمیل است. این کتاب تقریر درسهای خارج اصول فقه آیت‌الله فاضل به زبان فارسی است که به قلم حجج اسلام محمود و سعید ملکی اصفهانی تدوین شده است.

۲. *أصول فقه الشیعة لاستنباط أحكام الشریعة*. یک دوره شش جلدی از تقریرات درس خارج اصول فقه آیت‌الله فاضل به زبان عربی است که به قلم حجت‌الاسلام محمدحسین یوسفی تدوین شده است. تألیف این کتاب به پایان رسیده و در آینده نزدیک در اختیار علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت.

۳. *دراسات فی الأصول*. این اثر یک دوره سه جلدی است که در آن دروس خارج اصول فقه آیت‌الله فاضل به زبان عربی، به قلم حجت‌الاسلام سید صمد موسوی تقریر شده است. اکنون دو جلد از این دوره به چاپ رسیده و امید است بقیه مباحث در یک جلد در آینده نزدیک در اختیار علاقه‌مندان قرار گیرد.

۴. موسوعة أحكام الأطفال. در هشت جلد، شامل کلیه مباحث و احکام فقهی مرتبط با کودکان از قبل از زمان انعقاد نطفه تا مرحله بلوغ که به صورت استدلالی و مقارن با فقه مذاهب اهل سنت است. سه جلد آن چاپ و منتشر شده و بقیه مجلدات در دست آماده-سازی است. این کتاب جامع در این زمینه است.

۵. الذخر الفاخر في تعارض الأصل مع الظاهر. از برنامه‌های این مرکز، بیان موارد تطبیقی در قواعد فقهی است که اکنون جمعی از محققان به آن اشتغال دارند. یکی از قواعد مهم، قاعده تعارض اصل با ظاهر است. هدف از تألیف این اثر بیان مواردی است که بین اصل و ظاهر در کشف حکم شرعی تعارض دیده می‌شود و همچنین بیان راه‌کارهایی که فقها برای حل آن اندیشیده‌اند.

این کتاب به اهتمام حجت‌الاسلام ابراهیم بهشتی به نگارش در آمده است.
۶. آیین کیفری اسلام. کتاب به زبان فارسی است و در سه جلد است که در واقع تقریر بحث حدود و تعزیرات آیت‌الله فاضل است. کتاب به قلم حجت‌الاسلام علی اکبر ترابی تدوین شده است.

۷. قاعدة القرعة. حاصل درس ماه مبارک رمضان یکی از اساتید مرکز، حجت‌الاسلام حسین کریمی قمی است. این کتاب بر محور قاعده قرعه در کتاب القواعد الفقهية تألیف آیت‌الله فاضل تحقیق و تألیف شده است.

۸. المبسوط في فقه المسائل المعاصرة. هدف از تألیف این کتاب که به صورت دوره به طبع خواهد رسید، کاوش علمی و فنی درباره مسائل مستحدثه‌ای است که جامعه امروز با آن درگیر است. جلد اول و دوم آن درباره مسائل مستحدثه پزشکی است که به چاپ رسیده است و جلد سوم و چهارم درباره مسائل مستحدثه حج است که تألیف آن به پایان رسیده و مراحل چاپ را می‌گذرانند.

این مباحث ابتدا در کلاسهای مرکز توسط حجت‌الاسلام محمد قائنی تدریس و سپس به قلم وی تدوین شده است.

۹. سبکشناسی دانش رجال الحدیث. تألیف حجت‌الاسلام محمدحسن ربّانی، از اساتید مرکز فقهی ائمه اطهار(ع) در مشهد مقدّس است. نویسنده روشهای رجالی بزرگان و فقها،

- خصوصاً آیات عظام: بروجردی، خوبی و فاضل لنکرانی را کاویده است.
۱۰. *زکات پولهای رایج و اشیاء نوپیدا*. این کتاب حاصل مباحثی است که حجت‌الاسلام محمد قاضی در یکی از کلاسهای مرکز تدریس کرده است. در این تألیف، مسئله مهم انحصار و عدم انحصار زکات در اشیاء نه‌گانه مورد بحث قرار گرفته است.
۱۱. *هدایة الطالب إلی مصادر کتاب المكاسب*. این کتاب دربارهٔ مصادر کتاب گران‌سنگ مکاسب تألیف مرحوم شیخ انصاری است که به قلم حجت‌الاسلام عبدالسلام کاظم جعفری به تحریر در آمده است.
۱۲. *الطریق المسلوک فی حکم اللباس المشکوک*. تقریر درس آیت‌الله بروجردی به قلم آیت‌الله صابری همدانی است. در مرکز پس از تحقیق و تصحیح مجدد به زیور طبع آراسته شده است.
۱۳. *الطواف بالکعبة المشرفة من الطابق الأول*. این کتاب اولین تحقیق فقهی در مورد حکم طواف خانهٔ خدا از طبقه اول است که حدود ۲۷ سانتیمتر از کعبه بالاتر است. این کتاب به قلم استاد حجت‌الاسلام والمسلمین محمدجواد فاضل لنکرانی به تحریر در آمده است.
۱۴. *اعتبار ابزار جدید در رؤیت هلال*. این کتاب نیز اولین تحقیق فقهی است که به قلم حجت‌الاسلام والمسلمین محمدجواد فاضل به چاپ رسیده است. نویسنده کوشیده است کفایت رؤیت هلال با دوربین و تلسکوپ را به اثبات رساند.
۱۵. *اعتبار الأجهزة الحديثة فی رؤیة الهلال*. این کتاب ترجمهٔ کتاب پیشین است.
۱۶. *قاعدة لآحرج*. حاصل درس یک ماه رمضان حجت‌الاسلام محمدجواد فاضل است که به خامهٔ حجت‌الاسلام سید جواد حسینی‌خواه به نگارش در آمده است. بسیاری از ابعاد این قاعده که در کتب پیشین به آنها پرداخته نشده است، مورد بحث قرار گرفته و در آخر، در ضمن تنبیهات ده‌گانه، مسائل بسیار مهمی در این قاعده مورد بحث قرار گرفته است.
۱۷. *قاعدة ضمان ید*. این کتاب حاصل درس یک ماه رمضان حجت‌الاسلام محمدجواد فاضل به قلم حجت‌الاسلام سید جواد حسینی‌خواه است.
۱۸. *قاعدة فراغ و تجاوز*. حاصل درس یک ماه رمضان حجت‌الاسلام محمدجواد فاضل

- لنکرانی به قلم حجت الاسلام سید جواد حسینی خواه است.
۱۹. *قاعده الزام*. حاصل درس یک ماه رمضان حجت الاسلام محمدجواد فاضل لنکرانی به قلم حجت الاسلام سید جواد حسینی خواه است.
۲۰. *رسائل في الفقه والأصول*. مجموع یازده رساله فقهی و اصولی است که به اهتمام حجت الاسلام محمدجواد فاضل از سال ۱۴۰۸ق تاکنون تدوین شده و برای بار دوم به چاپ رسیده است.
۲۱. *پژوهشهایی در فقه و اصول*. این اثر ترجمه فارسی کتاب پیشین است.
۲۲. *دفاعاً عن القرآن الکریم*. این کتاب ترجمه رساله دفاع از حریم قرآن به قلم حجت الاسلام والمسلمین محمدجواد فاضل است که به همت مرکز فقهی ائمه اطهار(ع) در سوریه ترجمه شده و نشر یافته است.
۲۳. *پژوهشی در حدیث دوات و قلم*. تحقیقی در دفاع از حریم رسالت و ولایت به قلم جناب آقای غلامحسین زینلی است.
۲۴. *بررسی نظریه عدالت صحابه*. تحقیقی کلامی، تاریخی و روایی درباره نظریه مذکور به قلم جناب آقای غلامحسین زینلی است.
۲۵. *آیات الأحکام*. به صورت یک مجموعه ده جلدی طراحی شده است. کتاب برگرفته از دروس حجت الاسلام والمسلمین محمدجواد فاضل لنکرانی است. تاکنون آیات مربوط به خمس به پایان رسیده و به زودی انتشار خواهد یافت.
۲۶. *أحكام النساء*. در این اثر ده جلدی احکام فقهی و مسائل حقوقی مربوط به بانوان از نظر قرآن و سنت، از دیدگاه فقه شیعه و دیگر فرق اسلامی مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.
۲۷. *پژوهشی کامل و مبسوط در اصول فقه شیعه*. این مجموعه حاصل درسهای خارج اصول فقه حجت الاسلام والمسلمین محمد جواد فاضل لنکرانی در طول ده سال است.
۲۸. *موسوعه فقه سیاسی اسلام*. طراحی آن تحت اشراف صاحب نظران انجام گرفته و گروههای پژوهشی این طرح در حال شکل گرفتن هستند. پیش بینی می شود در هفت جلد ارائه گردد.
۲۹. *مجله فقه و اجتهاد*. بناست این مجله به صورت فصلنامه انتشار یابد. کارهای

مقدماتی آن به همت پژوهشگران مرکز انجام گرفته و امید است هرچه زودتر در اختیار علاقه‌مندان قرار گیرد.

سه - تصحیح و تحقیق متون

در این بخش، متون مورد نظر، پس از گذراندن مراحل تخریب مصادر، تصحیح و ویرایش، به همت محققان مجرب و کارآموده به چاپ سپرده می‌شوند. آثاری که تاکنون به همت این بخش پس از این مراحل، به زیور چاپ آراسته شده، به قرار زیر است:

۱. *مدخل التفسیر*. این کتاب به قلم آیت‌الله فاضل پس از چاپهای مکرر، با تحقیق جدید به کوشش مرکز مجدداً به چاپ رسیده است.

۲. *نهایة التقریر*. این کتاب که تقریرات درس خارج آیت‌الله بروجردی (بحث صلاة) است، به قلم توانای آیت‌الله فاضل نگارش یافته است. پیش از این در دو مجلد به چاپ رسیده بود؛ اما با توجه به تحقیقات گسترده این مرکز، در سه مجلد چاپ شد.

۳. *تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة*. این مجموعه شامل ابواب مختلف فقه و به دهها جلد می‌رسد. معرفی تفصیلی این کتاب در قسمت مربوط به آثار آیت‌الله فاضل می‌آید. تاکنون از این مجموعه فقهی، کتابهای زیر به همت این بخش، تحقیق شده که بعضی از آنها از چاپ خارج شده و بقیه در دست تحقیق است یا در آستانه نشر قرار دارند:

- الاجتهاد والتقلید، ۱ جلد،

- الطهارة، ۴ جلد،

- الصلاة، ۲ جلد،

- الصوم، ۱ جلد،

- الزکاة، ۱ جلد،

- الخمس والآنفال، ۱ جلد،

- الحج، ۵ جلد،

- الأمر بالمعروف والنهي عن المنکر والشفعة والصلح، ۱ جلد،

- المكاسب المحرمة، ۱ جلد،

- الإجارة، ۱ جلد،

مرکز فقهی ائمه اطهار(ع) ۳۳۳

- المضاربة والشركة والمزارعة والمساقاة والدين والرهن والحجر والضمان والحوالة والكفالة والوكالة والإقرار والهبية، ۱ جلد،
- الوقف والصدقة والوصية والأيمان والنذور والعهد، الكفارات والصيد والذباحة، ۱ جلد،
- العصب وإحياء الموات والمشتركات واللقطة، ۱ جلد،
- النكاح، ۱ جلد،
- الطلاق والمواريث، ۱ جلد،
- القضاء والشهادات، ۱ جلد،
- القصاص، ۱ جلد،
- الحدود، ۱ جلد،
- الديات، ۱ جلد.

۴. آیه التّطهیر رؤیه مبتکره. از آثار مشترک آیات: فاضل لنکرانی و شهاب‌الدین اشراقی است که در باره آیه تطهیر و تحقیق در مفاد آن نگارش یافته است.
۵. العروة الوثقی. حاشیه فتوایی آیت‌الله فاضل بر کتاب عروه در ۲ جلد است.
۶. حواشی تحریر الوسيله. این کتاب نیز از آثار ارزشمند آیت‌الله فاضل لنکرانی و در دست پژوهش است.

۷. القواعد الفقهیه. تألیف آیت‌الله فاضل لنکرانی در یک جلد و شامل بیست قاعده است. نگاشته‌های دیگر و آثار فتوایی آیت‌الله فاضل به اهتمام این بخش به چاپ رسیده یا در دست تحقیق است. نظر به اینکه معرفی آنها در قسمت مربوط به آثار معظم‌له می‌آید، به ذکر نام آنها بسنده می‌کنیم:

آیین کشورداری، الدولة الإسلامية، پاسداران وحی، حماة الوحی، ثلاث رسائل، جامع المسائل، احکام جوانان، احکام پزشکان و بیماران، الأحكام الطبّیة، اعتکاف و احکام آن، پنج پیام، خمس نداءات.

چهار. کتابخانه تخصصی فقه

به موازات توسعه و تخصصی شدن علوم، مطالعات و تحقیقات، ایجاد کتابخانه‌های تخصصی، ضرورتی انکارناپذیر است. بدین منظور کتابخانه تخصصی فقهی ائمه اطهار(ع) به منظور ارائه خدمات به پژوهشگران و فقه‌پژوهان تأسیس گردیده و در حال حاضر یکی

از غنی‌ترین و پرمراجعه‌ترین کتابخانه‌های تخصصی است. اکنون حدود سی هزار جلد کتاب در آن نگهداری می‌شود و پیوسته در حال گسترش است. کتابهای کتابخانه که به صورت قفسه باز است، در موضوعات زیر تقسیم‌بندی شده‌اند:

فقه شیعه؛ فقه شافعی؛ فقه حنبلی؛ فقه مالکی؛ فقه مذاهب متفرقه (زیدی، ظاهری، اباضی و ...); قواعد فقه؛ تاریخ فقه؛ اصول فقه شیعه؛ اصول فقه اهل سنت؛ فقه مقارن و موسوعات فقهی؛ آیات الاحکام؛ حدیث شیعه؛ حدیث اهل سنت؛ حقوق؛ رجال و درایه؛ مجلات تخصصی فقهی و

یادآور می‌شویم که امکان جستجو و ملاحظه فهرست کتابهای کتابخانه به اضافه فهرست محتوای کتابها در پایگاه اطلاع رسانی مرکز فراهم است.

از امکانات دیگر کتابخانه، امکان استفاده از نرم افزارهای مختلف و متنوع جهت تسهیل در کارهای پژوهشی است.

محققان این مرکز برای تسهیل در کار پژوهشگران، بسیاری از موضوعات را منبع‌یابی می‌کنند و نتیجه را در اختیار دیگران قرار می‌دهند. فهرست موضوعاتی که تاکنون منبع‌یابی شده‌اند به شرح زیر است:

ولایت فقیه، غنا و موسیقی، حقوق معنوی، رادیو و تلویزیون و سینما و تئاتر و غیره، قانون‌گذاری، آلات لهو و قمار، ورزش، حقوق کار و کارگر، تکامل اجتماعی، محیط زیست، حقوق انسان، انتخابات، ولایت قاضی، ترور و ارهاب، تحزب، اسیر و اسارت، عملیات شهادت‌طلبانه، مقاصد الشریعة، دفاع مشروع، فمینیسم (تساوی یا تفاوت با مرد)، ولایت و مرجعیت و امامت و قضاوت زن، پوشش و آرایش، اشتغال زن در خارج از خانه، نقش زن در سیاست، شهادت زن، طلاق قضایی، نفقه زن، مهر و صداق، قوامیت مرد بر زن، تحدید نسل، تلقیح مصنوعی، کالبدشکافی، سقط جنین، تغییر جنسیت، قتل از روی ترحم، پیوند اعضا، مسئولیت پزشکی، شبیه‌سازی، بازار بورس، تورم، بیمه، اوراق بهادار، پول و احکام آن، بانکداری اسلامی، مالیات.

پنج - بخش رایانه

در این بخش، مراحل ثبت، نگهداری و اقدامات مربوط به رایانه در مورد کلیه آثار

مرکز فقهی ائمه اطهار(ع) ۳۳۵

مؤسس عالی قدر انجام می‌گیرد. آثار صوتی و تصویری معظم‌له نیز با استفاده از فناوری روز به صورت دیجیتالی در آمده و ضمن تهیه بایگانی، در اختیار اندیشمندان، فضلا و علاقه‌مندان قرار گرفته است.

بخش نرم افزار مرکز در تلاش است تا در جهت خدمت به فقه اهل بیت(ع) نرم‌افزارهایی تهیه و ارائه کند که به زودی شاهد نتایج آن خواهیم بود. همچنین مرکز رایانه بخشی از فعالیت خود را صرف آماده‌سازی جزوات، پایان نامه‌ها، مقالات و تحقیقات اساتید و دانش‌پژوهان این مرکز می‌کند. در بخش رایانه، قسمت‌های مختلف ذیل فعالیت دارند:

۱. اینترنت

در حال حاضر سه پایگاه در این قسمت اداره می‌شود:

الف) مرکز جهانی اطلاع‌رسانی مرجع عالی قدر آیت‌الله فاضل لنکرانی.

این پایگاه در حال حاضر به شش زبان فارسی، عربی، انگلیسی، روسی، آذری و اردو فعال است؛ اگرچه در زمان حیات معظم‌له آمادگی پاسخ‌گویی به بیش از ۲۷ زبان را داشت. در این پایگاه متن کامل کتابهای معظم‌له با امکان جستجو قرار دارد. با توجه به چاپ کتب جدید معظم‌له این کتابخانه دیجیتالی به طور مداوم به‌روز می‌شود.

بخش استفتائات نیز در این پایگاه فعال است. برای مثال در سال ۱۳۸۵ بیش از ۲۸۰۰۰ نامه از سراسر دنیا به ۱۵ زبان به سایت ارسال شد که به طور متوسط هر نامه حاوی سه سؤال بود. این بخش، علاوه بر مسائل فقهی، مسائل اعتقادی، اجتماعی و شبهات طرح شده در نامه را نیز پاسخ می‌دهد.

همچنین پیامها، بیانیه‌ها و رهنمودهای حکیمانه معظم‌له در حوادث گوناگون، از این پایگاه منتشر می‌شود.

بخش خبر پایگاه نیز اخبار دفتر را برای انعکاس در رسانه‌ها درج می‌کند. آدرسها:

www.Lankarani.org

www.Lankarani.net

www.Lankarani.com

ب) پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله‌زاده مکرم حجت‌الاسلام والمسلمین محمدجواد فاضل لنکرانی.

در این پایگاه، دروس ایشان به صورت صوت عرضه شده و متن آن نیز به زودی بر

روی پایگاه قرار می‌گیرد. علاوه بر دروس، برخی از تألیفات چاپ شده ایشان نیز در بخش مربوط به تألیفات قرار گرفته است. برخی از مصاحبه‌های ایشان در مطبوعات نیز در این پایگاه قرار دارد. آدرسها:

www.J-Fazel.org
www.J-Fazel.net
www.J-Fazel.com

ج) پایگاه اطلاع‌رسانی مرکز فقهی ائمه اطهار(ع)

در این پایگاه، کتابهای منتشر شده از سوی مرکز به صورت متن کامل و با امکان جستجو قرار گرفته است. به علاوه مقالات برگزیده و پایان‌نامه‌های دانشجویان برتر دوره‌های تخصصی مرکز نیز در پایگاه قرار دارد. آدرسها:

www.MarkazFiqhi.org
www.MarkazFiqhi.net
www.MarkazFiqhi.com

۲. حروف چینی

در این بخش تألیفات آیت‌الله فاضل لنکرانی حروف چینی و آماده نشر می‌شوند. به علاوه، پژوهشهای مرکز و پایان‌نامه‌های دانش‌پژوهان مرکز نیز در این بخش حروف چینی می‌شود. پروژه بانک اطلاعات کتب فقهی در حال آماده‌سازی است.

۳. طراحی و گرافیک

در این بخش طراحی صفحات پایگاههای مرکز صورت می‌گیرد. توجه به آداب و رسوم مخاطبین پایگاهها و زبانهای مختلف آن، تزئین و صفحه‌آرایی کتب و انتشارات مرکز، آماده‌سازی طرح جلد کتب، نظارت بر طرح و گرافیک غرفه‌های نمایشگاهی مرکز و تهیه بروشورها و پلاکاردهای مناسب در موارد مختلف، از برنامه‌های این قسمت است.

۴. برنامه‌نویسی و پیاده‌سازی سایتهای اینترنتی

در این بخش، نیازهای برنامه‌نویسی مربوط به مرکز فقهی ائمه اطهار(ع) و قسمتهای دیگر بخش رایانه صورت می‌گیرد.

یکی از وظایف مهم این بخش، آماده‌سازی برنامه‌های مورد نیاز بخش اینترنت است.

مرکز فقهی ائمه اطهار(ع) ۳۳۷

جستجو در پایگاه، دریافت نامه‌ها از پایگاه (فرم دریافت نامه) با ویژگی ثبت نامه و ثبت آدرس پستی ارسال کننده در بانک مخصوص، نمایش استفتائات به صورت درختی، نمایش و جستجوی بخش کتابخانه و ... از جمله اقدامات این بخش می‌باشد. نرم‌افزار کتابخانه تخصصی فقه، نمونه‌ای از نرم‌افزارهای مرکز فقهی است.

نش - مرکز صوتی و تصویری (نوار کاست، فیلم، CD و DVD)

تدریس بیش از نیم قرن فقه و اصول و نیز تدریس علوم قرآن و نهج البلاغه، گنجینه‌ای عظیم و ماندگار از دروس ایشان پدید آورده است. جهت ساماندهی و سهولت دسترسی برای علاقه‌مندان، دروس معظمه به صورت نوار کاست و لوح فشرده آماده شده و این بخش در اختیار مراجعه‌کنندگان قرار می‌دهد.

دروس خارج فقه و اصول در این بانک عبارت است از: دروس خارج کفایه ۱ و ۲، اجاره، حدود، حج، خمس، زکات، شهادت، قصاص، قضا، مضاربه، مکاسب و غصب. این دروس در قالب CD و DVD و نوار کاست عرضه می‌شوند.

دروس خارج فقه و اصول حجت‌الاسلام والمسلمین محمدجواد فاضل لنکرانی نیز در این بانک موجود است. دروس خارج شامل این موارد است: خارج کفایه ۱ و ۲، خارج اصول، اجتهاد و تقلید، مکاسب محرّمه، بیع فضولی. هر سال در ماه مبارک رمضان، معظمه یکی از قواعد فقهی را تدریس می‌کند و تاکنون قواعد فراغ و تجاوز، لاجرح، ضمان ید و قاعده الزام، تدریس شده و نوار آنها در این مرکز موجود می‌باشد.

هفت - انتشارات

عمده فعالیت‌های انتشارات این مرکز در چند مورد خلاصه می‌شود:

الف) چاپ و نشر آثار آیت‌الله فاضل لنکرانی در موضوعات قرآنی، اعتقادی، اصولی و فقهی.
ب) چاپ و نشر پژوهش‌های مرکز؛ از قبیل موسوعه احکام الأطفال و المبسوط فی فقه المسائل المعاصرة و ...

ج) اهداء سالانه دهها هزار جلد کتاب به کتابخانه‌های متقاضی در داخل و خارج کشور با هدف معرفی و نشر آثار تشیع در بلاد اسلامی.

د) شرکت در نمایشگاه‌های بین‌المللی کتاب در داخل و خارج کشور. تاکنون این مرکز با هماهنگی بخش امور بین الملل مستقر در دفتر معظم‌له علاوه بر شرکت مستمر و سالانه در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، ۲۱ بار در نمایشگاه‌های بین‌المللی کتاب در کشورهای سوریه، عمان، کویت، بحرین، شارجه، ابوظبی، عربستان سعودی، قطر، لبنان، یمن و تونس حضور فعال داشته است.^۱

ساختمان جدید

نظر به نیاز به مرکزی جامع که فعالیتهای علمی و فرهنگی در آن متمرکز شود، یکی از مقلدان معظم‌له زمینی به مساحت پنج هزار متر مربع در میدان معلم خریداری کرد و در اختیار ایشان قرار داد. در زمان حیات معظم‌له ساخت آن با زیربنای حدود سی هزار متر مربع آغاز شد و در هنگام ارتحال ایشان، نیمی از ساخت بنا به اتمام رسید. چند تن از مقلدان، پس از رحلت، اعتبار مهمی برای آن قرار دادند و ساخت آن همچنان ادامه دارد و تاکنون هیچ‌گونه کمک از سوی دولت یا نهادی دریافت نشده است.

شعبه مشهد

علمای مشهد مقدس در سال ۱۳۷۷ طی دیداری با آیت‌الله فاضل، از معظم‌له تقاضا می‌کنند که برای تقویت حوزه مشهد، مرکز فقهی را در این شهر تأسیس فرماید. همان سال به دستور ایشان این مرکز تأسیس شد و شروع به فعالیت کرد. فعالیتهای مرکز فقهی مشهد مقدس بدین قرار است.

یک - آموزش

در این بخش، بیش از صد دانش‌پژوه در مقاطع سطح دو و سه، زیر نظر سی تن از اساتید مجرب به تحصیل اشتغال دارند. شیوه خاص و بسیار قوی آموزشی سبب شده است که تربیت‌شدگان این مرکز از قوت خاصی در مسائل علمی برخوردار باشند.

۱. بیشتر مطالب در معرفی مرکز فقهی ائمه اطهار(ع) در قم، برگرفته از کتابی است که با عنوان مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام از سوی آن مرکز منتشر شده است.

مرکز فقهی ائمه اطهار(ع) ۳۳۹

دو - کتابخانه

تشکیل کتابخانه تخصصی این مرکز با بیش از هفت هزار جلد کتاب به صورت قفسه باز، با امکان دسترسی تمام وقت برای عموم محققان.

سه - واحد سمعی، بصری و رایانه

ایجاد پایگاه نرم‌افزاری و سخت‌افزاری رایانه‌ای برای استفاده عموم طلاب حوزه خراسان با عرضه بیش از بیست هزار نوار کاست به صورت امنی از دروس آیت‌الله فاضل و فرزند برومندشان.

چهار - بخش فرهنگی

این بخش در سه استان خراسان فعالیت چشم‌گیری از قبیل مسابقات کتاب‌خوانی در دو مرحله جهت طلاب، مسابقات فصلی برای عموم، توزیع هزاران جلد کتاب هدایی و اعزام مبلغ داشته است.

پنج - کتابها و مقالات

برخی از کتابهای منتشره از سوی مرکز فقهی ائمه اطهار(ع)، شعبه مشهد بدین قرار است:

درنگی بر دو دیدگاه، آیت‌الله رضا زاده

قواعد فقهیه، آیت‌الله سیدمحمد موسوی شاهرودی

استصحاب، حجت‌الاسلام پیرنیا

فهرست برخی از مقالات دانش‌پژوهان سطوح عالی عبارت است از:

تجری، ارکان استصحاب، تنبیهات الإجارة، اشتراط عدم سبق رد، امکان تعبد به ظن و بررسی ادله طرفین، تمسک به عام قبل از فحص، حجیت استصحاب، امکان تعبد به ظن، بررسی شک در مقتضی و رافع، نسبت امارات به اصول، الکلام فی مجهول المالک، ترتب، استصحاب الکلی، دوران امر بین اقل و اکثر، بررسی حقیقت وضع، در حقیقت علم اجمالی و جریان اصول در اطراف آن، بررسی ادله احتیاط و برائت، تفصیل بین مقتضی و رافع.

شعبه کابل

نظر به مشکلات فراوان در حوزه‌های علمی تشیع در افغانستان، تعدادی از فضلا و

طلاب این کشور از آیت‌الله فاضل خواهان تأسیس مرکز فقهی ائمه اطهار(ع) در این کشور شدند. به دستور معظم‌له، مدرسه علمیه و مرکز فقهی ائمه اطهار(ع) در بهمن ماه ۱۳۸۳ ش در کابل افتتاح شد. بخشی از فعالیتهای این مرکز بدین قرار است:

۱. پذیرش طلاب برای شرکت در درسهای شرح لمعه، اصول فقه، رسائل و مکاسب پس از گزینش از طریق آزمون ورودی؛
۲. برگزاری درسهایی چون تفسیر قرآن، فلسفه، تاریخ و کامپیوتر؛
۳. برگزاری مراسم مذهبی و حمایت از مساجد و کانونهای فرهنگی در کابل و دیگر اماکن؛
۴. برگزاری مسابقات فرهنگی؛
۵. تشکیل کلاسهای ویژه علوم اسلامی برای دانشجویان؛
۶. راه‌اندازی کتابخانه تخصصی؛
۷. توزیع کتابهای فرهنگی و دینی به صورت رایگان؛
۸. پاسخ به سؤالات شرعی و دینی.

شعبه دمشق

این شعبه در سال ۱۳۸۳ در جوار مرقد حضرت زینب کبری(س) تأسیس شد. بخشی از فعالیتهای این شعبه عبارت است از:

۱. پذیرش طلاب جهت شرکت در درسهای شرح لمعه، اصول فقه، رسائل و مکاسب؛
 ۲. برگزاری دروسی چون تفسیر قرآن، عقاید و قواعد فقهی؛
 ۳. برگزاری نشستهای علمی؛
 ۴. راه‌اندازی کتابخانه تخصصی؛
 ۵. عرضه نوارهای درسی؛
 ۶. فعالیتهای تبلیغی.
- از جمله آثار منتشره از سوی این مرکز یا در دست پژوهش عبارتند از:
- آیه التّطهیر، ترجمه و بازنویسی کتاب اهل البیت یا چهره‌های درخشان در آیه تطهیر از آثار مشترک آیات فاضل لنکرانی و اشراقی؛

دفاعاً عن القرآن الکریم، محمدجواد فاضل لنکرانی؛
التفسیر الموضوعی للقرآن الکریم؛ جعفر طبسی؛
استفتاءات حول الشعائر الحسینیة؛
تلید بن سلیمان المحاربی، یاسر عمار کرز؛
الأحكام الطیبة، ترجمة احكام پزشکان و بیماران؛
نجم الفقاهة، شرح حال آیت الله فاضل؛
قراءة فی رجال النجاشی؛
التثویب بین السنة والبدعة؛
واقعة الحرّة؛
الأسباب والنتائج؛
إمامة الإمام أميرالمؤمنین(ع)؛
تاریخ الأصول.

شعبه مسکو

- بخشی از فعالیت‌های مرکز فقهی ائمه اطهار(ع) و دفتر آیت الله فاضل در مسکو - که در سال ۱۳۸۱ تأسیس شد - بدین قرار است:
۱. جذب و آموزش مبلغان؛
 ۲. اعزام و تجهیز مبلغان ایرانی، آذری و روسی به شهرهای دور و نزدیک روسیه برای ارشاد و هدایت مردم؛
 ۳. چاپ و انتشار کتابهای مورد نیاز آن مناطق به زبانهای مختلف؛
 ۴. تشکیل جلسات مذهبی و فرهنگی در مساجد و هتلها و مراکز علمی - فرهنگی؛
 ۵. برگزاری کلاسهای مورد نیاز برای مبلغان محلی؛
 ۶. ارتباط با جمهوریهای مسلمان نشین؛
 ۷. اعزام کاروانهای شیعی برای شرکت در مراسم حج و زیارت عتبات مقدس؛
 ۸. برگزاری مراسم در مناسبت‌هایی چون اعیاد و وفیات.

۳۴۲ بر مسند مرجعیت

گروه‌های علمی

دروس در سطوح عالی حوزه به صورت آزاد برگزار می‌شوند؛ به این صورت که طلاب در انتخاب استاد آزادند و درس هر استادی را که تشخیص بدهند برای آنها سودمندتر است، برمی‌گزینند. این شیوه مزایایی مهم دارد؛ اما به دلیل تراکم شاگردان در برخی دروس، آنها فرصت مطرح کردن پرسش ندارند و در نتیجه استاد نمی‌تواند آنها را گام به گام پیش ببرد. به منظور پر کردن این خلأ، به ابتکار حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمدجواد فاضل طرح گروه‌های علمی در سال ۱۳۷۹ در دفتر حضرت آیت‌الله العظمی فاضل پایه‌ریزی شد. در گام نخست، در مدرسه علمیة آیت‌الله العظمی گلپایگانی در قم، طرح به صورت آزمایشی به اجرا درآمد؛ به این صورت که از چند تن از استادان خواسته شد تا شاگردان ممتاز و علاقه‌مند در درس خود را شناسایی کنند و در گروه‌هایی با افراد محدود (هفت تا پانزده نفر) شرکت بدهند. در ابتدا حدود ده استاد با چهل شاگرد به فعالیت علمی مشغول شدند. کلاسهای جدید در هفته یک یا دو بار تشکیل می‌شد و استادان به راهنمایی جداگانه یک‌یک طلاب می‌پرداختند. علاوه بر آشنا ساختن طلاب با حواشی، تقریرات درسی آنها را مورد بررسی قرار می‌دادند. در این جلسات، استاد و شاگردان، پرسشهایی را در جمع مطرح و افراد در پاسخ‌گویی شرکت می‌کردند. در ضمن استادان علاوه بر جهات علمی، ابعاد اخلاقی و معنوی شاگردان را نیز مورد توجه قرار می‌دادند.

روش آموزش در این کلاسها به گونه‌ای بود که امکان اجرای آن در جلسات عمومی نبود و طلاب به گونه‌ای پرورش می‌یافتند که پس از اتمام کتابهای رسائل و مکاسب و کفایتین، اشراف لازم را بر آنها می‌یافتند.

پس از موفقیت در مرحله آزمایشی، ساختمانی مستقل به این طرح اختصاص یافت و استادان و طلاب به شکلی گسترده‌تر گزینش شده، به فعالیت علمی پرداختند. سال ۱۳۸۴ تعداد طلاب به حدود ۲۳۰ نفر رسید و پس از آن تاکنون، همه کسانی که در پایه هفت حداقل معدل قبولی ۱۶ را کسب کرده باشند، در طول سال می‌توانند به این مرکز مراجعه کنند و پس از شرکت در آزمون ورودی و مصاحبه علمی، تحت برنامه گروه‌های علمی به تحصیلات خود ادامه دهند. فارغ‌التحصیلان این دوره برای ادامه تحصیل در مرکز فقهی ائمه اطهار(ع) در اولویت قرار دارند.

تصمیم‌گیرهای مهم و کلیدی در هیئتی متشکل از پنج تن از استادان حوزه به عنوان «هیئت نظارت» صورت می‌گیرد. براساس آخرین تجربیات و تصمیم‌گیرها فعالیت‌های علمی محصلان، در چهارچوب زیر است:

الف) از سوی هیئت علمی حواشی‌ای بر کتابهای درسی در نظر گرفته شده که محصلان، موظف به مطالعه و انس با آنها هستند.

ب) در این کلاسها استاد، متکلم وحده نیست؛ بلکه همگان در بحثها شرکت می‌کنند و استاد بیشتر نقش راهنما را دارد.

ج) همه شرکت‌کنندگان، تقریرات دروس را به استاد ارائه می‌کنند.

د) در طول سال حداقل سه بار آزمون کتبی برگزار می‌شود که در آزمونها شرکت می‌کنند و حداقل نمره قبولی ۱۴ است.

ه) علاوه بر دروس اصلی، کلاسهای دائر می‌گردد که در آنها دروس جنبی تدریس می‌شود.

و) در تعطیلات تابستانی کلاسهای قواعد فقهی و اصولی برگزار می‌گردد.

ز) محصلان با ارائه تحقیقات و مقالات علمی به استادان خود، علاوه بر رشد علمی، از جهت نویسندگی نیز ارتقا می‌یابند.

تاکنون از سوی این مرکز جزوه‌های متعدد آموزشی چاپ و منتشر شده است. در حال حاضر گروه‌های علمی در قم و مشهد فعالیت دارند.

بنا به وصیت آیت‌الله فاضل، فعالیت‌های علمی، آموزشی و فرهنگی بعد از ارتحال وی نیز ادامه می‌یابد.

بخش فرهنگی

به دلیل مشکلات فرهنگی و ایجاد شبهات گسترده اعتقادی در زمینه‌های مختلف، خصوصاً در مناطق آسیب‌پذیر کشور، به دستور حضرت آیت‌الله العظمی فاضل در سال ۱۳۷۸ش بخش فرهنگی در دفتر معظم‌له تأسیس شد تا با برنامه‌ای منسجم بتوان به شبه‌های مطرح در رسانه‌های جهانی، پاسخ مناسب داد. یکی از زمینه‌های پدید آمدن این بخش، سؤالات اعتقادی فراوانی بود که به دفتر می‌رسید و نیز لازم بود مرجعیت ارتباط و آشنایی بیشتر با قشرهای مختلف جامعه، بویژه جوانان پیدا کند.

این واحد فرهنگی به سرپرستی حجت‌الاسلام حسین حبیبی‌تبار تاکنون به فعالیت خود ادامه می‌دهد و برکات شایان توجه داشته است؛ از جمله:

۱. جذب و آموزش مبلغان و آشنا ساختن آنها با شبهات و پاسخ‌گویی به آنها. خود این مبلغان از ابزارهای شناسایی شبهات در جامعه و انتقال به بیت و نیز آشنایی با خلأهای فرهنگی به شمار می‌آیند.

این بخش برای آموزش مبلغان، با مؤسسه آموزشی مذاهب اسلامی همکاری دارد. پس از گذراندن دوره مقدماتی در آن مؤسسه، دوره تکمیلی نیز به صورت هفتگی در روزهای تحصیلی حوزه و در کنار دروس حوزوی برگزار می‌شود. تشکیل مناظره‌های مجازی در حضور استاد، تهیه جزوات آموزشی ویژه مبلغان، دعوت از روحانیون مناطق آسیب‌پذیر برای شرکت در کارگاه‌های آموزشی، تشکیل گروه تخصصی کلام و آموزش زبان خارجی از جمله فعالیتهای بخش فرهنگی برای تربیت مبلغ است.

۲. راه‌اندازی کتابخانه تخصصی.
۲. فرستادن مبلغان به مناطق محروم و آسیب‌پذیر در مناسبت‌های محرم، صفر، ماه مبارک رمضان و ایام فاطمیّه.
۳. شناسایی روحانیون بانگیزه برای استقرار طولانی در مناطق مذکور یا استقرار در قالب طرح «اعزام ۴۵ روزه».
۴. ارتباط نزدیک این بخش و روحانیون اعزامی، با علمای مناطق حسّاس کشور.
۵. ارتباط با اهل سنت بویژه علمای آنها جهت تحکیم وحدت میان شیعه و سنی.
۶. برگزاری اردوهای زیارتی و سیاحتی به مشهد مقدس برای میزبانان روحانیون مستقر.
۷. پشتیبانی از روحانیون مستقر و بومی - اعم از ائمه جمعه و جماعات و مبلغان - در مناطق محروم.
۸. تقویت و حمایت از حوزه‌های علمیه در مناطق محروم؛ مانند تجهیز کتابخانه‌های آنها و تأمین اساتید مورد نیاز و مساعدت مالی طلاب.
۹. احداث و تکمیل ساختمانهای فرهنگی و آموزشی.
۱۰. کمکهای مالی جهت عمران روستاها و شهرهای محروم و توزیع اقلام مصرفی میان خانواده‌های نیازمند.
۱۱. تجهیز کتابخانه‌های بسیج و کانونهای فرهنگی، پشتیبانی معنوی و مادی از بخش فرهنگی مسجد مقدس جمکران و... .
۱۲. چاپ کتابهای دینی به زبان ساده و با تیراژ بالا و برگزاری مسابقات کتابخوانی از آنها در سطح کشور با همکاری دفتر اجرایی مسابقات فرهنگی و احکام قم از سال ۱۳۷۹.

مسابقات

تاکنون دفتر اجرایی مسابقات با مسئولیت حجت‌الاسلام حمزه حیدری در بخش فرهنگی موفق به برگزاری مسابقه‌های متعدد و گسترده در سطح کشور شده است که بازتاب در خور توجه میان اقشار مختلف بویژه جوانان داشته است. گزارشی اجمالی از آنها را از نظر می‌گذرانیم:

احکام نوجوانان

برای ایجاد انگیزه بیشتر در میان نوجوانان جامعه برای یادگیری احکام دین، اولین مسابقه از کتاب رساله احکام برای نوجوانان مطابق با فتاوی آیت‌الله فاضل در سال ۱۳۷۸ به اجرا درآمد. در این مسابقه که از طریق مساجد، هیئت‌ها، کانون‌ها و پایگاه‌های بسیج در ۲۸ استان کشور برگزار شد، طی دو مرحله سؤالاتی توزیع گردید. بیش از ۲۵۵۶۰۰ نفر در این مسابقه شرکت کردند.

احکام ویژه ماه مبارک رمضان

سال ۱۳۷۹ در آستانه ماه مبارک رمضان کتاب ۱۱۰ مسئله ویژه ماه مبارک رمضان همراه احادیث ویژه نماز و روزه از سوی بخش فرهنگی انتشار یافت و مسابقه‌ای با طرح سی سؤال از کتاب مزبور در سراسر کشور با شرکت صد هزار نفر با اهدای جوایزی ارزنده برگزار شد.

کشورداری از دیدگاه امام علی(ع)

از آنجا که مدیران و کارگزاران و مسئولان نیز باید خود را به علم و تقوا مجهز کنند، مسابقه‌ای میان استانداران، فرمانداران، بخشداران، شهرداران و کسانی که به نحوی مسئولیتی در ادارات و سازمانهای دولتی دارند، برگزار شد. بدین منظور کتاب آیین کشورداری از دیدگاه امام علی(ع) از تقریرات درس آیت‌الله فاضل لنکرانی، در نظر گرفته شد:

الف) تابستان سال ۱۳۸۱ پس از مکاتبه و هماهنگی با استانداریهای کل کشور، کتاب مزبور همراه جزوه سؤالات از طریق روابط عمومی استانداریها به صورت رایگان در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفت و ۵۴۹۸ تن از مدیران ارشد استانها در این مسابقه شرکت کردند.

ب) تابستان سال ۱۳۸۲ کتاب مزبور که به قلم حجت‌الاسلام حسین کریمی تقریر و تنظیم گردیده بود، پس از تلخیص به وسیله نامبرده، با تیراژ سی هزار نسخه چاپ و منتشر گردید. این بار با اعلام آمادگی هیجده استانداری، مسابقه در سطح فرماندهان نیروهای مسلح، دانشگاههای دولتی، مدیران و کارگزاران برگزار شد. بیست هزار نفر در آن شرکت کردند و به برندگان مسابقه جوایزی اهدا گردید.

حادثه کربلا و احکام

الف) ضرورت آشنایی بیشتر مردم خصوصاً نسل جوان با علل و انگیزه قیام حضرت

اباعبدالله الحسین(ع)، زمینه را فراهم کرد که این دفتر در سال ۱۳۸۱ش، کتابی را در این زمینه منتشر کند. کتاب مشتمل بر ۲۵ موضوع از حادثه کربلا، همراه نتیجه‌گیری از هر موضوع و نیز پاره‌ای احکام بود. این مسابقه نیز به صورت سراسری در کل کشور برگزار شد. (ب) سال ۱۳۸۲ هم‌زمان با ماه محرم ۱۴۲۵ پس از تجدید چاپ کتاب، بار دیگر مسابقه‌ای در کل کشور از طریق هیئت‌های مذهبی، مساجد و کانونهای بسیج برگزار و تعداد ۶۵ هزار پاسخ واصل شد.

استقبال از این مسابقه، دست‌اندرکاران را بر آن داشت تا در سالهای بعد با گستردگی بیشتر و تیراژ وسیع‌تر اقدام به نشر کتابهای جدید و برگزاری مسابقات کنند.

احکام جوانان و اصول عقاید شیعه

سال ۱۳۸۲ با هدف گسترش معارف دینی در جامعه و آشنایی اقشار مختلف خصوصاً قشر جوان جامعه با احکام و معارف دین، کتاب *احکام جوانان* - مطابق با فتاوی آیت‌الله فاضل - همراه خلاصه‌ای از اصول عقاید شیعه در تیراژ وسیع انتشار یافت. با طرح سؤالاتی از آن، در طول سال مسابقات متعدد از این کتاب برگزار شد. تاکنون بیش از صد هزار نفر در این مسابقات شرکت کرده‌اند.

کتاب به زبانهای روسی، آذری و اردو نیز انتشار یافته است. این مسابقات در کشورهای افغانستان، پاکستان، هند و آذربایجان نیز برگزار شده است.

احکام و احادیث اخلاقی

در تابستان سال ۱۳۸۲ به منظور پر کردن اوقات فراغت جوانان جزوه‌ای شامل هفتاد مسئله از کتاب *جامع المسائل* همراه چهل حدیث اخلاقی و تربیتی تهیه و تدوین و در تیراژ صد هزار چاپ شد. در انتهای جزوه، سی سؤال تستی همراه پاسخ‌نامه در اختیار مشتاقان در سراسر کشور قرار گرفت. بیشتر مجریان این طرح روحانیون اعزامی طرح تابستان بودند و اجرای آن همچنان ادامه دارد.

هفت آسمان جوانی

به منظور پر کردن اوقات فراغت جوانان سلسله کتابهایی با عنوان *هفت آسمان جوانی*

برای شرکت در مسابقه به همت بخش فرهنگی منتشر می‌شود. در این کتاب، مجموعه‌ای از دانستنیهای دینی که توجه به آن انسان را در مسیر سعادت رهنمون می‌سازد، سامان یافته است. تیراژ هر کدام از مجلدات این مجموعه، صد هزار است.

الف) در تابستان سال ۱۳۸۳ پیش‌شماره مجموعه هفت آسمان جوانی انتشار یافت. رئوس مطالب آن عبارت است از: گلشن اندیشه‌ها، احکام، گلگشتی در تاریخ، جلوه‌هایی از معارف قرآن، اسوه‌های جاوید، اخلاق و زندگی، استفتائات، وظایف ما در روزگار غیبت. پایان‌بخش کتاب ۴۵ سؤال تستی همراه پاسخ‌نامه است.

ب) شماره اول در سال ۱۳۸۴ با تیراژ پنجاه هزار منتشر شد. عنوانهای اصلی آن عبارتند از: سیری در اندیشه امامت، دانستنیهای احکام، وظایف ما در دوران غیبت، پاسخ به پرسشهای شرعی و احادیثی از معصومان(ع).

ج) شماره دوم در سال ۱۳۸۵ با تیراژ صد هزار نشر یافت. به مناسبت سال پیامبر اعظم(ص)، گلبرگهایی از زندگانی آن حضرت تبیین شده است.

د) شماره سوم در سال ۱۳۸۶ با شمارگان ۱۲۰ هزار انتشار یافت. این شماره به گلبرگهای اخلاقی و تربیتی از دیدگاه پیامبر اسلام(ص) اختصاص دارد.

سیره نبوی و خاتمیت

سال ۱۳۸۵ از کتاب سیری در سیره نبوی و خاتمیت تألیف استاد شهید مطهری، ویژه طلاب در قم، مشهد، اصفهان، تهران، کرج و اهواز به صورت مسابقه حضوری برگزار و از میان هشت هزار شرکت‌کننده برادر و خواهر به ۱۱۰ نفر جوایزی اهدا شد.

جلوه‌های عاشورا

به منظور آشنا کردن افراد جامعه مخصوصاً قشر جوان و نوجوان با فلسفه و هدف قیام عاشورا و دستاوردهای آن نهضت و نیز آشنایی با عبرتها و نکات آموزنده این حادثه بزرگ، بخش فرهنگی سلسله کتابهایی با عنوان جلوه‌های عاشورا به مناسبت ماههای محرم و صفر چاپ کرده است. در این کتاب مجموعه‌ای از مطالب مورد اشاره به همراه استفتائات و احکام مربوط به محرم و عزاداری و سایر احکام جمع‌آوری و در پایان، سؤالاتی برای شرکت در مسابقه تنظیم شده است.

الف) در محرم سال ۱۴۲۶ ق (۱۳۸۳ ش) اولین شماره جلوبه‌های عاشورا با تیراژ هفتاد هزار منتشر شد. چاپ دوم نیز با همان تیراژ در ماه صفر همان سال نشر یافت. حدود ۱۴۰ هزار نفر در این مسابقه شرکت کردند.

ب) دومین شماره در سال ۱۳۸۴ ش با تیراژ صد هزار نشر یافت و در همین حدود شرکت‌کننده در مسابقه داشت.

ج) سومین شماره جلوبه‌های عاشورا در سال ۱۳۸۵ در تعداد صد هزار به چاپ رسید.

د) سال ۱۳۸۶ شماره سوم بار دیگر با تیراژ ۱۲۰ هزار تجدید چاپ شد.

باورهای وهابیت

پس از انتشار کتاب رویکرد عقلانی بر باورهای وهابیت به اهتمام بخش فرهنگی، مسابقه‌ای از آن، ویژه طلاب سراسر کشور در سال ۱۳۸۴ در قم برگزار شد.

یادآوری

شایان ذکر است که بخشی از کتابهای مذکور به زبانهای روسی، آذری، اردو و عربی نیز انتشار یافته است. بخش فرهنگی در برخی کشورها نیز فعالیتهایی از قبیل اجرای مسابقات داشته است؛ از جمله در: آذربایجان، افغانستان، پاکستان، روسیه، سوریه، مالزی و هند.

آثار منتشره از سوی بخش فرهنگی

تاکنون بخش فرهنگی کتابهایی متعدد به چاپ رسانده است و بیشتر آنها برای برگزاری مسابقات، تهیه و منتشر شده‌اند. آنچه هنگام به قلم آوردن این نوشته در اختیار نگارنده بود، عبارتند از:

۷۰ مسئله از جامع المسائل، چاپ اول ۱۳۸۲ ش.

برای پر کردن اوقات فراغت جوانان در تابستان، این کتاب که شامل هفتاد سؤال و جواب فقهی مورد ابتلا و نیز چهل حدیث اخلاق است، منتشر شده است. پایان‌بخش کتاب، سی سؤال جهت شرکت در مسابقه است.

۱۱۰ مسئله ویژه ماه مبارک رمضان، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش.

علاوه بر احکام شرعی، آیات و احادیثی نیز در زمینه نماز و روزه در آن گرد آمده است.

بخش فرهنگی ۳۵۱

جلوه‌های عاشورا، قم، ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۶ ش

تاکنون سه شماره از مجموعه «جلوه‌های عاشورا» در تیراژهای هفتاد هزار و صد هزار و به صورت مکرر به چاپ رسیده‌اند. همان‌گونه که از عنوان آنها برمی‌آید، این سری کتابها به شناساندن معارف عاشورا اختصاص دارند و در ادامه آنها، پاره‌ای از احکام ضروری آمده است.

چرا؟ چرا؟ (پرسش و پاسخ در مدینه منوره)، علی عطایی اصفهانی، قم، امیرالعلم، ۱۳۸۵ ش، ج ۱، چاپ چهارم و ج ۲، چاپ دوم.

حجت‌الاسلام علی عطایی در سال ۱۳۸۲ ش مدتی در بعثه آیت‌الله فاضل در مدینه، به عنوان مسئول پاسخ‌گویی به مسائل شرعی مشغول خدمت بوده است. در این مدت به پیشنهاد روحانیونی که در بعثه رفت و آمد داشته‌اند، مسائل اختلافی میان شیعیان و اهل سنت را به اجمال مورد بررسی قرار می‌دهد. بخشهایی از کتاب، خاطرات نویسنده از مناظراتی است که با مخالفان داشته است.

رویکرد عقلانی بر باورهای وهابیت، نجم‌الدین طبسی، ترجمه مصطفی داداش‌زاده، قم، انتشارات امیرالعلم، چاپ سوم، ۱۳۸۶ ش، ج ۳

نویسنده کوشیده است ایرادات وهابیه را به تشیع را به گونه‌ای مستدل پاسخ گوید. کتاب ترجمه روافد الایمان الی عقائد الإسلام است.

مسابقه بزرگ ۲۵ موضوع از حادثه کربلا، قم، بخش فرهنگی دفتر آیت‌الله فاضل، چاپ اول ۱۳۸۱ ش. در این کتاب ۲۵ موضوع از حادثه عظیم کربلا تبیین شده و در ادامه احکامی ضروری جهت شرکت در مسابقه گرد آمده است.

هفت آسمان جوانی، قم، انتشارات امیرالعلم، چاپ اول، ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶ ش، ج ۴

این سلسله کتابها که جهت برگزاری مسابقات تدوین و نشر یافته است، در تیراژهای بالا چاپ و عرضه شده‌اند. معرفی اجمالی آنها در قسمت مربوط به مسابقات بخش فرهنگی گذشت.

۳۵۲ بر مسند مرجعیت

رهنمودها

یکی از راههای دستیابی به سعادت، بهره‌گیری از راهنمایی انسانهای موفق است. حضرت آیت‌الله العظمی فاضل در مصاحبه‌ها، پیامها، سخنرانیها و دیدارهای فراوان، توصیه‌های ارزشمندی کرده است که برای قشرهای گوناگون جامعه بسیار راه‌گشا است. بیشتر این سفارشها به زمان مرجعیت ایشان باز می‌گردد که پشتوانه آنها یک عمر تجربه سیاسی و اجتماعی، آگاهی از علوم اسلامی، اطلاع از اوضاع جامعه و از همه مهم‌تر حاصل یک عمر تهذیب نفس است. چنین سخنانی که از عمق جان برآمده و با اخلاص، بر زبان رانده شده، راهنمایی مناسب برای همگان است. این بخش در بردارنده دستورالعملهای اخلاقی، سیاسی و اجتماعی است که از سوی عالمی بزرگ ارائه شده است.^۱

قرآن

در دیدار طلاب شرکت‌کننده در اردوی تربیت معلم قرآن کریم: اصلی‌ترین منبع احکام شرع و دستورهای دین ما قرآن است که مورد توجه خاص همه فرقه‌های اسلامی است. اگر کوچک‌ترین خدشه‌ای به این کتاب مقدس وارد شود، همگان با جدیت کامل به مقابله برمی‌خیزند. از این رو آشنایی هرچه بیشتر با قرآن از ضروریات است. شرایط فعلی فرهنگی جامعه ایجاب می‌کند که تلاش و کوشش در این زمینه باید دوچندان شود. بدانید که از برکات و آثار قرآن که یکی از آنها رفع مشکلات در دنیا و آخرت است، بهره مند خواهید شد.

۱. متن کامل پیامها در همین کتاب در قسمت مربوط می‌آید. از این رو مآخذ آنها را ذکر نکردیم.

در پیام به جشنواره قرآن: بر تمامی انسانها خصوصاً جوانان عزیز فرض است که با قرآن انس بگیرند و برای رشد و تعالی روحی خود و چیره شدن بر همه مشکلات شخصی و اجتماعی و فرهنگی خود از آن استمداد جویند و بر مسئولان ما و نیز علما و ائمه جمعه و جماعات لازم است تا زمینه‌های پیوند و انس هرچه بیشتر جوانان با قرآن را فراهم سازند. در پیام به همایش شیعه‌شناسی، راهکارها و چالشها: از زمانهای گذشته دشمنان اسلام اندیشه تحریف قرآن را از طریق برخی از مذاهب اسلامی به این مذهب حق نسبت داده‌اند و امروزه یکی از چالشهای مهم در مواجهه با سایر مذاهب همین امر است. گرچه در برخورد و پاسخ به این اتهام تلاشهای زیادی شده است و بزرگان گذشته و حال، مقالات و کتب فراوانی را تألیف نموده‌اند؛ اما به نظر می‌رسد که هنوز نتوانسته‌ایم به صورت کامل این پیرایه را بزدایم. لازم است راههایی اندیشیده شود تا به طور کلی این نسبت از دامن شیعه و در نهایت از بدنه اسلام پاک شود و دشمن را که از این طریق در صدد متزلزل نمودن اساس اسلام است، مأیوس نماییم.

اهل بیت(ع)

در پیام به مناسبت عید سعید غدیر: برای تمسک حقیقی به وحی الهی هیچ طریقی جز تمسک به عترت وجود ندارد. باید دانست که برای رسیدن به باطن حقیقت قرآن باید به حقیقت امامت و عترت چنگ زد. اگر به دنبال استخراج درر و گنجهای مخفی آیات شریفه هستیم و اگر به دنبال پیاده کردن قرآن کریم در جامعه پر از تلاطم و دنیای مملو از فتنه و تزویر و آمیخته به مذاهب و مکتبهای انحرافی هستیم، باید از طریق هدایت ائمه معصومین به آن برسیم. انقلاب اسلامی ما و نهضت عظیم امام خمینی که توانست معادلات مهم دنیا را بر هم زند و قلوب همه انسانها و مستضعفان را متوجه خود سازد، از این جهت بود که ریشه در غدیر و عاشورا و در یک کلمه برخاسته از امامت و ولایت است. باید برای تداوم آن هرچه بیشتر خود را با غدیر و اهداف آن آشنا سازیم ... از همه طبقات خصوصاً طلاب و دانشجویان و اهل فکر و نظر می‌خواهم که از سفره گسترده امامت هرچه بیشتر بهره برده و قلب و دل و عمل و کردار خویش را همیشه مزین و معطر به رهنمودهای آنان بنمایند.

در پیام به همایش امیرالمؤمنین و ارزشها: نعمت عظمای امامت و ولایت برترین موهبتی است که خداوند متعال نصیب مؤمنین و شیعیان نموده است. افتخار پیروی از مکتب اهل بیت عصمت و طهارت و متصل بودن به ریسمان محکم ولایت امری است که هیچ ارزشی با آن یارای برابری ندارد. همه می‌دانیم که محور قبولی جمیع اعمال و عبادات و امور فردی و اجتماعی و حتی سیر و سلوکه‌های معنوی و عرفانی، همان ولایت و امامت است که بدون آن هیچ چیزی دارای اعتبار نیست ... بدانید که همه ارزشها به امامت و ولایت ختم می‌شود و اهل بیت تنها وسیله‌ی الی الله و حبل محکم و متین الهی هستند و باید آثار و برکات و حقیقت این امر عظیم هرچه بیشتر بررسی شود و جامعه خصوصاً نسل جوان امروز را که آمادگی فراوان برای بهره‌برداری از معارف و حقایق دینی دارند، بیش از گذشته آگاه نمود.

حضرت فاطمه(س)

در دیدار شورای مرکزی ائمه جماعات قم: اینجانب از همه ملت متدین خصوصاً روحانیون بزرگوار و ائمه جمعه و جماعات می‌خواهم که روز شهادت صدیقه کبری فاطمه زهرا(س) را به صورت چشم‌گیر عزاداری نمایند و هرچه بیشتر این وجود شریف را به دنیا معرفی نمایند که این عزاداری در روز سوم جمادی الثانی به عنوان حضرت زهرا(س) انعکاس خاص جهانی دارد که این انعکاس با کتاب و صحبت صورت نمی‌گیرد؛ فقط با سر و سینه زدن این انعکاس تحقق پیدا می‌کند.^۱

در پیام به مناسبت ایام فاطمیّه: لازم است مؤمنین و پیروان اهل بیت(ع) به ایام فاطمیّه بیش از گذشته اهتمام ورزیده، نگذارند این حادثه ناگوار در لابه‌لای حوادث دیگر کم‌رنگ شود و خصوصاً روز سوم جمادی الثانیه را که از طرف دولت جمهوری اسلامی تعطیل عمومی اعلام شده، مورد عنایت خاص قرار دهند. باشد که آن حضرت را که مادر فرهنگ تشیع است، در این راه همراهی نماییم و در روز قیامت مورد شفاعت خاص ایشان و اولاد طاهرینش قرار گیریم.

در پیام به مناسبت ایام فاطمیّه: اینک بر عموم شیعیان است که در روز سوم جمادی الثانیه که از طرف دولت جمهوری اسلامی تعطیل رسمی است، محافل و مجالس عزا اقامه نموده و با دستجات عزادار در کوچه‌ها و خیابانها ظاهر شوند تا گوشه‌ای از حق آن شهیده را ادا کرده باشیم.

در پیام به مناسبت ایام فاطمیّه: همه انسانها بر حسب آیه شریفه «قل لأسألکم علیه أجراً إلا المودة فی القربی» در برابر حق معنوی بزرگ پیامبر در هدایت بشریت، موظف به یک تکلیف مشترکند و آن مودت و محبت به ذی‌القربی و خاندان پیامبر(ص) است که در رأس آنان زهراى اطهر است و این امر به عنوان یک تکلیف و فریضه برای همه انسانها در تمامی دوران است و اختصاص به مردم زمان آن حضرت نداشته است. مودت نسبت به فاطمه، تکریم و تعظیم آن حضرت و احیای یاد و خاطره او و ذکر رنجه‌ها و مصائبی است که بر آن وجود نازنین وارد شده است.

حضرت مهدی(ع)

در پیام به جشنواره برترینهای فرهنگ مهدویت در مطبوعات: به همه مردم عزیز از دانشجو و روحانی، کارگر و کارمند، پیر و جوان، زن و مرد، سفارش می‌کنم که بدانند که اگر در عصر غیبت به حسب ظاهر محروم از رؤیت آن جمال نورانی هستیم، اما عشق به آن خورشیدی که در پس پرده غیبت است، باید در همه ما زنده باشد. امروز سیر و سلوک به حق هیچ راهی جز از طریق اتکال بر حجت خدا ندارد. باید از آن وجود شریف در همه مشکلات استمداد جوییم.

احیای فرهنگ مهدویت، بدین معنا است که ارتباط وثیق و محکمی بین امت و حجت خدا ایجاد کنیم. موانع اتصال بین خودمان که عاجز و ناقص و ضعیف و ناتوان هستیم و بین آن حضرت را برطرف سازیم. احیای این فرهنگ از وظایف بزرگی است که انتهای آن زمان ظهور خواهد بود. باید این نسل و نسلهای دیگر را برای ظهور آن حضرت آماده نمود. امروزه باید انسانهای مضطرب و سرگشته بدانند که توجه به آن وجود شریف بزرگ‌ترین مایه آرامش و اطمینان است و توحید واقعی در گرو ولایت است. «الذین آمنوا ولم یلبسوا

ایمانهم بظلم أولئك لهم الأمن» تطهیر از شرک و نفاق و هرگونه ظلمی در گرو تمسک به ولایت است و آن وجود شریف، مطهر از هرگونه نخوت و آلودگی است. رسیدن به مقام امن که آرزوی بزرگ اولیای خدا است، جز از راه ولایت نخواهد بود.

در دیدار دانش‌پژوهان مرکز تخصصی مهدویت: مسئله وجود مقدس امام زمان(ع) - که همه ما و شما افتخار سربازی آن حضرت را داریم - از مهم‌ترین مسائل به شمار می‌آید. کارهای مهمی در این زمینه صورت گرفته است؛ ولی کارهای مهم‌تری نیز باید انجام شود؛ مانند اصل مسئله ولایت و مسائل متفرع برآن، پاسخ به شبهات، نوشتن کتاب در شرح حال امام زمان(ع) و... در هر حال این مسئله ابعاد مختلفی دارد و شناساندن حقیقت امام زمان(ع) به مردم از جمله کارهای بسیار مهم و ضروری است.

در مورد امام زمان(ع) سعی کنید در ابعاد مختلف واقعیتها را با زبان و قلم روز بگویند و بنویسید. نظریات شخصی خود را اعمال نکنید. بهترین کتابها و مطالب را - مربوط به هرکس و هر زمانی که باشد - جمع‌آوری و بیان کنید. مسئله امام زمان(ع) مسئله مهمی است و در هر بعد از ابعاد آن باید قوی‌ترین، استدلالی‌ترین و زیباترین مطالب را انتخاب و ارائه کنید. سعی کنید یک کتاب یا مجموعه بسیار متقنی در این باره به تحریر درآورید که پاسخ‌گوی نیازهای همگان باشد.^۱

در پیام به اجلاس مهدویت: مهم آن است که توجه به وجود مبارک حضرت حجت - عجل الله تعالی فرجه الشریف - که ریشه در اعتقادات دین و مذهب ما دارد، باید از دایره محدود اعتقاد صرف خارج گردد و در آثار و فواید علمی و عملی آن کند و کاو بیشتری گردد ...

به طور قطع می‌توان ادعا نمود که با توجه عمیق و درک صحیح از اصل مسئله امامت و نیز از وجود آن حضرت، قادریم همان آثاری را ملاحظه نماییم که با حضور معصوم(ع) ملاحظه و مشاهده می‌شود. البته با غیبت آن وجود مقدس و محروم شدن مردم و جامعه از رؤیت ظاهری طبعاً از مقدار زیادی فیوضات و برکات محروم خواهیم بود. اما روشن است

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۲/۱۵، ویژه‌نامه شاخه‌ای از شجره طوبی، ص ۱۰.

چنانچه این فرهنگ را در جامعه و میان جوانان تزریق نماییم که همه اعمال و حرکات شخصی و اجتماعی ما در محضر آن وجود مبارک است و ایشان احاطه کامل بر همه امور ما دارند، در این صورت نحوه رفتار و کردار، شکل دیگری به خود خواهد گرفت. با پیاده نمودن فرهنگ مهدویت در جامعه، می‌توان انسانهای والا و شخصیت‌های بزرگی را تربیت نمود.

اگر با تتبع کامل و نگرشی دقیق شیوه حکومتی آن حضرت را از میان منابع موجود استخراج نماییم و بدانیم که آن حضرت از سیره جدش پیامبر(ص) پیروی و زندگی او همچو زندگی امیرالمؤمنین علی - علیه افضل صلوات المصلین - است (بسیار بسیره رسول الله ولایعیش إلا عیش امیرالمؤمنین)، آنگاه می‌توانیم بفهمیم که واقعاً برای ظهور پر از سرور آن قبله کائنات آمادگی داریم یا خیر؟ اگر رسول خدا میزان اکبر است و همه چیز باید با سیره و روش و راه او سنجیده شود و اگر آنچه که موافق با او بود حق است و آنچه مخالف است باطل، پس آن حجت کبری هم چنین خواهد بود؛ هم در این زمان و هم در زمان ظهور. آن حضرت احیاکننده دین اسلام و سنت پیامبر و اجداد طاهرین خود است و هرآنچه را که اسلام و این خاندان مورد آمال و آرزوهای آنان بوده است با ظهور آن حضرت محقق خواهد شد.

حضرت معصومه(س)

در مصاحبه: لازم است مردم شریف ما از زیارت این بانوی بزرگ غفلت نوزند و حتی آنها که در مناطق دوردست این کشور زندگی می‌کنند، مقید باشند همچنان که به زیارت حضرت امام رضا(ع) مشرف می‌شوند، حداقل سالی یک بار به قصد زیارت این کریمه اهل بیت(ع) نیز عزم سفر نمایند.

حضرت معصومه(س) همانند برادر بزرگوارش مهمان ما ایرانیانند؛ زیرا چنان که می‌دانید یک سال پس از آمدن حضرت رضا(ع) به ایران خواهر بزرگوارش به قصد دیدار برادر از مدینه به سوی خراسان حرکت می‌کند؛ ولی متأسفانه بر اثر رخ دادن حوادثی در ساوه این بانو مریض می‌شوند و به جانب قم حرکت می‌کنند. چند روزی در قم می‌مانند و بر اثر همان بیماری به جوار حق می‌شتابند و در همین قم مدفون می‌شوند.

لذا زیارت ایشان عنوان مهمان‌نوازی نیز دارد و مردم عزیز ایران که به مهمان‌نوازی مشهورند، شایسته است تا حدّ توان، در زیارت این کریمه اهتمام ورزند، خصوصاً مردم شریف قم که توفیق هم‌جواری آن حضرت را دارند و روحانیون عزیز که از برکات وجودی این کریمه بهره‌مندند باید بیش از دیگران به زیارت حضرت معصومه (س) توجه نمایند.^۱

ولایت فقیه

در درس خارج: امروز مشروعیت همهٔ امور مملکتی با نظر ولی فقیه است و الا مشروعیت کارهای ما زیر سؤال می‌رود. ما که در اروپا نیستیم که کسی حکومت را قبضه کرده باشد و بخواهیم تحت قبضهٔ او باشیم؛ بلکه کارهای ما باید اسلامی باشد. مشروعیت حکومت اسلامی ایران به ولایت فقیه است و در این مشروعیت فرقی نمی‌کند که فقیه اعلم باشد یا نباشد.^۲

از بیانات آیت‌الله فاضل: مسئلهٔ رهبریت به شخص ارتباط ندارد. مسئلهٔ رهبریت در مورد مقام است. مقام رهبریت واجب‌الاطاعه است؛ بلکه به عقیدهٔ شخصی من، الآن حمایت از مقام رهبری از زمان امام واجب‌تر است؛ برای اینکه آن شخصیت امام، آن شخصیت والا و جهانی امام، چه بسا نیاز به این نداشت که من طلبه و امثال من از او حمایت کنیم و لو اینکه آن‌هم واجب بود و حمایت می‌کردیم؛ اما نیاز چندانی به حمایت من طلبه احساس نمی‌شد. همان‌طور که حمایت از امام نه شخص امام، واجب بود، الآن بیشتر احساس ضرورت و نیاز دارد. این مقام، واجب‌الاطاعه است و باید محترم شناخته شود.^۳

انقلاب اسلامی

در درس خارج: همیشه از خدا بخواهید که شما را در خط واقعی این انقلاب با آن خصبهٔ اسلام راستین که همانا تشیع است، باقی بدارد و دست خائنین و ابرقدرتهایی که

۱. فرهنگ کوثر، ش ۳.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۶/۹/۲.

۳. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۲/۱۵، ویژه‌نامهٔ شاخه‌ای از شجرهٔ طوبی، ص ۱۴.

هر روز برای انقلاب ما نقشه‌های متفاوت می‌کشند، از سر ما کوتاه بگرداند.^۱
در مصاحبه: تعجب می‌کنم از برخی که در مورد انقلاب ما درست فکر و مطالعه نکردند که به نظر من اینها حتی رژیم طاغوت را هم تشخیص ندادند و نفهمیدند که طاغوت چه هدفی داشت و بر حسب دستور ابرقدرتها به دنبال چه مطلبی می‌رفت. لذا باید واقعاً بر اینها متأسف بود و توصیه کرد که: قدری لااقل رژیم طاغوت را مطالعه کنید و به عمق هدف رژیم طاغوت مراجعه کنید تا بفهمید که انقلاب اسلامی چه ارزشی دارد و چه نقشی در جامعه ایفا می‌کند.^۲

در درس خارج: همهٔ علما و ملت باید هوشیار و بیدار باشند و حافظ اصول محکم انقلاب خود باشند. در عین حال باید مراقب باشیم هرکاری که برای این انقلاب و به نام دفاع از اصول انقلاب انجام می‌شود، باید دو خصوصیت داشته باشند و الا مورد قبول ما نیست: یکی اینکه شارع اجازه داده باشد و دوم اینکه کاری نکنید که موجب تضعیف انقلاب شود؛ به طوری که رادیوهای خارجی و بیگانگان از آن خشنود شوند. به نظر اینجانب هرکاری که بر ضرر انقلاب باشد، شرعاً حرام است. البته تشخیص موضوع به عهدهٔ مردم و افراد است.^۳

در دیدار اعضای شورای مرکزی خانهٔ مطبوعات در استان قم: امام خمینی توانست بساط اسلام واقعی را در ایران بگستراند و ما باید با تلاش خود مانع برچیده شدن آن شویم و هر روز به آن رونق بیشتری بدهیم. همهٔ ما فانی شدنی هستیم و طوری نباشد اعمال ما زحمات انقلاب و ویژگی اسلامی بودن آن را از بین ببرد.

اگر در این انقلاب تزلزلی ایجاد شود یا خدای نخواستہ شکست بخورد، نه در ایران بلکه در هیچ جای دنیا انقلابی اسلامی به وجود نخواهد آمد. سعی کنید در راه تداوم انقلاب و حفظ عقاید مردم نسبت به انقلاب و امام تلاش کنید.^۴

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۷/۳/۱۲.

۲. پیام انقلاب، ش ۹۱، ص ۳۱.

۳. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۶/۹/۲.

۴. رسالت، ۱۳۷۸/۹/۲۹.

در درس خارج: باید این سرمایه (انقلاب اسلامی) را حفظ کنیم. باید این سرمایه ان شاء الله به دست مبارک حضرت ولی عصر (ع) برسد. این انقلاب با آن خصیصه اسلامی بودن و آن هم اسلام حقیقی، خیلی برای ما ارزش دارد. انقلاب ما در حقیقت تداوم راه خونین امام حسین و تداوم ماه محرم و صفر است.

ما مخالف زیاد داریم. اسلام مخالف زیاد دارد. ابرقدرتها دستشان از منافع ما کوتاه شده است. در اواخر زمان طاغوت رئیس جمهور وقت آمریکا می گفت: ما در دنیا دستی بالاتر از دست ایران نداریم و یاری بالاتر از ایران نداریم. این دست با پیروزی انقلاب اسلامی ایران قطع شده و امیدواریم الی الأبد قطع باشد و شاهد روزی نباشیم که ابرقدرتی بر ما سیطره پیدا کند.^۱

از سخنان آیت الله فاضل: ما در شرایط خاصی قرار گرفته ایم که باید عملاً حافظ این انقلاب باشیم ولو به ما سخت بگذرد ولو ناراحتی زیادی تحمل کنیم؛ ولی عمل من و شما باید حافظ انقلاب باشد. خدای نخواستگه کمترین ضربه و کوچکترین لطمه ولو از عمل من و شما به این انقلاب بخورد، قابل جبران و غفران نیست.

این حساب، حساب شخص نیست؛ این حساب یک نظام است؛ آن هم نظامی بعد از هزار و دویست، سیصد سال. ما یک چنین نظامی را به وجود آورده ایم حالا باید تحمل کنیم؛ باید زحماتش را ناراحتیهایش را تحمل کنیم؛ بالأخره در برابر اینها ان شاء الله پیش خداوند تبارک و تعالی مأجور خواهیم بود.^۲

در دیدار گروهی از فرماندهان و مدیران ارشد نیروی زمینی سپاه: راهپیمایی ۲۲ بهمن یک راهپیمایی عادی نیست؛ بلکه نوعی ابراز عقیده و اعلام حمایت از آرمانهای بلند انقلاب است. بعد از انقلاب اسلامی، مردم جهان در برابر زور و استکبار خضوع نکردند. انقلاب اسلامی خدمات بزرگی را به تمام بشریت بویژه آزادی خواهان ارائه داده است؛ به گونه ای که همه مردم در سراسر جهان راه مبارزه با ظلم ستیزی را فراگرفتند.

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۷/۳/۱۲.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۲/۱۵، ویژه نامه شاخه ای از شجره طوبی، ص ۱۴.

در انقلاب اسلامی ثابت شد که خداوند بزرگ در باطن سرنوشتها را رقم خواهد زد و قدرت قدرتمندان بزرگ، پوچ و توخالی است. ما نباید نقش انقلابیون و در رأس آنها حضرت امام در پیروزی انقلاب اسلامی را به فراموشی بسپاریم.^۱

در دیدار اعضای شورای مرکزی مطبوعات قم: طوری نباشد که اعمال ما باعث شود در زحمات امام انقلاب و جمهوری اسلامی تزلزلی ایجاد شده یا خدای نخواستہ از بین برود. هرگونه تزلزل در جمهوری اسلامی که موجب نابودی انقلاب اسلامی شود، باعث خواهد شد همه کسانی که انقلاب اسلامی را الگوی خود قرار داده بودند، مأیوس شده و در نتیجه در هیچ جای دیگر دنیا انقلاب اسلامی به وجود نخواهد آمد.^۲

در دیدار جمعی از اعضای هیئت رزمندگان اسلام قم: امروزه و در شرایط بسیار حساس کنونی لازم است فرزندان جبهه و جنگ هرچه بیشتر مراقب توطئه‌های داخلی و خارجی باشند و از انقلاب و آرمانهای مقدس امام راحل و خونهای پاک شهیدان حراست نمایند.^۳

در دیدار جمعی از مسئولان مدارس استثنایی کشور: دشمن دریافته است که اسلام، این ملت را به حرکت درآورد و این انقلاب عظیم به برکت دین اسلام و هدایت روحانیت و در رأس آنها شخصیت بی‌نظیر در عالم روحانیون شیعه، امام راحل به وجود آمد. من به ملت عزیز و بزرگوار عرض می‌کنم: مراقب اسلام و انقلاب خود باشند و از این انقلاب عظیم با تمام وجود مراقبت نمایند.^۴

در درس خارج به مناسبت محرم و دهه فجر: امام خمینی با سرمشق قرار دادن عاشورا توانست این نهضت عظیم را برپا کند. قیام حضرت امام و انقلاب اسلامی برگرفته از قیام سالار شهیدان و درسی از درسهای آن حضرت است. مردم ما باید بدانند که حکومت طاغوت برای مال و نوامیس و عزت مردم و از همه مهم‌تر برای دین و اعتقادات آنها هیچ اعتباری قائل نبود؛ بلکه در صدد هدم آن بود و تاریخ زندگی پهلوی شاهد آن است. باید همه ما قدر این انقلاب را بدانیم.

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۱۱/۱۸.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۸/۹/۲۹.

۳. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۲/۸.

۴. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۸/۴/۸.

در درس خارج: انقلاب عنایتی از خداوند بزرگ بود که بر ملت شریف ایران ارزانی شد. اگر این انقلاب نبود، امروز اثری از دین و اسلام و روحانیت و حوزه علمی با این جمعیت بیست و هشت هزار نفری نبود. راهی که طاغوت در پیش گرفته بود، مبارزه با همه مظاهر دین و اساس اسلام بود. حتی با تاریخ اسلام. مگر تاریخ اسلام چه گناهی داشت؟ مگر عدد هم گناه دارد؟ چون اینها اشاره‌ای به رسول خدا داشت، دیدند که باید محو کنند.^۱

در درس خارج: مهم‌ترین ویژگی انقلاب اسلامی ایران در بین انقلابهای جهان، اسلامی بودن آن است. هدف از آن اجرای احکام اسلامی است. هدف تغییر شخصی و سپردن حکومت به شخص دیگر نیست. دنیا خصیصه اسلامی بودن این انقلاب را مورد توجه قرار داده است.

در آن اوایل که برای جمهوری اسلامی می‌خواستند رأی بگیرند، امام بزرگوار خیلی زحمت کشید و مردم را متقاعد کرد که اگر به جمهوری اسلامی می‌خواهید رأی بدهید، به همین رأی بدهید؛ نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد. برخی روشن‌فکرها روی اهداف و مقاصد خودشان تأکید داشتند که یک کلمه «دموکراتیک» به این عنوان اضافه کنند، که به معنای آزادی غربی است، اما امام بزرگوار زیر بار نرفتند و فرمودند: ما روی اسلام و عنوان جمهوری اسلامی تکیه داریم. بالأخره آنچه را همه زحمت کشیدند و عمری را ما و امثال ما روی آن گذاشتیم، همین جمهوری اسلامی است و مقصود از اسلامی بودن همان اسلام واقعی است و ما معتقدیم اسلام واقعی و راستین در مکتب تشیع متبلور است.^۲

در دیدار میرمحمد صادقی معاون آموزش و تحقیقات و سخنگوی قوه قضائیه: انقلاب ما مثل سایر انقلابها نیست که افرادی به جای افراد دیگر بیایند تا قدرت را قبضه کنند بلکه هدف امام راحل و مقام معظم رهبری پیاده کردن احکام اسلامی بوده است.^۳

در دیدار مسئول و اعضای تحریریه روزنامه قدس: هدف مهم امام راحل و به تبع ایشان مردم، برپایی حکومتی بود که در سایه آن، تمام احکام نورانی قرآن پیاده شود.

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۴/۱۰/۲۴.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۶/۹/۲.

۳. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۹/۸/۲۱.

مقصود این نبود که احکام اسلامی فقط در سطح بالا پیاده شود. جامعه ما می‌خواست یک جامعه اسلامی باشد و کشور نمونه در جهان باشد که بحمدالله امروز هست.^۱

در درس خارج: به نظر اینجانب بزرگ‌ترین دستاورد انقلاب، مطرح شدن اسلام واقعی در تمامی جهان و مطرح شدن تشیع در دنیا است. همه دنیا وقتی فهمیدند در ایران انقلاب شده، به دنبال آن جویا شدند که چه کسی این انقلاب را به وجود آورده است. یک مرد روحانی مجتهد که تابع مسلک تشیع است و طبعاً اهل فکر و نظر روی این مذهب مطالعه می‌کنند که این چه مسلکی است که چنین قدرتی را به وجود آورده است و توانسته در مقابل خواسته آمریکا چنین حکومتی را به وجود آورد. هرکه اهل منطق باشد دنبال می‌کند و تحقیق پیرامون آن را انجام می‌دهد.

انقلاب یک نعمت الهی است که حفظ آن بر همه واجب است. بدانید انقلاب امانت بزرگ خداوند در دست من و شما است. اگر این انقلاب واقع نمی‌شد امروز اثری از دین و حوزه‌های علمیه نبود.^۲

وحدت

در درس خارج: آنچه امروز دشمن را می‌تواند به هدف خود نزدیک کند، عبارت است از: ایجاد تفرقه و اختلاف بین گروه‌های معتقد به نظام و انقلاب، بین شیعه و سنی، بین روحانی و دانشجو و بین همه مردم حاضر در صحنه. بر همه لازم است از تفرقه و اختلاف بپرهیزند و با درایت و هوشیاری، مسئولان محترم را در حل مشکلات مردم یاری کنند.^۳

در درس خارج: ما باید کاملاً هوشیار باشیم و وحدت خودمان را حفظ کنیم. بین مردم، روحانیت، مسئولان، جناحها، رؤسای قوه‌ها و ... نباید هیچ‌گونه تعارضی حس کنیم و اگر خدای نخواست تعارضی وجود داشته باشد، مسئول بزرگ‌تری به نام رهبر بزرگوار انقلاب داریم که همه مسائل را ایشان باید حل و فصل کنند. انواع نقشه‌ها برای آسیب‌پذیر کردن

۱. رسالت، ۱۳۷۷/۴/۳۱.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۶/۹/۲.

۳. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۹/۲/۸.

انقلاب ما وجود دارد. اگر فکر کنیم دشمنان ما روزی از فعالیت علیه انقلاب دست برمی‌دارند، چنین نیست. ما باید اتحاد و انسجام خودمان را حفظ کنیم.^۱

در دیدار حجت‌الاسلام سید محمد خاتمی، رئیس‌جمهور وقت: سعی کنید با وجود سلیقه‌ها و جناح‌های مختلف، دامنهٔ اختلاف کم شود والا این اختلاف چنانچه ریشه‌دار شود همه چیز از بین خواهد رفت. دشمن امروز درصدد تفرقه بین مردم و مسئولان است و باید بیدار بود و هرچه بیشتر به اتحاد و یک‌پارچگی دعوت نمود.^۲

برادران، سعی کنید در مسائل روز هیچ‌گونه اختلاف و ایجاد دوئیتی در هیچ رابطه‌ای پیدا نکنید. خیال نکنید که مسائل انقلاب ما تمام شده است. بدانید صد سال هم اگر بر انقلاب ما بگذرد و ان‌شاء الله هزار سال می‌گذرد، لحظه‌ای که ابرقدرتها احساس کنند ما ضعف پیدا کرده‌ایم و قابل این هست که با ما مبارزه کنند و ما را از بین ببرند والله یک لحظه تأخیر نمی‌اندازند؛ حالا پنج سال دیگر باشد؛ ده سال دیگر باشد. این‌طور نیست که اینها دیگر از ما مأیوس شده باشند و کنار نشسته باشند.

وقتی انسان حالات اینها را می‌خواند، طرز تفکر اینها را نسبت به خودش می‌بیند، برنامه‌های اینها را ملاحظه می‌کند، می‌بیند اینها همیشه مترصد زمان مناسب هستند. هر لحظه‌ای احساس کنند که زمان مساعد است تأخیر از آن لحظه را یک لحظه جایز نمی‌دانند و وارد عمل می‌شوند. برادران، این‌طور نیست که مسئله تمام شده باشد. ما همیشه در مخاطره‌ایم برای اینکه حقیقت همیشه در مخاطره است.^۳

در دیدار اساتید بسیجی حوزه و دانشگاه: از کارهای بسیار بزرگ حضرت امام برای حفظ دین و کشور ایجاد وحدت ریشه‌دار و عمیق بین حوزه و دانشگاه است. در گذشته استکبار به وسیلهٔ طاغوت پهلوی ایجاد تنافر و تضاد بین این دو گروه کردند؛ به طوری که نمی‌شد نام یکی را در حضور دیگری برد. به برکت انقلاب، این دو قشر که رکن مملکت و نظام هستند با یکدیگر اتحاد پیدا کردند و مهم‌ترین سد در برابر استکبار همین است. ما

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۷/۳/۱۲.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۸/۳/۵.

۳. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۲/۱۵، ویژه‌نامهٔ شاخه‌ای از شجرهٔ طوبی، ص ۱۴.

همان‌طور که طلاب را فرزندان خود می‌دانیم و در سخت‌ترین حالات از خدمت به آنان مضایقه نداریم، دانشجویان عزیز را نیز فرزندان خود و انقلاب و اسلام می‌دانیم و کشور به هر دو قشر نیاز دارد. هر دو قشر باید نعمت بزرگ انقلاب را پاس بدارند و برای حفظ آن از هیچ امری دریغ نورزند. هر دو قشر باید بدانند افرادی به فکر نفوذ در حوزه و یا نفوذ در دانشگاه هستند تا بتوانند این دو را از اهداف اصلی خود متوقف سازند.

امروز باید بیش از گذشته دانشگاه و حوزه بیدار باشند. از مسئولان می‌خواهم که به نقش روحانیت واقعی و دانشجویان عزیز و اصیل توجه داشته باشند. در دیدار جمعی از دانشجویان دانشگاه شاهد: امام عزیز و بزرگوار برای وحدت حوزه و دانشگاه اهمیت بسیاری قائل بودند و در این راه به نتیجه مطلوب رسیدند. به نظر بنده یکی از برنامه‌های امام بزرگوار که بدون مبالغه از جمله کارهای معجزه‌آسای آن حضرت نیز بود، همین وحدت حوزه و دانشگاه است و نباید به این مسئله سطحی نگریست. در حال حاضر هم توطئه‌گران برای تضعیف نظام از راه‌های گوناگون از جمله تضعیف ارتباط بین حوزه و دانشگاه وارد می‌شوند.

سعی کنید توطئه‌ها را خوب درک کنید. پدران شما با خونشان از اسلام حمایت کردند و شما با علم و قلمتان این کار را انجام دهید. مداد شما و علما و آشنایان به دین افضل از دم‌آلودهاست. لذا باید مواظب باشید این توطئه جدایی دانشگاه از حوزه نه تنها در شما تأثیر نداشته باشد بلکه از تأثیر آن در دیگران نیز جلوگیری کنید.^۱

در دیدار ریاست و معاونین جهاد دانشگاهی کشور: بدون مبالغه و اغراق یکی از معجزات و کارهای مهم امام وحدت حوزه و دانشگاه است. قشر روحانی و دانشگاهی به منزله دو بال مملکت است و امام این دو را با هم پیوند داد که با این پیوند کشور از نظر علمی به برکات زیادی دست یافت.^۲

در دیدار مفتی اعظم سوریه دکتر احمد حسون و سفیر سوریه: یکی از ترفندهای بزرگ استکبار و آمریکا ایجاد اختلاف بین شیعه و سنی است. دنیای کفر خصوصاً آمریکا به دنبال

۱. اطلاعات، ۱۳۷۴/۹/۲۸.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۱۱/۱۳.

اضمحلال هر دو مذهب شیعه و سنی است. در دنیای روز، اسلام یک مکتب منطقی است و بحمد الله بسیار قوی رو به گسترش است و دنیای کفر از این امر احساس خطر نموده است. این امر نسبت به عراق در شرایط کنونی بسیار خطیر است. باید علمای اهل سنت و بزرگان شیعه سفارش به عدم تفرقه و عدم اختلاف کنند. باید همه بدانیم اگر این اختلاف پیش برود، روزهای بسیار ناگواری برای اسلام در این کشور وجود دارد. باید کاری کنیم که اساس اسلام که متقوم به این دو مذهب است، باقی بماند و وظیفه اولی در این امر بر عهده علمای دو مذهب است.^۱

در دیدار تعدادی از علمای اهل سنت پاکستان: استکبار جهانی، اسلام را هدف قرار داده و سعی می‌کند اسلام را ریشه‌کن کند؛ بدون اینکه بین مذاهب و فرقه‌های اسلامی فرقی قائل شود. در چنین شرایطی وظیفه همه بسیار سنگین است و با مقاومت در مقابل اینها، حفظ و ترویج اسلام و پرهیز از تفرقه، می‌توانیم به این وظیفه سنگین عمل کنیم؛ زیرا یک دشمن عمومی داریم که کمر به نابودی ما بسته و این کار برای ما مسئولیت سنگینی ایجاد کرده است. اولین راه مقابله در برابر چنین دشمن قدرتمندی این است که علمای شیعه و سنی همچنین افراد شیعه و سنی به اعتبار اینکه در مسئله اسلام با هم اشتراک دارند، ساکت ننشینند؛ زیرا هدف اصلی دشمن، اسلام است.^۲

در پیام به همایش وحدت در فکر و تقریب در عمل: از دستوره‌های بسیار اکید قرآن کریم، اعتصام به حبل خدا و عدم تفرقه است. کسانی که به دنبال عمل به این کتاب مقدس هستند، نمی‌توانند از این اصل مهم غافل باشند. باید همواره در همه زمانها انسانهای پیروان حق و آگاهان به دین، محوریت خدا و رنگ الهی را مورد توجه قرار دهند و همه اقشار و گروهها را هرچه بیشتر به این نقطه مرکزی نزدیک نمایند. اختلاف و تفرقه موجب دوری بشریت از ریسمان الهی و قرار گرفتن در مکر و حيله شیطان است ... باید اهل فکر و دانشمندان و علما با تشکیل جلسات متعدد به دنبال رفع موانع وحدت باشند و آنچه را موجب تفرقه و دشمنی می‌شود از بین ببرند. باید با اتحاد دنیای اسلام در مقابل

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۹/۱۱؛ افق حوزه، ۱۳۸۵/۹/۱۳.

۲. افق حوزه، ۱۳۸۴/۹/۲۱.

کسانی که به دنبال محو و اضمحلال اساس دین هستند، بایستند. باید همه باور داشته باشیم که دشمنان بشریت و دین با برنامه‌های مختلفی در صدد توطئه علیه مسلمانان می‌باشند و در نتیجه مسلمانان هم باید با برنامه دشمن را در این توطئه ناکام بگذارند. ... اینجانب به همهٔ علما و دانشمندان و همهٔ گروهها و اقشار مذهبی و دینی توصیه می‌کنم که شرایط اسلام را در زمان معاصر توجه نمایند و برای حفظ این دین عزیز و احیاء مجد و عظمت مسلمانان و اقتدار آنان بکوشند و با اتحاد و یکپارچگی در رشد و تعالی همّت گمارند. اگر امروز مسلمانان خصوصاً کسانی که مسئولیت هدایت فکری را بر عهده دارند، از این امر غفلت نمایند و اجازه دهند دامنهٔ اختلافات روزبه‌روز تشدید گردد، دیگر اسلام نخواهد توانست زمام امور بشر و جامعه را در دست گیرد و دین از صحنهٔ زندگانی بشر کنار خواهد رفت.

در پیام به مناسبت ایام فاطمیّه: صحیح است که مسئلهٔ وحدت مورد تأکید معمار بزرگ انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی بود، اما مقصود آن حضرت این نبود که شیعه از مبانی اعتقادی متقن و محکم خویش دست بردارد و شاهد کذب و دروغ حتی نسبت به فاطمه زهرا(س) باشد؛ بلکه به طور وضوح مقصود ایشان این بود که مسلمین عموماً در برابر دشمنان اسلام، ابرقدرت جهانی شوند تا دشمن نتواند در حقیقت اسلام رخنه ایجاد کند. در پیام به همایش وحدت در فکر، و تقریب در عمل: مقصود از وحدت رجوع به اصول مسلم و مشترک است؛ نه عدول از مبانی و اصول. هیچ‌گاه کسی نمی‌گوید که برای اتحاد و وحدت میان مسلمانان باید در عقاید تجدیدنظر کرد یا نسبت به آن تردید نمود؛ بلکه با حفظ مبانی مذهبی باید بر مسائل مشترک تکیه نمود و در مقابل ظلم و کفر ایستاد.

انتخابات ریاست جمهوری

در دیدار اعضای اتحادیهٔ جامعهٔ اسلامی دانشجویان: در روز قیامت همان‌طور که از نماز شما سؤال خواهد شد، از این موضوع هم که به چه کسی و چرا رأی دادید، سؤال خواهد شد. بنابراین به مسئلهٔ انتخابات با مسامحه نگاه نکنید. کسی را انتخاب کنید که به نفع نظام جمهوری اسلامی و اسلام و مسلمین و

مستضعفین و مقام معظم رهبری تلاش و حرکت کند و بتواند کشور را آباد کند.^۱ در دیدار اعضای شوراهای مرکزی جامعه اسلامی کشور در آستانه انتخابات ریاست جمهوری: به کسی رأی دهید که ضمن حفظ ولایت فقیه، قدرت اجرایی‌اش بیش از سایر نامزدها باشد. کسی را انتخاب کنید که به نفع نظام جمهوری اسلامی و اسلام و مسلمین و مستضعفین و مقام معظم رهبری تلاش و حرکت کند و بتواند کشور را آباد کند. هر کس آزاد است به هر فردی که مایل است رأی دهد؛ اما برای این رأی دادن باید حتماً نزد خدا جواب داشته باشد.

در پیام در آستانه انتخابات هشتمین دوره ریاست جمهوری: انتخابات ریاست جمهوری یکی از مهم‌ترین مظاهر عزم ملی است که ملت با اختیار و اراده خود فردی را جهت اداره امور اجرایی کشور تعیین می‌نماید. این امر از یک سو آزمایش الهی است که در استمرار و تداوم حکومت اسلامی و پیاده شدن احکام نورانی اسلام نقش اساسی دارد و از سوی دیگر آزمایشی است جهانی برای پاسخ به دنیای کفر و استبداد. بنابراین دو جهت، شرکت در انتخابات امری است واجب و تخلف یا بی‌تفاوتی نسبت به آن جایز نیست.

انتخابات مجلس خبرگان

در بیانیه در آستانه انتخابات سومین دوره مجلس خبرگان رهبری: هان ای یاوران مخلص حزب‌الله، و ای بسیجیان همیشه‌بیدار صحنه‌ها، و ای فضلا و طلاب متعهد حوزه‌های مقدسه علمیه، و ای دانشجویان و دانشگاهیان حافظ استقلال، و ای کسبه و تجار حامی شریعت، و ای جناحهای مختلف سیاسی، و ای ملت عظیم و عزیز ایران، بدانید که دشمنان انقلاب از مدتها پیش درصدد حذف حکومت اسلامی و تضعیف خبرگان رهبری و مایوس نمودن مردم خصوصاً نسل جوان این کشور بوده است و امروز در انتظار ضربه‌ای سنگین بر پیکره این نظام است. بیدار باشید و با شرکت خود پاسخ کوبنده‌ای به همه آمال شیطانی ابرقدرتها بدهید و برای همیشه آنان را مایوس سازید و به همه جهانیان اعلام نمایید که ما از ابتدا پیرو اسلام خمینی بوده و اکنون با همه توان برای تداوم آن می‌کوشیم.

۱. جمهوری اسلامی و همشهری، ۱۳۷۶/۲/۴.

اینجانب شرکت در این انتخابات را از اهم واجبات شرعیه می‌دانم و تخلف از آن را ذنبی عظیم و گناهی نابخشودنی و خیانتی بزرگ به امام راحل و به همه تاریخ انقلاب و خونهای همیشه‌رنگین شهدا می‌دانم. مبدا وسوسه‌های خناسان و کوتاه‌فکران تردیدی در انجام این وظیفه ایجاد کند و افرادی را تحت تأثیر قرار دهد و با کم رنگ نمودن این انتخابات موجبات تضعیف و تزلزل نظام را فراهم آورد.

انتخابات مجلس شورای اسلامی

در مصاحبه مطبوعاتی در آستانه چهارمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی: این انتخابات در حقیقت نشان‌دهنده اعتماد کامل مردم به نظام، اسلام، رهبری انقلاب و تداوم راه امام است. اگر یک نفر شرکت نکند و با نبودن رأی او به نسبت خود، نظام جمهوری اسلامی تضعیف شود، این گناه غیر قابل غفران است و اینکه رهبر معظم انقلاب و علما از انتخابات به عنوان یک فریضه واجب عینی نام برده‌اند، برای این است که با اصل نظام و حاکمیت نظام اسلامی ارتباط دارد. این خیلی بالاتر از فرائض معمولی است.^۱

در بیانیه در آستانه انتخابات پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی: مجلس از مهم‌ترین اموری است که آینده ملت و نظام و بلکه همه امور دنیوی و معنوی کشور به آن بستگی دارد. لذا بر هر فرد مسلمان و ایرانی واجد شرایط، واجب است در این امر مهم شرکت نماید و تخلف از این وظیفه اسلامی به هیچ وجه شرعاً جایز نیست و مورد سؤال واقع خواهد شد. اینجانب از ملت هوشیار و مؤمن ایران انتظار دارم که در این صحنه شکوهمند حضور یابند و یأس و سرافکندگی دشمنان را همانند گذشته فراهم آورند و کارشناسانی را که متعهد و متعبد به اسلام و معتقد به نظام و خط امام و پیرو ولایت فقیه و دل‌سوز واقعی مستضعفین و خدمت‌گزار جدی محرومین‌اند، انتخاب نمایند.

در خطبه‌های نماز عید فطر و در آستانه انتخابات پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی: در انتخابات باید توجه کرد که حساب اسلام و حاکمیت نظام جمهوری اسلامی ملاک است. باید کسی را انتخاب کرد که بیشتر به درد اسلام و نظام بخورد. نباید

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۱/۱/۱۹.

خویشاوندی و همشهری بودن ملاک باشد. باید افراد صالح، متعهد، متخصص، فهیم و مفید برای کشور و مردم باشند.^۱

در بیانیه در آستانه انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی: مجلس شورای اسلامی از بزرگ‌ترین ارکان انقلاب است و نقش مهم آن در همه امور کشور و مردم کاملاً مشهود است. بنابراین شرکت در انتخابات امری لازم و واجب است و بی‌تفاوتی و یا بی‌اعتنایی به آن جایز نیست.

در بیانیه در آستانه انتخابات هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی: با وجود مجلس، انقلاب پایه‌های مستحکم‌تری پیدا می‌کند و با نبود یا ضعیف بودن آن آسیب می‌بیند. از این جهت لازم است ملت فهیم ما خصوصاً اهل فکر و صاحبان دانش و اندیشه توجه ویژه‌ای نمایند.

اینجانب از همه احزاب و گروهها و از تمام اقشار ملت می‌خواهم که با شرکت خود در این انتخابات، استمرار انقلاب را که ثمره خونهای پاک شهیدان است، تضمین و به این وظیفه شرعی و ملی عمل نمایند. مردم آگاه و متدین در روز اخذ رأی با قاطیعت و هوشیاری و با دقت تمام و به قصد انجام وظیفه دینی و خدمت به کشور و انقلاب در پای صندوقها حاضر شوند و بدون اینکه تحت تأثیر گروههای خاص قرار گیرند، خود با تحقیق و تفحص کامل که ما در مسائلی کوچکتر مقید به آن هستیم، افرادی را انتخاب کنند که متعهد و مقید به احکام و عقاید اسلامی باشند و از انجام وظایف خود دریغ نورزند و دل‌سوز به حال ملت بوده و مشکلات مردم را که هرروز تورم کمر آنها را خم و تازیانه گرانی به سر و صورت آنها نواخته می‌شود، حل و مصالح مردم را تشخیص و تضمین نمایند.

مجلس شورای اسلامی

در مصاحبه مطبوعاتی در آستانه چهارمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی: ما معتقد نیستیم که مجلس بایستی یک‌دست باشد و همه از یک خط و گروه باشند. مجلس این‌طوری دیگر مجلس نیست. مجلس باید شبیه جلسات بحث علما باشد؛ جای تبادل نظر

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۴/۱۲/۲.

است؛ جای استفاده از تریبون علیه یکدیگر و عوامل سیاسی نیست. در بحث‌های طلبگی «این قلت» برای رسیدن به واقعیت مسئله است و وقتی به هدف رسیدند و نتیجه بحث روشن شد، با هم بسیار رفیق هستند.^۱

در دیدار حجت‌الاسلام مهدی کربوبی، رئیس وقت مجلس شورای اسلامی: ما از مجلس و نمایندگان محترم انتظار داریم قدر انقلاب و این نعمت بزرگ الهی را بدانند. امروزه می‌توانند با تصویب قوانین مهم به اسلام و مردم خدمت نمایند. از مجلس انتظار داریم که قوانین حتی قبل از رسیدن به شورای نگهبان، با اصول اساسی اسلام و قانون اساسی موافقت داشته باشد.

نمایندگان محترم بدانند که امریکا و اذنان او از مخالفت با اسلام و انقلاب نه دست برداشته‌اند و نه مایوسند و هر روز نقشه و توطئه و راه جدیدی برای ضربه زدن به آن طرح‌ریزی می‌کنند؛ باید همه مردم خصوصاً نمایندگان محترم که بحمدالله از چهره‌های ارزشی هستند، هوشیار و بیدار بوده و نگذارند اختلافات از محدوده خود به اصل سرایت کند.^۲

در جمع طلاب و فضلا در آستانه انتخابات ریاست جمهوری: از مجلس شورای اسلامی می‌خواهیم نسبت به وزرایی که رئیس جمهور معرفی می‌کنند «بینی و بین الله» قضاوت کرده و رأی بدهند. ببینند آیا مسلمان واقعی و معتقد به انقلاب و روحانیت هست یا نه. گول ظاهر و عوام‌فریبی را نخورند. برخی از اینها در مقابل روحانیت منافقانه عمل می‌کنند. باید تشخیص صلاحیت اسلامی و انقلابی در اینها داده شود و بعد رأی اعتماد بدهند. در غیر این صورت مجلس در پیشگاه خداوند مسئول است.^۳

در دیدار دکتر غلامعلی حدّاد عادل - رئیس مجلس شورای اسلامی - و هیئت رئیسه مجلس: شرایط فعلی کشور ما با اوایل انقلاب بسیار متفاوت است. امروزه بحمد الله کشور ما در پرتو انقلاب اسلامی در ابعاد مختلف اقتصادی و نظامی و اجتماعی و دینی قابلیت‌های

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۱/۱/۱۹.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۹/۴/۱۱.

۳. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۲/۳/۸.

فراوان به دست آورده است. بحمد الله کشور ما به برکت دین، انقلاب و اسلام به قدرتی بزرگ در دنیا تبدیل شده است. مسئولان ما باید با توجه به این نکته، وظایف خود را بهتر و قوی‌تر انجام دهند.

امام خمینی برای مجلس بیشترین اهمیت را قائل بودند تا جایی که فرمود: «مجلس در رأس همه امور است.» باید به حقیقت این مطلب توجه کرد و جایگاه واقعی مجلس را از این تعبیر شناخت. در مجلس آرا و افکار مختلف به صورت کاملاً آزاد مطرح می‌شود و نمایندگان مردم خواسته‌های ملت را در آنجا مطرح می‌کنند و بعد از بحث و بررسی به نتایجی می‌رسند. باید مسئولان خصوصاً نمایندگان محترم مردم سعی وافر در اسلامی بودن قوانین داشته باشند و تا وقتی که در این مسیر هستند، اقتدار و اعتبار خواهند داشت. در تصویب قوانین کاملاً دقت کنید و حتی بعد از تصویب، در مرحله اجرا ملاحظه کنید که آیا آن قانون در مسیر خدمت به مردم و جامعه انقلابی می‌باشد یا اینکه ممکن است آثار سوئی بر آن مترتب شود.

لازم است مسئولان به توقعات مردم کاملاً توجه کنند و هرچه بیشتر سعی در حل مشکلات آنان داشته باشند. باید به وعده‌هایی که از اول انقلاب تاکنون به مردم داده شده کاملاً عمل شود. مبادا مردم خیال کنند که وعده‌ها در همان مرحله باقی مانده است.

شهادت

در درس خارج: ما خودمان را مرهون شهادت می‌دانیم. اگر این شهادت‌ها نبود، معلوم نبود که یک چنین انقلابی به ثمر برسد و خداوند یک چنین عنایتی به ما داشته باشد. بر ماست که در درجه اول یاد و خاطره امام را از بین نبریم و از یاد نبریم و در درجه دوم یاد و خاطره این شهدا. چه شهدای قبل از انقلاب، چه شهدای در جبهه‌ها، چه شهدای مختلفی که به دست این منافقین و امثال اینها شهید شدند؛ مثل مرحوم شهید مطهری و امثال ذلک این وظیفه ما است که همیشه اینها را به یاد داشته باشیم.

در دیدار مدیران کل بنیاد شهید انقلاب اسلامی سراسر کشور: در حد توان به خانواده محترم این عزیزان (شهدا) خدمت کنید و در این راه خستگی به خود راه ندهید؛ زیرا خیر

دنیا و آخرت شما در گرو این خدمات است.^۱

در دیدار دانش‌آموزان شاهد: فرزندان شهدا باید رفتار و عملشان همانند پدرانشان باشد تا بتوانند تأثیر زیادی در جامعه ایجاد کرده و در روز قیامت مورد شفاعت آنان قرار گیرند.^۲ دیدار معاونان فرهنگی بنیاد شهید انقلاب اسلامی سراسر کشور: در زمینه مسائل اعتقادی فرزندان شهدا باید توجه زیادی شود. اگر فرزند شهیدی به مقامات عالی برسد، موجب تجلیل از شهدا و افتخاری برای همه مسئولان خواهد بود.

به دلیل کم بودن سن و سال فرزندان شهدا مقام امام را به خوبی درک نکرده‌اند. باید امام به آنان معرفی شود؛ چون الآن بعضی امام را یک شخصیت معمولی تصور می‌کنند؛ درحالی که او یک معجزه بود که در تاریخ به وجود آمد. اگر امام را به فرزندان شهدا معرفی کنیم، تسکینی برای آنان است که بدانند پدرانشان برای چه کسی و چه راهی جان خود را از دست دادند و فرزند شهید با این کارها و مسائل قانع می‌شود.^۳

در دیدار معاون تعاون و امور مجلس بنیاد شهید کشور و جمعی از مسئولان استانی بنیاد شهید: شهیدان در راه خدا و برای احیای ارزشها و دین جان خود را تقدیم کردند و همین امر مسئولیت ما را در برابر آنان دوچندان می‌کند. باید یک مسئول در هر جایگاهی که قرار دارد، وظیفه خود در حفظ دستاوردهای خون شهیدان و تداوم راه آنان را در عمل و با ارائه خدمات به جامعه و خانواده‌های آنان انجام دهد.^۴

مردم

در دیدار حجت‌الاسلام سید محمد خاتمی، رئیس‌جمهور وقت: همان طوری که همه مسئولان سعی در رفع مشکلات مردم دارند، سعی نمایید بیشتر به این مردم خدمت نمایید. خدمت به این مردم که هرگونه فداکاری برای اسلام و انقلاب نموده‌اند، یکی از عبادات بزرگ است.^۵

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۱/۲/۲۸.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۲/۲۰.

۳. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۱۰/۱۶.

۴. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۱۲/۲۰.

۵. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۸/۳/۵.

در دیدار دکتر محمود احمدی نژاد، رئیس جمهور: مملکت ما بر پایه تشکلی استوار است که هیچ نظیری ندارد و آن اینکه مردم نسبت به اعتقادات و استوانه‌های دینی از پیامبر(ص) و ائمه طاهرین(ع) تا برسد به روحانیت و مرجعیت، بسیار حساسیت دارند. شما می‌دانید مرحوم شیرازی - صاحب فتوای تنباکو - با صدور فتوا چه تأثیری حتی در اندرون ناصرالدین شاه گذاشت و امروزه هم مردم بحمدالله اینچنین‌اند.

باید این حرف را توجه کنید و این نظام و اساسی که در بین مردم است، حفظ کنید. حفظ اعتقادات مردم نه تنها از جنبه اعتقادی لازم است بلکه از جهت مملکت‌داری بسیار ضرورت دارد. برای حفظ تشیع و اسلام باید این امور که در میان مردم از قداست مهم برخوردار است حفظ شود.^۱

در دیدار محمدباقر قالیباف، فرمانده وقت ناجا: من پنجاه سال است دارم اسلام می‌خوانم. بگذار خلاصه‌اش را برایت بگویم: واجبات را انجام بده؛ به جای مستحبات تا می‌توانی به کار مردم برس. کار مردم را راه بینداز. اگر در قیامت کسی از تو سؤال کرد، بگو: فاضل گفته بود.^۲

در دیدار آقای داوودی، معاون اول رئیس جمهور: هدف اصلی انقلاب خدمت به مردم و حفظ فرهنگ اسلامی در جامعه است و دولت باید با برنامه‌ریزی فرهنگی در این زمینه تلاش کند. چنانچه اقتصاد و وضع معیشت مردم دچار خلل شود هیچ‌یک از برنامه‌های فرهنگی پیش نمی‌رود.

در دیدار رئیس شورای شهر تهران: بسیاری از مردم دیگر توانایی تحمل فشار تورم و مشکلات اقتصادی را ندارند و بسیاری از آنان تنها از ناچاری خود را با شرایط موجود وفق می‌دهند.

همه مسئولان باید دست به دست هم مشکلات اقتصادی کشور را برطرف کنند. تشکیل شوراها در شرایط کنونی یک نعمت بزرگ برای مردم است و همه باید برکات آنان

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۱۲/۲۰؛ اقی حوزه، ۱۳۸۵/۱۲/۲۳.

۲. برگرفته از وبلاگ آقای قالیباف.

را لمس کنند. عملکرد شما باید به گونه‌ای باشد که مردم فکر نکنند شوراها هیچ مشکلی از کشور را برطرف نمی‌کند.^۱

در دیدار امام جمعه و جمعی از مسئولان ورامین، پیشوا و قرچک: باید بدانیم امام روی دو مطلب تکیه اساسی داشت: یکی دین و پیاده شدن احکام دینی در جامعه و به دنبال آن حفظ و حراست از حکومت اسلامی و دیگری خدمت به مردم خصوصاً مستضعفین که همه برکات از آنها است. مسئولان موظفند همه توان خود را برای آسایش و رفاه هرچه بیشتر آنان به کار برند.^۲

در دیدار فرماندهان نیروی انتظامی سراسر کشور: جان و ناموس مردم محترم است و شما ضمن اینکه باید با متخلفان شدیداً برخورد کنید، بی‌جهت باعث آبروریزی مردم نشوید. اگر شما اسلامی برخورد کنید، علاوه بر اینکه در جامعه متخلف کم می‌شود، به دنیا ثابت خواهد شد که اسلام قدرت مدیریت دارد.^۳

در دیدار مسئولان مخابرات قم: مسئولان باید به هر نحوی درصدد حفظ این مردم در مسیر انقلاب باشند و برای رضای خدا و خدمت به مردم تلاش کنند. انقلاب اسلامی ایران تنها با اراده ملت به وجود آمد و برای تداوم آن باید متکی به همین مردم باشیم. دشمنان ما مترصد جدایی بین مردم و انقلاب هستند؛ زیرا تنها راه سقوط انقلاب را در این می‌دانند. مسئولان باید به هر نحوی در صدد حفظ این مردم در مسیر انقلاب باشند و برای رضای خدا و خدمت به مردم تلاش کنند. انقلاب اسلامی ایران تنها با اراده ملت به وجود آمد و برای تداوم آن باید متکی به همین مردم باشیم.

رهبر کبیر انقلاب (امام خمینی) نیز تأکید داشتند که کاری کنید مردم از شما راضی باشند؛ زیرا رضایت آنان از شما، ناشی از رضایت از انقلاب است. مردم نقاط ضعف و قوت مسئولان را به حساب انقلاب می‌گذارند.^۴

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۲/۹.

۲. افق حوزه، ۱۳۸۲/۳/۱۲.

۳. ابرار و اطلاعات، ۱۳۷۶/۲/۲۰.

۴. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۸/۲/۲۶.

در دیدار جمعی از مهندسان صنایع دفاع هوایی: مسئولان باید هرچه بیشتر مشکلات جامعه را حل کنند. ما نمی‌توانیم بپذیریم بعد از گذشت بیست و دو سال از انقلاب هنوز در برخی از مراکز جامعه به مردم و مشکلات مردم بی‌توجهی شود. اگر کسی امروز در هر مرتبه‌ای و در هر شغلی باشد و بتواند به این مردم عزیز که با همه وجود برای انقلاب اسلامی فداکاری کردند، خدمت کند لیکن چنانچه درست انجام وظیفه نکند، در پیشگاه خداوند و شهدا در قیامت مسئول هستند.^۱

در درس خارج: هدف از حکومت اسلامی پیاده کردن دین و مکتب اهل بیت عصمت و طهارت در جامعه بوده و هست. ما باید روز به روز در پرتو این انقلاب بتوانیم دین را در ابعاد مختلف برای مردم و جهانیان تبیین کنیم. همه مسئولان و خدمت‌گزاران نظام بدانند و می‌دانند که هدف مهم حکومت اسلامی علاوه بر مدیریت صحیح و جامع اسلام در همه شئون زندگی، دین‌داری و دین‌شناسی مردم و توجه آنان به مبدأ و معاد بوده است. از این جهت بر همه مسئولان فرهنگی اعم از مطبوعات و صدا و سیما و خصوصاً روحانیت معظّم لازم است در جهت تقویت بنیه دینی مردم و ارائه اسلام ناب حرکت نمایند و هیچ دغدغه‌ای جز معرفی اسلام صحیح را به مردم نداشته باشند. بدانند، دشمنان اسلام خصوصاً در خارج از این مرز و بوم، امروز تصمیم خود را جزم نموده‌اند تا با دین و مظاهر دینی و جامعیت آن مخالفت و مبارزه کنند تا دنیا و کشورهای دیگر نتوانند از این نظام الگو بگیرند.^۲

در دیدار شورای مرکزی ائمه جماعات قم: استکبار جهانی متوجه شده تا زمانی که جوانهای ما و مردم ما با اسلام واقعی و تشیع واقعی سر و کار دارند، تسلط بر این مردم ممکن نیست. راههای مختلفی را برای رسیدن به این هدف شومشان طی کرده‌اند و در هیچ راهی به نظر خودشان هم بحمدالله موفقیتی پیدا نکرده‌اند. اکنون به این نتیجه رسیده‌اند که باید آن پشتوانه واقعی مردم و آن اعتقادات اسلامی و احکام مسلمة اسلام را از مردم گرفت و بین این مردم و شخصیت‌های دینی چه ائمه (ع) و چه روحانیین ارجمند

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۹/۱۱/۱۵.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۹/۲/۸.

ایجاد فاصله کرد و عقاید مردم را سلب کرد. اگر خدای نخواستہ در این راه موفقیتی پیدا کنند، روزی است که انقلاب ما در مخاطره خواهد بود و خدای نخواستہ از بین می‌رود.^۱ در درس خارج: عده‌ای می‌خواهند با راه‌های به ظاهر فریبنده، عقیده مردم را نسبت به اسلام و حکومت دینی سلب نمایند. روحانیت باید زبان گویای اسلام باشد و شبهات موجود در اذهان خصوصاً نسل جوان را به نحو احسن پاسخ دهند. بی‌تفاوتی در مقابل مسائل و مشکلات فرهنگی به آنجا خواهد رسید که خدای نخواستہ امور مسلم مذهب و دین مورد خدشه قرار گیرد. روحانیت باید به سراغ مردم به خصوص جوانان بروند و از نزدیک مشکلات فکری و دینی آنان را مورد توجه قرار دهند.^۲

در درس خارج: امام برای مردم و خدمت به آنان ارزش فوق‌العاده‌ای را قائل بود خصوصاً تاکیده‌های فراوانی در خصوص مستضعفین و رسیدگی به آنان داشت. امروز هم اگر بخواهیم انقلاب به حرکت خود ادامه دهد، باید ارزش مردم و حضور آنها در میدانهای حساس انقلاب را بدانیم و حقیقتاً برای آنان احترام قائل باشیم.^۳

جوانان

در پاسخ به جوانان کویت که درخواست نصیحت کرده بودند: عزیزان من، بدانید نفس انسان که رشحه‌ای از روح الهی است، در این جسم ما به ودیعه گذاشته شده است. هیچ نعمتی در عالم، برتر از نعمت حیات و وجود انسان نیست. به هر نقطه‌ای از کمال که بخواهید برسید باید ابتدا خود را بشناسید. عرفان نفس مقدمه‌ای لازم و مهم برای باز شدن همه معارف به سوی انسان است؛ چراکه: «من عرف نفسه فقد عرف ربه». افسوس که انسان دوران جوانی را غافل از این حقیقت سپری می‌کند و آنگاه که دوران پیری و سال خوردگی فرا می‌رسد، همه توجه انسان متوجه و متمرکز در حفظ جسم نحیف و رنجور خود می‌گردد. در جوانی با سلامت جسم، انسان قادر بر تربیت و تزکیه نفس است. برای این امر مهم

۱. رسالت، ۱۳۷۸/۶/۱۶.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۱۲/۱۹.

۳. افق حوزه، ۱۳۸۴/۱۱/۱۰.

لازم است جوانان عزیز همیشه خود را در محضر قرآن کریم قرار دهند و از این کوثر الهی نفس تشنه خود را سیراب کنند. الله الله في القرآن. این سفارش همه اولیاء خداوند است برای تدبّر در این کتاب عزیز و رسیدن به گوشه‌ای از این اقیانوس بی‌کران الهی. لازم است با معارف عظیم و بی‌بدیل اهل بیت عصمت و طهارت آشنا شوید. سیره و زندگی و حیات و ممات آنان الگویی بسیار مناسب برای هرانسان طالب کمال است. از برجستگی‌های مهم دین اسلام تربیت و ارائه افرادی است که در اوج قلّه انسانیت و درجات بالای کمال‌اند و این امر در هیچ مکتبی ملاحظه نمی‌شود. باید دید که آنان عمر بابرکت خود را در چه مسیری صرف نمودند؛ ما هم در همان طریق سلوک کنیم و خلاصه، یک جوان از ضروری‌ترین اموری که باید بدان بپردازد مطالعه و تفکر در زندگی ائمه معصومین (ع) است.

جوانان عزیز بیدار باشند امروز دنیای کفر و استکبار در صدد تفرقه و جدایی بین اسلام و جوانان است و همه عده و عده خود را برای انحراف این قشر بسیج نموده است. ملاحظه می‌نمایید که وسایل انحراف و دستگاه‌های ضد دینی که برای تخریب دین و از بین بردن حرمت دینی است، روز به روز در حال فزونی است. از اوقات فراغت و عطله خود کمال استفاده را نمایید و در ارتباط با این دین حنیف از طریق متخصصین در این دین و اسلام‌شناسان واقعی که عمر خود را در شناسایی اسلام و شناساندن آن صرف نموده‌اند، تلاش نمایید.

در دیدار مهندسان صنایع دفاع هوایی (در آستانه دهه فجر): امروز لازم است نسل جوان و بیدار ما به اهداف امام و انقلاب اسلامی بیشتر توجه نمایند. بدانند دشمنان همیشه در صددند تا این نعمت الهی را از دست مردم خارج کنند تا بتوانند بر مردم و جامعه ما مسلط شوند. بدانند که اگر دین حضور جدی در جامعه داشته باشد هیچ قدرتی نمی‌تواند آن جامعه را مورد استعمار قرار دهد. بدانند که همه هدف امام پیاده شدن دین خدا و رسیدن انسانها به کمالات والای معنوی است. امروز عده‌ای با این شعار که دین مربوط به زوایای زندگی شخصی است به دنبال تهی کردن جوانان و مردم و اجتماع از برکات دین هستند و باید در مقابل این افکار پوچ و واهی ایستاد.^۱

در دیدار مهاجرانی، وزیر وقت فرهنگ و ارشاد اسلامی: باید مراقب بود تا کسانی که دارای فکر ضد دینی و غربزدگی هستند، در اذهان جوانان این کشور رخنه نکنند و ذهن آنان را نسبت به مقدسات دینی مشوش نسازند؛ چراکه دشمن تشخیص داده است تنها راه برای به انزوا کشیدن انقلاب و مقابله با آن، سست کردن مبانی دینی و اعتقاد مردم است و با توطئه‌های فراوان و نقشه‌های شیطانی سعی در کوبیدن مقدسات مردم و متزلزل کردن ایمان آنان دارد.

شما مسئولان نباید بگذارید دشمن از این جوانهای عزیز سوء استفاده کند و با نشر مطالب انحرافی جامعه را به سوی خلاف دین سوق دهد.^۱

در دیدار ریاست و معاونین جهاد دانشگاهی کشور: از شما می‌خواهم که سعی کنید جوانان دانشگاهی از نظر عقیدتی نسبت به اسلام و انقلاب تزلزل پیدا نکنند. باید تلاش کنیم که جوانان به عقاید و اسلام معتقد باشند و مسائل جناحی باعث پایین آمدن روحیه دانشجویان نشود. دیگران دل‌سوز مملکت و انقلاب ما نیستند و نباید منتظر دیگران باشیم. نیروهای ما، مردم و عقاید آنان است. اگر عقاید مردم و در رأس آن دانشگاه را از دست بدهیم، همه چیز را از دست داده‌ایم.^۲

در پیام به همایش جوان، هیئت، چالشها: جوانان ما باید با حضور هرچه بیشتر و حماسی‌تر در هیئات دینی اولاً بر غنای فکری و دینی خود بیفزایند و در این جهت سعی کنند از عالمان مبرز و آگاه و مطلع به دین استفاده نمایند و ثانیاً نشاط اجتماعی و سیاسی و دینی جامعه خود را حفظ و افزایش دهند.

در دیدار جمعی از مسئولان شرکت مخابرات استان قم: من از وجود اینترنت برای آینده احساس نگرانی می‌کنم؛ زیرا در آن فساد و منکرات زیاد است و خوف آن دارم که جوانان ما تحت تأثیر قرار گیرند. آنچه موجب نگرانی است، سایتهای مخالف اسلام و شئون اسلامی در شبکه‌های اینترنت است که متأسفانه دام گسترده‌ای برای اغفال

۱. کیهان، ۱۳۷۷/۱۱/۳.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۱۱/۱۳.

جوانانی که تاریخ انقلاب اسلامی را به خوبی درک نکرده‌اند، می‌باشد. خوف این می‌رود که نوجوانان و جوانان تحت تأثیر فعالیتهای ضد دین و فرهنگ اسلامی اجانب قرار گیرند.^۱

توجه به نیازمندان

هنگام رأی دادن در هشتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری: اکثر مسائلی که در جامعه پیش می‌آید، به خصوص انحرافات اخلاقی و اعتقادی ناشی از نارساییهای اقتصادی است. هرفردی که به عنوان رئیس جمهور آینده انتخاب می‌شود، باید حل مشکلات اقتصادی را سرلوحه برنامه‌های خود قرار دهد.^۲

در دیدار رئیس و اعضای کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی: بهترین کاری که مجلس هفتم می‌تواند انجام دهد این است که فقر را از جامعه اسلامی لااقل کم کند و رسیدگی به امور فقرا بلکه بعضی از کارمندان دولت را که با مشکلات زیاد دست به گریبان هستند، در صدر برنامه‌های خود قرار دهند. این مردمی که از همه چیز خود برای اسلام و انقلاب گذشتند باید بیشتر مورد توجه باشند.

حجت‌الاسلام محسن قرائتی می‌گوید: نزد آیت‌الله فاضل بودم که شخصی به عنوان نظرخواهی به ایشان گفت: با صرف چند میلیون تومان می‌خواهم برای خود و همسرم در حرم امام رضا(ع) یا حضرت معصومه(س) یا جای مهم دیگر قبر بخرم. آیت‌الله فاضل به او فرمود: پول قبر را به فقرا بده. در حالی که این همه گرسنه هست، وقت این حرفها نیست. در دیدار مسئولان کمیته امداد امام خمینی کشور: خدمت به خلق از عباداتی است که اجر بسیار زیاد دارد و وقتی با اخلاص همراه باشد اجری بالاتر از این نمی‌توان تصور کرد.^۳

در دیدار رئیس و معاونان سازمان بهزیستی کشور: از ویژگیهای انقلاب ما به عنوان انقلاب اسلامی این است که هرنوع خدمتی هرچند در پایین‌ترین موقعیت شغلی چنانچه به قصد قربت و کسب رضای خداوند سبحان انجام شود، عبادت است؛ تا چه رسد به

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۲/۲۹.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۳/۱۰.

۳. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۹/۸/۱۴.

خدماتی چون خدمات سازمان بهزیستی که ارزشمندترین خدمات است. در این راه از هیچ کوششی فروگذار نکنید و از هیچ خدمتی خستگی به خود راه ندهید. این را بدانید که این‌گونه توفیق و سعادت نصیب هرکسی نمی‌شود. پس شکرانه این سعادت را بجا آورید.^۱

در دیدار مدیر کل کمیته امداد امام خمینی استان قم: اگر فقر و محرومیت در جامعه از بین برود، بسیاری از معضلات اجتماعی نیز رنگ می‌بازد.^۲

در دیدار دکتر سبحانی رئیس کمیسیون برنامه و بودجه در مجلس هفتم: بهترین کاری که مجلس هفتم می‌تواند انجام دهد، این است که فقر را در جامعه اسلامی کم کند و رسیدگی به امور فقرا و حتی بعضی از کارمندان دولت را که با مشکلات زیادی دست به گریبان هستند، در صدر برنامه خود قرار دهد. این مردمی که از همه چیز خود برای اسلام و انقلاب گذشتند باید بیشتر مورد توجه باشند.^۳

در دیدار مدیر کل اداره کار استان قم: در اثر نبود اشتغال علاوه بر اینکه مردم در مضیقه خواهند بود، منکرات و بسیاری از جرائم نیز در جامعه رواج خواهد یافت. مسئولان نظام اسلامی در جهت فراهم کردن زمینه‌های اشتغال برای افراد بی‌کار به خصوص جوانان بیش از هر زمان دیگر تلاش کنند. بزرگ‌ترین خدمت به جوانان این است که آنان از یک شغل آبرومند برخوردار شوند.^۴

اهتمام به دین

در دیدار حجت‌الاسلام سید محمد خاتمی، رئیس جمهور وقت: با توجه به سوابق علمی شما و تعهد و تدینی که از شما سراغ داریم انتظار دارم همان‌طور که در سخنرانیهای اخیر خود تکیه بیشتری بر مذهب و دین‌داری مردم کرده‌اید، نسبت به دین و حفظ شئون مذهبی و دینی و رفع فساد در مردم و جوانها بیشتر تکیه کنید. بدانید انقلاب

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۱/۶/۱۴.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۳/۶/۲۶.

۳. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۳/۱۰/۱۴.

۴. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۸/۱۰/۱.

ما برای احیاء دین و ترویج دین‌داری به وجود آمد. همهٔ زحمتهای و فداکاریها و خون شهیدان برای شکوفایی دین در این کشور بوده است.^۱

در پیام به تشکّل علمای شیعه در اروپا: حمد و سپاس خداوند متعال را که نعمت بزرگ هدایت و ایمان را به بشریت ارزانی داشت و با منتّ گذاردن بر او، رسولان و هادیان خود را با دستورات جامع و متین، مطابق با عقل سلیم و فطرت در میان آنان برانگیخت و با تشریح دین اسلام نیازهای بشر تا روز قیامت را در کتاب مبین قرآن کریم تدوین و با نصب حجج و معصومین(ع) که مفسران واقعی و تبیین‌کنندگان حقیقی این کتابند، بشر را برای همیشه از نیاز به غیر دین و از پناه بردن به مکاتب انحرافی و باطل آسوده ساخت. بشر باید ارزش دین را بیش از گذشته دریابد و دین را به نحو جامع‌تری در زندگی خویش حاکم کند. باید ارتباط خود را با دین و عالمان دین قوی‌تر کند و این امر متوقف بر آن است که حاملان دین و عالمان آگاه به شریعت و آیین، اساس دین را حفظ و با رعایت کامل امانت‌داری آن را به بشر که عیلولهٔ حق تعالی می‌باشند، برسانند.

صدا و سیما

در دیدار مهندس ضرغامی، نمایندهٔ مقام معظم رهبری و رئیس صدا و سیما: صدا و سیما باید اعتماد عمومی مردم خصوصاً نخبگان را حفظ کند. مهم‌ترین و اولین سرمایه برای این رسانه آن است که مردم کاملاً اعتماد و باور داشته باشند آنچه از این رسانه منتشر می‌شود مطابق با حقیقت است و آن را کاملاً معتبر بدانند.

اینجانب از برنامه‌های فرهنگی و دینی این رسانه تشکر می‌کنم؛ خصوصاً از شبکهٔ مهم قرآن که انصافاً جای آن خالی بود و بحمدالله برنامه‌های خوبی در آن ایجاد شده است. هرچه بتوانیم قرآن و حقایق این کتاب آسمانی را در میان جامعه نشر دهیم، به همان اندازه جامعه رشد و آگاهی پیدا می‌کند. جامعه‌ای که در آن قرآن حاکم باشد یک جامعهٔ زنده و پویا و رو به رشد و سعادت است.

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۸/۳/۵.

همان‌طور که روحانیین مسئولیت مهم تبلیغ دین را دارند، امروز این رسانه مهم نیز چنین وظیفه‌ای دارد و باید مبانی مکتب اسلام و تشیع را به صورت کاملاً صحیح و دقیق به اطلاع مردم برساند. بحمدالله ائمه معصومین(ع) همه واقعیات و همه احتیاجات دینی و فرهنگی ما را بیان کرده‌اند. اگر در تمام وقت بخواهید معارف رسیده از ائمه را بیان کنید، می‌توانید. با وجود چنین حقایق و معارفی و با وجود قرآن کریم و تفاسیر معتبر و با وجود کلمات و سنن قطعیه پیامبر اکرم(ص) دیگر چه نیازی است که موهومات و تخیلات و اموری از قبیل خواب را بیان کنیم. باید مسئولان محترم صدا و سیما در تمام شبکه‌ها برنامه‌های خود را مبتنی بر واقعیات و حقایق قرار دهند و از اتکا به بیان خوابها و یا کرامتهایی که برای برخی افراد معمولی بیان می‌شود و اساسی ندارد خودداری کنند.

صدا و سیما باید نسبت به مسئله نماز و آموزش نماز اهمیت بیشتری دهد. مناسب است که تمامی شبکه‌ها در تمام اوقات اذان، نماز جماعت آن‌هم نمازهای باشکوه پخش کنند.^۱ یادآوری: هنوز به سفارش پیشین آیت‌الله فاضل به مسئولان صدا و سیما عمل می‌شود. می‌توان این برنامه را یکی از یادگارهای معظم‌له به حساب آورد.

در دیدار معاون ارتباطات و پژوهش سازمان صدا و سیما: در برنامه‌های صدا و سیما باید انقلاب اسلامی و تغییر و تحولات انجام شده در ایران برای جوانان تبیین شود و آنان با نقش ارزشمند انقلاب اسلامی ایران آشنا شوند.^۲

در دیدار جمعی از مسئولان و مدیران سازمان صدا و سیما: به جهت اختلاف مخاطبین ممکن است برخی برنامه‌ها نسبت به بعضی، آثار منفی داشته باشد و چه بسا فرهنگ دینی را تحت تأثیر قرار دهد. لازم است مسئولان محترم صدا و سیما وجهه غالب دینی مردم و جامعه را در نظر بگیرند و سعی در رشد دیانت مردم بنمایند. باید از اوقات مردم نهایت استفاده شود و برنامه‌ها در مسیری نباشد که موجب بیهودگی و اتلاف وقت باشد.^۳

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۴/۱۱/۱۵.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۹/۱۰/۲۹.

۳. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۱/۵/۱۶.

در دیدار معاون سیاسی صدا و سیما: صدا و سیما باید اعتماد افکار عمومی را به خود جلب کند تا در انعکاس دیدگاههای نظام موفق باشد. مردم باید اعتماد کامل به این رسانه داشته باشند. باید طوری باشد که آنچه را از این رسانه مشاهده یا استماع می‌کنند در صحت آن تردید نداشته باشند. باید انعکاس‌کننده نظریه‌های شخصیت‌های مورد اعتماد انقلاب و اسلام باشد.

باید از این رسانه فراگیر که به منزله دانشگاه عمومی است برای تبیین احکام و معارف الهی و مکتب تشیع استفاده بیشتری شود. صدا و سیما در تقویت مذهب و تحکیم مبانی دینی بیشتر تلاش کند. انتظار است مسائلی که ممکن است فرهنگ اصیل اسلامی جامعه را مخدوش کند از این رسانه منعکس نشود. باید این رسانه مسائل ناب و واقعی اسلام و تشیع را منعکس کند و از مسائل مشکوک یا خرافی و غیرواقعی جداً بپرهیزد.^۱

مجالس عزاداری

در دیدار رؤسای هیئتهای مذهبی و تکایای قم همراه جمعی از مبلغان: در سایه مجالس عزاداری سالار شهیدان، حقیقت کفر و باطل افشا و دین اسلام ترویج می‌شود و جوانان با اسلام حقیقی که در مکتب تشیع است، آشنا می‌شوند. در این مجالس اوصیای رسول خدا و دستوره‌های آنان برای جامعه بشری معرفی می‌شود.

خیال نشود که در این مجلس ظاهراً عده‌ای جمع می‌شوند و برای مصائب آن حضرت گریه و عزاداری می‌کنند و مسئله تمام می‌شود. این گریه‌ها بزرگ‌ترین فریادها بر سر ظالمین است. بزرگ‌ترین شخصیت زمان ما، یعنی امام راحل، حاضر نبود برای از دست دادن فرزند مجتهد خود گریه کند؛ اما برای مصائب حضرت امام حسین(ع) اشک می‌ریخت. ما با این اشکها و عزاداریها انقلاب اسلامی را ایجاد کردیم و در مقابل کفر و ظالمین ایستادیم.

حفظ انقلاب اسلامی و رشد و اعتلا و عزت ملت بزرگوار ایران در گرو عزاداری حقیقی و بقای محرم و صفر است. آنچه پیونددهنده حقیقی همه گروهها و آحاد مردم به

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۴/۱۰/۵.

یکدیگر است، امام حسین(ع) است. بدانید که دشمن درصدد کم‌رنگ کردن مجالس عزاداری و حتی در فکر از بین بردن آن است. دشمن می‌داند که پویایی، تحرک و مخالفت با ظلم در مکتب تشیع و محرم وجود دارد و به خوبی فهمیده است که این پویایی و بالندگی در هیچ مسلکی وجود ندارد و به دنبال مقابله و برخورد با آن است.

سعی کنید از مجالس محرم کمال استفاده را نمایید و خطبای محترم و وعاظ گرامی مطالب صحیح و مستند را برای مردم بیان کنند و مداحان اهل بیت بکوشند از اشعار صحیح و دقیق و پرمحتوا استفاده کنند.^۱

در دیدار شورای مرکزی ائمه جماعات قم: این عاشورایی که برای ما باقی مانده مرهون کتابهایی نیست که در باره عاشورا مطرح می‌شود. عاشورا مرهون این هیئات و دستجات و سینه زدن‌ها و زنجیر زدن‌ها و سر و صداهایی است که در کار است. اینها عاشورا را حفظ کرده و الا کتاب در باره عاشورا، زیارت و سخنرانی هم زیاد است؛ ولی اینها کافی نیست.^۲ در پیام به مناسبت فرا رسیدن عاشورا: امروزه از طرفی گروه‌ها و فرقه‌های ضالّه مانند وهابیت و حکومت‌های جائر همچو اسرائیل و آمریکا در صدد هدم دین اسلام و ضربه زدن به مذهب اهل بیت عصمت و طهارتند. وهابیت با تهمتها و افتراءات فراوان و نشر افکار غیر صحیح و مخالف با قرآن و سنت پیامبر(ص) و سخره گرفتن مظاهر دینی از جمله عزاداری و گریستن بر مصائب حسین بن علی(ع) که همه انبیا از آدم تا خاتم بر او گریستند، به مبارزه برخاسته ... از طرف دیگر پیروان اباعبدالله(ع) و کسانی که در ارادت آنان به آن حضرت تردیدی نیست، برخی از آنان بر این طبل کوبیده و با بی‌توجهی همان امری را که دشمنان دین می‌خواهند، دنبال می‌کنند و این جای بسیار تأسف است. امروزه وهابیت، شیعه را متهم به شرک می‌کند. مذهبی که بالاترین معارف توحیدی را دارد و بزرگ‌مرد میدان توحید امیرالمؤمنین(ع) رهبر و مقتدای او است، چرا باید گوینده‌ای با

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۱/۱۲/۱۳.

۲. رسالت، ۱۳۷۸/۶/۱۶.

اشعار غیر صحیح که از آن بوی کفر و شرک استشمام می‌شود، به این هدف کمک کند؟! ما مکرر گفته‌ایم: چنانچه این اشخاص از روی فهم و اختیار بگویند، از مصادیق شرک است و شیعه از چنین افرادی بی‌زاری می‌جوید. خطبای محترم و مداحان مکرّم که افتخار خدمت‌گزاری به این آستان را دارند، و چه توفیقی از این بالاتر، باید نسبت به این امور توجه بیشتری داشته باشند و نگذارند ایادی مسموم، آن را دست‌خوش اهداف شوم خود قرار دهند. مردم عزیز باید نسبت به گفتار گویندگان و اشعار مرثیه‌سرایان دقت عمیق داشته باشند و مطالب را به صورت مستند مورد پذیرش قرار دهند.

پرهیز و مبارزه با خرافات

در دیدار دانش‌پژوهان مرکز تخصصی مهدویت: یکی از مسائلی که امروزه در جامعه به صورت غیر صحیح جلوه کرده، مسئله ملاقات با امام زمان (ع) است. ما معتقدیم که تمام نعمتها به وسیله آن وجود مقدس به انسان داده می‌شود. «السبب المتصل بین الارض و السماء» از طرفی زیارت و ملاقات با معصوم (ع) بسیار خوب و مستحب است البته در صورتی که ممکن باشد. آنچه در ادعیه و زیارت‌نامه در باره زیارت آن حضرت آمده بیانگر حالت شوق و اشتیاق به آن وجود مقدس است.

نباید این مطلب را در جامعه گسترش دهیم که باید بیابانها و کوه و دشت را طی کنیم تا آن حضرت را ببینیم. خود آن حضرت نیز فرموده‌اند: «بایستی مدعی مشاهده را تکذیب کنید». اصلاً ما نیازی به این حرفها نداریم. وظیفه ما و همه شیعیان و دوست‌داران آن حضرت، اشاعه فرهنگ صحیح مهدویت، مهدی‌زیستی و ترویج افکار ائمه (ع) است.^۱

در پیام به مناسبت نیمه شعبان: باید همه باور کنیم که آن حجت خدا نظاره‌گر اعمال ماست. باید بدانیم مهم‌ترین مسئله مورد نظر ایشان مسائل اعتقادی و عملی است و از این جهت لازم است هرچه بیشتر در مورد مسائل واقعی اسلام کوشا باشیم و از خرافات و دروغ‌گویی و خوابهای بی‌اساس و ادعاهای واهی پرهیز کنیم. بدانیم که این امور

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۲/۱۵، ویژه‌نامه شاخه‌ای از شجره طوبی، ص ۱۰.

غیرواقعی چهرهٔ اسلام و شیعه را مشوه و زبان طعن دشمنان را می‌گشاید. باید واقعیتها و معارف اصیل و حقیقی را که دین ما مشحون از آنها است، بیاموزیم.

در دیدار دانش‌پژوهان مرکز تخصصی مهدویت: یکی از کارهای مهم زدودن خرافات، خصوصاً خرافاتی است که در بین عوام مشهور است. گرفتاری ما در جامعه از ناحیهٔ دو گروه است: عده‌ای رسماً خودشان و دیگران را به طرف بی‌دینی سوق می‌دهند و همه چیز را انکار می‌کنند یا زیر سؤال می‌برند. در مقابل، گروهی دیگر گرفتار یک سری از امور خرافی شده‌اند. بعضی از خرافات به شدت در حال رواج یافتن است و اینها به اسلام لطمه می‌زند.^۱

در پیام به همایش شیعه‌شناسی، راهکارها و چالشها: از کیدهای مکاران دوران، رسوخ دادن خرافات در مذهب حقهٔ شیعه است که این امر یک سابقهٔ طولانی نیز دارد. گاهی برای برخورد با این مذهب متوسل به جعل مذهب و به وجود آوردن مسلکهای خرافی می‌شدند و گاه به دنبال وارد نمودن خرافات در پیکرهٔ این مذهب بوده‌اند؛ خصوصاً در سالهای اخیر از طرق مختلف سعی می‌نمایند که مطالب خرافی را که صد در صد مخالف با عقل سلیم و منافی با فطرت و اذهان مؤمنین و مسلمانان است، در این مکتب رخنه داده تا در درازمدت بتوانند افکار را از این مکتب منصرف و به آنچه خود به دنبال آنند، سوق دهند. باید علما و بزرگان و حوزه‌های علمیه و نیز مردم عزیز خصوصاً جوانان، هشیار و بیدار باشند و نسبت به ارائهٔ معارف شیعی و ترویج آن کمال دقت را بنمایند. باید خطبا از ذکر مطالبی که مستند صحیح و قوی ندارد، خودداری نمایند و مردم نیز مطالبی را بپذیرند که مستند به قرآن کریم و سنت معتبرهٔ پیامبر اکرم (ص) و ائمهٔ معصومین (ع) باشد.

در دیدار رئیس و معاون پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی قم و مسئول و مدیران موسسهٔ فرهنگی انتظار نور: مهدویت از مسائل مورد ابتلای جامعهٔ ما است که روحانیت باید روز به روز بر تلاش خود در این زمینه بیفزاید. امروز عده‌ای به دروغ ادعا می‌کنند که با امام زمان (ع) در ارتباط هستند و از این طریق برای خود دکانی درست کرده‌اند. در حالی که هیچ‌گاه ما از زبان بزرگان و مراجع نشنیده‌ایم که ادعای ملاقات با امام زمان (ع) داشته

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۲/۱۵، ویژه‌نامهٔ شاخه‌ای از شجرهٔ طوبی، ص ۱۰.

باشند. این گروه با حرکت خود، که توهین به ساحت امام زمان(ع) است، قصد تزلزل در عقیده جوانان ما را دارند. باید به این امور توجه جدی داشت؛ زیرا مصیبت آن روزی خواهد بود که جوانان ما نسبت به مسائل اعتقادی و دینی خود سست شده باشند.^۱

در پیام به جشنواره برترینهای فرهنگ مهدویت در مطبوعات: هر قلم و نوشتاری در این زمینه می‌تواند بیشترین تأثیر را در رشد معنوی و دینی جامعه داشته باشد. باید اهل قلم و صاحبان طبع و نشر همّت خود را بلند قرار داده و در این میدان که اقیانوسی است بی‌کران و معارفی عظیم در آن نهفته است، از هیچ جدّ و تلاشی دریغ ننمایند.

در اینجا تذکر این نکته را لازم می‌بینم که در این وادی اهل فکر و تحقیق باید معارف را به صورت ناب و خالص و به دور از هرگونه حشو و زواید در اختیار مردم قرار دهند. باید از بیان امور سست و واهی و چه بسا کذب که اساس اعتقاد مردم را متزلزل می‌کند، اجتناب نمایند. در تثبیت حقیقت امامت هیچ نیازی به بیان رؤیاهای کاذبه و حوادث غیر واقعه نیست. باید در این امر از جذبه‌های واقعی ولایت و آثار و کرامتهای مسلم‌الثبوت و حقیقی آن استفاده نمایند و به بیان دیگر باید به دنبال تحکیم عقاید باشیم و نه فقط برانگیختن احساسات که آن امری است غیر پایدار و گذرا.

نیروهای نظامی و انتظامی

در دیدار مسئولان عقیدتی، سیاسی نیروی هوایی ارتش: عقیدتی، سیاسی در ارتش و سپاه یکی از برکات خداوند به این دو نیرو است تا از نظر آشنایی با احکام و قرآن و حدیث مشکلی نداشته باشند. خدمت به مملکت شیعی اجرش پیش حق تعالی فوق‌العاده و بسیار است. وجود روحانیون در این قسمت، از نعمتهای الهی است.

بعضی افراد با مسائل ابتدایی دین آشنا نیستند و پس از ورود به این نیروها با آگاهی کامل از مسائل دینی وارد اجتماع می‌شوند و این مرهون خدمات شما است. ریشه این امر در زمان حضرت امام درست شد و ما امروز از برکات و آثار آن بهره‌مند هستیم. همه این کارها لطف

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۴/۱۲/۲۳.

الهی است که شامل شماها شده است و شکر این توفیق موجب اجر مضاعف خواهد بود. خیلی فرق است بین کسانی که با روحانیون و اهل علم سر و کار دارند و دیگران که آشنایی ندارند. اگرچه مرهون آثار و برکات شهدا هستیم و این شهدای بزرگ در این دو نیرو بودند که حماسه آفریدند؛ ولی کار شما یک کار زیربنایی است که شهیدپرور است و از جهتی از اجر شهادت نیز بالاتر است و این کار شما عبادی است و خدمت به مملکت شیعی است که در پهنه گیتی به نام همین کشور است که ملت و حکومتش شیعی هستند. این توفیقات اتفاقی نیست؛ بلکه توفیقات حضرت حق است و باید قدردانی کرد.^۱

در دیدار گروهی از پاسداران و افسران ارشد دانشگاه امام حسین(ع): اکنون در موقعیتی هستیم که با اول انقلاب تفاوت دارد. در اول انقلاب معارضانی بودند که سر راه انقلاب بودند و باید با آنها معارضه می‌شد و فرقی نمی‌کرد چه کسی این کار را انجام دهد و از جهت سطح معلومات اولویتی در کار نبود؛ اما اکنون باید پاسداران در سطح عالی علمی باشند و خوشبختانه این دانشگاه متولی این کار است.^۲

قاضیان

در دیدار جمعی از قضات استان قم: پست قضاوت طوری است که همواره یک طرف دعوا از قاضی ناراضی است. لذا اگر قاضی به لحاظ مسئولیت الهی به این کار بپردازد وجدانش آرامش می‌یابد و الا از لحاظ جامعه نمی‌تواند همگان را راضی نگه دارد. هدف قضاوت در این امر مهم باید رضای حق تعالی باشد.^۳

دیدار جمعی از قضات استان قم: در درجه اول آنچه بیشتر باید مورد توجه قرار گیرد، این است که مقام قضاوت چون مقام خطیری است، مسئولیت شما نیز بسیار خطیر است و هرکسی صلاحیت عهده‌دار شدن این مقام را ندارد.

نکته‌ای را که لازم است شما بزرگواران مدنظر داشته باشید دقت در امر قضاوت است.

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۲/۲.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۴/۶/۱۷.

۳. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۱۰/۲۰.

در این جهت روایات ما تأکید فراوانی کرده‌اند که اگر به تعبیر روایات دقت شود، پی به این مهم خواهید برد. لذا باید توجه کرد که صیانت آن محفوظ بماند.^۱

مسئولان نظام

در جمع طلاب و فضلا در آستانه انتخابات ریاست جمهوری: اگر ما پشتیبانی از ریاست جمهوری و مجلس می‌کنیم، فقط برای اسلام است. غیر از این با هیچ کس حسابی نداریم و تحت تأثیر هیچ کس نیستیم و از هیچ مقامی هم در هیچ شرایطی وحشت نداریم. برای ما اسلام مطرح است. باید روی مسائل اسلامی با قاطعیت پیش بروند. اگر وزیری طبق قوانین اسلامی عمل نمی‌کند، در عزل او درنگ نکنند.^۲

در دیدار دکتر علی لاریجانی، دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی: ما یاری و نصرت خداوند متعال به انقلاب اسلامی و مسلمانان و شیعیان را در همه مراحل خصوصاً در زمانهای اخیر ملاحظه نموده‌ایم و تا مادامی که شما و سایر مسئولان به قدرت مطلقه خداوند اتکا داشته باشید، خداوند راهها را برای شما در مشکلات هموار و روشن خواهد ساخت.

شرایط امروز جهانی اقتضا دارد که مسئولان با درایت و دقت عمل نمایند و با بصیرت کامل به قضایا و حوادث توجه داشته باشند و طوری نباشد با برخی از گفتارها و حرکتها بر مشکلات بیفزاییم. ما باید برای دنیا و حکومتها روشن کنیم که مکتب شیعه به عنوان یک خطر نیست؛ بلکه این مکتب مبتنی بر منطق و اصول محکم و رعایت حقوق همه اشخاص و گروهها است.^۳

مسئولان نظام باید نسبت به خدمت به مردم و انقلاب توجه بیشتر کنند. باید هرچه بیشتر به اهداف انقلاب و امام بزرگوار که پیاده شدن احکام اسلامی در جامعه و به وجود آوردن جامعه‌ای از هرجهت کامل و پیشرفته، توجه کنند.

اگر کسی امروز در هر مرتبه‌ای و در هرشغلی باشد و بتواند به این مردم عزیز که با

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۴/۱۰/۱۰.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۲/۳/۸.

۳. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۱۰/۳۰.

همه وجود برای انقلاب اسلامی فداکاری کردند، خدمت کند، چنانچه درست انجام وظیفه نکند، در پیشگاه خداوند و شهدا در قیامت مسئول است.^۱

تشیع و شیعیان

در دیدار ائمه جماعات قم: در دوران بسیار عجیبی قرار گرفته‌ایم. خیال نکنید همه مسائل رو به راه است و من و شما هم به آسانی و با فکر راحت دنبال کار علمی خودمان باشیم؛ نه یک مسئولیت خطیری گریبان همه ما را گرفته است؛ لیکن هرکس به سهم خود و به اندازه امکان خود باید سعی و تلاش کند، اماکن مقدس، احکام اسلام و عقاید مسلمة شیعه را حفظ کند... اکنون روز سکوت نیست. باید در مقابل حرفهای ضد اسلامی، عکس‌العملی به تمام معنا نشان داده شود و همین عکس‌العملها مانع رسیدن آنها به اهدافشان است. به کسی نسبت نمی‌دهیم که اهدافشان شیطانی و عمدی است یا غیرعمدی و ناشی از عدم تدبیر و تعمق در اسلام و احکام اسلام است. اسلام چیزی را برای ما فروگذار نکرده و تا روز قیامت برای ما الگو فرستاده و بیان احکام کرده است. شبهه‌ای هم برای شخصی در هیچ مسئله‌ای وجود ندارد؛ مخصوصاً برای ما شیعیان که تا بزرگانی مثل ائمه هدی داریم که نظیر هیچ کدامشان در تمام عالم من الصدر الی الذیل پیدا نمی‌شود نه مثل ائمه، بزرگان فقهای ما هم بعضیها افراد مقدس بلکه تجسم تقدس و تقوا بودند. به تمام معنا باید این ثروتهای زیاد را که مکتب شیعه به ما عنایت کرده است، حفظ کنیم والا اگر خدای نخواست از دست ما و جوانهای ما گرفتند، دیگر چیزی برای ما باقی نمی‌ماند و آنگاه در مقابل ابرقدرتها نمی‌توانیم مقاومت کنیم.

در دیدار برگزارکنندگان کنگره میراث علمی و معنوی حضرت زهرا(س): اگر بخواهیم هویت ما و حقیقت ما که همان اسلام راستین و تشیع است، حفظ شود باید فعالیت نکرد و علمای بزرگ ما، خطبا، روحانیین، فضلا و اهل قلم هرکدام باید به سهم خویش در این زمینه فعالیت کنند. باید این را مهم‌ترین وظیفه شرعی در زمان خودمان قرار دهیم.^۲

۱. پرتو سخن، ۱۳۷۹/۱۱/۱۹.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۴/۴/۲۳.

در دیدار حجت‌الاسلام مهدی کروب‌ی، رئیس وقت مجلس شورای اسلامی: بدانید اگر اسلام و تشیع و عقاید مردم را متزلزل کنیم دیگر جایی برای انقلاب و امام نخواهد بود. با قطع نظر از نزاعهای سیاسی در جامعه و جناح‌بندیها، هر منصفی متوجه این توطئه عمیق دشمن است که نقشه‌های فراوانی برای از بین بردن اسلام و عقاید مردم و ارزشهای جامعه دینی دارند.^۱

در دیدار برگزارکنندگان کنگره میراث علمی و معنوی حضرت زهرا(س): لازم است در زمان ما نسبت به شیعه و معرفی این مکتب توجه بیشتری شود. باید امروزه ابعاد بسیار وسیع و گسترده این مکتب عزیز را به مردم دنیا معرفی کنیم. ما معتقدیم در پرتو مکتب شیعه و شناسایی الگوهای این مکتب خصوصاً امیرالمؤمنین علی(ع) و فاطمه زهرا(س) می‌توانیم حقیقت اسلام و هدف بزرگ پیامبر(ص) را محقق سازیم.^۲

در پیام به همایش شیعه‌شناسی، راهکارها و چالشها: بسیار جای تأسف است که هنوز نتوانسته‌ایم بسیاری از معارف ناب که از ائمه معصومین(ع) به ما رسیده است را به مردم معرفی نماییم و از آن طرف مردم و شیعیان از بسیاری از آنچه را که ائمه طاهرین(ع) در ابعاد مختلف مادی و معنوی فرموده‌اند، بی‌اطلاع و بی‌خبرند و باید فکری شود و هرچه بیشتر همگان با این معارف اصیل که حقاً در هیچ مکتب دیگری نمی‌توان آن را یافت آشنا گردند. از این جهت باید سعی شود در مراکز علمی خصوصاً در دانشگاههای داخل و خارج کشور رشته شیعه‌شناسی تأسیس و گسترش یابد.

شناساندن علما

در دیدار ستاد کنگره بزرگ‌داشت علمای گلپایگان: ما وظیفه داریم جوانان را با این شخصیت‌های بزرگ آشنا کنیم. شخصیت‌هایی که عمر خود را در راه ترویج اسلام و معارف اهل بیت(ع) سپری کردند و باید چهره آنان برای همگان به صورت شفاف روشن شود. وجود بزرگان و شخصیت‌های علمی فراوان در شهر گلپایگان از ویژگی‌هایی است که در بین

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۹/۴/۱۱.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۴/۴/۲۳.

سایر شهرها کمتر دیده می‌شود و شناساندن آنان به مردم بااهمیت است.^۱

شناساندن امام خمینی

در دیدار معاون سیاسی صدا و سیما: از وظایف مهم این رسانه معرفی شخصیت امام به نسل جوان امروز ما است. باید ابعاد علمی و تقوایی و عرفانی و سیاسی امام را هرچه بیشتر برای جوانان و مردم بیان کنید.^۲

در دیدار حجت‌الاسلام مهدی کربوبی، رئیس وقت مجلس شورای اسلامی: یکی از وظایف همه انقلابیون آن است که امام را آن‌گونه که بوده است، به مردم معرفی نمایند. به مردم بگوییم: امام همه فکرش و همه هدفش تحقق اسلام و حل مشکلات مردم و جامعه بود.^۳

مساجد

در پیام به همایش خدمت‌گزاران مساجد: ما و جامعه ما تا با عظمت مسجد آشنا نشویم، نمی‌توانیم تعلق خاطر محکم و ارتباطی وثیق با آن داشته باشیم. باید بدانیم این همه تأکید در روایات برای حضور و ارتباط با مسجد، از این جهت است که مساجد بیوت خدا در روی زمین است و کسانی که با طهارت ظاهری و باطنی به آنجا روند، از زائرین حق تعالی محسوب می‌شوند و از گناهان تطهیر می‌شوند. «علیکم یتیان المساجد فإنها بیوت الله فی الأرض ومن أتاها متطهراً طهره الله من ذنوبه وکتب من زواره».

... به کسانی که تاکنون نتوانسته‌اند با این سنگر عظیم دینی و سیاسی و اجتماعی ارتباط برقرار نمایند، تذکر می‌دهم که مسجد از عدم حضور آنان به خداوند شکایت می‌کند و حق تعالی قسم یاد نموده که چنین کسانی را از رحمت خود دور سازد و به بهشت خود راه ندهد. بدانید و بدانیم که مسجد جایگاه مطهرون و صدیقون است و هنگام حضور در

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۱/۲/۱۲.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۴/۱۰/۵.

۳. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۹/۴/۱۱.

آن باید قلب خود را از هرچه که حجاب بین انسان و ربّ است، خالی کرد؛ چراکه خداوند قلب طاهر و خالص را پذیرا است.

در دیدار اعضای ستاد مرکزی غبارروبی مساجد: اقدام این ستاد کار پسندیده‌ای است؛ اما در کنار آن باید به گونه‌ای عمل شود که هرروز جاذبه‌های مساجد برای همه قشرهای مردم بیشتر شود.

بها دادن به امامان جماعت ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است تا آنان با دل گرمی بیشتر به تبلیغ مسائل اسلامی و حل مشکلات مردم بپردازند.^۱

امریکا

در دیدار ابراهیم جعفری، معاون رئیس جمهور عراق: بنده بر حسب تجاربی که به برکت امام خمینی دارم، به شما یادآوری می‌کنم همان‌طوری که آمریکاییها نسبت به وجود سلاحهای کشتار جمعی در عراق، به همه دنیا حتی به مردم خودشان دروغ گفتند، در آینده نیز وعده‌هایشان فریبی بیش نیست و مراقب باشید فریب نخورید. نباید تحت تأثیر وعده‌ها و شعارهای آمریکا باشید. بدانید، آمریکا فقط به فکر منافع خود است و هرگز فکر استقلال و امنیت و دموکراسی در عراق نیست.

از امور بسیار نگران‌کننده آن است که آمریکا تصمیم دارد فرهنگ دینی مردم عراق و سایر ممالک را از بین ببرد. شما ملاحظه کنید در افغانستان از طریق تغییر زبان به دنبال این هدف هستند. باید ترسید از روزی که آمریکا با برنامه‌ریزیهای خود و با تخریب فرهنگ و اشاعه بی‌دینی جوانان را از اعتاب مقدس و مظاهر دینی دور کند.^۲

در دیدار گروهی از پاسداران و افسران ارشد دانشگاه امام حسین(ع): قضایایی مثل طوفان امریکا، نوعی هشدار و قدرت‌نمایی خدا بود. رئیس جمهور امریکا فکر می‌کرد قدرت زیادی دارد. لذا امریکاییها در عراق و افغانستان هرچه خواستند کردند و مردم بی‌گناه را کشتند؛ اما با این حادثه برای او ثابت شد که در مقابل قدرت خدا هیچ قدرتی ندارد و به

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۵/۹/۱۷.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۳/۷/۱۲.

کلی عاجز است و نمی‌تواند حتی آب خوردن برای این مردم طوفان‌زده تهیه کند. انسان باید بداند همیشه قدرتی بالاتر از قدرتهای زمینی هست. می‌بینیم امریکا که به حساب خودش به همه دنیا کمک کرد، از مردم دنیا کمک خواست. به هر حال انسان نباید مغرور به خود و قدرتش باشد. لذا ما در هر نمازی از خدا کمک می‌خواهیم نه از دیگری و باید ارتباط خود را با خدا بیشتر کنیم و اگر خلاف این را باور کنیم، اشتباه محض است.^۱

در دیدار امام جمعه و جمعی از مسئولان ورامین، پیشوا و قرچک: کسانی که فکر می‌کنند باید با دشمن درجه اول اسلام و انقلاب یعنی امریکا کنار آمد و به خواسته‌های او تن داد، بدانند که امریکا در پی از بین بردن انقلاب و نفی حاکمیت اسلام است. آیا اینان نمی‌دانند که امریکا با اعمال و رفتار خود ثابت کرده است که نه اهل تعقل است و نه اهل منطق و فقط به فکر منافع خود است؟ به آقایان نصیحت می‌کنم که خود را از ملت و انقلاب جدا نکنند و همیشه خود را در مسیر افکار و اهداف امام قرار دهند.^۲

در گفتگو با رسانه‌های جمعی: کسانی که فکر می‌کنند استکبار حتی دنیای آنها را تأمین می‌کند، در کمال اشتباه هستند. استکبار فقط می‌خواهد دنیای خود را تأمین کند هر چند دیگران به خاک مذلت نشسته باشند. قدرتهای جهانی تابع منطق نیستند. زور دارند و هر چه می‌خواهند دروغ می‌گویند و باکی از دروغ‌گویی ندارند.^۳

اسرائیل

در درس خارج: بدانید، مسئله فلسطین مربوط به همه جهان اسلام است و هر مسلمانی در برابر آن مسئول است. امروزه لازم است دولتهای اسلامی در کنار مسائل مسلمین تلاش بیشتری نمایند تا به لطف الهی مشکل فلسطین را برای همیشه حل و دولت غاصب اسرائیل را از صحنه محو نمایند.

مسلمانان امروزه با حرکات اخیر اسرائیل به خوبی دریافتند که صلح با اسرائیل تاکنون

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۴/۶/۱۷.

۲. افق حوزه، ۱۳۸۲/۳/۱۲.

۳. افق حوزه، ۱۳۸۲/۷/۲۸.

فریبی بیش نبوده و باید با مبارزه مستمر این غده سرطانی را برای همیشه از بین برد و بدانند ملت ایران و حوزه‌های علمیه و همه اقشار دیگر در کنار ملت فلسطین تا آخر ایستاده‌اند.^۱ در پاسخ به یکی از استفتائات: با توجه به اینکه اسرائیل غاصب با حمایت شیطان بزرگ با کمال شقاوت دست به کشتار مسلمین زده و به نظر اینجانب اسرائیل در اندیشه از بین بردن تمام مسلمین جهان است. بر تمام مسلمین در هر نقطه لازم است که مقابله جدی خود را با صهیونیزم تقویت بخشند و از هیچ امری در این مورد کوتاهی نکنند و اهالی فلسطین را در این انتفاضه یاری نمایند و نیز به ملت عزیز فلسطین توصیه می‌نمایم که از استمرار انتفاضه و مجاهدت خود دست برندارند و بدانند که خداوند پشتیبان و ناصر آنان است.^۲ در بیانیه‌ای به مناسبت اهانت صهیونیستها به ساحت پیامبر(ص): امروز زمان آن فرارسیده است که مسلمین جهان حقیقت ننگین صهیونیسم را بیشتر بشناسند و نیز دولت‌های اسلامی از غفلت طولانی به درآیند و با اتحاد و همدلی امت اسلامی در صدد نابودی اسرائیل برآیند.

پایداری

در دیدار جمعی از فضلا و علمای لبنانی مقیم قم: مردم و مقاومت اسلامی لبنان و مجاهدین آنان ثابت کردند که در برابر دولت غاصب اسرائیل و قدرتهای بزرگ مادی که تمام امکانات را در اختیار دارند، می‌توان با ایمان به خدا و مجاهدت و تبعیت از سالار شهیدان حضرت حسین بن علی(ع) ایستاد و امیدوارم این پیروزی درسی باشد که همه مسلمانان و مستضعفان بدانند که باید در برابر همه ظالمین ایستادگی کرد و با اتکا به خداوند متعال و تبعیت از دستورهای قرآن و اهل بیت(ع) و اتحاد و یکپارچگی هرچه بیشتر عظمت اسلام و مسلمانان را تحقق بخشند.

پیروزی مردم لبنان بسیار غیرمنتظره و سرورآفرین بود که حیرت و تعجب همه را به دنبال داشت. از مردم لبنان می‌خواهم که این روحیه مقاومت را برای حفظ مکتب و کشور

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۹/۷/۱۹.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۹/۷/۲۷.

خود همیشه حفظ کنند و نگذارند در اثر مرور زمان روحیه شهادت‌طلبی و مقاومت خصوصاً در میان جوانان ضعیف شود و همیشه اتحاد خود را با سایر گروه‌ها و مذاهب حفظ نمایند.^۱ در دیدار ائمه جماعات استان قم: در هر قضیه‌ای که کوتاه نیامدید، موفق بودید. در قصه سلمان رشدی امام یک مطلبی فرمود، دیگران هم تعقیب کردند، حالا ببینید سلمان رشدی با چه فلاکتی زندگی می‌کند. به نظر من روزی صد بار مرگ خود را طلب می‌کند. اگر ما در این قصه کوتاه آمده بودیم، بدانید که صدها سلمان رشدی تا به حال برای ما درست کرده بودند. این مقاومت مسلمانها و این فتوا و حکمی که امام دادند، سبب شد که سلمان رشدی به این حال بد بیفتد و ان شاء الله تا آخر عمر به همین حالت یا بدتر خواهد بود.

وهابیت

در پیام به همایش نقدی بر باورهای وهابیت: وظیفه حوزه‌های مقدسه علمیه و مراکز دینی و علمی و فرهنگی آن است که با معرفی چهره واقعی این گروه منحرف و اظهار بی‌بزاری و تبری جستن از آنان مردم مسلمان خصوصاً نسل جوان را آگاه نمایند و به همه دنیا و مکاتب موجود در عالم اعلام شود که اسلام از این گروه بری است و نباید افکار و عقاید و اعمال زشت و وحشیانه آنان به نام اسلام عزیز تمام شود. باید به همه گفته شود که اینان اسلام حقیقی را که همراه با رأفت و محبت و عطف و رحمت است، تبدیل به اسلام خشن و متعصب و جامد و متحجر نموده‌اند.

تعهد

در دیدار اعضای جهاد دانشگاهی: همه ما اعم از حوزه و دانشگاه نسبت به وضعیت فعلی و آینده کشور مسئول هستیم. کسانی که می‌خواهند در این زمینه قدم بردارند باید دو خصوصیت مهم داشته باشند: تعهد انقلابی و تعهد اسلامی. ملاحظه کردید کسانی که این خصوصیت را نداشتند، چقدر به این کشور ضربه زدند؛ چقدر به مراکز علمی و به جوانان ما ضربه زدند. یک مسئول باید در فکر تعهد دینی و اسلامی و انقلابی جوانان

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۹/۳/۹.

باشد. این امر بسیار مشکل و در عین حال ممکن است.^۱
در دیدار اعضای اتحادیهٔ جامعهٔ اسلامی دانشجویان: کشور برای رفع نیاز از بیگانگان نیاز به متخصصین متعهد در هر بعدی از ابعاد دارد. اگر شما خوب درس بخوانید با توجه به اینکه استعداد شما ایرانیها از استعداد مردم سایر کشورها بیشتر است، سریع تر می‌توانید کشور را از این نیازها خودکفا کنید. بویژه در تخصصهای مختلف پزشکی، کاری کنید که برای درمان نیاز نباشد به کشورهای خارج مراجعه شود.^۲

ارتباط با روحانیت

در دیدار اعضای اتحادیهٔ جامعهٔ اسلامی دانشجویان: شخصیت‌های برجسته و خوب در میان روحانیت زیاد هستند. ارتباط خود را با اینها قطع نکنید و هرمشکل و شبهه‌ای را با آنها در میان بگذارید. ارتباط با روحانیت به نفع دنیا و آخرت شماست.^۳
در دیدار فرماندهان نیروی انتظامی سراسر کشور: شما باید با کمک عزیزان روحانی پایه‌های اعتقادی خود را مستحکم کنید.^۴

در درس خارج: مردم و جوانان توجه کنند آن قشری که دل‌سوز مردم است و در صد اصلاح دنیا و آخرت آنان و سعادت جامعه است روحانیت است. آیا در میان ملت‌ها می‌توان قشری همچون روحانیت تشیع را پیدا کرد که برای سعادت مردم دل بسوزاند و به فکر مشکلات مادی و معنوی مردم باشد؟ اگر روحانیت در این زمینه قشر منحصر نباشد، لااقل در این وادی در درجهٔ اول است و این مطلب را بدون تعصب عرض می‌کنم. افکاری که در غرب‌زده‌ها و شرق‌زده‌ها و دنیاپرست‌ها وجود دارد، در این قشر وجود ندارد و با چراغی که در دست دارند، در صدد راهنمایی دیگرانند.^۵

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۴/۱۲/۲۰؛ افق حوزه، ۱۳۸۴/۱۲/۲۴.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۶/۲/۴.

۳. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۶/۲/۴.

۴. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۶/۲/۲۰.

۵. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۹/۹/۳.

مبارزه با ناامنی و منکرات

در دیدار فرماندهان نیروی انتظامی سراسر کشور: مردم باید اطمینان داشته باشند که نیروی انتظامی به حدی فعال و مراقب است که هیچ‌گونه نگرانی نداشته باشند. شما امنیت داخلی را در سراسر کشور باید حفظ کنید و امنیت را در همه ابعاد به وجود آورید. برای انسان سخت است که از مردم بشنود در تابستان قصد مسافرت دارند و اطمینان نداشته باشند که وضع زندگی‌شان چه می‌شود. آیا خانه و زندگی به همان صورت قبلی محفوظ است یا نه؟ باید نیروهای مؤمن و انقلابی جایی برای این‌گونه نگرانیها باقی نگذارند. مبنای حکومت اسلامی، در مبارزه با فحشا و منکر و مفسد اجتماعی است. این در محدوده مسئولیت شما برادران عزیز است. اگر خدای نخواسته در این زمینه مسامحه‌ای شود، در پیشگاه خداوند غیر قابل اغماض است و هر قدمی که در این راه برداشته شود، اجر و ثواب فراوان دارد. مفسد نه تنها جوانان ما را فاسد می‌کند بلکه ضربه مستقیم به انقلاب و اسلام ناب وارد می‌سازد. باید در مورد اشاعه فحشا و منکر بویژه در شهرهای مقدس مانند قم و مشهد عمیقاً فکر شود.^۱

درس معارف در دانشگاه

در دیدار مسئولان ستاد برگزاری سمینار بررسی دروس انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن: ما معتقدیم اگر انسان با معارف اسلامی آشنا نباشد، چه در بعد عقاید و اخلاق و چه در ابعاد دیگر ولو اینکه از لحاظ علمی در سطح بالایی باشد، آن شخصیت معنوی و انسانی را دارا نخواهد بود. خیلی از این مصیبتها که گریبان ملت‌های مستضعف را گرفته، همان مسائل علمی است که ناشی از عدم ایمان و تعهد است. اگر بخواهیم دانشگاه محفوظ بماند، باید ریشه‌های اعتقادی دانشجویان را تقویت کنیم. با ارباب و تهدید و شعار، دانشگاه و دانشجو تحت تأثیر قرار نمی‌گیرد. دانشجو باید متدین شود و خود پاسخ‌گوی مسائل دینی خویش گردد.^۲

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۵/۳/۲۶.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۴/۹/۲۵.

زندانیان

در دیدار شرکت‌کنندگان دوره‌های تربیتی زندانهای کشور: مسئله زندان معمولاً توأم با ناراحتی و مشکلاتی هست؛ اما در این نظام زندان معنای دیگری پیدا کرده است. در نظام اسلامی زندان به معنای محل پرورش و تربیت انسانها است. باید به این افراد گوشزد کرد که در آینده باید مراقب خود باشند و انسان نباید بعد از بیرون آمدن از زندان خود را آلوده کند.

به هر حال باید زندان مانند دانشگاه باشد؛ چون مربی آنها همیشه بر آنان نظارت دارد. لذا باید حداکثر استفاده را از حضور آنان بکنید و با احکام اسلامی آشنا کنید. باید آنها را با کار و اشتغال و حرفه‌ای آشنا کرد تا بعد از بیرون آمدن دوباره به سبب بی‌کاری به گناه و فساد نیفتند. باید آنان و خانواده‌هایشان را تأمین کرد تا به دلیل فقر و نیاز، خانواده‌هایشان دست به کارهای خلاف نزنند.

این بهترین فرصت برای تحقق این خدمات است؛ چون شما می‌توانید به هر نحو که بخواهید این افراد را تربیت کنید و در شما هم این توانایی هست که زندانیان را با تربیت صحیح اسلامی دوباره به جامعه تحویل دهید. خوش‌وقتم که زندان در جامعه اسلامی تفاوت چشم‌گیری با زندانهای سابق دارد.

مداحی

در دیدار طلاب و فضلالی قمی و مجمع الذاکیرین و رؤسای برخی از هیئتهای مداحی تهران: باید هدف اساسی از مداحی ترویج مکتب شیعه باشد. شما که افتخار دارید مداح اهل بیت(ع) هستید، نباید تشیع را به مسائل شرک‌آمیز آلوده کنید. اگر خدای نخواستہ هدف مسائل مادی باشد، برای رسیدن به آن، راههای فراوان وجود دارد.

معتقدم مداحان باید از سبکهای جدید اما در عین حال محکم و قوی و مطابق با موازین شرع استفاده نمایند. نباید از الحان و سبکهای مشابه اهل فسق و فجور در مرثیه و روضه‌خوانی استفاده کرد.

گریستن بر مصائب ابا عبدالله الحسین(ع) علاوه بر آنکه امر دینی و عاطفی است، در

عین حال یک امر کاملاً عقلانی و منطقی نیز هست. این امر اختصاص به مکتب اسلام و تشیع ندارد بلکه پیروان هر مکتبی نسبت به مصائب بزرگی که بر آنها وارد می‌شود، از این طریق اظهار تأثر می‌کنند. پیامبر اکرم(ص) هنگام وفات فرزند خردسال خود ابراهیم گریست.

ما در زمان خود در امر مرثیه شعرای زبردستی داریم که مطالب بسیار خوب و سطح بالا را به زبان شعر درآورده‌اند. باید از این‌گونه اشعار که برخاسته از مطالب مستند و دقیق و حاوی مطالب اعتقادی است، استفاده نمود. اگر مداحان عزیز و مرثیه‌سرایان محترم در این امر دقت نکنند و خدای نخواستہ از اشعار غیر صحیح یا از الحان غیر شرعی استفاده کنند، علاوه بر اینکه مرتکب عملی حرام شده‌اند، موجب تضعیف دین نیز می‌شوند و قطعاً جوابی برای خدا و رسول و ائمه طاهرين(ع) را ندارند. باید مداحان از اساتید مجرب و فضلا و علمای قوی در رشته خود استفاده کنند. از آنان باید یاد بگیرند که چگونه بخوانند تا موجب تقویت اعتقادات دینی و استمرار مکتب اهل بیت(ع) و مجالس عزاداری شوند.^۱

امر به معروف و نهی از منکر

در دیدار اعضای ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر: امر به معروف و نهی از منکر در همه جا و برای همه کس و در هر زمان کاربرد دارد و هرکس نسبت به افراد دیگر جامعه مسئولیت دارد. امر به معروف و نهی از منکر نیازی به بودجه و هزینه ندارد.^۲

در درس خارج: مسئولان باید پایه‌های دینی و معیشتی مردم را تقویت و فریضه امر به معروف و نهی از منکر در جامعه را هرچه بیشتر احیا کنند. امام حسین در زمان خود و بعد از معاویه ملاحظه فرمود که با وجود حکومت یزید اساس اسلام از بین خواهد رفت و باید با شهادت خویش و اصحاب و اسارت اهل بیت مسئولیت خود را نسبت به حفظ و بقای دین اسلام ادا کند. درس بزرگ ما از عاشورا آن است که همه ما نسبت به حفظ دین

۱. افق حوزه، ۱۳۸۴/۱۱/۱۰.

۲. ایران، ۱۳۸۴/۱۱/۲۵.

و بقای آن در جامعه مسئولیم. باید روحانیت محترم و مبلغان درسهای بزرگ عاشورا را برای مردم بیان کنند و مسئله امر به معروف و نهی از منکر را که مهم‌ترین دستگاه نظارتی و قوی‌ترین نهاد نظارتی است، تقویت نمایند.

در اسلام، انسان نسبت به جامعه، و همه افشار نسبت به یکدیگر مسئولند و باید همه تلاش کنیم تا این فریضه در جامعه ما احیا شود و از این طریق محبت و اعتقاد خودمان را به امام حسین محکم کنیم.

در دیدار مسئولان ستاد اجرایی طرح معرفت نیروی زمینی سپاه: وظیفه امر به معروف یک وظیفه اختصاصی نیست و به لباس و شخص بر نمی‌گردد و این عمل بر همه واجب است.^۱

حجاب

در دیدار شورای مرکزی جمعیت مؤتلفه اسلامی در قم: متأسفانه رعایت برخی از ابعاد احکام و ارزشها در جامعه ما کمرنگ شده است؛ از جمله در مسئله حجاب که از مهم‌ترین مسائل جامعه ماست، برخی چنان‌که باید این ارزش شرعی را رعایت نمی‌کنند. ما باید سعی کنیم نظام و جامعه ما در مسیر غیر اسلامی - ولو تدریجاً - قرار نگیرد. بی‌تفاوتی در این امور در آینده خطر جبران‌ناپذیری را در پی دارد. باید فرهنگ حجاب را تبلیغ کرد و این امر به صورت یک امر ارزشی در جامعه ما به رسمیت شناخته شود.

توجه به شرایط روز

در دیدار مسئولان ستاد برگزاری دومین همایش دکترین مهدویت: یکی از عواملی که باعث شده در مباحث مذهبی به شایستگی نافذ نباشیم، عدم اعتنا به شرایط روز است. باید حرف جهانی زده شود. همان‌طور که جهان علیه شیعیان نقشه می‌کشند، ما نیز باید به طور جهانی به میدان مبارزه با آنها برخیزیم. اگر به روشهای سالهای قبل اکتفا کنیم و به همان صورت قبل بمانیم، زمینه نابودی شیعه را فراهم کرده‌ایم.

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۱۲/۲۵.

ضرورت پاسخ به شبهه‌ها

در دیدار رئیس و معاون پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی قم و مسئول و مدیران موسسه فرهنگی انتظار نور: کار شما مقدس و لازم است و با کار خود باید همچون واجبات الهی برخورد کنید و از لحاظ کمی و کیفی آن را توسعه دهید.

دشمنان با انفجار حرم عسکریین می‌خواهند بگویند: امام زمان(ع) را که شما اعتقاد به حیات او دارید، باید از این حررها دفاع می‌کرد و اگر در مقام دفاع بر نیاید، مسلماً در قید حیات نیست. باید در مقابل دشمنان مذهبی خود نیز بی‌تفاوت نباشیم و با دلیل و برهان ذهن جوانان را نسبت به شبهاتی که آنها مطرح می‌کنند، روشن کنیم.

طلاب حوزه‌های علمیه باید امروز با تمام سؤالات و مسائل مطرح در مورد شیعه در جهان، آشنا باشند. این مسئله می‌طلبد تا با ایجاد رشته‌ای در زمینه شیعه‌شناسی آنها را با کتب و مطالبی که در مورد شیعه نگاشته شده، آشنا کنیم.

روحانیت شیعه در این زمان روحانیت بیست سال گذشته نیست. امروز با وجود اینترنت، ماهواره و مسائل این‌چنینی روحانیت باید آگاه‌تر از گذشته عمل کند. روحانیت کنونی باید شرایط زمانه را به خوبی درک کند. روحانیت امروز، روحانیت مسئول است و در قبال مسئولیت خود باید فعال باشد و به تبلیغ و ترویج دین و پاسخ به شبهات همّت جدی داشته باشد. ما باید با شناخت و الگوگیری از حرکت امام خمینی به تهاجمات فکری دشمنان، با دلیل و برهان پاسخ دهیم.^۱

در پیام به همایش شیعه‌شناسی، راهکارها و چالشها: در زمان کنونی شبهات فراوانی از طریق مطبوعات و یا رسانه‌ها خصوصاً سایتهای ضددینی برای مخالفت با این مکتب القا می‌شود. لازم است در حوزه مقدسه قم مرکزی متصدی جمع‌آوری شبهات مربوط به شیعه باشد و به آنها پاسخ مناسب داده شود. گرچه بحمدالله امروزه مراکز در این حوزه مقدسه وجود دارد و به این امر اهتمام دارند اما به نظر می‌رسد که باید تعمیق بیشتر داده شود.

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۴/۱۲/۲۳.

توجه به پس از مرگ

در دیدار مسئولان عقیدتی، سیاسی نیروی هوایی ارتش: بدانید این زندگی به زودی سپری می‌شود و همه ما رهسپار دیار حضرت حقیق و به جایی می‌رویم که فقط اعمال و عقاید مطرح است؛ نه درجات اجتماعی در دنیا و آنچه انسان را بالا می‌برد، اعتقاد و اعمال دینی است.^۱

ماه رمضان

اسلام اهمیتی که برای تقوا قائل است، برای هیچ عنوانی حتی علم با آن همه تأکیدی که در آن کرده است، ندارد. ماه رمضان ماهی است که هرکس باید حساب کند که کلاس عملی و تمرینی برای رسیدن به تقوا است. انسانی که یک ماه از مال حلال و حلیله خویش و غرائز اجتناب کند، به آسانی می‌تواند از موارد نامشروع دوری کند.^۲

چگونگی انتقاد

در درس خارج: گزارشات و انتقادات ما طوری نباشد که خدای ناکرده انقلاب آسیب ببیند. اگر خدای نخواست روزی آسیبی به انقلاب برسد، دیگر فرقی بین موافق و مخالف نیست. مخالف با انقلاب ما، با همه ما مخالف است. انتقاد سازنده که در انقلاب ما اثر خوب و مستقیم داشته باشد، لازم است اما اگر احتمال دادیم یک آب گل آلود تحقق پیدا می‌کند و افراد ضدانقلاب بهره‌مند می‌شوند و چه بسا تعدادی ساده‌لوح از ما بدون اینکه به عمق قضیه واقف باشند تحت تأثیر قرار می‌گیرند، صحیح نیست.^۳

مقابله با نفوذ بیگانگان

در دیدار جمعی از فضلا و دانشجویان: دانشجویان محترم بدانند دشمن همیشه برای

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۲/۲.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۴/۱۰/۲۴.

۳. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۷/۳/۱۲.

ضربه زدن به نظام اسلامی در صدد رخنه و سوء استفاده از یکی از دو قشر مهم روحانی و دانشجوی بوده است و به خوبی دریافته است جامعه اسلامی ما با حضور فعال روحانیون و دانشگاهیان همیشه زنده و بالنده به پیش خواهد رفت و برای ضربه زدن به نظام اسلامی باید در یکی از این دو قشر مهم نفوذ کرد؛ لیکن بحمدالله تاکنون هم حوزه‌های مقدسه علمیه و هم دانشگاهیان عزیز با بیداری و هوشیاری کامل مراقب دسیسه‌های دشمن بوده‌اند و ان‌شاء الله در آینده نیز خواهند بود.^۱

استفاده نکردن جناحها از حضور توده‌ها

در دیدار جمعی از فضلا و دانشجویان: جناحهای مختلف سیاسی کشور بدانند این حضور عظیم ملت برای اسلام و انقلاب و حمایت از ولایت فقیه بوده است و ملت توجهی به جناح‌بندیهای موجود در کشور ندارد و تذکر می‌دهم حضور عظیم ملت را هیچ گروهی وسیله برای رسیدن به اهداف خاص خود قرار ندهد.^۲

گرامی‌داشت دو عید

در گفتگو با رسانه‌های جمعی: ما دو عید در بین اعیاد اسلامی داریم که خیلی برای ما شیعیان اهمیت دارد و باید بیشتر از اعیاد دیگر اهمیت بدهیم و جشن و سرور داشته باشیم: یکی عید سعید غدیر که مربوط به اولین اوصیاء رسول خدا(ص) است و دیگری عید سعید نمیه شعبان که مربوط به آخرین اوصیاء رسول خدا(ص) است.^۳

جذب جهانگردان

در دیدار رئیس سازمان ایرانگردی و جهانگردی: هدف ما از جهانگردی با کشورهای اروپایی و آمریکایی فرق می‌کند و ما تنها به دنبال آن نیستیم که جهانگردان را در

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۸/۴/۲۸.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۸/۴/۲۸.

۳. افق حوزه، ۱۳۸۲/۷/۲۸.

کشورمان بگردانیم بلکه می‌خواهیم آنها را جذب اسلام کنیم. کسانی را که برای همراهی گردشگران انتخاب می‌کنید، مدیر و متدین باشند تا وقتی جهانگردان آنها را می‌بینند زمینه جذب آنان به اسلام فراهم شود.^۱

ربا

در دیدار اعضای ستاد مبارزه با ربا و رباخواری: ربا اعلام جنگ با خداست و چنین تعبیری بسیار کمرشکن است. لذا خیلی باید مراقب بود که بازار و اقتصاد مسلمانان آلوده به ربا نباشد. مبارزه با ربا در جامعه اسلامی کاری بسیار لازم و ضروری است. امام خمینی حیل‌های شرعی در باب ربا را صحیح نمی‌دانستند. در عین حال خرید و فروش پول را در صورتی که قصد جدی معامله باشد، جایز می‌دانستند. در حالی که از دید یک انسان عادی ممکن است توهم این معنا شود که این امر با ربا فرقی ندارد. مسئولان ما باید هرچه بیشتر در اسلامی کردن بانکها و مسائل اقتصادی سعی و تلاش کنند و از طرف دیگر مردم عزیز و متدین بدانند که عقود و معاملات امور اعتباری است که با اندک تغییری در قصد و نیت تغییر پیدا می‌کند. ممکن است نتیجه دو معامله در ظاهر یکی باشد اما یک طریق، حلال و طریق دیگر حرام باشد و بر هر طریقی آثار خاص مترتب شود.^۲

استکبار مروج مواد مخدر

در دیدار جمعی از قضات استان قم: اولین مروج مواد مخدر خود استکبار است. شاهد این مطلب تولید بیش از پیش مواد مخدر در افغانستان از زمان استکبار بر آنجا است تا جوانان به این امر مشغول و از اوضاع و احوال سیاسی و تعرض به آنان غافل باشند.^۳

در دیدار مسئولان نیروی انتظامی استان قم به همراه نماینده ولی فقیه در نیروی

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۵/۲.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۵/۴.

۳. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۱۰/۲۰.

انتظامی: انتظار ما از این نیرو آن است که علاوه بر امنیت، مشکل مواد مخدر و نیز تهاجم فرهنگی شدیدی را که امروزه جوانان ما با آن مواجه هستند، با درایت و قاطعیت حل کنند. آمریکا بعد از حضور در افغانستان یکی از سیاستهای مهم خود را تکثیر و تولید مواد مخدر قرار داده است. هدف آمریکا از این امر فقط جنبه اقتصادی نیست؛ بلکه او به دنبال از بین بردن نسل جوان و آگاه در کشورهای اسلامی است.^۱

خطر ماهواره

در دیدار جمعی از مسئولان صدا و سیما: برنامه‌هایی که توسط ماهواره‌ها در جهان از جمله ایران پخش می‌شود، عمدتاً برای تخریب اذهان مردم بویژه جوانان و از بین بردن فرهنگ اسلام و ارزشهای مقدس اسلامی است که همه ما بویژه مسئولان باید مراقبت لازم را داشته باشند. استکبار جهانی بویژه آمریکا از این وسایل و ابزار و تکنیک برای پیشبرد اهداف شوم خود بیشترین استفاده را می‌کنند که همگان از آن اطلاع دارند. از سوی دیگر تنها کشور اسلامی که مکتب تشیع در آن حاکم است جمهوری اسلامی ایران است که هدف اصلی دشمنان بویژه آمریکای جنایت‌کار است. بنابراین مسئولیت دست‌اندرکاران صدا و سیما و نهادهای مربوط بسیار سنگین و خطیر است و خیلی باید مراقب بود تا حد توان از تهاجم فرهنگی دشمنان جلوگیری شود.^۲

تقویت روحیه شهادت‌طلبی

در دیدار اعضای ستاد یادواره شهدای کارگر و کارمند قم: این برنامه یادواره شهدا آثار زیادی دارد و علت عمده‌اش این است که جوانان امروز ما درست حقیقت‌جبهه و جنگ را درک نکرده‌اند و این کاری که شما در پیش گرفته‌اید در حقیقت تجدید روحیه شهادت‌طلبی است. باید مردم بفهمند این انقلاب، اسلامی است و این ارزش را دارد که انسان در راه آن شهید شود و در این مورد کارهای زیادی می‌توان کرد.

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۷/۱۲.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۳/۶/۳۰.

باید ملاحظه شود که شهدا افراد معمولی جامعه ما بودند و امام اینها را به جبهه‌های جنگ کشاند و چنان از خود رشادت نشان دادند که قابل تصور نیست و بسیاری از آنان شهید شدند. تمام اینها ایثارگریهایی کردند که کتابهای زیادی می‌طلبید تا مردم از آن آگاه شوند و این کار شما کمترین اثرش این است که نسل جدید را با شهادت‌طلبی آشنا می‌کند و به جامعه می‌فهماند که این شهادت‌طلبیها بوده که جامعه را حفظ کرد و کشور ما و دین ما را برای ما باقی گذاشت. اگر اینها نبودند شاید هیچ چیز برای ما باقی نمانده بود و باید این روحیه را حفظ کرد. این کار برای حفظ کشور و نیز برای حفظ عقاید جوانان لازم است.

در دیدار فرماندهان لشکر ۱۷ علی بن ابی‌طالب(ع): شهدای خرمشهر نشان دادند که با روحیه شهادت‌طلبی در هر زمان می‌توان بر استکبار جهانی پیروز شد. جوانان امروز باید با این روحیه آشنا شوند و ضمن آگاهی از فداکاریهای رزمندگان در طول دفاع مقدس بدانند که انقلاب نیازمند شهادت‌طلبی است. این انقلاب با هزینه سنگین به دست آمد. ما امروز میل به جنگ نداریم اما روحیه شهادت‌طلبی را حفظ می‌کنیم و با چنین روحیه‌ای هیچ قدرتی نمی‌تواند به این مملکت آسیب برساند. امروز چشم همه به ما دوخته شده است و جوانان ما با روحیه‌ای استوار دشمن را مأیوس می‌سازند.^۱

موقوفات

در دیدار با رئیس سازمان اوقاف کشور: وقفها ضامن بقای بسیاری از مسائل مختلف از جمله اماکن متبرکه امامزاده‌ها و اعمال و سنتهای نیکوی دیگر می‌باشد. ما باید در زمینه مصرف وقف به دستوره‌های اسلام و قوانین شرع به خوبی عمل کنیم. امام خمینی معتقد بود که موقوفات باید در جایگاه اصلی خود مصرف شود. ایشان حتی اجازه نمی‌دادند که موقوفات صرف طلبه‌های حوزه‌های علمیه شود.^۲

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۲/۳۱.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۸/۱۶.

روشن‌فکری

در درس خارج: برخی افراد به بهانه روشن‌فکری در صدد تخریب احکام برآمده‌اند و می‌گویند: دین و احکام مربوط به زمانهای گذشته است و امروز باید به دنبال حقوق و فقه جدیدی بود. اینها روشن‌فکری را به معنای مقابله با قرآن و سنت دانسته‌اند. گاهی شنیده می‌شود: نپذیرفتن شهادت زنان در برخی از موارد مربوط به زمانی بوده است که آنها تحصیلات نداشته‌اند و معمولاً در خانه بوده‌اند. در حالی که اگر به فقه مراجعه شود، ملاک در قبول شهادت علم و سواد نیست. حتی در مواردی که شهادت یک مرد مورد قبول است، شرط سواد در آن نشده است. به علاوه در صدر اسلام و زمانهای گذشته زنان باسواد و اهل فکر بوده‌اند. اینان به جای اینکه احکام را درست بفهمند، با عقل محدود خود آن را می‌سنجند و در صدد تخریب آن برآمده‌اند. خداوندی که خالق ما است و احاطه مطلقه به همه خیر دارد این احکام از سوی آن حکیم مطلق جعل شده است.^۱

تساوی زن و مرد

در پیام به نشست عفاف: امروزه برخی از افراد مغرض یا نادان با شعار تساوی زن و مرد همان هدفی را دنبال می‌کنند که نه تنها به زن بهایی داده نمی‌شود بلکه تمام ارزش او را در معرض نابودی قرار می‌دهد. خواهران محترمه، جعل یا عدم جعل منصب قضا برای زن هیچ‌گونه تأثیری در رسیدن به کمالات والای انسانی او ندارد. تساوی یا عدم تساوی در ارث و یا مقدار دیه و نیز تفاوت یا عدم تفاوت در شهادت هیچ‌گونه نقشی در زوایای روحی و ملکوتی وی ندارد. خود را و حقیقت خود را دریابید و با اشکالات واهی که از طرف برخی از جاهلان و مغرضان مطرح می‌شود، وقعی ننهید. بدانید، برخی از احکام فقهی در مورد زنان که به حسب ظاهر توهم محدودیت و یا تنقیص برای آنان است، نزد اهل نظر و بصیرت تحفیظ و تقدیس آنان برای انجام وظایف بزرگ‌تر و خطیری است که قطعاً از عهده بسیاری از مردان برنمی‌آید. از خود سؤال کنید که: آیا در رسیدن به حیات

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۱/۲۰.

طیبه که وعده قطعی الهی است، زن بودن مانعیت دارد؟ شما می‌دانید آنچه قرآن بر آن فریاد زده است، آن است که: «هل یستوی الذین یعلمون والذین لایعلمون.» اما هرگز نفرموده است که: «هل یستوی الرجال و النساء.»

ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی

در دیدار رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی همراه جمعی از مدیران و معاونان این سازمان: جامعه ما خصوصاً جوانان خیلی با کتاب مأنوس نیستند و حال آنکه راه آشنا شدن با حقایق و واقعیات از طریق کتاب و کتاب‌خوانی است. از این رو بایستی فرهنگ کتاب‌خوانی در جامعه ما ترویج شود. باید کاری کنید که مردم خود را بی‌نیاز از کتاب ندانند. راه کارهای این امور را بررسی و پیدا کنید.

در زمان حضرت امام که برای عمل قلب مجبور شدم به لندن بروم، در هواپیمایی که در سویس سوار شدیم، مشاهده کردم همه مسافران چیزی برای مطالعه در دست دارند. ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی از جمله مسائلی است که امروز ضرورتش بیشتر احساس می‌شود؛ چون مشاهده می‌کنیم جوانان ما آن مقدار که انتظار می‌رود نسبت به حرکت امام انقلاب و مصائب و بلاهایی که رژیم طاغوت بر سر این مردم می‌آورد، اطلاع ندارند. راه آشنا شدن به این مطالب، کتاب است. کاری کنید که جامعه ما با کتاب آشنا شود؛ به طوری که خودشان به دنبال خواندن کتاب بروند. به همین جهت ما تأکید می‌کنیم در مساجد حتماً کتابخانه تأسیس و راه‌اندازی شود تا مؤمنین و نمازگزاران با کتاب سروکار پیدا کنند. الآن با گسترش و پیشرفت امکانات نظیر اینترنت از نقاط دور که حتی اسمش را شاید نشنیده باشیم از ما سؤالاتی می‌کنند که جوابش را برایشان می‌فرستیم. این برای ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی و مطالعه است. کاری کنید که جوانان و جامعه ما از طریق کتاب با حقایق آشنا شوند و بدین وسیله از خرافات و اوهام دور شوند.^۱

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۱۰/۳۰.

مطبوعات

در دیدار اعضای شورای مرکزی خانه مطبوعات در استان قم: مطبوعات سعی کنند اصولی را که حضرت امام راحل برای انقلاب اسلامی تبیین نمودند، روز به روز تقویت کنند. ما به هیچ وجه نمی‌توانیم مطبوعاتی را که در راه خوشایند کردن دشمنان خصوصاً امریکا و اسرائیل قلم‌فرسایی می‌کنند، دوستان انقلاب، نظام و اسلام بدانیم. همان‌طور که روحانیون ارشاد جامعه را از لحاظ معنویت برعهده دارند، مطبوعات نیز در امور سیاسی و اجتماعی کشور مردم را راهنمایی و جامعه را روشن می‌کنند. مطبوعات باید مانند معلم، مخاطبان خود را همچون شاگرد، ارشاد و تربیت کنند و خیال نکنند که مردم همه چیز را می‌دانند. همیشه از انتشار خبرهای دروغ اجتناب کنید و واقعیتها را بگویید. در این صورت مردم مطالب شما را به جان و دل می‌پذیرند.^۱

در دیدار مسئول و اعضای تحریریه روزنامه قدس: اسلام آزادی را به طور مطلق تأیید نمی‌کند؛ همان‌طور که هیچ نظام و کشوری آزادی مطلق را تأیید نمی‌کند. این اواخر بعضی روزنامه‌ها و مطبوعات دارند به عنوان آزادی و روشن‌فکری هر کاری را که بخواهند انجام می‌دهند و بسیاری از مقدسات مسلم مردم را متزلزل می‌کنند. باید مسئولان مراقب باشند و مانع از نشر مطالب انحرافی آنان شوند. مثلاً فلان مجله می‌بیند اگر روی جلدش عکس یک زن زیبایی را چاپ کند، تیراژش بیشتر می‌شود؛ مشتری‌اش بیشتر می‌شود. دیگر فکر نمی‌کند که این کار در روح یک جوانی که در بحران شهوت قرار گرفته، چه اثری دارد.^۲

آزادی

در دیدار حجت‌الاسلام سید محمد خاتمی، رئیس‌جمهور وقت: باید برای مردم آزادی را بیشتر روشن کرد و مفهوم صحیح آن را برای مردم بیان نمایم تا از اجمال خارج شود. از اصول انقلاب ما آزادی بوده است؛ اما باید برای مردم روشن شود که آزادی چیست و

۱. رسالت، ۱۳۷۸/۹/۲۹.

۲. رسالت، ۱۳۷۷/۴/۳۱.

کدام آزادی به نفع مردم و حافظ سعادت و استقلال آنها است و باید مراقب باشید افرادی از آزادی برای تخریب و ضربه زدن به دین استفاده نکنند. مبدا آزادی که به برکت انقلاب و اسلام به این مردم ارزانی شده است، عده‌ای از آن برای ضربه زدن به انقلاب و نهادهای اصیل انقلاب خصوصاً اثر پربرکت امام یعنی ولایت فقیه که ضامن حفظ انقلاب است استفاده کنند.^۱

در دیدار مهاجرانی، وزیر وقت فرهنگ و ارشاد اسلامی: امروز دشمن، ایمان و اسلام این ملت را هدف قرار داده است و به فکر خام خود به وسیله برخی افراد که متأسفانه از اسلام دورند و به غرب و افکار ناصحیح غرب اتکا دارند، سعی در تزلزل ایمان این ملت دارد و می‌خواهد با حربه آزادی، اسلام را از دست این ملت خارج سازد.

هیچ عاقلی با اصل آزادی مخالف نیست و همه عقلا با آزادی مطلق که منجر به هرج و مرج و بی‌بند و باری می‌شود، مخالفند؛ اما بدانید که دشمن، آزادی در حدود اسلام را نیز نمی‌پسندد. آنان سعی در ترویج آزادی گرچه به قیمت خدشه‌دار کردن دین اسلام را دارند. دشمن در این زمینه متأسفانه از طریق ایراد و اشکال حتی نسبت به امام خمینی و مبانی فکری ایشان وارد شده است.^۲

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۸/۳/۵.

۲. قدس، ۱۳۷۷/۱۱/۲۶.

شخصیتها و حوادث

حضرت آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی در لابه‌لای مصاحبه‌ها و سخنان خود، از برخی شخصیت‌های برجسته و حوادث مهم یاد کرده است. ذکر آنها را در اینجا مناسب دانستیم:

آیت‌الله العظمی بروجردی

در مصاحبه: مرحوم آیت‌الله بروجردی وجوه شرعی بسیاری در اختیار داشت؛ به گونه‌ای که علاوه بر شهریه طلاب قم، شهریه طلاب نجف را نیز می‌داد؛ ولی در زندگی داخلی بسیار ساده و زاهدانه بود. در مصارف شخصی، از وجوه شرعی استفاده نمی‌کرد. مخارج زندگی شخصی خود را از مختصر ملکی که در بروجرد داشت، تأمین می‌نمود و حتی نان منزل را هم از آردی تهیه می‌کرد که از حاصل ملک بروجرد برای ایشان می‌فرستادند.

مرحوم پدرم فرمودند: روزی آیت‌الله بروجردی به من فرمودند: کیفیت نانی که برای ما می‌پزند، خوب نیست. آدرس نانوايي را گرفتم و رفتم تا به نانوا تذکر بدهم که دقت بیشتری در پخت نان بکند. شکوه آیت‌الله بروجردی را از کیفیت نان به نانوا گفتم. نانوا گفت: ما مقصر نیستیم. این آردی را که بیت ایشان به ما می‌دهند، خوب نیست. نان این آرد بهتر از این نمی‌شود. اگر آقا اجازه بدهند، آرد خوب تهیه می‌کنم و نان مرغوب برای ایشان می‌پزم. آمدم خدمت آیت‌الله بروجردی پیشنهاد نانوا را مطرح کردم. ایشان فرمودند: این آرد مال ملک شخصی خودم است و حاضر نیستم آن را تعویض کنم و به همین نان از آرد خودم اکتفا می‌کنم.

با اینکه چهار نفر بودند (خود ایشان و عیالشان و یک کلفت و یک نوکر) برای دو وعده این چهار نفر در شبانه روز تنها شش سیر گوشت می‌خریدند.

موردی دیگر مرحوم پدرم گفتند: آیت‌الله بروجردی پادرد داشتند؛ به همین جهت یکی، دو سفر به آبگرم محلات رفتند. در یکی از این سفرها که مردم اطراف متوجه شدند، به دیدن ایشان آمدند؛ از جمله عده زیادی از فقرا هم آمده بودند که آیت‌الله بروجردی به آنان کمک کند. ایشان ضمن دادن پول به فقرا، دستور فرمودند چند تا گوسفند بخرند و گوشت اینها را بین فقرا تقسیم کنند. پس از کشتن گوسفندان و تقسیم بین فقرا به اندازه نیم کیلو گوشت برای آیت‌الله بروجردی کنار گذاشته بودند تا یک وعده کباب برای ایشان تهیه کنند. سفره‌انداخته شد. ماست و خیار را گذاشتند. دو، سه سیخ کباب هم که از همان گوشت تهیه کرده بودند، خدمت ایشان گذاشتند. فرمود: این کباب از کجاست؟ گفتند: از همین گوشت مقداری فقط برای شما درست کرده‌ایم. ایشان فرمود: من این کباب را نمی‌خورم؛ اینها را بین فقرا تقسیم کنید که آنان بوی آن را شنیده‌اند. ایشان همان ماست و خیار را تناول کردند. گاه می‌شد طلبه‌ای می‌آمد خدمت ایشان و اظهار می‌داشت: یک دوره کتاب نیاز دارم. می‌فرمود: هزینه‌اش چقدر می‌شود؟ طلبه می‌گفت: مثلاً هزار تومان. فوری پرداخت می‌کردند. اما وقتی برای خودشان می‌خواستند کتابی بخرند، مدتی چک و چانه می‌زدند تا به قیمت کمتری بخرند؛ چون مخارج شخصی را از مال خودشان تهیه می‌کردند و آن‌هم محدود بود. از این رو در مضیقه بودند.^۱

در مصاحبه: می‌دانید ایشان تا آخر عمر حتی قرآنهای خط ریز را بدون عینک می‌خواندند. من علت آن را از ایشان پرسیدم. فرمودند: دهه محرمی بود و من به چشم‌درد مبتلا بودم. در منزل روضه‌خوانی داشتیم و دسته‌های عزاداری به صورت سینه‌زنی به منزل ما می‌آمدند. مرسوم بروجردیها این است که خود را آغشته به گل می‌کنند. هیئت گل آلود وارد منزل ما شد. در این هنگام گویا به من الهام شد که از این گلها مقداری به چشم بمالم. مقداری گل با انگشتم از بدن یکی از عزاداران برداشتم و به چشم‌هایم مالیدم. از آن وقت به بعد اصلاً عارضه‌ای در چشمم احساس نکرده‌ام و از بینایی خوبی هم برخوردارم.^۲

۱. حوزه، ش ۴۴ - ۴۳، ص ۱۴۷ - ۱۴۸.

۲. حوزه، ش ۴۴ - ۴۳، ص ۱۵۳.

شخصیتها و حوادث ۴۱۷

آیت‌الله فاضل یک ماه پس از ارتحال آیت‌الله بروجردی، در غم فراق او، پشت عکس استاد معظم خود با قلمی شیوا به بیان احساسات خود پرداخته است:

بسمه تعالی

عکس ظهر، تمثال خورشید عالم‌تابی است که ناگهان و بدون انتظار از آسمان فضیلت غروب کرد. دنیای تشیع مخصوصاً عالم روحانیت در ماتم او غرق در اندوه و حزن گردید. فرزندان بی‌شمار او در مرگ پدر خویش بی‌تاب و توان گشتند. ای استاد ارجمند و ای سرور معظم و ای مولای مکرّم، در مدح تو چه بنگارم و کدام‌یک از فضائل تو را یاد آور شوم و حال آن‌که در این هنگام که مدت یک ماه است از افول تو می‌گذرد، هنوز تأثر و اندوه شیعیان پایان نیافته و اشک‌های دیده آنها خشک نگشته، بلکه هر روزی که بر مدت غروب تو می‌گذرد، به همان اندازه فقدان تو بر تأثرات می‌افزاید.

ای سرو بافضیلت و ای مظهر صفات خدا و ای آیت عظمی، هر زمان که صفحه خاطر، مورد اشغال قهری امور دگر واقع نشود، تنها چیزی که بر آن نقش می‌بندد، خاطرات دوران پراثر حیات تو است. فقط یاد تو است که آخرین لحظه بیداری‌ام را می‌گذراند و اولین لحظه برخاستن از خواب را به خود مشغول دارد، چرا چنین نباشد؟ با اینکه علاوه بر استفاده علمی متجاوز از ده سال از محضر شریف در ارتباطات و تماس‌های خارج از محیط درس که در هر هفته لااقل یکی دو مرتبه اتفاق می‌افتاد، جز لطف و محبت، مهربانی و عطوفت و تجلیل از مقام شامخ علم و تذکر خدا و آخرت و اصلاح امور مسلمین و توجه به وضع دردمندان چیزی از تو مشاهده نکردم. خدا گواه است در هر نوبت که موفق به محضر شریف او می‌شدم، معنویت او بیشتر از مرتبه سابق برایم جلوه می‌کرد و ارادتم افزون‌تر می‌گشت. تظاهر به زهد از او دیده نشد با اینکه در باطن کاملاً زاهد بود. اگر فضیلتی را در محصلی احراز می‌کرد، امکان نداشت بدون تقدیر و تشویق بگذارد و لو اینکه آن فضیلت فقط خوبی خط یا املاء و انشاء صحیح بوده باشد.

ای مرد با عظمت، من چطور در اطراف تو قلم‌فرسایی کرده و بزرگی تو را مجسم کنم با اینکه هنوز قلم یارای نوشتن خاطرات تو را به عنوان خاطرات بعد از مرگ ندارد. هنوز عظمت تو مانع از تصور مرگ است. برای تو البته چنین است:

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به علم ثبت است بر جریده عالم دوام ما
با اینکه هر روز به زیارت قبر پرفیض تو موفق شده و در کنار آن با دیده اشکبار
قرائت کلام الله مجید می‌کنم، ولی باور ندارم که تو در زیر خاک قبر نهان
شده‌ای و دیده از این عالم فرو بسته‌ای. هنوز صدای روح افزای تو در محیط
مسجد اعظم به گوش می‌رسد و محراب عبادت آن، وجود تو را در میان خویش
مجسم می‌دارد. تو فراموش نخواهی شد؛ زیرا که هر روز فضایل تو برای مردم
بیشتر روشن می‌گردد و بر ارادت آنان افزوده می‌شود.

به هر حال گرچه در صبح پنج‌شنبه سیزدهم شوال المکرم سال ۱۳۸۰ قمری، مطابق
با دهم فروردین ۱۳۴۰ شمسی، ساعت ۷ و ۲۰ دقیقه ستاره درخشان ما غروب کرد و
خورشید فضیلت ما در حالی که خورشید تازه سر از افق بیرون آورده بود، برای پرتوافشانی
عالم دیگر رفت؛ ولی پرتو نور او و شعاع درخشندگی‌اش ما را شامل خواهد بود.
شعرای زبردست برای ماده تاریخ سال فوت ایشان هر کدام به نوبه خود مصرافی
سروده‌اند؛ مانند «عاشور دوم بناشد از مرگ حسین» یا «عین شمع نهاده بسر
نقطه سیاه» یا «این فقیه اهل بیت اطهر است» یا اشعار دیگر؛ ولی فوت او محتاج
به ماده تاریخ نیست؛ زیرا که در قلوب ثبت است.

محمد موحدی لنکرانی

۱۲ ذی‌قعدة ۱۳۸۰

(۱۳۴۰/۲/۸)

آیت‌الله فاضل در مصاحبه‌ای به تفصیل در مورد آیت‌الله بروجردی سخن گفته است.
متن کامل آن در قسمت مربوط گذشت.

آیت‌الله العظمی سید محمدرضا گلپایگانی

در دیدار ستاد کنگره بزرگ‌داشت علمای گلپایگان: آیت‌الله گلپایگانی یک روحانی به
معنای واقعی بود. شخصیتی که نسبت به تحصیل طلاب، مسائل دینی و ولایتی و استقلال
تشکیلات روحانیت اهمیت قائل می‌شد.^۱

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۱/۲/۱۲.

مقام معظم رهبری

در درس خارج: در کشور ما یک نظام اسلامی حاکم است. یک نظام اسلامی راستین و در این نظام شخص اول مملکت یکی از فرزندان زهرا(س)، عالمی باعمل، علاقه‌مند به قرآن، دل‌سوز برای اسلام، خوش‌بین و خوش‌فهم می‌باشد و بر کلیه امور و مسئولان نظارت دارد.^۱

از بیانات آیت‌الله فاضل: به عقیده شخصی من، الآن حمایت از مقام رهبری از زمان امام واجب‌تر است؛ برای اینکه آن شخصیت امام، آن شخصیت والا و جهانی امام، چه بسا نیاز به این نداشت که من طلبه و امثال من از او حمایت کنیم و لو اینکه آن‌هم واجب بود و حمایت می‌کردیم؛ اما نیاز چندانی به حمایت من طلبه احساس نمی‌شد. همان‌طور که حمایت از امام نه شخص امام، واجب بود، الآن بیشتر احساس ضرورت و نیاز دارد. این مقام واجب‌الاطاعه است و باید محترم شناخته شود.^۲

علامه امینی

در پیام به دومین اجلاس حوزه و تبلیغ، یادمان علامه امینی: مرحوم آیت‌الله آقای حاج شیخ عبدالحسین تبریزی معروف به علامه امینی - قدس الله نفسه الزکیه - صاحب کتاب شریف *الغدیر* و برخی کتب دیگر، توانست در دوران حیات موقت خویش با صرف وقت در تحصیلات حوزوی و انتخاب اساتیدی ارجمند و شایسته و تحمل مشقتها و مسافرتها متعده به بلاد بعیده جهت دسترسی به کتابخانه‌های معروف جهان و استنساخ از نسخی که در تألیف کتاب مزبور نقش مؤثر داشته است، یکی از بزرگ‌ترین خدمات ارزنده را به عالم تشیع نماید و تا حد قابل اعتنایی از مظلومیت مکتب تشیع که امام آن نیز اول مظلوم عالم بود، بکاهد.

جداً کتاب *الغدیر* مخصوصاً با قلم رسا و مطابق روش توانسته جمیع شبهات را در مورد مسئله امامت و وصایت بلافصل امیرالمؤمنین - علیه السلام - پاسخی متناسب که مقبول

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۷/۳/۱۲.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۲/۱۵، ویژه‌نامه شاخه‌ای از شجره طوبی، ص ۱۴.

عقل سلیم و منطقی خالی از تعصب است، بدهد؛ خاصه که از کتب خود آنها که در زوایای کتابخانه‌های متعدد مخفی بود و یا مخفی نگاه داشته شده بود، استفاده نموده و با استعانت مداوم از صاحب اصل مقام ولایت و امامت چنین موفقیتی را به دست آورد که مرور زمان نه تنها آن را کهنه نمی‌کند بلکه بر عظمت آن می‌افزاید؛ خاصه آنکه برخی از کتب دیگر که در این زمینه مرقوم شده، خالی از فلته و یا فلتاتی نیست و مجموعه کتاب شریف *العدیر* با طولانی بودنش و کثرت مجلداتش خالی از این فلتات است.

آیت‌الله سید مصطفی خمینی

در مصاحبه: یکی از دوستان دوران دبستان ما، مرحوم آقای حاج آقا مصطفی هم وارد این رشته (رشته روحانیت) شده بود. وجود این دوست عزیز در شدت علاقه ما نقش مهمی داشت و از همان اوان به کمک یکدیگر و به عنوان دو هم‌مباحثه مشغول تحصیل شدیم ... ایشان از یک استعداد کامل و ذکاوت بسیار عجیبی برخوردار بود و به بحث و مطالعه بسیار اهمیت می‌داد.^۱

در مصاحبه: مرحوم حاج آقا مصطفی خمینی چه در دوران قبل از شروع مبارزه پدر بزرگوارش و چه در دوران شروع مبارزه، چه در ایران و چه در موقعی که در نجف زندگی می‌کردند، که در تمامی این دوره‌ها، با ایشان بودیم، زندگی داخلی ایشان در یک سطح بسیار بسیط و عادی بود. زندگی ایشان در تمام این ایام اصلاً از صورت یک طلبه عادی متوسط خارج نمی‌شد؛ چون به آن‌گونه زندگی‌ها هیچ دلبستگی نداشت. مورد علاقه ایشان، یکی مسئله جهات علمی و یکی هم مسائل مربوط به مبارزه بود. در غیر این دو مسئله هیچ فکر نمی‌کرد و نمی‌اندیشید. لذا این فضیلت ایشان مرا مجذوب کرده بود و حالا هم هنوز تحت تأثیر آن جاذبه قرار دارم.

وصیت‌نامه‌ای که بعد از وفات ایشان به دست آمد، حکایت از این می‌کرد که اولاً، خود آن وصیت‌نامه مشعر به این است که به ایشان الهام شده بوده که وفاتش قبل از پدر

۱. پیام انقلاب، ش ۹۰، ص ۲۳ - ۲۶.

شخصیتها و حوادث ۴۲۱

بزرگوارش است؛ چراکه در آن وصیت‌نامه وصی خود را والد بزرگوارش قرار داده و عبارت از این است که الهامی به ایشان شده بود. ثانیاً، ایشان در آن وصیت‌نامه تصریح می‌کند که من از مالیه دنیا هیچ چیز غیر از یک مقدار کتاب علمی ندارم، که آن را هم اگر فرزندم حسین طلبه شد، در اختیارش قرار بگیرد و اگر طلبه نشد به کتابخانه مدرسه آقای بروجردی در نجف منتقل کنید. این از یک آقازاده و در حالی که در آن ایام شاید شهریه امام در نجف متجاوز از دو یا سه میلیون بود، یک چنین مسئله‌ای جداً درسی است برای انسان. از نظر فضیلت علمی به نظر من سالیان دراز بود که مرحوم حاج آقا مصطفی یک مجتهد مسلم کامل و صاحب‌نظر در فقه، اصول، فلسفه، رجال، تفسیر و سایر علوم اسلامی بود؛ ولی از نظر مالیه دنیا یک چنین مسئله‌ای را در وصیت‌نامه ابراز می‌کند و این خیلی آموزنده است.^۱

آیت‌الله مرتضی مطهری

در درس خارج: شهید مطهری یک روحانی واقعی بود که موفق به راه یافتن به مراتب والای علمی و معنوی شد. در عین حال که یک استاد برجسته دانشگاه و یک مجاهد متدین و یک یار واقعی برای امام راحل بود، دارای موفقیت‌هایی بود که مجموعه آن در کمتر کسی وجود دارد. آنچه قبل از همه چیز می‌تواند درس باشد، آن است که مرحوم مطهری با اینکه یک نفر بود، هرگز به خود نگفت: یک نفر نمی‌تواند کار کند و یک روحانی به تنهایی مسئولیت ندارد. او اثبات کرد که اگر یک انسان و یک روحانی خود را از جهت علم و تقوا مجهز سازد و قصد هدایتگری و ترویج دین را داشته باشد، می‌تواند جامعه خود را تحت تأثیر قرار دهد؛ می‌تواند با قلم و بیان خود خط هدایت جامعه را ترسیم سازد. روحانیت باید یکی از الگوهای خود را مرحوم شهید مطهری قرار دهد. ایشان در هر زمینه‌ای که تکلیفی را احساس می‌کرد، وارد می‌شد و با قلم و فریاد خود از دین و احکام دین حمایت می‌کرد.^۲

۱. پیام انقلاب، ش ۹۱، ص ۳۴.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۲/۱۴.

در مصاحبه: تمام هدف و هم و نیت استاد شهید مرحوم مطهری معرفی اسلام به جامعه و جذب مردم به اسلام بود. لذا می‌بینید در نوشتجات و در سخنرانیها، خاصه سخنرانیهایشان که گاهی توأم با یک احساساتی است، پیداست که از عمق قلب به این معنا توجه دارد که باید هرچه بیشتر و هرچه بهتر اسلام برای مردم معرفی شود.^۱

آیت‌الله سید اسدالله مدنی

در دیدار مسئولان ستاد بزرگ‌داشت شهید محراب آیت‌الله سید اسدالله مدنی: لازم است همه حوزه‌های علمیه و نیز مردم و نسل جوان با زندگی و روش علمی و اخلاقی و سیاسی مرحوم شهید آیت‌الله مدنی آشنا شوند. ایشان در اثر تلاش بی‌وقفه در راه خدا و آموختن علم و جهاد و مبارزه، خود را به مقامی رساند که خداوند نعمت شهادت، آن‌هم مانند مولای متقیان یعنی شهادت در محراب نماز را نصیب ایشان ساخت.

شهید مدنی با موقعیت بزرگ اخلاقی و علمی، خود را موظف به حمایت از امام راحل و انقلاب می‌دانست و در این راه از هیچ عملی دریغ نکرد. انقلاب ایران افتخار دارد که چنین چهره‌هایی در قشر روحانی، خود را در راه اسلام وقف نموده و در آخر شربت شیرین شهادت را نوشیدند.^۲

در دیدار مسئولان و اعضای کنگره اخلاق و فضیلت (یادبود بیست و دومین سالگرد شهادت آیت‌الله سید اسدالله مدنی): شهید مدنی از جمله کسانی بود که دروس اخلاقی حضرت امام خمینی را در عمل تجربه کرد و به جایگاه والای اخلاق و فضیلت نائل شد.^۳

آیت‌الله بهشتی

در مصاحبه: شهید مظلوم دکتر بهشتی در دورانی که در حوزه علمیه قم مشغول تحصیل بود، به قدری رشد داشت که اگر آن رشته را کاملاً تعقیب می‌کرد جداً یکی از

۱. پیام انقلاب، ش ۹۱، ص ۳۵.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۶/۱۸.

۳. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۶/۱۳.

شخصیتها و حوادث ۴۲۳

مراجع بسیار بزرگ و با عظمت عالم تشیع می‌شد؛ چراکه در همان اوان که شاید هنوز محاسن ایشان نروییده بود از یک استعداد بسیار قوی برخوردار بود؛ به طوری که در درسها شاید اساتید در مقابل اشکالات و سؤالات ایشان، گرفتار بودند و این کاشف از شدت استعداد او است.

مرحوم بهشتی از یک استعداد و اعتقاد کامل نسبت به انقلاب برخوردار بود و در عین حال که سالها در اروپا زندگی کرده بود و جداً شاید انسان فکر نمی‌کرد که چنین روحانی-ای در جهات عبادی با این حالت تعبد باشد، ولی من شاهد این جریان بودم که در ایامی که امام بنا بود از پاریس تشریف بیاورند و بختیار جلوگیری می‌کرد و در دانشگاه تهران تحصن کرده بودیم، ما شبها در اتاقی استراحت می‌کردیم. البته شب اول توأم با تیراندازیه‌ها و درگیریهای جلو دانشگاه بود و بعد هم منتقل شد به داخل دانشگاه؛ به طوری که تقریباً همه اطمینان پیدا کردیم که کارمان را همین امشب یکسره خواهند کرد. با اضطراب و ترس در یک اتاق کنار مسجد خوابیدیم. در این چند شب با تمام این اضطرابات و نگرانیها و درگیریها، جداً اول کسی که به عنوان تهجد و نماز شب از جا بلند می‌شد و با کمال متانت و آرامش نماز شب می‌خواند، مرحوم شهید مظلوم بهشتی بود که خودم فکر نمی‌کردم با توجه به اینکه ایشان سالها در اروپا بوده است و آن زندگیها را از نزدیک دیده، این مقدار به نماز شب تقید داشته باشد.^۱

حجت‌الاسلام محمدتقی فلسفی

در درس خارج: مرحوم آقای فلسفی می‌گفت: من در این سنین بالا هم روزی چهار ساعت برای منبر مطالعه می‌کنم. به همین جهت بود که استقبال زیادی از سخنرانی ایشان می‌شد. در زمان مرحوم آیت‌الله بروجردی منبر می‌رفت و تمام صحن نو ایوانها و حجراتش مملو از جمعیت می‌شد و این جاذبه علمی آن مرحوم بود نه قیافه.^۲

۱. پیام انقلاب، ش ۹۱، ص ۳۵.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۲/۲۷.

حجت‌الاسلام سید احمد خمینی

در مصاحبه: رعایت آداب و اخلاق حسنه و ابراز محبت نسبت به دیگران، جداً یکی از فضایل بسیار بالارزش حاج احمدآقا بود. حتی شنیدم در همین اواخر که به قم می‌آمد، به سراغ پیرمردها و پیرزنهایی که مثلاً سی سال یا بیست سال پیش به منزل ایشان رفت و آمد می‌کردند و خانه‌نشین شده بودند، می‌رفت تا از وضع ایشان خبر شود.

اجازه بدهید این سؤال را در سطح وسیع‌تر جواب بدهم. نمی‌دانم این نکته را که می‌خواهم عرض کنم کسی گفته است یا نه؟ ولی این نکته را افرادی متوجه هستند که وارد مسائل مرجعیت و آخوندی باشند. حاج احمدآقا پس از وفات حضرت امام، بزرگ‌ترین خدمتی را که انجام داد، حفظ حیثیت و آبروی مقام و موقعیت حضرت امام بود. به مجردی که حضرت امام وفات یافت، ایشان اعلام کرد که هیچ‌کس نه حق دارد برای پرداخت وجوه به دفتر مراجعه کند و نه حق دارد، به نمایندگان امام مراجعه کند و به عنوان نماینده امام به آنها وجوه بدهد. این مطلب شاید در نظر بعضی از مردم یک مطلب عادی به نظر برسد؛ ولی خیلی مسئله با اهمیتی است.

من آن زمان، مسئولیت شورای مدیریت را به دوش داشتم. روز سوم یا چهارم وفات امام، حاج احمدآقا پیغام دادند که می‌خواهم اعضای شورای مدیریت را ببینم. خوب شرایط ایشان که اقتضا نمی‌کرد و درست هم نبود که ایشان قم بیایند. ما به عنوان شورای مدیریت، خدمتشان رفتیم. حالا نمی‌دانیم مطلب از چه قرار است. ایشان گفتند: غرض بیان یک مطلب بود. گفتند: امام به من فرموده‌اند: تمام پولهایم در بانکها یا منزل، وجوه شرعی است و تمامی این وجوه را باید در اختیار اعضای شورای مدیریت - مخصوصاً فلان کس که اسم مرا هم برده بود - بگذارید؛ تا اینها تدریجاً به طلبه‌ها بدهند.

به دستور مقام معظم رهبری همه آنها از حساب امام به حساب شورای مدیریت در بانک ملی واریز شد. ما هم شروع کردیم به پرداختن شهریه امام و روی هم رفته، دو سال و سه ماه شهریه امام را ادامه دادیم.

امام بدون نوشته‌ای، فقط یک جمله به حاج احمدآقا گفته بود. شخص چقدر باید تعبد و تقیدش به مسائل اسلامی قوی باشد تا یک مطلبی را که به غیر از خودش هیچ‌کس اطلاعی ندارد، ایشان بیاید این‌طور ابراز کند.

ایشان به مثابه یک استوانه بسیار محکم و یک بازوی توانا برای نظام، مقام معظم رهبری و مسئولان نظام جمهوری اسلامی محسوب می‌شد. به نظر من مسئولان نظام از وفات حاج احمدآقا، خیلی بیش از همه متأثر شدند و ضرر کردند.

این هم یکی از فضایل ایشان است که راه امام را تمام و کمال ادامه داد و آن مسئولیتی را که به دوش ایشان بود بدون وقفه، بلکه با تکامل و تزاید ایفا کرد. معتقدم پیش خداوند بزرگ، اجر بسیار بالایی دارد و کارهایی را که امام انجام دادند بالأخره یک سهمی هم برای حاج احمدآقا در همه آن کارها وجود دارد. معتقدم با وفات ایشان لطمه بزرگی به نظام ما وارد آمد و نظام یک ستون محکم و عمیق و قوی را از دست داد. امیدوارم خداوند تبارک و تعالی از راه دیگر جبران کند.

... در وصیت‌نامه حاج احمدآقا سفارش زیادی به بچه‌های خودش و خانواده محترم نسبت به مادرشان وجود دارد و حاکی از آن است که به ایشان الهام شده بود قبل از مادر وفات می‌کند. در صورتی که حسب قاعده با توجه به اختلاف سنی بین ایشان و مادرشان، طبیعی است که مادر باید سفارش فرزند را بکند؛ نه فرزند سفارش مادر را.

همه انقلابی‌های ما باید افتخار کنند که یک جوان با آن همه امکاناتی که در اختیارش می‌توانست قرار بگیرد، در وصیت‌نامه‌اش به صراحت بگوید: من در هیچ مؤسسه و هیچ بانکی و هیچ جایی چیزی ندارم. یک مقدار پول در مؤسسه تعاون وجود دارد که آن هم شهریه است. مقداری هم در منزل است، که مشخص است پول شخصی در منزل، کلان نخواهد بود و وجود آن در منزل، گویای این است که غیرقابل اعتنا است.^۱

آیت‌الله فاضل بیان مستقلاً در باره مرحوم حجت‌الاسلام حاج سید احمد خمینی داشته است که در قسمت مصاحبه‌ها گذشت. آنچه در اینجا آوردیم گوشه‌هایی از آن مصاحبه است.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی

در مصاحبه: یک روز از مدرسه فیضیه با مرحوم بهشتی دو نفری بیرون آمدیم، جلو در مدرسه آقای هاشمی رفسنجانی و آقای ربانی املشی ایستاده بودند و با هم صحبت می‌کردند.

آقای بهشتی از من پرسید: این شیخی که با آقای ربانی مشغول صحبت است، کیست؟ گفتم: به او آشیخ اکبر هاشمی رفسنجانی می‌گویند. ایشان گفت: من یک منبری از این آقا دیدم و روی حساب آن منبر می‌گویم که او در آینده یکی از بزرگان خواهد شد. دیدم منبر او غیر از منبر خیلی از طلبه‌ها است و در سطح خیلی بالا صحبت می‌کند و کاشف از فکر بلند در او است. ایشان همان روز حدس می‌زد که او در آینده یکی از شخصیت‌های بزرگ خواهد شد و خوب مطلب هم دیدیم که همان‌جور شد.^۱

آیت‌الله سید محمدباقر حکیم

در پیام به مناسبت شهادت آیت‌الله حکیم: حقاً آن سید بزرگوار رسالت دینی خود را با تأسی به اجداد گرامی خود به خوبی به پایان رسانید و الگویی کامل برای ملت رنج‌دیده و شیعیان عراق گردید.

آیت‌الله سید روح‌الله خاتمی

در دیدار حجت‌الاسلام سید محمد خاتمی، رئیس جمهور وقت: اینجانب با والد شما آیت‌الله خاتمی از نزدیک آشنا بوده‌ام و مراتب تقوا و کمال ایشان برای من و همه معلوم است.^۲

حجت‌الاسلام علی‌اکبر ابوترابی

در دیدار جمعی از مسئولان ستاد آزادگان قم: آن سیدجلیل‌القدر (حجت‌الاسلام والمسلمین ابوترابی) فعالیت چشم‌گیری برای نظام اسلامی انجام و امتحان خود را در پیشگاه الهی پس داد.^۳

شهید

در دیدار مدیران کل بنیاد شهید انقلاب اسلامی در سراسر کشور: در قرآن مجید

۱. پیام انقلاب، ش ۹۱، ص ۳۵.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۸/۳/۵.

۳. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۹/۵/۲۵.

خداوند متعال نسبت به شهدا می‌فرماید: ما با شهدا معامله‌ای منعقد کردیم. (خداوند مشتری است و مؤمنین بایع و فروشنده) فروشنده، جان و هستی خود را داده و خداوند بهای آنها را بهشت قرار داده است. وارد شدن به بهشت هر چند دستاورد خوبی است اما بهشت در اختیار شخص قرار گرفتن که از آن در قرآن به تعبیر «بأن لهم الجنة» یاد شده است، ویژگی خاصی دارد و مقام والاتری از داخل شدن به بهشت است و شهید این مقام را دارد.^۱

در دیدار فرماندهان و مسئولان لشکر ده سیدالشهدا(ع): اجری را که خداوند برای رزمندگان قرار داده، برای هیچ‌کس قرار نداده است. شاید برای برخی مشکل باشد که بپذیرند از مضمون آیات قرآن به دست می‌آید که در روز قیامت این‌طور نیست که به شهید بگویند: وارد بهشت شو بلکه به شهید اختیار می‌دهند هر کس را که می‌خواهد وارد بهشت کند.^۲

در پیام به یادواره شهدای بُردحون: عظمت شهید و بزرگی او در همین نکته نهفته است که در میان همه آدمیان او بهتر از همه، دین را فهمیده و زیباتر از همه در قلب خود قرار داده است. هنر شهید و شهادت در همین است که گوهر دین را آن‌چنان که هست، درک نموده است. شهید قبل از آنکه به مقام لقاء حق واصل گردد، دین را آن‌چنان در آغوش گرفته و آن‌قدر بین خود و دین پیوند اخوت برقرار نموده است که هیچ عاملی نمی‌تواند دین را از او بگیرد و بلکه او به دشمن دین پیام می‌دهد که: اگر جسم مرا بگیری اما جان من آمیخته با دین و صاحب دین است و هیچ قدرتی نمی‌تواند بین او و دین جدایی بیندازد.

انقلاب اسلامی

در مصاحبه: انقلاب اسلامی به نظر من بعثت مجدد اسلام در این قرن است؛ یعنی اسلامی که تا حد نیستی و فراموشی صرف پیش می‌رفت، به دست رهبر بزرگوار انقلاب و انقلاب پیامبرگونه امام، بعثت مجدد پیدا کرد. لذا همان تعبیری را که خداوند در مورد اصل بعثت در قرآن کریم دارد که اصل بعثت را به صورت یک منت بزرگ بر مؤمنین و مسلمانها

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۱/۲/۲۸.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۳/۱۰/۳.

قلمداد می‌کند، این بعثت مجدد هم یک عنایت بزرگ الهی و یک منت عظیم الهی برای جامعه است و جامعه در مورد این بعثت باید کاملاً توجه داشته باشد و بداند که دوران جاهلیت رژیم طاغوت را پشت سر گذاشته، دوران اسلام جدید و بعثت مجدد به وجود آمده و در این زمینه به عنوان یک مسلمان انقلابی مسئولیتهای خودش را دنبال کند. انقلاب ما همان طور که شواهد متعدد دارد، مورد توجه و عنایات خاص خداوند تبارک و تعالی است و ما در مواقع گوناگون به عین‌الیقین این معنا را دیدیم و لمس کردیم. قضایایی مثل کودتای طیس و سایر مسائلی که برای این انقلاب پیش آمد، ما را به این واقعیت هدایت کرد.^۱

جنگ ایران و عراق

در مصاحبه: جبهه را نمی‌توان به صورت یک جبهه جنگ معرفی کرد، آنجا یک دریچه‌ای از آخرت است، و یک کلاسی است برای خداشناسی و یک راهی است برای اسلام‌شناسی، من دو بار موفق به حضور در جبهه‌ها شدم. اثری که جبهه بر روحم گذاشت و نقشی را که در من ایجاد کرده، بسیار مهم و قابل ملاحظه بود. جبهه را دریچه‌ای به عالم آخرت دیدم و راهی به جهان ابدی یافتیم، دیدم افرادی که در جبهه هستند، کأنه در یک جهان دیگری زندگی می‌کنند؛ یک صفا و توجه کاملی بین آنها هست؛ یک همفکری و همدردی بین آنها هست که گویی هیچ‌کس برای خودش شخصیتی قائل نیست. در کارها در غذا خوردن، در رفت و آمدها، در تماسها و فعالیتها هرکس هر مقدار آمادگی و توان در اختیار دارد، در راه خدا بذل کرده، بدون اینکه هیچ توجهی به شخصیت و نیت خودش داشته باشد و جداً معتقدم که هرکسی لااقل برای یک بار لازم است سری به جبهه‌ها بزند و این روح ایمان و صفا و برادری و عشق و علاقه به دفاع از حریم اسلام و شهادت در راه خدا را از این جوانان برومند و ارزنده ببیند تا یک مقدار، در روحش اثر بگذارد.^۲

۱. پیام انقلاب، ش ۹۱، ص ۳۱.

۲. پیام انقلاب، ش ۹۱، ص ۵۱.

جامعه مدرسین

در دیدار اعضای جامعه مدرسین: جامعه مدرسین تنها گروهی بود که بدون هیچ چشم‌داشتی، از انقلاب حمایت کرد و با ارادتی که به حضرت امام خمینی داشت، با تمام توان در خدمت ایشان بود. حضرت امام خمینی این مطالب را در باره هیچ گروه دیگری نفرمودند که: «اگر آنان (فرزندان انقلابی‌ام) جذب جامعه مدرسین نشوند در آینده گرفتار کسانی خواهند شد که مروج اسلام آمریکایی‌اند.»

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم طلاب و فضلا را راهنمایی کرد و تا به حال هیچ انحراف و تزلزلی هم پیدا نکرده است.^۱

در مصاحبه: به نظر ایشان (امام خمینی) افراد آن (جامعه مدرسین) اشخاصی متعهد، انقلابی، فعال و باسابقه در راه مبارزه برای به پیروزی رساندن انقلاب بوده و کارهای مهمی انجام داده‌اند که مسئله خلع شاه از مهم‌ترین آنها بود. الان نمی‌توانم موقعیت آن روز را و اینکه این کار در چه شرایطی انجام گرفت، تشریح کنم. پای سند خلع شاه را این برادران امضا کردند و آن‌طور که یادم هست شاید اولین کسی که پای این سند را امضا کرد، من بودم و تاریخ دقیق آن الان یادم نیست؛ ولی مسلماً نزدیک‌های پیروزی انقلاب بود. جامعه مدرسین تا پیش از پیروزی انقلاب خیلی فعال بود. آن روزها فعالیت و تلاش ما تا حدی اوج گرفته بود که الان هم وقتی آن خاطره‌ها از ذهنم خطور می‌کند، برایم اعجاب‌انگیز است.^۲

سپاه و بسیج

در دیدار فرمانده و مسئولان واحدهای مختلف لشکر ۱۷ قم: نیروهای سپاه و بسیج با پیروی از تعالیم حضرت سیدالشهدا(ع) توانستند توطئه‌های دشمنان علیه اسلام و انقلاب را خنثی کنند. در طول دوران دفاع مقدس این روحیه شهادت‌طلبانه بسیج و سپاه موجب

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۴/۱۲/۲۱.

۲. نور علم، ش ۳۲، ص ۴۷ - ۴۸.

شد ایران اسلامی سربلند و پیروز از این میدان نبرد در مقابل دشمن بیرون بیاید.^۱ در دیدار فرمانده نیروی مقاومت بسیج: خلوص و نیت پاک امام راحل بود که خداوند به ایشان الهام کرد تا بسیج را به وجود آورند. بسیج واقعاً از برکات امام و شبه معجزه است و امروز کسی نمی‌تواند در آن تردید کند. اگر امروز بسیج نبود، هزاران مشکل کوچک و بزرگ گریبان‌گیر این کشور می‌شد؛ اما آن چیزی که کشور را از فساد و انحرافات نگه داشت بسیج است.^۲

در دیدار مسئولان ستاد اجرایی طرح معرفت نیروی زمینی سپاه: سپاه حافظ آرمانهای انقلاب اسلامی و دارای قداست والایی است که این دو خصوصیت آن را در تمام زمینه‌ها مستثنا کرده است.^۳

در دیدار با فرماندهان و مسئولان مقاومت بسیج قم: بسیج یک فرهنگ است و عنوانی برای یک گروه نیست. لذا ما می‌بینیم که بسیج در همه عرصه‌ها حضور فعال دارد.^۴

ارتش

در دیدار با فرمانده نیروی زمینی ارتش، رئیس اداره عقیدتی - سیاسی این نیرو، فرماندهان رزمایش اقتدار ۸۱ و جمعی از روحانیون این نیرو: آحاد رزمندگان ارتش با جان‌فشانیهای بسیار در دوران دفاع مقدس و سالهای پس از آن و تقویت قدرت دفاعی کشور، دشمنان اسلام را در تعدی و تعرض به میهن اسلامی ناامید کردند.^۵

حزب‌الله لبنان

در دیدار حجت‌الاسلام شیخ یزبک - نماینده دبیرکل حزب‌الله لبنان - همراه جمعی از حزب‌الله: جریان مقاومت لبنان و پیروزی چشم‌گیر آنان در مقابل اسرائیل یک حادثه حزبی

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۹/۸/۱۱.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۴/۹/۲.

۳. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۱۲/۲۵.

۴. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۱/۹/۷.

۵. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۱/۷/۲۷.

شخصیتها و حوادث ۴۳۱

نبود بلکه امر بسیار وسیعی بود که در تاریخ شاید نتوان نظیری برای آن ذکر کرد. آن‌گونه که تاریخ نشان داده است قدرتهای اسلامی تاکنون در مقابل ابرقدرتها یا از خود ضعف نشان داده‌اند و یا اصلاً به مقابله برنخاسته‌اند؛ مثلاً جمال عبدالناصر و دولتهای عربی با آن همه توان دولتی، نتوانستند بیش از شش روز در مقابل اسرائیل مقاومت کنند؛ اما آقای نصرالله به همراه نیروهای مؤمن مقاومت، با قدرت ایمان و اتکا به خداوند و بدون هیچ امکانی بر قدرت خارجی شجاعانه در مقابل آمریکا و اسرائیل ایستادگی نمودند.

اینجانب از قضایای حزب‌الله و پیروزیهای آنان در لبنان بسیار خوشحالم و این امر، افتخار همه ما است و امید آن دارم مانند جناب آقای نصرالله و نیروهای مقاومت در سایر نقاط دنیا افرادی بتوانند از اسلام و مسلمین دفاع کنند.^۱

در دیدار طلاب شرکت‌کننده در ششمین اردوی تربیت معلم قرآن کریم از حوزه‌های علمیه سراسر کشور: مقاومت نیروهای حزب‌الله امروزه^۲ تداعی همان معنا را دارد که پیامبر اکرم(ص) در باره امیرالمؤمنین(ع) در مقابله با عمرو بن عبدود فرمود: «لقد برز الإسلام كله إلى الكفر كله». امروز هم این‌طور است که تمام اسلام در مقابل تمامی کفر قرار گرفته است.^۳

وحدت حوزه و دانشگاه

در دیدار اساتید بسیجی حوزه و دانشگاه: از کارهای بسیار بزرگ حضرت امام برای حفظ دین و کشور، ایجاد وحدت ریشه‌دار و عمیق بین حوزه و دانشگاه است. در گذشته استکبار به وسیله طاعت پهلوی ایجاد تفاخر و تضاد بین این دو گروه نمودند؛ به طوری که نمی‌شد نام یکی را در حضور دیگری برد. به برکت انقلاب این دو قشر که رکن مملکت و نظام هستند، با یکدیگر اتحاد پیدا کردند و مهم‌ترین سد در برابر استکبار همین

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۹/۷.

۲. این سخنان در ایام جنگ ۳۳ روزه اسرائیل با لبنان ایراد شده است.

۳. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۵/۲.

است. ما همان طور که طلاب را فرزندان خود می‌دانیم و در سخت‌ترین حالات از خدمت به آنان مضایقه نداریم، دانشجویان عزیز را نیز فرزندان خود و انقلاب و اسلام می‌دانیم و کشور به هر دو قشر نیاز دارد.^۱

۱۹ دی

در درس خارج: امروز یادآور خاطره نوزده دی سال ۱۳۵۶ است که رژیم طاغوت مردم قم را به خاک و خون کشید و عده‌ای در این جریان شهید شدند. در حقیقت این مقدمه‌ای بود برای پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷. انصافاً در این جریانات، هم نهایت طغیان رژیم طاغوت معلوم شد و هم فداکاری مردم مسلمان ایران مخصوصاً مردم قم به لحاظ اینکه امام عزیز در قم تشریف داشتند، مردم قم هم در این مبارزات خیلی نقش داشتند.^۲

آزادسازی خرمشهر

در دیدار فرماندهان لشکر ۱۷ علی بن ابی‌طالب(ع) سپاه: فتح خرمشهر دشمنان کشور را از دستیابی به ایران ناامید ساخت؛ چراکه در غیر این صورت چه بسا (هجوم دشمن) مسائلی را برای ما به دنبال داشت. شهدای خرمشهر نشان دادند که با روحیه شهادت‌طلبی در هر زمان می‌توان بر استکبار جهانی پیروز شد.^۳

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۱/۹/۲۸.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۳/۱۰/۲۰.

۳. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۲/۳۱.

پیام آفتاب

این فقیه آگاه در طول حیات پربرکت خویش علاوه بر تدریس، سخنرانی و تألیف، با صدور پیامهایی نیز به ارشاد و هدایت جامعه می‌پرداخت. پیش از پیروزی انقلاب، پیامها به صورت گروهی صادر می‌شد و به سرعت تکثیر و در جامعه نشر می‌یافتند؛ اما معظم‌له بیانیه‌ها را پس از پیروزی انقلاب معمولاً به صورت فردی صادر می‌کرد و تاریخ بیشتر آنها به زمان مرجعیت ایشان باز می‌گردد و نشر آنها از رسانه‌ها، سبب ارتقای آگاهی جامعه می‌شد. هرکدام از بیانیه‌ها از زوایای گوناگون، قابل توجه هستند. مطالعه آنها همراه تدبیر، به خواننده بینشی خاص از جهات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می‌دهد. از این رو لازم دانستیم متن کامل آنها را بیاوریم.

از ذکر بیانیه‌های پیش از انقلاب خودداری می‌کنیم؛ اما در اعلامیه‌ای در تأیید مرجعیت امام خمینی در آن زمان، هرکدام از امضاکنندگان، عبارتی جداگانه نوشتند. در اینجا عبارت ایشان را ذکر می‌کنیم و پیامهای پس از انقلاب را - در حدی که دست یافتیم - به ترتیب تاریخ صدور می‌آوریم:

مرجعیت امام خمینی

بسمه تعالی

صلاحیت علمی و تقوایی حضرت مستطاب آیت‌الله العظمی آقای خمینی - مدّ ظلّه العالی - برای مقام شامخ مرجعیت تقلید و حفاظت از حوزه اسلام و حمایت مسلمین محرز و بدون تردید است.

الأحقر محمد موحدی فاضل

۴ ربیع الثانی ۱۳۹۰

(۱۳۴۹/۳/۱۹)

تأیید اجتهاد مقام معظم رهبری

بسمه تعالی

در مورد مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای - دامت برکاته - اشعار می‌دارد که مقام شامخ علمی و اجتهاد و فقاہت معظم‌له جای هیچ‌گونه تردید نیست. اینجانب با توجه به سابقه دیرین با ایشان و اطلاع از مراتب تحصیلی، اذعان به اجتهاد به نحو اطلاق وی دارم. علاوه، اشاره و بلکه تصریح امام عظیم‌الشأن - قدس سره الشریف - در موارد متعدّد به صلاحیت و شایستگی رهبری ایشان دلیل عمده بر مقام اجتهاد معظم‌له می‌باشد.

قم - حوزه علمیه

محمد فاضل

۷ محرم الحرام ۱۴۱۱ ه. ق.

(۱۳۶۹/۵/۸)

انفجار در بارگاه امام رضا(ع)

بسمه تعالی

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

وسيعلم الذين ظلموا أيّ منقلب ينقلبون.

بار دیگر جنایتی هولناک و حادثه‌ای جان‌گداز در زمان و مکانی که از دیدگاه شیعه امامیه از زمانهای بسیار مقدس و پیام‌آور و از مکانهایی که رمز تشیع و سمبل این مذهب مقدس شناخته می‌شد، به دست افرادی که ادعای پیاده کردن اسلام راستین را راه رسیدن به مقاصد شوم و اهداف پلید و ننگین خود قرار داده‌اند، به وقوع پیوست.

بعد از ظهر روز عاشورای حسینی مقارن ساعتی که امام حسین - علیه السلام - به دست عمال بنی‌امیه ستمگر و دشمن اسلام جان به جان‌آفرین تسلیم و سر مقدسش از بدن مطهرش جدا گردید، گروهی از زائرین قبر مقدس حضرت علی بن موسی الرضا - علیه آلاف التحية والثناء - که از شهرهای دور و نزدیک به عنوان گرامی‌داشت عاشورای حسینی و عزاداری برای آن حضرت، آستان قدس رضوی را انتخاب نموده تا آن مصیبت بزرگ را به فرزند دل‌بندش عالم آل محمد از نزدیک تسلیم گویند، بر اثر انفجار بمبی که در داخل حرم مطهر و نزدیک ضریح مقدس گذاشته شده بود، به خاک و خون کشیده شدند. عده‌ای کشته و گروه کثیری مجروح گردیدند و حریم مقدس آستان قدس رضوی مورد هتک بی‌سابقه قرار گرفت.

راستی چه تفسیری برای این عمل می‌توان نمود و چه توجیهی برای آن پیدا کرد؟! آیا این معنای اسلام راستین است؟! آیا این ناشی از وطن‌پرستی و خدمت به مردم ایران است؟! آیا این مبارزه در راه آزادی یک ملت است؟! آیا این لازمه روشن‌فکری و ژرف‌نگری است؟! آیا این نشانگر فداکاری و ایثار در راه خدمت به جامعه است؟! آیا این بیانگر قدرت و سلطه و نفوذ است؟! و یا اینکه این‌گونه اعمال وحشیانه ضد اسلامی و انسانی تنها به منظور نشان دادن حرکت مذبحانه و انتقام‌جویی عاجزانه و بیانگر روحیه عدم اعتقاد به هیچ‌یک از مقدسات اسلامی و مکتب تشیع و حاکی از خوی درندگی و سبانه ضد انسانی است که

نه برای عقاید انسانها ارزش قائلند و نه برای جان آنها بویژه در محیط امنی که زن و مرد، بزرگ و کوچک مجتمعند؛ آن‌هم در حال ارتباط و اتصال با خدا و نمایندگان خدا و در حال راز و نیاز و گریه و زاری برای مصائب امام حسین - علیه السلام - .

این مصیبت گرچه از نظر عمق و عظمت قابل توصیف نیست ولی برای روشنگری ماهیت منافقین سیه دل و نمایانگران شمر در زمان حاضر، نقشی ارزنده داشت. شاید هنوز برخی می‌پنداشتند که آنها در مقام پیاده کردن اسلام به اصطلاح راستینند و یا برای خدمت به مردم ایران فداکاری می‌کنند، که این حادثه آنان را نیز بیدار و خط بطلان بر پندار آنان کشید.

اینجانب این هتک حرمت را در درجهٔ اول به ساحت مقدس حضرت علی بن موسی الرضا - علیهما السلام - و فرزند منتظر و منتقمش حضرت بقیةالله - روحی له الفداء - تسلیت و تعزیت عرض نموده و در درجهٔ دوم به مقام شامخ روحانیت بزرگوار و مقام معظم رهبری و در آخر به عموم شیعیان و پیروان مکتب ولایت مخصوصاً ملت شریف و نجیب ایران که در راه رسیدن و تداوم نظام مقدس اسلامی و حکومت قرآنی انواع و اقسام رنجها و مصائب را تحمل نموده و می‌نماید و با درسی که از مکتب امام راحل عظیم الشان - قدس سره الشریف - آموخته، آمادگی کامل عملی خویش را اعلام داشته است.

محمد فاضل

۷۳/۳/۳۱

انتخابات پنجمین دورهٔ مجلس شورای اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام و درود خداوند تبارک و تعالی و انبیاء عظام و رسول گرامی اسلام و ائمهٔ طاهرين - علیهم السلام - بر شما ملت هوشیار و مبارز که در تمام صحنه‌های انقلاب از پیروزی آن تا حوادث بعدی به وظیفهٔ حساس شرعی و اسلامی خویش عمل نموده و باعث تداوم نظام مقدس اسلامی و استمرار حکومت حق در برابر دشمنانی که همیشه در کمین این انقلاب نشسته و توطئه‌های گوناگون را اجرا کرده تا حیات دینی و عزت شکوهمند آن را محو نمایند، گردیده‌اید.

پیام آفتاب ۴۳۷

در این مقطع از زمان که انتخابات پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی مطرح است، توجه دارید که مجلس از مهم‌ترین اموری است که آینده ملت و نظام و بلکه همه امور دنیوی و معنوی کشور به آن بستگی دارد. لذا بر هر فرد مسلمان و ایرانی واجد شرایط، واجب است در این امر مهم شرکت نماید و تخلف از این وظیفه اسلامی به هیچ وجه شرعاً جایز نیست و مورد سؤال واقع خواهد شد.

اینجانب از ملت هوشیار و مؤمن ایران انتظار دارم که در این صحنه شکوهمند حضور یابند و یأس و سرافکنندگی دشمنان را همانند گذشته فراهم آورند و کارشناسانی را که متعهد و متعهد به اسلام و معتقد به نظام و خط امام و پیرو ولایت فقیه و دل‌سوز واقعی مستضعفین و خدمت‌گزار جدی محرومین‌اند، انتخاب نمایند و امیدوارم نمایندگان منتخب این ملت توجه داشته باشند که از جانب ملتی که در پیشگاه خداوند، باارزش و مورد عنایت می‌باشند، عهده‌دار این مسئولیت می‌شوند و خدمت به چنین ملتی از فرایض بسیار بزرگ است و باید سعی نمایند تا هرچه بیشتر مشکلات اقتصادی و فرهنگی و سیاسی این جامعه انقلابی را برطرف نمایند و کشور عزیز ایران اسلامی را در مسیر عزت و سربلندی و اقتدار روزافزون قرار دهند و روح پرفتوح امام راحل - آن شخصیت بزرگ الهی - و ارواح طیبه شهدا را شاد نمایند. ان شاء الله.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

محمد فاضل

۱۵ شوال المکرم ۱۴۱۶

۷۴/۱۲/۱۵

دستگیری عده‌ای از شیعیان حجاز

بسم الله الرحمن الرحيم

با کمال تأسف و نگرانی خبر اعتقال و دستگیری عده کثیری از شیعیان حجاز - که در میان آنان گروهی از روحانیین و علماء برجسته و متعهد که حافظ معنویت و دیانت مردم آن سامانند، به چشم می‌خورد - دریافت شد. صدای استغاثه و «یا للمسلمین» انسانهایی که

جرمشان تعهد به اسلام و دفاع از تشیع است، بر هرانسان آزاده و مسلمانی وظیفه‌آور و تکلیف‌ساز است و سکوت و بی‌تفاوتی در مقابل این امر جایز نیست. اینجانب بسیار متأثرم از اینکه در سرزمین وحی و رسالت حامیان بزرگ توحید و عبادت را بدون هیچ جرمی مورد اهانت و اعتقال قرار می‌دهند. امروزه حوزه‌های علمیه مخصوصاً حوزه مقدسه قم نگران سرنوشت این عزیزان و روحانیین است.

اینجانب حکومت عربستان و مسئولین آن کشور را از [این] عمل بسیار زشت برحذر می‌دارم و به آنان نصیحت می‌کنم که در چنین زمانی که اتحاد بین همه فرق مسلمین رمز موفقیت و بقای اسلام محسوب می‌شود، بازیچه بیگانگان قرار نگیرند و علماء متعهد شیعه را به امور واهی متهم نسازند. بدیهی است که مراجع بزرگوار شیعه و حوزه‌های علمیه این مسئله را دقیقاً دنبال خواهند نمود و اجازه هیچ‌گونه جسارت و اهانت را نخواهند داد. خداوند متعال ان‌شاء الله دولت مردان جوامع اسلامی را از تحریکات و توطئه‌های ابرقدرتهای ضد اسلام حفظ نماید و مسلمین را در راه اتحاد بیش از پیش موفق فرماید.

محمد فاضل لنکرانی

۶ جمادی الاول مطابق با ۷۵/۶/۳۰

ارتحال آیت‌الله پسندیده

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب مستطاب حجت‌الاسلام آقای حاج سید حسن خمینی، دامت إفاضاته
ارتحال روحانی جلیل‌القدر حضرت آیت‌الله آقای حاج سید مرتضی پسندیده اخوی
مکرم و بزرگ حضرت امام - قدس سره الشریف - را به جناب‌عالی و بیت شریف آن
حضرت تسلیت می‌گوییم. رحمت واسعه برای آن مرحوم و توفیق بیش از پیش برای
جناب‌عالی و صبر و اجر برای عموم بازماندگان را از خداوند متعال مسئلت می‌نمایم.

محمد فاضل لنکرانی

۲ رجب المرجب ۱۴۱۷

(۱۳۷۵/۸/۲۴)

انتخاب حجت‌الاسلام خاتمی به ریاست جمهوری

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب مستطاب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای حاج سید محمد خاتمی، دامت إفاضاته ملت بزرگوار و متعهد ایران بار دیگر با حضور پر از حماسه و معنویت در صحنه عظیم انتخابات پایه‌های نظام را مستحکم و بیعتی مجدد با نظام و رهبری و آرمانهای بلند حضرت امام راحل نمود. حقاً وجود با برکت جناب‌عالی که فرزندی عزیز برای حوزه و دل‌سوزی امین برای دانشگاهید، در این شرایط حساس کشتی مملو از آرمان و عشق به دین را سرعت بیشتر و سازندگی کشور را شکوفاتر خواهد نمود. اینجانب از ملت عظیم الشان ایران که این افتخار را برای نظام آفریدند صمیمانه تشکر و این انتخاب قاطع را به جناب‌عالی تبریک گفته و انتظار دارد که در جهت اعتلای کلمه الله و تحکیم مبانی اعتقادی و فرهنگی نظام و خدمت همه‌جانبه به مسلمین و مستضعفین در سایه تبعیت از ولایت فقیه ساعی و کوشا باشید.

محمد فاضل لنگرانی

۱۳۷۶/۳/۵

توهین صهیونیستها به ساحت پیامبر(ص)

بسم الله الرحمن الرحيم

بار دیگر مسلمین جهان شاهد اهانتی بس عظیم به ساحت مقدس پیامبر عظیم‌الشأن اسلام حضرت محمد بن عبدالله(ص) و معجزه بزرگ ایشان یعنی قرآن کریم شدند. جای تعجب نیست که یهود غاصب و صهیونیست جنایتکار برای رسیدن به اغراض شوم خود که در رأس آنها محو اسلام است، به چنین اهانتی فزاینده دست زدند. امروز زمان آن فرا رسیده است که مسلمین جهان حقیقت ننگین صهیونیسم را بیشتر بشناسند و نیز دولتهای اسلامی از غفلت طولانی به درآیند و با اتحاد و همدلی امت اسلامی در صدد نابودی اسرائیل برآیند. جای تردید نیست که همه مسلمانان خصوصاً مسئولین نظام مقدس جمهوری اسلامی، ملت عزیز، علما و بزرگان حوزه‌های علمیه، دانشجویان و اساتید دانشگاهها در برابر این

حرکت ننگین ساکت نخواهند نشست و از هرگونه اقدامی در جهت نابودی این حکومت غاصب دریغ نخواهند ورزید و این گروه بدسابقه را که از اول تا پیدایش اسلام و با گسترش آن و بعد با مسیر خلافت حقه و بعد با تداوم آن مخالفت نمودند، بشناسند. از خداوند متعال علو اسلام و نابودی کفر و اسرائیل جنایتکار را مسئلت می‌نمایم.^۱

شهادت فرزند حجت‌الاسلام سید حسن نصرالله

بسمه تعالی

حضرت مستطاب حجت‌الاسلام آقای سید حسن نصرالله دبیر کل محترم حزب‌الله لبنان، دامت إفاضاته
خبر شهادت فرزند شما قلوب همه مؤمنین و مدافعین از مظلومین را جریحه‌دار نمود. این جریان عمق جنایت رژیم غاصب صهیونیست را آشکارتر نمود؛ خصوصاً با توجه به اینکه از تحویل پیکر مطهر ایشان خودداری نموده‌اند. جناب‌عالی که بحمدالله چهره درخشان مبارزه با اسرائیل و در صف مقدم مبارزان حضور دارید با چنین حادثه‌ای مستحکم‌تر و با اراده‌ای قوی‌تر مبارزه را ادامه خواهید داد. امروزه بر هر مسلمانی لازم است تا از هیچ‌گونه مبارزه و دفاعی جهت سرکوبی و نابودی این حکومت کوتاهی نکند و بدانند برای پیروزی راهی جز مبارزه و شهادت وجود ندارد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

محمد فاضل

۱۳ جمادی الاول ۱۴۱۸

(۱۳۷۶/۶/۲۵)

جوانان کویت

بسم الله الرحمن الرحيم

جوانان متدین و فرزندان دینی من در کویت از اینجانب خواستند چند کلمه‌ای به

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۶/۴/۱۲.

عنوان نصیحت برای آنان بنویسم. مناسب دیدم این حدیث شریف را به عنوان تیمن و تبرک متذکر شوم:

«قال رجل لأبي جعفر الثاني - عليه السلام - : أوصني فقال - عليه السلام - : تقبل؟ قال: نعم. قال - عليه السلام - : توسّد الصبر واعتنق الفقر و ارفض الشهوات وخالف الهوى واعلم أنك لن تخلو من عين الله فانظر كيف تكون.»

در این حدیث شریف امام معصوم - علیه السلام - به عنوان یک مطلب کلی فرموده‌اند که: بدان هیچ‌گاه از عین و نظر خداوند دور نیستی. انسان باید همیشه خود را در محضر خدا ببیند و همه اعمال و رفتار خود را طوری تنظیم نماید که موجب رضایت و خشنودی او گردد. قیام و قعود، نوم و یقظه، حرکت و سکون و بلکه همه اشارات و همه آنچه که در قلب انسان است، در محضر خداوند است. يعلم خائنة الأعین وما تخفي الصدور.

عزیزان من، بدانید نفس انسان که رشحه‌ای از روح الهی است، در این جسم ما به ودیعه گذاشته شده است. هیچ نعمتی در عالم برتر از نعمت حیات و وجود انسان نیست. به هر نقطه‌ای از کمال که بخواهید برسید، باید ابتدا خود را بشناسید. عرفان نفس مقدمه‌ای لازم و مهم برای باز شدن همه معارف به سوی انسان است؛ چراکه: «من عرف نفسه فقد عرف ربه.» افسوس که انسان دوران جوانی را غافل از این حقیقت سپری می‌کند و آنگاه که دوران پیری و سال‌خوردگی فرا می‌رسد، همه توجه انسان متوجه و متمرکز در حفظ جسم نحیف و رنجور خود می‌گردد.

در جوانی با سلامت جسم انسان قادر بر تربیت و تزکیه نفس است. برای این امر مهم لازم است جوانان عزیز همیشه خود را در محضر قرآن کریم قرار دهند و از این کوثر الهی نفس تشنه خود را سیراب کنند. «الله الله في القرآن» این سفارش همه اولیاء خداوند است. برای تدبّر در این کتاب عزیز و رسیدن به گوشه‌ای از این اقیانوس بی‌کران الهی، لازم است با معارف عظیم و بی‌بدیل اهل بیت عصمت و طهارت آشنا شوید. سیره و زندگی و حیات و ممات آنان الگویی بسیار مناسب برای هر انسان طالب کمال است. از برجستگی‌های مهم دین اسلام تربیت و ارائه افرادی است که در اوج قلّه انسانیت و درجات

بالای کمالند و این امر در هیچ مکتبی ملاحظه نمی‌شود. باید دید که آنان عمر بابرکت خود را در چه مسیری صرف نمودند؛ ما هم در همان طریق سلوک کنیم و خلاصه، یک جوان از ضروری‌ترین اموری که باید بدان پردازد مطالعه و تفکر در زندگی ائمه معصومین - علیهم السلام - است.

جوانان عزیز بیدار باشند. امروز دنیای کفر و استکبار در صدد تفرقه و جدایی بین اسلام و جوانان است و همه عده و عده خود را برای انحراف این قشر بسیج نموده است. ملاحظه می‌نمایید که وسایل انحراف و دستگاه‌های ضد دینی که برای تخریب دین و از بین بردن حرمت دینی است، روز به روز در حال فزونی است. از اوقات فراغت و عطلة خود کمال استفاده را نمایید و در ارتباط با این دین حنیف از طریق متخصصین در این دین و اسلام‌شناسان واقعی که عمر خود را در شناسایی اسلام و شناساندن آن صرف نموده‌اند، تلاش نمایید.

از خداوند متعال می‌خواهم که جامعه مسلمان خصوصاً جوانان را از شر شیاطین حفظ و درهای سعادت و کمال را هرچه بیشتر به روی آنان مفتوح فرماید. ان شاء الله.

محمد فاضل

کشتار طالبان در افغانستان

بسم الله الرحمن الرحيم

إِنَّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأْنِهِمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ.

حوادث و فجایعی که این روزها در کشور مظلوم افغانستان واقع می‌شود، قلب هر انسان مسؤل و بیداری را جریحه‌دار می‌سازد. دنیای کفر به سرکردگی آمریکای جنایتکار توسط برخی از عمال منطقه‌ای خویش از جمله پاکستان در صدد هدم شیعه و محو اسلام حقیقی از سرزمین مقدس افغانستان است و روشن است که بعد از رسیدن به این هدف به دنبال تجاوز و غارت کشورهای همسایه و مسلمان خواهند بود. مع الأسف تمام جنایاتی که در این ایام واقع می‌شود، به دست ولیده دوم استکبار و برادر نامشروع اسرائیل یعنی طالبان است که با برداشت غیرصحیح از اسلام و عدم آگاهی بر حقیقت آن، به نام اسلام و حاکمیت آن، این قتل و غارتها را انجام می‌دهند.

استکبار جهانی امروزه با دو بال اسرائیل و طالبان در صدد هدم دین و از بین بردن مسلمین خصوصاً شیعیان در منطقه می‌باشد. ملت افغانستان بدانند که طالبان هیچ‌گونه مشروعیتی نداشته و ندارد و اعانت و یا تحمل آنان به هیچ وجه مشروع نیست و هرکسی که در مقابله با این گروه کشته شود، شهید در راه خداست. امروزه بر هر مسلمان و هرکسی که مفتخر به ولایت ائمه معصومین - سلام الله علیهم اجمعین - است، واجب است تا در حد توان به مسلمانان و شیعیان افغان کمک نماید.

اینجانب از مسئولین بین المللی و مجامع جهانی که مدعی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌اند و نیز از مسئولین محترم نظام جمهوری اسلامی که همواره جهت آزادی افغانستان و استقلال ملت آن کشور کوشا بوده‌اند، مصرانه می‌خواهم که در این شرایط حساس و بحرانی از هیچ‌گونه تلاشی دریغ ننمایند و بدانند حوزه‌های مقدسه علمیه خصوصاً حوزه علمیه قم منتظر اقدامات سریع و بیشتر آنان هستند.

در ضمن مهاجرین محترم افغانی و افراد داخل آن کشور مجازند نصف سهم مبارک امام - علیه السلام - را در این راه به مصرف برسانند. خداوند متعال شر ظالمین را از مسلمین و کشورهای اسلامی کوتاه بفرماید. «إن الله لبالمرصاد».

محمد فاضل

۲۲ ربیع الثانی ۱۴۱۹ مطابق با ۲۴ مرداد ۱۳۷۷

قتل سلمان رشدی

بسم الله الرحمن الرحيم

به دنبال انتشار برخی از اخبار مطلع شدم که دنیای کفر خصوصاً دولت انگلیس توهم لغو فتوای الهی تاریخی امام راحل - قدس سره - نسبت به قتل سلمان رشدی مرتد را نموده است. لازم دیدم در این زمینه اعلام نمایم که این فتوا به هیچ وجه قابل نقض و یا تغییر نیست و اکنون نیز بر همه مسلمانان جهان اجرای آن واجب است و چنانچه دولت محترم جمهوری اسلامی تصمیم بر مباشرت در اقدام به این فتوا را نداشته باشد لیکن باید در ردیف اولین حامیان این فتوا باشد و بدانند حوزه‌های علمیه و ملت اسلامی ایران که

صددرصد در مورد نظام و امام قلبشان می‌تپد، هرگز اجازه نخواهند داد این فتوا دستخوش سیاستهای خارجی روزمره گردد.

و نیز بدانند کتاب سلمان رشدی در واقع کتاب دولت انگلیس است؛ همان طوری که این شخص پلید در شرح حال خود اعتراف می‌کند که تمام سرفصلهای این کتاب بر هدایت آن دولت بوده است و این دولت با سابقه سیاهی که در برخورد با اسلام دارد، چنانچه زمینه را فراهم ببیند، صدها سلمان رشدی و یا بدتر از او را تربیت خواهد نمود.

خداوند متعال نظام مقدس جمهوری اسلامی را از هر گزند مصون بفرماید. ان شاء الله.

محمد فاضل

۱۳۷۷/۷/۵

انتخابات سومین دوره مجلس خبرگان^۱

بسم الله الرحمن الرحيم

در آستانه همایش با شکوه سومین دوره انتخابات خبرگان قرار گرفته‌ایم. مجلس محترم خبرگان رهبری در میان نهادهای انقلاب مهم‌ترین نهادی است که با اساس انقلاب در ارتباط است؛ چراکه با محور انقلاب یعنی مقام رهبری سر و کار دارد که مشروعیت نظام از او است. ملت شریف و متدین ایران آزمایشی بس عظیم و سرنوشت‌ساز را در پیش دارد. امروز هرانسانی که حب به دین و حکومت خدا و عشق به استقلال و عزت این کشور دارد، خود را بیش از گذشته مسئول می‌بیند.

هان، ای یاوران مخلص حزب‌الله، و ای بسیجیان همیشه بیدار صحنه‌ها، و ای فضلا و طلاب متعهد حوزه‌های مقدسه علمیه، و ای دانشجویان و دانشگاهیان حافظ استقلال، و ای کسبه و تجار حامی شریعت، و ای جناحهای مختلف سیاسی، و ای ملت عظیم و عزیز ایران، بدانید که دشمنان انقلاب از مدتها پیش در صدد حذف حکومت اسلامی و تضعیف خبرگان رهبری و مأیوس نمودن مردم خصوصاً نسل جوان این کشور بوده است و امروز در انتظار

۱. این پیام آثار چشم‌گیری داشت. در ذیل «مرجعیت» توضیحی در این مورد گذشت.

ضربه‌ای سنگین بر پیکره این نظام است. بیدار باشید و با شرکت خود پاسخ کوبنده‌ای به همه آمال شیطانی ابرقدرتها بدهید و برای همیشه آنان را مأیوس سازید و به همه جهانیان اعلام نمایید که ما از ابتدا پیرو اسلام خمینی بوده و اکنون با همه توان برای تداوم آن می‌کوشیم. اینجانب شرکت در این انتخابات را از اهم واجبات شرعی می‌دانم و تخلف از آن را ذنبی عظیم و گناهی نابخشودنی و خیانتی بزرگ به امام راحل و به همه تاریخ انقلاب و خونهای همیشهرنگین شهدا می‌دانم. مبدا و سوسه‌های خناسان و کوتاه‌فکران تردیدی در انجام این وظیفه ایجاد کند و افرادی را تحت تأثیر قرار دهد و با کمرنگ نمودن این انتخابات موجبات تضعیف و تزلزل نظام را فراهم آورد. مبدا آرزوی دیرینه دشمن که در صدد حذف اسلام و فقاقت از این کشور است، جامه عمل بیوشد. مبدا از خدا بی‌خبرانی که حدود بیست سال در صدد ضربه به یادگار همیشه‌جاودان امام راحل یعنی ولایت فقیه بوده‌اند را امیدوار سازد. اینجانب امروز حجت را بر همه تمام می‌نمایم و شرکت در این انتخابات را نه تنها یک عبادت بلکه وظیفه الهی و واجب عینی می‌دانم. «إن تنصروا الله ینصرکم و یثبّت أقدامکم».

محمد فاضل

۱۳۷۷/۷/۲۱

جنايات صربها و ناتو

بسم الله الرحمن الرحيم

جنايات مشترک صربها و ناتو، خصوصاً امريکا عليه مسلمانان کوزوو برگ جديدی از حرکت بر ضد اسلام و مسلمين است. مسلمين عالم بدانند اثر کشتار و جنايات اينها جز با از بين رفتن اسلام و تحقير و نابودی مسلمين مسدود نخواهد گشت. ديروز بوسنی، امروز کوزوو و فردا ديگر کشورهاي اسلامی. همه مسلمانان خصوصاً ملت نجيب و شريف ايران که حق بزرگی در احیای اين دين شريف دارند با مظلوميت کوزوو همدردی خواهند نمود و از کمک به آوارگان و مجروحين آنان دريغ نخواهند کرد و در اين برهه، دين خود را به اسلام ارائه خواهند کرد. خداوند شر کفار و ظالمين را از مسلمين عالم کوتاه فرمايد. ان شاء الله.^۱

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۸/۲/۲۲.

ارتحال آیت‌الله سید اسماعیل هاشمی^۱

بخشی از پیام: ... ارتحال عالم ربانی آیت‌الله حاج سیداسماعیل هاشمی موجب تأثر و تأسف اینجانب و باعث اندوه علما و حوزه‌های مقدسه علمیه گردید ... بی‌شک خدمات فراوان آن عالم متعهد هیچ‌گاه از خاطره‌ها محو نخواهد شد. امیدوارم ثلمه‌ای که به وجود آمده است، با همت و اخلاص بزرگان اصفهان جبران گردد ... سعی و تلاش معظم‌له در مسئولیتهای مختلف و در خدمت به انقلاب اسلامی موجب تأسی دیگران گردد.^۲

ولادت حضرت فاطمه(س) و امام خمینی

بسم الله الرحمن الرحيم

فرا رسیدن ولادت کوثر نبوت و امامت فاطمه زهراء - سلام الله علیها - و نیز ولادت باسعادت رهبر کبیر انقلاب امام راحل که مقارن با یکصدمین سال ولادت آن وجود مبارک است را به همه علاقه‌مندان و پیروان خصوصاً شرکت‌کنندگان در کنگره‌ای که مزین به این عناوین پرافتخار است تبریک و تهنیت می‌گوییم. بسیار خوشوقتم که جمعی از بسیجیان محترم و آشنایان به مکتب زهرا در صدد بر آمده‌اند که یکی از آثار مهم نهضت اسلامی ایران که همان احیاء بانوان و بازگرداندن آنان به حقیقتی که فاطمه الگوی آن است را کنکاش و آثار و ریشه‌های این امر را بیشتر کشف نمایند. بانوان ما بدانند چنانچه این نهضت عظیم اسلامی صورت نمی‌گرفت، وجود شریف آنان روزبه‌روز از معنویت و حقیقت دور می‌گشت، تا قبل از نهضت اسلامی هیچ‌گاه وجود فاطمه را به عنوان الگو معرفی نمی‌نمودند و ایادی فسق و فجور به دنبال معرفی اشخاصی بودند که هیچ رایحه‌ای از دین و انسانیت از آنان به مشام نمی‌رسید.

خداوند را شکر گزاریم که در پرتو انقلاب و مجاهدتهای خستگی‌ناپذیر امام و ملت شهیدپرور، فاطمه بیش از پیش به جامعه و بانوان معرفی شده است. بدانید او مربی و الگوی همه انسانها است. او رمز واقعی خلقت است و باید اعتراف نماییم که عقول ناقص

۱. نماینده استان اصفهان در مجلس خبرگان و از وکلای آیت‌الله فاضل در اصفهان.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۸/۶/۲۲.

ما از شناخت او عاجز است؛ «لأن الخلق فطموا عن كنه معرفتها».

ان شاء الله از موقعیتی که فراهم آمده کمال استفاده شود و هرچه بیشتر ابعاد وجودی زهرا و فرزندش خمینی عزیز و نیز وظایفی را که بانوان در شرایط کنونی نظام ما دارند و نیز مشکلات مسائل مختلف مربوط به آنان را هرچه بیشتر بررسی نمایند. ان شاء الله تعالی.

محمد فاضل لنکرانی

۷۸/۷/۷

انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

انقلاب شکوهمند و بی نظیر اسلامی ایران که با عنایت پروردگار متعال و اخلاص و فداکاری امام عظیم الشأن - قدس سره الشریف - و تلاش و کوشش ملت مجاهد و شهیدپرور ایران به پیروزی نائل آمد، موهبتی است الهی و نعمتی است که حفظ و تداوم آن بر همه کس لازم است. اینک که در آستانه ششمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی قرار گرفته‌ایم و قرائن و شواهد نشان می‌دهد که دشمنان انقلاب اعم از داخلی و خارجی به آن چشم دوخته و امیدوارند از این طریق به آمال شیطانی خویش برسند، توجه ملت متدین و مسئولین متعهد را به نکاتی چند معطوف می‌دارم:

۱. همه می‌دانیم که مجلس شورای اسلامی از بزرگ‌ترین ارکان انقلاب است و نقش مهم آن در همه امور کشور و مردم کاملاً مشهود است. بنابراین شرکت در انتخابات امری لازم و واجب است و بی تفاوتی و یا بی‌اعتنایی به آن جایز نیست.

۲. ملت هوشیار و بیدار باید از جناح‌گرایی و تمایل به این و آن در انتخاب اشخاص بپرهیزند و کسانی را انتخاب نمایند که بتوانند در برابر حق تعالی پاسخگو باشند؛ یعنی افرادی را که در درجه اول متعهد و علاقه‌مند به عزت اسلام و انقلاب و دل‌سوز برای ملت باشند و در مقابل احکام مسلمة دین تردید و تزلزل به خود راه ندهند و به بهانه نزدیک شدن به کشورهای به ظاهر متمدن و سلطه‌گر در صدد تضعیف و کمرنگ کردن احکام دین برنمایند و در درجه دوم مشکلات گوناگون جامعه انقلابی ایران خصوصاً

مشکلات اقتصادی و فرهنگی را درک و برای حل آنها با برنامه صحیح اقدام نمایند.
۳. نمایندگان منتخب بدانند که باید به قصد خدمت به اسلام و ملت عزیز و برای حفظ آرمانهای امام راحل خصوصاً مبارزه با استکبار جهانی در مجلس حضور یابند و مشروعیت انتخاب آنان مبتنی بر این امور است.
۴. به مسئولین برگزارکننده انتخابات سفارش می‌نمایم تا همچون گذشته امانت‌دار رأی مردم باشند و هرچه بیشتر در این امر دقت نمایند.

در خاتمه، تقارن این انتخابات را با ایام ولادت باسعادت علی بن موسی الرضا - علیه آلاف التحية والثناء - را به فال نیک گرفته و از خداوند متعال مسئلت می‌نمایم تا مجلسی قویم و قوی و در خور شأن و عظمت ملت متدین ایران را به ما ارزانی فرماید. ان‌شالله تعالی

محمد فاضل

۱۳۷۸/۱۱/۲۷

نشست عفاف

بسم الله الرحمن الرحيم

من عمل صالحاً من ذکر أو أنثی و هو مؤمن فلنحیینه حیاة طیبة.
درود و تحیت انبیا و ملائكة الهی بر اشرف زنان فاطمة زهرا - سلام الله علیها - شخصیتی که با توجه به عمر کوتاه خویش سرنوشت انسانیت را رقم زد و به رسالت و نبوت و امامت حیات بخشید و همه وجود و عالم کون را ثمره وجود خویش ساخت و به حق کوثر نبوت بلکه کوثر الهی بود. سلام و درود بر زنان و خواهران پاکدامن که زهرای اطهر را، که الگوی همه انسانهاست، سرمشق زندگی دنیوی و اخروی خود قرار داده و همواره در پی پیاده نمودن ابعاد وجودی آن حضرت در سطح نازلی از وجود خویش‌اند و سلام و درود بر شما خواهران محترمه و شرکت‌کنندگان در این همایش بزرگ و باشکوه علمی عفاف.

اینجانب به عنوان یکی از پایه‌گذاران و مؤسّسین مرکز مهم جامعة الزهرا که سالهای متمادی از نزدیک در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و نیز تشکیل برخی از کلاسهای

اخلاقی حضور داشته‌ام، مطالبی را مورد تذکر قرار می‌دهم:

۱. انقلاب اسلامی ایران بیش از هرچیز سهم بزرگی در ارتقاء سطح علمی بانوان و استیفای حقوق و احیاء ابعاد مکتوم و خاموش آنان دارد. به برکت این نظام مقدس بانوان ما به محیط‌های علمی و فرهنگی در سطح کلان اعم از حوزوی و دانشگاهی راه یافته و به تأثیرگذاری در سرنوشت جامعه اسلامی نائل گردیدند. لذا بر شما لازم است در شرایط کنونی حداکثر استفاده را از فضای آماده شده بنمایید و خود را با تجهیز به سلاح علم و ایمان، به کمالات والای انسانی برسانید.

۲. امروزه برخی از افراد مغرض و یا نادان با شعار تساوی زن و مرد همان هدفی را دنبال می‌کنند که نه تنها به زن، بهایی داده نمی‌شود بلکه تمام ارزش او را در معرض نابودی قرار می‌دهد. خواهران محترمه، جعل یا عدم جعل منصب قضا برای زن هیچ‌گونه تأثیری در رسیدن به کمالات والای انسانی او ندارد. تساوی یا عدم تساوی در ارث و یا مقدار دیه و نیز تفاوت یا عدم تفاوت در شهادت، هیچ‌گونه نقشی در زوایای روحی و ملکوتی وی ندارد. خود را و حقیقت خود را دریابید و با اشکالات واهی که از طرف برخی از جاهلان و مغرضان مطرح می‌شود، وقعی ننهید. بدانید برخی از احکام فقهی در مورد زنان که به حسب ظاهر توهم محدودیت و یا تنقیص برای آنان است، نزد اهل نظر و بصیرت تحفیظ و تقدیس آنان برای انجام وظایف بزرگ‌تر و خطیری است که قطعاً از عهده بسیاری از مردان برنمی‌آید. از خود سؤال کنید که آیا در رسیدن به حیات طیبه که وعده قطعی الهی است، زن بودن مانعیت دارد؟ شما می‌دانید آنچه که قرآن بر آن فریاد زده است، آن است که: «هل یستوی الذین یعلمون و الذین لایعلمون؟» اما هرگز نفرموده است که: «هل یستوی الرجال و النساء.»

۳. در این نشست علمی سعی نمایم مسائل مختلف علمی مربوط به حجاب خصوصاً مسائل فقهی مربوط به آن را با دقت و تأمل، فقیهانه مبتنی بر فقه سنتی بررسی نمایم و هرگز به آراء شاذ و نادر توجهی ننمایم. در تبیین حکم حجاب و ارزش عفاف لازم است از بیانه‌ها و شیوه‌های متنوع استفاده نمایم و اثبات نمایم که حجاب نه تنها انسان را از منجلاب فساد و فحشا حفظ می‌کند بلکه فکر وی را مستقیماً متوجه تحصیل معارف

عالیه، اعم از حوزوی و غیر آن، می‌نماید و در پرتو آن استعدادها و قابلیت‌های فکری و علمی و روحی زن شکوفا می‌شود.

در خاتمه، ضمن تشکر و قدردانی از برگزار کنندگان این نشست، باید عرض کنم در صورتی می‌توانیم یک جامعه کاملاً اسلامی داشته باشیم که قبل از هرچیزی زنان آن جامعه بتوانند خود را مهذب و متخلق به اخلاق الهی نمایند. امیدوارم خداوند متعال همه زنان و همه مردان را در رسیدن به سعادت کامله موفق و مؤید بدارد و جامعه اسلامی ما را از هرگونه توطئه مصون و محفوظ بدارد. ان شاء الله

محمد فاضل لنکرانی

۷۹/۶/۲۰

روز جهانی قدس

بسم الله الرحمن الرحيم

أذن للذين يقاتلون بأنهم ظلموا وإن الله على نصرهم لقدير.

ادامه ستمهای دلخراش و جنایات فوق‌العاده وحشیانه صهیونیسم در کنار قبله اول مسلمین و سرزمینهای غصب شده اسلامی که هرروز دامنه آن وسیع‌تر می‌شود و زن و مرد بی‌سلاح پیر و جوان و امکنه آنان از زمین و هوا آماج حمله‌های ددمنشانه قرار می‌گیرند، حکایت از توطئه بسیار خطرناکی نسبت به نابود کردن این سرزمین اسلامی و در نهایت مقابله با همه مسلمین و اساس اسلام دارد. این رژیم نژادپرست با اتکا به حمایت بی‌قید و شرط آمریکا و سکوت جوامع بین‌المللی از هیچ جنایتی خودداری نمی‌کند؛ جنایاتی که اگر کمی از آن در هر جای دیگر جهان اتفاق می‌افتاد، فریادها بلند می‌شد؛ ولی امروز می‌بینیم مدعیان حمایت از حقوق بشر در مقابل چنین فجایعی خاموشند یا از طریق بازیهای سیاسی و یا با سکوت معنادار از آنها حمایت می‌کنند. البته از دولت آمریکا که تحت نفوذ شدید صهیونیستها و وابسته به آنهاست، جز آنچه انجام می‌دهد، انتظاری نمی‌رود؛ اما دولتهای دیگر و خصوصاً سازمان ملل و شورای امنیت و سازمانهای مدعی حمایت از حقوق بشر در مقابل سکوت خود چه جوابی به تاریخ و انسانهای آزاده دارند؟

آنچه بیشتر مایه تأسف است، مواضع بسیار ضعیف دول اسلامی است که با امکانات بسیار مهمی که در اختیار دارند و می‌توانند اقدام عملی انجام دهند تنها به امور ساده‌ای اکتفا نموده‌اند. اگر دول اسلامی همزمان و به طور جدی به حامیان اسرائیل هشدار دهند و مواضع قاطع بیش از یک میلیارد مسلمان را به آنان ابلاغ کنند، قطعاً به نتیجه مطلوب خواهند رسید.

علمای حوزه‌های علمیة شیعه و مراجع بزرگ قاطعانه از سران کشورهای اسلامی انتظار دارند که با یک جهش شجاعانه از انتفاضه فلسطین حمایت جدی کنند و از علمای اسلامی در تمام نقاط جهان انتظار می‌رود بیش از پیش مسئله فلسطین و انتفاضه را مورد توجه قرار دهند و ما امور زیر را به عنوان واجب شرعی برای همه مسلمانان غیور و باایمان لازم می‌دانیم:

۱. از هر طریقی که می‌توانند امکانات لازم را برای دفاع در اختیار برادران فلسطینی بگذارند تا حماسه جنوب لبنان در سرزمینهای اشغالی تکرار گردد.
۲. خرید و فروش کالاهای اسرائیلی را شدیداً تحریم و روابط اقتصادی خود را با آمریکا که حامی اصلی اسرائیل است، قطع کنند.
۳. مسلمانان جهان باید بر دولتهای خود فشار وارد آورند که هرگونه مورد اسرائیل را قطع کنند؛ که ادامه روابط در این شرایط، ضربه‌ای سهمگین بر اسلام و مسلمین محسوب می‌شود.
۴. مسلمانان باید دولتهای خود را وادار نمایند که از سلاح نفت در این مبارزه حیاتی استفاده کنند.
۵. از دولت اسلامی ایران انتظار می‌رود تلاش بیشتری برای حمایت از این برادران و خواهران مظلوم و ستم‌دیده کند و آنچه تاکنون انجام گرفته هرگز کافی به نظر نمی‌رسد.
۶. در صورت ادامه جنایات آنها، مسلمانان منتظر توصیه‌های دیگر و انجام وظایف مهم‌تر باشند. بدیهی است همه مسلمانان جهان روز قدس امسال را پرشورتر و باشکوه‌تر و پرمعناتر از هر سال برگزار می‌کنند و مسئله فلسطین را به یکی از مسائل اصلی جهان اسلام تبدیل خواهند نمود.

از خداوند بزرگ پیروزی و نصرت اسلام و مسلمین را بر دشمنان سنگدل و جنایتکار

مسئلت داریم. «وما النصر إلا من عند الله.»

محمد فاضل لنکرانی، ناصر مکارم شیرازی، لطف‌الله صافی گلپایگانی

قم - حوزه علمیه

۲۳ رمضان المبارک مطابق ۷۹/۹/۳۰

دومین اجلاس حوزه و تبلیغ، یادمان علامه امینی

بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين

بعد الحمد والصلوة؛ مرحوم آیت‌الله آقای حاج شیخ عبدالحسین تبریزی معروف به علامه امینی - قدس الله نفسه الزکیه - صاحب کتاب شریف /غدیر و برخی کتب دیگر، توانست در دوران حیات موقت خویش با صرف وقت در تحصیلات حوزوی و انتخاب اساتیدی ارجمند و شایسته و تحمل مشقتها و مسافرتهاى متعدده به بلاد بعیده جهت دسترسی به کتابخانه‌های معروف جهان و استنساخ از نسخی که در تألیف کتاب مزبور نقش مؤثر داشته است، یکی از بزرگ‌ترین خدمات ارزنده را به عالم تشیع نماید و تا حد قابل اعتنایی از مظلومیت مکتب تشیع که امام آن نیز اول مظلوم عالم بود، بکاهد.

جداً کتاب /غدیر مخصوصاً با قلم رسا و مطابق روزش، توانسته جمیع شبهات را در مورد مسئله امامت و وصایت بلافصل امیرالمؤمنین - علیه السلام - پاسخی متناسب که مقبول عقل سلیم و منطقی خالی از تعصب است، بدهد؛ خاصه که از کتب خود آنها که در زوایای کتابخانه‌های متعدد مخفی بود و یا مخفی نگاه داشته شده بود، استفاده نموده و با استعانت مداوم از صاحب اصل مقام ولایت و امامت چنین موفقیتی را به دست آورد که مرور زمان نه تنها آن را کهنه نمی‌کند بلکه بر عظمت آن می‌افزاید؛ خاصه آنکه برخی از کتب دیگر که در این زمینه مرقوم شده خالی از فلته و یا فلتاتی نیست و مجموعه کتاب شریف /غدیر با طولانی بودنش و کثرت مجلداتش خالی از این فلتات است.

خداوند معظم‌له را با صاحب اصلی غدیر محشور فرموده و اجری مضاعف به ایشان عنایت فرماید.

محمد فاضل لنکرانی

۲۷ ذیقعدہ ۱۴۲۱

(۱۳۷۹/۱۱/۳)

سالگرد تأسیس حوزه علمیة امام خمینی در گرگان

بسمه تعالی

بعد الحمد والصلوة؛ اینک که بیستمین سال از تأسیس حوزه علمیة امام خمینی - قدس سره - که واقع در شهرستان گرگان مرکز استان گلستان است، می‌گذرد، برکات و آثار متنوع آن ظاهرتر و بارزتر می‌شود. حوزه‌ای که به دست توانا و نیت خالص جناب مستطاب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای حاج سید کاظم نورمفیدی - دامت برکاته - تأسیس یافته و در زمین وسیع و محلی مناسب بنا گردیده و انصافاً مدرسه‌ای با این وسعت و با این کیفیت نه تنها در آن خطه کم‌نظیر بلکه در اکثر بلاد ایران بی‌نظیر است. فضایی که در این حوزه تحصیل می‌کنند، می‌توانند در حوزه‌های بالاتر دارای تبرزی چشم‌گیر و امتیازی فوق‌العاده باشند؛ زیرا از هرجهت مورد توجه کامل می‌باشند؛ هم از بعد مدیریت و نظارت و هم از جهت اساتید مبرز و متبحر و هم از بعد مادیت مناسب با شوون طلبگی مخصوصاً که جناب مؤسس محترم خود از متخرّجین حوزه علمیة قم است و سالهای متمادی برای کسب فیوضات علمیه و ارتقاء به مراتب بالاتر در آنجا اقامت داشت، اکنون با توجه به نیاز کامل جامعه به آشنایی با مسائل اسلامی مخصوصاً با اینکه در جامعه افرادی ملاحظه می‌شوند که یکسره مقدسات را زیر پا گذاشته و یا به علت عدم احاطه به مصالح و مفاسد، منکر برخی از فروع دین و احکام مقدس اسلام می‌شوند و از سوی دیگر جمعی گرایش به امور تخیلی و مسائل خرافی پیدا کرده‌اند لازم است افرادی که با اسلام آشنایی دارند آنان را هدایت و تأثیر تبلیغ خویش را در کنار صمیمیت و حسن معاشرت با مردم ببینند و مردم نیز توجه داشته باشند که روحانی صحیح که دارای دو بال علم و عمل است تنها دل‌سوز جامعه و ساعی در رفع مشکلات آنان است. لذا باید توجه بیشتر به حوزه‌های علمیه داشته تا بتوانند از این راه سربازانی خالص برای حضرت بقیة الله - عجل الله تعالی فرجه الشریف - تهیه نمایند.

در خاتمه، اعیاد سعیده متوالیه مخصوصاً عید سعید غدیر را که در این سال شمسی دو مرتبه واقع شد، صمیمانه تبریک و از همه آقایان محترم ضمن پوزش التماس دعای خیر دارم و امید دارم که برکات حوزه مزبور در آتیه بیش از پیش ظاهر و آشکار گردد و روز به

روز بر توسعه و گستردگی آن اضافه شود.

محمد فاضل لنکرانی

۸ ذیحجه ۱۴۲۱

(۱۳۷۹/۱۲/۱۴)

انتخابات هشتمین دوره ریاست جمهوری

بسم الله الرحمن الرحيم

بعد الحمد والصلوة؛ ماه خرداد یادآور حادثه بزرگ پانزدهم خرداد و مصادف با سالگرد ارتحال امام امت خمینی عظیم الشأن است. ملت عزیز ما در این ماه در آستانه حادثه عظیمی هستند که سرنوشت خود را با آن رقم خواهند زد. انتخابات ریاست جمهوری یکی از مهم‌ترین مظاهر عزم ملی است که ملت با اختیار و اراده خود فردی را جهت اداره امور اجرایی کشور تعیین می‌نماید. این امر از یک سو آزمایشی است الهی که در استمرار و تداوم حکومت اسلامی و پیاده شدن احکام نورانی اسلام نقش اساسی دارد و از سوی دیگر آزمایشی است جهانی برای پاسخ به دنیای کفر و استبداد. بنابراین دو جهت شرکت در انتخابات امری است واجب و تخلف و یا بی‌تفاوتی نسبت به آن جایز نیست و از ملت هوشیار که تاکنون با بلوغ و رشد سیاسی خود در همه صحنه‌ها به وظیفه دینی و انقلابی خود عمل نموده، انتظار می‌رود در این برهه با حضور چشم‌گیر خود به این مسئولیت عمل نماید.

ملت فهیم و بزرگوار ایران به خوبی می‌دانند که این امر مهم یک امر ظاهری و تشریفاتی نیست و رأی آنان مسیر مادی و معنوی کشور را تعیین می‌نماید. از این جهت لازم است فردی را انتخاب نمایند که در درجه اول دغدغه مسائل دینی و اعتقادی جامعه را داشته باشد و به دنبال اجرای آرمان امام راحل - قدس سره - و شهدا و نیز در پی استیفای حقوق مردم و اجرای دقیق قانون اساسی در پرتو ارزشها و دستورات دینی باشد و در درجه دوم دارای همتی قوی و برنامه‌ای کامل جهت حل مشکلات اقتصادی مردم باشد که خداوند خود می‌داند که این ملت عزیز و نجیب چگونه در شرایط فعلی با این بلیه دست و پنجه نرم می‌کند و شکوه خود را به ذات اقدس او عرضه می‌دارد و در جلب این

امور لازم است توجهی عمیق به حل مشکلات جوانان و در فکر اشتغال و ترقی و رشد آنان باشد و در یک کلمه فردی را انتخاب نمایند که پاسخگوی الهی باشند. بهوش باشید حب و بغضهای جناحی و شخصی را در این زمینه اعمال نفرمایید و با تحقیق کامل و استمداد از باری تعالی خویشتن را برای شرکت آماده سازید.

امیدوارم عنایت خداوند شامل حال همه گردد و در ظلّ عنایات و توجهات خاصه امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - فردی لایق و متعهد انتخاب شود. ان شاء الله تعالی.

محمد فاضل لنکرانی

۱۳۸۰/۳/۱۲

همایش مراکز و انجمنهای خیریه استان قم

بسم الله الرحمن الرحيم

تعاونوا على البر والتقوى

بعد الحمد والصلوة؛ با تأکید شرع مقدس بر حمایت و کمک به محرومین در ابعاد مختلف و نیز فرموده مکرر حضرت امام راحل - قدس سره الشریف - که در این زمینه چیزی را فروگذار نمودند، لازم است از مؤسّسات و مراکز که با عناوین متعدد در استان قم این نقش ارزنده را ایفاء می کنند، تشکر و سپاس‌گزاری به عمل آید. اکنون که متصدیان و مسئولان امر در صدد ساماندهی این مراکز می باشند، نکاتی را یادآور می شویم:

روشن است که تفرقه و پراکندگی در هرامری سبب سستی و به نتیجه مطلوب نرسیدن آن است و هماهنگی و انسجام از عواملی است که قطعاً تقویت امور را به دنبال دارد. ممکن است هر کدام یک از مراکز و مؤسّسات بتوانند با ذوق خاصی، امور خیر را اداره نمایند؛ حتماً در امر ساماندهی لازم است ابتکارات و نظریات مسئولین هر مرکزی مد نظر قرار گیرد.

برخی از این مراکز برطبق اساسنامه یا موقوفاتی که دارند، لازم است طریق و مصرف مشخصی را داشته باشند. لازم است به این امر توجه کافی شود.

سعی شود تا با تشکیل این مجمع بر تسهیل و تقویت امور افزوده شود و طوری نباشد

که کمک‌رسانی و خدمت به مردم را گرفتار امور شدید اداری نماید و در یک کلمه انتظار آن است که با تشکیل این مجمع، امید محرومین و مردم نسبت به این مراکز بیشتر شود. امید است خداوند متعال به همه مسئولین توفیق بیشتر عنایت فرماید و این کشور را از تمام شرور حفظ و مشکلات آن را برطرف نماید. بحق اولیائے الطاهرین صلوات الله علیهم أجمعین.

محمد فاضل لنکرانی

۱۳۸۰/۳/۲۷

سیل در استانهای گلستان و خراسان

بسم الله الرحمن الرحيم

حادثه کم‌سابقه و وحشتناک سیل در این روزهای اخیر در استان گلستان و قسمتی از استان خراسان قلوب همه مردم را جریحه‌دار نمود و آنان را با مصیبتی بس دردناک و غیرمنتظره مواجه ساخت؛ خصوصاً که تعدادی از زوآر حضرت علی بن موسی الرضا - علیه السلام - را طعمه خویش قرار داد. این مصیبت بزرگ را به اهالی محترم دو استان و به عموم ملت بزرگوار ایران تسلیت عرض می‌نمایم. این قبیل حوادث و نیز مسئله نگران‌کننده خشکسالی ما را به این نتیجه روشن می‌رساند که زمام تمامی امور در دست خدای یگانه و برحسب اراده و اشاره آن ذات مقدس است و چه بسا می‌توان گفت: این‌گونه امور جلوه‌هایی از سخط و غضب الهی است که ناشی از عدم توجه دقیق و صحیح به حقوق خداوند و عدم اجرای احکام و حدود الهی است. از این رو لازم است همه ما از این امور عبرت گیریم و مراتب ایمان و توحید خویش را ارتقا بخشیم. از همه مردم و خصوصاً مسئولین محترم انتظار می‌رود هرچه سریع‌تر برای جبران خسارتهای مادی این حادثه بکوشند. مؤمنین محترم مجازند از ثلث سهم مبارک امام - علیه السلام - در این امر استفاده نمایند. خداوند متعال به همه مصیبت‌زدگان صبر و اجر عنایت و ما را هرچه بیشتر متوجه خویش فرماید. ان شاء الله تعالی

محمد فاضل لنکرانی

۱۳۸۰/۵/۲۳

ایام فاطمیّه

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله الطاهرين سيّما الصديقة الشهيدة فاطمة الزهراء واللعن على أعدائهم أجمعين.

این ایام مصادف است با شهادت بزرگ‌ترین بانوی جهان اسلام حضرت فاطمه زهراء - سلام الله عليها - . آن حقیقت گوهری است که تاکنون ابعاد وجودی‌اش برای اهل فکر و بصیرت به صورت صحیح و دقیق روشن نگشته است. ذاتی که از غضب او پیامبر(ص) و حق تعالی غضب می‌کنند و از رضایت او خشنود می‌گردند. و از این جهت است که او را فاطمه گفته‌اند؛ زیرا خلق از کنه معرفت او محرومند. حقیقتی که می‌توان گفت: علاوه بر اینکه محور اهل کساء است، محور اصلی اهل بیت در آیه تطهیر است. و از شعاع وجودی او اراده حق تعالی بر اذهاب رجس و تطهیر آنان تعلق گرفت. ما که اکنون مفتخر به پیروی از آن بانوی گرامی و فرزندان معصوم وی هستیم، باید در شرایط کنونی آگاهی بیشتر نسبت به افکار و اندیشه‌ها و دستورالعمل‌های آنان داشته باشیم و مبادا در انجام وظایف خود کوتاهی نماییم.

لازم است علماء بلاد و خطباء محترم علاوه بر آنکه مجالس عزاداری را هرچه باشکوه‌تر انجام می‌دهند، ابعاد معنوی و علمی آن حضرت را مورد توجه خاص قرار دهند. و بحمدالله مکتب تشیع مشحون از استدلال و منطق است و اهل انصاف و تدبّر به راحتی در برابر آن خضوع می‌نمایند. دشمن امروزه به خوبی دریافته است که برای تهی نمودن این ملت و سیطره بر امور آنان، باید آنچه را که تجلیگاه اعتقادات و ایمان مردم است خاموش و کم‌رنگ سازد، روزی با جهالت تام و تمام گریه و عزاداری بر حضرت سیدالشهدا - علیه السلام - را امری لغو و مورد شبهه قرار داده و روزی در شهادت فاطمه زهرا - سلام الله عليها - تردید می‌کند؛ در حالی که این امر از واضحات تاریخ اسلام است. معاندان بدانند اگر به خیال خود در شهادت آن حضرت شبهه‌ای را القا کنند، هرگز نمی‌توانند در مظلومیت ایشان و ستم‌هایی که بعد از رسول خدا(ص) به ایشان وارد شد، خدشه‌ای را تصور نمایند. عمر کوتاه وی، خطبه آتشین و سراسر استدلالی او در

مسجدالنبی، گریه‌های شبانه روزی ایشان، دفاع محکم آن حضرت از حریم ولایت، همه ادله روشنی بر مظلومیت آن بانو است و از این جهت جهان اسلام از مظلومیت او و شوهرش همیشه عزادار و سوگوار است. انقلاب اسلامی ما از توجه خاص ملت ایران به همین ایام نشئت گرفت و امروزه بهترین عامل برای حفظ و تداوم آن، اهمیت دادن به چنین ایامی است. لازم است مؤمنین و پیروان اهل بیت - علیهم السلام - به ایام فاطمیّه بیش از گذشته اهتمام ورزیده و نگذارند این حادثه ناگوار در لابه‌لای حوادث دیگر کم‌رنگ شود و خصوصاً روز سوم جمادی الثانیه را که از طرف دولت جمهوری اسلامی تعطیل عمومی اعلام شده، مورد عنایت خاص قرار دهند.

باشد که آن حضرت را، که مادر فرهنگ تشیع است، در این راه همراهی نماییم و در روز قیامت مورد شفاعت خاص ایشان و اولاد طاهرینش قرار گیریم. والسلام علی جمیع إخواننا المؤمنین ورحمة الله وبرکاته.

قم المقدسه

محمد فاضل لنکرانی

۱ جمادی الثانیه ۱۴۲۲

۸۰/۵/۳۰

جشنواره برترینهای فرهنگ مهدویت در مطبوعات

بسم الله الرحمن الرحيم

فرا رسیدن نهم ربیع الاول را که مقارن است با شروع ولایت خاتم الاوصیاء حجّه بن الحسن العسکری - عجل الله تعالی فرجه الشریف - بر همه پیروان امامت و راهیان طریق ولایت اهل بیت عصمت و طهارت تبریک می‌گوییم. اساس مسئله امامت از نعمتهای بزرگی است که با هیچ‌کدام از نعم الهی قابل مقایسه نیست و در معارف دینی ما به هیچ مسئله‌ای مانند ولایت اهمّیت و سفارش فراوان نشده است. همه متون و جوامع روایی و کتاب و سنت از ابتدا تا انتها فریادگر مسئله امامت و دعوت‌کننده انسانها و جامعه بشری به این امر حیات‌بخش است. «ولم یناد بشیء مثل ما نودی بالولاية» در میان همه مذاهب و

مکاتب، شیعه این افتخار را دارد که گوی سبقت را از دیگران ربوده و عشق به ولایت و امامت را رمز حیات و بقاء خویش قرار داده است.

اما حقیقت بزرگ‌تری در این میان وجود دارد و آن وجود شریف امام زمان، مهدی موعود(عج) است که شاید بتوان گفت: بالاترین و عمیق‌ترین عنوان همان است که قرآن کریم از ایشان یاد نمود و آن بقیة الله است. او بقیة و انتهای تجلی خداوند و حسن ختام عالم و همه ادیان است. او در میان مظاهر تجلی حق تعالی، آخرین گوهری است که مظهر همه صفات و اسماء الهی است و می‌توان گفت: همان طوری که نبی اکرم - صلی الله علیه و آله - مظهر تام انبیاء و شریف‌ترین گوهر نبوت بود، وجود شریف حضرت حجّت نیز لبّ امامت و تجلی تام امامت است.

افتخار همه انسانهای آزاده خصوصاً مسلمانان و شیعیان آن است که در پرتو شعاع وجودی آن حضرت به سر می‌برند؛ وجود شریفی که منصبی را عهده دار است که بالاترین منصب عالم وجود است و آن قیام برای اجرای کامل دین خدا و رفع ظلم و ستم و برخورد با هرگونه بدعت و انحرافی است که در جامعه مسلمین و میان انسانها به وجود آمده است. ما امروز هر صبح و شام به یاد آن حضرت زندگی می‌کنیم و خود را در محضر آن وجود شریف حاضر می‌بینیم و ایشان را نسبت به همه امور خود و مقدرات ناظر و حاضر می‌دانیم. آنچه که امروز مایه حیات و رمز بقا و استمرار است دل دادن به آن وجود شریف و سرسپردن بر خاک کوی او است. از اینکه در چند ساله اخیر عده‌ای از اهل فضل و دانش این مسئولیت خطیر را احساس نموده‌اند و با تمام تلاش به دنبال شکوفایی برخی از زوایای ناشناخته حجّت خدا هستند و به این نکته رسیده‌اند که حیات فردی و اجتماعی ما، رشد سیاسی و فرهنگی ما، عزّت و عظمت ما، همه در پرتو شناخت وجودی آن حضرت است، بسیار خوشحالم و خدا را بر این امر سپاس‌گزارم. گرچه معرفت حجّت خدا همانند اصل معرفت الله به نحو صحیح و کامل مقدور نیست و ما و همه نویسندگان راه علم و دانش و همه عارفان و سالکان عاجزند از اینکه بتوانند حقیقت این نعمت عظمای الهی را درک کنند و نیز بسیاری از خصوصیات قبل از ظهور و بعد از ظهور هنوز برای ما ظاهر و آشکار نگشته است و سنت الهی در این باب وسیع و عظیم آنگونه که باید و شاید روشن نیست و

در بوتۀ اسرار باقی مانده است؛ همه ما با انتظار زنده‌ایم و با این سلاح مهم و برنده، قلوب و جانهای خود را زنده نگه داشته و نظاره‌گر افق زمان ظهوریم. ان‌شاء الله.

امروز همه ادیان الهی و پیشوایان آنان در این نقطه مشترکند که در انتظار مصلح جهانی هستند و در دنیای تیره و تاریک امروز که خوی حیوانیت در برخی انسانها آشکار است هیچ راه نجاتی جز امید به ظهور انسانی کامل از طرف خداوند وجود ندارد. امروزه انقلاب اسلامی ما به برکت روح انتظار به وجود آمد و آنچه که مایه بقاء او خواهد بود، همین امر است. به همه مردم عزیز از دانشجو و روحانی، کارگر و کارمند، پیر و جوان، زن و مرد، سفارش می‌کنم که بدانند اگر در عصر غیبت به حسب ظاهر محروم از رؤیت آن جمال نورانی هستیم اما عشق به آن خورشیدی که در پس پرده غیبت است، باید در همه ما زنده باشد.

امروز سیر و سلوک به حق هیچ راهی جز از طریق اتکال بر حجت خدا ندارد. باید از آن وجود شریف در همه مشکلات استمداد جوئیم. احیای فرهنگ مهدویت، بدین معنا است که ارتباط وثیق و محکمی بین امت و حجت خدا ایجاد کنیم. موانع اتصال بین خودمان که عاجز و ناقص و ضعیف و ناتوان هستیم و بین آن حضرت را برطرف سازیم. احیای این فرهنگ از وظایف بزرگی است که انتهای آن زمان ظهور خواهد بود. باید این نسل و نسلهای دیگر را برای ظهور آن حضرت آماده نمود. امروزه باید انسانهای مضطرب و سرگشته بدانند که توجه به آن وجود شریف بزرگ‌ترین مایه آرامش و اطمینان است و توحید واقعی در گرو ولایت است. «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ».

تطهیر از شرک و نفاق و هرگونه ظلمی در گرو تمسک به ولایت است و آن وجود شریف، مطهر از هرگونه نخوت و آلودگی است. رسیدن به مقام امن که آرزوی بزرگ اولیای خدا است، جز از راه ولایت نخواهد بود.

از اینکه مسئولان محترم ستاد احیاء گسترش فرهنگ مهدویت به این امر مهم اقدام نمودند و مقالات و نوشته‌هایی را که در این زمینه وجود دارد بررسی نموده‌اند و برترین را انتخاب نمودند، تشکر می‌کنم. هر قلم و نوشتاری در این زمینه می‌تواند بیشترین تأثیر را در رشد معنوی و دینی جامعه داشته باشد. باید اهل قلم و صاحبان طبع و نشر همّت خود

را بلند قرار داده و در این میدان که اقیانوسی است بی‌کران و معارفی عظیم در آن نهفته است، از هیچ جدّ و تلاشی دریغ نمایند.

در اینجا تذکر این نکته را لازم می‌بینم که در این وادی، اهل فکر و تحقیق باید معارف را به صورت ناب و خالص و به دور از هرگونه حشو و زوائد در اختیار مردم قرار دهند. باید از بیان امور سست و واهی و چه بسا کذب که اساس اعتقاد مردم را متزلزل می‌کند، اجتناب نمایند. در تثبیت حقیقت امامت هیچ نیازی به بیان رؤیاهای کاذبه و حوادث غیر واقع نیست. باید در این امر از جذبه‌های واقعی ولایت و آثار و کرامت‌های مسلم‌الثبوت و حقیقی آن استفاده نمایند و به بیان دیگر باید به دنبال تحکیم عقاید باشیم و نه فقط برانگیختن احساسات که آن امری است غیر پایدار و گذرا.

امیدواریم مورد عنایت خاصّ امام عصر - روحی له الفداء - قرار گیرند و خدمات همگان مورد قبول آن وجود شریف باشد.

محمد فاضل لنکرانی

۱۳۸۱/۲/۳۱

زلزله در قزوین و همدان

بخشی از پیام: ... حادثه بزرگ و دلخراش زلزله در استانهای قزوین و همدان که موجب کشته شدن صدها نفر از مردم مستضعف و مصدوم شدن تعداد کثیری از اهالی روستاها و خرابی بی‌حد و حصر گردید، تأسّف و تأثر همگان را برانگیخت و عموم مردم را عزادار ساخت. اینجانب این حادثه ناگوار را به حضرت بقیة الله الأعظم - ارواحنا فداه - و به عموم بازماندگان تسلیت عرض نموده و علوّ درجات را برای کشته‌شدگان خواستارم. ضمناً از ملت شریف ایران انتظار دارم که در حدود امکانات به آنان کمک نمایند و می‌توانند از ثلث سهم مبارک امام - علیه السلام - در این زمینه استفاده نمایند. ان شاء الله که مأجور خواهند بود.^۱

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۱/۴/۳.

ایام فاطمیّه

بسم الله الرحمن الرحيم

إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِينًا. (احزاب: ۴)
وقال رسول الله - صلى الله عليه وآله - : فاطمة بضعة مني من أذاها فقد أذاني.

یکی از بزرگ‌ترین افتخارات شیعه، داشتن شخصیتی است که سیده زنان دنیا و دارای مقام عصمت و طهارت بود و به مقتضای آیه تطهیر که در مورد پنج تن نازل شد که در رأس آنها رسول گرامی اسلام - صلی الله علیه وآله - است، از هررجس و پلیدی و هرگناه و معصیت بر حسب اراده تکوینی خداوند متعال دور، و اتصاف به طهارت مطلقه و پاکی از هرجهت را دارا است. مقام شامخ آن بزرگوار از افق افکار محدود و نارسای ما بیرون، و دست اندیشه و فکر ما از پی بردن به آن کوتاه است. او اولین شهیده راه پرافتخار ولایت و امامت بود و ائمه معصومین شیعیان عموماً به فرزندگی ایشان افتخار می‌کردند.

فاطمه زنی است که در اوج مظلومیت و با وجود مصائب فراوان خصوصاً مصیبت از دست دادن پیامبر - صلی الله علیه وآله - و در شرایط بسیار حساس که بشر عادی حتی قادر بر تکلم معمولی نیست، در حضور حکام و بزرگان قوم آنچنان خطبه‌ای ایراد می‌کند که خردمندان از درک آن عاجزند که چگونه یک زن در چنین موقعیتی بتواند این‌گونه مستدل و محکم سخن گوید؛ آن‌هم مطالبی بسیار مهم و مربوط به توحید و نبوت و امامت و نیز سرزنش کسانی که به حکم راحت‌طلبی و زندگی آرام وظیفه الهی خود را ترک و در برابر ظلم دیگران سکوت نموده‌اند.

آری، باید اعتراف نماییم که مع الأسف بعد از گذشت یک‌هزار و چهارصد سال نتوانسته‌ایم آن گوهر بی‌نظیر را بشناسیم و از آن تأسف‌آورتر آنکه جهل و نادانی و چه بسا هواهای نفسانی و فریب افکار به ظاهر جدید خوردن، سبب آن گردیده که برخی کوردلان، مقامات آن حضرت را مورد تردید قرار دهند.

آری، هرگز برای بشر عادی قابل فهم نیست که یک زن از نوع بشر، به حدی از رشد و تعالی برسد که رضایت او محور رضایت حق تعالی گردد.

مدتی است مطالبی عاری از حقیقت و کاشف از عناد و لجاج در مورد ایشان گفته یا نوشته می‌شود که وجدان هرمنصف و علاقه‌مند به حقیقت را جریحه‌دار می‌سازد. صحیح است که مسئله وحدت مورد تأکید معمار بزرگ انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی - قدس سره - بود؛ اما مقصود آن حضرت این نبود که شیعه از مبانی اعتقادی متقن و محکم خویش دست بردارد و شاهد کذب و دروغ حتی نسبت به فاطمه زهرا - سلام الله علیها - باشد. بلکه به طور وضوح مقصود ایشان این بود که مسلمین عموماً در برابر دشمنان اسلام، ابرقدرت جهانی شوند تا دشمن نتواند در حقیقت اسلام رخنه ایجاد نماید.

اینک بر شیعیان و پیروان اهل بیت - علیهم السلام - است که دوشنبه روز سوم جمادی الثانیه را که برحسب روایت صحیح مصادف با شهادت آن حضرت است و دولت جمهوری اسلامی ایران آن را تعطیل رسمی اعلام کرده هرچه با شکوه‌تر عزاداری نمایند و مجالس و محافل آن حضرت را کماً و کیفاً رونق بخشیده و با دستجات عزادار در کوجه‌ها و خیابانها ظاهر شوند تا فی الجملة حق آن شهیده را ادا کرده باشیم. پیدا است که بی تفاوتی در این زمینه آثار منفی نگران‌کننده در پیش خواهد داشت.

والسلام علی جمیع عباد الله الصالحین

محمد فاضل لنکرانی

۱۳۸۱/۵/۱۸

(۲۹ جمادی الاولی ۱۴۲۳)

ایام فاطمیّه

بسم الله الرحمن الرحيم

إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا.
(الأحزاب/۵۷)

وقال رسول الله - صلى الله عليه وآله - : فاطمة بضعة مني من أذاها فقد أذاني.
من أكبر مفاخر الشيعة اعتقادهم وتمسكهم بشخصية نادرة تعتبر بحق سيدة نساء العالمين وتتمتع بمقام العصمة والطهارة، وبمقتضى آية التطهير النازلة في الخمسة الطاهرين

وفي مقدّمهم رسول الله - صلى الله عليه وآله - فإن فاطمة الزهراء منزّهة عن كل رجس ومعصية بحسب الإرادة التكوينية لله تعالى ومتّصفة كذلك بالطهارة المطلقة من كل جهة. إن المقام الشامخ الذي تتمتع به هذه السيدة العظيمة لا يرقى إليه أفق تفكيرنا البشري القاصر، ولا تطاله يد فكرنا المحدود، فهي طليعة الشهداء في طريق الولاية والإمامة، ولطالما افتخر الأئمة المعصومون بكونهم من ذريتها.

فاطمة هي المرأة التي عاشت ذروة المظلومية، ورغم مصائبها الكثيرة - لاسيّما مصيبة فقد النبي - صلى الله عليه وآله - وحسّاسية الموقف بحيث أن الشخص العادي لا يستطيع التفوه بكلمته الاعتيادية - قامت بإيراد خطبتها الغراء أمام الحكام ورموز القوم حتى أن أبواب المعرفة عجزوا عن إدراك هذا الأمر وهو أن امرأة في مثل هذه الظروف العصبية كيف تستطيع أن تتكلم بمثل ذلك الكلام المتين والمستدلّ المطالب المتعلقة بمسائل مهمة جداً من التوحيد والنبوة والإمامة؛ وكذلك توبيخ وتفرّيع الأشخاص الذين فضلوا الراحة والعقود وتركوا أداء واجبهام الرسالي وتكليفهم الإلهي وسكتوا عن الحقّ تجاه الظالمين.

أجل، يجب علينا أن نعتزف بأننا - ومع الأسف - لم نتمكن من التعرف على هذه الجوهرة اليتيمة بعد مضي أكثر من ألف وأربع مائة عام، والأنكى من ذلك أن الجهل والأهواء النفسانية والانخداع بالأفكار الجديدة ظاهراً دفعت ببعض المنحرفين عن جادة الصواب إلى التشكيك في مقاماتها الرفيعة.

أجل، لا يتمكن الفهم البشري الطبيعي من إدراك هذه الحقيقة، وهي أن امرأة من نوع البشر تتوصّل في معراج الكمال المعنوي والتعالّي الإنساني إلى حد يكون رضاها معياراً لرضا الله تعالى.

ومنذ مدّة ونحن نرى ونسمع بعض المقولات التي تتضمّن مطالب عارية عن الحقيقة وكاشفة عن عناد أصحابها ولجاجهم بحيث يتألّم لها ضمير كل إنسان منصف وطالب حقيقة؛ فصحيح أن مسألة الوحدة الإسلامية كانت مورد تأكيد لباني الثورة الإسلامية الكبير سماحة الإمام الخميني - قدس سره - وليكن لم يكن مراده أن يرفع الشيعة يدهم عن مبادئهم الاعتقادية ومبادئهم المتيقّنة ويشاهدوا موجة الافتراء والكذب تسرى حتى بالنسبة إلى فاطمة الزهراء - سلام الله عليها - بل مراده بشكل صريح أن يصبح المسلمون قوة عظيمة

قبال أعداء الإسلام وقوى الاستكبار العالمي لكيلا يطمعوا في إيجاد ثغرة في الإسلام. فعلى جميع الشيعة وأتباع أهل البيت - عليهم السلام - أن يقيموا مواكب العزاء ومجالس المآتم يوم الاثنين وهو الثالث من جمادى الثانية حيث وردت الرواية الصحيحة بأن هذا اليوم يصادف يوم استشهاد فاطمة الزهراء - عليها السلام - وقد قررت حكومة الجمهورية الإسلامية أن يكون هذا اليوم عطلة رسمية، فعلى الموالين لأهل البيت - عليهم السلام - أن يحيوا مجالس الزهراء ويزيدوها بهاءً كمّاً وكيفاً ويسيروا في الأزقة والشوارع على شكل مواكب للعزاء كيما يتمّ أعداء حق تلك الشهيدة في الجملة؛ وبديهي أن التقصير وعدم المبالاة بهذا الأمر له عواقب سلبية وخيمة.

والسلام على جميع عباد الله الصالحين

محمد الفاضل اللنكراني

الأول من جمادى الآخرة ١٤٢٣ هـ

(١٣٨١/٥/١٩)

همايش هم انديشى فرهيختگان جوان

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا ونبينا أبي القاسم محمد وعلى آله الطيبين الطاهرين المعصومين.

سلام و درود خداوند متعال بر پیامبر اکرم و آل اطهر او که راههای سعادت دنیوی و اخروی را بر همگان بیان فرمودند و خود در همه آنها اسوه و الگو بودند. رحمت بی پایان خداوند بر کسانی که با همت و تلاش خود برنامه زندگی و دستورالعمل ما انسانها را متذکر شدند و برای همیشه چراغی پرفروغ گشتند. و سلام و صلوات خداوند بر شما فرهیختگان جوان که جهت هم اندیشی پیرامون مسئله نماز و اقامه آن جمع گشته اید و به دنبال احیای هرچه بیشتر این فریضه بزرگ خداوندی هستید.

پیرامون نماز و اهمیت آن بسیار گفته شده و بحمدالله قرآن و سنت تأکید فراوانی بر این امر دارند. هنر آن است که آثار فردی و اجتماعی، دنیوی و اخروی آن را و نیز اسرار

این عمل عبادی را هرچه بیشتر از اقیانوس بی‌کران آیات و روایات استخراج نماییم و به دیگران منتقل سازیم. این نماز چه عملی است که از یک طرف از آن جهت که ذکر خدا است سبب اطمینان و آرامش قلوب است و اضطرابها و دلهره‌ها و نگرانیها را برطرف می‌سازد و از طرفی دیگر به حکم «إِذَا ذَكَرَ اللَّهُ وَجِلْتَ قُلُوبَهُمْ» سبب خوف می‌گردد. پیدا است که بین این آرامش و این خوف نه تنها تقابلی نیست بلکه یک ارتباط محکم و منطقی وجود دارد. هنگامی انسان خوف از خدا دارد که بداند و باور کند همهٔ امور در اختیار او است و قدرت مطلقه و بقای حقیقی، مختص او است و غیر او ضعیف و ناقص و فانی‌شدنی است و بنابراین دیگر اضطراب و پریشانی در امور به خود راه نمی‌دهد و حیات و ممات برای او از این جهت یکسان است. اگر نماز برترین عملی است که انسان را به خداوند نزدیک می‌سازد و بعد از معرفت خدا چیزی افضل از او نیست و اگر نماز اقرار به ربوبیت و قیام بین یدی الجبار یا حالت ذلّ و مسکنت و خضوع است، اگر نماز اقرار و تسلیم نسبت به مولویت و مدبّریت حق تعالی است، پس انسان به وسیلهٔ او است که می‌تواند خود را مسلح سازد و این سلاح است که انسان را آرام و مطمئن می‌نماید.

نکتهٔ مهمی که از قرآن کریم و روایات اهل بیت - علیهم السلام - می‌توان استفاده کرد آن است که نماز نه تنها مانع از فساد و فحشاء است بلکه تنها عبادتی که مانعیت از همهٔ انواع فساد دارد، نماز است. نماز عبادتی است که هر حرکت و سکونی در آن و هر ذکر و قولی و هر قیام و قعودی در او باب بزرگی از فساد را مسدود می‌نماید. با نماز می‌توان همهٔ فسادهای اخلاقی و سیاسی و اقتصادی و نیز فردی و اجتماعی را مسدود ساخت. امروزه برای حفظ جامعهٔ اسلامی و انقلابی و نسل جوان بهترین عامل، ترویج نماز و سوق دادن آنان به حقیقت و اسرار نماز است. اگر جوان عزیز ما آگاهی بر حقیقت نماز و آشنایی بر گوشه‌ای از اسرار آن پیدا کند آنچنان شیفتهٔ نماز گردد که هیچ امری نتواند او را از آن جدا سازد. وقتی انسان باور کند که نماز تطهیر از گناهان است و هنگامی که به این حقیقت برسد که شخص منتظر وقت نماز از زوآر خداوند محسوب می‌شود و خداوند بر خود واجب فرموده که زائر خویش را اکرام نماید، دیگر چه چیزی می‌تواند انسان را از نماز غافل نماید.

به برادران و خواهران ایمانی توصیه می‌نمایم که علاوه بر مداومت و محافظت بر اصل نماز، این عمل را با تفکر و تدبّر هرچه بیشتر انجام دهند و بدانند که هرچه بیشتر این عمل را با خلوص و حضور قلب و تفکر و تدبّر در همهٔ منازل آن انجام دهند، تقرب بیشتر به حق تعالی پیدا خواهند نمود. در سفارش پیامبر اکرم (ص) به ابی‌ذر آمده است که: دو رکعت نماز همراه با تفکر ثوابش بیش از خواندن نماز در تمام یک شب بدون تفکر است. در خاتمه، از همهٔ کسانی که در این امر ساعی و کوشا هستند و به دنبال احیای این امر بزرگ می‌باشند خصوصاً از روحانی مخلص و خستگی‌ناپذیر حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین آقای قرائتی - دامت برکاته - که از دل سوزان حقیقی دین و قرآن است، تشکر و سپاسگزاری و برای توفیق همگان دعا می‌نمایم.

محمد فاضل لنکرانی

قم - ۱۳۸۱/۶/۳

سالگرد شهادت آیت‌الله اشرفی اصفهانی

بعد الحمد و الصلاة؛ مراسم بیستمین سالگرد شهادت مرحوم آیت‌الله آقای حاج شیخ عطاءالله اشرفی اصفهانی - قدس سره - یادآور شخصیت‌هایی بزرگ است که در راه تداوم انقلاب اسلامی که می‌رفت به دست طاغوت، فروع و اصول اسلام فراموش و بلکه اثری از اسلام باقی نماند، از همه چیز خود گذشتند تا اسلام را تداوم بخشند. آه، شهادت در این راه چه سعادت بزرگی [است] آن‌هم شهادت در محراب هنگام اداء وظیفهٔ الهی و اقامهٔ صلوات جمعه آن‌هم در دیار غربت که هدفی از اقامت در آن جز خدمت به اسلام و مسلمین و تربیت فضایی مبرز برای آیندهٔ اسلام نداشت. جداً شهید محراب ما نه تنها در شهادت [در] محراب به مولایش امیرمؤمنان - صلوات الله علیه - تأسی کرد بلکه در بساطت زندگی و دوری از تجمل‌گرایی پیرو ایشان بود. او که در این مأموریت به امر حضرت آیت‌الله العظمی آقای بروجردی - حشره الله مع أجداده الطّاهرين - دوری از وطن را اختیار نمود، تا لحظهٔ آخر عمر شریفش ثابت‌قدم و استوار باقی ماند و حتی بعد از فوت معظّم‌له به مأموریت خویش ادامه داد. فراموش نمی‌کنم روزی را که در خدمت امام

بزرگوار بودم ایشان وارد شد و مورد تکریم خاص و احترام ویژه ایشان قرار گرفت. آری، «قدر زر زرگر شناسد؛ قدر گوهر گوهری.»

حال که بیش از پیش برای ما روشن شده که استکبار جهانی که داعیه قدرت منحصره در روی زمین را دارد، علیه انقلاب اسلامی ما از هیچ فعالیتی دریغ نمی‌کند و حتی از تهدیدهای روشن و صریح ابایی ندارد، بر ما لازم است با اتحاد و انسجام بیشتر و با الفت و محبت کامل‌تر و اگرچه بالطبع همراه با سلیقه‌های مختلف است، در راه تداوم و اصل انقلاب کوشا و ساعی بوده و فداکاریهای امثال شهید محراب را فراموش نکنیم. باشد که با سپاسگزاری از این نعمت بزرگ الهی و موهبت خداوندی پاسدار آن بوده و آن را به دست مبارک ولی نعمت خود بقیة الله - عجل الله تعالی فرجه - تقدیم نماییم. «ومن یشکر فإنما یشکر لنفسه.»

شهدای محراب با تعداد انگشت‌شمارشان و همین‌طور صدها هزار شهید دیگر با مجموعه‌ای از فضایل و اجر اخروی رفتند و اینک نوبت ماست که در این وادی چه‌کاره‌ایم و در این راه چه حظ و نصیبی داریم.

از آقایان و مسئولین محترمی که همّت نمودند و به پاس خاطره آن شهید عزیز این مراسم را تشکیل داده، تشکر می‌کنم و سعی نمایند در پرتو چنین مجالسی حقیقت یک روحانی واقعی و یک عالم ربانی را بررسی موشکافانه نمایند و بر نسل امروز ما که به دنبال حقایق هستند، ارائه دهند. باید خصوصیات و ویژگیهای چنین بزرگانی را به جوانان و حوزه‌های علمیه امروز خصوصاً طلاب جوان ارائه داده و آنان را به عنوان الگوی واقعی معرفی نماییم. خداوند آن شهید عزیز را و سایر شهدای محراب و شهدای گران‌قدر انقلاب اسلامی را خصوصاً امام راحل را با سالار شهیدان اباعبدالله الحسین - علیه السلام - محشور فرماید و همه ما را موفق به ادامه راه آنان و نائل شدن به درجات والای آنان بفرماید. ان شاء الله.

محمد فاضل لنکرانی

کنگره فاطمه‌شناسی در تبریز

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله والصلاة على رسول الله وأهل بيته ولعنة الله على أعدائهم أجمعين.
قال رسول الله - صلى الله عليه وآله وسلم - : فاطمة بضعة مني من سرها فقد سرتني
ومن سائها فقد سائني.

سلام و درود خداوند متعال بر انبياء عظام و اولياء و اصفياء گرام. رحمت خداوند
بركسانی که عهده‌دار تبیین دین مبین و دستورات الهی و دفاع از آن گردیدند. سلام و
صلوات خدا بر یگانه‌بانویی که در عرش الهی محبوب ملائکه مقرب و هم‌کلام با برترین
آنان و حامل علم خدا یعنی جبرئیل امین بود. درود بی‌کران خداوند بر فاطمه - سلام الله
علیها - که بهجت قلب و نور چشم رسول خدا(ص) و عزیزترین انسانها در پیشگاه او بود.
وجودی که نور پیامبر(ص) سراسر او را احاطه نموده بود و از این جهت شبیه‌ترین مردم در
رفتار و کردار به رسول خدا بود.

این چه موجودی است که رسول خدا به هنگام ورودش به او خیر مقدم می‌گوید و
دست او را می‌بوسد و در مکان خویش جای می‌دهد؟! این چه حقیقتی است که به هنگام
قیامت و صحنه محشر جبرئیل از طرف راست او و میکائیل در جانب چپ و امیرالمؤمنین
علی بن ابی‌طالب - سلام الله علیه - در جلو او و دو آقای جوانان اهل بهشت، حضرت امام
حسن و حضرت امام حسین - علیهما السلام - در پشت سر او حرکت می‌کنند و این‌چنین
با جلالت وارد محشر می‌گردد و ندایی از جانب حق تعالی می‌رسد و ایشان را به خلافت
معرفی می‌نماید تا اینکه وارد بهشت شود و خداوند به او می‌فرماید: «از من درخواست نما
تا به تو عطا نمایم و هر آرزویی که داری جامه عمل خواهم پوشانم.» و او در جواب خداوند
عرض می‌کند: «أنت المنی و فوق المنی؛ تو بزرگ‌ترین آرزوی من بودی و هستی.» و از
خداوند تقاضا می‌کند که: «محبین مرا به آتش دوزخ مسوزان.» و خداوند در جواب می‌فرماید:
«قبل از خلقت آسمانها و زمین با خود عهد نموده‌ام که محبین تو را به آتش دوزخ نسوزانم!»؟!

مقصود از نقل این مطلب آن است که شخصیتی که این‌چنین مورد احترام خدا رسول

خدا و انبیاء الهی است و کلام و وجود و حرکات او در ملک و ملکوت و در دنیا و آخرت تأثیر می‌گذارد، آیا بر ما نیست تا هرچه بیشتر خود را به این حقیقت نورانی نزدیک نماییم؟ و آیا بر جامعه ما خصوصاً خواهران محترمه ما سزاوار است که از این خیر کثیر و کوثر الهی که برای همه عالم و آدم است دور باشند؟! باید در چنین محافلی ابعاد وجودی آن حضرت که بسیار ناشناخته است در حد توان به دیگران شناسانده شود تا شاید قطره‌ای از بحر معرفتش به ذائقه‌ها برسد.

اینجانب از همه کسانی که در شکوفا نمودن طریق ولایت اهل البیت - علیهم السلام - و ایجاد ارتباط بین مردم خصوصاً جوانان و خاندان عصمت و طهارت علی‌الخصوص فاطمه زهرا - سلام الله علیهم أجمعین - تلاش می‌نمایند، تشکر می‌نمایم.

والسلام علیکم ورحمة الله برکاته

محمد فاضل

۸۱/۷/۲۲

نیمه شعبان

بسم الله الرحمن الرحيم

بعد الحمد والصلوة؛ نیمه شعبان روز ولادت نور و روزی که آخرین حجّت خدا و برهان تامّ الهی پا به عرصه وجود گذاشت؛ روزی که نوید گسترش عدل در دنیای پهناور وجود سر داده شد؛ روزی که خداوند متعال نعمت بزرگ خویش و آخرین ذخیره خود را بر مردم ارزانی داشت.

بشر با اینکه سیر تکاملی‌اش در علوم و فنون، بی‌وقفه، رو به تزاید است و با اینکه در قلمرو علمی به زمین اکتفا نمی‌کند و به کرات دیگر دست اندازی نموده و منظومه شمسی را تا حدّی تسخیر خود ساخته و در این راه، موفقیت‌های شگرفی کسب نموده، اما مع الأسف در رسیدن به مقام شامخ انسانی به موازات ترقیات مذکوره، گرایش به انحطاط و پستی پیدا نموده، هرچه قدرت بشری در پرتو اکتشافات علمی افزون گشته، ظلم و تعدّی و دوری از منطق عقل بیشتر شده است.

امروزه ملت‌های عالم می‌بینند که ظلم و استکبار داعیه قدرت منحصراً جهانی را دارد و به بهانه مبارزه با تروریسم، کثیف‌ترین جنایات را انجام و بی‌منطق‌ترین تهدیدات را صریحاً و به طور آشکار اعلام می‌نماید. اینجا است که نیاز به یک مصلح جهانی الهی که مأموریت ویژه او ایجاد حکومت جهانی اسلامی است احساس می‌شود.

بشر با اعمال و رفتار خود ثابت نمود که با وجود تکامل روزافزون علمی، عاجز است از اینکه عدل کامل را مستقر سازد. سازمان‌های مدافع حقوق بشر از مقابله با زورگویان عاجز و در حقیقت مأمور خود آنها هستند. آیا می‌شود در چنین شرایطی، بشریت برای همیشه، بسوزد و بسازد؟ آیا خداوند منان راهی را برای نجات او قرار نداده است؟ یا نعوذ بالله قادر بر آن نیست؟ کلا و حاشا. این امر با هدف از خلقت ناسازگار است و وعده‌های قرآن کریم که دین اسلام بر همه ادیان غلبه پیدا خواهد نمود، دال بر خلاف آن است. حکمت بالغه الهی اقتضا می‌کند که در انتهای عالم شخصی که به عظمت همه انسانها و عالم وجود است، عهده‌دار حکومت مطلقه شود تا در پرتو وجود نورانی او نه تنها ظلم و ستم برچیده شود بلکه احکام نورانی اسلام به دست او به نحو کامل جامعه عمل بپوشد.

امروزه همه شیعیان و مسلمانان به عشق تحقق حکومت جهانی حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - زندگی می‌کنند. خوشبختانه در سالهای اخیر، در میان مسلمانان توجهات خاصی نسبت به وجود مقدس امام زمان - علیه السلام - پیدا شده است و گروه‌های مختلفی در صدد تبیین ابعاد قبل از ظهور و بعد از ظهور و در صدد نشان دادن خصوصیات آن حکومت نور هستند. اینجانب به سهم خود، از همه آنان تشکر می‌کنم و تأکید دارم تا در گفته‌ها و مقالات و نمایشها، بسیار دقیق و بر طبق مدارک معتبر عمل نمایند.

بحمدالله، ما دارای منابع بسیار غنی و محکمی در این زمینه هستیم که جای هیچ تردیدی باقی نمی‌گذارد. ما ادله و مستندات بسیار محکم و فراوانی در تمام زمینه‌های وجودی آن حضرت، از تولد تا حکومت و بعد از حکومت داریم که قلوب پاک و نیت‌های خالصه می‌توانند به آن دسترسی یابند.

به همه مسئولین و مردم عزیز و متدین، عرض می‌نمایم که روحیه توجه به آن حضرت را همیشه در جامعه، زنده نگه دارند و زندگی مردم را مشحون با مهدویت و عشق

به آن حضرت که عشق به حکومت عدل جهانی است، بسازند که حیات اجتماعی دینی و سیاسی ما در گرو این امر است. امروزه وظیفه همه ما آن است که اذعان نماییم تمامی نعمتهای ظاهری و باطنی الهی، به واسطه آن وجود مقدس است. «ولولا الحجة لساخت الأرض بأهلها.»

پس در حقیقت، ولی نعمت واقعی همه، اوست و شکرانه این نعمت بزرگ، آن است که در تمامی امور جزئی و کلی، یاد و خاطره ایشان را در داخل و خارج، زنده نگه داریم. از این رو پیشنهاد می شود مسئولین محترم، در تدارک تشکیل همایش جهانی و بین المللی در مورد مصلح کل باشند که این امر، در معرفی هرچه بیشتر ویژگیها و حکومت آن حضرت، مؤثر خواهد بود.

از خداوند بزرگ، مسئلت می نمایم که موانع ظهور موفور السرورش را برطرف فرماید و عموم جهانیان، خصوصاً شیعیان را از عریدههای استکبار، نجات داده و بساط ظلم و تعدی را برچیند و ما را شاهد روزی قرار دهد که عدالت مطلقه، در مجموعه هستی، حاکم و سایه گستر باشد. «أین المعدُّ لقطع دابر الظلمة؟» و دین حقیقی، شعاع خویش را بر همگان بتاباند. ان شاء الله تعالی.

محمد فاضل لنکرانی

شعبان المعظم ۱۴۲۳

مهر ۱۳۸۱

حملة نظامی آمریکا به عراق

بسم الله الرحمن الرحيم

دنیای امروز و چشمهای بیدار انسانهای آزاده و مسلمان، متأسفانه نظاره گر زورگوییهای ابر جنایتکار قرن، آمریکا است. حکومتی که با داعیه دمکراسی و دفاع از حقوق بشر، در همیشه حیات خود در صدد ظلم و ستم و چپاول بوده است. اکنون که شیطان بزرگ آمریکا با حمایت و طراحی صهیونیزم در صدد حمله به کشور اسلامی عراق است، باید بدانیم هدف اصلی، حاکمیت و سیطره یهود بر عتبات مقدسه و مشاهد مشرفه است.

ملت‌های دنیا آشکارا می‌بینند که با وجود مخالفت جهانی بی‌سابقه و با نبود مجوز از سوی مراکز بین‌المللی چگونه دو مهره اصلی اسرائیل یعنی آمریکا و انگلیس در صدد اشغال کشور مسلمان عراق و تسلط بر منابع مالی و اقتصادی آن است.

مسلمانان گرچه از حکومت بعثی عراق رنجها دیده و مصائب بزرگی را متحمل شده‌اند و ایران اسلامی در حدود هشت سال بهترین جوانان خود را تقدیم اسلام نمود و هنوز آثار زیانبار جنگ تحمیلی وجود دارد، اما آیا نجات عراق باید توسط کشوری باشد که به دنبال تحکیم اسرائیل در منطقه است یا باید به دست مردم زجرکشیده و محروم عراق باشد؟ آمریکا بدانند با این حرکت‌های خصمانه خود تمام مسلمانان و دنیای اسلام را در برابر خود قرار داده و دشمنی با خود را ریشه‌دارتر می‌کند. حوزه‌های علمیه و مراجع شیعه و بزرگان و نخبگان کشورهای اسلامی انتظار داشتند این قضیه به صورت مسالمت‌آمیز حل گردد؛ اما گویا آمریکا خود را برای جنگ با همه کشورهای اسلامی آماده نموده و باید بدانند گذشته تاریخ عراق نشان داده که مسلمانان هیچ‌گاه در برابر زورگویان تسلیم نگردیده و با ورود خود در این مهلکه اضمحلال خود را رقم خواهد زد. بر تمامی سران و دولتهای اسلامی است که در مقابل این هجمه ایستادگی کنند و بی‌تفاوت نباشند. برای ما و همه مسلمانان، عراق و مردم آن بسیار اهمیت دارد و باید برای حفظ آن بکوشیم.

اینجانب تأثر و نگرانی عمیق خود را ابراز می‌نمایم و از امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - عاجزانه استمداد می‌طلبم تا با عنایت خاصه خویش و ادعیه زاکیه خود، عزت و استقلال مسلمانان را از خداوند متعال مسئلت نمایند. ید الله فوق ایدیهم.

محمد فاضل لنکرانی

۸۱/۱۲/۲۸

حمله نظامی آمریکا به عراق

در پاسخ به کسب تکلیف عده‌ای از مسلمانان امریکا هنگام هجوم این کشور به عراق:

بسم الله الرحمن الرحيم

یا ایها الذین آمنوا لاتتخذوا الذین اتخذوا دینکم هزواً ولعباً من الذین أوتوا الكتاب من قبلکم والکفار أولیاء. (مائده/۵۷)

برادران و خواهران مسلمان: کفار ملحدین که همواره کینهٔ اسلام و مسلمین را در دل داشته و دارند، امروزه باکمال تأسّف، با نقشه‌های شیطانی از پیش تعیین‌شده در صدد تصرف ممالک اسلامی و چپاول منابع آنان و از همه مهم‌تر در صدد تحقیر و خرد نمودن و زیر سلطه قرار دادن آنان هستند. از اصول مسلم اسلام آن است که کافر و مشرک نمی‌تواند بر مسلم سلطه داشته باشد.

وظیفهٔ هرفرد مسلمان در هر نقطه‌ای از جهان آن است که متوجه برنامه‌های امریکا و انگلیس و صهیونیسم بین‌الملل باشند و با تمام قوا و به هر نحو که مقدور است در مقابل آنان بایستند. مسلمانان جهان بدانند که کفار هیچ‌گاه آرام نخواهند نشست و تا آنان را از دین و گوهر معنویت و پرارزش اسلام جدا نسازند، دست بر نخواهند داشت. به حکم عقل و شرع باید دشمن و اهداف او را بشناسیم و بدانیم که سازش در مقابل کفر جهانی و آمریکای جنایت‌کار و انگلیس جائر از بالاترین خیانتها به اسلام و مسلمین است.

ملت مظلوم و رنج‌دیدهٔ عراق که اکثراً شیعه و پیرو ائمهٔ اطهار - علیهم السلام - هستند نخواهند گذاشت که کفار بر آنان حکومت کنند و امور و مصالح خویش را به دست آنان نخواهند سپرد و پاس حرمت اماکن مشرفه و عتبات عالیات که مورد ارادت همهٔ مسلمانان و شیعیان جهان است را خواهند داشت و به برکت آنها طمع کفار به آن بلاد مقدسه را برای همیشه قطع خواهند نمود. ان شاء الله تعالی. وسیعلم الذین ظلموا ایّ منقلب ینقلبون.

محمد فاضل لنکرانی

۱۳۸۲/۱/۱۸

کشتار مسلمانان در پاکستان

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت ملت مسلمان و شیعیان پیرو اهل بیت - علیهم السلام - در کویتهٔ پاکستان حملهٔ ناجوانمردانهٔ عده‌ای کافر و از خدا بی‌خبر به شیعیان نمازگزار که منجر به شهادت و مجروح شدن جمع کثیری از آنان شد، موجب تأسّف و تأثر شدید اینجانب گردید. مخالفین اهل بیت و معاندین شیعه بدانند که با چنین اعمالی سبب تقویت هرچه بیشتر این مذهب حقّه می‌شوند.

پیام آفتاب ۴۷۵

اینجانب ضمن عرض تسلیت به ولی الله الأعظم امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - و خانواده‌های معظم این شهیدان و علماء و روحانیت محترم آن منطقه، از دولت پاکستان مصرانه خواستار دستگیری عاملین و از بین بردن مراکزی که چنین وقایعی را طرح ریزی می‌کنند، می‌باشم.

خداوند این شهدا را با پیشوای مظلوم تاریخ حضرت علی بن ابی‌طالب - علیه السلام - و اولاد طاهرینش محشور فرماید.

محمد فاضل لنکرانی

۶ جمادی الاولی ۱۴۲۴

(۱۳۸۲/۴/۱۵)

ایام فاطمیہ

بسم الله الرحمن الرحيم

إن الذين يؤذون الله ورسوله لعنهم الله في الدنيا والآخرة وأعد لهم عذاباً مهيناً.
(احزاب/۵۷)

قال رسول الله (ص): فاطمة بضعة مني؛ يؤذي مني من أذاه.

پیرو نوشتاری که سال گذشته به مناسبت سالروز شهادت صدیقه کبری فاطمه زهرا - سلام الله علیها - تحریر شد معروض می‌دارد: بزرگداشت شهادت این بانوی بزرگوار که اولین و باشخصیت‌ترین شهیده راه ولایت است، تجدید عهد با مقام شامخ ولایت که اكمال دین و اتمام نعمت خداوند با آن است، می‌باشد. فاطمه‌ای که رضایت او رضایت پیامبر - صلی الله علیه وآله - و رضایت پیامبر رضایت خدا است. فاطمه‌ای که ائمه بزرگوار ما یعنی کامل‌ترین انسانهای تاریخ بشریت به مادری او افتخار می‌ورزیدند. فاطمه‌ای که با عمر بسیار کوتاهش، تشیع را برای همیشه بیمه کرد. فاطمه‌ای که با خطبه غرأش دوست و دشمن را حیرت‌زده نمود. فاطمه‌ای که با گریه‌های مداومش در داخل و خارج شهر مدینه عظمت مصیبت از دست دادن پدر و مظلومیت شوهرش را به گوش همگان رسانید و هنوز گویا صدای آن در فضای مدینه طنین‌انداز است.

ما شیعیان افتخار می‌کنیم که معارف حقیقی و بی‌شائبه دین را از مکتب فرزندان معصوم او فرا گرفته‌ایم. معارفی که با عقل سلیم منطبق و در هرشرایطی قابل عرضه و برخوردار از جامعیتی که به همه نیازهای بشری پاسخ‌گو است. با مکتب فاطمه و فرزندان او ملت بزرگ و آگاه ایران توانست در برابر ظلم ظالمین ایستادگی [کنند] و استقلال و عزت خود را به دست آورند. از این جهت دشمنان قسم‌خورده اسلام متوجه این نکته شده‌اند که برای نابودی این ملت باید فاطمیه و عاشورا و شعبان و رمضان را از این ملت بگیرند و آنگاه به اهداف شوم خود نائل شوند.

در اینجا تذکر مجدد این نکته را لازم می‌دانم که تعظیم این ایام و به پاداشتن مجالس عزا و مصیبت از سیره مسلمّه و عملی امام خمینی - رضوان الله تعالی علیه - بود و این امر ارتباطی به قضیه وحدت ندارد. مسئله وحدتی را که امام بزرگوار و آیت‌الله بروجردی - قدس سرهما - بر آن تأکید داشتند نه به این معنا است که شیعه نسبت به اعتقادات مسلمّه خود سکوت کند یا آن را نادیده بگیرد بلکه مقصود وحدت تمامی مسلمین در برابر استکبار جهانی است که داعیه قدرت منحصره دارد و با الهام از صهیونیسم در فکر فرو پاشیدن مبانی متقن اسلام است.

اینک بر عموم شیعیان است که در روز سوم جمادی الثانیه که از طرف دولت جمهوری اسلامی تعطیل رسمی است، محافل و مجالس عزا اقامه نموده و با دستجات عزادار در کوچه‌ها و خیابانها ظاهر شوند تا گوشه‌ای از حق آن شهیده را ادا کرده باشیم. «بریدون لیطفئوا نور الله بأفواههم والله متمّ نوره»، نور الهی برای همیشه تاریخ روشن، و دل‌های خالی از تعصب از آن استضاء می‌نمایند.

محمد فاضل لنکرانی

۱۳۸۲/۵/۷

(۲۹ جمادی الاولی ۱۴۲۴)

همایش جوان، هیئت، چالشها

بسم الله الرحمن الرحيم

از آثار و برکات مهم انقلاب اسلامی، سوق دادن جوانان و آشنایی و انس بیشتر آنان

با دین و شعائر دینی است. امروزه برخلاف زمانهای قبل مشاهده می‌نماییم که مظاهر و محافل دینی عمدتاً از نسل جوان آگاه تشکیل یافته و این امر بر گرمی و حرارت و شور این مجالس افزوده است و امید دین‌داران و دین‌مداران را به حفظ آیین و مذهب مضاعف نموده است. حضور جوانان در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی و دینی سبب قوت و استحکام آن مجموعه است. جوانان ما باید قدردان این نعمت باشند و با حضور هرچه بیشتر و حماسی‌تر در هیئات دینی اولاً بر غنای فکری و دینی خود بیفزایند و در این جهت سعی کنند از عالمان میرز و آگاه و مطلع به دین استفاده نمایند و ثانیاً نشاط اجتماعی و سیاسی و دینی جامعه خود را حفظ و افزایش دهند.

امروزه در سایه همین هیئات دینی اهداف اصلی دین و انقلاب خصوصاً قیام امام حسین - علیه السلام - بیان می‌شود و در پرتو همین محافل، حماسه باشکوه و همیشه شکوهمند انقلاب اسلامی رقم زده شد. در اینجا مناسب می‌دانم توجه مسئولین امر را به این نکته معطوف نمایم که باید هرچه بیشتر بر اهمیت دادن و هدایت صحیح نمودن این‌گونه مراسم بیفزایند و از هیئات مذهبی استفاده صحیح و کامل نمایند و مسئولین و متصدیان هیئات مراقبت نمایند و از اظهار شعائر غیر صحیح و مطالب غیر منطبق با واقع پرهیز نمایند و حقیقت تشیع را که کاملاً منطبق بر عقل سلیم و وحی کریم است، ترویج کنند. اینجانب از کسانی که به هرنحوی در تشکیل و تنظیم این هیئات دخالت دارند تشکر می‌نمایم و از خداوند متعال مسئلت می‌نمایم که همه آنان و ما را مشمول عنایات خاصه صاحبان مذهب خصوصاً ولی عصر حجة بن الحسن العسکری - عجل الله تعالی فرجه الشریف - قرار دهد. ان شاء الله.

محمد فضل لنکرانی

۱۳۸۲/۵/۷

شهادت آیت‌الله محمدباقر حکیم

بسمه تعالی

بیت مکرم آیت‌الله حکیم خصوصاً آقازادگان محترم، دامت تأییداتهم
شهادت عالم مجاهد آیت‌الله آقای سید محمدباقر حکیم به همراه جمعی از نمازگزاران

و شیعیان امیرالمؤمنین - علیه السلام - قلوب همه علاقه‌مندان به مذهب و نیز حوزه‌های مقدسه علمیه را جریحه‌دار نمود. حقاً آن سید بزرگوار رسالت دینی خود را با تأسی به اجداد گرام خود به خوبی به پایان رسانید و الگویی کامل برای ملت رنج‌دیده و شیعیان عراق گردید. اینجانب این مصیبت بزرگ را به امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - و همه شیعیان خصوصاً بیت معظم حکیم که بیت رفیع جهاد و شهادت است تبریک و تسلیت عرض نموده و از خداوند مسئلت می‌نمایم که انتقام خود را از عاملین این حادثه هرچه زودتر گرفته و آن شهید عزیز و سایر شهدای آن بیت معزز و نیز شهدای نمازگزار را با سالار شهیدان محشور فرماید. خداوند دست کسانی که این هتک را بر حرم امیرالمؤمنین - علیه السلام - وارد نمودند، هرچه زودتر قطع و آنان را رسوا فرماید. ان شاء الله.

محمد فاضل

۲ رجب ۱۴۲۴

(۱۳۸۲/۶/۸)

دومین جشنواره قرآن

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام و صلوات خداوند تبارک و تعالی بر پیامبر رحمت نبی اکرم (ص) که حامل بزرگ‌ترین امانت الهی و واسطه در نزول جامع‌ترین دستور دین یعنی قرآن کریم است. سلام و درود بی‌حد و حصر خداوند و ملائکه بر آل او باد که اسرار و حقایق این کتاب، تفسیر و تأویل آیات آن در صدور مبارک آنان است و رحمت خداوند بر پیروان و شیفتگان و قاریان و حافظان این ثقل اعظم حق تعالی و سلام بر شما جوانان باایمان که خود را معطر به دو نور قرآن و مسجد نمودید.

عزیزان و فرزندان دین و قرآن، بدانید و بحمدالله می‌دانید که از خصائص اصلی و جوهری این کتاب، نورانیت و هدایت است و این ویژگی دائمی و همیشگی است در همه اعصار و برای همه نسلها و در همه ابعاد، این شگفتی هست و کسانی که خود را همراه این جلوه نورانی حق تعالی قرار دهند هرگز فتنه‌ها و تندباد حوادث آنان را اسیر و متحیر

نمی‌سازد. شعاع این نور عظیم به عظمت همهٔ حوادث و وقایع گذشته و حال و آینده و بلکه به عظمت همهٔ موجودات و حقایق عالم است و برای همهٔ اقشار و گروهها با نورانیت خاص خود هدایتگری دارد. برای سالکان و پیروان طریق معرفت آنچنان ظهور و تلالوی دارد که در عین حکومت سکینه بر قلوبشان، هیچ‌گاه در وادی قرب آرام نخواهند بود. برای حاکمان و سیاستمداران برهانی قاطع و دلیلی راسخ و محکم است. برای عالمان و پویندگان راه علم و دانش سفره‌ای است که هیچ‌گاه برجیده نخواهد شد و در مقابل انحرافها و بدعتها و کج‌رویها چراغی است فروزان که هیچ‌گاه خاموش نخواهد گردید.

از این رو بر تمامی انسانها خصوصاً جوانان عزیز فرض است که با قرآن انس بگیرند و برای رشد و تعالی روحی خود و چیره شدن بر همهٔ مشکلات شخصی و اجتماعی و فرهنگی خود از آن استمداد جویند و بر مسئولین ما و نیز علماء و ائمهٔ جمعه و جماعات لازم است تا زمینه‌های پیوند و انس هرچه بیشتر جوانان با قرآن فراهم سازند.

اینجانب به شما عزیزان که در بهترین دوران عمر خود قرآن و مسجد را محور زندگی خویش قرار داده‌اید تبریک می‌گویم و از خداوند برای توفیق هرچه بیشتر شما استمداد می‌جویم. از کسانی که در تشکیل این جشنواره زحماتی را متقبل شدند تشکر می‌نمایم. خداوند زندگی همهٔ ما را قرآنی و ممت و حشر ما را نیز با قرآن قرار دهد. ان شاء الله.

محمد فاضل لنکرانی

۱۳۸۲/۶/۱۲

نیمهٔ شعبان

بسم الله الرحمن الرحيم

بعد الحمد والصلوة؛ چه واژه‌ای است واژهٔ «انتظار» که بوی یار از آن استشمام می‌شود! همانند لفظ «گل» که بوی گل می‌دهد و کلمهٔ «خوب» که از مصادیق خوب است! باری، به اطلاق کلمهٔ «فرج» که مضاف الیه انتظار است و با توجه به ابعاد گستردهٔ آن در تمامی شئون اجتماعی مخصوصاً در این زمان که دستهای گنه‌کار و پنهان استکبار از اهانت به

حرم امیرالمؤمنین و مولی الموحدین - علیه أفضل صلوات المصلین - دریغ نورزیده و جمعیتی را که از نماز جمعه مراجعت می نمودند و قاعدتاً گروهی از آنها به لحاظ اول ماه رجب روزه دار بودند، به همراه امام جمعه به خاک و خون کشیدند و جنایتی بی سابقه آفریدند. آری، در چنین زمان انتظار فرج کلی معنای ملموسی پیدا می کند و نیاز به گسترش عدالت در سطح جهان بیشتر می شود.

ای آخرین تیر ترکش الهی و ای خاتم اوصیاء نبوی و ای پناه بی پناهان شیعه، تا کی زمزمه کنیم: «أین المرتجى لإزالة الجور والعدوان؟» ما به جز تو دادرسی نداریم و جز قدرت تو که نشئت گرفته از قدرت الهی است در برابر ستم کاران و دشمنان اسلام سلاح دیگری نداریم.

گرچه ما نتوانستیم شرایط لیاقت درک حضور و صلاحیت مشاهده آن قدرت الهی را در خود ایجاد نماییم و به همین علت است که ظهور تو به تأخیر افتاده و الا فیض ازلی، عام و عنایت ربوبی غیرقابل تخصیص؛ لیکن گستردگی ظلم و بی دادگری بویژه از سوی قدرتهای بزرگ از یک سو و انحصار طریق عدالت گستری در ظهور تو از سوی دیگر شاید ایجاب می کند که هرچه زودتر بیایی و قدرت الهی خویش را نمایش دهی و ستم کاران را در جای خود بنشانی. باشد که خورشید تابان از پس ابرهای متراکم نمایان شده و عالمیان را به نور خود اضاءه فرماید.

آری، «انتظار الفرج عبادة» به این معنا است که انتظار فرج انتظار عدالت است. انتظار حیات مجدد اسلام است. انتظار تمامی ارزشهای اسلامی است. انتظار رؤیت انسان جمال الهی است و بالأخره انتظار نمایان شدن اسلام پس از خفاء آن است. اللهم کن لولیک الحجة بن الحسن صلواتک علیه و آباءه ولیاً وحافظاً وقائداً وناصراً ودليلاً وعیناً حتی تسکنه أرضک طوعاً وتمتعه فیها کثیراً.

محمد فاضل

۸۲/۶/۱۲

اعتکاف^۱

بسم الله الرحمن الرحيم

دنیای پیچیده و مادی معاصر رفته‌رفته انسان را مبتلی به دوری از حق تعالی و توغّل در نفسانیات و اطاعت از خواسته‌های نفس وادار می‌سازد. هرچه امکانات و وسائل ظاهری و رفاه و آسایش فراهم و هرچه تکامل علمی و صنعتی فزونی یابد اما مع الأسف دائرهٔ ظلمتها و تاریکیها و میادین تاخت و تاز و ظلم و جور گسترش پیدا می‌کند.

ادیان آسمانی خصوصاً دین مقدس اسلام با دعوت اکید مردم به سوی عبادت و بندگی، آن‌هم از طرق و شیوه‌های مختلف در صدد حفظ این موجود شریف و این انسان ضعیف است. در اسلام هرعبادتی که شروع شده علاوه بر آنکه مقدمه‌ای برای رشد و تعالی است اما در کنار آن حافظ انسان از مبتلی شدن از آلودگیها و ناپاکیها است.

در هرعبادتی نورانیتی خاص وجود دارد که به بعدی از ابعاد نفس حیات می‌بخشد. در این میان اعتکاف از درخشش خاصی برخوردار است. در کنار ذکر و نماز آثاری از حج و محرمات آن و حضوری از روزه و صمت و سکوت جلوه‌گری می‌کند و شاید از این جهت است که در زمرهٔ سنن انبیاء و مرسلین خصوصاً پیامبر اکرم(ص) قرار گرفته و برخی مانند حضرت سلیمان - علی نبینا و آله وعلیه السلام - برحسب نقل مرحوم مجلسی در مسجد بیت‌المقدس مدتی را در حد یک سال به اعتکاف می‌پرداخته. این عبادت که همگانی است و در آن زن و مرد و حتی کودکان ممیز وارد می‌شوند و در بهترین امکانهٔ بلد یعنی مسجد جامع برگزار می‌گردد با همهٔ ویژگیها و شرایط به انسان رنگ و بویی خاص می‌دهد یعنی عکوف و اقامت گزیدن در بارگاه ربوبی و ملازم بودن همیشگی با او. در این عبادت در عین جمع و اجتماع، باید تنها بود و در حالی که در منظر و مرآی نوع مردم است باید بدون ریا و تظاهر انجام شود. آنچه که از مجموعهٔ این عمل به دست می‌آید همان است

۱. تا ده، پانزده سال پیش تنها معدودی از طلاب در مسجد امام حسن عسکری(ع) در قم عبادت اعتکاف را به جا می‌آوردند. آیت‌الله فاضل در دوران مرجعیت به این عبادت توجه خاصی داشت و راه‌اندازی آن را مکرراً تشویق می‌فرمود. علاوه بر برخی حمایتها، پیامهایی را در این زمینه صادر می‌کرد.

که انسان آمادگی خود را برای دوری از دنیا و اعراض از آن و جهت بندگی وافی و ابدی اعلام می‌دارد.

این عبادت گرچه برای همگان رجحان دارد لیکن برای کسانی که مسئولیت دینی و معنوی مردم را بر دوش گرفته‌اند اهمیت بیشتری دارد. کسانی که دارای مسئولیت اجتماعی‌اند نیز باید با چنین خلوتگاهی مبارزه با نفس نمایند و آنچنان جهاد اکبری کنند که در پیچ و خم امور مختلف اجتماع هیچ‌گاه خداوند را فراموش ننموده و هرچه بیشتر آماده خدمت به مردم و بندگان الهی شوند. با این عبادت عظیم انسان از گناهان گذشته تطهیر می‌شود و این فرمایش رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - است که: من اعتکف ایماناً و احتساباً غفر له ما تقدم من ذنبه.

در اینجا تذکر این نکته را لازم می‌دانم که قوام هر عبادتی به رعایت شرایط و ضوابط آن است و عابدین و عاکفین سعی نمایند در ضمن اخلاص و قصد تقریبی که دارند سایر ضوابط شرعی را رعایت نموده و سعی نمایند همواره ملازم با ذکر خدا و تلاوت قرآن و نماز باشند و از مطالب دنیوی خودداری نموده و صمت و سکوت را در غیر عبادت رعایت فرمایند. اینجانب ضمن تشکر از کسانی که در احیای این سنت محمدی نقش دارند و هر ساله زحمات فراوانی را متحمل می‌شوند، [آنچه] انتظار دارم آن است که از اموری که توجه معتکفین از عبادت مخصوص را باز می‌دارد و آنان را مشغول به غیر می‌سازد، خودداری نمایند و سعی شود این عمل که صد درصد خالص است هیچ شائبه‌ای در او راه پیدا ننماید و خدای نخواستہ در مسیر دیگری قرار نگیرند. اکنون که در ماه رجب و مقارن با ولادت با سعادت امیرالمؤمنین علی ابن ابی‌طالب - علیه آلاف التحية والثناء - اعتکاف را آغاز می‌نمایید باید آغازی مجدد برای تقوا و خلوص در نفوس مستعدۀ خود باشید باید ولادتی جدید و نورانی‌تری دیگر در دلها ایجاد کرد تا اینکه بتوانیم شیعه بودن واقعی را از این وادی نیز به اثبات رسانیم. اینجانب از همه معتکفین ملتمس دعای خاص هستم. خداوند اعمال همه آنان و همه عبادت‌کنندگان را به احسن وجه قبول فرماید. ان شاء الله.

محمد فاضل لنکرانی

۸۲/۶/۱۸

دومین همایش فاطمه‌شناسی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا ونبينا أبي القاسم المصطفى محمد وعلى آله الطيبين الطاهرين المعصومين.

سلام و درود خداوند بر انبیاء عظام و پیامبران الهی که واسطه حقیقی بین ملک و ملکوت و انسان و خداونداند و بزرگ‌ترین تحیات و افضل صلوات بر خاتم‌النبیین پیامبر اکرم و اعظم(ص) که اشرف خلق و سید همه رسولان الهی است و درود خدا و ملائکه و انبیاء بر آل پیامبر و اهل بیت طاهریں - صلوات الله علیهم أجمعین - و صلوات و سلام خدا و پیامبر بر دخت گرامی آن حضرت فاطمه زهرا(س) که با آنکه در ظاهر عنوان دخت نبی را داشت اما در حقیقت عناوین دیگری و رای آن و فراتر از آن داشت. فاطمه - سلام الله علیها - اشرف زنان عالم و الگوی تمام و جامع و کامل برای همه انسانها از زن و مرد است. شخصیتی که پیامبر هرروز بر او و فرزندانش درود می‌فرستاد و از او بوی بهشت را استشمام می‌کرد. انسانی که به تصریح رسول خدا سیده نساء اهل جنت و پاره تن آن حضرت بود. شخصیتی که عنایات حق تعالی از بدو تولد بر او مشهود بود و ویژگیهای معنوی و نورانی او بر همگان نمایان.

شاید بتوان گفت و می‌توان گفت که: گرچه علی بن ابی‌طالب - علیه السلام - باب مدینه علم نبی بود اما فاطمه نیز راه روشن و واضحی است برای رسیدن به برخی کمالات و درجات پیامبر. کسی که رضایت و غضب او محور رضایت و غضب پیامبر و بالنتیجه حق تعالی است، قطعاً می‌تواند باب معرفت خدا و نبی باشد.

به شما آقایان و فضایی که در این مجلس گرد هم آمده‌اید، تا با فاطمه بیشتر و بهتر آشنا شوید تبریک عرض می‌کنم. شناخت فاطمه به انسان معرفت توحیدی می‌دهد و درجات توحید انسان را قوی‌تر می‌سازد. فاطمه در درجات بالای از توحید حق تعالی بود به حدی که عبادت او موجب مباهات الهی و فخر خداوند بر ملائکه بود. معرفت فاطمه انسان را به وادی امن توحید ربوبی در همه ابعاد آن رهنمون می‌سازد. آشنایی با فاطمه و معرفت او معرفت پیامبر است. درک وجودی او کلیدی است برای گشوده شدن بسیاری از

حقایق عالم هستی، همه باید در این مسیر قرار گیریم و مزد رسالت پیامبر(ص) در همین است که اهل بیت او را بیشتر بشناسیم و قلوب خود را منور به نور معارف آنان و مطهر به ولایت آنان سازیم.

از همه شرکت‌کنندگان و مسئولین محترمی که در تشکیل این محفل نورانی و عظیم اهتمام وافر نموده‌اند تشکر می‌کنم.

والسلام

محمد فاضل لنکرانی

۸۲/۷/۲۲

همایش خدمت‌گزاران مساجد

بسم الله الرحمن الرحيم

إنما یعمّر مساجد الله من آمن بالله والیوم الآخر. (توبه/۱۸)

از امتیازات اساسی مسلمانان و از ویژگیهای مهمی که آنان را بر سایر ملل و ادیان برتری داده، پایگاه بزرگ عبادت و معبد نورانی مسجد است. می‌توان گفت: از الطاف بزرگ خداوند تبارک و تعالی آن است که در میان بشر و امت رسول الله(ص) پایگاه و سنگری که منتسب به وجود شریف و اقدس او است، قرار داده که در عین امکان عبادت و ارتباط با پروردگار در همهٔ امکان، اما در این مکان، جلوهٔ دیگری برای عبادت و راز [و] نیاز است. گویا مسجد قطعه‌ای از ملکوت در عالم ملک و مکانی است برای عروج سالکان و عارفان و خانه‌ای است برای مجاورین قرب به حق تعالی و این معنا آنگاه روشن‌تر می‌شود که شارع حکیم بین همین مساجد اختلاف درجه و رتبه قرار داده و مساجدی مانند مسجدالحرام و مسجدالنبی را شرافت ویژه‌ای داده است که فوق تصور عادی است.

ما و جامعهٔ ما تا با عظمت مسجد آن طوری که اسلام بیان نموده، آشنا نشویم، نمی‌توانیم تعلق خاطر محکم و ارتباطی وثیق با آن داشته باشیم. باید بدانیم این همه تأکیدی که در روایات برای حضور و ارتباط با مسجد شده از این جهت است که مساجد بیوت خدا در روی زمین است و کسانی که با طهارت ظاهری و باطنی به آنجا روند از زائرین حق تعالی

محسوب می‌شوند و از گناهان تطهیر می‌شوند. «علیکم بآیتان المساجد فإنها بیوت الله فی الأرض ومن أتاها متطهراً طهره الله من ذنوبه وکتب من زواره.»

بحمدالله در زمان ما انسانهای متدین و آگاه توجه خاصی به مسجد و عمران ظاهری و معنوی آن نموده‌اند؛ از حضور در آن و شرکت در نمازهای جماعت و فریاد بلند اذان از حنجره‌های پاک مؤذنین و نیز تشکیل مجالس علمی و دینی و وعظ و ارشاد توسط خطیبان و سخنوران و نیز ساخت و توسعه مساجد همه و همه کشف از تحولی جدید و اقبالی آگاهانه دارد.

اینجانب به سهم خود از همه کسانی که به هرنحوی با مسجد و امور آن مرتبط هستند تشکر می‌کنم و برای توفیق بیشتر آنان دعا می‌نمایم. مسجدیان بدانند برطبق آیه شریفه «إنما یعمر مساجد الله من آمن بالله والیوم الآخر»، کسانی در این وادی قدم می‌گذارند که اعتقاد آنان به مبدأ و معاد کامل باشد و از آن طرف به کسانی که تاکنون نتوانسته‌اند با این سنگر عظیم دینی و سیاسی و اجتماعی ارتباط برقرار نمایند تذکر می‌دهم که مسجد از عدم حضور آنان به خداوند شکایت می‌کند و حق تعالی قسم یاد نموده که چنین کسانی را از رحمت خود دور سازد و به بهشت خود راه ندهد. بدانید و بدانیم که مسجد جایگاه مطهرون و صدیقون است و هنگام حضور در آن باید قلب خود را از هرچه که حجاب بین انسان و رب است، خالی کرد؛ چراکه خداوند قلب طاهر و خالص را پذیرا است. در خاتمه، از کسانی که همّت نمودند و در برپایی این مجلس کوشیدند و از همه خدمت‌گزاران به مسجد تشکر می‌نمایم. امیدوارم مردم ما خصوصاً جوانان عزیز هرچه بیشتر از برکات دنیوی و اخروی مساجد بهره‌مند گردند. ان شاء الله.

محمد فاضل لنکرانی

۸۲/۷/۲۹

ماه مبارک رمضان

بسم الله الرحمن الرحيم

ماه مبارک رمضان، ماه نزول قرآن کریم و سایر کتب آسمانی را به همه مسلمانان

خصوصاً شیعیان و به همه دل‌دادگان به عبادات و مناجات تبریک عرض می‌نمایم. این ماه عزیز فرصتی است مضاعف برای بازگشت جدی به خداوند متعال و اصلاح حقیقی بین خود و حق تعالی. زمانی است که با انجام تکلیف الهی صیام برحسب آنچه که در حدیث شریف معراج وارد شده، می‌توانیم چشمه‌های حکمت را در قلوب خود جوشان و با نور حکمت، درخت پربار معرفت را غرس و از این طریق ثمره شیرین یقین را به دست آوریم.

«الصوم یورث الحکمة والحکمة تورث المعرفة والمعرفة تورث الیقین.»

ماه رمضان آنچنان است که پیامبر اکرم - صلی الله علیه وآله - به هنگام حضور او می‌فرمود: سبحان الله چه ماهی به استقبال شما آمده است و چه می‌دانید که به استقبال چه امر عظیمی می‌روید.

هان، ای تشنگان عبادت و معرفت و هان، ای گدایان و فقراء الی الله و هان، ای جوانانی که قلوب پاک و مطهر دارید، با همت و جدیت وارد این ماه عزیز شوید و برای درک لیلۃ القدر که زمان اتصال ملک و ملکوت و شب نزول ملائکة الهی و سرکشی آنان به مجالس مؤمنین و انتقال خواسته‌های آنان به بارگاه ربوبی است، خود را مهیا سازید و برای حضور در مساجد و انجام فرائض دینی در آن امکان، خود را مقید و ملزم نمایید. باید همه آلودگیها و ظلمتهایی که در مدت گذشته در خود راه داده‌ایم و در یک کلمه همه حجابهای بین خود و خدا را بزدااییم و نور اخلاص و یقین که آرزوی اولیای بزرگ خدا است را در خود ایجاد نماییم. از خدمت به خلق خدا که از افضل قربات است و از رسیدگی به مستضعفین و ایتم که از اعظم اعمال است غافل نباشیم. خود را به سلاح برنده دعا مجهز ساخته و برای حسن عاقبت خود و رفع مشکلات اسلام و عامه مسلمین دعا نماییم. مبدا ماه رمضان بیاید و بگذرد و العیاذ بالله نور الهی در قلوب ما جایگزین نشود. مبدا عبادات و فرائض ما مانند گذشته بی‌روح باشد؛ به طوری که موجب صعود و عروج نگردد و در همان حسیض ذلت باقی باشیم. مبدا همچون گذشته قرآن کریم را در مهجوریت قرار داده و خود را از این سفره عظیم خداوندی محروم سازیم.

اینجانب به همه فضلا و خطبای ارجمند سفارش می‌نمایم که در سخنان خود قرآن کریم و احادیث پیامبر اکرم - صلی الله علیه وآله - و اهل بیت عصمت و طهارت را محور

پیام آفتاب ۴۸۷

قرارداده و ضمن آشنا ساختن مردم با این معارف بی‌بدیل و بی‌نظیر دردهای شخصی و اجتماعی مردم را از این طریق درمان نمایند و از پرداختن به منازعات سیاسی بی‌فایده که لذت عبادت را محو و کام مؤمنین را تلخ می‌سازد خودداری فرمایند و سعی و همت خود را برای تقویت بنیه دینی و اعتقادی مردم مصروف دارند.

محمد فاضل لنکرانی

۸۲/۸/۴

زلزله در استان کرمان

بسم الله الرحمن الرحيم

خبر ناگوار و حادثه مولمه زلزله در استان کرمان که منجر به تخریب گسترده و مقتول و مجروح شدن عده بی‌شماری گردید، موج وسیعی از تأثر و تألم همگان را ایجاد نمود؛ مخصوصاً با توجه به فصل و زمان این مصیبت که مردم غالباً در خانه‌های خود بودند، عمق تأثر بیشتر می‌شود.

اینجانب این فاجعه بزرگ را در درجه اول به حضرت صاحب العصر و الزمان - علیه وعلی آباءه الصلاة والسلام - تسلیت عرض نموده و در مرتبه دوم به ملت شریف ایران خصوصاً اهالی محترم و مردم داغ‌دیده استان کرمان و بالأخص به علماء و شخصیت‌های علمی و دینی آن دیار تسلیت می‌گویم و با توجه به مشکلات فراوان و ابعاد وسیع این حادثه، مؤمنین مجازند از ثلث سهم مبارک امام - علیه السلام - استفاده و صرف نمایند. خداوند به همه مصیبت‌زدگان صبر و اجر عنایت فرماید و این حوادث را عبرت و پندی برای همگان قرار دهد. ان شاء الله.

محمد فاضل

۸۲/۱۰/۵

یادواره شهدای دانشجو

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله والصلاة على رسول الله وأهل بيته ولعنة الله على أعدائهم أجمعين.

ولاتحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله أمواتا بل أحياء عند ربهم یرزقون.
و عن الرضا - علیه السلام - : قال رسول الله - صلی الله علیه وآله - : أول من یدخل
الجنة الشہید.

اکنون که در ایام ولادت باسعادت علی بن موسی الرضا - علیه آلاف التحية والثناء - و در جوار بارگاه ملکوتی آن حضرت در محیط علم و ادب هفتمین یادواره شهدای عزیز دانشجو با شعار «دانشجو جنبش علمی پایداری آرمانی نهضت خدمت‌رسانی» در حال برگزاری است (ضمن اعلام مقام رفیع آنان از جهت علم و عمل و سعی آنان در راه تداوم انقلاب با بذل جان خود که با ارزش‌ترین گوهرهای الهی است و حقاً اگر چنین شهادتهایی در کار نبود اثری از اسلام حتی اسم آن و اثری از قرآن حتی رسم آن باقی نبود و اسلام یکسره به وادی فراموشی و خاموشی سپرده می‌شد و هدف استکبار و مزدوران آن چنین بوده و هست) خوشوقتم در این محفل نورانی بشارتی قرآنی را تذکر دهم که شاید کمتر مورد توجه بوده و آن این است که: خداوند متعال می‌فرماید: با مؤمنین قرارداد و پیمانی بسته که آنان جان و مال خویشان را بدهند و در راه خدا بجنگند. خداوند هم اختیار بهشت را در روز قیامت به آنان خواهد داد و بعد هم در مقابل این پیمان تبریک می‌گوید. آیا مقصود خداوند فقط این است که آنان را به بهشت می‌برد؟ این کمترین مطلبی است که در این زمینه مطرح است؛ بلکه منظور با توجه به ادبیات عرب، آن است که آنان اختیاردار بهشت می‌باشند.

در این صورت توجه به این نکته لازم است که آیا شهیدی که دارای چنین اختیاری هست پدر و مادر و زن و فرزندان و برادر و خواهر خویش را به بهشت نمی‌برد یا قطعاً می‌برد؟ آیا چنین شهیدانی ناظر بر اعمال بازماندگان خویش نیستند و از مسائل جاری میان آنان بی‌اطلاع می‌باشند؟ آیا انسانهایی که پیش خدا زنده‌اند و مرزوق می‌باشند از دعا نسبت به بازماندگان کوتاهی دارند؟

هان، ای شهدای عزیز دانشجو که هم دارای علو مرتبت علمی بودید و هم دارای بالاترین مراتب معنوی، شما این انقلابی را که تنها خصیصه آن اسلامی بودن آن است، بیمه کردید و با ایثار و جانبازی، قدرت بالای روحی خود را نشان دادید. شما در حقیقت از بزرگ‌ترین نعمت الهی استفاده کردید. اینک بر دیگران لازم است که راه شما را تداوم بخشند

و انسانی را که شریف‌ترین موجود است به کمترین بهاء نفروشدند. بالأخره دیر یا زود مرگ گریبان همه را خواهد گرفت و انسان در پیشگاه خداوند متعال باید پاسخ‌گو باشد.

انقلاب اسلامی با فرهنگ غنی شهادت آغاز و اکنون با همین اصل نورانی استمرار خواهد یافت و چه افتخار بزرگی که در کشور ما پیشگامان شهادت و قافله‌سالاران مجاهدت را دانشجویان عزیز و طلاب محترم تشکیل می‌دهند و شما ای مسئولان این یادواره‌ها، بدانید که با تأسیس و تداوم آنها خدمت بزرگی به فرهنگ اصیل شهادت می‌نمایید و راه را برای پیمودن دیگران می‌گشایید و عظمت ارواح شهدا را به آنها می‌نمایید.

بالأخره جهت تداوم این انقلاب تا ظهور انقلاب جهانی حضرت بقیة الله الأعظم - روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء - لازم است در برابر استکبار جهانی ضدّ اسلام و توطئه‌گر از هر طریق ممکن فرهنگ شهادت حاکم شود؛ زیرا ابزاری مهم‌تر از آن در کار نیست. کان الشهداء هم الفائزون.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

محمد فاضل لنگرانی

۱۱ ذی‌قعدة الحرام ۱۴۲۴

(۱۳۸۲/۱۰/۱۴)

افتتاح ساختمان جدید جامعة الزهراء(س)

بسم الله الرحمن الرحيم

بعد الحمد والصلوة؛ اکنون که با استعانت از ذات باری‌تعالی و استمداد از ساحت مقدس ولی عصر - ارواحنا له الفداء - و به یمن ایام الله مبارکة دهة فجر که امسال با ایام الله روزهای بزرگ اسلامی مصادف است و روز اول آن روز پربرکت ورود امام بزرگوار به وطن که مقدمه نزدیک پیروزی انقلاب اسلامی است می‌باشد، ساختمان جدید جامعة الزهراء - سلام الله علیها - که با جدیت و تلاش بی‌وقفه جناب مستطاب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای طباطبایی - دامت برکاته - در زمینی که علاوه بر کیفیت، حدود دویست و پنجاه هزار متر مربع بنا شده و آماده افتتاح است، مقتضی است که خواهران طلبه قدر این موفقیت را

دانسته و به تکمیل مراتب علمی و درجات معنوی خود بپردازند؛ مخصوصاً با توجه به برنامه‌ای که چند سال اخیر برای آنها تنظیم شده و انصافاً برنامه‌ای بسیار جامع و کامل و مفید و مؤثر می‌باشد و اگر چنانچه کاملاً رعایت شود از عهدهٔ هر مسئولیتی که ممکن است بپذیرند برآیند چه در مورد ادارهٔ حوزهٔ علمیّهٔ خواهران باشد و چه در مورد استادی در دبیرستانهای دخترانه و چه در مورد ادارهٔ مجالس زنانه و چه در مورد مسائل دیگر مربوطه. در خاتمه، امیدوارم به برکت حضرت زهراء که این جامعه اضافهٔ به ایشان دارد، همه را موفق به پیروی از آن حضرت قرار داده و سعی و تلاش همگی را قبول فرماید.

محمد فاضل لنگرانی

۱۳۸۲/۱۱/۹

انتخابات هفتمین دورهٔ مجلس شورای اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

در این ایام ملت بزرگوار و شریف ایران در آستانهٔ انتخابات هفتمین دورهٔ مجلس شورای اسلامی قرار گرفته که از حساسیت خاصی برخوردار است. بر اهل فهم و دل‌سوزان دین و کشور واضح است که مجلس همان‌طوری که امام راحل - قدس سره الشریف - فرمودند: در رأس همهٔ امور است و صیانت از دین و کشور در سایهٔ مجلسی قوی و کارآمد است. با وجود مجلس، انقلاب پایه‌های مستحکم‌تری پیدا می‌کند و با نبود یا ضعیف بودن آن آسیب می‌بیند. از این جهت لازم است ملت فهیم ما خصوصاً اهل فکر و صاحبان دانش و اندیشه توجه ویژه‌ای نمایند.

اینجانب از همهٔ احزاب و گروهها و از تمام اقشار ملت می‌خواهم که با شرکت خود در این انتخابات، استمرار انقلاب که ثمرهٔ خونهای پاک شهیدان است را تضمین و به این وظیفهٔ شرعی و ملی عمل نمایند. مردم آگاه و متدین در روز اخذ رأی با قاطیعت و هوشیاری و با دقت تمام و به قصد انجام وظیفهٔ دینی و خدمت به کشور و انقلاب در پای صندوقها حاضر شوند و بدون اینکه تحت تأثیر گروههای خاص قرار گیرند، خود با تحقیق و تفحص کامل که ما در مسائلی کوچکتر مقید به آن هستیم، افرادی را انتخاب کنند که

متعهد و مقید به احکام و عقاید اسلامی باشند و از انجام وظایف خود دریغ نوزند و دل‌سوز به حال ملت بوده و مشکلات مردم را که هرروز تورم کمر آنها را خم و تازیانه گرانگی به سر و صورت آنها نواخته می‌شود، حل و مصالح مردم را تشخیص و تضمین نمایند. امیدوارم خداوند متعال اعمال ما را به لطف و کرم خویش قبول فرماید و کشور و ملت و انقلاب ما را به برکت امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - هرچه بیشتر مورد عنایت قرار دهد. ان شاء الله.

محمد فاضل لنکرانی

۸۲/۱۱/۲۸

گردهمایی ضابطان قضایی امر به معروف و نهی از منکر

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا و نبينا محمد وآله الطيبين الطاهرين سيما مولينا ابي عبدالله الحسين - ارواحنا له الفداء - واللعن على اعدائهم اجمعين. آیات کثیره و متعدده‌ای در مورد امر به معروف و نهی از منکر، به عنوان دو واجب الهی و دو فریضه شرعی وارد شده و در برخی از روایات، آن دو را موجب برپا داشتن سایر فرائض می‌داند. در برخی دیگر از روایات آن دو را از اسمی الفرائض یعنی از بالاترین فرائض می‌داند؛ لیکن آیه‌ای که از یک سو اهمیت این دو واجب را بیان می‌کند و از سوی دیگر با شرایط زمانی و مکانی ما منطبق است، این آیه کریمه است: «الذین ان مکناهم فی الارض اقاموا الصلوة واتوا الزکوة و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر؛ یعنی کسانی که با توجه به امکانات و تفضلات خداوندی نماز را بر پا می‌دارند و زکات را می‌پردازند و امر به معروف و نهی از منکر را انجام می‌دهند.» البته در کتب فقهیه مراتب امر به معروف و نهی از منکر بیان شده که اجمال آنها از شروع با زبان لین و آرام و بعد مراتب بالاتر است به ترتیب. حال با توجه به کریمه مزبوره و اینکه خداوند منان بر ما منت نهاد و در صحنه پهناور گیتی تنها این منطقه محدود را برای اقامت حکومت اسلامی و تشیع که همان اسلام راستین است به عنوان نعمتی بزرگ و غیرقابل پیش‌بینی برگزید، بر ما لازم است که در

مقام سپاس و شکرگزاری به واجباتی که در کریمه ذکر شده، اهتمام خاص ورزیده و نگذاریم معروفها ترک و منکرات انجام شود بلکه با توافق و یکدلی و اتحاد و انسجام بدون هیچ‌گونه ناامنی و اضطراب در احیاء این دو واجب الهی بکوشیم تا سایر واجبات انجام و محرّمات ترک شود و نگذاریم آنچه را که برحسب برخی از روایات، رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - پیش‌بینی فرموده که زمانی بر این امت بیاید که اعتقاد آنها در مورد معروف و منکر متعکس شود یعنی معروف را منکر ببینند و منکر را معروف پندارند، در زمان ما وجود پیدا کند و خدای نخواستہ دید متضاد با واقع در ما پیدا شود.

حضار محترم و سروران عزیز، غرض اطالۀ سخن و تصدیع اوقات نیست؛ بلکه هدف آن است که از این قبیل جلسات نتیجۀ عملی دینی گرفته تا در حل مشکلات فردی و اجتماعی نقش مؤثر و ارزنده داشته باشد. جدّاً اگر این دو واجب را ولو به صورت غیر کامل مورد توجه قرار می‌دادیم، با کثیری از مشکلاتی که امروزه با آنها مواجه هستیم روبه‌رو نبودیم. مشکلاتی که شاید از حل بعضی از آنها عاجز باشیم، اما در هر حال باید اهتمام ورزید که این دو اصل مهم دینی اجتماعی در حد توان به اجرا در آید و در این مسیر لازم است جامعه، خصوصاً کسانی که بیشتر متصدی اجراء و پیاده نمودن این دو فریضه هستند در درجۀ اول معروف و منکر را دقیقاً بشناسد و قبل از شناخت نمی‌توانند در این میدان وارد شوند؛ زیرا در مواردی که منکر بودن یک امر از نظر شارع مقدس روشن نباشد نمی‌توان با آن برخورد نمود.

نکته‌ای که باید بدان توجه نمود این است که در زمان ما چه بسا در اجرای این دو فریضه کارشناسیهای دقیق لازم باشد و لذا می‌طلبید که شیوه‌های جدید و صحیح‌تری انتخاب شود و به عبارت دیگر برای تحقق معروف و اجتناب از منکر در زمان معاصر باید از روشهای جدید و کارآمد استفاده نمود و در این زمینه رسانه عمومی صدا و سیما وظیفۀ سنگین‌تری دارد گرچه این رسانه خدمات مهمی را به اسلام و انقلاب و جامعه ما ارائه می‌دهد اما مع الأسف برخی از منکرها در برخی از برنامه‌های صدا و سیما مشاهده می‌شود که باید برای حل آن فکری شود. و در هر صورت اهل فکر و جامعه اسلامی عموماً باید بدانند که معروف و منکر فقط در امور اخلاقی فردی خلاصه، نمی‌شود، حفظ اسلام و انقلاب اسلامی از

پیام آفتاب ۴۹۳

مصادیق بزرگ معروف، و کفر و شرک و نفاق از مصادیق بارز منکر است. آیا یکی از اسباب مهم قیام سرور و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین - سلام الله علیه - اقامه معروف و نهی از منکر آن هم نسبت به همین مصداق بزرگ یعنی حفظ دین و دفاع از اصل شریعت و مقابله با نفاق و شرک نبود؟ ما باید با تأسی به آن امام بزرگ (ع) همان طوری که اساس انقلاب ما به برکت نهضت و قیام او بوده، تداوم آن را هم در گرو اقامه امر به معروف و نهی از منکر بدانیم.

در خاتمه، از همه کسانی که در تشکیل این جلسه اهتمام ورزیدند و نسبت به احیاء این دو فریضه کوشش می نمایند تشکر می نمایم و امیدوارم که این امر که امروزه به عنوان نظارت همگانی مطرح می شود، به صورت شایع در جامعه ما محقق شود و کشور و ملت ما را مورد رضایت حضرت بقیه الله - عجل الله تعالی فرجه الشریف - قرار دهد.

والسلام علی جمع إخوان المؤمنین ورحمة الله وبرکاته

محمد فاضل

۱۳۸۲/۱۲/۹

شهادت شیخ احمد یاسین

بسم الله الرحمن الرحيم

إنا لله وإنا إليه راجعون

خبر شهادت مجاهدی بزرگ و ارزشمند رهبر روحانی حماس آقای شیخ احمد یاسین به همراه جمعی از نمازگزاران گرچه موج عظیمی از اندوه و ناراحتی در عالم اسلام و جامعه بین المللی به وجود آورد و همه مسلمانان خصوصاً مردم مجاهد و غیور فلسطین را عزادار نمود؛ لیکن طراحان این شهادتها بدانند که عکس العمل نقشه آنان پیروزی و گرفتن یک شخصیت نیست؛ بلکه به شهادت تاریخ با چنین اعمالی راه برای دیگران گشوده و سرعت حرکت به سوی موفقیت را با شتاب بیشتر همراه می سازند. آیا به شهادت رساندن این شخصیت که با نظارت مستقیم شارون ملعون انجام گرفت، مصداق کامل تروریزم یک دولت غاصب نیست؟

بحمدالله با چنین حوادثی ماهیت کثیف اسرائیل هرچه بیشتر برای مسلمانان روشن می‌شود و همه به این نتیجه می‌رسند که دشمنی و کینه اصلی اسرائیل با اسلام است و اساس تشکیل این دولت اشغالگر برای مبارزه با اسلام و مسلمانان است. آمریکا و صهیونیسم بدانند انتفاضه فلسطین با این حادثه قوت مضاعف پیدا نموده و با چنین حوادثی مسلمانان عزم خود را برای مقابله شدیدتر با این رژیم سفاک بیشتر می‌نمایند. اینجانب این مصیبت را به همه مسلمانان خصوصاً مبارزان فلسطین و نیز به خانواده محترم آن شهید سرافراز تبریک و تسلیت گفته و از خداوند اضمحلال کامل این دولت غاصب را خواستارم.

محمد فاضل لنکرانی

۱۳۸۳/۱/۴

حمله نظامی آمریکا به عراق

بسم الله الرحمن الرحيم

ملت مسلمان عراق که دهها سال در زیر چکمه استبداد و بی‌دینی صدام جنایت‌کار دست و پا می‌زد و شهدای زیادی از روحانی و غیره را تقدیم نمود، امروز گرفتار شیطان بزرگ آمریکای ظالم و هم‌پیمانان او شده است. چندی است که از اشغال نظامی این کشور و عتبات مقدسه می‌گذرد و هرروز ظلم و تعدی بیشتر گشته تا جایی که با کمال وقاحت شهر مقدس نجف را که مرکز حوزه هزار ساله شیعه و مرقد اولین امام شیعیان و پیشوای متقیان علی ابن ابی‌طالب - علیه السلام - است را به محاصره نظامی در آورده است. آمریکا بدانند نجف پایتخت همه شیعیان جهان است و چنانچه به محاصره خود خاتمه ندهد و یا خدای نخواستہ با بی‌خردی به فکر تجاوز برآید با تمامی شیعیان مواجه است و حوزه‌های مقدسه علمیه در همه نقاط عالم خصوصاً حوزه مقدسه قم و مراجع معظم در صورت لزوم از آخرین حربہ استفاده می‌کنند و جهان تشیع را یکسره به مقابله با دشمن برمی‌انگیزانند و در این صورت نمی‌توان پیش‌بینی کرد که چه واقعه‌ای رخ می‌دهد و چه تحولی به وجود می‌آید.

پیام آفتاب ۴۹۵

اینک بر مسلمانان و شیعیان عراق لازم است که وحدت و انسجام خود را حفظ و به پیروی از ارشادات مرجعیت نجف که از نزدیک حاضر و مستحضر از اوضاع است هرکاری را که لازم است انجام دهند و بدانند که پشتوانه همه این حرکتها مرجعیت کلی شیعه است و لازم است در فکر بیرون راندن اشغالگران باشند و بدانند حل مشکلات عراق در گرو همین است و هرچه زودتر سرنوشت کشور را خود به دست گرفته و با هماهنگی با همه اقشار مردم ویرانیهای گذشته را جبران و شکوه دین و عظمت اسلام را تجدید سازند. ان شاء الله.

محمد فاضل لنکرانی

اول ربیع المولود ۱۴۲۵

(۱۳۸۳/۲/۲)

اهانت نظامیان آمریکایی به قرآن

بسم الله الرحمن الرحيم

بعد الحمد والصلوة؛ تصور نمی‌رفت که استکبار جهانی تا این حد در ستیز با اسلام و بلکه همه ادیان آسمانی پیش برود که نظامیان آمریکایی در زندان گوانتانامو برای شکنجه روحی مسلمانان به هتک صریح قرآن پرداخته و قلوب یک میلیارد مسلمان و همه پیروان ادیان الهی را جریحه‌دار نمودند. قرآن کریم بزرگ‌ترین کتاب خداوند و کامل‌ترین آنها است و اهانت به آن در حقیقت اهانت به همه کتب آسمانی است. بحمدالله مسلمانان غیور در نقاط مختلف عکس‌العمل شدید نشان داده‌اند؛ لیکن لازم است هرچه بیشتر انزجار عمیق و تنفر شدید خود را از آمریکای جنایت‌کار ابراز نمایند.

از خداوند متعال مسئلت می‌نمایم که در ظلّ عنایات ولی عصر امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - شرّ استکبار جهانی را از کشورهای اسلامی کوتاه فرماید.

محمد فاضل لنکرانی

۸۳/۲/۲۶

هتک حرمت عتبات عالیات

بسم الله الرحمن الرحيم

وسيعلم الذين ظلموا أي منقلب ينقلبون.

خبرهای دریافتی از نجف اشرف و کربلای معلی قلوب شیعیان جهان بلکه عموم مسلمانان بلکه قاطبه آزادی خواهان را جریحه دار کرده، تصور نمی رفت که استکبار جهانی و اتباعش مخصوصاً انگلیس مکار در شرایط عصر حاضر که عصر دموکراسی است در قالب مبارزه با تروریسم دست به چنین جنایاتی بزنند، و علاوه بر هتک حرمت اعتبار مقدسه که از بیش از هزار سال قبل مورد توجه مسلمین خصوصاً شیعیان سرتاسر جهان بوده، نفوس زیادی را به هلاکت رسانده و یا مجروح کرده اند و نوامیس مسلمانان را با زور و لطائف الحیل مورد تجاوز قرار داده اند. فإلیک یا ربّ المشتکی وعلیک المعولّ فی الشدّة والرخاء. اینک بر مردم لازم است که ابراز انزجار و تنفر خود را که کمترین مرحله از مبارزه با استکبار است در قالب راهپیماییهای گسترده و تجمعهای متعدد به نمایش گذاشته تا در فرصتهای بعدی چنانچه خدای نخواستہ ادامه پیدا کرد، به مراتب بالاتری متوسّل شوند. إلهی، أنت القادر بالقدرة المطلقة وأنا معترفون بذلک وبعجزنا ففرج عن المسلمین بحق أولیائک الطّاهرین.

محمد فاضل لنگرانی

۸۳/۲/۲۹

زلزله

بسم الله الرحمن الرحيم

زلزله هایی که اخیراً چندین نقطه از سرزمین ما را لرزاند و خسارات مالی و جانی به وجود آورد، همه را مضطرب و نگران نمود. چیزی که در این موقعیت حساس توجه به آن لازم بلکه از هر چیزی لازم تر است این است که باید توجه داشته باشیم ما در مقابل قدرت مطلقه الهیه قرار گرفته ایم و هر زمان که او اراده کند، امثال زلزله که عذابی است الهی بشر را فرا می گیرد و در کمترین زمان که شاید بیش از چند ثانیه طول نمی کشد، حیات

انسانها و اندوخته‌های آنان را در معرض نابودی و زوال قرار می‌دهد. آیا در فاصله کوتاه شاهد زلزله بم نبودیم که مجموعه شهر را زیر و رو و متجاوز از چهل هزار انسان را از حیات محروم ساخت؟ در این صورت لازم است که توجه ما به خداوند تبارک و تعالی بیشتر شود و با خواندن نماز آیات که از واجبات است از قهر و غضب الهی به رحمت و رأفت او پناه ببریم و از نافرمانی که حاکم بر بسیاری است اجتناب ورزیم و دست از گناهان و معاصی برداریم.

بحمدالله دین اسلام دین کاملی است که تمام نیازهای بشر را در نظر گرفته و برای رفع آنها قانون و برنامه دارد. چرا از قوانین اسلام سرپیچی کنیم؟ قدری به خود آییم و به خدای خود برگردیم و بدانیم که سررشته این عذابها اراده و قدرت او است که با هیچ کس بستگی ندارد و جز اطاعت و معصیت چیزی در امور مؤثر نیست. راهنمایی‌هایی که توسط مسئولین داده می‌شود، دردی را به طور کلی دوا نمی‌کند و علم و دانش هم با تمام غوغا و هیاهویی که دارد از علاج چنین حوادثی عاجز و ناتوان است. پس بدانیم همه امور و شفای تمام آلام و گرفتاریها با حق تعالی است و بس.

محمد فاضل

۸۳/۳/۹

ایام فاطمیه

بسم الله الرحمن الرحيم

إن الذين يؤذون الله ورسوله لعنهم الله في الدنيا والآخرة وأعد لهم عذاباً مهيناً.

قال رسول الله - صلى الله عليه وآله - : فاطمة بضعة مني؛ يؤذيني من آذائها.

در ایام شهادت عصمت کبری فاطمه زهرا - سلام الله علیها - قرار گرفته‌ایم. وجود شریفی که هم أمّ ابیها بود و هم أمّ و مادر گرامی ائمه اطهار - علیهم السلام - . حقیقتی که محور اهل بیت عصمت و طهارت و رمزی عظیم در خلقت که بشریت حتی شیعیان و محبّین نتوانسته‌اند او را بشناسند. انسیه‌ای که حقیقت نورانی او در پس پرده‌های ظلم و عناد و جهل و خصومت باقی ماند و تا قیامت هم روشن نخواهد شد. شیعه و بلکه همه

انسانیت و ملک و ملکوت به وجود چنین مخلوقی افتخار نموده و این کوثر عظیم خدادادی را سبب بقاء دین پیامبر - صلی الله علیه وآله - و سیراب شدن جامعه بشری از کمالات و علوم و سجایای فرزندان گرام او می‌داند.

واقعاً اگر زهرا - سلام الله علیها - نمی‌بود و این دُرّ گران‌بهای وجود تجلّی نمی‌کرد، چه افق تاریکی بر عالم تکوین و تشریح ترسیم می‌گشت؟ همه انسانها بر حسب آیه شریفه «قل لا أسألكم عليه أجراً إلا المودة فی القربى» در برابر حق معنوی بزرگ پیامبر در هدایت بشریت، موظّف به یک تکلیف مشترکند و آن مودّت و محبت به ذی‌القربی و خاندان پیامبر - صلی الله علیه وآله - است که در رأس آنان زهراى اطهر است و این امر به عنوان یک تکلیف و فریضه برای همه انسانها در تمامی دوران است و اختصاص به مردم زمان آن حضرت نداشته است. مودت نسبت به فاطمه، تکریم و تعظیم آن حضرت و احیای یاد و خاطره او و ذکر رنجها و مصائبی است که بر آن وجود نازنین وارد شده است. ما هیچ‌گاه نمی‌توانیم آن مصائب را فراموش نماییم و تاریخ گواه بر این امر است که در مدت عمر کوتاه چه زجرها و ظلمها بر آن یگانه‌بانو وارد شد که امیرالمؤمنین علی - علیه السلام - که در رأس موحدین است، بعد از شهادت او فرمود: حزن و اندوهم همیشگی است و پایان نمی‌پذیرد. آیا با چنین تعبیری، شیعه علی و امت پیامبر - صلی الله علیه وآله - می‌تواند جدای از این حزن و ماتم باشد؟

از این جهت بر شیعیان و پیروان اهل بیت - علیهم السلام - است که در چهارشنبه سوم جمادی الثانیه که بر حسب روایت صحیحه مصادف با شهادت آن حضرت است و بحمدالله در کشور جمهوری اسلامی تعطیل رسمی است هرچه بیشتر در احیاء این امر بکوشند و با فریادها و عزاداریها و دستجات، ارادت خود را به آن حضرت اظهار و گوشه‌ای از حقوق آن شهیده را ادا نمایند. ان شاء الله.

محمد فاضل لنگرانی

۸۳/۴/۲۹

(۱ جمادی الآخره ۱۴۲۵)

نیمه شعبان

بسم الله الرحمن الرحيم

ونريد أن نمّن على الذين استضعفوا في الأرض ونجعلهم أئمةً ونجعلهم الوارثين. (قصص/۵)

بشریت در قوس طولانی زمان در علوم مادی و دنیوی روزبه‌روز تکامل بیشتر و ترقی چشم‌گیری دارد و به صنایع مختلف خصوصاً ابزار و آلات جنگی که نتیجه‌ای جز انهدام و خون‌ریزی و ظلم ندارد، دست یافته است. ما هرروز شاهد زورگویی قدرتهای بزرگ در قالبهای دروغین مبارزه با تروریسم و ایجاد صلح در برخی از کشورها هستیم. هدف اصلی آنان علاوه بر تسلط بر آن کشورها و به یغما بردن منابع طبیعی، اشاعه فرهنگ منحط و ضددینی خویش و جدا نمودن نسل جوان از اعتقادات دینی است. مسلمانان باید بیدار باشند که طرح خاورمیانه بزرگ در قالب نظم جهانی فقط و فقط برای مقابله با ادیان بشری خصوصاً اسلام است. در چنین شرایط و اوضاع روشن است که از طرف خالق حکیم چاره‌ای اندیشیده شده و برای نجات بشریت از استضعاف نجات‌دهنده‌ای در نظر گرفته شده است. در چنین شرایطی است که انتظار فرج معنای حقیقی و بلند خود را پیدا نموده و منتظران واقعی هرچه بیشتر لزوم دعا برای فرج آن حضرت را بیشتر احساس می‌نمایند.

از همه شیعیان و مسلمانان درخواست می‌نمایم که در شرایط کنونی، توجه خود را بر آن وجود مقدس بیشتر و برای تعجیل در فرج نورانی آن امام در شب نیمه شعبان که احیاء آن از سنن مؤکده است، دست به دعا بردارند و بدانیم که استجابت چنین دعایی مرهون اعمال صالحه و نیت خالصه و اهتمام بیشتر به احکام اسلامی و احیاء قرآن و سنت است. همه ما به انتظار قیام آن حضرت و تشکیل حکومت مهدوی هستیم. همه ما به انتظار انتقام آن حضرت از همه جفاهایی که بر دین و متدینان رفته است می‌باشیم. حکومت جهانی آن حضرت نوید خلافت بندگان صالح خدا و گسترش آیین حق و بشارت‌دهنده محو اسباب خوف و ناامنی است. نوید دهنده رشد عقول و تکامل نفوس و عدالت علوی است. السلام علیک یا صاحب الزمان، السلام علیک یا مولای، سلام مخلص لک فی الولاية.

این عید سعید را به همه شیعیان و مسلمانان و آزادی‌خواهان تبریک عرض می‌نمایم.

محمد فاضل لنکرانی

(۱۳ شعبان ۱۴۲۵) ۱۳۸۳/۷/۸

حمله نظامی آمریکا به عراق

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارک مرجع عالی قدر حضرت آیت الله العظمی آقای فاضل لنکرانی، دام ظلّه با تقدیم سلام و تحیت، همان گونه که مستحضرید قتل عام مسلمانان و مردم بی گناه عراق بویژه در فلوجه و برخی شهرهای دیگر در این کشور اسلامی به اوج رسیده و جسارت اشغال گران و سلطه ارتش متجاوز آمریکا بر سرزمین مقدس عراق روزهای سیاهی را برای جهان اسلام ترسیم می نماید. انتظار مسلمانان جهان از علمای آگاه و مراجع عظام این است که موضع قاطع و الهی خود را در این روزهای سر نوشت ساز به گوش جهانیان برسانند. لذا از حضرت عالی استدعا داریم نظر مبارک را نسبت به این هجمه صهیونیستی صلیبی و کشتار بی رحمانه مسلمانان عراق به دست اشغال گران جنایت کار مرقوم فرمایید. بدیهی است محکومیت جریانهای مشکوکی چون القاعده و دیگر گروههای تروریستی که خود ساخته و پرداخته آمریکا هستند و دستاویز متجاوزان قرار گرفته است از دیدگاه مسلمین پوشیده نخواهد بود. سلامت و عزت روزافزون حضرت عالی و پیروزی اسلام بر کفر جهانی را از درگاه حضرت حق - جل و علا - خواستاریم.

جمعی از مقلدان و علاقه مندان حضرت عالی

بسمه تعالی

هجوم کفار خصوصاً آمریکا به کشور اسلامی عراق ولو در ظاهر جنایت کاری مثل صدام را که در واقع مأمور خود آنان بود از بین برد، لیکن از ابتدا این اشغال برای تسلط بر کشور عراق و سیطره بر مقدرات آنان و قتل و غارت بی گناهان و به وجود آوردن حکومت مورد نظرشان بوده و هست. امروزه بر همگان روشن است که آمریکا هرگز به فکر ایجاد دمکراسی نبوده و نیست و با شعار مبارزه با تروریسم در صدد جهانی نمودن آن و تقویت دولت صهیونیستی است کما اینکه تشکیل گروههایی به نام اسلام مانند القاعده با نقشه های خود آمریکا و هم فکران اسرائیلی او است. امروزه قلوب همه مسلمانان و علمای جهان اسلام از حوادث جاری در آن کشور از قبیل هتک عتبات و تخریب مساجد متعدد مسلمین و قتل و غارت و کشتار بی رحمانه زنان و مردان و کودکان در شهرهای مختلف اعم از

پیام آفتاب ۵۰۱

شیعه و سنی خصوصاً جنایت وحشتناک اخیر، کشتن مجروحین و اسرا که در مسجد پناه گرفته بودند و برگ سیاه دیگری در تاریخ حکومت ننگین آمریکا افزود، جریحه‌دار نموده است. از این رو بر نظامیان و مسئولین کشور عراق لازم و فرض است که از حمایت آمریکاییها و متحدانش اجتناب ورزند.

از خداوند بزرگ خواهانم که هرچه زودتر مردم عراق را از این مصیبت بزرگ نجات داده و قبور مطهره و منوره عتبات را از شر آنان مستخلص فرماید. بحق حجتة الکبری صاحب العصر والزمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - .

محمد فاضل لنکرانی

۱۳۸۳/۸/۲۷

عاشورا

بسم الله الرحمن الرحيم

با فرا رسیدن عاشورای حسینی، حزن و ماتم در قلوب همه از خاتم اولیاء امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - گرفته تا سایر مسلمانان و انسانهای آزاده تجدید می‌گردد. حادثه عاشورا تنها حادثه جاودان تاریخ است که هیچ‌گاه به فراموشی سپرده نمی‌شود و هرچه زمان می‌گذرد، علاقه‌مندان به آن حضرت افزون می‌گردد؛ از این جهت بر پیروان اباعبدالله الحسین - علیه السلام - لازم است در حفظ و تعظیم هرچه بیشتر آن بکوشند و مراسم عزاداری را رونق بیشتری دهند.

نکته‌ای را که لازم است توجه شود، آن است که امروزه از طرفی گروهها و فرقه‌های ضالّه مانند وهابیت و حکومت‌های جائر همچو اسرائیل و آمریکا در صدد هدم دین اسلام و ضربه زدن به مذهب اهل بیت عصمت و طهارتند. وهابیت با تهمت‌ها و افتراءات فراوان نشر افکار غیرصحیح و مخالف با قرآن و سنت پیامبر - صلی الله علیه و آله - و سخره گرفتن مظاهر دینی از جمله عزاداری و گریستن بر مصائب حسین بن علی - علیهما السلام - که همه انبیا از آدم تا خاتم بر او گریستند، به مبارزه برخاسته و در گوشه و کنار ایران و سایر بلاد اسلامی با امکانات دنیای کفر و استبداد و استعمار تحرکاتی نموده و با تحریف و تفسیر

به رأی نسبت به برخی از آیات شریفه قرآن، دین عزیز را تحریف و شیعه را رمی به شرک نموده و به دنبال جدا نمودن مردم از گوهر ناب ولایت ائمه معصومین - علیهم السلام - هستند. استکبار جهانی و سازمان سیا بر طبق اخبار واصله بودجه فراوانی را برای تخریب شیعه اختصاص داده و یکی از راه کارهای خود را تحریف در عزاداری اباعبدالله و سوق دادن به مسیری غیرصحيح قرار داده‌اند؛ از طرف دیگر پیروان اباعبدالله - علیه السلام - و کسانی که در ارادت آنان به آن حضرت تردیدی نیست، برخی از آنان بر این طبل کوبیده و با بی‌توجهی همان امری را که دشمنان دین می‌خواهند، دنبال می‌کنند و این جای بسیار تأسف است. امروزه وهابیت، شیعه را متهم به شرک می‌کند.

مذهبی که بالاترین معارف توحیدی را دارد و بزرگ‌مرد میدان توحید امیرالمؤمنین - علیه السلام - رهبر و مقتدای او است، چرا باید گوینده‌ای با اشعار غیرصحيح که از آن بوی کفر و شرک استشمام می‌شود، به این هدف کمک کند؟! ما مکرر گفته‌ایم: چنانچه این اشخاص از روی فهم و اختیار بگویند، از مصادیق شرک است و شیعه از چنین افرادی بی‌زاری می‌جوید. خطبای محترم و مداحان مکرم که افتخار خدمت‌گزاری به این آستان را دارند، و چه توفیقی از این بالاتر، باید نسبت به این امور توجه بیشتری داشته باشند و نگذارند ایادی مسموم، آن را دست‌خوش اهداف شوم خود قرار دهند. مردم عزیز باید نسبت به گفتار گویندگان و اشعار مرثیه‌سرایان دقت عمیق داشته باشند و مطالب را به صورت مستند مورد پذیرش قرار دهند. مبدا از کسانی باشیم که مشمول آیه شریفه «الذین ضلّ سعيهم في الحياة الدنيا وهم يحسبون أنهم يحسنون صنعا» قرار گیریم. خداوند همه ما را با حسین بن علی - علیهما السلام - محشور فرماید.

محمد فاضل لنگرانی

۱۳۸۳/۱۱/۲۸

توطئه تخریب مسجد الاقصی

بسم الله الرحمن الرحيم

بعد الحمد والصلوة؛ در این زمان که مسجد الاقصی قبله اول مسلمانان در خطر تخریب

پیام آفتاب ۵۰۳

صهیونیستها قرار گرفته و به طوری که برخی از مطبوعات گزارش داده‌اند، در حدود بیست هزار جوان فلسطینی آن مکان مقدس را در آغوش گرفته و از آن پاسداری می‌نمایند، بر تمام مسلمین جهان خصوصاً رؤسای کشورهای اسلامی فرض است که این امر را مورد توجه عمیق قرار داده و بر حفظ آن مکان بکوشند.

مسجد الاقصی علاوه بر آنکه قبله اول مسلمانان بوده است، منتهی‌الیه مسیر زمینی نبی اکرم - صلی الله علیه وآله - از مسجد الحرام بدانجا و سپس به آسمانها در شب معراج بوده است. کوتاهی در این مورد خصوصاً با توطئه و نقشه‌ای که اسرائیل طرح نموده و مهاجمین را صهیونیست تندرو و مقامات دولتی را مخالف این جریان قلمداد نموده، جایز نیست. ریشه این کار دولت اسرائیل با هماهنگی و حمایت آمریکا است. خطر بزرگ این امر آنگاه آشکار می‌شود که سلطه‌جویی و اسلام زدایی آمریکا و صهیونیزم را مورد توجه قرار دهیم و بدانیم که اینان به دنبال هدم اسلام و تخریب مسجدین شریفین، مسجد الحرام و مسجد النبی می‌باشند.

ای مسلمانان جهان و ای کسانی که درد دین و اسلام دارید، به خود آید و در مقابل این توطئه سکوت ننموده و قصور نوزید. امیدوارم خداوند همه بیوت خود مخصوصاً مساجد اولیة مسلمانان را حفظ فرماید و همه کشورهای اسلامی خصوصاً فلسطین را از شر این دولت غاصب مصون نماید. ان شاء الله تعالی.

محمد فاضل لنگرانی

۲ ربیع المولود ۱۴۲۶

(۱۳۸۴/۱/۲۲)

همایش حماسه‌سازان پانزدهم خرداد در ورامین

بسم الله الرحمن الرحيم

بعد الحمد والصلاة والسلام والتحية؛ در آستانه چهل و دومین سالگرد نهضت خونین پانزدهم خرداد و شانزدهمین سال ارتحال مردی الهی قرار گرفته‌ایم که با خلوص نیت و شهادت عجیب خویش و بدون اتکا به هیچ قدرت و ابرقدرتی و فقط با تکیه بر قدرت

مطلقه الهیه که مافوق همه قدرتها است و با پشتیبانی ملت عزیز و ستم‌دیده توانست انقلابی را به پا کند که تنها خصیصه آن اسلامی بودن آن است. انقلابی که برای کشور عزیز ایران سربلندی و افتخار و برای اسلام و تشیع حیاتی مجدد و برای ملت بزرگ آن، غرور و برای رژیم طاغوت اضمحلال و سقوط را آفرید و در سایه شعار غیرقابل تغییر «استقلال آزادی، جمهوری اسلامی» خط مشی خویش را تبیین کرد. جداً اگر سالیانی چند روش طاغوت ادامه پیدا می‌کرد از اسلام جز اسم و از قرآن جز رسمی باقی نمی‌ماند. در برخی از کتابهایی که پیرامون طاغوت نگارش یافته، چنین نقل شده است که نظر طاغوت درباره اسلام ایرانیان این بود که مشتی عرب به این کشور هجوم آورده و با غارت اموال آن، دینی را برای آنان آوردند و در نقل دیگری آورده شده است که پادشاه ایران معتقد بود که بهائیت لااقل زائیده فکر ایرانی است و از این رو کابینه حکومت دست‌نشانده وی را سالیان دراز گروهی از بهائیان تشکیل می‌دادند.

به هر حال در چنین شرایطی بود که پانزدهم خرداد شکل گرفت و با رهبری امام خمینی - قدس سره - نقطه عطفی در تاریخ کشور ایران گردید. باید این حماسه همیشه‌جاوید که نقش عظیمی در ایجاد انقلاب اسلامی داشت، مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. باید اهداف و غایات این حادثه به دقت ارزیابی و ملاحظه شود. باید پرسید که چه شد که مردم مظلوم و تحت ستم رژیم شاهنشاهی با دستی خالی اما اراده‌ای آهنین قیام نمودند و پایه‌های حکومت پهلوی را متزلزل ساختند؟ آنچه که مسلم و روشن است و همگان بر آن اعتراف دارند آن است که اعتقاد به مبدأ و معاد و لزوم مبارزه با ظلم و مقابله با حکومتی که با صدارت و امارت کفار در صدد هدم دین و ریشه‌کن ساختن آن بود، اساس و بنیان این حادثه بود. ملت ایران با تاسی بر پیشوای شهیدان و برای حمایت از هادیان امت و روحانیین دل‌سوز و تبعیت از فقاہت و مرجعیت، فریاد خود را سر داد و حادثه عظیم پانزدهم خرداد را خلق نمود. مردم عزیز خصوصاً نسل جوان امروز ما باید بر آنچه که بر این کشور از پانزدهم خرداد ۴۲ تا پیروزی انقلاب اسلامی و سپس بعد از آن، رفته است به دقت بنگرند و باید به درسها و آموزه‌های این حادثه بیندیشند.

پانزدهم خرداد به ما آموخت که قیام برای خدا و تحقق آرمانهای الهی، ثمره شیرین عزت و استقلال را به دنبال دارد. پانزدهم خرداد به ما یاد داد که اراده توده‌های عظیم مردم بر همه قدرتهای ظاهری غلبه دارد.

پانزدهم خرداد به طاغوت و طاغوتیان هشدار داد که حکومت براساس ظلم و ستم دوام و استمرار ندارد و به آنان فهماند که مقابله با دین و مخالفت با مظاهر شریعت آب بر هاون کوبیدن است.

پانزدهم خرداد به ما نشان داد که پیوند عمیق و مستحکم ملت با آشنایان دین و مجتهدان می‌تواند منشأ نجات از همه ظلمها و بدبختیها باشد.

پانزدهم خرداد درس فداکاری و ایثار انسانهای متدین و عاشق خدا است.

آری، این پانزدهم خرداد بود که اثبات کرد آشنایی با اسلام است که مردم را با پوشیدن کفن به خیابانها سرازیر می‌کند. حادثه عظیم پانزدهم خرداد به فرمایش امام راحل، سبب زنده شدن ملت اسلام و بیداری مسلمانان گردید. بالأخره امام عظیم‌الشأن با تحقق این حماسه توانست نهضت را ادامه دهد و موفق به تأسیس حکومت اسلامی شود. حکومت اسلامی، منت الهی و عنایت ربانی است که تنها به ملت ایران ارزانی شد و این نیازمند به سپاس و شکرگزاری است و سپاس آن تنها در گرو عمل به دستورات اسلام و خدمت به مردم مستضعف و متدین است. آنچه ضروری و مهم است تداوم پانزده خرداد و استمرار آثار و برکات آن است.

لازم است مسئولین نظام جمهوری اسلامی ایران در حفظ و تقویت روحیه اسلام‌خواهی و التزام به دفاع از دین و مقدسات تلاش نمایند. باید جامعه ما همیشه به سمت عدالت‌خواهی و نشاط دینی هرچه بیشتر حرکت کند. باید در پرتوی عمل به دین مظاهر فقر و فساد و تبعیض برچیده شود و بالأخره باید پانزده خرداد را همیشه زنده نگاه داشت تا آثار و برکات آن زنده باشد.

شما مردم بزرگوار ورامین و پیشوا به یاد دارید که برای خود سهم بزرگی را در این حادثه ثبت و افتخار جاودانه‌ای را رقم زدید و به منظور حمایت از اسلام و امام جان‌فشانی کردید و شهدای عزیزی را تقدیم اسلام نمودید.

اینک بر همگان لازم است که قدر این انقلاب را که در این زمان مورد تهاجم استکبار در ابعاد مختلف آن قرار گرفته بدانیم و با اتحاد و یکپارچگی دستاوردهای آن را محافظت نماییم. در خاتمه، از حضرت مستطاب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای محمودی امام جمعه محترم شهر ورامین و سایر مسئولین و دست‌اندرکاران این همایش عظیم تشکر می‌نمایم و از خداوند اجر عظیم برای همه مجاهدان و رفعت درجه برای شهدای پانزده خرداد و سایر شهدای انقلاب اسلامی و عزت و عظمت برای ملت بزرگوار و متدین را مسئلت می‌نمایم.

محمد فاضل لنگرانی

۸۴/۳/۱۱

انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری

بسم الله الرحمن الرحيم

بعد الحمد والصلوة؛ به پیروی از دستورات مکرر و توصیه‌های متعدّد حضرت امام خمینی - رضوان الله علیه - مبنی بر لزوم شرکت در انتخابات خصوصاً انتخابات ریاست جمهوری که ضامن تداوم انقلاب و حافظ نظامی است که صدها هزار شهید و جانباز برای تأسیس و تداوم آن جان‌فشانی و ایثار نمودند، شرکت در این انتخابات خصوصاً در شرایط فعلی که استکبار جهانی حالت جنون پیدا کرده است، لازم است عقلاً و شرعاً ملت متدین و انقلابی کسی را انتخاب نماید که:

اولاً؛ متعهد به اسلام و ملتزم به مکتب اهل بیت عصمت و طهارت که همه برکات جمهوری اسلامی از آن است، باشد.

ثانیاً؛ در مورد وضع معیشتی مردم و در حل مشکلات آنان کوشا باشد. اینجانب در دوره‌های گذشته مکرر نسبت به فقر و فساد و گرانی تذکراتی داده‌ام؛ اما مع‌الاسف نتیجه‌ای حاصل نگردید. انتظار اکید دارم رئیس جمهور منتخب نسبت به این امور سعی باشد. ثالثاً؛ در مورد سیاست خارجی خصوصاً استکبار جهانی که هرروز در فکر توطئه و نقشه علیه ایران و حکومت اسلامی است آشنایی کامل داشته باشد.

روشن است که در این زمینه از تحقیق و تفحص کامل باید استفاده شود. اگر ما در

پیام آفتاب ۵۰۷

برابر یک امر جزئی خود را موظف به تحقیق و تجسس می‌دانیم آیا در این امر که ارتباط با مهم‌ترین رکن حکومت دارد، نباید تفحص شود و بالأخره کسی را انتخاب کنیم که بتوانیم جواب‌گوی خداوند متعال باشیم.

محمد فاضل لنگرانی

۸۴/۳/۲۳

ایام فاطمیّه

بسم الله الرحمن الرحيم

السلام عليك أيتها الصّديقة الشّهيدة

در آستانه سالگرد شهادت بزرگ‌بانوی اسلام و جهان فاطمه زهرا - سلام الله عليها - قرار داریم. وجود شریفی که مورد مباهات حق تعالی و پاره قلب رسول خدا و همسر امیرالمؤمنین - علیه السلام - و مادر امامان معصوم ما است. آن حضرت بزرگ‌ترین بانوی عالمیان است. گرچه در قرآن کریم خداوند نسبت به حضرت مریم فرموده است: «واصفاک علی نساء العالمین» اما برحسب روایات معتبره این اختیار و اصطفا از آن جهت بوده است که حضرت مریم بدون شوهر ولادت حضرت عیسی - علی نبینا وآله وعلیه السلام - را محقق ساخت و از این جهت خاص حضرت مریم - علیها سلام - نظیری نداشت. اما مقام و عظمت حضرت فاطمه - سلام الله علیها - در عصمت و طهارت و عبودیت و بندگی بر همه زندهای عالم از ازل تا ابد برتری دارد.

لازم است شیعیان و مسلمانان روز سوم جمادی الثانیه را که مصادف با شهادت آن صدیقه کبری است و از طرف دولت جمهوری اسلامی تعطیل عمومی است، گرامی دارند و با برپایی مراسم سوگواری و عزاداری و به راه انداختن دستجات این روز را به عاشورایی دوم تبدیل نمایند. همان‌طوری که بحمدالله در چند سال اخیر این ملت فاطمی به وظیفه خویش به نحو احسن عمل کردند و لازم است از این جهت تقدیر و تشکر نمایم. روشن است که تکریم و احترام به زهرای اطهر، همانا تعظیم پیامبر(ص) و اجر رسالت آن حضرت است.

ملت عزیز و بزرگوار ایران با تمسک به حبل محکم و ناگسستگی اهل بیت - علیهم السلام - افتخارات بزرگی را در صحنه‌های انقلاب آفرید و با همین نیرو به پیش می‌رود. باید بدانیم رمز موفقیت ما، ارتباط و ایمان کامل به مکتب ائمه طاهرین و توسل به آن ذوات مقدسه است. هویت واقعی ما، تشیع حقیقی و اسلام راستین است. خداوند متعال هرچه بیشتر ما را از عنایات کوثر خویش فاطمه زهرا - سلام الله علیها - بهره‌مند بفرماید.

محمد فاضل لنکرانی

۸۴/۴/۱۵

(۲۸ جمادی الاولی ۱۴۲۶)

بازگشایی مدارس

بسم الله الرحمن الرحيم

علم و حکمت، دانش و اندیشه از جلوه‌های روشن حیات بشری است. دانش‌آموز با کسب علم بر خود و جامعه خود حیات می‌دهد. معلم و مربی احیاگر نفوس بشری‌اند. باید به دانش‌پژوهان و معلمان و مربیان و همه مسئولان آموزشی و پرورشی این مسئولیت خطیر را تبریک گفت. علم‌اندوزی از مهم‌ترین راههای تقرب به خداوند است. تمام کسانی که در مسیر علم و دانش قدم بر می‌دارند، همیشه در مسیر قرب الهی گام برداشته و با این امر هدف از خلقت را محقق می‌سازند. طوبی لهم وحسن مآب.

محمد فاضل لنکرانی

۸۴/۶/۲۱

نیمه شعبان

بسم الله الرحمن الرحيم

در آستانه نیمه شعبان، روز ولادت باسعادت آخرین ذخیره الهی حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - قرار گرفته‌ایم. همه چشمها و امیدها به روزی دوخته شده است که آن منجی ظهور فرموده و اسلام و مسلمین را حیات دوباره‌ای بخشد. انتظار فرج که عبادتی است بسیار بزرگ، انتظار پیاده شدن احکام نورانی اسلام و رها شدن مظلومان از ستم ستم‌کاران است.

فرج آن حضرت کلی و در تمام ابعاد و جهات است. قضایا و حوادثی که در دنیا اتفاق می‌افتد و استکبار عالمی با یدک کشیدن قدرت منحصر جهانی از مقابله با آن ناتوان و به صورت وضوح در برابر آنها اظهار عجز می‌کند، نمایانگر این است که قدرت خداوندی مافوق همه قدرتها و دست توانای حق بالاترین دستها است. آن حضرت با اتکا به قدرت مطلقه خداوندی است که بر تمام قدرتها غلبه می‌نماید و هیچ قدرتی در برابر او توان مقابله را ندارد. در اینجا تذکر این نکته لازم است که معنای انتظار این نیست که در لفظ بگوییم: ما منتظر فرج هستیم. بلکه انتظار آن است که خود را واقعاً برای آمدن ایشان آماده سازیم. انتظار واقعی در شدت ارتباط با آن وجود مقدس و پیروی از اوست. باید دانشمندان و اندیشمندان خود را همیشه در محضر آن حضرت ببینند. باید مردم عزیز خصوصاً جوانان یاد آن وجود مقدس را همیشه در دل‌های خود زنده نگه دارند.

باید همه باور نماییم که آن حجت خدا نظاره‌گر اعمال ماست. باید بدانیم مهم‌ترین مسئله مورد نظر ایشان مسائل اعتقادی و عملی است و از این جهت لازم است هرچه بیشتر در مورد مسائل واقعی اسلام ساعی و کوشا باشیم و از خرافات و دروغ‌گویی و خواب‌های بی‌اساس و ادعاهای واهی پرهیز کنیم و بدانیم که این امور غیرواقعی چهره اسلام و شیعه را مشوه و زبان طعن دشمنان را می‌گشاید. باید واقعیتها و معارف اصیل و حقیقی را که دین ما مشحون از آنها است، بیاموزیم. با انتظار و فرا رسیدن ظهور، انسان به اوج علمی و عقلی می‌رسد. با ظهور آن حضرت غایت اصلی از ارسال رسل و انزال کتب آسمانی و خلقت عالم، محقق می‌شود. شیعه و مسلمانان این افتخار را دارند که در انتظار چنین روزی هستند.

اینجانب ضمن تبریک ولادت آن حضرت به همه شیفتگان و پیروان ایشان از خداوند متعال متضرعانه خواستار تعجیل در فرج وجود نورانی امام زمان می‌باشم و مردم عزیز و ولایی که بحمدالله در این سالهای اخیر به برکت انقلاب اسلامی توجه خاصی به این خاتم اوصیاء پیدا نموده‌اند و باید از آنان قدردانی نمود، سعی نمایند هرچه بیشتر خود را به اهداف عالی آن حضرت نزدیک و در صف منتظران واقعی قرار گیرند. ان شاء الله.

محمد فاضل لنگرانی

نخستین اجلاس مهدویت در عصر حاضر

بسم الله الرحمن الرحيم

خداوند متعال را شاکریم که در عصر کنونی توجه خاصی به قضیه مهدویت که مهم‌ترین مسئله و سرنوشت‌سازترین امر در حیات بشری است، عنایت فرمود و امروزه بیش از گذشته محافل علمی حوزوی و دانشگاهی و مراکز پژوهشی و همین‌طور عامه مردم خصوصاً جوانان پاکسرشت، به این امر توجه دارند.

مهم آن است که توجه به وجود مبارک حضرت حجت - عجل الله تعالی فرجه الشریف - که ریشه در اعتقادات دین و مذهب ما دارد، باید از دائرة محدود اعتقاد صرف خارج گردد و در آثار و فواید علمی و عملی آن کندوکاو بیشتری گردد. باید با بررسی دقیق‌تر در روایات و منابع معتبر امور تأثیرگذار در حرکت جامعه و افعال شخصی انسانها، روشن‌تر گردد. باید معیارهای صحیح حرکت به سوی سعادت را از این جریان بشناسیم و به طور قطع می‌توان ادعا نمود که با توجه عمیق و درک صحیح از اصل مسئله امامت و نیز از وجود آن حضرت قادریم همان آثاری را ملاحظه نماییم که با حضور معصوم - علیه السلام - ملاحظه و مشاهده می‌شود. البته با غیبت آن وجود مقدس و محروم شدن مردم و جامعه از رؤیت ظاهری طبعاً از مقدار زیادی فیوضات و برکات محروم خواهیم بود. اما آنچه که روشن است اینکه چنانچه این فرهنگ را در جامعه و میان جوانان تزریق نماییم که همه اعمال و حرکات شخصی و اجتماعی ما در محضر آن وجود مبارک است و ایشان احاطه کامل بر همه امور ما دارند، در این صورت نحوه رفتار و کردار، شکل دیگری به خود خواهد گرفت.

با پیاده نمودن فرهنگ مهدویت در جامعه، می‌توان انسانهای والا و شخصیت‌های بزرگی را تربیت نمود. اگر با تتبع کامل و نگرشی دقیق شیوه حکومتی آن حضرت را از میان منابع موجود استخراج نماییم و بدانیم که آن حضرت از سیره جدش پیامبر - صلی الله علیه و آله - پیروی و زندگی او همچو زندگی امیرالمؤمنین علی - علیه افضل صلوات المصلین - است (یسیر بسیره رسول الله ولایعیش إلا عیش امیرالمؤمنین)، آنگاه می‌توانیم بفهمیم که واقعاً برای ظهور پر از سرور آن قبله کائنات آمادگی داریم یا خیر؟ اگر رسول

خدا میزان اکبر است و همه چیز باید با سیره و روش و راه او سنجیده شود و اگر آنچه که موافق با او بود حق است و آنچه مخالف است باطل، پس آن حجّت کبری هم چنین خواهد بود؛ هم در این زمان و هم در زمان ظهور. آن حضرت احیاکننده دین اسلام و سنت پیامبر و اجداد طاهریین خود است و هرآنچه را که اسلام و این خاندان مورد آمال و آرزوهای آنان بوده است با ظهور آن حضرت محقق خواهد شد.

از شما علما و اساتید محترم حوزه‌های علمیه و دانشگاهیان معظم که به دنبال شکفتن ابعاد علمی مهدویت می‌باشید، به سهم خود تشکر می‌کنم. باید به صراحت بگویم بسیاری از حقایق علمی پیرامون این امر عظیم هنوز در اجمال و در لابه‌لای منابع و آثار و روایات وارده باقی مانده است. سرّ عظیم خلقت بشری و تکامل رسالت انبیاء عظام و اولیاء در این امر نهفته است. برای پی بردن به حقیقت ظهور و قیام و روشن شدن اهداف و غایات آن باید احاطه کاملی بر همه دستورات دینی و اهداف الهی داشته باشیم. باید به طور دقیق و کاملاً علمی روشن شود که نحوه تکامل دین اسلام از بدو حدوث با همه مذاهب و ارباب مکاتب چگونه بوده است و در آن زمان که خاتمه خلقت است، چگونه خواهد بود. امیدوارم که در این اجلاس با تعامل فکری هرچه بیشتر، بتوانید جامعه را از درر علمی و عملی مهدویت بهره‌مند سازید و خداوند ان‌شاء الله همه ما را از سربازان و یاران واقعی آن حضرت قرار دهد. بحق اجداده الطاهریین - سلام الله علیهم أجمعین - .

محمد فاضل لنگرانی

۸۴/۷/۱۱

همایش نقدی بر باورهای وهابیت

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمین والصلاة والسلام علی سیدنا و نبینا أبی القاسم محمد وعلی آله الطیبین الطاهریین المعصومین ولعنة الله علی أعدائهم أجمعین.

سلام و صلوات خداوند و ملائکه بر خاتم پیامبران محمد بن عبدالله (ص) و اهل بیت طاهریین ایشان که حاملان حقیقی وحی الهی و حافظان رسالت نبوی‌اند و حقیقت دین در

کلام و سنت و روش آنان متجلی است. در طول تاریخ اسلام دشمنان اسلام همواره برای مقابله با دین و مکتب، این انوار مقدسه و مکتب آنان را مورد هجمه قرار می‌دادند. برای هر مسلمان بانصافی روشن است که بهترین تعریف از توحید و سایر صفات خداوند و زیباترین الگوی موحدان همانا این ذوات نورانی بوده‌اند. آنگاه این مسلک مجعول و ساخته و پرداخته کفر و بیگانه یعنی وهابیت در رأس حملات جاهلانۀ خود خلاف این معنا را به آنان و پیروان ایشان نسبت داده‌اند.

آیا از خود سؤال نموده‌اید که چرا وهابیت افتراء شرک را بر مذهب اهل بیت وارد نموده‌اند؟ چرا شیعه را مشرک و خون و جان و مال آنان را مباح می‌شمردند؟ این نیست مگر آنکه هدف اساسی آنان حذف اهل بیت از پیکرۀ اسلام و در حقیقت تهی نمودن اسلام از این حقیقت که مساوی با نفی اصل اسلام است، می‌باشد.

روشن است که در زمان کنونی این مسلک که غده سرطانی دین است و دین‌داران را و حتی کسانی را که پیرو مکتب اهل بیت - علیهم السلام - نیستند، مورد تهدید قرار داده است، با شتاب بیشتری و در دامنه وسیع‌تری به فعالیت شیطانی خود ادامه می‌دهد. از این جهت وظیفه حوزه‌های مقدسه علمیه و مراکز دینی و علمی و فرهنگی آن است که با معرفی چهره واقعی این گروه منحرف و اظهار بیزاری و تبری جستن از آنان مردم مسلمان خصوصاً نسل جوان را آگاه نمایند و به همه دنیا و مکاتب موجود در عالم اعلام شود که اسلام از این گروه بری است و نباید افکار و عقاید و اعمال زشت و وحشیانه آنان به نام اسلام عزیز تمام شود. باید به همه گفته شود که اینان اسلام حقیقی که همراه با رأفت و محبت و عطوفت و رحمت است را تبدیل به اسلام خشن و متعصب و جامد و متحجر نموده‌اند.

مردم دنیا خاطره تلخ یورشهای مکرر آنان را بویژه در سالهای ۱۲۱۶ و ۱۲۲۱ و ۱۲۲۵ به اعتبار مقدسه عراق و قتل هزاران مسلمان در کربلای معلّ و جسارت به بارگاه ملکوتی سیدالشهدا اباعبدالله الحسین - علیه السلام - و محاصره نجف اشرف از یاد نبرده‌اند. مرحوم علامه فقیه سید محمدجواد عاملی در کتاب *گران سنگ مفتاح الکرامه* (در جلد ۷ ص ۶۵۳) درباره حوادث سال ۱۲۲۵ چنین می‌فرماید:

مع تشویش البال واختلال الحال و قد أحاطت الأعراب من عنيزة القاتلین بمقالة

الوهابي الخارجي بالنجف الأشرف و مشهد الحسين وقد قطعوا الطرق و نهبوا زوار الحسين بعد منصرفهم من زیاره نصف شعبان وقتلوا منهم جمعاً غفیراً.

و نیز خاطره شوم و فاجعه بزرگ جنایت تخریب قبور ائمه بقیع از ذهنها پاک نشده است و هرگز تاریخ جنایات علمی و اعتقادی و دینی این گروه و تحریفها و بدعتها و انحرافهای عظیم آنان در دین را فراموش نخواهد کرد. تاریخ ننگین این فرقه منحرف مملو از سفاکی و قتل نفوس محترمه و هتک اعراض بوده و امروزه در عراق و برخی دیگر از بلاد شاهد تکرار همان وحشیگریها و تعرضات بر امکنه مقدسه و مساجد و حسینیه‌ها و تجمعات مذهبی و نمازهای جمعه و جماعات و توهین به شیعیان و دوست‌داران اهل بیت عصمت و طهارت هستیم.

اینجانب از کنار مرقد مطهر فاطمه معصومه - سلام الله علیها - و از حرم اهل بیت - علیهم السلام - ضمن اظهار خلوص و سلام و ارادت به مضجع شریف ثامن الائمه علی بن موسی الرضا - علیه آلاف التحية والثناء - به شما بزرگان و نویسندگان و اهل نظر در این نشست علمی که به جهت نقد باورهای وهابیت همت گمارده‌اید و در صدد آن هستید که زخمی را که این فرقه ضاله بر پیکره دین وارد آورده‌اند، التیام بخشید، درود فرستاده و از مسئولین محترم تشکر و قدردانی می‌نمایم و چند نکته را مورد توجه قرار می‌دهم:

۱. با تحقیق و مطالعه و غور در کتب تاریخ دویست ساله اخیر، فجایع و ظلمهایی را که این گروه ضال بر اسلام و بلاد اسلامی و آثار آن و بر مسلمانان و بالأخص شیعه وارد نموده‌اند را استخراج و به زبانهای متعدد و در سطوح مختلف منتشر و مردم را از خطرات این فرقه بر حذر نمایید.

۲. هرچه سریع‌تر با تشکیل کلاسهای تخصصی و جلسات علمی به نقد انحرافات و باورهای آنان بپردازید و با تربیت مبلغین جلو هرگونه نفوذ و رخنه در مجامع فرهنگی گرفته شود.

۳. لازم است مراکز علمی خصوصاً حوزه‌های علمیه به این امر اهتمام بیشتری داشته باشند و دانشجویان و طلاب عزیز را از خطرات و تهدیدهای این گروه آگاه و آنان را از این جهت بیمه سازند و نیز انتظار آن است که رسانه‌های عمومی و تأثیرگذار خصوصاً صدا و سیما در این زمینه همت بزرگی را از خود نشان داده و به این وظیفه بزرگ جامعه عمل بپوشند.

امیدوارم خداوند همه ما را در حراست از دین و مکتب اهل بیت توفیق بیشتر عنایت فرماید و همه ما را از اعوان و انصار بقیة الله الأعظم - روجي وأرواح العالمين لتراب مقدمه الفداء - قرار دهد. ان شاء الله.

محمدفاضل لنکرانی

۸۴/۹/۱۰

کتاب جعلی الفرقان الحق

بسم الله الرحمن الرحيم

خبر وحشت‌آور انتشار کتابی مجعول و مضلّ به نام *الفرقان الحق* در کشور اسلامی کویت در برابر قرآن مجید موج کاملی از تأثر و ناراحتی و شگفتی و تعجب را برانگیخت و این پرسش را به وجود آورد که: چرا در یک کشوری که هویت و شخصیت آن به اسلامی بودن آن است کتابی در مقابل قرآن که تنها معجزه همیشگی اسلام تا ابدیت و آخر دنیا می‌باشد، می‌تواند انتشار پیدا کند؛ مخصوصاً آنکه بر حسب مسموع در برخی از مدارس ابتدایی تدریس شود؟!

در این رابطه باید گفت که: اولین امتیاز قرآن این است که دست بشر در آن نقش نداشته و از طرف خداوند متعال که عالم کامل به جمیع شئون بشری و نیازمندیهای دنیا و آخرت او است، نازل شده و آیه مبارکه «إنا أنزلناه في ليلة القدر» و مانند آن گواه این معنی است.

بنابراین کتابی که دست بشر در تألیف آن دخالت داشته، چگونه می‌تواند در برابر قرآن جایی پیدا کند؟! قرآنی که می‌فرماید: اگر جن و انس دست به دست هم بدهند و از کمکهای متقابل استفاده کنند، نمی‌توانند مانند آن را بیاورند و حتی مانند یک سوره کوچک قرآن که از همه کوچکتر سوره مبارکه کوثر است، نمی‌توانند بیاورند. تاریخ نشان می‌دهد که افرادی می‌خواستند در مقابل سوره کوثر سوره‌ای بیاورند؛ ولی با استهزاء و فضحیت عقب‌نشینی کردند. علاوه دستهای مرئی و غیر مرئی غیر مسلمانان در چاپ و نشر آن فعالیت داشتند و پیدا است که غرض مهم آنان گمراه کردن برخی از مسلمانها و پایین آوردن قدر و منزلت قرآن مجید است.

من از دولت اسلامی کویت می‌خواهم که هرچه زودتر و بیشتر در جلوگیری از انتشار این کتاب سعی و کوشا باشد و اجازه ندهد کشور اسلامی دچار این‌گونه امور شود. کما اینکه از مسئولین محترم جمهوری اسلامی که عاشق و فریفته حضرت امام خمینی - قدس سره - و نظام و انقلاب هستند، می‌خواهم برای مبارزه با این کتاب به پا خیزند؛ مخصوصاً از مسئولین محترم صدا و سیما نظام اسلامی که می‌توانند در این باره نقش بسیار مهمی را ایفا کنند؛ زیرا کشور ما بحمدالله در صحنه پهنای گیتی تنها کشوری است که در آن حکومت تشیع برقرار می‌باشد. والسلام علی من اتبع الهدی.

۲ دی ماه ۱۳۸۴

محمد فاضل لنکرانی

عید سعید غدیر

بسم الله الرحمن الرحيم

يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك وإن لم تفعل فما بلغت رسالته والله يعصمك من الناس.

نعمت بزرگ امامت و ولایت ائمه معصومین - علیهم السلام - از بهترین و باارزش‌ترین گوهری است که خداوند متعال به ما عنایت فرموده. با تحقق امامت، رسالت نبی اکرم (ص) تکمیل و دین اسلام به مرحله غایی و باطن دائمی خود رسید. باید دانست که استمرار احکام الهی و دستورات خداوندی و تداوم حقیقی اسلام در گرو امامت است و خاتمیت آن و جاودانی بودن این دین در همین امر عظیم نهفته است. بر طبق حدیث معتبر ثقلین که از احادیث مسلم و متواتر بین شیعه و سنی است، عترت و امامت، هم‌سنگ و هم‌تراز با قرآن کریم است و اگر کلام خداوند دائمی و همیشگی است، باید عترت هم دائمی و همیشگی باشد. مستفاد از این حدیث شریف آن است که افتراق حقیقی بین قرآن و عترت امکان ندارد و تا قیامت این دو باید در کنار یکدیگر معنا و مفهوم داشته باشند. از این رو است که می‌گوییم برای تمسک حقیقی به وحی الهی هیچ طریقی جز تمسک به عترت وجود ندارد. باید دانست که برای رسیدن به باطن حقیقت قرآن باید به حقیقت امامت و عترت چنگ زد. اگر به دنبال استخراج درر و گنجهای مخفی آیات شریفه هستیم و اگر به

دنبال پیاده کردن قرآن کریم در جامعه پر از تلاطم و دنیای مملو از فتنه و تزویر و آمیخته به مذاهب و مکتبهای انحرافی هستیم، باید از طریق هدایت ائمه معصومین به آن برسیم. انقلاب اسلامی ما و نهضت عظیم امام خمینی - قدس سره الشریف - که توانست معادلات مهم دنیا را بر هم زند و قلوب همه انسانها و مستضعفان را متوجه خود سازد از این جهت بود که ریشه در غدیر و عاشورا و در یک کلمه برخاسته از امامت و ولایت است. باید برای تداوم آن هرچه بیشتر خود را با غدیر و اهداف آن آشنا سازیم.

اینجانب ضمن تبریک این عید سعید به همه مسلمانان و شیعیان و همه دوستداران و محبان ولایت، از همه طبقات خصوصاً طلاب و دانشجویان و اهل فکر و نظر می‌خواهم که از سفره گسترده امامت هرچه بیشتر بهره برده و قلب و دل و عمل و کردار خویش را همیشه مزین و معطر به رهنمودهای آنان بنمایند. ان شاء الله تعالی.

محمد فاضل

۸۴/۱۰/۲۸

کنگره غدیر در گرجستان

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا ونبينا أبي القاسم محمد وعلى آله الطيبين الطاهرين المعصومين واللعن الدائم على أعدائهم أجمعين.

قال الله تبارك وتعالى: يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك وإن لم تفعل فما بلغت رسالته والله يعصمك من الناس.

نعمت هدایت بشر توسط انبیاء عظام بزرگ‌ترین موهبتی است که خداوند به بشریت ارزانی داشته و منت عظیمی است که هیچ امری با آن برابری نمی‌کند و افتخار ما مسلمانان آن است که مرحله کامل این هدایت و جامع‌ترین شریعت خداوندی توسط بزرگ‌ترین پیامبر الهی نصیب ما گردید. دین اسلام عصاره و نتیجه تبلیغ همه انبیاء الهی و کامل‌ترین ادیان است و پیام‌آور این دین شخصیتی است که همه انبیاء گذشته آرزوی درک حضور او را داشتند.

رسول گرامی اسلام در طول بیست و سه سال زندگی مبارک خویش، آنچه را که مأمور به تبلیغ آن بودند برای مردم بیان فرمودند و در این راه مقدس متحمل رنجها و زحمات فراوان

شدند تا اینکه انسان در بند جاهلیت را از پرتگاه جهل و نادانی و ذلت بت‌پرستی نجات داده و به آنجا رسانیدند که در خور شأن خلیفة‌اللهی است. مسلم است آنچه با رنج فراوان به دست آمده باقی بماند. باید بعد از رسول گرامی اسلام، کسانی باشند که این دین جاودانی و همیشگی را پاسداری نمایند. باید برای تبیین کتاب آسمانی قرآن و تفسیر و توضیح آن کسانی باشند که بتوانند دقیقاً آنچه را که خداوند تبارک و تعالی اراده فرموده برای مردم بیان نمایند. باید کسانی باشند که واجد درجه عصمت باشند و به صورت صحیح مقصود خداوند را برای جامعه تبیین نمایند. از این جهت پیامبر اکرم به دستور خداوند متعال در حجة الوداع و در موضعی به نام غدیر خم در یک ابلاغ عمومی و گسترده، علی بن ابی‌طالب - علیه السلام - را به عنوان جانشین خود معرفی فرمود. گرچه پیامبر عزیز در مناسبت‌های مختلف حتی از آغاز رسالت، با الفاظ و عبارات متفاوت این امر را به مردم تفهیم نموده بود اما از طرف خداوند مأمور شد که در یک جمع فراوان از مسلمانان بیان کند که: همان طوری که من بر شما ولایت دارم علی - علیه السلام - هم همان نحوه ولایت را دارد و هرکسی که من مولا و سرپرست او هستم علی هم همین‌طور: «من کنت مولا فلهذا علی مولا» و سپس در حق دوستان آن بزرگوار دعا فرموده و دشمنان او را نفرین کرده: «اللهم وال من والاه و عاد من عاداه و انصر من نصره و اخذل من خذله» بعد از این جریان بود که خداوند فرمود: «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الإسلام دیناً» امروز دین را برای شما کامل و نعمت خود را بر شما تمام کردم. بنابراین با تحقق ولایت، دین خداوند کامل گشت و عید غدیر، عید ولایت و اتمام نعمت و اکمال دین گردید.

این حدیث شریف را فریقین در کتب خود به طرق مختلف نقل نموده‌اند بلکه طرقی را که علمای اهل سنت ذکر نموده‌اند به مراتب از نظر تعداد بیشتر از آن خبری است که شیعیان نقل نموده‌اند و هیچ جای انکار در صدور این فرمان الهی نیست به طوری که مسلمانان حاضر در آن اجتماع عظیم به امیرالمؤمنین - علیه السلام - تبریک گفته و اظهار داشتند: «بخ بخ لک یا علی» و بالأخره کسانی که نتوانستند و نمی‌توانند نسبت به صدور این حدیث شریف تردیدی کنند، در صدد تأویل آن برآمده که صد البته علمای اسلام و

افراد منصف و مدافعین واقعی اسلام از آن دفاع نموده و در باره آن کتابها نوشته‌اند که کتاب گران‌سنگ *العُدیر* یکی از بهترین این کتب است.

باید دانست که نعمت بزرگ امامت و ولایت ائمه معصومین - علیهم السلام - بارزش‌ترین گوهری است که خداوند به ما عنایت فرموده است. با تمسک به این جبل متین الهی و با تبعیت از این شجره طیبه است که می‌توان سعادت دنیا و آخرت را رقم زد. هلاکت و نجات در اعتقاد و عدم اعتقاد به این خاندان و در حب و ولاء و فرمان‌بری از آنان است. در دنیای پر از ظلمت امروز و آکنده از ظلم و تجاوز و مشحون از عقاید باطل و نحیف و مالا مال از حيله و تزویر و نیرنگ و زور تنها چراغی که روشنایی حقیقی و دائمی دارد سراج منیر عترت و انوار مشعشع و پر از فروغ علی بن ابی‌طالب و اولاد طاهرین ایشان خصوصاً حجت حیّ زمان، ولی مطلق دوران حضرت صاحب الزمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - است. ما و همه باید بدانیم در پرتو این ذوات مقدسه است که می‌توان به حقیقت قرآن دست یافت و از هدایت آن بهره برد. با بیان و تفسیر ایشان، هدایتگری قرآن به منصه ظهور می‌نشیند.

اینجانب ضمن تبریک این عید سعید به همه مسلمانان و شیعیان و ضمن تشکر و تقدیر از برگزارکنندگان این اجتماع و مجلس مهم، به همه مسلمانان و شیعیان و به همه طبقات خصوصاً دانشجویان و طلاب و اهل فکر و نظر، توصیه می‌کنم که مبادا از این سفره گسترده امامت محروم باشیم و باید قلب و دل و زبان خود را همیشه مزین و مترنم به کلمات دُرربار آنان بنماییم. باید بدانیم حق، آن خیری است که مطابق با کلمات آنان باشد و آنچه را که آنان باطل می‌دانند واقعاً باطل است و این مطلب نه از وادی حب و تعصب است؛ بلکه مستند به کلام رسول خدا - صلی الله علیه و آله - است که فرمودند: «علي مع الحق والحق مع علي يدور معه حیثما دار.»

خداوند همه ما را از پیروان واقعی اسلام و پیامبر و ائمه طاهرین - علیهم السلام - قرار دهد. ان شاء الله تعالی.

محمد فاضل لنکرانی^۱

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۴/۱۰/۲۸؛ ۱۳۸۴/۱۱/۳؛ افق حوزه ۱۳۸۴/۱۱/۳.

اهانت مطبوعات غربی به ساحت پیامبر(ص)

بسم الله الرحمن الرحيم

در ایام عزاداری سالار شهیدان ابا عبدالله الحسین(ع)، مسلمانان عالم و امت پیامبر اکرم(ص) مصیبت مضاعفی را پیدا نمودند. اهانت روزنامه‌های متعدّد غربی به ساحت مقدّس پیامبر عظیم‌الشأن اسلام که برترین انبیاء است و انتشار وسیع آن از طریق رسانه‌های مزدور وابسته به کفر و الحاد همه را عزادار و قلوب همه را جریحه‌دار ساخت. بر طبق معارف آسمانی، اهانت به پیامبر اسلام اهانت به همه انبیاء الهی است و امروز همه مذاهب و پیروان همه ادیان آسمانی باید از این امر تبرّی جویند و مخالفت خود را اظهار دارند. این اهانت و چنین گستاخی کشف از آن می‌کند که این دین عزیز که تکامل یافته همه ادیان قبلی است، رشد چشم‌گیری یافته است و دشمنان اسلام باید بدانند چنین اموری سبب توجه بیشتر مردم و انسانها به این دین خواهد بود. این اهانت در ادامه نقشه‌های شوم استکبار در مقابل اسلام است و همان‌طوری که در گذشته نتیجه‌ای نگرفتند اکنون نیز نتیجه‌ای نخواهند گرفت.

انتظار آن است که در درجه اول دولت جمهوری اسلامی ایران با این توطئه‌ها برخورد جدّی و قوی بنماید و همان‌طوری که بحمدالله تاکنون مسلمانان بیدار دنیا در کشورهای مختلف فریاد برآورده‌اند، ملت مسلمان و انقلابی ایران فریاد اعتراض خود را سردهد و مانند گذشته از حریم مقدّس پیامبر(ص) و دین اسلام دفاع نمایند.

محمد فاضل لنکرانی

سوم محرم الحرام ۱۴۲۷

۸۴/۱۱/۱۳

ارتحال آیت‌الله میرزا علی فلسفی

بسم الله الرحمن الرحيم

إذا مات المؤمن الفقيه ثلم في الإسلام ثلثة لا يسدها شيء.

دریافت خبر ارتحال عالم بزرگوار فقیه متقی و وارسته حضرت آیت‌الله آقای حاج میرزا

علی فلسفی - قدس سره الشریف - موجی کامل از تأثر و اندوه ایجاد نمود. آن مرد بزرگ که از تربیت‌یافتگان حوزه مقدسه نجف اشرف و از تلامذه برجسته آیت‌الله العظمی خویی - رضوان الله تعالی علیه - بود بعد از مراجعت به ایران، جوار مقدس ثامن الحجج علی بن موسی الرضا - علیهما آلاف التحية والثناء - را برگزید و با استضاءه از انوار مقدس رضوی به تدریس و تربیت فضلا و بزرگان همت گماشت و جداً به حوزه مقدسه مشهد رونق کامل و عظمت علمی بخشید و شاگردان بی‌شماری را با مکتب فقهی و اصولی خویش آشنا ساخت.

اینجانب این مصیبت را در درجه اول به مقام والای حضرت بقیة الله الأعظم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - تسلیت عرض نموده و در مرتبه بعد به حوزه‌های علمیه و علماء و بزرگان خصوصاً حوزه مقدسه مشهد و بازماندگان و فرزندان و دامادها و بالأخص جناب مستطاب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ محمد فلسفی - دامت إفاضاته - که از خداوند مسئلت می‌نمایم که در آینده نزدیک ایشان بتواند تا حدی این ضایعه را جبران نمایند و بالأخره ارتحال چنین شخصیتی در شرایط فعلی هم از جهت فقدان و از دست دادن آنان موجب تأثر است و هم از جهت عدم اقتضاء و شرایط برای تربیت چنین افرادی. از خداوند متعال مسئلت می‌نمایم که درجات ایشان را متعالی و در این ایام که مصادف با عاشورای حسینی است، ایشان را با ابا عبدالله الحسین - علیه السلام - محشور و هرچه بیشتر مورد عنایت حضرت رضا - علیه السلام - قرار دهد.

محمد فاضل لنگرانی

عاشورای ۱۴۲۷

(۱۳۸۴/۱۱/۲۰)

همایش شیعه‌شناسی، راهکارها و چالشها

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا ونبينا أبي القاسم محمد وعلى آله الطيبين الطاهرين المعصومين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين.

در این مقطع حساس زمانی که شاید نظیر آن را کمتر داشته‌ایم، لازم است هرچه بیشتر دربارهٔ مذهب شیعه که فرهنگ اصیل اسلام راستین است و از منظر اهل بیت عصمت و طهارت به آن دست یافته‌ایم، تحقیق و تدقیق کامل داشته باشیم؛ مخصوصاً با تهاجمی که از ناحیهٔ سیاست‌های شرق و غرب به آن می‌شود؛ زیرا آنها دریافته‌اند که تحرک و پویایی تنها در مذهب شیعه است و ملاحظه نمودیم که امام خمینی - رضوان الله تعالی علیه - قیام عظیم را بر پایهٔ این مکتب و با توجه به مبانی اصیل این مذهب که در سیرهٔ علمی و عملی ائمهٔ طاهرین تجلی یافته است، استوار نمود و رمز موفقیت آن مرد عظیم و الهی در همین معنا نهفته بود. بحمدالله امروز به برکت نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران شیعه در دنیای کنونی مطرح گردیده است و حقاً یکی از آثار مهم این نهضت معرفی شیعه بر همهٔ جهانیان و اندیشمندان و ملت‌های دنیا بود. از این جهت نکاتی را باید توجه نماییم:

۱. امروز همگان توجه دارند که گرایش بسیار شدیدی در جهان معاصر نسبت به مذهب شیعه به وجود آمده است و به موازات آن، دشمنیها و مخالفتها دوچندان گردیده و هرروز بلکه هر ساعت به دنبال طرحی جدید و توطئه‌ای عمیق جهت مخالفت با این مکتب می‌باشند. بنابراین در درجهٔ اول لازم است از طریق علما و بزرگان و حوزه‌های علمیه عقاید شیعه به صورت مختصر و مفصل و به صورت اجمالی و استدلالی به زبانهای مختلف در دنیا انتشار یابد.

۲. در زمان کنونی شبهات فراوانی از طریق مطبوعات و یا رسانه‌ها خصوصاً سایتهای ضددینی برای مخالفت با این مکتب القا می‌شود. لازم است در حوزهٔ مقدسهٔ قم مرکزی متصدی جمع‌آوری شبهات مربوط به شیعه باشد و به آنها پاسخ مناسب داده شود. گرچه بحمدالله امروزه مراکزی در این حوزهٔ مقدسه وجود دارد و به این امر اهتمام دارند اما به نظر می‌رسد که باید تعمیق بیشتر داده شود.

۳. از زمانهای گذشته دشمنان اسلام اندیشهٔ تحریف قرآن را از طریق برخی از مذاهب اسلامی به این مذهب حق نسبت داده‌اند و امروزه یکی از چالشهای مهم در مواجهه با سایر مذاهب همین امر است. گرچه در برخورد و پاسخ به این اتهام تلاشهای زیادی شده است و بزرگان گذشته و حال مقالات و کتب فراوانی را تألیف نموده‌اند اما به نظر می‌رسد که هنوز

نتوانسته‌ایم به صورت کامل این پیرایه را بزدااییم. لازم است در چنین نشست‌هایی راه‌هایی اندیشیده شود تا ان‌شاء الله به طور کلی این نسبت از دامن شیعه و در نهایت از بدنه اسلام پاک شود و دشمن را که از این طریق در صدد متزلزل نمودن اساس اسلام است، مأیوس نماییم.

۴. از کیدهای مکاران دوران، رسوخ دادن خرافات در مذهب حقه شیعه است که این امر یک سابقه طولانی نیز دارد. گاهی برای برخورد با این مذهب متوسل به جعل مذهب و به وجود آوردن مسلک‌های خرافی می‌شدند و گاه به دنبال وارد نمودن خرافات در پیکره این مذهب بوده‌اند. خصوصاً در سال‌های اخیر از طرق مختلف سعی می‌نمایند که مطالب خرافی که صد در صد مخالف با عقل سلیم و منافی با فطرت و اذهان مؤمنین و مسلمانان است را در این مکتب رخنه داده تا در درازمدت بتوانند افکار را از این مکتب منصرف و به آنچه که خود به دنبال آنند سوق دهند. باید علما و بزرگان و حوزه‌های علمیه و نیز مردم عزیز خصوصاً جوانان، هشیار و بیدار باشند و نسبت به ارائه معارف شیعی و ترویج آن کمال دقت را بنمایند. باید خطبا از ذکر مطالبی که مستند صحیح و قوی ندارد، خودداری نمایند و مردم نیز مطالبی را بپذیرند که مستند به قرآن کریم و سنت معتبره پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) باشد.

۵. از اموری که بسیار جای تأسف است آن که هنوز نتوانسته‌ایم بسیاری از معارف ناب که از ائمه معصومین - علیهم السلام - به ما رسیده است را به مردم معرفی نماییم و از آن طرف مردم شیعیان از بسیاری از آنچه را که ائمه طاهرین - علیهم السلام - در ابعاد مختلف مادی و معنوی فرموده‌اند، بی‌اطلاع و بی‌خبرند و باید فکری شود و هرچه بیشتر همگان با این معارف اصیل که حقیقتاً در هیچ مکتب دیگری نمی‌توان آن را یافت آشنا گردند. از این جهت باید سعی شود در مراکز علمی خصوصاً در دانشگاه‌های داخل و خارج کشور رشته شیعه‌شناسی تأسیس و گسترش یابد.

در خاتمه، از مسئولین محترم همایش شیعه‌شناسی و از شرکت‌کنندگان تشکر می‌نمایم و امیدوارم همه هرچه بیشتر مورد عنایت خاص حضرت صاحب العصر امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - قرار گیریم و بتوانیم وظیفه اصلی خود را نسبت به این مکتب عزیز انجام دهیم و در پیشگاه خداوند سربلند باشیم. ان‌شاء الله.

محمد فاضل لنگرانی

۸۴/۱۱/۲۶

تخریب بارگاه عسکرین(ع)

بسم الله الرحمن الرحيم

إنا لله وإنا إليه راجعون

در ایام عزاداری سالار شهیدان اباعبدالله الحسین - علیه السلام - که قلوب و دل‌های مسلمانان و شیعیان آکنده از مصیبت و ملامت از سوز و گداز است و اهانت دنیای کفر و ظلم به خدا و رسول(ص) که مقدس‌ترین امورها و هیچ قداستی فوق آن تصور نمی‌شود، مصیبت را دوچندان نموده بود، حادثه بسیار جان‌گداز هتک و انفجار حرم امام هادی - علیه السلام - در سامراء که مولد حضرت صاحب الزمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - و یکی از مراکز علمی حوزه‌های شیعه است و کشته شدن جمعی از مؤمنین بی‌گناه، قلوب همه را غمبار و تمامی شیعیان را در اندوهی عظیم فرو برد.

دشمن خون‌ریز و هتاک مگر نمی‌داند که در طول تاریخ، آباء و اجداد خبیث آنان مکرر در مکرر چنین فجایعی را آفریدند اما روز به روز محبت و اعتقاد به صاحبان نورانی این اعتبار مقدسه افزون گشت و امروزه صدها ملیون انسان افتخار پیروی از اهل بیت عصمت و طهارت را دارند.

دشمن بداند اهل بیت پیامبر(ص) در قلوب همه ما زنده، و ما افتخار پیروی از آنان را داشته و داریم و در این مسیر هیچ تزلزلی به خود راه نداده و قدمی عقب نخواهیم نشست. دشمنان اسلام که این روزها از حیات مجدد عراق و بازگشت مجدد عظمت به این کشور بیمناک گشته‌اند به دنبال ایجاد جنگ‌های داخلی و تفرقه بین مسلمانانند و خصوصاً این توطئه شوم را اشغالگران ظالم دنبال می‌نمایند که البته بحمدالله تاکنون با بیداری شیعیان و هدایت‌های بزرگان و علماء به هدف شوم خود نرسیده‌اند و ان‌شاء الله نخواهند رسید.

اینجانب با چشمی اشکبار و قلبی داغ‌دار این مصیبت را به ساحت مقدس بقیه‌الله الأعظم - روحی له الفداء - و همه حوزه‌های علمیه و تمامی مسلمانان و شیعیان تسلیت عرض نموده و روز شنبه درس خود را به عنوان عزا تعطیل و سوگوار خواهم بود.

از خداوند متعال مسئلت می‌نمایم دل‌های مجروح ما را با ظهور ولی خود تسکین داده

و هرچه زودتر بساط ظلم و جنایت از عالم وجود برچیده شود. وسیعلم الذین ظلموا أيّ منقلب ینقلبون.

محمد فاضل لنکرانی
۲۳ محرم الحرام ۱۴۲۷
سوم اسفند ۱۳۸۴

یادواره شهدای استان بوشهر

بسم الله الرحمن الرحيم

ولاتحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله أمواتا بل أحياء عند ربهم یرزقون.

شهادت از واژه‌های بسیار عمیق و زیبایی است که در فرهنگ دینی و اسلامی ما درخشش فوق‌العاده دارد و نفس این عنوان قلوب انسانهای مخلص و سرشار از ایمان را امیدوار و به رحمت خاص خداوندی مطمئن می‌سازد.

شهید انسان برگزیده‌ای است که مشمول عنایت خاص حق تعالی گشته و با فداکاری خویش اسلام را زنده و جامعه‌ای را بیمه می‌سازد. از این رو است که بر حسب روایات وارده، فوق هر خیری، نیکی بالاتری وجود دارد؛ اما فوق شهادت و شهید هیچ امر بالاتر و هیچ برّی تصور نمی‌شود.

به برکت انقلاب اسلامی که خود عنایت ویژه خداوند بر این ملت بود، باب شهادت بر روی عده‌ای از اولیاء خاص الهی گشوده شد و افرادی خصوصاً جوانان پاک و خالص این سرزمین با معرفت عمیق دینی عاشقانه به استقبال این امر شتافتند. باید تاریخ ما ثبت کند که جوانان این کشور در ظل رهبریهای داهیانّه امام خمینی - رضوان الله تعالی علیه - چگونه در زمان بسیار کوتاهی به این باب رحمت الهی معرفت پیدا نمودند و با چه عشق و علاقه وافر خود را آماده این میدان ساختند.

باید وقایع‌نگاران، این قسمت از تاریخ ایران را جداگانه مورد نقل و بررسی قرار دهند. باید عالمان و آگاهان، دانشجویان و طلاب، اهل فکر و دانش، استادان و مدرّسان بیندیشند که چگونه قلوب این جوانان و با چه عنایتی از طرف حق تعالی متوجه این امر عظیم الهی شد.

باید به مردم دنیا با صدای بلند فریاد زد که شهادت موجب عزت این کشور و سربلندی مردم آن شده است. باید گفت که شهیدان ما الگوی اصلی و همیشگی خود را کربلا و عاشورا و حسین بن علی - علیهما السلام - و یاران و فرزندان آن حضرت قرار داده‌اند. باید دنیای استکبار بداند که این مردم با چنین پشتوانه عظیم و بی‌بدیلی هیچ‌گاه از تهدیدها و برخوردهای ناجوانمردانه آنان نمی‌هراسند و در هرشرایطی این انقلاب را که امانت بزرگ خداوند و شهیدان است حفظ خواهند نمود. باید بدانند گذشته ما ثابت نموده است همان‌طوری که در خط مقدم نبرد جوانان غیور با عزمی راسخ ایستادند، طلاب و روحانیون هم در کنار تبلیغ، اسلحه بر دوش گرفته و از اسلام و مملکت دفاع نمودند، چه افتخار عظیم و بزرگی است که همه ما به آن مباهات و از آن بهره‌مند می‌باشیم.

ما باید در پرتو شهادت، دین و حقایق دین را به جوانان خود و مردم برسانیم. به وسیله جهاد و شهادت باید فکر خدمت به دین و احساس مسئولیت در برابر خدا و مردم را در میان همه رشد دهیم.

باید شهادت طلاب عزیز و بسیجیان بارز و عامه مردم استان بوشهر را که این مجلس باشکوه به عنوان یادواره آن عزیزان تشکیل شد، تبریک و تسلیت گفت؛ اما تسلیت به علت از دست دادن چنین مردان فداکار و سلحشور، افرادی که کمتر نظیر آنها دیده می‌شود و تبریک از دو ناحیه: هم از لحاظ شخص و هم از لحاظ انقلاب و کشور اسلامی آن‌هم تنها کشور اسلامی یعنی شیعی می‌باشد و از منظر ائمه معصومین - علیهم السلام - اسلام واقعی همان تشیع است. اما از نظر شخصی برای اینکه آنان در نزد خداوند زندگان و مرزوقند. چقدر نیکو است که انسان در محضر ربوبی، حی و مرزوق باشد. آیا سعادت بالاتر از این می‌توان تصور نمود؟ و اما از نظر جامعه و حفظ انقلاب اسلامی ایران برای اینکه اینان بودند که این برکات را برای ما به وجود آوردند و ما در سایه فداکاری آنان به امنیت کامل دست یافتیم و از آن در هر لحظه بهره‌مند می‌باشیم. جداً اگر شهادت این عزیزان و امثال آنان نبود از اسلام حتی اسمی و از قرآن حتی رسمی باقی نبود و لذا لازم است شرایط زمان انقلاب هم از نظر یاقوت و هم از لحاظ طاغوت در نظر گرفته شود تا ارزش واقعی انقلاب کاملاً روشن گردد و این نعمت بزرگ که از بزرگ‌ترین نعمتهای الهی است، معلوم گردد.

اینجانب ضمن آرزوی موفقیت بیشتر برای گردانندگان این یادواره که یادآور خدمت بی‌نظیر شهدای ارزشمند انقلاب و روشن‌کننده نیت خالص حضرت امام خمینی - قدس سره - و شهامت بی‌نظیر معظم‌له بود، از خداوند بزرگ و منان می‌خواهم که توفیق شکرانه کامل برای این عنایت بزرگ به ما عنایت فرماید و خدای نخواستگرفته گرفتار کفران این نعمت بزرگ نشویم.

محمد فاضل لنکرانی

۱۳ صفر ۱۴۲۷

(۱۳۸۴/۱۲/۲۳)

حضور زنان در ورزشگاهها^۱

بسمه تعالی

به دنبال سؤالات و استفتائات فراوانی که از طریق تلفن و یا به صورت کتبی و یا حضوری از اینجانب در مورد حضور بانوان محترم در ورزشگاهها شده است اشعار می‌دارد که اولاً؛ از نظر فقهی روشن است که نظر زن به بدن مرد حتی بدون لذت و ریبه جایز نیست و ثانیاً؛ از مسائلی که اسلام روی آن تکیه فراوان دارد، عدم اختلاط زن و مرد است و ملاحظه شده است که اختلاط در جوامع غربی و متأسفانه در برخی از نهادهای داخلی مفاسد فراوانی به دنبال داشته است. بنابراین شرکت بانوان در مکانهای عمومی ورزشی که همراه با اختلاط است به هیچ وجه جایز نیست و در این امر ولو مکانهای خاصی برای زنان اختصاص یابد اما مفاسد اختلاط بر آن مترتب است و لازم است دولت محترم جمهوری اسلامی مکانهای مستقلی را با رعایت همه ضوابط شرعی برای بانوان جهت امور ورزشی اختصاص دهد و از این جهت تبعیضی بین آنان قائل نشود.

انتظار آن است که حرکت مسئولین محترم در مسیر احیاء ارزشهای اسلامی باشد و از اموری که موجب خدشه‌دار نمودن این امر است اجتناب نمایند. خداوند به همه توفیق عمل به احکام اسلامی را عنایت فرماید.

محمد فاضل

۸۵/۲/۵

۱. صدور این بیانیه آثار اجتماعی مهمی در پی داشت که توضیح آن در ذیل «مرجعیت» گذشت.

حمله اسرائیل به لبنان

بسمه تعالی وله الحمد

دریافت خبر وحشت‌آور حمله ارتش اسرائیل به جنوب لبنان از راههای مختلف هوایی و دریایی و زمینی، به عذر به اسارت درآمدن دو تن از مقامات عالی‌رتبه ارتش اسرائیل و همین‌طور قتل عام فلسطینیان مظلوم و بی‌گناه در نوار غزه، موجی سهمگین از اندوه و حزن در قلوب مسلمین بلکه در قلوب مدعیان واقعی طرفدار حقوق بشر و آزادی آنها، به وجود آمد؛ جالب اینکه این رفتار ناپسند و عمل بسیار زشت در قالب مبارزه با تروریسم و طرفداری آزادی و تثبیت حقوق بشر انجام می‌گیرد و سازمانهای مدعی آزادی و حفظ حقوق بشر حامی آن هستند. اینک از یک طرف بر عموم مسلمین که بحمدالله شمارش آنان تقریباً به یک میلیارد می‌رسد، لازم است عکس‌العمل نشان دهند و سریعاً به مقابله همه‌جانبه برخیزند و بدانند که استکبار جهانی - خذله الله - جز به هدم اسلام و از بین بردن مسلمین و ایجاد ضعف و تفرقه بین آنان نمی‌اندیشد، در صدد است تمامی مظاهر اسلامی و اماکن مقدسه را ریشه‌کن نماید تا اثری از اسلام، خدای نخواستہ باقی نماند.

و ثانیاً؛ رؤسای جمهور ممالک اسلامی بدانند که تمام حیثیت آنها بستگی به اسلام دارد و اگر روزی معلوم شود که برخی از آنها در باطن با اسرائیل توافق و یا رابطه رسمی برقرار نموده‌اند، پیشیزی ارزش ندارند و از سوی همان اسرائیل فاقد اعتبارند. اینک باید گفت: ای مسلمانان جهان و ای علاقه‌مندان به دین اسلام، بپاخیزید و با قدرت الهی در برابر اینان قیام کنید و از خود ضعف نشان ندهید. امام بزرگوار خمینی عزیز می‌فرمود: اگر هر مسلمانی از مسلمانان یک سطل آب به روی اسرائیل بریزد، سیل بنیان‌کن آنها را از بین خواهد برد. مسائلی را که امروز آمریکا و اسرائیل در عراق به وجود آوردند و قلوب همه را جریحه‌دار نمودند، کاشف از یک نقشه همه‌جانبه علیه اسلام و مسلمین است. اگر از این مسائل بی‌تفاوت بگذریم و یا هراسی به خود راه دهیم بر طبق قاعده باید شاهد مسائل بالاتری باشیم.

باز هم تکرار می‌کنیم، وقتی برای قیام همه‌جانبه در برابر استکبار جهانی بهتر و مؤثرتر از این وقت تصور نمی‌شود. بپاخیزید و به یاری اسلام و مسلمین برآیید و با اتکا به قادر

مطلق که قدرت او مافوق همه قدرتها است از فرصت استفاده نمایید. باشد که در این آزمایش مهم ان شاء الله سرافراز بیرون آییم.

محمد فاضل لنکرانی

۱۳۸۵/۴/۲۳

اعتکاف

بسم الله الرحمن الرحيم

وعهدنا إلى إبراهيم و إسماعيل أن طهرا بيتي للطائفين والعاكفين والركع السجود. در میان عباداتی که خداوند تبارک و تعالی برای تهذیب و رشد و تکامل بشر تشریح فرموده، اعتکاف از عبادتهایی است که ویژگیهای مخصوص و آثار و فواید مهمی بر آن مترتب می‌باشد. این عبادت آنچنان مهم است که حق تعالی دو پیامبر عظیم‌الشان خویش ابراهیم و اسماعیل - علی نبینا وآله وعلیهما السلام - را مأمور فرمود تا مهم‌ترین و بهترین نقطه عالم، بیت‌الله الحرام را برای طواف‌کنندگان و معتکفین و اهل رکوع و سجود، تطهیر و آماده نمایند.

اعتکاف عبادتی است که انسان خود را از همه مظاهر دنیوی جدا ساخته و در مرکزی که همیشه بندگان خدا مشغول عبادت و راز و نیازند، پناه گرفته و با داخل شدن در حرم معنوی حق خود را محرم و مقرب خاص باری تعالی نموده و با ماندن در مسجد، خود را از همه آلودگیها و ظلمتها و هرمقام غیر خدایی جدا ساخته و اقامت جدیدی در کوی حق را آغاز می‌نماید.

با اعتکاف است که می‌توان روح بلند دعا و نیایش را به اوج رساند و به مراتب بالای قرب رسید. با اعتکاف است که به راحتی می‌توان مراتب و درجات و انواع استغفار را که در حالات دیگر معمولاً نمی‌توان به آن رسید، تحصیل نمود. در اعتکاف است که می‌توان به استغفار رجاء و حیاء، استغفار، انابه و رغبه و رهبه و طاعت و استغفار، اقرار و اخلاص و توکل رسید. در اعتکاف است که نفس انسان آن قدر نورانی می‌شود که به راحتی می‌تواند در وادیهای بلند معنویت گام نهد و بالأخره با اعتکاف می‌توان به مقصود اصلی دل‌های

عارفان و عابدان رسید. «یامقصود من أناب إليه».

در این شرایط عجیب و غریب روزگار کنونی و در زمانی که ظالمین و ستم‌کاران همه قدرت خود را برای نابودی اسلام و مسلمین به کار بسته و با قتل و تعدی و تجاوز به دنبال تسلط بر مردم مستضعف و خاموش نمودن نور خدا هستند، باید مردم خصوصاً جوانان عزیز خود را هرچه بیشتر مسلح به قدرت تقوا و ایمان نمایند و با نفوس پاک و مطمئن بتوانند در مقابل ظالمین بایستند. باید با اعتکاف قدرت خداوندی را در وجود خود احیا نمایند و بتوانند با همه مظاهر شیطانی و همه قدرتهای ضد خدایی مبارزه نمایند. باید با اعتکاف نیروی قوی تقوا و ایمان را در خود مضاعف و نفس خود را به مرحله‌ای رسانند که از غیر خدا هیچ هراس نداشته باشند و بر همه وسوسه‌های نفسانی و شیاطین درونی و برونی چیره گردند.

امید دارم در سال جاری که فتنه اسرائیل بیش از گذشته آشکار گشته و در لبنان عزیز، مردان و زنان و کودکان را به طور وحشیانه آماج حملات خود قرار داده برای پیروزی آنان و همه مسلمانان و تعجیل در فرج نورانی منجی عالم بشریت ولی الله الأعظم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - دعا نماییم و عظمت اسلام و مسلمین را از خداوند متعال خواستار شویم. ان شاء الله. یا من لا یصرف السوء إلا هو یا من لا یدبر الأمر إلا هو یا من لا یغفر الذنب إلا هو، صلّ علی محمد و آل محمد.

محمد فاضل لنگرانی

رجب المرجب ۱۴۲۷

(مرداد ۱۳۸۵)

تصوّف

بسمه تعالی

صوفیه و همه مذاهب منسوب به آن، از فرقه‌های باطل و غیرصحیح است و ائمه معصومین - علیهم السلام - شدیداً از چنین مسلکی بیزاری جسته‌اند و اساساً تفکیک دو عنوان شریعت و طریقت از بدعت‌هایی است که اینان احداث نموده‌اند و ما غیر از شریعت

که همان کتاب و سنت و اجماع و عقل است، چیز دیگری به نام طریقت نداریم و جعل این عنوان برای تضعیف اصل شریعت و بی‌اعتنایی به آن است. از این جهت شرکت در مکانهای مربوط به این گروه خصوصاً خانقاه جایز نیست و جوانان عزیز بدانند که اسلام حقیقی و معرفت حق تعالی و قرب به او جز از طریق تمسک به قرآن و پیروی از ائمه معصومین - علیهم السلام - امکان ندارد و فهم این دو منبع جز از طریق کسانی که آشنا به آن هستند و عمر خود را در فهم آن سپری نموده‌اند؛ یعنی علماء و مجتهدین میسر نیست و از این جهت است که در زمان غیبت، مردم موظف شده‌اند به رجوع به علماء و فقها تا گرفتار چنین مذاهب باطلی نشوند.

محمد فاضل

۸۵/۶/۱

نیمه شعبان

بسم الله الرحمن الرحيم

السلام علی مهدی الامم وجامع الکلم

سلام و درود خداوند و انبیاء و رسل و ملائکه و اولیاء طاهرین بر آخرین ذخیره هستی و تنها امید صالحان و مستضعفان مهدی موعود - عجل الله تعالی فرجه الشریف - همو که همه ادیان و شرایع به او تبلور حقیقی خواهند یافت. و همه انبیاء و رسل در انتظار ظهور او بوده و همه امتها به او ختم می‌شوند. کسی که همه را در تحت کلمه واحده یعنی «کلمة الله هي العليا» جمع می‌نماید و پرچم توحید را بر فراز هستی خواهد افراشت. او با ظهور خود به همه انتظارها از ازل تا ابد پایان خواهد بخشید و سیر تکاملی این عالم را با حکومت جهانی خویش به اوج خود خواهد رساند.

حقیقت آن است که اعتقاد به مهدویت در انحصار مذهب و فرقه خاصی نبوده و نیست و آنچه را که برخی از ناآگاهان متعصب پنداشته‌اند و چنین امری را ساخته و پرداخته شیعیان دانسته‌اند، امری است باطل و دور از واقعیت و حقیقت. مسئله مهدویت و اعتقاد به ظهور منجی کل در خاتمه تاریخ، افزون بر آنکه در کتابهای کلامی و مباحث اعتقادی به

تفصیل به اثبات رسیده در همه فرقه‌های اسلامی با اختلاف مذہبها و مشربها همگی مؤذنه ظهور را که بشارتی است الهی و وعده‌ای است خدادادی به همه پیروان خود داده‌اند. اهل سنت در صحاح و مسانید خود روایات فراوانی را در این موضوع ذکر نموده‌اند. در سنن ابی‌داود در جلد دوم، صفحه ۱۰۷، حدیث ۴۲۸۴ آمده است: ام سلمه که یکی از همسران پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - است، از ایشان شنیده است: المهدی من عترتی من ولد فاطمة. آنچه که از این روایت و نظایر آن استفاده می‌شود، آن است که عنوان مبارک مهدی نیز در امتهای گذشته و ادیان پیشین وجود داشته است و پیامبر در این فراز به آن وجود شریف که در ذهن همگان منقوش بوده اشاره کرده و فرموده است او از عترت من و از اولاد فرزندانم زهراست.

بدون تردید می‌توان گفت که موضوع مهدویت و بشارت به ظهور آن حضرت از پیامبر اکرم - صلی الله علیه وآله وسلم - به نحو متواتر در کتب و اسناد عالمان مذاهب اسلامی به ثبت رسیده است که شاید به آن اندازه پیرامون موضوع دیگر اثری نیابیم. در کنار این همه دلایل نقلی واضح و روشن، بررسی تاریخ حیات بشر به ما چنین نویدی می‌دهد. در این کنکاش می‌یابیم که انسان از آغاز تاکنون در آرزوی زندگی توأم با عدالت و حق‌طلبی و آرامش و معنویت که همان فریاد همیشه زنده فطرت است بوده و به آن عشق ورزیده و در راه رسیدن به آن از هیچ کوششی دریغ نورزیده و آن را عالمانه و آگاهانه با علاقه آتشین و وافر در پیچ و خم حیات و در فراز و فرود زمان دنبال کرده است و با هرگونه دروغ و کاستی، تحمیل و تبعیض و دشواری دست به گریبان بوده و در نبردهای خونین در عرصه‌های جدال حق و باطل درگیر بوده تا مگر به آرزوی خویش رسد و روشن است که اکنون این نبرد میان حق و باطل استمرار خواهد داشت و این مبارزه در سطوح مختلف ادامه خواهد یافت.

در هر حال این درگیری بی‌امان حق و باطل حادثه‌ها می‌آفریند و تاریخ را می‌سازد اما آینده‌نهایی تاریخ آینده‌ای روشن و امیدبخش و درخشان است و در نهایت حق پیروز خواهد شد و عدالت همه جا را فرا می‌گیرد و باطل در همه شکلها و در تمام جبهه‌ها ریشه کن می‌گردد و اساساً فلسفه ظهور همین است.

همگان بدانند که نسبت به آینده باید امیدوار باشند و فردا و فرداها را بسان گذشته و اکنون نپندارند. آینده‌ای در انتظار است که پیروزی حتمی از آن صلاح و عباد صالح و شکست و نابودی از آن فساد و عباد ناصالح است. آری، روشنائیها در دل عمیق‌ترین ظلمات نهان است. «یخرجهم من الظلمات إلى النور» و سنت خداوند چنین است که در گاهواره ارتجاع از میان دشمنیها و بیدادها و نادانیها و پریشانیها مردانی بزرگ و آزادگانی سرافراز و سرنوشت‌ساز برانگیخته شوند تا مجدداً درخت عدل و داد و ایمان و محبت و دانایی و وحدت و همدلی را در جان آدمیان بنشانند.

آری، همین سنتها است که حکمت و مشیت خدا را آشکار می‌سازد و می‌فهماند که جهان بیهوده آفریده نشده و به خود وانهاده نشده و برای همه روشن می‌سازد که ستم و بی‌داد نه می‌تواند و نه باید استمرار و دوام داشته باشد. به همه یاد می‌دهد که: «بالعدل قامت السموات والأرض» بنای جهان بر این اساس استوار شده است که همواره چیرگی از آن حق است. «بل نقذف بالحق علی الباطل فیدمغه فإذا هو زاهق».

ما امروز نظاره‌گر صحنه‌های دلخراشی هستیم. بر فراز جغرافیای جهان پرچم ظلم و تجاوز و تبعیض را در اهتزاز می‌بینیم. فساد در همه جوانب حیات اقتصاد و فرهنگ، اخلاق و سیاست و دیگر شئون زندگی میدان‌دار است. اختلاف طبقاتی، استثمار در شکل‌های جدید و بدیع و تروریسم دولتی به نام مبارزه با تروریسم و تزییع حقوق انسانها به نام دفاع از حقوق بشر و اشغال کشورهای اسلامی به نام دمکراسی همه و همه گواه آن است که عدالت مرده و فضیلت و انسانیت کم‌رنگ شده است و باید مصلحی جامع و کامل ظهور یابد و به همه این امور پایان دهد و اجتماعی عادل و قرآنی بسازد.

اکنون که عصر غیبت و دوران محرومیت از ظهور است باید با حیل محکم، انتظار خود را برای فرج آن حضرت آماده سازیم. باید بر اساس موازین صحیح و معتبر و مستند اعمال خود را تنظیم نماییم. باید فریب ادعاهای افراد آلوده به دنیا که از هرامری خصوصاً مقدسات برای رسیدن به اهداف خود استفاده می‌نمایند، نخوریم. باید دین را از آگاهان به دین و شریعت بیاموزیم و به آن عمل نماییم. باید فرهنگ صحیح و عمیق انتظار را در

پیام آفتاب ۵۳۳

جامعه خود در همه طبقات پیاده نماییم و بالأخره باید یک جامعه در حد امکان مهدوی داشته باشیم. باید از اختلافات و منازعات احتراز نماییم و انقلاب اسلامی خود را با التزام واقعی به مکتب همراه با وحدت و همدلی به پیش ببریم و ان شاء الله به صاحب اصلی دین ولی الله الأعظم امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - تحویل دهیم.

اینجانب از همه افراد و گروههایی که با تشکیل جلسات و همایشها و راهپیماییها به دنبال تعظیم نیمه شعبان و آشنا ساختن جامعه خصوصاً نسل جوان با آن وجود عزیز می باشند تشکر می کنم و از ساحت مقدس آن حضرت استدعای عنایت خاصه برای آنان و همه خادمان دین دارم.

محمد فاضل لنکرانی

۱۳ شعبان المعظم ۱۴۲۷

(۱۳۸۵/۶/۱۶)

سخنان و اتهامات بی اساس پاپ

بسم الله الرحمن الرحيم

سخنان و اتهامات بی اساس پاپ که برحسب ظاهر رهبری بخشی از مسیحیان را عهده دار است، موجب تعجب و رنجش و نگرانی شدید گردید. مع الأسف آنچه را که بیان نموده به هیچ وجه با منطق و روح اسلام سازگاری ندارد و این امر حاکی از آن است که چنین مطالبی را یا به او دیکته نموده اند و یا آن قدر نسبت به دین مبین اسلام جاهل و بی اطلاع است که باید برای پیروان او تأسف خورد.

در شرایطی که رهبران ادیان آسمانی باید با هوشیاری خود در دام استعمارگران و جنگ طلبان قرار نگیرند، این سؤال اساسی مطرح است که چرا چنین اتهامات واهی و بی اساس و دور از خرد و تاریخ را مطرح ساخته است؟ آگاهان به تاریخ ادیان و خبیران به متون مقدس به خوبی می دانند که امروزه مهم ترین دلیل معتبر براساس مسیحیت و سایر کتب و پیامبران آسمانی، اسلام و قرآن کریم است. ما از ایشان دعوت می کنیم تا مدتی در مدارس دینی و در خدمت اسلام شناسان واقعی زانوی ادب زده و آگاهی خود را نسبت به این دین تحصیل

نماید. ما برای ایشان به راحتی اثبات می‌کنیم که دین اسلام دین رحمت و عطوفت است و از آیه‌های همیشه درخشان قرآن کریم و از مهم‌ترین محکومات این کتاب آیه شریفه «کتب علی نفسه الرحمه» است. پاپ باید سالیان درازی را در فهم همین آیه کوتاه از قرآن سپری نماید. گفتار او در باب جهاد ناشی از عدم درک حقیقت نورانی جهاد است و او جهاد اسلام را با آنچه را که آمریکا به نام تروریسم خلق نموده است، اشتباه گرفته است. تعجب آن است که چگونه کسی که خود را رهبر دین آسمانی می‌داند در کلام خویش صریحاً اراده خدا را به بهانه عقل و منطق انکار می‌کند. به او توصیه می‌نمایم در این اواخر عمر دست از این انحراف و توطئه برداشته و هدایت صحیحی را برای خود و مسیحیان رقم زند.

محمد فاضل لنگرانی

۸۵/۶/۲۵

ارتحال آیت‌الله العظمی میرزا جواد تبریزی

بسم الله الرحمن الرحيم

إنا لله وإنا إليه راجعون

ارتحال عالم وارسته، فقیه اهل بیت حضرت آیت‌الله آقای میرزا محمدجواد تبریزی - رضوان الله تعالی علیه - موجب تأثر و تأسف شدید گردید. بدون تردید این مصیبت خسارت بزرگی بر مرجعیت و حوزه‌های علمیه شیعه و عالم تشیع که امروزه به جهت هجوم همه‌جانبه دشمنان دین و ولایت در معرض تهدید است و نیاز به چنین استوانه‌هایی بیشتر احساس می‌شود، است. این ضایعه را به پیشگاه مقدس ولی الله الأعظم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - و روحانیت معظم و شاگردان و مقلدین ایشان خصوصاً آقازادگان محترم و جناب مستطاب حجت‌الاسلام آقای حاج شیخ جعفر تبریزی و نیز دامادهای مکرم تسلیت عرض می‌نمایم. خداوند ایشان را مشمول رحمت واسعه خویش قرار دهد.

محمد فاضل

۸۵/۸/۳۰

انتخابات چهارمین دوره مجلس خبرگان رهبری

بسم الله الرحمن الرحيم

إن الله يأمرکم أن تؤدوا الأمانات إلى أهلها.

خداوند متعال را شکرگزاریم که انقلاب اسلامی ما که گوشه‌ای از عنایات خاص او است، امروزه اقتدار و ثبات هرچه بیشتر دارد. به برکت این نهضت عظیم، نظام مقدس ولایت فقیه که تنها راه اجرای احکام اسلام در عصر غیبت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - است، شکل گرفت و تجربه‌های فراوان بیست و هفت ساله گذشته بر همگان آشکار ساخت که در بحرانهای شدید و حوادث عظیم و در برابر توطئه‌های مرموز استکبار فقط با این نظام است که می‌توان ایستاد. در نظام ولایت فقیه جامع‌الشرایط است که فعلیت همه استعدادها و اعطاء حقوق همه اشخاص و گروهها تحقق می‌یابد. ما امروز با افتخار می‌گوییم که این نظام بهترین و مطمئن‌ترین شکل حضور مردم است و همین امر نظامهای دروغین دموکراسی را سست و مشت آنان را باز نموده است.

مجلس خبرگان بدون تردید اساسی‌ترین نهاد این نظام است و هرچه این مجلس از افراد واجدالشرایط و فقهای متعهد و شجاع بیشتر برخوردار باشد، قوت و استمرار نظام افزون‌تر خواهد بود. اینجانب فکر می‌کردم که بعد از گذشت دهها سال از پیروزی انقلاب و حضور چشم‌گیر مردم در صحنه‌های مختلف انتخابات دیگر نیازی به تذکر مجدد در این امر نباشد؛ لیکن وجود خناسان و مغرضان و توطئه‌های جدید دشمنان، ایجاب کرد که مجدداً در این زمینه به مردم عزیز تذکر دهم. ملت انقلابی ما بدانند مشروعیت و جواز تصرف همه مسئولین در همه امور متوقف بر این مجلس و وجود ولی فقیه جامع‌الشرایط است.

به مردم متدین توصیه می‌نمایم همچو گذشته با بصیرت و دقت شرکت نمایند و به کسانی رأی دهند که حافظ اسلام و حقوق آنان باشند. به مسئولین سفارش اکید دارم که در حفظ آراء و صیانت از آن امانت‌دار باشند و به انتخاب‌شوندگان اکیداً تذکر می‌دهم که در انجام وظایفی که اسلام و قانون اساسی برای آنان مقرر نموده است، کوتاهی ننمایند. ان شاء الله همگان رضایت حق تعالی را جلب نماییم.

محمد فاضل لنگرانی

۸۵/۹/۲۲

یادواره شهدای بردحون

بسم الله الرحمن الرحيم

إن الله اشترى من المؤمنين أنفسهم وأموالهم بأن لهم الجنة.

بر همه مسلمانان واضح و روشن است که بزرگ‌ترین نعمت خداوندی بر بشریت، هدایت انسانها و فرستادن برترین انسانها به سوی آنان و نازل نمودن کتب و دستورات آسمانی است. هرچه بشر فکر کند و اندیشه خود را توسعه دهد و هرچه تلاش و کوشش نماید تا نعمتی مهم‌تر از آن و منتهی عظیم‌تر از آن را پیدا کند، هرگز نمی‌تواند در ردیف این نعمت عظمی، چیز دیگری بیابد. از این جهت وظیفه یک مسلمان در مقابل این امر عظیم بسیار بزرگ است. باید این نعمت را خوب شناخت و به نحو کامل پیاده نمود و از آن با همه وجود دفاع کرد. باید دین را به عنوان عزیزترین امور بدانیم. باید با کسانی که به دنبال مقابله با آن و یا تضعیف آن می‌باشند، ایستاد.

باید درخت تنومند دین را با مال و جان آبیاری کنیم و برای نسلهای آینده باقی بگذاریم و عظمت شهید و بزرگی او در همین نکته نهفته است که در میان همه آدمیان او بهتر از همه، دین را فهمیده و زیباتر از همه در قلب خود قرار داده است. هنر شهید و شهادت در همین است که گوهر دین را آن‌چنان که هست درک نموده است. شهید قبل از آنکه به مقام لقاء حق واصل گردد، دین را آن‌چنان در آغوش گرفته و آن‌قدر بین خود و دین پیوند اخوت برقرار نموده است که هیچ عاملی نمی‌تواند دین را از او بگیرد و بلکه او به دشمن دین پیام می‌دهد که اگر جسم مرا بگیری اما جان من آمیخته با دین و صاحب دین است و هیچ قدرتی نمی‌تواند بین او و دین جدایی بیندازد.

در یادواره سرداران و شهیدان خصوصاً شهیدان عزیز منطقه بردحون باید این نکته را بیاموزیم که هرچه بیشتر به سراغ دین و شناخت آن برویم. باید جوانان عزیز ما و کسانی که امروز خاطره شهدا را تجدید می‌کنند، بدانند شهدای ما همه هدف آنان حفظ دین و بقاء دین در این کشور بوده است. امروز کسانی می‌توانند بگویند که ما پیرو شهیدان هستیم که درد دین داشته باشند و به دنبال دین‌دار بودن خود و جامعه باشند. منطق شهادت و جهاد به ما می‌آموزد که دین و دین‌داری فقط یک امر شخصی نیست؛ بلکه باید

پیام آفتاب ۵۳۷

برای دین‌دار بودن دیگران و نسل‌های آینده انسان ولو در مرتبه بالای انسانیت، مثل امام معصوم(ع)، باشد، خود را فدا نماید.

به ارواح همه شهدا سلام و درود می‌فرستم و برای همه خصوصاً حاضران در مجلس آرزوی پیروزی دارم. از کسانی که این مجلس را تشکیل دادند نیز تشکر می‌کنم. خداوند حیات و ممات ما را در مسیر محمد و آل محمد - علیهم السلام - قرار دهد. ان شاء الله.

محمد فاضل

۸۵/۱۱/۱۱

سالگرد تخریب بارگاه عسکریین

بسم الله الرحمن الرحيم

بیست و سوم ماه محرم مصادف با سالگرد حادثه عظیم و مصیبت بزرگی است که در سامراء بر اسلام و پیامبر(ص) و اهل بیت - علیهم السلام - وارد شد. تخریب حرمین عسکریین نه تنها یک اهانت و نه فقط یک فاجعه ظاهری بلکه دشمنی با همه مسلمانان و با تمامی جهان اسلام است. شیعه و سنی برطبق دستور قرآن کریم و پیامبر اکرم(ص) نسبت به احترام به اهل بیت - علیهم السلام - تردیدی ندارند. این حادثه کاشف از عداوتها و دشمنیها و جهالت‌هایی است که عده‌ای از خدا بی‌خبر و گروهی دنیاطلب و ضد دین دارند. کسانی که این حادثه را طراحی و اجرا نمودند، ریشه آنان به افرادی برمی‌گردد که بزرگ‌ترین ضربه‌ها و مصیبت‌ها را در طول تاریخ به اسلام و قرآن وارد نمودند. مگر می‌توان جسارت و هتک اهل بیت را جدا از اهانت به پیامبر و اسلام و قرآن دانست؟ دشمنان اسلام و عترت بدانند این‌گونه حوادث، مسلمانان و شیعیان را در اعتقاد خود استوارتر می‌سازد.

لازم است مسلمانان خصوصاً شیعیان و بالأخص ملت عزیز ایران این حادثه را هیچ‌گاه از یاد نبرند و در چنین روزی عزادار باشند. باید روحانین و خطبا و نیز رسانه‌های عمومی خصوصاً صدا و سیما ابعاد این حادثه را هرچه بیشتر تبیین نمایند. باید بدانیم امامت قلب تپنده اسلام و قرآن است.

اینجانب ضمن عرض تسلیت مجدد به حضرت صاحب الزمان - ارواحنا فداه - از خداوند متعال مسئلت می‌نمایم که با تسریع در ظهور آن حضرت همه غمها را پایان و قلوب جریحه‌دار ما را تسلی فرماید. ان شاء الله.

محمد فاضل لنگرانی

۸۵/۱۱/۲۳

جشنواره هنر آسمانی

بسم الله الرحمن الرحيم

خداوند متعال را سپاس‌گزاریم که بشر را آفرید و نعمت بزرگ تعلیم و آگاهی و پیمودن وادی دانش و معرفت را عطا فرمود. به حق می‌توان گفت: در میان تمامی زیباییها، هنر فکر کردن و آموختن [و] هنر کشف واقعیات از برترین آنهاست. حیات و رشد انسان و بلکه مجموعه هستی در گرو اندیشیدن و خلق افکار صحیح و تولد و جوشش چشمه‌های دانش و حکمت است. حوزه مقدسه علمیه قم که به فضل خداوند تبارک و تعالی و عنایت خاصه ولی الله الأعظم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - امروزه بزرگ‌ترین پایگاه علمی و دینی به شمار می‌رود و در درون خود فضیلا و اندیشمندان و نخبگانی را تربیت نموده و بحمدالله مراحل رشد و تکامل خود را طی می‌کند، از آن جهت که متکفل امر هدایت جامعه و ارشاد مردم خصوصاً نسل جوان است و از آن جهت که مخاطبین فراوان در طبقات مختلف و متعدد دارد، لازم است در زمان معاصر در انتقال معارف دینی از تمام ابزارهای لازم و جذاب و متناسب بهره جوید. باید حوزویان در مقابله با تمامی تهاجمها و برای امحاء افکار باطلی که قصد تخریب دین و فرهنگ ما را دارند، از ابزار نافذ هنری صحیح استفاده نمایند.

بسیار خوشحالم که در مجموعه این حوزه بابرکت که اعضای آن به دنبال علم و معنویت و اخلاق و هدایت می‌باشند - که این امر نیز هنری است گران‌سنگ - چهره‌هایی از آنان خود را مسلح و مجهز به ابعاد دیگری از هنر ساخته و مجموعه‌ای عظیم از هنرمندان متعهد و با فضیلت را تشکیل داده‌اند.

تشکیل جشنواره هنر آسمانی را تحسین نموده و ضمن تشکر از کسانی که اساس این امر را بنا نهاده و از فضایی که در این جمع شرکت نموده، سفارش اکید دارم که عزیزان از مقوله هنر برای احیای هرچه بیشتر دین و معارف دینی و برای تحقق حیات طیبه مردم استفاده نمایند. از خداوند متعال عاجزانه مسئلت دارم که همه امور ما و حوزویان را در مسیر رضای خویش قرار دهد که تحصیل رضایت حق تعالی خود هنری است که به آسانی به دست نخواهد آمد.

محمد فاضل لنکرانی

۸۵/۱۲/۱۰

همایش وحدت در فکر و تقریب در عمل (در ترکیه)

بسم الله الرحمن الرحيم

واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا.

بشر از آغاز خلقت تاکنون همیشه به دنبال رشد و شکوفایی و سعادت بوده است. خداوند تبارک و تعالی دو حجت محکم رسولان و عقل را در میان آنان قرار داد تا بتواند با این دو وسیله راه را تشخیص و حق را از باطل تمییز دهد و در دام راهزنان و دنیاطلبان قرار نگیرد. بشریت تا مادامی که اعمال خویش را مطابق با فرامین و دستورات الهی قرار دهد و تا زمانی که در حوادث بسیار مهم گوش جان به هدایتهای اولیاء دین و ائمه معصومین - علیهم السلام - بسپرد و تا هنگامی که با چراغ عقل و خرد در فراز و نشیبهای جاده تکامل و سعادت حرکت نماید، همواره مصون خواهد ماند و با اطمینان کامل به سرمنزل مقصود خواهد رسید.

از دستورات بسیار اکید قرآن کریم، اعتصام به حبل خدا و عدم تفرقه است. کسانی که به دنبال عمل نمودن به این کتاب مقدس هستند، نمی‌توانند از این اصل مهم غافل باشند. باید همواره در همه زمانها انسانهای پیروان حق و آگاهان به دین، محوریت خدا و رنگ الهی را مورد توجه قرار دهند و همه اقشار و گروهها را هرچه بیشتر به این نقطه مرکزی نزدیک نمایند. اختلاف و تفرقه موجب دوری بشریت از ریسمان الهی و قرار گرفتن در مکر و حيله شیطان است. امروزه باید مذاهب آسمانی بر مشترکات خود تکیه

نمایند و به دنبال پیاده نمودن اصول مسلم ادیان توحیدی باشند. باید همه مسلمانان با بیداری و هوشیاری به دنبال تجدید عزت و عظمت خود باشند. باید اهل فکر و دانشمندان و علماء با تشکیل جلسات متعدّد به دنبال رفع موانع وحدت باشند و آنچه را که موجب تفرقه و دشمنی می‌شود از بین ببرند. باید با اتحاد دنیای اسلام در مقابل کسانی که به دنبال محو و اضمحلال اساس دین هستند، بایستند. باید همه باور داشته باشیم که دشمنان بشریت و دین با برنامه‌های مختلفی در صدد توطئه علیه مسلمانان می‌باشند و در نتیجه مسلمانان هم باید با برنامه، دشمن را در این توطئه ناکام بگذارند؛ البته همان‌طوری که مکرر گفته‌ایم و مقصود بزرگان در گذشته و حال بوده است، آنکه مقصود از وحدت رجوع به اصول مسلم و مشترک است نه عدول از مبانی و اصول. هیچ‌گاه کسی نمی‌گوید که برای اتحاد و وحدت میان مسلمانان باید در عقاید تجدیدنظر کرد و یا نسبت به آن تردید نمود؛ بلکه با حفظ مبانی مذهبی باید بر مسائل مشترک تکیه نمود و در مقابل ظلم و کفر ایستاد.

اینجانب به همه علماء و دانشمندان و همه گروهها و اقشار مذهبی و دینی توصیه می‌نمایم که شرایط اسلام را در زمان معاصر توجه نمایند و برای حفظ این دین عزیز و احیاء مجد و عظمت مسلمانان و اقتدار آنان بکوشند و با اتحاد و یکپارچگی در رشد و تعالی همت گمارند. اگر امروز، مسلمانان خصوصاً کسانی که مسئولیت هدایت فکری را بر عهده دارند، از این امر غفلت نمایند و اجازه دهند دامنه اختلافات روزه‌روز تشدید گردد، دیگر اسلام نخواهد توانست زمام امور بشر و جامعه را در دست گیرد و دین از صحنه زندگانی بشر کنار خواهد رفت.

به همه شما علماء و گروههایی که در این مجلس شرکت نموده‌اید و در صدد بحث و پیدا نمودن ریشه‌های اصلی وحدت در مقام عمل و تقریب فکری و دینی می‌باشید، درود و سلام می‌فرستم و از خداوند متعال خواستارم تا نور حق را در قلوب همه روشن فرماید و دست دشمنان را از جامعه مسلمین کوتاه نماید. *إن تنصروا الله ینصرکم ویثبت أقدامکم.*

محمد فاضل لنکرانی

۲۳ ربیع المولود ۱۴۲۸

(۱۳۸۶/۱/۲۳)

تشکل علمای شیعه در اروپا

بسم الله الرحمن الرحيم

حمد و سپاس خداوند متعال را که نعمت بزرگ هدایت و ایمان را به بشریت ارزانی داشت و با منت گذاردن بر او، رسولان و هادیان خود را با دستورات جامع و متین، مطابق با عقل سلیم و فطرت در میان آنان برانگیخت و با تشریح دین اسلام نیازهای بشر تا روز قیامت را در کتاب مبین قرآن کریم تدوین و با نصب حجج و معصومین - علیهم السلام - که مفسران واقعی و تبیین‌کنندگان حقیقی این کتاب‌اند، بشر را برای همیشه از نیاز به غیر دین و از پناه بردن به مکاتب انحرافی و باطل آسوده ساخت. بشر باید ارزش دین را بیش از گذشته دریابد و دین را به نحو جامع‌تری در زندگی خویش حاکم کند. باید ارتباط خود را با دین و عالمان دین قوی‌تر کند و این امر متوقف بر آن است که حاملان دین و عالمان آگاه به شریعت و آیین، اساس دین را حفظ و با رعایت کامل امانت‌داری آن را به بشر که عیلوله حق تعالی می‌باشند، برسانند. باید با وحدت و اتحاد و تشکلهای صحیح و مؤثر، شمع دین را روشن نگه داشته. امروزه اتحاد بین مسلمانان و امتهای اسلامی مرهون وحدت و اتحاد بین علما و دانشمندان است.

امروزه بحمدالله و با لطف و عنایت حق تعالی بزرگان و عالمان مسلمان محصور در منطقه‌ای خاص نیستند و در مراکز مهم جهانی و مناطق علمی و صنعتی و در دانشگاه‌های بزرگ دنیا حضور جدی دارند. این امر وظیفه پاسداران دین را مضاعف می‌کند. باید علماء هرچه بیشتر خود را در زمان کنونی مسلح به علم و موفق به عمل نمایند.

اینجانب از تحقق تشکل علماء شیعه مقیم اروپا بسیار خوشحال و خداوند را شاکرم. امیدوارم این مجموعه با بصیرت و درایت بتوانند رسالت بزرگ الهی را که بر دوش دارند، انجام دهند. باید از این موقعیت جدید کمال استفاده را برده و با حضور جدی در مراکز علمی و دینی اروپا بتوانید، فریاد اسلام و حقانیت آن را به همه برسانید.

در خاتمه، ضمن تشکر از همه علماء و آقایانی که در این امر تلاش نموده‌اند، خصوصاً فاضل ارجمند حجت‌الاسلام والمسلمین آقای قائم‌مقامی، یاد مرجع بزرگ شیعه حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی را گرامی می‌دارم. سلام و درود خدا بر او و همه کسانی که برای

ترویج اسلام و مکتب اهل بیت - علیهم السلام - قدمهای بزرگی را برداشته و برمی‌دارند، امیدوارم مورد عنایت خاص امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - قرار گیرند.

ربیع المولود ۱۴۲۸

محمد فاضل لنگرانی

(فروردین ۱۳۸۶)

کنگره شهدای کنگان^۱

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا. سلام و درود خداوند بر پیامبر عظیم‌الشان و اشرف و خاتم آنان حضرت محمد - صلی الله علیه و آله - و اوصیاء طاهرین ایشان خصوصاً ولی الله الأعظم امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - که همه برکات مادی و معنوی و همه ارزشها و خوبیها از این وجود نورانی و آن ذوات مقدسه است و صلوات و رحمت الهی بر روح بلند امام امت و ارواح مطهر شهیدان انقلاب اسلامی که پویندگان راه سرخ عاشورا و شاگردان مکتب حسین بن علی - علیهما السلام - و فرزندان محرم و کربلایند و درود بی‌پایان خداوند بر شهدای جنگ تحمیلی و شهدای عزیز کنگان.

شهادت حقیقتی است که از طرف حق تعالی به افراد برگزیده و نفوس مطمئنانه اعطاء می‌گردد. لطف خفی و عنایت خاص و توجه ویژه باری تعالی است که انسانهای خالص و عباد صالح آن را کسب می‌کنند. از برکات مهم دین اسلام خصوصاً مکتب تشیع همین است که این راه بسیار شیرین و در عین حال دشوار و سنگین، برای جامعه و انسانها قرار داده شده است و همگان آموخته‌اند که باید برای حفظ دین و ارزشهای دینی و برای استقلال و عظمت کشور و عزت و سربلندی انسانیت، جان خود را که عزیزترین چیزها است با اخلاص تسلیم کرد و مردم و جامعه را و دین و احکام را در پرتو آن بیمه نمود. از طرفی انسانهایی که به دنبال کمال نهایی و رسیدن به مراتب والای روحی و انسانی‌اند، با اختیار خود از این طریق می‌توانند از ظلمت تکوین و تاریکی، امکان رهایی یافته و به

۱. تاریخ این پیام و پیام بعد به دست نیامد؛ اما چون مسلماً آخرین پیامها نیستند، قبل از آخرین بیانیه آوردیم.

عرش اعلای الهی چنگ زنند و خود را پرده‌نشین اسرار ربوبی نمایند.
به لطف خداوند و با همت مردم متدین و با رهبری امام خمینی - قدس سره الشریف - این نعمت بزرگ در اختیار مردم و جوانان ما قرار گرفت و خوشا به حال کسانی که با سرعت، خود را به این جنت خاص خداوندی رساندند. ما امروز مسئولیت عظیم حفظ و حراست از ایثارگریها و فداکاریهای آنان را بر عهده داریم.

مسئولین ما و خدمت‌گزاران به این نظام اسلامی باید بدانند که به پشتوانه همین مجاهدتهاست که امروزه با اقتدار و عظمت، ایران اسلامی در مقابل قدرتهای بزرگ ایستاده و تا فرهنگ شهادت، محور و اساس باشد، این سربلندی استمرار خواهد یافت. ما باید به نسلهای آینده آثار و برکات این مجاهدتها و دفاع آنان از اسلام و انقلاب را انتقال دهیم. باید فرزندان ما برای همیشه پویندگان راه شهادت باشند. باید همیشه شهادت را عزت ابدی و آرزوی دائمی خود قرار دهیم. باید بدانیم ارواح طیبه جوانان این سرزمین همیشه بر اعمال مسئولین ناظر است.

از مسئولین محترم این کنگره که یاد و خاطره شهدای عزیز کنگران را گرامی داشتند، تشکر می‌کنم. امیدوارم خداوند همه ما را از پویندگان راه شهادت قرار دهد و ما را با سالار شهیدان حسین بن علی - علیهما السلام - محشور فرماید.

محمد فاضل لنکرانی

همایش امیرالمؤمنین و ارزشها

بسم الله الرحمن الرحيم

نعمت عظمای امامت و ولایت برترین موهبتی است که خداوند متعال نصیب مؤمنین و شیعیان نموده است. افتخار پیروی از مکتب اهل بیت عصمت و طهارت و متصل بودن به ریسمان محکم ولایت، امری است که هیچ ارزشی با آن یارای برابری ندارد. همه می‌دانیم که محور قبولی جمیع اعمال و عبادات و امور فردی و اجتماعی و حتی سیر و سلوکهایی معنوی و عرفانی، همان ولایت و امامت است که بدون آن هیچ چیزی دارای اعتبار نیست.
حال که شما مؤمنین و برادران محترم نیروی مقاومت بسیج افتخار برپایی همایش

«امیرالمؤمنین - علیه السلام - و ارزشها» را پیدا نموده‌اید، بدانید که همه ارزشها به امامت و ولایت ختم می‌شود و اهل بیت تنها وسیله‌ی الی الله و حبل محکم و متین الهی هستند و باید آثار و برکات و حقیقت این امر عظیم هرچه بیشتر بررسی شود و جامعه خصوصاً نسل جوان امروز را که آمادگی فراوان برای بهره‌برداری از معارف و حقایق دینی دارند، بیش از گذشته آگاه نمود.

اینجانب ضمن تقدیر و تشکر از برگزارکنندگان این همایش و ضمن سلام و درود به شرکت‌کنندگان، اکیداً توصیه می‌نمایم که بدانید بسیاری از ابعاد وجودی امیرالمؤمنین - علیه السلام - هنوز برای شیعیان آن حضرت مخفی است و لازم است با دقت بیشتر در کلمات و خطبه‌ها و نامه‌های آن وجود مبارک هرچه بیشتر به آن حقیقت راه پیدا نمایم. علی - علیه السلام - حقیقتی بود که همه چیز در پرتو وجود او روشنی و ظهور داشت. انسانی بود که با مدت کم حکومت خویش چشم همه را خیره ساخت و برای همیشه الگوی صالحان و سیاست‌مداران راستین گردید و در یک کلمه ریشه همه ارزشها و اصل و اساس هرازشی وجود مقدس او است. بیاییم او را بیشتر بشناسیم و از دریای بی‌کران آن حقیقت، هرچه بیشتر استفاده بریم. ان شاء الله تعالی.

والسلام علی جمیع إخواننا المؤمنین ورحمة الله وبرکاته

محمد فاضل

تخریب بارگاه عسکرین(ع)

در تاریخ ۱۳۸۶/۳/۲۳ (سه روز پیش از رحلت آیت‌الله فاضل) دومین بار بارگاه منور عسکرین(ع) در عراق را با بمب تخریب کردند و خسارات فراوان وارد ساختند. آیت‌الله فاضل در همان روز آخرین پیام خود در حیات پربار خویش را در بستر بیماری صادر فرمود:

بسم الله الرحمن الرحيم

دست کثیف تحجّر و استعمار بار دیگر مصیبت بزرگی را رقم زد و مسلمانان و شیعیان را عزادار ساخت. اهانت و تخریب حرمین عسکرین - علیهما السلام - که برای دومین بار در فاصله کوتاهی صورت گرفت، حاکی از عمق دشمنی مخالفین اسلام است. تردیدی

نیست که این عمل با طراحی آمریکا و سایر اشغالگران و با تحریک صهیونیسم بوده است. برای همه آگاهان روشن است که وهابیت، که به اتفاق همه گروههای مسلمین از اسلام خارجند و مولود کفر و یهود می‌باشد، هیچ فلسفه وجودی به جز مخالفت با اسلام و قرآن و ایجاد تفرقه میان مسلمین ندارد. این گروه نه تنها به دنبال هدم مظاهر مقدس شیعه بلکه در صدد از بین بردن همه آثار و مقدسات اسلامی از جمله مرقد نبی اکرم - صلی الله علیه و آله وسلم - است و روزی قرآن و کعبه مقدسه را نشانه خواهند رفت.

مع الأسف در حادثه قبل، دنیای اسلام واکنش اساسی نشان نداد و اگر دولتهای اسلامی و علمای گروههای مختلف از خود عکس العمل جدی نشان می‌دادند، امروز این مشرکان خبیث با مظاهر توحید چنین برخورد نمی‌کردند. باید همه مسلمانان و شیعیان ضمن حفظ وحدت و آرامش چاره‌ای اساسی برای حذف این مولود نامشروع یعنی وهابیت بنمایند. همه می‌دانند ائمه طاهرین - سلام الله علیهم أجمعین - الگوی کامل توحید در میان انسانها و بشریتند و احترام به قبور آنان ریسمانی است محکم برای تقرب به حق - تبارک و تعالی - و از مصادیق روشن «ومن یعظم شعائر الله» است.

آمریکا روزی عده‌ای جاهل و عالم‌نما را مأمور تکفیر شیعه کرد و امروز به وسیله همان گروه دست به تخریب اماکن مقدسه زده است و به دنبال ایجاد جنگهای داخلی در کشورهای اسلامی است و این امری است که هوشیاری بیشتری را برای مسلمانان می‌طلبد. دشمنان اسلام و اهل بیت مطمئن باشند، این حوادث مسلمانان واقعی را در تعظیم و تکریم نسبت به اهل بیت مصمم‌تر خواهد ساخت. ما از دولت محترم عراق مجدانه خواستاریم که برای حفظ عتبات مقدسه، اقدامی قاطع داشته باشد و از این مراکز که قلوب همه مسلمانان به آن توجه دارد، محافظت و مراقبت نماید.

اینجانب این حادثه دل‌خراش را به محضر مقدس ولی الله الأعظم امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - تسلیم عرض می‌نمایم و برای همه عاشقان و دل‌دادگان اهل بیت - علیهم السلام - صبر و اجر از خداوند متعال مسئلت می‌نمایم.

محمد فاضل لنکرانی

۵۴۶ بر مسند مرجعیت

بخش سوم:

آینه آثار

آثار او

حضرت آیت‌الله العظمی فاضل از جوانی به خوبی از عهده نگارش برمی‌آمد و نویسنده‌ای خوش‌قلم بود. این امر دست‌کم مایهٔ اعجاب دو تن از بزرگان حوزه یعنی آیت‌الله بروجردی و امام خمینی شد. پیش‌تر شگفتی آیت‌الله بروجردی در قسمت «دانش‌اندوزی» گذشت. در مورد امام خمینی، ذکر خلاصهٔ خاطرهٔ آیت‌الله فاضل از ایام جوانی، مناسب است:

«یکی از بستگان ما که از معممین هست^۱ در سفری به قم، از من خواست تا درسهایی حضرت امام را که به قلم آورده‌ام، به او بدهم تا به ایشان نشان بدهد. او نوشته‌ها را خدمت امام برد. پس از دو، سه روز امام به عنوان بازدید از همان مهمان به منزل ما تشریف آوردند. بعد از رفتن امام، دیدم نوشتجات مرا آورده‌اند. از مهمانمان پرسیدم: در مورد این نوشته‌ها ایشان چه فرمودند؟ تعبیری فرمودند که اگر بخواهم عین آن را بگویم شاید برای بعضی قابل پذیرش نباشد و اگر بخواهم غیر آن را بگویم کذب است. فرموده بودند: من نوشتجات فلانی را مطالعه کردم. من خودم که گویندهٔ این درس هستم، شاید به این خوبی نتوانم ضبط کنم.

این عبارت ایشان در آن زمان بود.»^۲

۱. آن شخص آیت‌الله شیخ محمود اردکانی بوده است. (جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۲/۱۵، ویژه‌نامهٔ شاخه‌ای از شجره طوبی، ص ۷، مصاحبهٔ حجت‌الاسلام محمدجواد فاضل)

۲. ر.ک: پیام انقلاب، ش ۹۰، ص ۲۴.

نکته‌ای که حکایت از تسلط او بر علوم و نگارش دارد، آن است که هنگام تألیف، پیش‌نویس و پاک‌نویس یا مسودّه و مبیضه نداشت بلکه تنها یک بار می‌نوشت و خط‌خوردگیها بسیار اندک بود.

آیت‌الله فاضل در طول حیات پربرکت خویش آثار ارزشمندی از خود به یادگار گذاشت و بدین وسیله خدمات علمی در خور توجه به جویندگان دانش عرضه کرد. نظر به اینکه ذوق و تخصص ایشان بیشتر در فقه و اصول بود، بیشتر این آثار در این دو موضوع است. معرفی اجمالی این کتابها راه‌گشای پژوهشگران خواهد بود.

علوم قرآن

مدخل التفسیر، تحقیق و نشر: قم، مرکز فقه الأئمة الأطهار(ع)، چاپ اول، ۱۴۲۸ق، ۶۶ص، وزیری معظّم‌له پیش از تبعید بحثی را در روزهای پنج‌شنبه و جمعه داشت. در ایام تبعید یادداشتهای درس را تجدید نظر کرد و به صورت کتاب درآورد و بعد از بازگشت به قم موفق به چاپ آن با عنوان مدخل التفسیر شد.

چنان‌که از عنوان برمی‌آید، این اثر مقدمه برای ورود به تفسیر قرآن کریم است. برخی موضوعات علوم قرآنی مانند ابعاد اعجاز قرآن، قرائتهای قرآن و راه نیافتن تحریف در آن، از مباحثی است که نویسنده به تفصیل به آنها پرداخته است.

پیش از این نیز کتاب سه بار بدون تحقیق چاپ شده بود. کتاب با عنوان مقدمات بنیادین علم تفسیر به قلم محمدرسول دریایی ترجمه شده و از سوی انتشارات بنیاد قرآن نشر یافته است.

ضمناً معظّم‌له در صدد تدوین تفسیری بر قرآن کریم بود و تفسیر بخشی از سوره حمد را نیز به عربی نگاشت؛ اما متأسفانه ادامه پیدا نکرد.

کلام و اهل بیت(ع)

اهل البیت یا چهره‌های درخشان در آیه تطهیر، قم، ۲۲ + ۱۵۵ ص، وزیری کتاب در بردارنده برداشتهایی نو از آیه تطهیر است و پنج نکته را توضیح می‌دهد: الف) عدم ارتباط بین آیه تطهیر و آیات مربوط به بانوان رسالت،

ب) استقلال آیه تطهیر، تدوین در موقف خاص،

ج) معنای اراده در جمله «إنما یرید الله»،

د) معنای رجس از نظر قرآن کریم،

ه) منظور از «اهل البیت» در آیه تطهیر.

آیت الله فاضل در چند مصاحبه از این کتاب خود یاد کرده است:

«موضوعی برایم پیش آمد که مربوط به سالها قبل است. من هر وقت به آیه شریفه «إنما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا»^۱ که به آیه تطهیر معروف است، برمی خوردم این سؤال در ذهنم می آمد که اگر این آیه مخصوص اهل بیت پیامبر است، به همسران آن حضرت ارتباطی ندارد؟ چون در بین آیاتی آمده است که از زنان پیامبر و احکام مربوط به آنان سخن می گوید. این مطلب سالها ذهن مرا مشغول کرده بود و به صورت یک مشکل علمی در آمده بود تا آنکه متوسل به حضرت معصومه (س) شدم و به لطف الهی و عنایت آن حضرت این مشکل حل شد؛ به گونه ای که با همکاری جناب آقای شهاب الدین اشراقی - داماد حضرت امام - که هم مباحثه ما بود، کتابی علمی در این باره نوشتیم و با استدلال ثابت کردیم که اولاً، این آیه ارتباطی با همسران پیامبر (ص) ندارد و مخصوص اهل بیت آن حضرت است و اینکه اینجا آمده، حکمی داشته و بیانگر نکته ای است و باید همین جا می آمد. توضیح این مطالب را مفصل در آن کتاب داده ایم. با یک توسل این مشکل ما برای همیشه حل شد و امیدواریم که برای دیگران نیز مفید باشد»^۲

«هر کسی بدون تعصب این بحث را (در این کتاب) در مورد آیه تطهیر مطالعه کند، به نظر من امکان ندارد اعتقاد به ائمه ما و امامت آنها نداشته باشد»^۳

«در این کتاب برداشتی از آیه شریفه کرده ایم که نمی خواهیم حالا اسمش را تحدی یا

۱. احزاب، آیه ۳۴.

۲. فرهنگ کوثر، ش ۳.

۳. پیام انقلاب، ش ۹۰، ص ۲۷.

تهدی بگذارم؛ ولی این برداشت ما در نوع خود بی‌نظیر و ابتکاری بود و بحث به طوری واضح و روشن بیان شده که تاکنون هیچ‌کس بدین سبک تألیف ندارد. من علاقه‌مندان به درک صحیح مفاد آیه را به مطالعه این کتاب دعوت می‌کنم.»^۱

در کتاب، مباحث تفسیری، کلامی و تاریخی مطرح شده است. تاریخ مقدمه، ذی‌قعدة ۱۳۹۱ ق است.

کتاب با عنوان *آیه التّطهیر رؤیة مبتکره* به قلم عباس نخعی ترجمه و از سوی مرکز فقهی ائمه اطهار(ع) نشر یافته است.

ائمه اطهار(ع) یا پاسداران وحی در قرآن کریم، انتشارات علامه، چاپ دوم، ۴۵۵ ص، وزیرى پس از انتشار کتاب شهید جاوید، آیت‌الله فاضل متوجه ایراداتی در آن می‌شود. به اتفاق آیت‌الله اشراقی از نویسنده کتاب می‌خواهند تا در جلسه‌ای مسائل مطرح در آن را به بحث گذارند؛ اما به دلیل چند بار خلف وعده نویسنده، کتاب *ائمه اطهار یا پاسداران وحی* را می‌نویسند و از جمله مطالب آن، مباحث مربوط به علم امام(ع) است.

پدر آیت‌الله فاضل چند بار با چاپ کتاب به دلیل احتمال خطر، مخالفت می‌کند؛ اما با این توضیح که ردّ کتاب شهید جاوید، تکلیف است، رضایت پدر را جلب می‌کند.^۲

نویسندگان در مقدمه، انگیزه خود از تألیف این کتاب را بیان داشته‌اند:

«آنچه ما را وادار به تألیف این کتاب کرد، این نکته بود که امروز در جامعه ایرانی به نام روشن‌فکری و به عنوان دین ساده و تحت لفافه «حسبنا کتاب‌الله» یعنی اسلام منهای رهبری پیغمبر عزیز و هدایت ائمه اطهار(ع) جوانان عزیز ما را اغفال می‌کنند... ما در این کتاب برای اینکه پاسخ‌گوی روشن‌فکرانی باشیم که می‌گویند: «حسبنا کتاب‌الله» اتکا به کتاب عزیز آسمانی قرآن نمودیم تا بگوییم: این قرآن عزیز است که ائمه اطهار را زمام‌داران لایق اسلام می‌داند.»

مباحث مطرح در کتاب عبارت است از: امامت از نظر قرآن کریم، گوشه‌ای از شرایط

۱. نور علم، ش ۳۲، ص ۵۶.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۲/۱۵، ویژه‌نامه شاخه‌ای از سجره طوبی، ص ۸، مصاحبه حجت‌الاسلام محمدجواد فاضل.

امامت، علم امام(ع)، آگاهی حضرت سیدالشهدا از حادثه کربلا.

آیت‌الله فاضل چاپ کتاب را شبه کرامت دانسته است:

«اینجا یک شبه کرامتی هم در کار بود. وقتی این کتاب را نوشتیم، من برای چاپ پول نداشتم و آقای اشراقی هم وضع مالی خوبی داشت؛ ولی در آن شرایط هزینه را پردازد. در نتیجه کتاب روی دستمان ماند. یک شب مرحوم آقای بروجدی را در خواب دیدم در اتاقی روی تشکی که شاید یک وجب ضخامت داشت، با یک لباس فاخر نشسته و حاج احمد - خدمت‌کار ایشان - هم مقابلش ایستاده بود. ما وارد شدیم و چند دقیقه نشستیم و خواستیم خارج شویم، ایشان مرا صدا زد و اشاره کرد که جلو بروم. جلو رفتم. ایشان خم شد و از زیر تشکش یک اسکناس صد تومانی، که آن زمان خیلی ارزش داشت، به من داد و گفت: این صد تومان را بگیرد و صرف چاپ کتاب کنید. از فردای آن روز، راه برای ما باز شد. دیدیم دیگر می‌توانیم کتاب را چاپ کنیم.»^۱

تألیف این کتاب در آن زمان از حیث دفاع از ساحت اهل بیت(ع) بویژه حضرت سیدالشهدا(ع) چنان اهمیتی داشت که پدر آیت‌الله فاضل در روزهای آخر عمر به ایشان گفته بود: «در آخرت امیدم به این کتاب تو است.»^۲

کتاب با عنوان *حماة الوحی* به همت عبدالرحیم حمرانی ترجمه شده و از سوی مرکز فقهی ائمه اطهار(ع) نشر یافته است.

پنج پیام به مناسبت شهادت حضرت فاطمه زهرا(س)، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار(ع)، چاپ اول، ۱۳۸۵ ش، ۶۳ ص، رقعی

آیت‌الله فاضل از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۴ هرسال به مناسبت ایام فاطمیه(س) پیامی صادر می‌کرد^۳ که در وصیت‌نامه خود به آنها افتخار کرده است. اما متأسفانه ایام فاطمیه در سال

۱. جام جم، ۱۳۸۴/۱/۱۵.

۲. جام جم، ۱۳۸۴/۱/۱۵.

۳. معظم‌له در سال ۱۳۸۵ پیامی صادر نکرد. ظاهراً دلیلش آن بود که در همان ایام، پنج پیام قبلی از سوی مرکز فقهی ائمه اطهار(ع) که خود بنیاد نهاده بود، به فارسی و عربی منتشر شد.

۱۴۲۸ق مصادف با رحلت ایشان شد. پیامها با تحقیق مفصل و با ذکر مأخذ متن پیامها در یک مجلد گرد آمده است.

ترجمه این کتاب با عنوان *خمس نداءات بمناسبة أيام شهادة الصديقة الطاهرة فاطمة الزهراء(س)* از سوی مرکز فقهی ائمه اطهار(ع) منتشر شده است.

جبر و تفویض، قم، انتشارات نوح، چاپ دوم، ۱۳۷۴ش، ۶۶ص، وزیری
در این رساله بحثی کلامی در مورد طلب، اراده، سعادت و شقاوت مطرح شده است.
رساله در پایان جلد اول *ایضاح الکفایه*، از ص ۴۴۵ تا ۵۱۰ آمده است.

فقه استدلالی

تفصیل الشریعة فی شرح تحریرالوسیله، وزیری

این کتاب گسترده‌ترین و مهم‌ترین اثر آیت‌الله فاضل به شمار می‌رود که شرحی مبسوط بر *تحریرالوسیله* امام خمینی است. امام تدوین کتاب فقهی *تحریرالوسیله* را هنگام تبعید در ترکیه آغاز کرد و شروع شرح آن به دست آیت‌الله فاضل نیز در ایام تبعید در یزد بود. آیت‌الله فاضل در مصاحبه‌ای از انگیزه خود از نگارش این شرح گفته است:

«در مدت دو سال و نیم تبعید در یزد، برای اینکه هم اشتغال علمی داشته باشم و هم برنامه علمی - تحقیقی خود را دنبال کنم، تصمیم به شرح *تحریرالوسیله* امام گرفتم؛ زیرا در آن روزها کسانی که با مبارزات انقلابی معظّم‌له مخالفت داشتند به منظور ناچیز جلوه دادن شخصیت علمی ایشان، به هر وسیله‌ای چنگ می‌زدند و فکر کردم تنها پاسخ محکم و مناسب به چنین جوسازیهای ذهنی و تبلیغات زهرآگین، همان شرح *تحریرالوسیله* امام است و بس؛ زیرا این تنها وسیله بود که ما می‌توانستیم به وسیله آن از شخصیت والای علمی ایشان دفاع کرده و ضمن آن خدمت ارزنده‌ای هم در جهت پیشبرد مبارزات و اهداف انقلابی ایشان به عمل آوریم؛ زیرا دفاع مؤثر از شخصیت اول و رهبر یک انقلاب، دفاع از خود آن انقلاب است و لذا از سال ۱۳۵۲ شمسی در شهر یزد شروع به کار کرده، در این مدت چهار یا پنج جلد آن را تمام کردم.»^۱

کتاب *تفصیل الشریعه* منحصر به ذکر مبانی امام نیست؛ بلکه مبانی فقهی و اصولی اساتید دیگر ایشان از جمله آیت‌الله بروجردی نیز مد نظر است و نیز ایشان مقید بود آخرین مبانی بزرگان حوزه نجف مانند آیت‌الله خویی را مورد بحث قرار دهد.

حضرت امام به این کار اهتمام داشت. پس از پیروزی انقلاب، سمتی در امور علمی دفتر حضرت امام، به عهده آیت‌الله فاضل گذاشته شد؛ اما ایشان خدمت حضرت امام اظهار داشت: «اگر به این امور پردازم، از ادامه شرح *تحریر الوسیله* باز می‌مانم.» امام در جواب فرمود: «شما به همان کار خود مشغول باشید و دیگران این کارها را به عهده می‌گیرند.»

هدف خالصانه آیت‌الله فاضل نشان دادن چهره علمی امام و تثبیت مرجعیت ایشان بود؛ اما همین کتاب، شخصیت علمی خود او را نیز نشان داد و تأثیر فراوان در تثبیت مرجعیت خود او داشت. آیت‌الله سیدکاظم حائری در مورد بخش حج از *تفصیل الشریعه* چنین اظهار نظر کرده است: «این کتاب بهترین کتابی است که تاکنون در باره مباحث حج نوشته شده است.»^۱

آیت‌الله سید محمد بجنوردی می‌گوید:

«کتاب *تفصیل الشریعه* گرچه به سبک فقه جواهری است اما در آن نوآوری وجود دارد. وقتی که بحث اجاره را تدریس می‌کردم، می‌دیدم که کتاب اجاره *تفصیل الشریعه* واقعاً از کتابهای دیگر در زمینه اجاره، خیلی جلوتر است. ایشان در بحث خود به این اکتفا نکرده که صاحب جواهر و صاحب *حائقی* چه گفته‌اند؛ بلکه علاوه بر بررسی نظریات فقها، تحلیل و نقد و ایراد نیز پرداخته‌اند. این کتاب، عمق و تسلط آیت‌الله فاضل را در فقه می‌رساند. کتاب حج (بخشی از *تفصیل الشریعه*) خیلی عالی است. اگر اهل فن با کتابهای دیگر حج بررسی و تطبیق کنند، خواهند دید که تفاوت فراوانی وجود دارد و کتاب فوق‌العاده‌ای است و بحثها خیلی خوب منتقح شده است. کتاب حج آیت‌الله فاضل یکی از بهترین کتابهای حج در فقه شیعه است.»^۲

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۶/۵/۳، ویژه‌نامه *اسوه فقاہت و مرجعیت*، ص ۵، مصاحبه حجت‌الاسلام محمدجواد فاضل.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۲/۱۵، ویژه‌نامه *شاخه‌ای از شجره طوبی*، ص ۹.

آیت‌الله بجنوردی در مصاحبه‌ای دیگر نیز از تفصیل الشریعه یاد کرده است: «اگر کسی بخواهد میزان تسلط آیت‌الله العظمی فاضل را بر فقه به دست آورد، به نظر من کافی است که به کتاب شرح تحریرالوسیله ایشان مراجعه کند. ایشان اولین کسی بود که شرح تحریرالوسیله را شرح کرد و این شرح واقعاً یکی از بهترین کتابهای فقهی در عصر حاضر است. من اکثر مباحث این کتاب را مطالعه کرده‌ام و برای تدریس خودم استفاده کرده‌ام. واقعاً فقاقت این فقیه بزرگوار و تسلط و تبحرشان در فقه اهل بیت(ع) در این کتابها مشخص می‌شود. در سفر ایشان در اواخر سال ۱۳۵۵ به کربلا، بخشی از شرح تحریرالوسیله را با خود آورده بودند و به حضرت امام نشان دادند. حضرت امام خیلی ایشان را تشویق و ترغیب کردند. مرحوم حاج‌آقا مصطفی مقداری را که دیده بود، برای من تعریف می‌کرد و می‌فرمود: خیلی دقیق و منقح شرح کرده است.»^۱

از آنجا که معظم‌له ابواب تحریرالوسیله را به ترتیب از ابتدا شرح نکرده و بعضی ضرورتها سبب شده که بخشهای مهم‌تر را مقدم بدارد، تفصیل الشریعه شماره مسلسل ندارد و مبحثی که مورد کاوش قرار گرفته، به صورت عنوان فرعی برجلد چاپ شده است. درخور ذکر است مجلداتی که تدوین آنها به سالهای پایانی حیات ایشان باز می‌گردد، دارای شرح و بسط کمتری است. علت آن، کسالت‌های ایشان است که در اواخر حیات، بیشتر شده بود.

معظم‌له در حیات پربرکت خویش موفق شد حدود چهارپنجم تحریرالوسیله را در ۲۷ جلد شرح و تفسیر کند و تاکنون ناشران مختلف از جمله: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دارالتعارف و مرکز فقهی ائمه اطهار(ع) به چاپ آن اقدام کرده‌اند.

عنوانهای فرعی تفصیل الشریعه به ترتیب مباحث تحریرالوسیله بدین قرار است:

الاجتهاد والتقلید، قم، مرکز فقه الأئمة الأطهار(ع)، چاپ چهارم، ۱۴۲۶ق، ۱۳ص

المیاه، قم، ۲۷۶ص

أحكام التخلی، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ش، ۴۳۲ص

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۶/۴/۶، ویژه‌نامه میراث‌دار مکتب فقهی امام خمینی، ص ۴.

التجاسات واحكامها، قم، مؤلف، چاپ اول، ۱۳۶۸ش، ۴۹۲ص
غسل الجنابة والتيمم والمطهرات، مؤسسه العروج، چاپ اول، ۱۳۷۷ش، ۷۲۳ص
الصلاة، ج ۱، قم، مؤلف، چاپ اول، ۱۳۶۷ش، ۶۸۷ص
الصوم، قم، مركز فقه الأئمة الأطهار(ع)، چاپ اول، ۱۴۲۶ق، ۴۲۳ص
الخمسة والأنفال، قم، مركز فقه الأئمة الأطهار(ع)، چاپ اول، ۱۴۲۳ق، ۴۴۰ص
الحج، بيروت، دارالتعارف، چاپ دوم، ۱۴۱۸ق، ۵، ۵۲۳ + ۴۴۸ + ۴۷۲ + ۴۴۸ + ۴۸۰ص
المكاسب المحرمة، قم، مركز فقه الأئمة الأطهار(ع)، چاپ اول، ۱۴۲۷ق، ۳۰۴ص
الإجارة، قم، مركز فقه الأئمة الأطهار(ع)، چاپ دوم، ۱۴۲۳ق، ۶۸۸ص
المضاربة والشركة والمزارعة والمساقاة والدين والرهن والحجر والضمان والحوالة والكفالة
والوكالة والإقرار والهبة، قم، مركز فقه الأئمة الأطهار(ع)، چاپ اول، ۵۱۲ص
الوقف والصدقة والوصية والأيمان والندور والعهد والكفارات والصيد والذباحة، قم، مركز فقه
الأئمة الأطهار(ع)، چاپ اول، ۱۴۲۴ق، ۴۳۱ص
النكاح، قم، مركز فقه الأئمة الأطهار(ع)، چاپ اول، ۱۴۲۱ق، ۶۵۶ص
الطلاق والمواريث، قم، مركز فقه الأئمة الأطهار(ع)، چاپ اول، ۱۴۲۱ق، ۵۳۵ص
القضاء والشهادات، قم، مركز فقه الأئمة الأطهار(ع)، چاپ ۱۴۲۷ق، ۶۴۸ص
الحدود، قم، مركز فقه الأئمة الأطهار(ع)، چاپ سوم، ۱۴۲۷ق، ۷۶۰ص
القصاص، قم، مركز فقه الأئمة الأطهار(ع)، چاپ سوم، ۱۴۲۷ق، ۴۶۳ص
الديات، قم، مركز فقه الأئمة الأطهار(ع)، چاپ اول، ۱۳۷۶ش، ۳۴۴ص
كتاب المكاسب المحرمة در نهمین همایش كتاب سال حوزه كه در سال ۱۳۸۶ش به
عنوان اثر برگزیده انتخاب شد.

نهاية التقرير، تقريرات درس آيت الله بروجردی، تحقيق و نشر: مركز فقه الأئمة الأطهار(ع)، قم،
چاپ سوم، ۱۴۲۰ق، ۳، ۵۱۶ + ۵۳۲ + ۴۲۴ص، وزيری
آيت الله فاضل در سال ۱۳۶۹ق در نوزده سالگی، در درس آيت الله بروجردی شرکت جست
و به پشتوانه هوش خدادادی و تلاش فراوان، به خوبی از درک درس برمی آمد و مطالب
استاد را به قلم می آورد. آيت الله بروجردی با مشاهده بخشی از این تقريرات، آيت الله فاضل

را مورد تشویق قرار داد و از آن پس دست‌نویسهای بعدی را نیز ملاحظه می‌فرمود و بعد از اتمام هر جلد، به چاپ می‌سپرد. وقتی آیت‌الله بروجردی دو سوم متن دست‌نویس جلد دوم را مطالعه کرد، ضمن موافقت با چاپ، اظهار داشت: «هیچ لغزشی در آن ندیدم»^۱

آیت‌الله فاضل از *نهایة التقریر* می‌گوید:

«درسهای آیت‌الله بروجردی را نوشتم تا به اندازه یک جلد پانصد صفحه‌ای رسید. این نوشتجات را خدمت ایشان ارائه دادم و از ایشان خواستم در صورت موافقت، چاپ شود. ایشان هم پس از مدتی مطالعه، کمال موافقت خودشان را با چاپ اعلام داشتند. لذا در حالی که حدود ۲۶ سال داشتم، آن را با عنوان *نهایة التقریر* چاپ و منتشر کردیم و در سالهای بعد جلد دوم آن چاپ و منتشر شد. این دو جلد *نهایة التقریر* مجموعه کتاب صلوات است که مرحوم آقای بروجردی بحث کردند؛ به استثنای نماز مسافر و نماز جمعه که این دو بحث را آیت‌الله آقای منتظری نوشتند و چاپ کردند. لذا نوشته ایشان به ضمیمه این دو جلد که مجموعاً سه جلد می‌شود، مجموعه بحث صلوات مرحوم آقای بروجردی است که در مدتی نزدیک به هشت سال مباحث آن را مطرح کردند و بنده و ایشان نوشتیم و چاپ شد»^۲

آیت‌الله بروجردی پس از تألیف *نهایة التقریر*، بیست هزار تومان برای کمک هزینه خرید خانه برای آیت‌الله فاضل فرستاد.

آیت‌الله العظمی حسین وحید خراسانی در مورد این کتاب می‌گوید:

«من نظریات آیت‌الله بروجردی را از روی همین *نهایة التقریر* نقل می‌کردم و بعضی از شاگردان می‌گفتند: شاید اشکال (اشکالی که مطرح می‌شد) از مقرر باشد. گفتم: من در حق این مقرر احتمال اشتباه نمی‌دهم»^۳

نهایة التقریر ابتدا در دو جلد چاپ شد؛ اما در چاپ جدید در سه مجلد به چاپ رسید. کتاب،

۱. *نهایة التقریر*، ج ۱، ص ۳۱.

۲. *بیام انقلاب*، ش ۹۰، مرداد ۱۳۶۲ ش، ص ۲۶ و ر.ک: مصاحبه معظم‌له در *مجله نور علم*، ش ۴۰، فروردین ۱۳۶۸.

۳. *جمهوری اسلامی*، ۱۳۸۶/۵/۳، ویژه‌نامه *اسوة فقاہت و مرجعیت*، ص ۵، مصاحبه حجت‌الاسلام محمدجواد فاضل

و ر.ک: *جام جم*، ۱۳۸۴/۱/۱۵.

آثار او ۵۵۹

نخستین اثر آیت‌الله فاضل است که تألیف جلد اول در رجب ۱۳۷۴ به پایان رسید^۱ و در سال ۱۳۷۶ چاپ شد؛ یعنی در ۲۴ سالگی به اتمام رسید و در ۲۶ سالگی به زیور طبع در آمد. تدوین جلد دوم در جمادی الاولی ۱۳۷۸ یعنی در ۲۸ سالگی ایشان به پایان رسید.

کتاب الطهارة، تقریرات درس امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار الامام الخمینی، چاپ اول، ۱۳۸۰ش، ۶۲۱ص، وزیری

امام خمینی در کتاب خود با عنوان کتاب الطهارة که نخستین اثر او است، به مباحثی که در آغاز باب طهارت در فقه مطرح است، مانند احکام آبها و وضو و غسل جنابت، نپرداخت و فقط به تدریس آنها بسنده کرد و به قلم نیاورد. خوشبختانه برخی از شاگردان معظم‌له این مباحث را هنگام درس نوشتند. آیت‌الله فاضل از جمله کسانی است که مباحث را تقریر کرد و مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی آن را به چاپ رساند. احکام آبها و وضو براساس کتاب شرائع الاسلام مورد بررسی قرار گرفته‌اند. دست‌نوشته این کتاب به رؤیت امام خمینی رسیده است.

رسالة في الخمس، قم، مرکز فقه الأئمة الأطهار(ع)، چاپ اول، ۱۴۲۳ق، ۸۲ص، وزیری
معظم‌له هنگام جستجو در دست‌نویسهای خود به تقریر بحث خمس آیت‌الله بروجردی برمی‌خورد و آن را در پایان تفصیل الشریعه، مجلد مربوط به خمس و انفال چاپ می‌کند. این رساله مختصر در هشتاد صفحه است.

ثلاث رسائل، قم، مرکز فقه الأئمة الأطهار(ع)، چاپ اول، ۱۴۲۵ق، ۲۴۸ص، وزیری
کتاب در بردارنده سه رساله زیر است:

الف) قاعدة نفی الحرج. این رساله در واقع درس معظم‌له در ماه رمضان ۱۴۰۷ق است که حجت‌الاسلام مرتضی واعظی تحریر کرده است. از ویژگیهای این رساله، علاوه بر تتبع فراوان در اقوال علما، آن است که با این قاعده و با استناد به قرآن کریم - بدون مراجعه به روایات - امامت امام علی(ع) و امامان دیگر را اثبات کرده است.
ب) الفجر في الليالي المقمرة. این رساله نیز تقریر درس معظم‌له است که حجت‌الاسلام

۱. این تاریخ در چاپ قدیم دو جلدی در پایان جلد اول آمده اما در چاپ سه جلدی در جلد دوم، صفحه ۳۳۰ است.

اکبر خادمی اصفهانی نوشته است. وی معتقد است در شبهای مهتابی، فجر به تأخیر نمی‌افتد و لازم نیست نماز صبح را به تأخیر انداخت.

ج) *عدة المرأة التي أخرج رحمها*. معظّم له در کتاب *تفصیل الشریعه* در مبحث طلاق، به مناسبت، از حکم زنی بحث می‌کند که رحمش را با عمل جراحی در آورده و در پی آن حیض نمی‌بیند. نظر به ابتلای فراوان آن، جداگانه چاپ و نشر یافته است.

القواعد الفقهية، قم، مرکز فقه الأئمة الأطهار (ع)، چاپ دوم، ۱۴۲۵ق، ۵۹۲ ص، وزیری
 بیست قاعده از قواعد فقه تبیین شده است. آن قواعد عبارتند از: عدم ضمان الأمين، الاتلاف، إقرار العقلاء، ضمان اليد، الإلزام، من ملك شيئاً ملك الإقرار به، الغرور، نفي السبيل، الجب، الإحسان، الاشتراك، اشتراك الكفار مع المؤمنين في التكليف، عدم شرطية البلوغ في الأحكام الوضعية، مشروعية عبادات الصبي و عدمها، أمارية اليد، القرعة، حركة الإعانة على الإثم، حجية البيّنة، حجية سوق المسلمين، أخذ الأجرة على الواجب.
 تنها جلد نخست این کتاب منتشر شده است. کتاب حاصل تدریس در ایام ماه مبارک رمضان است.

تقیة مداراتی، گروه ارشاد حجاج ایرانی، چاپ اول، ۱۳۶۵ش، ۲۷ص، رقی
 تقیه از امور مهمی است که هنگام مواجهه با غیر شیعیان رعایت آن لازم است. اما بسیاری از چند و چون آن آگاهی لازم ندارند. این رساله کوتاه، در پاسخ به درخواست سازمان حج نگاشته شده، که برای استفاده عموم بویژه روحانیون کاروانها به قلم آمده است.

فقه استدلالی (تقریرات)

سیری کامل در خارج فقه معاصر، محمد دادستان، قم، انتشارات فیضیه، چاپ اول، ۵ ج، وزیری
 این کتاب در واقع از نوارهای درس خارج معظّم له بدون ویرایش نوشته شده است. در این مجلدات، چند باب فقه مورد بحث قرار گرفته است:
 الف) کتاب الخمس، ۱۳۸۲ش، ۲ ج، ۶۴۰ + ۶۴۰ ص
 ب) کتاب القضاء، ۱۳۸۱ش، ۲ ج، ۶۴۰ + ۶۴۰ ص
 ج) کتاب الشهادات، ۱۳۸۱ش، ۱ ج، ۶۴۰ ص

فقه فتوایی (عربی)^۱

أجوبة السائلين، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق، ۱۶۰ ص، رقعی

أحكام الحج من تحرير الوسيلة، قم، چاپ سوم، ۱۳۷۶، ۱۴۴ ص، رقعی

الأحكام الطَّيِّبَة، سوریه، حوزه فقه الأئمة الأطهار (ع)، چاپ اول، ۱۴۲۸ ق، ۲۶۷ ص، وزیری

الأحكام الواضحة، قم، مرکز فقه الأئمة الأطهار (ع)، چاپ پنجم، ۱۴۲۴ ق، ۴۸۰ ص، وزیری

استفتاءات حول الشعائر الحسينية، سوریه، حوزه فقه الأئمة الأطهار (ع)، چاپ اول، ۱۴۲۸ ق، ۱۸ ص، رقعی

جامع المسائل، ج ۱، قم، انتشارات امیرالعلم، چاپ اول، ۱۴۲۵، ۶۱۶ ص، وزیری

العروة الوثقى مع تعليقات المرجع الديني آية الله العظمى الشيخ محمد الفاضل النكراني مدظله، قم،

مرکز فقه الأئمة الأطهار (ع)، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق، ج ۲، ۷۳۶ + ۷۸۴ ص، وزیری

مناسك الحج، قم، مرکز فقه الأئمة الأطهار (ع)، چاپ دوم، ۱۴۲۳ ق، ۴۰۰ ص، نیم جیبی

فقه فتوایی (فارسی)

احکام پزشکان و بیماران، به اهتمام غلامحسین خدادادی، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، چاپ اول،

۱۳۸۵ ش، ۲۴۸ ص، رقعی

احکام پسران جوان، به اهتمام لطیف راشدی، تهران، پیام محراب، چاپ دوم، ۱۳۸۱ ش، ۱۴۲ ص، رقعی

احکام جوانان، قم، چاپ سی و ششم، ۱۳۸۵ ش، ۲۰۳ ص، پالتویی^۲

احکام دختران جوان، به اهتمام لطیف راشدی، تهران، پیام محراب، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش، ۱۴۳ ص، رقعی

احکام دین، به اهتمام محمدحسین فلاحزاده، تهران، نشر مشعر، چاپ هشتم، ۱۳۸۲ ش، ۲۲۸ ص، رقعی

احکام عمره مفرده، قم، چاپ یازدهم، ۱۳۸۳ ش، ۲۵۶ ص، نیم جیبی

استفتاءات حج و عمره، ۳۴۰ ص، نیم جیبی

۱. نظر به فراوانی کتابهای فتوایی، در معرفی آنها صرفاً به ذکر عنوان آنها و مشخصات کتابشناختی بسنده می کنیم.

۲. تیراژ این کتاب به چند میلیون رسید و به زبانهای مختلف ترجمه شد.

۵۶۲ آینه آثار

اعتکاف و احکام آن، به اهتمام علی عطایی اصفهانی، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار، چاپ اول، ۱۳۸۵ ش، ۶۴ ص، جیبی

اعتکاف، به اهتمام علی عطایی اصفهانی، مشهد، مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، ۷۰ ص، رقعی

جامع المسائل (استفتانات)، قم، چاپ یازدهم، ۱۳۸۳ ش، ۲ ج، ۶۰۰ + ۶۲۰ ص، وزیری

چهل مسئله کثیر الابتلاء در حج و عمره، ۱۶ ص، نیم جیبی

دانستنیهای احکام جوانان (ویژه دختران)، به اهتمام لطیف راشدی، قم، نشر مصطفی، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش، ۱۱۰ ص، رقعی

رسالة احکام برای نوجوانان، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش، ۲۱۶ ص، جیبی

رسالة احکام برای نوجوانان، چاپ هفتم، ۱۳۷۸ ش، ۲۱۶ ص، جیبی

رسالة توضیح المسائل، قم، انتشارات امیرالعلم، چاپ صد و سی ام، ۱۳۸۵ ش، ۵۶۰ ص، وزیری

مناسک حج، قم، چاپ پانزدهم، ۱۳۸۵ ش، ۴۲۴ ص، نیم جیبی

فقه فتوایی (ترکی)

احکام جوانان (آذری)، ترجمه هبنان، قم، دفتر نشر نوید اسلام، ۲۰۰۰ م، ۱۱۹ ص، رقعی

احکام جوانان (ترکی استانبولی)، ترجمه کاظم بهجی، توضیحات ارسلان باشاران، قم، ۲۰۰۵ م، ۱۵۸ ص، رقعی

احکام جوانان (ترکی استانبولی)، ترجمه کاظم، ۲۰۰۴ م، ۱۴۱ ص، رقعی

توضیح المسائل (آذری)، ترجمه م. علی زاده، قم، انتشارات شهریار، چاپ اول، ۱۳۸۵ ش، ۳۱۶ ص، وزیری

رسالة توضیح المسائل مختصر (آذری)، ترجمه محمد قاسم، ۳۱۹ ص، پالتویی

رسالة توضیح المسائل (ترکی استانبولی)، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۲ ش، ۵۳۷ ص، رقعی

مناسک حج (آذری)، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۲ ش، ۱۸۲ ص، رقعی

فقه فتوایی (اردو)

احکام جوانان، ترجمه محمد رضوی و محمدجواد علی فلسفی، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش، ۲۸۸ ص، پالتویی

جامع المسائل، چاپ اول، ۲۰۰۱ م، ۸۴۴ ص، وزیری

رسالة توضیح المسائل، ترجمه علی ایمانی، چاپ سوم، ۲۰۰۳ م، ۵۹۵ ص، وزیری

فقه فتوایی (انگلیسی)

رسالة احکام برای نوجوانان، ترجمه منصوره ملکی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۹ ش، ۲۴۷ ص، جیبی

رسالة توضیح المسائل، چاپ پنجم، ۱۳۸۴ ش، ۵۸۵ ص، وزیری

فقه فتوایی (روسی)

توضیح المسائل، ۸۷۵ ص، وزیری

توضیح المسائل، ۳۳۰ ص، وزیری

فقه فتوایی (با مراجع دیگر)

در برخی کتابها علاوه بر فتاوی آیت الله فاضل، دیدگاههای چند تن از مراجع دیگر نیز گرد آمده است. مسلماً تعداد کتابهایی از این دست بسیار بیش از آن است که یافتیم.

احکام بانوان، محمد وحیدی، قم، بوستان کتاب، چاپ چهل و چهارم، ۱۳۸۶ ش، ۲۲۲ ص، رقعی

احکام تقلید و بلوغ، سید مجتبی حسینی، دفتر نشر معارف، چاپ سوم، ۱۳۸۶ ش، ۹۶ ص، رقعی

احکام جوانان و نوجوانان (ویژه پسران)، عبدالرحیم موگهی، قم، شفق، چاپ سوم، ۱۳۷۸ ش، ۱۱۰ ص، رقعی

احکام جوانان و نوجوانان (ویژه دختران)، عبدالرحیم موگهی، قم، شفق، چاپ سوم، ۱۳۷۸ ش، ۱۱۰ ص، رقعی

احکام حجاب و عفت در گلستان مرجعیت، حمید احمدی جلفایی، قم، انتشارات زائر، چاپ چهارم، ۱۳۸۶ش، ۱۶۷ص، رقعی

احکام دختران، محمد وحیدی، انتشارات سنابل، چاپ اول، ۱۳۸۵ش، ۴۲۴ص، رقعی

احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، سید مسعود معصومی، قم، بوستان کتاب، چاپ سی و هشتم، ۱۳۸۶ش، ۲۷۵ص، رقعی

احکام مسافر، محمد وافر، انتشارات صبوری، چاپ اول، ۱۳۸۰ش، ۲۳۲ص، رقعی

احکام موسیقی از نظر مراجع تقلید، سید جلال محبی، انتشارات ممتاز، چاپ اول، ۱۳۷۸ش، ۸۸ص، جیبی

احکام و آداب سفر، محمد وحیدی، انتشارات سنابل، چاپ اول، ۱۳۸۶ش، ۴۲۳ص، وزیری

احکام ویژه بانوان در حج، محمدحسین فلاح زاده، نشر مشعر، چاپ دهم، ۱۴۴ص، جیبی

استفتائات قرآنی، غلامرضا نیشابوری، انتشارات سید جمال الدین اسدآبادی، چاپ اول، ۱۳۷۵ش، ۱۸۳ص، رقعی

استفتائات ویژه حج از محضر مراجع عظام، نشر مشعر، چاپ اول، ۱۳۷۵ش، ۱۵۶ص، رقعی

بررسی تاریخی و فقهی خمس، عبدالرحمان انصاری و مصطفی آخوندی، قم، بوستان کتاب، چاپ دوم، ۱۳۸۶ش، ۱۵۶ص، رقعی

پاکی‌ها و ناپاکی‌ها در اسلام، محمد وحیدی، قم، بوستان کتاب، چاپ سوم، ۱۳۸۶ش، ۲۵۲ص، رقعی

توضیح المسائل مراجع، بنی هاشمی خمینی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۱، چاپ نهم، ۱۳۸۳ش، ۱۰۰۰ص و ج ۲، چاپ هشتم، ۱۳۸۳ش، ۱۰۳۶ص، وزیری

چگونه باید روزه گرفت؟، عبدالرحمان انصاری و یدالله مقدسی، قم، بوستان کتاب، چاپ سوم، ۱۳۸۶، ۱۷۲ص، رقعی

چهره‌ای زیبا و باطراوت، زکریا بیگدلی، انتشارات کشف الغطاء، چاپ اول، ۱۳۸۶ش، ۱۳۶ص، رقعی

دانستنی‌ها و احکام ازدواج از دیدگاه علما و مراجع تقلید، سید کاظم کاظمی، انتشارات پیوند با امام، چاپ اول، ۱۳۸۶ش، ۱۶۵ص، رقعی

آثار او ۵۶۵

رسالة توضیح المسائل چهار مرجع، لطیف راشدی، تهران، پیام محراب، چاپ سوم، ۱۳۷۹ش، ۷۶۸ص، وزیری

مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید، سید محسن محمودی، انتشارات صاحب الزمان(ع)، چاپ اول، ۱۳۸۵ش، ۵ ج، ۲۰۸ + ۲۰۸ + ۲۴۰ + ۲۴۰ + ۲۰۸ص، رقعی

مناسک آموزشی عمره و حج، رضا مسجدی اصفهانی، اصفهان، انتشارات الحج، چاپ هفدهم، ۱۳۸۲ش، ۱۲۷ص، وزیری

مناسک حج (ویژه بانوان)، محمدحسین فلاح‌زاده، تهران، نشر مشعر، چاپ ششم، ۱۳۸۲ش، ۲۳۸ص، پالتویی

مناسک عمره مفرده (ویژه بانوان)، تهران، نشر مشعر، چاپ نهم، ۱۳۸۲ش، ۱۴۲ص، پالتویی

اصول(تألیف)

معمد الأصول، تقریرات درس امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۲ ج، ۱۳۷۸ و ۱۳۸۱ش، ۵۲۹ + ۵۱۹ص، وزیری

در این کتاب، مباحث زیر از علم اصول فقه مطرح است:

اوامر، نواهی، مفاهیم، عام و خاص، مطلق و مقید، احکام قطع، احکام ظن، براءت، تخییر، اشتغال، تعادل و تراجیح، اجتهاد و تقلید.

اصول(تقریرات)

اصول فقه شیعیه، محمود و سعید ملکی اصفهانی، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار(ع)، چاپ اول، ۱۳۸۱ش، ۵۷۶ + ۵۵۱ + ۵۲۷ + ۶۴۰ + ۵۱۱ + ۵۶۸ص، وزیری

نظر به اینکه دروس آیت‌الله فاضل از پربرترین درسهای حوزه علمیه بود، دو تن از فضلالی حوزه بر آن شدند تا ضمن شرکت در درس اصول معظم‌له، آنها را به رشته تحریر در آورند. وقتی که استاد معظم بخشی از نوشته را ملاحظه کرد، نویسندگان را به ادامه کار تشویق کرد و این تشویق، انگیزه آنها را دوچندان ساخت.

در این اثر دیدگاههایی از آیت‌الله بروجردی و امام خمینی آمده که استاد در درس از آنان شنیده و در جای دیگر حتی در تقریرات چاپی استاد دیده نمی‌شود.

یضاح الکفایه، سید محمد حسینی قمی، قم، انتشارات نوح، وزیری؛ ج ۱، چاپ پنجم، ۱۳۸۵ش،

۵۷۵ص؛ ج ۲، چاپ پنجم، ۱۳۸۵ش، ۵۲۸ص؛ ج ۳، چاپ چهارم، ۶۰۰ص؛ ج ۴، چاپ پنجم، ۱۳۸۴ش، ۴۸۸ص؛ ج ۵، چاپ چهارم، ۱۳۸۴ش، ۴۸۰ص؛ ج ۶، چاپ سوم، ۴۴۸ص
 معظم‌له در طول عمر پربرکت خود، شش دوره کتاب *کفایة الأصول*، تألیف آخوند خراسانی را تدریس کرد و اکنون نوار این دوره موجود است. آخرین دوره درس را حجت‌الاسلام حسینی به رشته تحریر در آورد. آیت‌الله فاضل در تقریظ خود بر کتاب، پس از ملاحظه بخش‌هایی، آن را ستوده است.
 در پایان جلد اول، فهرست تفصیلی همه مجلدات آمده است.

تبیان الأصول، عبدالله اسلامی حائری، قم، انتشارات مدین، چاپ اول، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ۳۵۴ص، وزیری
 این کتاب تقریری دیگر از درس اصول آیت‌الله فاضل به زبان عربی است. مباحث قطع و ظن و مباحث اصول عملیه را در بر دارد.
 آیت‌الله فاضل پیش از چاپ، قسمتهایی از آن را ملاحظه کرده و آن را وافی مقصود، بدون بسط ملال‌آور و خلاصه‌گویی مخل توصیف کرده است.
 تنها جلد سوم این کتاب به چاپ رسیده است.

دراسات فی الأصول، سید صمدعلی موسوی، قم، دارالتفسیر، چاپ اول، ۱۳۸۳ش، ج ۲، ۷۶۷ + ۵۶۵ص، وزیری
 حجت‌الاسلام سید صمدعلی موسوی از شاگردان آیت‌الله فاضل است که درسهای اصول ایشان را به زبان عربی و فشرده به قلم آورده است. آیت‌الله فاضل پیش از چاپ، قسمتهایی از آن را مطالعه کرده و آن را در تقریظ بر کتاب، ستوده است.

سیری کامل در اصول فقه، مؤسسه روزنامه فیضیه، قم، انتشارات فیضیه، چاپ اول، ۱۳۷۷ - ۱۳۸۰ش، ج ۱۶، وزیری
 حاصل ده سال تدریس خارج اصول آیت‌الله فاضل است و تقریباً عین عبارات معظم‌له را بدون ویرایش، از نوار پیاده کرده‌اند.

اندیشه سیاسی

آیین کشورداری از دیدگاه امام علی(ع)، تقریر: حسین کریمی زنجانی، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار(ع)، چاپ نهم، ۱۳۸۵ش، ۱۵۲ص، رقعی

آیت‌الله فاضل در تقریظ بر کتاب، به روشنی کتاب را چنین معرفی کرده است:
«کتاب آیین کشورداری از دیدگاه امام علی - علیه السلام - تقریر بحث‌هایی است که به عنوان شرح عهدنامه آن حضرت به مالک اشتر توسط اینجانب در سالهای اولیة انقلاب اسلامی ایراد گردیده. قبلاً این کتاب به صورت کامل و مفصل چاپ و مکرراً انتشار یافته لیکن به جهت کثرت استقبال و تسهیل در وصول به مطالب، اینک با ویرایش جدید به صورت ملخص عرضه می‌گردد.»

کتاب با عنوان *الدولة الاسلامیة* به اهتمام عبدالرحیم حمرانی ترجمه و مرکز فقهی ائمه اطهار(ع) آن را منتشر کرده است.

آیین کشورداری از دیدگاه امام علی(ع)، تقریر: حسین کریمی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ نهم، ۱۳۷۹ش، ۲۰۶ص، وزیر

این کتاب، چاپ قبلی کتاب پیش‌گفته و مفصل‌تر است.

اکنون چند اثر مخطوط از آیت‌الله فاضل باقی مانده که امید است در آینده به زیور طبع در آیند:

- بخشی از تفسیر سوره حمد

- آیت‌الله بروجردی در جلسات روزهای پنج‌شنبه بحثی در رجال داشت. آیت‌الله فاضل از شرکت‌کنندگان در آن جلسه بود و اخیراً در کتابخانه مسجد اعظم جزوه‌ای محصول آن جلسات، به خط ایشان یافت شد که مربوط به رجال نجاشی است.

یکی از شاعران، برخی تألیفات معظم‌له را به نظم معرفی کرده است:

از او آثار تحقیقی و ارزشمند با برجاست

همین آثار بر فضل و کمالش شاهد گویاست

زتألیفات ارزشمند ایشان القواعد دان

که ارزشمندی او را مطالب می‌شود برهان

حماة الدین و تفصیل الشریعة، معتمد دیگر

کتاب مدخل التفسیر و اهل البیت پیغمبر

دگر تفسیر او بر سورة حمد و مناسک دان
همه احکام دینی را ز توضیح المسائل خوان
ز تبیان الأصول بس فوائد می شود عائد
در آن جا نیست چیزی کو شود بیهوده و زائد
ز ایضاح الکفایة و ز نہایة می شود ظاهر
کمال و فضل این مرد بزرگ و طیب و طاهر
نوشته حاشیه بر عروة الوثقی یزدی هم
نظر داده است خوش در هر کلام معظم و مبهم
ز احکام جوانان و اصول فقه و تقریرات
بباید یاد کردن زانکه باشد جزو تألیفات
بخوان آیین کشورداری این مرد والا را
که کرده شرح، آن گفتار پرمعناى مولا را
به جز اینها از او دهها کتاب و جزوه موجود است
که آنها هر یکی بر مؤمنان پر بهره و سود است

در باره او

تاکنون کتابها و مقاله‌های متعدّد در معرفی این شخصیت برجسته نشر یافته است که به معرفی اجمالی آنها می‌پردازیم.

کتابها

اسوه فقاہت و پارسایی، قم، مؤسسه انتشارات ائمه(ع)، چاپ اول، ۱۳۸۶ش، ۲۳ص، رقعی
مختصری از شرح حال آیت‌الله فاضل در آن آمده است.

خویشیید فقاہت و فضیلت، ویژه‌نامه اربعین رحلت فقیه اهل بیت حضرت آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی قدس سره، سید محمدجواد نور موسوی و ابراهیم سلیمانی، چاپ اول، ۱۳۸۶، ۷۰ص، خشتی
در ابتدا شمه‌ای از زندگانی آمده و سپس متن کامل یا گزیده‌ای از اطلاعیه‌ها و پیامهای صادر به مناسبت رحلت معظم‌له درج شده است. پس از ذکر دو وصیت‌نامه از آیت‌الله فاضل، تصاویر رنگی فراوان از ایشان و از مجالس تشییع و ترحیم آمده است.
کتاب به مناسبت اربعین رحلت آیت‌الله فاضل انتشار یافته است.

زندگی‌نامه آیت‌الله العظمی حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی، حسین کریمی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۰، ۱۳۸ص، پالتویی
به اختصار گوشه‌ای از فعالیتهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی معظم‌له آمده است.

سلسله نور، شیرمحمد نظری، انتشارات شهریار، چاپ اول، ۱۳۸۵ش، ۱۶۰ص، رقعی
کتاب شامل شرح حال آیت‌الله فاضل و پدر بزرگوارشان، به زبان روسی است. پایان‌بخش کتاب، تصاویر رنگی متعدد از آن دو بزرگوار است.

شمه‌ای از زندگانی و آثار حضرت آیت‌الله العظمی حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی، ۵۲ ص، وزیری مطالب کتاب در شش قسمت با این عنوانها تنظیم شده است: مختصری از زندگانی آیت‌الله فاضل لنکرانی، تألیفات و آثار قلمی، مبارزات سیاسی، تأسیس مدرسه علمیه، در مسیر اهل بیت عصمت و طهارت، امامت حرم مطهر قدمی در راه وحدت و یکپارچگی مسلمین.

لمحة عن نشاطات حوزة فقه الأئمة الأطهار(ع) ومكتب المرجع الديني سماحة آية الله العظمى محمد الفاضل اللنكراني، سوریه، حوزة فقه الأئمة الأطهار(ع)، ۵۸ ص، رقعی در ابتدا گوشه‌ای از زندگی‌نامه درج شده و پس از آن به تفصیل، مرکز فقهی ائمه اطهار(ع) در سوریه معرفی شده است.

مرجع وارسته آیت‌الله العظمی شیخ محمد فاضل لنکرانی مد ظله العالی، هیئت علمی مؤسسه نوید اسلام، قم، نوید اسلام، چاپ اول، ۱۳۸۴ ش، ۳۰۰ ص، رقعی این کتاب با تفصیل بیشتر به معرفی آیت‌الله فاضل پرداخته است. عنوانهای بخشهای چهارده‌گانه کتاب بدین قرار است: نگاهی به تاریخ فقه و زندگی فقها، خاندان پرفضیلت فاضل لنکرانی، ولادت و نشو و نما و تحصیلات، اساتید تأثیرگذار و خاطراتی از آنان، سیره علمی و تحقیق، سیره عملی و اخلاقی، مصاحبه‌ها و دیدگاهها، فرزند از پدر سخن می‌گوید، آراء سیاسی و اجتماعی، خدمات مردمی و آثار فرهنگی و اجتماعی، نامه‌ها و مکاتبات، اعلامیه‌ها و اسناد و مدارک، آثار علمی و تألیفات، تصاویر.

من حياة سماحة المرجع الديني آية الله العظمى الحاج الشيخ محمد الفاضل اللنكراني مد ظله العالی، محسن اسدی، قم، مرکز فقه الأئمة الأطهار(ع)، چاپ دوم، ۱۴۲۷ ق، ۷۲ ص، پالتویی در بردارنده شمّه‌ای از زندگانی آیت‌الله فاضل است و در ادامه، مرکز فقهی ائمه اطهار(ع) معرفی شده است.

من حياة المرجع الديني آية الله العظمى الشيخ محمد الفاضل اللنكراني دام ظله، محسن اسدی، قم، مرکز فقه الأئمة الأطهار(ع)، چاپ اول، ۱۴۲۱ ق، ۶۰ ص، پالتویی نویسنده پس از بیان مختصری از زندگانی معظم‌له، استادان و آثار علمی ایشان را معرفی کرده و در ادامه، به بعد سیاسی پرداخته است. معرفی بخشهای مختلف مرکز فقهی ائمه اطهار(ع) پایان‌بخش کتاب است.

در بارهٔ او ۵۷۱

نجم الفقاهة، لمحات من حياة المرجع الديني الكبير آية الله العظمى الشيخ محمد الفاضل النكراني قدس سره، على فخر الاسلام، سوریه، حوزة فقه الأئمة الأطهار(ع)، چاپ اول، ۱۴۲۸ ق، ۶۴ ص، رقعی
مختصری از زندگانی معظم‌له آمده است و در آن، شخصیت علمی، سیاسی و اخلاقی ایشان معرفی شده است. در ادامه، دو وصیت‌نامه و تصاویری از ایشان و تشییع جنازه و نیز مجالس ترحیم در سوریه درج شده است.

مقاله‌ها

آشنایی با ستارگان هدایت، حسین آوردی، قم، دفتر نشر برگزیده، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش
شرح حال چند تن از مراجع تقلید معاصر در آن گرد آمده است. گوشه‌ای از زندگی‌نامه آیت‌الله فاضل از صفحه ۶۹ تا ۸۲ درج شده است.

آیین کشورداری از دیدگاه امام علی(ع)، محمد فاضل لنکرانی، تقریر و تنظیم و مقدمه: حسین کریمی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۸ ش
در مقدمهٔ این کتاب شرح حال مختصر آمده است. پس از بیان شمه‌ای از سابقهٔ تحصیلی معظم‌له، به مبارزات سیاسی و سپس به معرفی تألیفات ایشان بویژه آیین کشورداری پرداخته شده است.

ابعاد شخصیتی آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی، هفته‌نامه/فق حوزه، ۱۳۸۶/۵/۳، ص ۴
مصاحبهٔ حجت‌الاسلام محمدجواد فاضل در مورد ابعاد گوناگون شخصیت والد معظم‌له آمده است.

اسوهٔ فقاہت و مرجعیت، ویژه‌نامه به مناسبت اربعین ارتحال آیت‌الله فاضل، روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۸۶/۵/۳

در این ویژه‌نامه عنوانهای زیر دیده می‌شود:

- امتداد وجودی امام خمینی، مسیح مهاجری؛

- اسوهٔ فقاہت و مرجعیت، گفتگو با آیت‌الله محمدجواد فاضل لنکرانی؛

- فقه استوار در سایهٔ مبانی استوار، سید ضیاء مرتضوی؛

- بایسته‌های عزاداری از نگاه فقیه فاضل، محمد کاظم تقوی؛

- گزارش فعالیتهای معاونت فرهنگی و مراکز فقهی ائمهٔ اطهار(ع)؛

- تحقیق ارزشمند و ماندگار، معرفی موسوعه احکام الأطفال و أدلتها؛
- در فراق امام، ترجمه تفصیل الشریعه، کتاب حج، ج ۱، ص ۲۳۵ - ۲۳۷. (مطالبی در
سوغ امام خمینی به جهت مصادف شدن ایام تدوین با رحلت امام خمینی)

او دین باور حقیقی بود، روزنامه اعتماد ملی، ۱۳۸۶/۸/۱۲، ص ۷
حجت الاسلام محمدجواد فاضل در مصاحبه‌ای پاره‌ای دیدگاه‌های والد معظم را تبیین
کرده است: اهتمام به فقه الحدیث و دیدگاه مشهور، اجرای حدود در عصر غیبت، ولایت
فقیه، حقوق زنان و سوده‌های بانکی.
در ادامه، به بیان برخی ویژگی‌های آیت‌الله فاضل پرداخته است.

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، سید محسن صالح، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول،
۱۳۸۵ ش، ج ۳
شمه‌ای از شرح حال ایشان از صفحه ۳۰۳ تا ۳۰۹ آمده است.

خبرگان ملت، دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۰ ش، ج ۲
زندگانی خودنوشت نمایندگان مجلس خبرگان رهبری در کتاب فوق گرد آمده است.
شرح حال خودنوشت آیت‌الله فاضل از صفحه ۵۳۵ تا ۵۴۴ است. گویا این زندگی‌نامه از
مصاحبه‌های ایشان گرفته شده است.

روزنامه جمهوری اسلامی

روزنامه‌ها و نشریات مختلف، سخنان و پیام‌های آیت‌الله فاضل را منعکس می‌کردند. از میان
آنها روزنامه جمهوری اسلامی بیش از دیگران این سخنان و پیامها را در اولین فرصت چاپ
و نشر می‌داد. چنان‌که از وصیت‌نامه آیت‌الله فاضل می‌توان این مطلب را به دست آورد:
«تمامی اعلامیه‌ها و پیامهایی که در مقاطع مختلف در مورد امور مذهبی و سیاسی داده می‌شد،
مربوط به اینجانب است و مخصوصاً آنچه را که روزنامه جمهوری اسلامی منعکس می‌نمود.»

ستارگان فقاہت، محمد تقی ادهم‌نژاد، قم، انتشارات انمه(ع)، چاپ اول، ۱۳۸۵ ش
شرح حال مختصر از زندگی نه تن از مراجع وقت گرد آمده است. آیت‌الله فاضل یکی
از آنها است که از صفحه ۱۰۷ - ۱۱۸ به ایشان اختصاص دارد.

در بارهٔ او ۵۷۳

سیر مبارزات امام خمینی در آینهٔ اسناد به روایت ساواک، تهران، مؤسسهٔ تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۸۶ش

این کتاب ۲۲ جلدی مقالهٔ مستقلی مربوط به آیت‌الله فاضل ندارد اما در اسناد متعدد از دوران پیش از پیروزی انقلاب، نام معظم‌له دیده می‌شود. بنابراین چنین کتابی منبع مناسبی جهت آشنایی با فعالیتهای سیاسی معظم‌له در پیش از انقلاب است.

شاخه‌ای از شجرهٔ طوبی، ویژه‌نامهٔ زندگی آیت‌الله فاضل، روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۲/۱۵
در این ویژه‌نامه عنوانهای زیر دیده می‌شود:

- شاخه‌ای از شجرهٔ طوبی، سرمقاله؛

- تجلی علم، فضیلت و معنویت، نگاهی گذرا به زندگی آیت‌الله فاضل؛

- مروری بر زندگی علمی آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی؛

- فضائل و ویژگیهای آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی، گفتگو با آیت‌الله رضا استادی؛

- دو استاد برجسته (آیت‌الله بروجردی و امام خمینی) در خاطرهٔ آیت‌الله فاضل لنکرانی؛

- ابعاد مختلف زندگی آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی، گفتگو با حجت‌الاسلام والمسلمین محمدجواد فاضل لنکرانی؛

- استمرار مبانی فقهی امام خمینی در حوزه، گفتگو با آیات: سید محمد بجنوردی و سید کاظم نورمفیدی؛

- ولایت فقیه ملاک مشروعیت حکومت، گفتاری از آیت‌الله فاضل؛

- آثار علمی آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی، محمد کاظم تقوی؛

- آشنایی با مرکز فقهی ائمهٔ اطهار(ع)؛

- حضور در عرصهٔ اجتماعی، سیاسی؛

- شأن مرجعیت.

گروهی از دانشمندان شیعه، رضا استادی، قم، چاپ اول، ۱۳۸۳ش

از صفحهٔ ۶۴۸ تا ۶۵۳ به معرفی آیت‌الله فاضل اختصاص دارد.

گلشن ابرار، جمعی از پژوهشگران پژوهشکدهٔ باقرالعلوم(ع)، قم، انتشارات نورالسجاده، چاپ اول، ۱۳۸۵ش، ج ۶

به اختصار شرح حال آیت‌الله فاضل از صفحه ۵۶۶ تا ۵۸۱ درج شده است.

گنجینه دانشمندان، محمد شریف رازی، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۵۲ش، ج ۲
این کتاب به بیان زندگانی علما و فضلا اختصاص دارد و بسیاری از آنها معاصر نویسنده
هستند. از صفحه ۲۱۴ تا ۲۱۵ شرح حال کوتاهی از معظم‌له آمده است.

مصاحبه‌های آیت‌الله فاضل

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مصاحبه‌های متعدّد با ایشان صورت گرفت و در مطبوعات
به چاپ رسید. این مصاحبه‌ها یکی از بهترین منابع برای آشنایی با شخصیت ایشان است.
پیش از این، متن کامل آنها همراه آدرس گذشت.

مقدمات بنیادین علم تفسیر، آیت‌الله فاضل لنکرانی، ترجمه محمدرسول دریایی، تهران، انتشارات
بنیاد قرآن، چاپ اول، ۱۳۸۱ش

چکیده‌ای از شرح حال نویسنده در ابتدای کتاب از صفحه ۲۷ - ۳۱ آمده است.

میراث‌دار مکتب فقهی امام خمینی، ویژه‌نامه به مناسبت ارتحال آیت‌الله فاضل، روزنامه جمهوری
اسلامی، ۱۳۸۶/۴/۶

مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی به مناسبت ارتحال معظم‌له ویژه‌نامه‌ای تهیه
کرد که به وسیله روزنامه جمهوری اسلامی منتشر شد. مطالب مندرج در آن عبارت است از:
- تبیین ابعاد مختلف زندگی آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی، گفتگو با حجت‌الاسلام
والمسئومین محمدجواد فاضل؛

- / او زعیم حوزه علمیه بود، گفتگو با آیت‌الله سید محمد موسوی بجنوردی؛

- آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی ذخیره بزرگ علمی برای حوزه‌های علمیه، گفتگو با

آیت‌الله رضا استادی؛

- آیت‌الله فاضل حفظ نظام را واجب می‌دانست، آیت‌الله محمدرضا توسلی؛

- گفتگو با حجت‌الاسلام والمسلمین سید مجتبی نورمفیدی؛

- خورشید عالم‌تاب، نوشتاری از آیت‌الله فاضل در سوگ رحلت آیت‌الله بروجردی؛

- خاطره‌ای از محبت امام خمینی به آیت‌الله فاضل در سفر کربلا؛

- بیانات آیت‌الله فاضل به مناسبت رحلت حجت‌الاسلام والمسلمین سید احمد خمینی؛

- امام خمینی مصداق انسان کامل، گفتاری از آیت‌الله فاضل؛

در بارهٔ او ۵۷۵

- معرفی تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله، حسن پویا؛

- دیدگاههای آیتالله فاضل در حفاظت از انقلاب، ولایت فقیه، مبارزات مردم فلسطین

و حکم ارتداد سلمان رشدی؛

- تألیفات علمی در کنار مجاهدتهای سیاسی؛

- نگاهی به زندگانی پربرکت آیتالله العظمی فاضل.

در این ویژه‌نامه همچنین پیام مقام معظم رهبری و حجت‌الاسلام سید حسن خمینی

به مناسبت ارتحال آیتالله فاضل و نیز وصیت‌نامهٔ ایشان درج شده است.

٥٧٦ آينه آثار

در باره پدر

متأسفانه کتاب مستقلی در معرفی آیت‌الله فاضل قفقازی - پدر آیت‌الله فاضل لنکرانی - نوشته نشده؛ بلکه در لابه‌لای متون و مصاحبه‌های آیت‌الله فاضل می‌توان به مطالبی دست یافت.

آثار الحجه، محمد شریف رازی، قم، دارالکتاب، چاپ سوم، ج ۲
شرح حال کوتاه آیت‌الله فاضل قفقازی در صفحه ۵۹ درج شده است. این زندگی‌نامه در زمان حیات ایشان نوشته شده است.

آینه دانشوران، سید علی‌رضا ریحان یزدی (م ۱۳۶۳ش)، تحقیق ناصر باقری بیدهندی، قم، کتابخانه آیت‌الله نجفی، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش
شرح حال فاضل قفقازی در صفحه ۲۳۲ آمده است. این شرح حال کهن‌ترین شرح حال معظّم‌له است که در زمان حیات وی بلکه در زمان حیات آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری نوشته شده است.

اجساد جاویدان، علی اکبر مهدی‌پور، قم، انتشارات حاذق، چاپ اول، ۱۳۷۴ش
هشت سال پس از درگذشت آیت‌الله فاضل قفقازی وقتی کنار قبر او قبری را حفر می‌کنند، روزنه‌ای به قبر ایشان باز می‌شود و بدن سالم وی را مشاهده می‌کنند. گزارش آن از صفحه ۳۵۵ تا ۳۵۷ آمده است.

تربیت پاکان قم، عبدالحسین جواهرالکلام، قم، انتشارات انصاریان، چاپ اول، ۱۳۸۲ش، ج ۲
زندگی‌نامه کوتاه ایشان از صفحه ۱۲۴۵ تا ۱۲۴۶ درج شده است.

ستارگان حرم، گروهی از نویسندگان فرهنگ کوثر، قم، انتشارات زائر، چاپ اول، ۱۳۸۲ش، ج ۱۲ از صفحه ۲۶۴ تا ۲۸۰ به شرح حال آیت‌الله فاضل قفقازی اختصاص دارد.

شیخان قم، مینا احمدیان، قم، دلیل ما، چاپ اول، ۱۳۸۳ش
علما و شخصتهای برجسته‌ای در قبرستان شیخان قم مدفونند. زندگی‌نامه آنها در این کتاب گرد آمده است و از جمله آنها آیت‌الله فاضل قفقازی است. از صفحه ۳۱۲ تا ۳۱۳ به معرفی ایشان اختصاص دارد.

گنجینه دانشمندان، محمد شریف رازی، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۵۲ش، ج ۲
این کتاب به شرح زندگانی علما و فضلا اختصاص دارد و بسیاری از آنها معاصر نویسنده هستند. از صفحه ۲۱۳ تا ۲۱۴ شرح حال کوتاهی از معظم‌له آمده است.

مرجع وارسته آیت‌الله العظمی شیخ محمد فاضل لنکرانی مد ظله العالی، هیئت علمی مؤسسه نوید اسلام، قم، نوید اسلام، چاپ اول، ۱۳۸۴ش، ۳۰۰ ص، رقی
به طور پراکنده در مورد آیت‌الله فاضل قفقازی نیز مطالبی آمده؛ اما از صفحه ۳۳ تا ۴۰ به معرفی ایشان اختصاص دارد.

لغزشها در شرح حالها

تاکنون در مورد آیت‌الله العظمی فاضل و پدر بزرگوارشان مطالب فراوان در کتابها و مطبوعات به نگارش در آمده است. در میان آنها به لغزشهایی برخوردیم که ذکر آنها مناسب است:

- در کتاب مرجع *وارسته* (ص ۳۶ و ۳۷) نام پدر بزرگ پدری آیت‌الله فاضل «حاج محمدجعفر» ضبط شده است؛ در حالی که نام او «حاج بشیر» بود. در کهن‌ترین شرح حال آیت‌الله فاضل قفقازی که در زمان حیات آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری نوشته شده، نام پدر او «حاج بشیر» ضبط شده است.^۱ در ذریعه (ج ۲۴، ص ۴۴) نیز «بشیر» مضبوط است.

- پس از تصویب انجمنهای ایالتی و ولایتی، پدر آیت‌الله فاضل نامه‌ای اعتراض‌آمیز در سال ۱۳۴۲ش به اسدالله علم - نخست‌وزیر - نوشت. اما در *گلشن ابرار* (ج ۶، ص ۵۷۴) این نامه به خود آیت‌الله فاضل نسبت داده شده است. معظّم‌له در آن موقع ۳۲ سال داشته و با ارسال چنین نامه‌ای چندان هماهنگی ندارد.

از آیت‌الله فاضل نامه به نخست‌وزیر در سالهای ۴۲ و ۴۳ سراغ داریم؛^۲ اما آنها را چندین نفر از فضلا به صورت گروهی نوشته‌اند.

- در کتاب *ترتیب پاکان قم* (ج ۲، ص ۱۲۴۵ - ۱۲۴۶) که در سالهای اخیر تألیف شده،

۱. ر.ک: *آئینه دانشوران*، ص ۲۳۲.

۲. *اسناد انقلاب اسلامی*، ج ۳، ص ۱۰۹ - ۱۱۰ و ص ۱۲۸ - ۱۳۰.

شرح حال پدر آیت‌الله فاضل (آیت‌الله فاضل قفقازی) آمده است. در آنجا می‌خوانیم که: وی تاکنون در درس خارج آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری - مؤسس حوزه علمیه قم - شرکت می‌کند.

ظاهراً نویسنده، عبارت را از کتاب *آینه دانشوران* (ص ۳۳۲) گرفته است؛ اما *آینه دانشوران* در زمان حیات حاج شیخ نوشته شد. در *تربت پاکان* قم چند سطر بعد، تاریخ درگذشت آیت‌الله فاضل قفقازی هم نوشته شده است.

- در کتاب *گنجینه دانشمندان* (ج ۲، ص ۲۱۴) محل دفن آیت‌الله فاضل قفقازی در جوار حضرت معصومه (س) ذکر شده است. این عبارت حاکی از آن است که معظم‌له در بارگاه آن حضرت به خاک سپرده شده است؛ حال آنکه مدفن او قبرستان شیخان است.

- تاریخ تولد آیت‌الله فاضل در *گلشن ابرار* (ج ۶، ص ۶ و ۵۶۶) سال ۱۳۱۴ ش ضبط شده؛ حال آنکه ۱۳۱۰ صحیح است. منشأ اشتباه آن است که پدر آیت‌الله فاضل در سال ۱۳۱۴ ق متولد شد و مطالب را خلط کرده‌اند.

- در کتاب *اسوه فقاہت و پارسایی* (ص ۷) آمده است که ایشان در شش سالگی وارد دبستان شد و پس از گذراندن دوره شش ساله مقطع ابتدایی، در سیزده سالگی وارد حوزه علمیه شد. روشن است که جمع شش و شش، دوازده می‌شود نه سیزده. ایشان پس از ششم ابتدایی بلافاصله وارد حوزه شد و ورود او به دبستان در هفت سالگی بوده است.

- در *روزنامه جمهوری اسلامی* آمده است: «آیت‌الله فاضل دروس طلبگی را شروع کردند که از همان ابتدا با شهید بزرگوار آیت‌الله حاج آقا مصطفی خمینی هم‌مباحثه بودند.»^۱ آیت‌الله فاضل در مصاحبه‌ای در باره هم‌بحثهای خود سخن گفته است. از سخن معظم‌له به روشنی استفاده می‌شود که حاج آقا مصطفی از دوستان دوران دبستان ایشان بوده و این رفاقت در ایام طلبگی هم ادامه داشته؛ اما مباحثه با حاج آقا مصطفی پس از مدتی که از شروع تحصیل در درس خارج گذشته، آغاز شده است؛ نه از ابتدای طلبگی.^۲

۱. *جمهوری اسلامی*، ۱۳۸۶/۴/۶، ویژه‌نامه میراث‌دار مکتب فقهی امام خمینی، ص ۳.

۲. ر.ک: *پیام انقلاب*، ش ۹۰، مرداد ۱۳۶۲ ش.

لغزشها در شرح حالها ۵۸۱

- در منابع متعدّد، مدت حضور آیت‌الله فاضل در درس آیت‌الله العظمی بروجردی را پانزده سال نوشته‌اند.^۱ آیت‌الله فاضل از سال ۱۳۳۹ش در درس ایشان شرکت کرد و آیت‌الله بروجردی در سال ۱۳۴۰ وفات یافت. بنابراین یازده سال شاگرد ایشان بوده است و آیت‌الله فاضل خود تصریح به یازده سال کرده است.^۲

- در روزنامه جمهوری اسلامی آمده است:

«وقتی درس آیت‌الله بروجردی به بحث پیچیده لباس مشکوک رسید، عده‌ای از شاگردان و اعضای بیت آیت‌الله بروجردی می‌گفتند: ایشان از عهده این کار بر نمی‌آیند؛ در حالی که ایشان همان بحث لباس مشکوک را نوشتند و به محضر آقای بروجردی بردند و به ایشان در آن زمان پانصد تومان جایزه دادند که خیلی زیاد بود. بالاترین شهریه آن زمان در اواخر عمر آیت‌الله بروجردی شصت تومان بود.»^۳

آیت‌الله فاضل در مصاحبه‌ای صحبت از پنجاه تومان کرده است.^۴ شاید پانصد ریال به پانصد تومان تغییر یافته است.

- در روزنامه جمهوری اسلامی آمده است: «آیت‌الله فاضل در سنین ۱۹ تا ۲۴ سالگی درس آیت‌الله بروجردی را تقریر کردند و در ۲۴ سالگی آن را چاپ کردند.»^۵ در هفته‌نامه افق حوزه و روزنامه جمهوری اسلامی نیز آمده که در ۲۴ سالگی چاپ شد.^۶ تاریخ دقیق آن است که تدوین جلد اول نه‌ایه‌التقریر در رجب ۱۳۷۴ به پایان رسید^۷ و در سال ۱۳۷۶ چاپ شد یعنی در ۲۴ سالگی آیت‌الله فاضل به اتمام رسید و در ۲۶ سالگی

۱. مرجع وارسته، ص ۴۶ و ۴۸؛ جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۲/۱۵، ویژه‌نامه شاخه‌ای از شجره طوبی، ص ۴: اسوه فقاہت

و پارسایی، ص ۹.

۲. مصاحبه با نور علم، ش ۳۲، ص ۲۶.

۳. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۲/۱۵، ویژه‌نامه شاخه‌ای از شجره طوبی، ص ۹.

۴. نور علم، ش ۳۰، ص ۱۰ - ۱۱.

۵. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۲/۱۵، ویژه‌نامه شاخه‌ای از شجره طوبی، ص ۹.

۶. افق حوزه، ۱۳۸۶/۵/۳، ص ۴ و جمهوری اسلامی، ۱۳۸۶/۴/۶، ویژه‌نامه میراث‌دار مکتب فقهی امام خمینی، ص ۴.

۷. این تاریخ در چاپ قدیم دو جلدی در پایان جلد اول آمده اما در چاپ سه جلدی در جلد دوم، صفحه ۳۳۰ است.

چاپ شد. معظم‌له خود نیز در مصاحبه‌ای تاریخ چاپ را ۲۶ سالگی ذکر کرده است.^۱
 - در مقدمه ناشر بر کتاب *نهایه التقریر* (ج ۱، ص ۳۱) از زبان آیت‌الله فاضل نقل شده:
 «این کتاب ثمره یازده سال درس آیت‌الله بروجردی است.»

در روزنامه *جمهوری اسلامی* نیز می‌خوانیم که آنچه در این اثر گران‌سنگ فراهم آمده، محصول یازده سال استفاده علمی آیت‌الله فاضل از درس آیت‌الله بروجردی است.^۲
 از سوی دیگر در پایان جلد آخر، پایان تألیف جمادی الاولی سال ۱۳۷۸ (برابر با آذر ۱۳۳۷ش) مضبوط است. با توجه به اینکه ایشان از ذی‌حجه سال ۱۳۶۹ (مهر ۱۳۲۹ش) در درس آقای بروجردی شرکت کرد، این کتاب نتیجه کمتر از هشت سال و نیم سال تدریس است نه یازده سال.

چنین سخنی را از قول آیت‌الله فاضل نیافتیم بلکه ایشان در مصاحبه‌ای سخن از نزدیک به هشت سال به میان آورده است.^۳ معظم‌له در مصاحبه‌های خود اظهار می‌داشته که یازده سال در درس آیت‌الله بروجردی شرکت کرده است. گویا دیگران پنداشته‌اند که در کتاب *نهایه التقریر* همه مطالب یازده سال گرد آمده و به ایشان نسبت داده‌اند که این مطالب نتیجه یازده سال درس آیت‌الله بروجردی است.

آیت‌الله فاضل در مصاحبه با *مجله نور علم* (شماره ۳۰، ص ۱۲) می‌گوید که آیت‌الله بروجردی در طول یازده سال علاوه بر نماز، مباحث خمس و قسمتی از قضا را فرمود.
 بنابراین *نهایه التقریر* که در آن تنها مباحث نماز مطرح شده، مربوط به بخشی از دروس یازده سال است.

- بنا به نوشته *افق حوزه*، ایشان یازده سال در درس حضرت امام شرکت کرد؛^۴ در حالی که نه سال در درس امام و یازده سال در درس آیت‌الله بروجردی شرکت داشت.

۱. *پیام انقلاب*، ش ۹۰، مرداد ۱۳۶۲ش، ص ۲۶.

۲. *جمهوری اسلامی*، ۱۳۸۲/۲/۱۵، ویژه‌نامه *شاخه‌ای از شجره طوبی*، ص ۱۱ و ۱۳ و مورخ ۱۳۸۶/۴/۶، ویژه‌نامه

میراث‌دار مکتب فقهی امام خمینی، ص ۱۳.

۳. *پیام انقلاب*، ش ۹۰، مرداد ۱۳۶۲ش.

۴. *افق حوزه*، ۱۳۸۶/۵/۳، ص ۴.

لغزشها در شرح حالها ۵۸۳

- آیت‌الله فاضل می‌نویسد: «بعد از انتقال از بندرلنگه به یزد، شروع به نوشتن شرح بر *تحریرالوسیله* کردم. در مدت اقامت در یزد که بیش از دو سال و نیم به طول انجامید، چند مجلد *تفصیل‌الشریعه* را به اتمام رساندم.»^۱

اگر چهار ماه تبعید در بندر لنگه را با بیش از دو سال و نیم در یزد جمع کنیم، مدت تبعید ایشان حدود سه سال خواهد بود. در *گلشن‌ابرار* (ج ۶، ص ۵۷۴) مدت تبعید آیت‌الله فاضل در بندر لنگه و یزد دو سال نوشته شده است.

- هفته‌نامه *افق حوزه* گزارش کرده است که در شهادت حاج آقا مصطفی خمینی، آیت‌الله فاضل پیام تسلیتی برای امام نوشت و امام در جواب آن پیام فرمود: «امیدوارم افاضل حوزه از برکات علمی شما بهره‌مند شوند.» در ادامه آمده است که حضرت امام این تعبیر را در چهل سالگی آیت‌الله فاضل به ایشان نسبت داد.

رحلت حاج آقا مصطفی خمینی در سال ۱۳۵۶ رخ داد. با توجه به اینکه آیت‌الله فاضل متولد سال ۱۳۱۰ می‌باشد، سخن حضرت امام در زمان ۴۶ سالگی وی بوده است.
- در آغاز کتاب *استفتائات قرآنی* بالای متنی دست‌نویس، چنین تایپ شده: «تقریظ حضرت آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی»

در متن دست‌نویس می‌خوانیم: «... متن آن مطابق با فتاوی حضرت آیت‌الله العظمی آقای حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی - مدّ ظلّه العالی - است.»

روشن است که آیت‌الله فاضل از خود با چنین القابی یاد نمی‌کند. این متن از سوی دفتر استفتای معظّم‌له نوشته شده است.

نکته دیگر آنکه همه فتاوا در این کتاب مطابق با دیدگاه‌های آیت‌الله فاضل نیست. گویا گردآورنده، تنها فتاوی آیت‌الله فاضل را به دفتر استفتا ارائه کرده و سپس هنگام چاپ، همراه فتاوی دیگر مراجع آورده است.

۱. مقدمه *تفصیل‌الشریعه*، ج ۱، ص ۸.

٥٨٤ آينه آثار

بخش چهارم:

غروب آفتاب

ارتحال

گویا این فقیه وارسته، در سالهای پایانی سراسر تلاش و مجاهدت، بانگ الرحیل را به گوش جان شنیده بود که بارها می‌فرمود: «من سالهای آخر عمر را سپری می‌کنم.» حجت‌الاسلام محمدجواد فاضل می‌گوید: «چند ماه پیش از ارتحال ایشان، والده با ناراحتی به من فرمود: ایشان مطلبی گفته‌اند که همه ما را ناراحت کرده‌اند. فرموده‌اند: من ماههای آخر عمر را طی می‌کنم. عرض کردم: چرا چنین می‌فرمایید؟ فرمود: همین است که می‌گوییم و باید آماده باشید.»

یکی، دو ماه پیش از ارتحال، از هرگونه رفت و آمدهای غیرضروری دوری می‌جست و از هرگونه مزاح ممانعت می‌کرد. بیشتر اوقات ساکت و به فکر فرو می‌رفت و تنها در موارد ضروری سخن می‌گفت. گویا خود را برای سفر آخرت آماده می‌کرد.

در کسالت اخیر، پزشک معالج ایشان سفر به لندن را لازم دانست. معظّم‌له فرمود: «اگر بخواهم از وجوه شرعی هزینه این سفر را بدهم، در قیامت نمی‌توانم جواب‌گو باشم. تا اینکه برادر ایشان اجازه گرفت و هزینه سفر را از مال شخصی خود داد.»

در بیمارستان و منزل تقریباً هر نیم ساعت یک بار چشم باز می‌کرد و می‌فرمود: «صَلَّى اللهُ عَلَیْكَ يَا فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ» و توجه شدید به آن حضرت پیدا کرده بود. در بیمارستان همین که دانست شش روز به شهادت حضرت زهرا(س) باقی مانده، فرمود: «مرا به قم ببرید.» پس از آن هرچه پزشکها ممانعت کردند، ایشان نپذیرفت.

معظم‌له روز جمعه ۱۳۸۶/۳/۲۵ از لندن به قم بازگشت. سرانجام آن مرجع عالی‌مقام حدود سی ساعت بعد، در روز شنبه ۲۶ خرداد ۱۳۸۶ برابر با اول جمادی الآخره ۱۴۲۸، بعد از ظهر ساعت سه در ۷۶ سالگی با کارنامه‌ای پربرگ و پربر در بیت خود چشم از جهان فرو بست و پس از عمری تهذیب نفس، تلاش در راه کسب و نشر علوم اهل بیت (ع) و خدمت به اسلام و مسلمین روح ملکوتی او از عالم ناسوت به عالم ملکوت پرکشید. با توجه به سن و سال معظم‌له انتظار بود دست‌کم ده سال دیگر مرجعیت او ادامه یابد و همچنان بر امت اسلامی نورافشانی کند. انتشار این خبر، همگان را بهت‌زده ساخت و مراجع، فضلا و مؤمنان را در غم فرو برد. آیت‌الله صافی گلپایگانی در اولین لحظات انتشار خبر، حدود ساعت سه بعد از ظهر در دفتر آن فقیه فقید حضور یافت و چنان با صدای بلند می‌گریست که توجه همگان را جلب می‌کرد. در همان مجلس فرمود: «حوزه دیگر نمی‌تواند فردی مانند آیت‌الله فاضل را تربیت کند.»

مرگ او نه تنها مؤمنان بلکه هر انسان ظلم‌ستیز و عدالت‌خواه را اندوهگین ساخت. او در حالی این همه توفیقات بزرگ در حوزه‌های دانش، سیاست و مرجعیت را به دست آورد که در غالب ایام با کسالت‌های صعب‌العلاج دست و پنجه نرم می‌کرد. معظم‌له از سال ۱۳۸۰ همه ساله به مناسبت فرا رسیدن ایام فاطمیه، پیامی صادر می‌فرمود^۱ و در وصیت‌نامه به این پیامها افتخار کرده است. ایشان در همان روزها از این جهان رخت بر بست و فرصت نیافت که بیانیه‌ای به آن مناسبت صادر کند. جالب توجه آنکه تاریخ اولین و چهارمین بیانیه، اول جمادی الآخره است.

در پی این حادثه غم‌بار، پیام زیر از سوی بیت معظم‌له صادر شد:

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

در ایام شهادت حضرت فاطمه زهرا(س) که همگان غرق در عزایند، روح مرجع بزرگ جهان تشییع و مدافع کم‌نظیر ولایت و امامت و مجاهد استوار و خستگی‌ناپذیر،

۱. معظم‌له در سال ۱۳۸۵ پیامی صادر نکرد. ظاهراً دلیلش آن بود که در همان ایام، پنج پیام قبلی با تحقیق مفصل از سوی مرکز فقهی ائمه اطهار(ع) به فارسی و عربی منتشر شد.

فقیه و اصولی حضرت آیت‌الله العظمی آقای حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی - رضوان الله علیه - به ملکوت اعلی پیوست و همه امت اسلام و پیروان اهل بیت عصمت و طهارت خصوصاً مقلدان ایشان را غرق در ماتم ساخت. این مصیبت بزرگ را به ساحت مقدس ولی الله الأعظم امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - و مراجع تقلید مخصوصاً رهبر معظم انقلاب و حوزه‌های علمیه تسلیت عرض می‌کنیم. خداوند این مصیبت عظمی را بر همگان آسان گردانده و به همه صبر و اجر عنایت فرماید.

دفتر حضرت آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی، رضوان الله علیه

محمدجواد فاضل لنکرانی

۱۳۸۶/۳/۲۶ مطابق با اول جمادی الثانی ۱۴۲۸

به همین مناسبت، سه روز عزای عمومی از سوی دولت جمهوری اسلامی در سراسر ایران اعلام شد؛ اما بنابر تصمیم استانداری قم، این استان را روز یکشنبه ۲۷ خرداد تعطیل و پنج روز را عزای عمومی اعلام کردند. پیامهای تسلیت فراوان از سوی شخصیت‌های برجسته علمی و سیاسی صادر شد که متن برخی از آنها در ادامه می‌آید.

از نخستین ساعات روز دوشنبه ۲۸ خرداد برابر با سوم جمادی الآخره، سالروز شهادت حضرت صدیقه طاهره، انبوه جمعیت سوگوار با حضور در مسجد امام حسن عسکری(ع) در قم، با فریادهای «عزا عزاست امروز/ روز عزاست امروز/ مرجع تقلید ما پیش خداست امروز. عزا عزاست امروز/ روز عزاست امروز/ مهدی صاحب زمان صاحب عزاست امروز» برسر و سینه‌زنان پیکر پاک آن مرجع والامقام را به سوی حرم مطهر حضرت معصومه(س) تشییع کردند. کاش سید رضی زنده بود و این ابیات را در سوگ او زمزمه می‌کرد:

أرأیتَ کَیفَ خَبا ضِیاءَ النّادی؟	أَعَلِمْتَ مَنْ حَمَلُوا عَلَی الأَعواد؟
مِنَ وَقَعِهِ مَتابِعَ الأَزبَاد	جِبِلُّ هوی لَو خَرَّ فی البَحْرِ اغتَدی
أَنَّ الثَّری یَعْلُو عَلَی الأَطواد	ما کُنْتُ أَعْلَمُ قَبْلَ حَطِّکَ فی الثَّری

دانستی چه کسی را در تابوت نهادند؟ دیدی که چگونه شمع انجمن به خاموشی گرایید؟
کوهی فرو ریخت که اگر به دریا فرو می‌افتاد، از شدت برخوردش کف بر لب آب
می‌آورد و خروشان می‌شد.

من پیش از آنکه تو در دل خاک جای گیری هرگز باور نمی‌کردم که خاک را یارای
آن باشد که روی کوه‌های سر برافراشته را بیوشاند.^۱

جالب آنکه برای برهم نخوردن عزاداری حضرت صدیقه طاهره(س) جنازه را اول وقت
و پیش از شروع مراسم عزاداری، یعنی ساعت هشت صبح و از مسیری که عزاداری برپا
نمی‌شود، حرکت دادند. در عین حال جمعیت میلیونی حاضران در تشییع، چشم‌گیر و کم‌نظیر
بود.^۲ آیت‌الله محمدرضا توسلی حضور این جمعیت را مایه عزت اسلام دانسته است: «تشییع
جنازه ایشان واقعاً یک عزتی بود برای اسلام و کسی باور نمی‌کرد که چنین تشییع جنازه‌ای
انجام شود که موجب بهت و اعجاب مردم شده بود.»^۳

در میان جمعیت میلیونی مردم، مراجع عظام تقلید و مسئولان عالی‌رتبه کشوری و لشکری
نیز با چهره‌های غم‌بار حضور چشم‌گیر داشتند. از جمله بزرگان حاضر عبارت بودند از آیات
عظام: وحید خراسانی، شبیری زنجانی، صافی گلپایگانی، نوری همدانی، مکارم شیرازی،
سید صادق روحانی و سید محمد شاهرودی.

در صحن مطهر، فرزند برومند ایشان حجت‌الاسلام و المسلمین محمدجواد فاضل لنکرانی
طی سخنانی، ضمن عرض تسلیت به امام زمان(عج)، مقام معظم رهبری، حوزه‌های علمیه
و شیعیان، از حضور پرشور مراجع عظام، مردم و مسئولان تقدیر و تشکر کرد.
حجت‌الاسلام والمسلمین محمدجواد فاضل در مورد اقامه نماز بر بدن مطهر اظهار می‌دارد:
«بعد از ارتحال مرحوم والد، اخوی اینجانب آقای حاج احمدآقا به بنده گفتند: پدر چندین

۱. ترجمه از بیک آفتاب، ص ۳۱۰.

۲. اینجانب در آن روز با این تصور که ساعت شروع تشییع جنازه مثل بقیه تشییعها است، در میانه راه به مراسم رسیدم
و زود حرکت دادن، سبب تعجب نگارنده شد. حدس می‌زنم اگر تشییع یکی دو ساعت دیرتر شروع می‌شد،
جمعیت حاضر، حدود یک چهارم بیشتر می‌شد.

۳. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۶/۴/۶، ویژه‌نامه میراث‌دار مکتب فقهی امام خمینی، ص ۶.

مرتبه تصریح کرد که چنانچه از دنیا رفتیم، محمدجواد بر من نماز بخواند. وی این مطلب را در حضور دیگران گفت و حتی در مورد صداقت خود قسم یاد کرد و با شورای استفتا در میان گذاشت؛ لیکن اینجانب به علل متعدد، خودداری نمودم: اولاً؛ گفتم: چون مطلب مهمی است لازم بود ایشان در وصیت‌نامه کتبی ذکر می‌فرمودند. ثانیاً؛ ممکن است ایشان به عنوان تمایل این را ذکر کرده باشند و نتوان از آن وصیت را استفاده نمود.

ثالثاً؛ من در آن شرایط روحی در خود توان انجام این عمل را ندیدم. به این جهات و به جهات دیگر، ایشان و سایر بازماندگان و اخوان و اعمام را که همه اصرار بر این عمل توسط اینجانب داشتند، قانع ساختم که لازم و مناسب است که بر جنازه یک مرجع بزرگ، یکی از مراجع بزرگ موجود نماز بخواند. لذا جهت درخواست اقامه نماز، خدمت حضرت آیت‌الله العظمی آقای وحید خراسانی رسیدیم. در آن جلسه، اندوه فراوان همراه با گریه ایشان را ملاحظه کردیم. بعد از طرح قضیه، فرمودند: ایشان حق بزرگی بر همه ما دارند. سپس وعده دادند که نماز را بخوانند.»

پس از اقامه نماز به امامت آیت‌الله وحید خراسانی، آن آیت عظمی در بارگاه ملکوتی حضرت معصومه(س) در مسجد بالاسر آرمید.

همان شب پس از نماز مغرب و عشا مجلس تکریم و بزرگداشت از سوی مقام معظم رهبری در شبستان امام خمینی در بارگاه حضرت معصومه(س) برگزار شد.

به همین مناسبت در روز پنج‌شنبه ۳۱ خرداد با حضور مقام معظم رهبری در مدرسه عالی شهید مطهری مراسمی برگزار شد. در این مجلس رؤسای سه قوه، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، وزراء، جمعی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، خبرنگاران رهبری و قشرهای مختلف مردم نیز حضور داشتند.

مجالس بزرگداشت و ترحیم از سوی مراجع عظام تقلید در عراق نیز برگزار شد و نیز مجالس مشابه در شهرهای دیگر ایران و در کشورهای مختلف، چون: آذربایجان، آلمان، افغانستان، امریکا، انگلستان، پاکستان، روسیه، سوریه و ... برپا شد.

٥٩٢ غروب آفتاب

وصیت‌نامه

دو وصیت‌نامه از حضرت آیت‌الله العظمی فاضل برجای مانده است. تاریخ وصیت‌نامه اول به دو سال پیش از ارتحال بازمی‌گردد که در باره مرجعیت و دفاتر معظم‌له و مرکز فقهی ائمه اطهار(ع) است. وصیت دوم حدود نه ماه پیش از ارتحال به نگارش در آمده است. متن هردو را در اینجا می‌آوریم.

وصیت‌نامه اول

بسم الله الرحمن الرحيم

بعد الحمد والصلوة علی محمد والآل؛ مخفی نماند که فرزند عزیزم محمدجواد فاضل لنکرانی که بحمدالله والمنة با نظارت مستقیم اینجانب به درجه رفیعه اجتهاد رسیده و سالیان متمادی است که به بحثهای خارج فقه و اصول اشتغال دارد و دارای رسائل و تألیفات متعددی می‌باشد، در کارهای مربوط به اینجانب مخصوصاً پس از مسئولیت مرجعیت که بسیار مسئولیت خطیری است، یار و مددکار اینجانب بوده به طوری که اگر کمک ایشان و برادرش احمدآقای موحدی که تمام وقت خویش را در اختیار کارهای من قرار داده، نبود شاید با کسالت‌های گوناگون و متعددی که دارم، از عهده همه کارها برنمی‌آمدم؛ البته حتی در جزئی‌ترین کار با استجازه و اجازه حقیر اقدام می‌نمایند.

علاوه بر مسئولیت مزبور در امور مؤسسه فقهی ائمه اطهار - علیهم السلام - که برای آن، ساختمان معظمی در دست داریم و در آن مؤسسه عده‌ای از فضلاء محترم اشتغال به درسهای خارج مخصوص دارند و علاوه کتابهای متعددی از

آنجا انتشار یافته و پاسخ‌گویی به مسائل مختلف توسط اینترنت داده می‌شود و دارای کتابخانه تخصصی فقه می‌باشد که در آن حدود بیست هزار جلد کتاب موجود است و همین‌طور مؤسسه‌ای که در مشهد مقدس دایر کرده‌ایم و سالهای چندی است که گروهی از فضلا و دانشمندان علاوه بر علوم حوزوی متداول و تدریس و تدرّس آن به کیفیت مخصوص، به علوم دیگر نیز در آنجا اشتغال دارند و نیز مؤسسه‌ای که در کشور سوریه در دست اقدام و تمامیت است و از نظر موقعیت محلی دارای امتیاز می‌باشد و غرض از تأسیس آن، تربیت عده‌ای فاضل و دانشمند در نزدیکی قبر مطهر حضرت زینب کبری - سلام الله علیها - می‌باشد. علاوه، وظیفه مهم شهریه حوزه علمیه قم با متجاوز از پنجاه هزار طلبه و شهریه مشهد مقدس و اصفهان و متجاوز از سیصد حوزه علمیه شهرستانها که اداره مجموع بسیار مشکل و خطیر است، از وظایف اینجانب است که به تنهایی از عهده این امر نمی‌توانم برآیم و اگر کمک و مساعدت این دو برادر نبود، قطعاً ناتوان بودم. در کارهای مزبور دو شعبه دفتر در تهران و یک شعبه در مشهد مقدس و یکی در افغانستان و دیگر در مسکو و برخی در جاهای دیگر وجود دارد که می‌بایست کمال ارتباط با آنها حفظ شود و مشکلات حوزه‌ها از یک طرف و اشاعه و ترویج مکتب تشیع به وسیله آنها انجام گیرد و حل شود و نیز کارهای مختلف دیگر که جای ذکر آنها نیست باید به صورت مطلوب عملی گردد.

ضمناً ناگفته نماند که تمامی اعلامیه‌ها و پیامهایی که در مقاطع مختلف در مورد امور مذهبی و یا سیاسی داده می‌شد، مربوط به اینجانب است و مخصوصاً آنچه را که روزنامه جمهوری اسلامی منعکس می‌نمود و در مورد آنها مخصوصاً به دو اعلامیه افتخار می‌کنم: یکی اعلامیه‌ای که به مناسبت شهادت حضرت زهرا - سلام الله علیها - سالیان زیادی منتشر نمودم و دیگر اعلامیه‌ای که به مناسبت عدم جواز نقض حکم امام - قدس سره - در مورد ارتداد سلمان رشدی و وجوب قتل او صادر کردم و در مقابل برخی از روشن‌فکران که خیال می‌کردند مقتضای مصلحت، کنار آمدن با سلمان رشدی است و در این زمینه مقدماتی را تهیه دیده بودند، مقاومت نموده و شدیداً با آنان برخورد کردم.

امیدوارم که همه این کارها و تحمل مشکلات بیش از حد مرضی آقا امام زمان

وصیت‌نامه ۵۹۵

– عجل الله تعالی فرجه الشریف – قرار گیرد و افتخار سربازی واقعی آن جناب از ما سلب نشود که بالاترین افتخار همین است. به امید روزی که با فرج مقدّس تمام مشکلات حل شود و نابسامانیها سامان پذیرد. اللهم عجل لوليک الفرج ومنتعنا بذلک فوق ما نترقب ونامل.

محمد فاضل لنکرانی

۱۳۸۴/۴/۱

وصیت‌نامه دوم

بسمه تعالی

آخرین وصیت، اول ماه رمضان المبارک ۱۴۲۷ مطابق سوم مهرماه ۱۳۸۵ کتابهای اینجانب در شرح *تحریرالوسیله* حضرت امام خمینی – قدس سره – به نام *تفصیل الشریعه* قسمت مهم آن را که چاپ شده و شاید تا به حال حدود سی جلد باشد، طبق مصلحت عمل شود. البته به راحتی در دسترس فضایی که بالفعل از آنها استفاده می‌کنند، قرار داده شود و قسمت دیگر را چاپ نموده و به همین کیفیت عمل نمایید.

کتابهای چاپی اینجانب که قسمتی در منزل مسکونی باجک وجود دارد و قسمتی در اطاق بزرگ حسینیّه مرحوم والد و قسمتی در جایی که اینجانب معمولاً روزها در آنجا می‌نشینم، در درجه اول میل دارم که همه آنها را در یک جا جمع نموده و مورد مراجعه مراجعین قرار گیرد. البته برخی از آنها را که بنده‌زاده محمدجواد برای کتابخانه شخصی خود نیاز دارد، می‌تواند برای آنجا بردارد و در درجه دوم هر جا که صلاح باشد.

حسینیّه که به عنوان دفتر اینجانب معروف است، وقف شرعی برای مرحوم آیت‌الله والد – قدس سره – می‌باشد. میل دارم روضه جمعه و دهه اول محرم و ایام فاطمیّه در آنجا برگزار شود و چنانچه به علتی مانند سیل و زلزله و واقع شدن در مسیر خیابان و امثال آنها امکان نداشته باشد، در محل دیگری برگزار نمایند.

اموالی را که از این حقیر باقی می‌ماند، یا در شهریه طلاب حوزه علمیه قم صرف شود و یا در اداره مؤسسه مرکز فقهی ائمه اطهار – علیهم السلام – و تشخیص

آن به عهدهٔ وصی اینجانب می‌باشد. البته در شهریه لازم نیست تمام و به نحو کمال داده شود بلکه به مقدار مصلحت. میل دارم که در لندن که دروازهٔ دنیا و خانهٔ دوم همهٔ کشورها است، مؤسسه‌ای برای ترویج مکتب اهل بیت - علیهم السلام - و نشر معارف شیعهٔ اثنی عشریه تأسیس گردد.

لازم است تذکر دهم که محمدجواد و احمدآقا که سالیان درازی است دفتر اینجانب را به صورت آبرومند اداره می‌کنند و اجرتی دریافت نمی‌نمایند، مورد تشکر اینجانب هستند؛ چون کار آنها بالمآل مربوط به آقا امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - می‌باشد.

خانهٔ مسکونی فعلی در محلهٔ باجکه کوچهٔ ۸ متری رضوی ملک خانوادهٔ محترم، حاجیه خانم لاجوردی می‌باشد. خانه و لوازم و امکاناتی که در آنجا وجود دارد، از قبیل فرش و ظرف و کولر و امثال آن به ایشان داده شود.

وصی حقیر در جمیع موارد فوق، بنده‌زاده محمدجواد می‌باشد و ناظر احمدآقا. چنانچه فرزندان من بخواهند رضایت مرا در آن عالم از دست ندهند از هرگونه اختلاف بپرهیزند؛ بالخصوص در امور مالی دنیوی بی‌ارزش که موجب از بین رفتن آبروی اینجانب و آبروی خودشان در میان مردم و جامعه می‌باشد و ضمناً معلوم باشد تمام اموالی که به اینجانب ارتباط دارد، هیچ‌کدام مال شخصی اینجانب نیست؛ بلکه مربوط به سهمین می‌باشد و هیچ‌کدام از ورثه در این اموال حقی ندارند.

محمد فاضل لنکرانی

فعالیت فرهنگی در لندن

از جمله مطالب مندرج در وصیت‌نامهٔ آیت‌الله فاضل، ابراز تمایل جهت تأسیس مؤسسه‌ای در لندن است به منظور ترویج معارف اهل بیت (ع). در این زمینه سؤالی از فرزند معظم‌له شده است:

خداوند مرحوم آقا را رحمت کنند. سؤالی در مورد وصیت‌نامهٔ ایشان داشتم. توصیهٔ مؤکد ایشان در مورد جایگاه لندن در دنیا به چه علت است؟ راستش کمی سؤال برانگیز است؛ چون شهرها و پایتخت‌های بزرگ دیگری هستند که اهمیت بیشتری از لندن در اروپا و دنیا دارند؛ ولی مرحوم آقا به لندن توجه ویژه‌ای مبذول داشتند.

جناب حجت‌الاسلام والمسلمین محمدجواد فاضل لنکرانی در پاسخ، چنین مرقوم داشته است:

بعد از سلام و تحیت؛ در سال ۱۳۶۹ مرحوم والد - رضوان الله تعالی علیه - برای جراحی قلب به لندن مسافرت نمودند. آن زمان متأسفانه در ایران این عمل امکان‌پذیر نبود و در آنجا به مدت ۳۸ روز اقامت داشتند. در ابتدا بین پزشکان آن کشور اختلاف بود که: آیا ایشان نیاز به عمل دارند یا خیر؟ تا اینکه بعد از آنژیوگرافی روشن شد چهار رگ از رگ‌های اصلی قلب مسدود شده است و باید عمل کنند و با لطف خداوند عمل با موفقیت انجام پذیرفت.

در این مدت ایشان تحقیق فرمودند و از مسئول سفارت ایران در آنجا سؤال کردند که: مراکز دانشگاهی و حقوقی اروپا برای دست‌یابی به فقه شیعه و نظریات علمای شیعه از چه مرکزی سؤال می‌کنند؟ پاسخ دادند: در اینجا اسماعیلیه کتابخانه بسیار بزرگی دارند و از آنان می‌پرسند. ایشان بسیار تأسف خوردند و فرمودند: چرا حوزه علمیه و مراجع تقلید یک مرکز علمی و فقهی در این کشور ندارند؟ چرا باید همه مذاهب و مکاتب در آنجا در مراکز و دانشگاه‌های آنجا پایگاه داشته باشند؛ اما شیعه نداشته باشد؟ از آن زمان در فکر این مطلب بودند و تأکید داشتند که باید چنین مرکزی احداث شود. از این جهت علاوه بر سفارش به ما، در وصیت‌نامه نیز مرقوم فرمودند.

یکی از شاگردان ایشان به جهت همین نگرانیها و دغدغه‌های ایشان از چندین سال پیش در یکی از دانشگاه‌های مهم لندن، بخش مهمی را برای فقه شیعه تأسیس نموده است که در آنجا می‌توان بر کرسی تدریس، فقه شیعه را تعلیم داد و بدانید چنانچه از این امکانات و شرایط استفاده شود، با توجه به جامعیت و غنای فقه شیعه و اینکه شیعه می‌تواند بهترین پاسخ را برای مشکل‌ترین مسائل جدید بدهد، می‌توانیم خدمت بزرگی به مکتب اهل بیت - علیهم السلام - بنماییم.

اما اینکه فرمودید: مراکز مهم‌تری وجود دارد؛ گرچه ممکن است صحیح باشد؛ اما مرکزیت لندن و ارتباط قوی مردم و مذاهب مختلف و نیز ادعای آنان مبتنی بر آزادی بیان و عقیده از ویژگیهای مهم آنجا است. حتماً می‌دانید مذاهب باطله و

انحرافی از همان‌جا نشئت گرفته است. البته اگر ایشان فرصت می‌یافت و امکان تأسیس چنین مؤسساتی را در دیگر کشورهای مهم جهان می‌یافت، به یقین برای نشر تشیع اقدام می‌فرمودند و لیکن چه باید کرد که: «ما کلّ ما یتمنّی المرء یدرکه»، در مقابل قضای الهی جز تسلیم نشاید. ان شاء الله موفق باشید.

محمد جواد فاضل لنکرانی

سوگ نامه‌ها

ارتحال مرجع عالی‌قدر پیامهای تسلیت فراوان از سوی مراجع عظام، علمای اعلام، فضلالی حوزه، شخصیتها و نهادهای سیاسی و فرهنگی از خطوط فکری و سیاسی گوناگون را به دنبال داشت. بسیاری از پیامها به بیت معظم‌له رسید و برخی نیز از طریق صدا و سیما، مطبوعات و سایتهای گوناگون انتشار یافت و حزن و اندوه همگانی از آنها نمایان بود. متأسفانه متن کامل بسیاری از پیامها در اختیارمان نبود و حجم کتاب نیز اجازه نقل همه را نمی‌داد. به ناچار به ذکر نام شخصیت‌های حقیقی و حقوقی که خبر شدیم به این مناسبت، پیامی صادر کرده‌اند، بسنده کردیم و در ادامه، متن تعدادی از اطلاعیه‌هایی را که به دست نگارنده رسید، می‌آوریم. امید است در آینده، پس از جمع‌آوری همه بیانیه‌ها در مجلدی مستقل چاپ شوند. اسامی اشخاصی که از پیام آنها اطلاع یافتیم، عبارتند از:

آیات و حجج اسلام:

سید کاظم حائری	مقام معظم رهبری
حسینعلی منتظری	سید علی سیستانی
حسین مظاهری	لطف‌الله صافی
یوسف صانعی	ناصر مکارم شیرازی
سید محمود هاشمی شاهرودی	حسین نوری همدانی
مسلم ملکوتی	سید عبدالکریم موسوی اردبیلی
اکبر هاشمی رفسنجانی	محمداسحاق فیاض

محمدرضا مهدوی کنی	سید محسن خرازی
محمد یزدی	سید حسن خمینی
سید محمدعلی علوی گرگانی	سید محمد خاتمی
حسین راستی کاشانی	سید عبدالعزیز حکیم
مجتبی تهرانی	سید ساجد علی نقوی
قربان علی محقق کابلی	قربان علی درّی نجفآبادی
احمد صابری همدانی	

و نمایندگان مجلس خبرگان و امامان جمعه:
ابراهیمی، غلامحسین (امام جمعه سبزوار)
امینی، ابراهیم (امام جمعه قم)
ایمانی، اسدالله (نماینده ولی فقیه و امام جمعه بوشهر)
باریکبین، هادی (نماینده مقام معظم رهبری و امام جمعه قزوین)
ترابی، سید محمود (امام جمعه دامغان)
جعفری، سید یحیی (نماینده ولی فقیه و امام جمعه کرمان)
حسینی خراسانی، علی (امام جمعه تالش)
حیدری، محسن (امام جمعه موقت اهواز و نماینده خوزستان در مجلس خبرگان)
رحیمی صادق، محمدهادی (امام جمعه فسا)
زرنندی، محمدحسین (نماینده ولی فقیه و امام جمعه کرمانشاه)
سیحانی، محمدحسین (امام جمعه گنبد)
سجادی، علی بخش (امام جمعه شهر سکر در پاکستان و نایب رئیس جامعه مدارس امامیه سند و مدیر مدرسه ولی عصر)
سلیمانی، ابوالفضل (امام جمعه نطنز)
شفیعی، سید علی (نماینده خوزستان در مجلس خبرگان)
صدوقی، محمدعلی (نماینده مقام معظم رهبری و امام جمعه یزد)
طباطبایی، سید یوسف (نماینده ولی فقیه و امام جمعه اصفهان)

عرفانی، محمدنواز (مدیر مدرسه جعفریه و وکیل آیت‌الله فاضل و امام جمعه شهر
پاراچنار در پاکستان)

علم‌الهدی، سید احمد (امام جمعه مشهد)

علی‌پور (امام جمعه البرز)

فاضلیان، سید رضا (امام جمعه ملایر)

کازرونی، محسن (نماینده مقام معظم رهبری و امام جمعه کرج)

لطفی، محمدتقی (نماینده ولی فقیه و امام جمعه ایلام)

مجتهد شبستری، محسن (نماینده مجلس خبرگان)

محسنی گرکانی، احمد (امام جمعه اراک و نماینده استان مرکزی در مجلس خبرگان)

محمدزاده (امام جمعه شبستر)

محمدی، غیاث‌الدین (نماینده مقام معظم رهبری و امام جمعه همدان)

ملکیان، مرتضی (امام جمعه شاهین‌شهر)

موسوی، سید باقر (امام جمعه گالیکش)

موسوی، سید حبیب (امام جمعه داراب)

نبوی‌نژاد، بایرام گلدی (امام جمعه گمیشان)

نمازی، عبدالنبی (نماینده ولی فقیه و امام جمعه کاشان)

و شخصیت‌های کشوری و لشکری:

احمدی‌نژاد، محمود (رئیس جمهوری اسلامی ایران)

حداد عادل، غلامعلی (رئیس مجلس شورای اسلامی)

احمدی بافنده، محمد (شهردار قم)

احمدی مقدم، اسماعیل (فرمانده نیروی انتظامی و دبیر کل ستاد مبارزه با مواد مخدر)

اکبری، سید حسن (مسئول نمایندگی ولی فقیه در لشکر ۱۷ علی بن ابی‌طالب)

ایروانی، محمدجواد (رئیس ستاد اجرایی فرمان حضرت امام)

باقری لنگرانی، کامران (وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی)

براتی، بهروز (قائم مقام وزیر و رئیس دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی استان قم)

پورامینی، محمدکاظم (رئیس سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران)

جاسبی، عبدالله (رئیس دانشگاه آزاد اسلامی)

چمران، مهدی (رئیس شورای اسلامی شهر تهران)

خاموشی، سید مهدی (رئیس سازمان تبلیغات اسلامی)

دهقان، حسین (معاون رئیس جمهور و رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران)

رحمانی، محمدعلی (نماینده ولی فقیه و رئیس سازمان عقیدتی سیاسی ناجا)

رحیمیان، محمدحسن (نماینده ولی فقیه در بنیاد شهید و امور ایثارگران)

رضایی، محسن (دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام)

سلیمی، محمد (دادستان ویژه روحانیت)

فیروزآبادی، سید حسن (رئیس ستاد کل نیروهای مسلح)

قالیباف، محمدباقر (شهردار تهران)

مهدوی نژاد، مهدی (فرمانده ارشد سپاه در استانهای قم و مرکزی)

و حوزه‌های علمیه:

آل عصفور، سلمان (حوزه علمیه علمین در بحرین)

اعرافی، علیرضا (رئیس مرکز جهانی علوم اسلامی)

ایازی، محمدجواد (حوزه علمیه جعفریه در رستمکلا)

آیت‌اللهی، سید عبدالعلی (حوزه علمیه علی بن ابی طالب(ع) در لارستان)

حسینی بوشهری، سید هاشم (مدیر حوزه علمیه قم)

رادار، سید مجتبی (مدرسه علمیه جامع رشت)

ربانی، سید حسن (رئیس دفتر تبلیغات اسلامی)

شرعی، محمدعلی (مدیر حوزه‌های علمیه خواهران)

شفیعی، سید احمد (حوزه علمیه مصطفی‌خان در ساری)

عبدالکریم احمد فردان (مدرسه علمیه شیخ عبدالحسن در بحرین)

مرعشی نجفی، سید محمود (رئیس کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی)
موسوی، سید علی اکبر (مدیریت حوزه علمیة لارستان)
نقوی، سید نیاز حسین (حوزه علمیة جامعة المنتظر در پاکستان)
نواب، سید ابوالحسن (مدیر مرکز خدمات حوزه‌های علمیه)
هادی، سید محمدجواد (مستول مدرسه شهید عارف حسین در پیشاور پاکستان)
حوزه امام زین العابدین(ع) (در بحرین)
حوزه دارالعلم (در قطیف عربستان)
حوزه علمیة امام علی(ع) کلاردشت
حوزه علمیة چهارده معصوم(ع) برازجان
حوزه علمیة ساری
حوزه علمیة سمنان
حوزه علمیة قطیف عربستان
شورای برنامه‌ریزی مدیریت حوزه علمیة خراسان
شورای عالی علمای جعفری در جمعیت جعفری ترکیه
شورای عالی و مرکز مدیریت حوزه علمیة قم
مجمع العلوم الجامعة الایمانیة در بنارس هند
مدرسه علمیة جامع رشت
مدرسه علمیة نرجس مشهد

و حضرات آیات و حجج اسلام و آقایان:^۱

احسائی، سید عبدالله

احمد حسم (رئیس فدراسیون جهانی جماعت‌های مسلمان شیعة اثنی‌عشری خوجه)

احمدزاده قمی، مجتبی (سرپرست شبکه و بیمارستان امام گرمسار)

۱. نگارنده با شخصیت علمی، سیاسی و اجتماعی بیشتر افراد در ذیل این عنوان، آشنایی ندارد و به ناچار ترتیب
القبایی را انتخاب کرده است.

- احمدی، محمدمهدی (رایزن فرهنگی ایران در قطر)
امامی، محمدجعفر
امین جعفری، محمدهسین (رئیس آموزش و پرورش استان قم)
انتظاری، محمدرضا (مدیر کتابخانه و موزهٔ وزیری یزد)
انصاری، مرتضی (امام جماعت مسجد شیخ انصاری)
انصاریان، جلال (آبادان، احمدآباد)
انصاریان، حسین
برغانی، سید محمدمهدی (امام جماعت مسجد وحدت در تهران)
بوربور، حبیب‌الله (معاون عمرانی وزیر آموزش و پرورش)
پورلطف، حیدر (فسا)
ترابی، محمد (دامغان)
تقی‌زادهٔ داوری، محمود (مسئول مؤسسهٔ شیعه‌شناسی)
توقیر، محمدرمضان
جعفری، محمدهسن (دبیر کل حزب رفاه ملی افغانستان)
جهانبین، شکرالله (امام جماعت امام‌زاده اسماعیل چهارم)
حاجی طرخانی، کاظم (تهران)
حافظی، محمدرضا (رئیس جامعهٔ خیرین مدرسه‌ساز کشور)
حسامی، محمد امین
حسن موسی صفار (قطیف عربستان)
حسینی قائم مقامی، سید عباس (رئیس اتحادیهٔ اروپایی اسلامی علمای شیعه و مدیر مرکز اسلامی هامبورگ)
حسینی نجومی، سید مرتضی
حسینی، سید مجتبی (دمشق)
خادمی، سید محمدمهدی (مسئول مرکز اسلامی و رئیس مجمع اهل بیت(ع) در دانمارک)
خزرجی، طالب حسین (مرکز اسلامی برزیل)

خسروی بروجردی، عقیل
خلفان، محمد حبیب
خویی، سید صاحب
دباغ، اسلام (مدیر مرکز اسناد امام خالصی)
دشتی، عبدالخالق (بندر گناوه)
رئوفی، محمد (استاندار کرمان)
ربانی، ابوالقاسم (بخش برآن شمالی اصفهان)
رزازیان، علی اصغر (تهران)
رسولی محلاتی، سید هاشم
رشاد، علی‌اکبر (رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه)
رشیدی فیروزآبادی، مصطفی (فیروزآباد فارس)
رشیدی، اسماعیل (رئیس آموزش و پرورش فیروزآباد فارس)
رکن‌الدین، سید محمدباقر
رضائی، رضا (نماینده رهبری در اتریش و رئیس مرکز اسلامی امام علی(ع) در وین)
زمانی، محمدحسن (رایزن فرهنگی ایران در قاهره)
ساعدی، سید علی‌احمد
سجادی، سید هادی (سمنان)
سلطان قابوس (پادشاه عمان)^۱
سلیمانی، حمیدرضا (مشاور وزیر و دبیر ستاد عالی کانونهای فرهنگی و هنری مساجد کشور)
شاکری (مسئول نمایندگی رهبری دانشگاه پردیس قم)
شاهچراغی، سید مسیح (دامغان)
شبر، غلام (نماینده جامعه ایمانیه هند مقیم قم)

۱. سلطان قابوس پیام تسلیت برای رئیس جمهور ایران فرستاد و رئیس جمهور نیز در پیامی مراتب سپاس خود را اعلام کرد.

شیخزاده، احمدعلی (مسجد جامع جعفریه چنداول - کابل)
شیرازی، سید رضی (تهران)
شیرازی، سید محمدباقر (مشهد)
صافی اصفهانی، علی
صالح جوهر (کویت)
طباطبایی، سید محمد (زابل)
طبسی حائری، سید محمدجواد
طبسی حائری، محمدوحید (مشهد)
عباسزاده مشکینی، محمود (مدیر کل سیاسی وزارت کشور)
عبدالله احمد یوسف (قطیف)
عربپور، مهدی (مدیر کل تبلیغات اسلامی استان کرمان)
عصام عباس (سر دبیر مجله النجمة المحمدية در دمشق)
عصفور، علی عبدالکریم (مؤسسة المرتضى الثقافية الاجتماعية در بحرین)
عمار کاظم (حسنية دارالزهراء)
فقيه ایمانی، سید کمال
فقيه نصیری، فرامرز
قلی زاده پاشا، اعظم (شرکت ایرفو)
کاظم عبدالحسین محمد (کویت)
گرامیان، سید علی (مشاور وزیر صنایع و معادن و مسئول هماهنگی تبلیغات اسلامی)
گلپایگانی، سید علی
مجاهد
مجتهدزاده، سید نورالدین
محدث، سید مهدی (سازمان بسیج اساتید استان قم)
محمد عبدالله لویم (احساء)
محمدی، سید عبدالعزیز (ارومیه)

مدرّسی، سید محمدتقی (کربلا)
مسعودی خمینی، علی اکبر (تولیت آستانه حضرت معصومه در قم)
مصباح‌زاده، عباس (ویرجینیا - واشنگتن)
مهاجری، مسیح (مدیر مسئول روزنامه جمهوری اسلامی)
موسوی (بندرلنگه)
موسوی بجنوردی، سید کاظم (رئیس مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی)
موسوی مه‌ری، سید محمدباقر
موسوی، سید حامد علی شاه (پاکستان)
موسوی، سید قریش (رئیس ستاد اقامه نماز استان قزوین)
موسوی، سید ناصر
میردامادی، محسن (دبیر کل جبهه مشارکت ایران اسلامی)
میرلوحی، سید مصطفی (امام جماعت مسجد ثامن الائمه (ع) در تهران)
نجفی برزگر، کریم (رئیس دانشگاه جامع پیام نور استان قم)
نجفی فرید، محمد (تهران)
نجم‌الهدی عندلیب، سید حسن (بیرجند)
نوروزی، امیرحسین
واحدی، سید احمد (سوریه)
واحدی، سید رضی واحدی (سرپرست حرم سیده سکینه در دمشق)
واعظ شهیدی، محمود (مشهد)
واعظ طبسی، عباس (تولیت آستان قدس رضوی)
واعظی، عزت‌الله (مسئول نمایندگی رهبری در دانشگاه آزاد اسلامی رودهن)
و سرکار خانم سلطانی‌فر، طیبه (مدیر جامعه بیت الزهرا (س) در آران و بیدگل)
و گروهها و مراکز و مؤسسات:
اداره تبلیغات اسلامی ایرانشهر
اداره کل تبلیغات اسلامی استان قم

اداره مطبوعات و رسانه‌های گروهی شرکت بیمه دانا
انجمن خیریه حمایت از بیماران کلیوی ایران
اهالی و هیئت عزاداران حسینی در خلف باغ یزد
بنیاد باب علی (آنکارا)
بنیاد فرهنگی و خیریه نیمه شعبان مسجد آیت‌الله انگجی تبریز
بیت مرحوم آیت‌الله مروارید
پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
جامعه روحانیت مبارز تهران
جامعه مبلغین استان قم
جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم
روابط عمومی فرمانده انتظامی استان قم
سفارت پادشاهی مغرب در تهران
علما و وکلای آیت‌الله فاضل در کویت
کانون نویسندگان طلاب و فضلالی قم
مؤسسه الامام الخوئی الخیریه در لندن
مؤسسه شیعه‌شناسی
مؤسسه علمی فرهنگی کوثر (استانبول)
المجلس الاسلامي العلمائي في البحرين
مجمع جهانی اهل بیت(ع)
مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی
مجمع روحانیون مبارز
مجمع طلاب و فضلالی قمی حوزه علمیه قم
مجمع علمای ترک در اروپا
مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم

مجمع نمایندگان طلاب و فضایی قمی
مجمع نمایندگان مردم قم در مجلس شورای اسلامی
مرکز جهانی علوم اسلامی
نمایندگی آیت‌الله فاضل در مزارشریف افغانستان
نمایندگی دفتر صندوق کودکان سازمان ملل (یونیسف) در ایران
شایان ذکر است که بیانیه‌های صادر به مناسبت ارتحال جان‌سوز آیت‌الله فاضل
لنکرانی بیش از آن است که به صادرکنندگان آنها اشاره شد. در اینجا به ذکر متن برخی از
آنها بسنده می‌کنیم:

مقام معظم رهبری

بسم الله الرحمن الرحيم

إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

با تأسّف و تأتّر فراوان از ارتحال فقیه مجاهد مرحوم مغفور حضرت آیت‌الله آقای
فاضل لنکرانی - رضوان الله تعالی علیه - اطلاع یافتیم. این ضایعه، سنگین برای حوزه‌ی
علمیه و ملت شریف ایران است. حوزه‌ی علمیه یکی از استوانه‌های علمی و تحقیقی و
یکی از استادان برجسته‌ی خود، و ملت ایران یکی از مراجع تقلید انقلابی و بیدار و
پرتحرک خود را از دست داد. ایشان در سالهای طولانی دوران اختناق در شمار برجستگانی
از حوزه‌ی علمیه‌ی قم بودند که در میدانهای گوناگون مبارزات حضور داشته و رنج تبعید را
به جان خریدند و پس از پیروزی انقلاب از جمله‌ی روحانیون نام‌داری بودند که نقشهای
مهمی در همه‌ی موارد حساس ایفا نمودند. رحمت خدا بر ایشان باد.

اینجانب این مصیبت بزرگ را به حضرت بقیة الله - ارواحنا فداه - و به مراجع عظام و
علمای اعلام و فضلا و طلاب حوزه‌ی مبارکه و به عموم ملت ایران تسلیت می‌گویم. همچنین
به خانواده‌ی مکرم و آقازادگان ارجمند و دیگر بازماندگان و منسوبان ایشان عرض تسلیت کرده،
تسلی و صبر آنان را از خداوند متعال مسئلت می‌نمایم. والسلام علی عباد الله الصالحین.

سید علی خامنه‌ای

۲۶ خرداد ۱۳۸۶

آیت‌الله العظمی سید علی سیستانی

بسم الله الرحمن الرحيم

إنا لله وإنا إليه راجعون

خبر درگذشت مرجع عالی‌قدر حضرت آیت‌الله آقای حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی - قدس سره - موجب تأثر و تألم فراوان گردید. فقدان آن بزرگوار که سالها از اساطین حوزه علمیه مقدسه قم و از بزرگان علمای اعلام بودند و خدمات شایانی به دین و مذهب ارائه نمودند، ضایعه‌ای بزرگ است.

اینجانب این مصیبت عظیم را به آستان مقدس حضرت ولی عصر - ارواحنا فداه - و به حوزه‌های علمیه مخصوصاً حوزه علمیه مقدسه قم و به فرزندان مکرم ایشان به خصوص جناب حجت‌الاسلام آقای حاج شیخ محمدجواد - دامت تأییداته - تسلیت و تعزیت عرض نموده و از خداوند منان برای آن فقید سعید علو درجات و برای عموم بازماندگان صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت دارم. ولا حول ولا قوة إلا بالله العلیّ العظیم.

۱ جمادی الثانی ۱۴۲۸

علی الحسینی السیستانی

آیت‌الله العظمی لطف‌الله صافی گلپایگانی

بسم الله الرحمن الرحيم

ثلمة لا یسدّها شیء

در آستانه شهادت حضرت صدیقه طاهره، فاطمه زهرا - سلام الله علیها - ارتحال مرجع عالی‌قدر، فقیهی نامدار و استاد بزرگ حوزه علمیه قم، جوامع دینی و مذهبی را سوگوار و داغ‌دار کرد.

شخصیت کم‌نظیری که سالیان دراز بر کرسی تدریس فقه آل محمد - صلوات الله علیهم أجمعین - صدها طلاب فاضل و مروّجان دین و مدافعان از ثغور اسلام و مذهب را تربیت نمود. فقدان این استوانه محکم که در دفاع از دین و مکتب اهل بیت - علیهم السلام - مبارزه با بدعتها و فرقه‌های ضاله و کسب رضای آقا و مولایش حضرت بقیة الله - ارواح العالمین

له الفداء - آثار مساعی جمیله و مواضع مشکوره‌اش پایدار خواهد بود، ضایعه و خسارتی بسیار بزرگ و جبران‌ناپذیر است. «إنا لله وإنا إليه راجعون.»

آن بزرگوار در برابر برداشتهای سلیقه‌ای و انحرافی از دین و فقه بسیار حساس و در دفاع از حریم ولایت اهل بیت و شعائر دین با قوت و صلابت عمل می‌کرد و در سنگر امر به معروف و نهی از منکر و حفظ عظمت و عزت روحانیت و مرجعیت با بیداری و آگاهی انجام وظیفه نمود.

اینجانب این ثلمه عظمی را اولاً به پیشگاه اقدس و ارفع حضرت ولی عصر مولانا المهدی - عجل الله تعالی فرجه - و سپس به حوزه‌های علمیه و علمای اعلام - دامت برکاتهم - و بیت علم و فقاہت آن فقید سعید مخصوصاً آفازادگان مکرم و بالأخص جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ محمد جواد فاضل، تسلیت عرض می‌نمایم و از خداوند متعال برای آن عالم ربانی علو درجات و برای بازماندگان محترم، اجر جزیل و صبر جمیل مسئلت می‌کنم.

اول جمادی الثانیه ۱۴۲۸

۸۶/۳/۲۶

لطف‌الله صافی

آیت‌الله العظمی ناصر مکارم شیرازی

إنا لله وإنا إليه راجعون

ضایعه دردناک و فقدان بسیار اسفناک فقیه اهل البیت - علیهم السلام - مرجع عالی‌قدر جهان تشیع حضرت آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی - رضوان الله تعالی علیه - را به ساحت قدس امام زمان - ارواحنا فداه - و علمای اعلام و عموم حوزه‌های علمیه در داخل و خارج کشور و همه مسلمین جهان بویژه بیت رفیع آن بزرگوار خصوصاً فرزند فاضل و فرهیخته ایشان حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ جواد فاضل تسلیت عرض می‌کنم. به یقین خدمات برجسته آن فقیه بزرگ به جهان تشیع و آثار گران‌بها و ذی‌قیمت ایشان که بیانگر حیات جاویدان معنوی معظم‌له است، هرگز فراموش نخواهد شد. مصادف

شدن رحلت آن بزرگوار با ایام شهادت سیده نساء العالمین فاطمة الزهرا - سلام الله علیها - نشانه‌ای از معنویت و قداست روحی ایشان و پذیرش خدماتشان در پیشگاه اهل بیت عصمت - علیهم السلام - است. از خداوند متعال علو درجات آن فقید سعید و صبر و اجر جزیل برای همه بازماندگان مسئلت دارم.

ناصر مکارم شیرازی

۸۶/۳/۲۶

آیت‌الله العظمی حسین نوری همدانی

فاجعه ارتحال فقیه عالی‌مقام حضرت آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی - اعلی الله مقامه - که یکی از مراجع عظام عصر ما و رکنی از ارکان فقه و فقاہت و ستونی از استوانه‌های اسلام عزیز بود، جامعه اسلامی را در اندوه و غم فرو برد.

از زمانی که حضرت صاحب‌الزمان - ارواحنا فداه - در پشت پرده غیبت قرار گرفته‌اند، علمای بزرگ اسلام با تربیت علما و مدیریت حوزه‌های علمیه و با اداره جوامع اسلامی و ارشاد و تربیت مسلمانان و مبارزه با دشمنان اسلام، کیان اسلام را حفظ نموده و در راه اعتلای اسلام و مسلمین از هیچ فرصتی فروگذار نکرده‌اند؛ ولی در عصر کنونی به واسطه انقلاب اسلامی که به رهبری امام خمینی - اعلی الله مقامه - به وقوع پیوست و اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه وآله - عرصه زندگی مسلمانان را در تمام ابعاد خود روشن ساخت و اقتدار و عزت مجدد مسلمانان را رقم زد و هیمنه استکبار جهانی را در هم شکست و آن را از سنگرهای خود عقب راند، دشمنان اسلام برای خاموش کردن این نور الهی با تمام تجهیزات خود به میدان مبارزه با اسلام آمدند.

در چنین زمانی آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی یکی از کسانی بود که با اینجانب هم‌بزم و هم‌رزم بود؛ با هم در درسهای آیت‌الله العظمی آقای بروجردی شرکت داشتیم و با هم در اشتغالات حوزوی مشارکت داشتیم و در حرکت پشت سر امام خمینی - رضوان الله علیه - در سنگر ولایت از آغاز هم‌گام و همراه بودیم.

آن مرجع بزرگوار در همه لحظات عمر پربرکت خود با قلم، بیان، ایثار و فداکاری،

رسالت خود را به طور کامل انجام داد و نقش یک عالم اسلامی در حد یک مرجع والامقام را ایفا کرد و حتی در اواخر عمر شریف خود که مریض بود، لحظه‌ای اسلام و جوامع اسلامی و ارزشهای انقلاب را فراموش نمی‌کرد.

فاجعه درگذشت غم‌انگیز این فقیه بزرگوار را که یکی از افسران سپاه حضرت ولی‌عصر - ارواحنا فداه - بودند، به محضر مولای عزیزمان، رهبر معظم انقلاب - دامت برکاته - ، همه حوزه‌های علمیه، قاطبه علمای اسلام، فرزند برومندشان حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین محمدجواد فاضل لنکرانی - دامت برکاته - ، دیگر بازماندگان و جامعه بزرگ مسلمانان تسلیت می‌گوییم و از خداوند متعال علو درجاتشان را مسئلت می‌نماییم. سلام علیه یوم ولد ویوم مات ویوم بیعت حیاً.

حسین نوری همدانی

آیت‌الله العظمی سید عبدالکریم موسوی اردبیلی

إنا لله وإنا إليه راجعون

در آستانه شهادت مظلومانه حضرت صدیقه کبری - سلام الله علیها - و در جوار روضه مبارکه نبوی - صلی الله علیه وآله - صانها الله عن حوادث الدهور، و ائمه هدی - علیهم السلام - در مدینه منوره از ارتحال اسفناک حضرت آیت‌الله آقای حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی باخبر شدم. گرچه از دیدگاه الهیون عالم، مرگ نه فنا و نابودی، بلکه رهایی از قید و بند حیات مادی و تشرف به عالم بقا است، اما درگذشت کسانی که حیات خود را وقف خدمت به دین خداوندی و تلاش برای بسط ارزشهای الهی و مجاهدت برای هدایت انسانها به سوی معنویت و اخلاق کرده‌اند، دردی جان‌کاه است و ثلمه‌ای که لایسدها شیء.

آن فقید سعید از اساتید گران‌قدر حوزه علمیه و منشأ آثار و برکات زیادی بودند. سالها تدریس و تربیت شاگردان و تأسیس مراکز علمی و عام المنفعه و ترویج شعائر دین و معالم مذهب حقه جعفری و بهره‌مندی عموم مؤمنین از آثار علمی آن فقید سعید از حسنات باقیه ایشان است.

اینجانب ضمن عرض تسلیت این ضایعه مولمه به پیشگاه حضرت ولی‌الله الأعظم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - و مراجع عظام تقلید و علمای اعلام و حوزه‌های علمیه

و بازماندگان آن مرحوم و عموم مؤمنین خصوصاً علاقه‌مندان و ارادتمندان معظّم‌له از درگاه حضرت ربوبی برای جمیع بازماندگان صبر جمیل و اجر جزیل و برای آن فقید سعید علوّ درجات خواهانم و امیدوارم با عنایات حضرات معصومین - علیهم السلام - مخصوصاً حضرت صدیقه طاهره - علیها السلام - در سایه رحمت حضرت باری تعالی قرار گیرند و در روضه رضوان از الطاف کریمانه خداوند سبحان متنعم گردند.

والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته

غرة جمادى الثانى ١٤٢٨

عبدالکریم موسوی اردبیلی

آیت‌الله العظمی سید کاظم حائری

إنا لله و إنا إليه راجعون

لاصوّت الناعي لفقدك إنّهُ يوم على آل الرسول عظیم

إن كنت قد غيبت في جدث الثرى فالعلم والتوحيد فيك مقيم

وصلنا نبأ وفاة سماحة آيةالله العظمى الشيخ فاضل اللنكراني، تغمّده الله برحمته.

نعزي بذلك جميع المسلمين وإمام العصر - عجل الله تعالى فرجه - وقائد الأمة الإسلامية

آيةالله الخامنه‌اي - حفظه الله - والمراجع العظام. ونرفع تعازينا على الخصوص إلى أولاده

وأهله وذويه ونسأل الله تعالى لهم الصبر والسلوان.

١ جمادى الثانية ١٤٢٨ هـ ق

كاظم الحسيني الحائري

آیت‌الله العظمی محمداسحاق فیاض

بسم الله الرحمن الرحيم

يا أيتها النفس المطمئنة ارجعي إلى ربك راضية مرضية فادخلي في عبادي وادخلي

جنتي. صدق الله العلي العظيم.

ببالغ الحزن والأسى تتوجه بالعزاء إلى مقام مولانا ولي العصر الإمام الحجة ابن الحسن

المهدی - عجل الله تعالى فرجه الشريف - وإلى المراجع العظام والفقهاء الكرام والعلماء الأعلام والحوزات العلمية وجميع المؤمنين والمؤمنات لاسيما أسرته الكريمة بارتحال سماحة آية الله [الله] العظمى الفاضل اللنكراني، قدس الله نفسه الزكية.

لقد فقدت الأمة الإسلامية والحوزات العلمية علماً من أعلامها وفقهائها من فقهاء البارزين. ولقد أحدث فقد هذا العالم الجليل ثلثة كبيرة في العالم الإسلامي وفراغاً في الحوزات العلمية. وبهذه المناسبة الأليمة والفاجرة الحزينة لايسعنا إلا أن نبتهل إلى الله العلي القدير أن يتغمّد فقيدنا الغالي بوسع رحمته ورضوانه ويسكنه فسيح جنّاته ويلهمنا وجميع المؤمنين لاسيما أسرته الكريمة ومحبيه الصبر والسلوان وحسن العزاء. وإنا لله وإنا إليه راجعون. ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم.

محمد إسحاق الفيّاض

النجف الأشرف في ١ جمادى الآخرة ١٤٢٨ هـ

آيت الله العظمى حسين مظاهري

بسم الله الرحمن الرحيم

إنا لله وإنا إليه راجعون

با کمال تأسّف و تأثر اطلاع یافتم که در ایام مصائب عظیم فاطمیه - علیها السلام - مرجع عالی قدر حضرت مستطاب آیت الله آقای فاضل لنکرانی - رضوان الله تعالى عليه - دار فانی را وداع گفته و عالم اسلام و مسلمین و حوزه های علمیه و عموم ملت باایمان را سوگوار ساخته است. ثلم في الإسلام ثلثة لايسدها شيء.

آن مرجع بزرگوار یکی از برکات الهی برای حوزه های مقدّسه علمیه و بالأخص حوزه علمیه قم و همچنین نظام و انقلاب مقدّس اسلامی بودند و به حق ایشان را باید یکی از حواریون بالخلاص و از یاران و شاگردان مورد عنایت امام راحل عظیم الشان - قدس سره الشريف - و از پیشتازان نهضت اسلامی در قبل و بعد از انقلاب، به شمار آورد.

با رحلت این فقیه مجاهد، بی تردید نه تنها حوزه علمیه قم بلکه انقلاب عظیم اسلامی یکی از پشتوانه های بزرگ علمی و معنوی خود را از دست داده است. حضور برجسته و

جایگاه کم‌نظیر آن عالم عالی‌مقام در عرصه‌ها و صحنه‌های گوناگون علم و جهاد، از تدریس و تألیف تا مبارزه و تبعید، و از اداره حوزه و جامعه مدرسین تا مسئولیت بزرگ و خطیر مرجعیت عامه و میدان دفاع از حریم مقدس اسلام و مبانی والای دین و ارزشهای عظیم تشیع، آن بزرگوار را به شخصیتی بزرگ و مثال‌زدنی تبدیل ساخته بود. ابراز ارادت ویژه آن فقیه پارسا به مقام شامخ حضرت فاطمه زهرا - علیها السلام - نیز از برجستگیهای شاخص ایشان بود و در نهایت، اجر این ارادت خالصانه آن شد که در آستانه سالروز شهادت آن حضرت، روح بلند آن بزرگوار مهمان پیشگاه قدسی سیده نساء عالمیان - علیها السلام - گردید. اگرچه ذخیره گران‌سنگ آثار و شاگردان بی‌شمار ایشان که سالها از افادات علمی و افاضات معنوی این فقیه بزرگوار بهره‌مند گشته‌اند، بالاترین باقیات صالحات آن شخصیت عالی‌مقدار است و نام و یاد بلند ایشان را برای همیشه زنده نگاه خواهد داشت، اما فقدان این وجود پربرکت برای حوزه‌های علمیه و عالم اسلام و تشیع خسارتی بزرگ و جبران‌ناپذیر است که جز با ادعیه زاکیه حضرت بقیه الله الأعظم صاحب الامر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - و اهتمام بیش از پیش حوزه‌های علمیه و روحانیت تشیع التیام نخواهد یافت.

اینجانب با تلخ‌کامی و تألم روحی حاصل از این مصیبت، ارتحال این فقیه عالی‌مقام را به پیشگاه مقدس امام عصر و ولی امر - ارواحنا له الفداء - و به حوزه‌های علمیه و مراجع معظم تقلید و مقام معظم رهبری و به عموم ملت مؤمن و قدرشناس ایران اسلامی و بویژه به شاگردان و ارادتمندان و مقلدان ایشان و به خصوص به بیت شریف و آقا زادگان محترمشان بالأخص جناب حجت‌الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ محمدجواد فاضل لنکرانی - دامت إفاضاته - تسلیم عرض می‌کنم و با تضرع و ابتغال از خداوند رحمان و رحیم مسئلت می‌کنم تا روح ملکوتی آن فقیه مجاهد را در اعلیٰ علیین با ارواح طیبه اهل بیت عصمت و طهارت - علیهم السلام - محشور فرماید و برترین پاداش صالحان و مخلصان را به ایشان عطا فرماید و مصیبت بزرگ فقدان این مرجع عالی‌قدر را به لطف و کرامت و عنایت عمیم خود جبران فرماید و حوزه‌های علمیه بویژه حوزه مبارکه قم که

سوگ نامه ها ۶۱۷

اینک به سوگی تلخ و بزرگ مبتلا گشته است را تحت عنایت خاصه ولی الله الأعظم - علیه السلام - مصون و محفوظ بدارد. ولا حول ولا قوة إلا بالله العلیّ العظیم.

حسین المظاهري

اول جمادی الثانی ۱۴۲۸

۱۳۸۶/۳/۲۶

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

بسم الله الرحمن الرحيم

إنا لله وإنا إليه راجعون

یا آیتها النفس المطمئنة ارجعي إلى ربك راضية مرضية فادخلي في عبادي وادخلي جنتي.
ضایعه اسفناک ارتحال ملکوتی مرجع عالی قدر، اسوه فقاہت، استوانه تهذیب و مجاهدت، عالم ربانی، زعیم حوزه های علمیه و پشتوانه استوار فضیلت و دیانت حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی - قدس الله نفس الزکیه - عالم تشیع را غرق در مصیبت و اندوه کرد.

این فقیه عالی مقام و مرجع جامع الاطراف عمر پربرکت خود را صرف تهذیب، تحصیل و تدریس علوم الهی دینی کرد و در عنفوان جوانی به درجه والای اجتهاد نایل گشت. خوشه چینی او از محضر حضرات آیات همچون آیت الله العظمی بروجردی، امام خمینی و علامه طباطبایی - رحمة الله علیهم أجمعین - وجود تشنه از معرفت او را سیراب نمود و به ایشان ویژگیهای منحصر به فردی بخشیده بود که وسعت دید و عمق استنباط اصولی و فقهی که مشحون از تیزیابی و درک فوق العاده معارف الهی بود، از جمله آنان به شمار می رود.

مجاهدات بی نظیر او در قالب امضای بیانیه های هدایت گرانه علما و فضالای حوزه علمیه، نظیر بیانیه اعلام مرجعیت امام راحل - رحمة الله علیه - در سال ۱۳۴۹، تبعید و زندان در رژیم ستم شاهی، تأسیس تشکلهای فرهنگی، سیاسی مرجع، نظیر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دبیری و ریاست چندین دوره ایشان و سعی در تکامل و اعتلای این نهاد فراگیر حوزوی و ریاست شورای مدیریت حوزه علمیه قم تأثیری جاودان بر حرکت نهضت اسلامی بر جای گذاشت.

همچنین حضور گرمابخش او در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل و حمایتها و همراهیهای بی‌دریغ از نظام اسلامی، انقلاب عزیز، امام راحل - رحمة الله علیه - و مقام معظم رهبری - مدظله العالی - شوق او به مجاهده فی سبیل الله و اقامه کلمة الله را نشان می‌داد. و این است که به راستی فقدان مولمه او ثلمه جبران‌ناپذیری برای عالم اسلام و تشیع بوده و درک این مصیبت عظمی جز در سالیان دراز میسر نخواهد بود. هم‌زمانی رحلت این عالم فرزانه و فقیه عالی‌قدر در ایام سوگواری شهادت صدیقه طاهره - سلام الله علیها - مصیبتی مضاعف و اندوهی دیگر بر عالم تشیع تحمیل ساخت.

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم رحلت این فقیه فقید، رکن سعید و مرجع تقلید را به محضر حضرت بقیة الله الأعظم - ارواحنا له الفداء - ، مقام معظم رهبری - مدظله العالی - ، مراجع عظام تقلید - دامت برکاتهم - ، حوزه‌های علمیه، عموم مسلمانان و شیعیان و بیت معظم ایشان خاصه حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمدجواد فاضل لنکرانی تسلیت و تعزیت عرض نموده و از ذات باری تعالی طلب علو درجات برای آن عالم ربانی و صبر و اجر برای درک این مصیبت غم‌بار مسئلت می‌نماید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

علی مشکینی

آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی

بسم الله الرحمن الرحيم

إنا لله وإنا إليه راجعون

رحلت جان‌گداز حضرت آیت‌الله العظمی حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی، عالم جلیل‌القدر و مرجع بزرگ تقلید موجب تأثر و تألم خاطر گردید. این عالم ربانی که از خاندان روحانی و در خانواده علم و تقوا و روحانیت متولد شد، با هوش و استعداد خدادادی به سرعت مدارج بالای حوزوی را طی کرد و به عالی‌ترین درجه اجتهاد نائل گشت. طلاب و شاگردان زیادی از محضر درس این عالم جلیل‌القدر کسب فیض نمودند و آثار و برکات عمر شریف ایشان

در تاریخ تشیع ماندگار خواهد بود.

مرحوم حضرت آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی در دوران مبارزه علیه طاغوت و مظاهر ستم یکی از پیشتازان بودند و به پیروی از مبارزات امام راحل بارها توسط عمال رژیم شاهنشاهی دست‌گیر، بازجویی، زندان و شکنجه شد و رنج و مشقت تبعید را نیز در نقاط بدآب و هوا به جان خریدند.

اینجانب رحلت غمبار و مصیبت فقدان جان‌گناه این عالم و روحانی گران‌سنگ عالم تشیع را به حضرت ولی‌عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - ، رهبر معظم انقلاب، حوزه‌های علمیه بویژه قم، مراجع عظام و آحاد مردم تسلیت می‌گویم و از درگاه خداوند متعال برای آن عالم جلیل‌القدر رحمت واسعه و برای بازماندگان محترم بویژه فرزندان برومندش صبر و اجر مسئلت می‌کنم.

اکبر هاشمی رفسنجانی

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام

آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی

با نهایت تأسف و تأثر رحلت جان‌گداز مرجع عالی‌قدر حضرت آیت‌الله حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی را به ساحت مقدس حضرت ولی‌عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - ، مقام معظم رهبری، علما و مراجع عظام تقلید و عموم مسلمانان تسلیت عرض نموده، از خداوند متعال برای آن مرحوم علو درجات و برای بازماندگان صبر و اجر مسئلت می‌نمایم.

آیت‌الله سید مرتضی حسینی نجومی

بسم الله الرحمن الرحيم

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

بیت معظم و مکرم حضرت آیت‌الله العظمی آقای حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی،
تعمده الله برحمته الواسعة

جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ محمدجواد فاضل لنکرانی، دامت
برکاته العالیة

ضایعه درگذشت مرجع عالی‌قدر را که مصیبتی بزرگ برای عالم اسلام و تشیع و
خسارت عظیمی بر حوزه علمیه بود، تسلیت عرض می‌نمایم. از حضرت حق متعال علو
درجات سامیه جنات عدن الهی و رضوان نعیم بهشتی را برای آن فقید سعید و طول عمر
و عزت و احترام برای بازماندگان شریف معظم محترم بویژه حضرت مستطاب حجت-
الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ محمدجواد فاضل لنکرانی را مسئلت نموده امید آنکه
آنان را نعم الخلف لنعم السلف قرار دهد. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

کرمانشاه - سوم جمادی الثانیة ۱۴۲۸

وفات صدیقه طاهره، سلام الله علیها وعلی آبیها وبعلمها وبنیها

بنده کمترین - مرتضی الحسینی النجومی

۱۳۸۶/۳/۲۹

دکتر محمود احمدی نژاد (رئیس جمهور)

بسم الله الرحمن الرحيم

إنا لله وإنا إليه راجعون

خبر تأثرانگیز ارتحال مرجع بزرگ تقلید، حضرت آیت‌الله فاضل لنکرانی ملت ایران را شدیداً
محزون و اندوهگین کرد. رحلت این عالم ربانی را در ایام سوگواری شهادت حضرت فاطمه زهرا
- سلام الله علیها - به حضرت بقیة الله الأعظم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - ، رهبر عزیز
انقلاب، مراجع معزز اسلام، علما و طلاب و حوزه‌های علمیه، ملت شریف ایران و بیت مکرم
و آقازاده‌های محترم آن مرحوم تسلیت و تعزیت عرض می‌کنم و از خداوند متعال برای آن
فقیه عالی‌مقام، علو درجات و برای بازماندگان ایشان صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت دارم.
آن مرحوم از شاگردان و ارادتمندان حضرت امام خمینی - رحمة الله علیه - بودند و در
حوزه‌های علمیه با نورافشانی خود در تربیت عالمان عامل و طلاب فاضل سعی بلیغ
داشتند. ایشان از پیشگامان مبارزه علمی با نظریه استعماری جدایی دین از سیاست بودند.

بدون تردید ملت ایران، مواضع قاطعانه این عالم مجاهد را در دفاع از حریم اسلام، ارزشهای انقلاب اسلامی و آرمانهای امام راحل عظیم‌الشأن بویژه در دوران مبارزات علیه طاغوت از یاد نخواهند برد. خداوند، ایشان را با اولیای دین محشور فرماید. والسلام علی عبادالله الصالحین
محمود احمدی‌نژاد

دکتر غلام‌علی حداد عادل (رئیس مجلس شورای اسلامی)

هو الباقي

ارتحال عالم ربانی، فقیه اهل بیت و مرجع عالی‌قدر شیعیان حضرت آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی را به محضر مبارک حضرت بقیة الله - عجل الله تعالی فرجه الشریف - و مقام معظم رهبری و نیز مراجع عظام و عموم مردم متدین کشور، خاصه مقلدان آن مرحوم و بیت محترم ایشان تسلیت می‌گویم و علو درجات آن فقید مجاهد و صبر و اجر بازماندگان را از خداوند کریم مسئلت می‌کنم.

غلامعلی حداد عادل

رئیس مجلس شورای اسلامی

حجت‌الاسلام والمسلمین سید حسن خمینی

بسمه تعالی

حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ جواد فاضل لنکرانی، دامت برکاته رحلت جان‌گداز مرجع تقلید شیعیان جهان حضرت آیت‌الله العظمی حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی (ره) که مقارن با ایام سوگواری حضرت فاطمه زهرا - سلام الله علیها - به وقوع پیوست یقیناً ضایعه‌ای سنگین و ثلمه‌ای جبران‌ناپذیر بر پیکر حوزه‌های علمیه و نظام اسلامی است. آن مرجع عالی‌قدر چه در دوره تدریس امام و چه در دوره مبارزه و تبعید، در زمره برجسته‌ترین شاگردان مکتب فقهی، سیاسی امام عظیم‌الشأن بود و بدون شک حضور پربرکت ایشان در حوزه علمیه قم در سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی نقشی ممتاز در گسترش اندیشه اسلام ناب محمدی (ص) ایفا نمود. نقشی که در سالهای پس از ارتحال امام راحل در کسوت مرجعیت عامه شیعیان رخ نمود و دل‌های امام دوستان

را به بقای خط فقهی امام خمینی در حوزه‌های علمیه امیدوار ساخت. چه آنکه آن مرجع عالی‌قدر عمر فقهی خویش را در شرح تحریرالوسیله امام و تحکیم مبانی فقهی سلف صالح سپری کرده و این مهم را نه در سالهای عزت که در روزگار غربت انقلاب و در ایام تبعید آغاز نموده بود.

همراهی و مصاحبت صمیمانه حضرت آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی با فرزند شهید امام در سالهای درس و مبارزه، ایشان را تا حد یکی از اعضای بیت امام مطرح ساخته بود. بدان پایه که در ذره ذره وجود گران‌قدر آن مرحوم عشق وافر به حضرت امام عیان دیده می‌شد.

بدون تردید نیم قرن تدریس آن مرجع عظیم الشان در حوزه‌های علمیه چنان گنجینه‌ای گران‌قدر را فراهم آورده است که بسان باقیه صالحه‌ای همواره روح ایشان را غرق رحمت الهی خواهد ساخت.

اینجانب که همواره افتخار شاگردی آن فقیه جلیل‌القدر را همراه داشته‌ام این مصیبت عظمی را به ساحت بقیه‌الله الاعظم (عج)، رهبر معظم انقلاب، مراجع تقلید، حوزه‌های علمیه و به خصوص به خاندان معزز و بالاخص به جناب‌عالی و اخوان محترم تسلیت عرض نموده و علو درجات آن عالم مجاهد و دوام عزت و توفیقات جناب‌عالی را از خداوند متعال مسئلت دارم.

حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمد خاتمی

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت‌الاسلام والمسلمین حاج آقا جواد آقای فاضل، دامت برکاته ارتحال تأسف برانگیز عالم مجاهد، فقیه صمدانی و مرجع والامقام، حضرت آیت‌الله العظمی حاج آقا محمد فاضل لنکرانی - قدس سره - خسارتی سنگین برای تشیع، حوزه علمیه و همه جهان اسلام است که تنها لطف ویژه حضرت پروردگار می‌تواند آن را جبران کند. آن بزرگوار که بیش از نیم قرن در عرصه علم و عمل جایگاهی ممتاز داشت، از رهروان بلندآوازه حضرت امام خمینی - قدس سره - و از پشتوانه‌های محکم و روشن‌بین

نظام جمهوری اسلامی و مدافع حق و حرمت مردم و پاسدار امین مکتب اهل بیت (ع) و مدافع دلیر رفعت جایگاه حوزه در عرصه علم و اخلاق و عمل بود. تربیت‌شدگان آن والا گهر هم‌اکنون نیز سرمایه‌ای گران‌سنگ برای اسلام و ایرانند.

من این مصیبت عظیم را به پیشگاه حضرت بقیه‌الله الأعظم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - و رهبر معظم انقلاب و مراجع عظام و حوزه‌های علمیه، به خصوص حوزه مبارکه علمیه قم و به جامعه اسلامی و خاندان پاک و گرامی آن فقیه عالی‌مقدار تسلیت عرض می‌کنم و علو درجات آن بزرگوار و صبر و اجر بازماندگان معزز و سلامتی و توفیق روزافزون جناب‌عالی را در ادامه راه آن عزیز و خدمت بیشترتان به اسلام، ایران و انقلاب از درگاه حضرت حق - جل و علا - مسئلت می‌کنم.

سید محمد خاتمی

۱۳۸۶/۳/۲۶

علامه سید ساجد علی نقوی (رهبر شیعیان پاکستان)

محضر شریف حاج آقای جواد فاضل لنکرانی، زید عزه

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

إنا لله وإنا إليه راجعون

با تأثر و تألم فراوان اطلاع یافتیم که فقیه مجاهد و مبارز حضرت آیت‌الله العظمی حاج آقای فاضل لنکرانی - رضوان الله تعالی علیه - دار فانی را وداع گفته و به دیار حق شتافتند. این ثلمه اعظم بزرگ و جبران‌ناپذیر برای حوزه علمیه و شیعیان جهان است. حوزه علمیه قم یکی از فقهای اعظم و اصولیون نام‌دار و استاد فرهیخته و برجسته خود را از دست داد و پیروان مکتب اهل بیت از مرجع بزرگ تقلید و آگاه به زمان خود محروم شده‌اند. ایشان در دوران ستم‌شاهی در شمار برجستگانی از حوزه علمیه قم به شمار می‌آمدند که در همه موارد حساس نقشهای مهمی ایفا کردند و یار دیرینه امام امت و پشتیبان بزرگ مقام معظم رهبری - مد ظله العالی - بودند.

اینجانب این مصیبت بزرگ را به ساحت اقدس حضرت بقیه‌الله الأعظم - ارواحنا

له فداء - مقام معظم رهبری، مراجع عظام و حوزه‌های علمیه و به شیعیان تسلیت و تعزیت می‌گویم. همچنين به خانواده مکرم و آقازادگان ارجمند و دیگر بازماندگان ایشان تسلیت عرض کرده، از خداوند متعال برای آنان صبر جمیل و اجر جزیل را مسئلت می‌نمایم.

والسلام على عباد الله الصالحين
سيد ساجد على نقوى

حجت‌الاسلام والمسلمين سيد محمدباقر موسوى مهري

بسم الله الرحمن الرحيم

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

سماحة حجة الإسلام والمسلمين الشيخ محمدجواد اللنكراني - دامت برکاته - نُعزِّیکم والعائلة الكريمة والحوزات العلمية والجامعات وأساتذة الحوزات العلمية بوفاة المرجع الديني آية الله العظمى الشيخ محمد فاضل اللنكراني - قدس سره - الذي قضى عمره الشريف في التدريس والتحقيق والتأليف ورعاية الحوزة العلمية وتربية طلبة العلوم الدينية والدفاع عن العقائد الحقّة لمذهب أهل البيت - عليهم السلام - وفي سبيل الإطاحة بنظام طاغية إيران الشاه المقبور وتأسيس جامعة مدرسي الحوزة العلمية في قم وإحياء خط الإمام الخميني - قدس سره - وفقهه من خلال تأليف موسوعته الفقهية باسم شرح تحرير الوسيلة.

إنّ فقد فقيه العلم والتقوى والفضيلة والجهاد والدفاع عن أهل البيت - عليهم السلام - الإمام الشيخ محمد فاضل اللنكراني - قدس سره - خسارة كبيرة وثلمة في الإسلام ولا تُعوّض هذه الخسارة:

هيّهات أن يأتي الزمان بمثله إنَّ الزمان بمثله لفظيم
فرحمة الله عليه يوم ولد ويوم انتقل إلى الرفيق الأعلى ويوم بيعت حياً وحشره الله مع محمد وآله وحسن ذلك رقيقاً.

السيد محمدباقر المهري
الكويت ٢ جمادى الثاني ١٤٢٨ هـ

جامعه روحانیت مبارز تهران

ارتحال مرجع عالی قدر حضرت آیت الله آقای فاضل لنکرانی - رضوان الله علیه - که از تلامیذ زبده حضرت امام خمینی - قدس سره - بوده و از محضر آیات عظام قم، بویژه مرحوم آیت الله العظمی بروجردی - رحمة الله علیه - بهره وافر داشتند و همواره با سایر شاگردان حضرت امام - رحمة الله علیه - در تمام مراحل مبارزه با رژیم طاغوت و پشتیبانی از انقلاب و رهبری ثابت قدم بودند، را به محضر مبارک ولی الله الأعظم حجت بن الحسن العسكري - عجل الله تعالی فرجه الشریف - ، مقام معظم رهبری، حوزه‌های علمیه، مراجع تقلید و عموم شیعیان و مؤمنین و خصوصاً بیت رفیع آن فقیه مجاهد و آقاهاگان محترم تسلیت عرض می‌کنیم.

جامعه روحانیت مبارز تهران

محمدرضا مهدوی کنی

۲۶ خرداد ۱۳۸۶ مطابق با اول جمادی الثانی ۱۴۲۸

مجمع روحانیون مبارز

بسمه تعالی

إنا لله وإنا إليه راجعون

رحلت جان سوز مرجع بزرگ عالم تشیع حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی ضایعه‌ای جبران ناپذیر برای حوزه‌های علمیه، جهان اسلام و نظام جمهوری اسلامی ایران است. آن بزرگوار که از شاگردان برجسته مکتب فقهی، فکری، سیاسی و مبارزاتی حضرت امام خمینی - رحمة الله علیه - بود، دهها سال حوزه علمیه قم را با نور دانش وسیع خود روشن و جویندگان و رهروان طریق اجتهاد و معارف اهل بیت عصمت و طهارت - علیهم السلام - را سیراب نمود و در عرصه مبارزه علیه طاغوت و جهاد عملی نیز مجاهدی نستوه، عالمی روشنگر و پشوانه‌ای مستحکم برای انقلاب و نظام جمهوری اسلامی و ملت شریف ایران بود. مجمع روحانیون مبارز این ضایعه بزرگ و مصیبت سنگین را به ساحت مقدس حضرت

ولی عصر - ارواحنا فداه - و رهبر معظم انقلاب و مراجع بزرگوار تقلید و بیت رفیع آن مرجع فقید بویژه فرزند فاضل و ارزشمندشان حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ جواد فاضل و به عموم ملت ایران تسلیت گفته، از خداوند منان علو درجات برای آن عالم عامل، و شکیبایی و اجر برای بازماندگان معزز مسئلت می نماییم.

مجمع روحانیون مبارز

دبیر اجرایی مجمع

مجید انصاری

حوزه علمیة قطیف

بسم الله الرحمن الرحيم

قال أمير المؤمنين - عليه السلام - : إذا مات العالم ثم في الإسلام ثلثة لا يسدّها شيء إلى يوم القيامة. تعزي الحوزة العلمية في القطيف صاحب العصر والزمان - عجل الله تعالى فرجه الشريف - والمراجع العظام والحوزات العلمية الحافظة لعلوم أهل البيت برحيل المرجع الديني آية الله العظمى الشيخ فاضل النكراني - قدس سره - لقد كان الفقيه الراحل علماً من أعلام الدين والعلم وبفقدته خسرت الأمة عالماً عاملاً وفقياً بارزاً ومرجعاً دينياً كبيراً نذر نفسه لخدمة الدين والعلم.

نسأل الله العليّ القدير أن يتغمّد الفقيد بواسع رحمته ويسكنه الفسيح من جنّته. إنّنا لله وإنا إليه راجعون.

الحوزة العلمية في القطيف

۱۴۲۸/۶/۲ هـ

مجمع اهل البيت(ع) دانمارك

بسمه تعالى

برادر عزیز حضرت حجت الاسلام والمسلمین حاج آقا جواد فاضل لنکرانی، زید عزّه العالی پس از سلام و تحیت با کمال تأسّف و تأثر ضایعه دردناک رحلت والد معظم و استاد بزرگوارمان مرجع عالی قدر جهان تشیّع حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی - رضوان

الله تعالی علیه - را که خسارت سنگین برای تشیع و حوزه علمیه قم و همه جهان اسلام است، به جناب عالی و خاندان محترم و همه بازماندگان تسلیت می‌گوییم. به یقین خدمات برجسته آن فقیه بزرگ به جهان تشیع و آثار گران‌بها و ذی‌قیمت ایشان و عشق و علاقه و دفاع از اهل بیت و قداست روحی ایشان فراموش ناشدنی است. از خداوند متعال علو درجات و رحمت برای آن فقید سعید و صبر و اجر جزیل برای حضرت عالی و بازماندگان محترم مسئلت دارم.

سید محمدمهدی خادمی

مسئول مرکز اسلامی و رئیس مجمع اهل بیت (ع) دانمارک

شورای عالی علمای جعفری در جمعیت جعفری ترکیه

بسم الله الرحمن الرحيم

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

إِذَا مَاتَ الْمُؤْمِنُ الْفَقِيهُ ثَلَمَ فِي الْإِسْلَامِ ثَلَمَةٌ لَا يَسْدُهَا شَيْءٌ.

جهان تشیع بار دیگر یک مرجع عالی‌قدر خود را از دست داد و غرق در ماتم شد. رحلت حضرت آیت‌الله العظمی مرجع بزرگ عالم تشیع الحاج الشیخ محمد فاضل لنکرانی را به پیشگاه حضرت ولی‌عصر - ارواحنا وأرواح العالمین لمقدمه الفداء - و مقام معظم رهبری، اساتید و علمای حوزه علمیه قم مقدسه و تمام طلاب و شاگردان آن فقید بزرگوار و بالأخص به خلف صالح، فرزند گرامی معظم‌له حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای شیخ جواد لنکرانی - دامت تأییداته - و خانواده مصیبت‌دیده آقا - اعلی الله مقامه وأسکنه فی جنة النعیم - تسلیت می‌گوییم. یادش همیشه زنده، قبرش پر نور و روح مقدّسش شاد.

شورای عالی علمای جعفری در جمعیت جعفری

یکشنبه ۱۳۸۶/۳/۲۷ هجری شمسی

برابر با ۲۰۰۷/۶/۱۷ م

استانبول - ترکیه

مؤسسة الإمام الخوئي الخيرية

بسم الله الرحمن الرحيم

إذا مات العالم ثلم في الإسلام ثلثة لا يسدها شيء.

تنعى مؤسسة الإمام الخوئي الخيرية للأمة الإسلامية جمعاء لاسيما أتباع أهل البيت - عليهم السلام - المرجع الديني آية الله العظمى الشيخ محمد فاضل اللكراني - قدس سره - حيث انتقل إلى جوار ربه الكريم عن عمر ناهز السادسة والسبعين قضاها بالدرس والتدريس والبحث وشؤون المرجعية خدمة للعلم والدين والمؤمنين، والمغفور له كان علماً من أعلام الفقاها والاجتهاد ومرجعاً من مراجع الدين الحنيف الكبار. وبهذه المناسبة الأليمة والخسارة يفقد هذا العالم الرباني نتقدّم بآيات العزاء إلى صاحب العصر والزمان الحجة المهدي - عجل الله تعالى فرجه الشريف - وكذلك إلى مراجع الدين العظام والحوزات العلمية وأسرتة الكريمة، نسأل الله العلي القدير أن يتغمده بواسع رحمته ورضوانه ويسكنه فسيح جنانه مع الذين أنعم الله عليهم من النبيين والصديقين والشهداء والصالحين و حسن اولئك رفيقاً وإنا لله وإنا إليه راجعون.

مجمع علمای ترک در اروپا

بسم الله الرحمن الرحيم

إنا لله وإنا إليه راجعون

يا أيّتها النفس المطمئنة ارجعي إلى ربك راضية مرضية فادخلي في عبادي وادخلي جنتي. ضايعةً اسفناك ارتحال ملكوتي مرجع عالي قدر، اسوةً فقاها، استوانةً تهذيب و مجاهدت، عالم رباني، زعيم حوزة هاهى علميه و پشتوانةً استوار فضيلت و ديانت حضرت آيت الله العظمى حاج شيخ محمد فاضل لكراني - قدس الله نفسه الزكية - عالم تشييع را غرق در مصيبت و اندوه كرد.

اين مصيبت بزرگ را به محضر مقدس حضرت صاحب الامر امام زمان - عجل الله تعالى فرجه الشريف - و رهبر معظم انقلاب و حوزة هاهى علميه و عموم مسلمانان و

شیعیان و بیت معظم ایشان خاصه حضرت حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ جواد فاضل لنکرانی تسلیت و تعزیت عرض نموده و از ذات باری تعالی طلب علو درجات برای آن عالم ربانی و صبر و اجر برای درک این مصیبت غمبار مسئلت می نماییم. همزمانی رحلت این عالم فرزانه و فقیه عالی قدر در ایام سوگواری شهادت صدیقه طاهره - سلام الله علیها - مصیبتی مضاعف و اندوهی دیگر بر عالم تشیع تحمیل ساخت. خداوند این مصیبت عظمی را بر همگان آسان و بر همه صبر و اجر عنایت فرماید. مجمع علمای ترک در اروپا
۲۰۰۷/۶/۱۷ م

حوزه امام زین العابدین(ع)

بمیزد من الأسى والحزن وبنفوس مؤمنة بالله العلي القدير تلقينا نبأ رحيل الفقيه المجاهد آية الله العظمى الشيخ محمد الفاضل اللنكراني - قدس سره - حيث خسرت الأمة الإسلامية والحوزات العلمية خسارة كبرى لاتعوض، إذ فقد العالم ثلثة في الدين وخسارة لايسدها شيء، حيث فقدت الحوزة العلمية واحداً من أعظم شخصياتها وأكبر أساطينها الذين قضوا عمراً طويلاً في البحث شيدوا فيه الآراء العلمية الدقيقة والمباني الرصينة، كما أن سماحة الفقيه يمثل شخصية متميزة واعية ثورية نهجت نهج الإمام الخميني - قدس سره - ودافعت عن القيم التي أسسها وشيد صروحها في ثورته الإسلامية، كما أنه كان من الشخصيات المشاركة في كل الأصعدة والميادين، فقد خسرت الأمة جمعاء برحيل هذا الفقيه البارز وجوداً عظيماً شامخاً لايمكن تعويضه.

إننا نتقدم بتعازينا لمولانا صاحب العصر والزمان - أرواحنا لتراب مقدمه الفداء - وللأمة الإسلامية كافة ولجميع المراجع وفقهاء وفضلاء الحوزات ولذوي الفقيد الصابرين، وأبنائه الكرام ولأفراد مكتبه المخلصين كما نتقدم بتعازينا لعائلته وأبنائه المكرمين وأقربائه داعين المولى العلي القدير أن يمن عليهم بالصبر وأن يلهمهم السلوان.

حوزه الإمام زین العابدین(ع) بنی جمرة - البحرين

۲۰۰۷/۶/۱۷ م - غرة جمادى الثانية ۱۴۲۸ هـ

٦٣٠ غروب آفتاب

در سوگ آفتاب

درگذشت آن عالم ربانی، شاعران را نیز به سوگ نشاند و آنان نیز در رثای او اشعاری را سرودند:

عزا عزاست امروز

روز عزاست امروز	عزا عزاست امروز
پیش خداست امروز	مرجع تقلید ما
آن مرد جاودانی	آن مرجع جهانی
فاضل لنگرانی	زعیم آسمانی
خیرالنساست امروز	مهمان کنار بزم
فقیه آل عصمت	احیاگر شریعت
یار امام امت	مدافع ولایت
با شهداست امروز	روح بلند و پاکش
آن عالم خدایی	آن آیت الهی
بر پیک آشنایی	لبیک گفته از جان
عالم جداست امروز	روح بلند او از
روح از تنش روان شد	با دعوت الهی
بهشت جاودان شد	مهمان فاطمه در

شهر قم از غم او	ماتم سراسر امروز
خدمتگزار مردم	در سنگر فقاقت
تا آخرین نفس داشت	بر لب گل عبادت
روحش بسوی اوج	قرب خداست امروز
بار دگر خزان شد	یک گل زباغ تقوا
در ماه فاطمیه	شد میهمان زهرا
فیضیه با غمش در	شور و نواست امروز

محمد نعیمی

در رثای فضل و دانش

کسی با قلب من می‌گفت روزی:	تو را از زندگی کردن چه حاصل؟
تو بذری بودی و جای تو در خاک	برآوردی سری از خاک و از گل
نه میل سرکشیدن در سر توست	نه یاری، همدمی، همراز با دل
تو خود آن بوته خاری در بیابان	نه شمعی کو فروزان کرد محفل
دلَم از این سخن همچون شب تار	و کامم تلخ چون زهر هلاهل
از آن شب تا هزاران شام دیگر	همه روزم شب و شب بی‌دلایل
ولی دست خدایم آشنا کرد	مرا با همدمی، همسایه با دل
شدم همسایه‌ای با بهترین گل	بریدم من زهر خاک و زهر گل
کنار آن سروش آسمانی	دلَم را بسته بودم من حمایل
نفهمیدم چسان آمد چسان رفت	به دل گفتم: دلا، هستی چه غافل
دل غمگین «دانشمند» می‌گفت:	که رفت از این جهان آقای فاضل
تو رفتی، راهت اما برقرار است	دل ما گرچه شد منزل به منزل

مرتضی دانشمند

کشتی دریای فضل

کشتی دریای فضل رحمه للعالمین
شیخ اعلم آیت‌الله مجاهد پر کشید
در غم هجران او اهل زمین آشفته دل
جایگاه این فقیه سربلند اهل بیت(ع)
از پیامش عطر بیداری به عالم منتشر
پیروانش عاشقان اهل بیت مصطفی(ص)
آیت حق، اختر دین، جلوهٔ حبل المتین
چون همای معرفت سوی سماوات از زمین
زین مصیبت مضطرب در آسمان روح الامین
برسر انگشتر دین الهی چون نگین
درکلامش آشکارا اتحاد مسلمین
همرهانش رهروان خط خیرالمرسلین
۱۳۸۶/۳/۲۷

سید احمد زرهانی

شعله شعله درد

سوی دیار باقی رفت از جهان فانی
نخل حریم ماتم از هجر آیت عشق
در سوگ این فقیه ربانی مجاهد
تاعطر حق پرستی بر جان ما نشاند
خورشید بود و می‌رفت آن سوی کهکشانش
آن مرجعی که استاد در پیش کفر و باطل
چون حوزه‌های دینی از داغ جانگدازش
هرگاه داغ زهرا می‌سوخت جان او را
یاسر، از این شراره چون شعله شعله دارد
آیینه فقاقت فاضل لنکرانی
در فصل درد آمد با قامت کمانی
گردید چشم و دل را هنگام خون‌فشانی
افراخت قامت آن گل در حال ناتوانی
یعنی چراغ دل‌ها گردید آسمانی
جز حق نرفت راهی در پیری و جوانی
دارم سرشک پرپر، دارم دل خزانی
می‌ریخت روی چهره گلهای ارغوانی
با داغ هم نشینی، با درد هم‌زمانی
کمترین - محمود تازی (یاسر)

مرجع بیدار

آیت حق، لنکرانی اسوهٔ ابرار بود
چلچراغ حب عترت، نوربخش خانه‌اش
انقلابی، پرتحرک مرجعی بیدار بود
نور قرآن در نگاهش برترین انوار بود

<p>سینه‌اش زین معرفت گنجینه اسرار بود عالم اسلام را از سوز دل غم‌خوار بود در عبادت هم‌ردیف مالک و عمّار بود حوزه از صهبای درس حضرتش خمار بود ای دریغا موعده دیدار او با یار بود بیژن شهرامی</p>	<p>فاطمیه در نگاهش مثل عاشورا بزرگ شیعیان را آرزومند شکوه و فتح و عز در فقاقت صاحب اندیشه و فهمی عمیق شهر قم مست از می‌تسییح روز و شام او سومین ماه از هزار و سیصد و هشتاد و شش</p>
---	---

خزان گلشن دین

<p>دل را مصیبتی و غمی بی‌کران گرفت بار دگر به دامن پیر و جوان گرفت زین داغ جان‌گزا همه جان را فغان گرفت از جان خاص و عام قرار و توان گرفت اشک روان ز دیده صاحب زمان گرفت ز آئینه‌ها کدورت شک و گمان گرفت برجان خصم سوختنی بی‌امان گرفت تا توسن شریعت و دین را عنان گرفت در دست خویش مشعل پرتو فشان گرفت با جوهر بیان و قلم از میان گرفت با جهد او تعالی شرح و بیان گرفت آرام و اختیار به اشک روان گرفت با همتش دوام و بقا در جهان گرفت داغی که جای در دل ما جاودان گرفت بر شاخسار خلد برین آشیان گرفت از ما بجان دوست که آرام جان گرفت</p>	<p>دردا که بازگلشن دین را خزان گرفت دردا که شعله‌های فراقی جگر گداز فریاد و شیون همه از سینه‌ها گذشت فقدان دردناک فقیهی بزرگوار این ماجرا که دیده ما را به خون کشید فاضل که بود فخر افاضل به اجتهاد در عرصه قیام پیامش چو تندری یک دم نشد جدا ز مرام ابوتراب تا خلق را به راه سعادت شود دلیل غیر از بیان آل محمد(ص) هر آنچه بود گفتار انبیا و مرام پیمبران با یاد و نام حضرت زهرا(س) ز چشم خویش آثار خیر و مرکز فقه و اصول دین افسوس رفت و ماند بجا داغ ماتمش روح بلند سیر و شریعتمدار او تقدیر و سرنوشت چه داند چه کرده است</p>
--	--

او را که از سؤال من آتش به جان گرفت
«جا مرجع مجاهد ما در جنان گرفت»
در جانم آتشی است که بر استخوان گرفت
براتی

تاریخ رحلتش زخرد شد سؤال دوش
«با آه» گفت سال وفاتش چنین بود
زین داغ جان‌گداز براتی به گریه گفت

دموع القوافي

ینعاک جیل کنت فیہ المرشدا
أصلت فیها من رؤاک الواردا
کی تهتدی سرّ الوجود مقاصدا
والیوم فیها تستعید الشاهدا
أبحاث فقه قد رأته الأوحدا
یلقاک فیہ من یوم المسجدا
یلقون حظاً لو أصابوا المشهدا
فالکل یسقی ما استطاب المورد
والدمع سحر فی العیون ترددا
جسدت فیها للهداة معاهدا
منها أرانی قد نظمت قصائدا
یا سرّ وحی لست فرداً فاقدا
مذ راح منها من رأته الراشدا
ماکنت أحسب للرحیل مشاهدا
هیئات تحویک اللحد موسدا
زمر الملائک کی تزور الوافدا
بالفقه طوراً أو رأته الساجدا

یا شمس علم الطیبین تفردا
تبکی علیک من العلوم قواعد
عیناک ترمق للسماء تطلعا
نظرت فی کل العلوم شواهدا
لولاک یابن الأکرمین تراجمت
فی اللیل ورد والنجوم شواهد
الناس فی شرع الحیة مشارب
فجرت نهراً للذین تدافعوا
عیناک نور العاشقین ضیاؤها
تبکی الحسین وللحسین مجالس
تبکی البتولة والدموع تناثرت
فیها نعزی «للجواد» مصابه
بل أمة الإسلام حلّ وثاقها
الیوم فی وسط اللحد نزوره
والیوم تنعاک القلوب بنبضها
من عالم الغیب الرفیع تسابقت
فراأتک فی سوح الجنان معممّاً

تبكيك عيني ياملاذ تطلعي
يا نسمة الصبح الخجول تصرمت
يا ملتقى الفكر الأصيل تدافعت
في الحرب قبل السلم كنت مقدماً
يا موقف الإخلاص يا دستوره
ما كنت أرغب أن أراك موسداً
قل لي علاماً قد تأخر نعشه
هل أن أيام «البتول» تضمه
يا «قم» يا كون الخلود تفرعت
اليوم ألغت كل ضرب معيشة
هذي جراحك لملمتها فواطم
تبكي لضلع من بتولة أحمد
واليوم فاطم بالسواد توشحت
هل حمرة الوجه الحزين علامة
في يوم فاطم والدموع سواجم
ذي أمة الإسلام أغرقها العزاء
حملتك ما بين الجفون قرابة
رشوا على القبر الشريف ترابه
لاذوا بنعشك عند «بضعة كاظم»
بوركت رمزاً في القلوب مخلداً
عذراً تراني قد عذرت الحاسدا
مني الحروف فصرت فيها الشاردا
مناً عقول كي تعيش الأمجدا
يغذيك رمز عشت فيه السيدا
يا صرخة القلب العطوف توددا
كلا ولا نظرت عيوني اللاحدا
والكل يرغب أن يزف الوافدا
للدفن حزناً أم تُبيح الفاقددا
عن «بنت موسى» ما يذيب الجامدا
من أجل أن تهدي الفقيد قلائدا
فاهنيء بعيش رمت فيه الأوحدا
بالباب عصراً نزفه لن يجمدا
تبكيك حزناً بل عزاءً سرمدا
أم لطمة الوغد العنيد ترصددا
هبت جموع قد رأتك الوالدا
فاستبدلت ثوب الزمان الأسودا
وبنت طه قد أروها الأنكددا
من فيض دمع ما يبيل الجلمدا
فوجدت فيضاً من بهاء أسعددا
يكفيك عزاً أن غدوت الخالدا
قم المقدسة

٣ جمادى الثاني ١٤٢٨ هـ
السيد محمد رضا السلمان

منابع

۱. آثار الحجّه، محمد شریف رازی، قم، دارالکتاب، چاپ سوم.
۲. آینه دانشوران، سید علیرضا ریحان یزدی (م ۱۳۶۳ش)، تحقیق ناصر باقری بیدهندی، قم، کتابخانه آیتالله نجفی، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.
۳. آیین کشورداری از دیدگاه امام علی(ع)، محمد فاضل لنکرانی، تقریر و مقدمه: حسین کریمی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۸ش.
۴. اجساد جاویدان، علی اکبر مهدی پور، قم، انتشارات حاذق، چاپ اول، ۱۳۷۴ش.
۵. اسناد انقلاب اسلامی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۴ش.
۶. اسوه فقاہت و پارسایی، قم، مؤسسه انتشارات ائمه(ع)، چاپ اول، ۱۳۸۶ش.
۷. اسوه فقاہت و مرجعیت، ویژه نامه به مناسبت اربعین ارتحال آیتالله فاضل، روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۶/۵/۳.
۸. امام در آینه اسناد، سیر مبارزات امام خمینی به روایت اسناد شهربانی، تدوین و نشر: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۸۳ش.
۹. پا به پای آفتاب، امیررضا ستوده، تهران، نشر پنجره، چاپ سوم، ۱۳۸۲ش.
۱۰. پیک آفتاب، محمد اسفندیاری، قم، صحیفه خرد، چاپ اول، ۱۳۸۳ش.
۱۱. تربت پاکان قم، عبدالحسین جواهرالکلام، قم، انتشارات انصاریان، چاپ اول، ۱۳۸۲ش.
۱۲. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، سید محسن صالح، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۵ش.
۱۳. خبرگان ملت، دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۰ش.

۱۴. خورشید فقاہت و فضیلت، ویژه‌نامهٔ اربعین رحلت فقیه اهل بیت حضرت آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی قدس سره، سید محمدجواد نور موسوی و ابراهیم سلیمانی، چاپ اول، ۱۳۸۶ش.
۱۵. راز توفان، یادنامهٔ آیت‌الله سید مصطفی خمینی، واحد پژوهش‌های تاریخی بنیاد انقلاب اسلامی و نشر ذره، چاپ اول، ۱۳۷۶ش.
۱۶. روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌های متعدد: اطلاعات، ابرار، اعتماد ملی، ایران، پرتو سخن، جام جم، جمهوری اسلامی، رسالت، قدس، کیهان و همشهری.
۱۷. سایت اختصاصی آیت‌الله فاضل لنکرانی با آدرس www.lankarani.com
۱۸. ستارگان حرم، گروهی از نویسندگان فرهنگ کوثر، قم، انتشارات زائر، چاپ اول، ۱۳۸۲ش.
۱۹. سیر مبارزات امام خمینی در آئینهٔ اسناد به روایت ساواک، تهران، مؤسسهٔ تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۸۶ش.
۲۰. شمه‌ای از زندگانی و آثار حضرت آیت‌الله العظمی حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی.
۲۱. شیخان قم، مینا احمدیان، قم، دلیل ما، چاپ اول، ۱۳۸۳ش.
۲۲. صحیفهٔ امام (مجموعه آثار امام خمینی)، تهران، مؤسسهٔ تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم، ۱۳۸۵س.
۲۳. گروهی از دانشمندان شیعه، رضا استادی، چاپ اول، ۱۳۸۳ش.
۲۴. گلشن ابرار، جمعی از پژوهشگران پژوهشکدهٔ باقرالعلوم(ع)، قم، انتشارات نورالسجاد، چاپ اول، ۱۳۸۵ش.
۲۵. گنجینهٔ دانشمندان، محمد شریف رازی، تهران، کتاب‌فروشی اسلامی، ۱۳۵۲ش.
۲۶. لمحّة عن نشاطات حوزة فقه الأئمّة الأطهار(ع) ومکتب المرجع الدینی سماحة آيةالله العظمی محمد الفاضل اللنکرانی، سوریه، حوزة فقه الأئمّة الأطهار(ع).
۲۷. مجله‌های پیام انقلاب، حوزه و نور علم.
۲۸. مرجع وارسته آیت‌الله العظمی شیخ محمد فاضل لنکرانی مد ظله العالی، هیئت علمی مؤسسهٔ نوید اسلام، قم، نوید اسلام، چاپ اول، ۱۳۸۴ش.

۲۹. مرکز فقهی ائمه اطهار(ع)، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار(ع)، چاپ سوم، ۱۳۸۶ش.
۳۰. مصاحبه‌های آیت‌الله فاضل که در نشریات مختلف به چاپ رسیده و متن کامل آنها در قسمت مربوط به مصاحبه‌ها آمده است.
۳۱. مصاحبه‌های حجت‌الاسلام محمدجواد فاضل در مورد والد معظم در مطبوعات که در این نشریات به چاپ رسیده است: هفته‌نامه افق حوزه، ۱۳۸۶/۵/۳، جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۲/۱۵ (ویژه‌نامه شاخه‌ای از شجره طوبی)، روزنامه اعتماد ملی، ۱۳۸۶/۸/۱۲، جمهوری اسلامی، ۱۳۸۶/۵/۳ (ویژه‌نامه اسوه فقاہت و مرجعیت).
۳۲. من حياة سماحة المرجع الديني آية الله العظمى الحاج الشيخ محمد الفاضل اللنكراني مد ظله العالی، محسن اسدی، قم، مرکز فقه الأئمة الأطهار(ع)، چاپ اول، ۱۴۲۱ ق و چاپ دوم، ۱۴۲۷ ق.
۳۳. نجم الفقاهة، لمحات من حياة المرجع الديني الكبير آية الله العظمى الشيخ محمد الفاضل اللنكراني قدس سره، علی فخرالاسلام، سوریه، حوزه فقه الأئمة الأطهار(ع)، چاپ اول، ۱۴۲۸ ق.
۳۴. هفتاد سال خاطره از آیت‌الله سید حسین بدلا، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۸ش.

